

فهرست

| | |
|---|-----|
| پیشگفتار..... | ۴ |
| محورهای همایش | ۸ |
| سخنرانی دکتر محمد سعید جبل عاملی | ۹ |
| سخنرانی دکتر سید مسعود میر کاظمی | ۱۲ |
| سخنرانی مهندس محسن خجسته مهر | ۱۵ |
| سخنرانی دکتر محمد حسن قدیری ایبانه | ۱۷ |
| بیانیه همایش..... | ۱۹ |
| منشور اقتصاد مقاومتی..... | ۲۲ |
| بازتاب خبری..... | ۲۴ |
| مقالات برگزیده..... | ۲۸ |
| نقد و بررسی صنعت و شبکه برق ایران باتوجه به اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکار، سید علی فاطمی خوراسگانی، سید مهدی بنی طبا کوپایی، محمد مهدی پاک پرور | ۲۹ |
| مدیریت بی ثباتی درآمدهای نفتی راهبردی فعال در اقتصاد مقاومتی، رضا محسنی | ۴۱ |
| نقدی بر چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت ایران ، داریوش ابوحمزه، ایمان اعیانی، بهزاد بابازاده، امیر براتی | ۶۹ |
| لزوم تدوین استراتژی انرژی بر مبنای اقتصاد مقاومتی، ارسلان ظاهری بیرگانی | ۹۲ |
| فلسفه، ضرورت و راهبرد های اصلی اقتصاد مقاومتی، دکتر علیرضا علی احمدی، حامد نجفی جزه..... | ۱۲۵ |
| فرصتهای ایجاد شده برای اصلاحات اقتصادی در اثر تحریم نفت و گاز، سید علی روحانی | ۱۵۸ |

- جایگاه توسعه پالایشگاههای کوچک برای تحقق اقتصاد مقاومتی، یاسر کنعانی ممان، عباس ملکی ۱۷۴
- جایگاه استراتژی ملی انرژی در اقتصاد مقاومتی، مجید صحراگرد ۱۸۸
- تحلیلی بر وضعیت تحریم نفت ایران، دکتر علیرضا علی احمدی، حامد نجفی ۲۰۹
- تحریمهای نفتی غرب، فرصت دستیابی به آرزوی رهایی از بلای اقتصاد نفتی، سید محسن اقبالی، علی بنیادی
نأینبی ۲۳۸
- پوشش نااطمینانی و تعیین نرخ پسانداز بهینه راهکار دستیابی به اقتصاد مقاومتی در حوزه مدیریت دریافتهای نفتی،
دکتر روحاله شهنازی ۲۶۳
- بررسی نقش کیفیت بر اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر آراء مقام معظم رهبری، مرتضی باقرپور،
محمد حسن کامفیروزی، زهرا کامفیروزی ۲۸۹
- بررسی تحریمها در حوزه نفت و گاز، سید علی روحانی، امیرعباس سالارکیا، سید علی فاطمی، سید مهدی بنی طبا،
میرهادی رهگشای ۳۰۹
- تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی ۳۳۱
خلاصه مقالات:
- استقلال اقتصادی زیر بنای استقلال سیاسی (با رویکرد اقتصاد مقاومتی) ۳۴۱
- مشارکت مردمی و توسعه اقتصادی (با رویکرد اقتصاد مقاومتی) ۳۴۲
- اقتصاد مقاوتی، حمایت از تولید ملی و کاهش وابستگی نفتی ۳۴۳
- ممیزی انرژی ساختمان اداری شرکت گاز ناحیه ۲ مشهد ۳۴۴
- بررسی و چالشهای اقتصاد مقاومتی؛ پیاده سازی آن از ایده تا اجرا در منطقه چهار عملیات انتقال گاز ایران ۳۴۵
- ناتوانی اقتصاد بازار آزاد در مدیریت مصرف انرژی، لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی ۳۴۶
- خلاقیت و نوآوری رمز دستیابی به استراتژی های رقابتی اثربخش در راستای اقتصاد مقاومتی ۳۴۷
- بررسی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران و مصادیق آن در شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ۳۴۸
- اقتصاد مقاومتی و نفت ۳۴۹
- اقتصاد مقاومتی و سیاستگذاری انرژی ۳۵۰
- بررسی روش بازرسی خط لوله "۳۰"/۳۶" انتقال گاز اهواز - آبادان و نتایج آن با استفاده از پیگرانی هوشمند ۳۵۱



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- اقتصاد مقاومتی از ایده تا اجرا؛ در منطقه چهار عملیات انتقال گاز ۳۵۲
- الگوی اقتصاد مقاومتی در صنایع بالادستی نفت ۳۵۳
- تجلی اقتصاد مقاومتی در آرمان "اقتصاد بدون نفت" ۳۵۴
- کاربرد مهندسی ارزش در مدیریت مصرف انرژی ۳۵۵
- ارائه مدل‌های رتبه بندی اعتباری مشتریان بانکها بر اساس روش های داده کاوی برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی در جهت تخصیص بهینه اعتبارات به پروژه های بخش انرژی کشور ۳۵۶
- بررسی تاثیر تقویت مهارت کارآفرینی بر کاهش وابستگی به اقتصاد نفتی و حمایت از اقتصاد مقاومتی: مطالعه ای در بین دانشجویان فنی ۳۵۷
- بررسی وضعیت انرژی در ایران و جهان و جایگاه بورس انرژی ایران در وضعیت کشور ۳۵۸
- اقتصاد مقاومتی با تاکید بر ضرورت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ۳۵۹
- خام فروشی و خام سوزی ممنوع ۳۶۰
- اقتصاد مقاومتی و مدیریت مصرف نفت و گاز و فراورده های نفتی ۳۶۱
- بررسی نقش اقتصاد مقاومتی بر رویکرد تولید ملی پایدار در مجتمع گاز پارس جنوبی ۳۶۲
- بهینه سازی گاز طبیعی از الزامات اساسی اقتصاد مقاومتی ۳۶۳
- تبلور اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران ۳۶۴
- سیستم گرمایش مرکزی مدولار متشکل از چند دیگ ۳۶۵
- کاهش وابستگی به نفت ۳۶۶
- ممیزی روشنایی اداره گاز ناحیه ۲ مشهد با استفاده از نرم افزار Dialux ۳۶۷
- مدیریت مصرف ۳۶۸
- فرصت های هم افزایی در صنعت انرژی ۳۶۹
- طراحی یک مدل مبتنی بر توسعه منابع انسانی برای اقتصاد مقاومتی ۳۷۰
- گزارش تصویری ۳۷۱



پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر هیچ تحریمی در کار نبود و جریان تجارت خارجی و مبادلات ارزی بدون کوچکترین کم و کاستی جریان میدلشت؛ باز هم برای داشتن یک اقتصاد سالم، پایدار و رشد یابنده چاره ای جز حرکت به سمت یک اقتصاد مقاومتی قابل تصور نمی بود. با بحرانهای پیش آمده در اقتصاد سرمایه داری و لیبرالی غرب در سالهای اخیر، نادرستی تئوریهها و مبانی اقتصادی غرب آشکارتر گردیده و کشورهایی که تبعیت کورکورانه از این مکاتب باطل اقتصادی نموده اند را در ورطه سقوط اقتصادی و اجتماعی قرار داده است. نمونه آن بدهی قریب به هفده تریلیون دلاری و جنبش وال استریت در آمریکا، ورشکستگی اقتصادی اغلب کشورهای اروپایی از قبیل یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و خیل عظیم فقرا، بیکاران و بی خانمانها در این کشورهاست. مدل اقتصادی لیبرالی غرب به گونه ای طراحی شده که بایستی بخش بسیار بزرگی از منابع طبیعی جهان را در خود بلعد. از طرفی به دلیل نیاز به بازار برای فروش کالاهای تولیدی، لازم است که کشورهای با منابع طبیعی عظیم به بازار اجناس مصرفی این کشورها تبدیل شده و از پیشرفت و توسعه واقعی باز مانند. این بیعدالتی بین المللی و چرخه منفی نه تنها برای کشورهای غارت شده وجود دارد، بلکه خود مردم همان کشورهای به اصطلاح پیشرفته نیز از عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات رنج برده و علیرغم حجم انبوه ثروت، از فقر مفرط رنج میبرند. بر اساس گزارش مجله نیوز ویک مورخ ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹ حدود ۴۹ میلیون نفر در آمریکا با مشکل گرسنگی دست و پنجه نرم میکنند. همچنین مطابق گزارشی که در سایت "گرسنگی جهانی، worldhunger آمده، در کشور ایالات متحده، ثروت ۴۰۰ نفر از دهک بالا معادل ثروت ۱۵۰ میلیون نفر از دهکهای پایین است. همچنین بر اساس گزارش همان سایت ثروت ۱٪ از مردم آمریکا بیش از ثروت ۹۰٪ از ثروت دهکهای پایین میباشد.

علاوه بر وضعیتی که اشاره شد، این توهم نیز در برخی از روشنفکران دین گریز وجود دارد که کلید حل مشکلات اقتصادی در پیوند خوردن با اقتصاد جهانی و خصوصا اقتصاد غرب است. این خیال باطلی است؛ چون اساسا هدف آنها از ارتباط با کشورهای دارای منابع طبیعی و موقعیتهای جغرافیای سیاسی جز بهره کشی مادی و جغرافیایی نمیشد. به عنوان مثال دستاورد ارتباط سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف مثل رژیم مصر با کشورهای غربی و اسرائیل در زمان سادات و حسنی مبارک جز بدبختی و قبرستان خوابی و ذلت و خواری مردم و حکومت آن کشور دستاورد دیگری

نداشته است. اغلب کشورهای عربی دارنده منابع عظیم نفتی نیز از این ارتباط سیاسی و اقتصادی با غرب برخوردار بوده اند ولی اگر یک روز نفت آنها به اتمام برسد، آیا به جز کشوری فقیر و مفلوک بر کره خاک از آنها باقی میماند؟

یکی دیگر از شگردهایی که در ارتباط با اقتصاد لیبرالی تحمیل شده به جهان وجود دارد تحمیل راه حلهایی است که به علت تفاوت شرایط اقتصادی در کشورهای استکباری و مستضعف همیشه به سود کشورهای مستضعف تمام میشود. به عنوان مثال در قوانین مربوط به سازمان تجارت جهانی واردات با کمترین تعرفه حمایت میشود و محدودیتهای آن بایستی به حد اقل برسد. این راهبرد و راهبردهای مشابه همه در راستای منافع قدرتهای بزرگ و نابودی اقتصاد بومی کشورهاست. لازم به توضیح است که خود همان کشورهای قدرتمند برای رسیدن به این حد از قدرت اقتصادی خلاف قوانین امروزی وضع شده خودشان را عمل کرده اند. مثلاً برای تقویت صنایع بومی و صادرات در زمانی که صنایع آنها نوپا بوده؛ تعرفه های سنگین برای واردات وضع نموده اند تا نتواند محصولات ارزانتر یا بهتر سایر کشورها با کالاهای تولیدی آنها رقابت کند. البته مواردی از این استانداردهای دوگانه که وسایل ترقی اقتصاد غرب در گذشت بوده ولی در حال حاضر برای دیگران استفاده از آنها مجاز نمیشود و تعبیر نردبانهای بد را به خود اختصاص داده؛ آنقدر زیاد است که از ذکر آنها میگذریم.

لذا به نظر میرسد که تنها راه برونرفت از مشکلات اقتصادی و حل معضلاتی از قبیل بیکاری، تنگناهای تولید داخلی، ریسک وابستگی اقتصادی به خارج و بسیاری موارد دیگر توجه به مدلی از اقتصاد است که در آن اثری از ربا، انحصارات ظالمانه، فساد اداری، اسراف، فرهنگ مصرف گرایی بی حد و حصر و تکاثر و منفعت طلبی محض نبوده و اساس آن عمدتاً توجه به امکانات داخلی باشد و آن چیزی جز انتخاب رویکرد اقتصاد اسلامی و بومی نیست که در حال حاضر به فرموده رهبری معظم انقلاب اسلامی همان "اقتصاد مقاومتی" است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران در زمینه منابع انرژی در تراز اول جهانی است، این موضوع جزء اولین اولویتهای اقتصاد مقاومتی است. اگر مدلهای معقول و بهینه برای توقف خام فروشی و تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر فقط در همین مورد مطالعه و به کار گرفته شوند، تحولی شگرف در حوزه اقتصاد در یک دوره نه چندان طولانی حاصل خواهد شد.

همایش اول اقتصاد مقاومتی در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ بیشتر به تبیین ادبیات موضوع پرداخت و در بهمن ۱۳۹۱ در همایش دوم عمدتاً روی بحث انرژی مقالات متعددی ارائه شد. مقالات همایش دوم که در بهمن سال ۱۳۹۱ برگزار



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

شد به همراه خلاصه ای از سخنرانیهای آن در قالب این کتاب در دسترس علاقمندان و صاحبان نظران عزیز قرار داده میشود. انتظار میرود تمامی راه حل‌های منطقی ارائه شده پس از بررسی‌های دقیقتر و اصلاحات لازم در عمل نیز سنجیده شده و فرایند تکاملی شکل‌گیری ادبیات و به کارگیری اقتصاد مقاومتی توسط کلیه نهادهای ذیربط حاصل شود. امید است همانطور که در هشت سال جنگ تحمیلی تنها فرهنگ و روش اسلامی امام خمینی (ره) و رزمندگان توانست دشمن را به خاک مذلت‌ناشده و پیروزی عظیم را نصیب ملت ایران کند؛ این بار نیز با راهکار اقتصاد مقاومتی بر بحرانهای اقتصادی غلبه نموده و نمونه‌ای موفق و منحصر به فرد از اقتصاد را علیرغم تضییقات فراوان دشمن غدار به ملت خود و همه جهانیان عرضه نماییم؛ انشالله.

و علی الله فلیتوکل المتوکلون

علیرضا معینی

دبیر همایش



محورهای همایش

*** اقتصاد مقاومتی و مدیریت مصرف ***

*** اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی انرژی ***

*** اقتصاد مقاومتی و مدیریت درآمدهای نفتی ***

*** اقتصاد مقاومتی و پدافند غیر عامل در حوزه انرژی ***

*** اقتصاد مقاومتی و مهندسی فرهنگی در حوزه انرژی ***

*** اقتصاد مقاومتی، مردمی سازی و ارتقای توان تولید داخل ***

سخنرانی دکتر محمد سعید جبل عاملی

خدمت اساتید، مسئولین، دانشجویان و حضار محترم خیرمقدم عرض می نمایم و تشکر می کنم که در دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی با موضوع انرژی در دانشگاه علم و صنعت ایران شرکت کردند و از دبیر همایش نیز به خاطر برگزاری این همایش ارزشمند تشکر می کنم.



خوشحال هستیم که در آستانه سی و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، این همایش برگزار می شود و همچنین مسروریم که انقلاب اسلامی پس از گذشت سه دهه از آغاز کار خود، به اهداف راهبردی اش در حوزه های مختلف نزدیک شده و به صورت فعال و پویا و منسجم در مواضع مدنظر خود ظاهر شده است.

جمهوری اسلامی ایران کارآمدی خودش را برای تشکیل حکومت و اداره جامعه نشان داده است و در صحنه بین الملل و در ارتباط با کشورهای منطقه توانسته تاثیرگذار باشد و به فضل پروردگار، نظام استکبار و سلطه جهانی در عرصه سیاسی و اقتصادی با بن بست جدی مواجه شده است و لذا مجبور است که به خواسته های جمهوری اسلامی ایران تن در دهد.

سیاستمداران نظام سلطه دچار دستپاچگی شدند و این دستپاچگی در اقدامات انفعالیشان کاملا نمود دارد و مشخص است. یکی از دلایلی که بر این ادعا می توان ذکر کرد این است که انقلاب در دوره عمر نوپایش و در این شرایط سخت اقتصادی و فشارهای بین المللی، نظریه اقتصاد مقاومتی را مطرح می کند که یک نظریه پویا و

زنده و راهگشا و الهام بخش و امیدآفرین است و در مقابل نظام سلطه با بدنه لیبرال دموکرات خود یک اقتصاد ریاضتی را با موضعی منفعالانه مطرح می کند.

آنها نمی توانند ادعا کنند که نظام لیبرال دموکراسی به صورت برنامه ریزی شده ای نظریات اقتصادی خود و به ویژه اقتصاد ریاضتی را مطرح می کند چون اگر این بپذیرند، باید قبول کنند که به بن بست رسیده اند چرا که این نظریه در مقابل نظریه فعال و ناظر به آینده اقتصاد مقاومتی بسیار ضعیف است.

از این رو جایگاه اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی مبتنی بر برنامه ریزی و افق بلندمدت و نظام گرا در مقابل ریاضت اقتصادی و کاهش و محدود کردن فرصت ها و از دست دادن امید و نشاط در جوامع قرار دارد. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که انسانهای فعال و کارآمد و خلاق را برای کارآمدسازی کشور توانمند می سازد.

حال باید توجه داشت که نباید به صورت کوتاه مدت به اقتصاد مقاومتی نگاه کرد بلکه باید نگاهی بلندمدت به آن داشت.

باید به این نکته توجه داشت که نباید اقتصاد مقاومتی در مقاطع کوتاه مدت و میان مدت دیده شود، بلکه باید به اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبردی مشخص و بلندمدت نگریسته شود. در این میان، یکی از حوزه های مهمی که نیاز است تا سیاست های اقتصاد مقاومتی حول آن طراحی گردد حوزه نفت و انرژی است.

لذا اگر بخواهیم به تبیین اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت و انرژی پردازیم باید به نگاه های زیربنایی توجه کنیم و در این بخش پیش از هر اقدامی باید به تغییر نگاه مدیران و تصمیم گیران فکر کنیم که موضوع حائز اهمیتی است و لازمه ورود به بحث اقتصاد مقاومتی است.

همچنین باید گفت که تصمیمات بخش انرژی در سطح کلان خیلی به عوامل سیاسی و اقتصادی مربوط است و نمی توان آن را به صورت جدا بررسی کرد و اگر این اشتباه را دچار شویم پیامدهای زیادی دارد.

دیگر اینکه حوزه انرژی ابعاد گوناگونی دارد که متاسفانه ما فقط مدیریت مصرف را بررسی میکنیم و از تولید و سرمایه گذاری در بخش انرژی و کارآمد کردن آن چشم پوشی میکنیم. در حوزه منابع نیز درست است که توجه به

منابع تجدیدناپذیر مهم است و ارزش اقتصادی آن بالاست اما انرژی های تجدیدپذیر هم خیلی در آینده موثر خواهند بود چرا که قیمت آنها کمتر بوده و به صرفه ترند.

در حال حاضر منابع انرژی های تجدیدپذیر مانند انرژی های خورشیدی و نیروگاههای بادی و آبی با نفت خام و گاز در رقابت هستند و پیش بینی می شود که حتی در دهه های آینده سهم انرژی های تجدیدپذیر بیشتر از منابع تجدیدناپذیر خواهد شد که این مسئله را باید در سیاستگذاری حوزه نفت و انرژی در نظر گرفت.

ما باید از منابع انرژی داخلی نیز صیانت کرده و آن ها را نه تنها برای نسل های آینده حفظ کنیم بلکه در این بخش به گونه ای سرمایه گذاری کنیم که بهره وری بیشتری را شاهد باشیم. همچنین باید برای درآمدهای حاصل از این سرمایه گذاری ها برنامه ریزی کرد چرا که می توان درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری در بخش نفت را در بخش های دیگری که بهره وری و بازدهی بیشتری دارند استفاده کرد.

همانطور که مقام معظم رهبری نیز تاکید کردند، اقتصاد مقاومتی به مثابه یک اقتصاد دانش بنیان است و لذا مدیریت بخش انرژی کشور باید متکی به منابع انسانی غنی و مراکز مهم دانشگاهی باشد تا اساتید و نخبگان دانشگاهی با تولید علم متناسب با نیاز کشور در این حوزه، به حل معضلات و مسائل کشور بپردازند.

تجربه نشان داده که اعتماد به بخش هایی مانند صنایع دفاعی و فضایی در حوزه های دانشگاهی پیشرفت های مهمی را در پی داشته است؛ بنابراین کشور بیش از گذشته نیازمند حضور دانشگاهیان در فرآیند مدیریت بخش های مختلف اقتصادی به خصوص انرژی است.

سخنرانی دکتر سید مسعود میر کاظمی

دکتر سید مسعود میر کاظمی رییس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی به عنوان سخنران افتتاحیه در دومین همایش اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی حضور داشتند که متن سخنرانی ایشان به قرار زیر است:



در حال حاضر درآمد کشورهای عضو گروه هفت از وضع مالیات بر انرژی بیشتر از درآمد کشورهای تولیدکننده نفت است. لذا جایگاه اول در اوپک اهمیت خاصی ندارد و نیازی نیست که در اوپک جایگاه بالایی داشته باشیم چرا که این مسابقه را کشورهای غربی برای افزایش تولید کشورهای دارای ذخایر نفتی پایه ریزی کرده اند.

همچنین با توجه به اینکه قیمت نفت نسبت به سایر کالاها افزایش چندانی نداشته است لذا نیازی به افزایش تولید نفت نیست؛ چرا که نفت ثروت آیندگان است. در حال حاضر چیزی که اهمیت دارد و ضروریست، توسعه میادین مشترک است اما باید توجه کرد که اقتصاد به حوزه نفت وابسته نشود.

یکی از راهکارها برای دنبال کردن اقتصاد مقاومتی، حضور مردم است چرا که دشمن به دنبال این است که به رشد اقتصادی کشور لطمه وارد کند که در نتیجه آن بیکاری و تورم افزایش و در مقابل رفاه و درآمد کاهش می یابد تا بستر



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

لازم برای استعمار فراهم شود و لذا حضور مردم اهمیت دارد. برای همین باید شرایطی را فراهم کنیم که مردم بتوانند به راحتی کسب و کار کنند.

در حال حاضر به جای خصوصی سازی، خصولتی سازی کرده ایم و این با حضور مردم در تناقض است. خصوصی سازی در حالی در کشور انجام می شود که مدیریت آن همچنان دولتی است و نمونه آن بانک های کشور است؛ به طوری که در حال حاضر بانک ها نمی توانند به صورت رقابتی فعالیت کنند.

در شرایط اقتصاد مقاومتی باید خصوصی سازی به صورت صحیحی انجام شود تا به درستی وابستگی ها کاهش یابد چرا که پسر حاجی بودن یعنی خرج اضافه کردن؛ به همین دلیل مدیریت مصرف نه تنها در حوزه مردم بلکه در حوزه دولت هم باید کنترل شود .

در مورد مصرف انرژی نیز باید گفت که متوسط مصرف انرژی در کشور در حال حاضر چهار برابر استاندارد جهانی است و این رقم در مقایسه با کشور ژاپن ۱۴ برابر است.

مصرف نفت و گاز در کشور نیز معادل پنج میلیون بشکه در روز است که یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام آن خوراک پالایشگاه های کشور می شود. در کنار آن معادل سه میلیون بشکه گاز نیز روزانه در بخش های خانگی، تجاری و صنایع به مصرف می رسد که این برای یک جمعیت ۷۰ میلیونی بسیار زیاد است و به معنی هدر دادن انرژی است.

حجم یارانه انرژی در کشور نیز حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان است که از این رقم ۴۰ درصد مربوط به بخش خانگی و ۶۰ درصد مربوط به بنگاه ها است .

دیگر اینکه باید گفت در حالی که در ایران نسبت به سایر کشورها تنها یک پنجم تا یک هفتم مالیات گرفته می شود و دستمزد بسیار پایین است، باز هم نمی توانیم با تولیدکنندگان سایر کشورها رقابت کرده و کالایی را به قیمت پایین عرضه کنیم .

در حال حاضر وابستگی کشور به درآمدهای نفتی هر سال افزایش می یابد و افزایش وابستگی به این نوع درآمدها طوری است که احکامی مبنی بر کاهش وابستگی بودجه به نفت هم وجود دارد اما تاکنون این احکام نه تنها در دولت نهم و دهم بلکه در سایر دولت‌ها نیز رعایت نشده است ضمن آن که هزینه اداره کشور نیز افزایش یافته است.

بودجه جاری کشور در سال ۸۶ معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان بود که این رقم در سال ۹۰ به ۸۲ هزار میلیارد تومان و در سال ۹۱ به ۱۰۱ هزار میلیارد تومان رسید چرا که حجم درآمدهای نفتی در تعیین بودجه بسیار قابل توجه است و متاسفانه مالیات تنها کمتر از یک سوم از بودجه را تامین می کند.

ریشه های تورم را می توان در همین افزایش نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد جست و جو کرد چراکه بانک مرکزی مجبور است برای تبدیل کردن دلار به ریال علیرغم نیاز بازار اسکناس چاپ کند. از سوی دیگر این موضوع موجب می شود که به صنعت نفت کشور برای افزایش تولید نفت فشار وارد شود .

حتی اگر تحریم نبود و هر بشکه نفت ۷۰ تا ۸۰ دلار فروخته می شد، با تولید چهار میلیون بشکه در روز باز هم دچار کسری بودجه می شدیم.

هدفمندی یارانه‌ها نیز زمانی موثر است که سایر بخش‌های اقتصادی مانند مالیات، گمرک و بانک نیز اصلاح شود و آن وقت است که می توان توقع داشت تورم یک رقمی شود. شاید در ابتدا فشاری بر اقتصاد وارد شود اما در نهایت این موضوع باعث افزایش نرخ اشتغال و سایر نرخ‌های اقتصادی خواهد شد. هدفمندی یارانه‌ها به این معنی نیست که قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دهیم و پول حاصل از آن را بین مردم تقسیم کنیم.

سخنرانی آقای مهندس محسن خجسته مهر

آقای مهندس خجسته مهر، معاون وزیر نفت نیز از سخنرانان دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی بودند که متن سخنرانی ایشان به قرار زیر است:

هم اکنون بیشتر مصارف صنعت نفت از تولیدات داخلی تأمین می شود و لذا اهداف اقتصاد مقاومتی باید در تمام حوزه های اقتصادی مخصوصاً بخش نفت و انرژی مد نظر قرار گیرد.

صنعت نفت سرمایه محور، درآمدزا است و همچنین نقش مهمی در اقتصاد کشور دارد و بزرگترین مأموریت ها نیز بر عهده این وزارتخانه گذاشته شده است. بنابراین با توجه به سخنان مقام معظم رهبری که به روند علمی و اقتصادی صنعت نفت اشاره دارد، توقع و انتظارات بسیار زیادی از وزارت نفت به وجود آمده است که امیدواریم با سرلوحه قرار دادن بیانات رهبر معظم انقلاب، اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت نفت محقق شود.

ما اقتصاد مقاومتی را یک فرایند بلندمدت می دانیم و فرهنگ دینی ما هم همواره مقاومت و استقامت بوده و برنامه های پیوسته و یک پارچه ای را نیز می طلبد. باید در جریان اقتصاد مقاومتی تهدیدها و فشارهای خارجی شناسایی و بی اثرسازی شود که لازمه پیاده سازی آن کاهش وابستگی به خارج است.

ما همچنین به دنبال آن هستیم که به طور اصولی اقتصادمان مقاومتی شود چرا که تجربه نشان داده آسیب های کارهای سریع و بدون هدف از نتیجه این امر می کاهد. اقتصاد مقاومتی از سال ۵۸ در صنعت نفت به شکل های گوناگونی مد نظر بوده است اما ما به دنبال ریاضت نیستیم چرا که این امر کوتاه مدت و برای جبران کسری بودجه انجام می شود.

در اقتصاد مقاومتی تمام شاخص ها از جمله رفاه مردم مد نظر قرار گرفته می شود و به صورت بلندمدت برنامه های توسعه ای را به همراه دارد. نهادهای اقتصادی نیز در روند اقتصاد مقاومتی با رویکردهای انقلابی تشکیل می شود و در این حوزه نیازمند روحیه جهادی هستیم.

در واقع یکی از مهمترین رویکردهای آغاز اقتصاد مقاومتی، نهادینه سازی نگاه بلندمدت و کلان در مدیریت اقتصاد است و اگر بحث هایی مانند اصلاح الگوی مصرف و جهاد اقتصادی در آن گنجانده شود به اهداف آن نزدیک می شویم.

برای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی باید به رکن مهم بخش عرضه و تولید داخل و تقاضا و مدیریت مصرف توجه شود که در این روند توسعه خصوصی سازی، حمایت از تولید داخل، تأمین انرژی و اجتناب از خام فروشی از محورهای مهم آن است.

میزان مصرف انرژی کشور ۵ برابر مصرف جهانی است که طبق برنامه پنجم توسعه این میزان باید به یک دوم کاهش یابد. هم اکنون نیز ۸۰ درصد از انرژی مصرفی از منابع فسیلی تأمین می شود که از این میزان ۵۱ درصد به طور اختصاصی به بحث خانگی و تجاری تعلق دارد.

برای نسل های آتی مدیریت مصرف بسیار حائز اهمیت است چرا که در صورت صرفه جویی ۲۰ درصدی معادل ۹ میلیارد دلار در سال برای کشور رقم خواهد خورد.

صندوق حمایت از تجهیزات داخلی نیز در وزارت نفت تشکیل شده و اقدامات مناسبی هم در این زمینه صورت پذیرفته است. وزارت نفت از آغاز خصوصی سازی ۵۱ هزار میلیارد تومان از بخش های زیرمجموعه را به بخش خصوصی واگذار کرده است و در میان تمام دستگاه ها وزارت نفت سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است.

توسعه پژوهش و فناوری نیز می تواند به جای صادرات نفت برای کشور ارزآوری به ارمغان آورد و باید در این زمینه توجه بیشتری داشته باشیم. هم اکنون ۱،۵ میلیون کالا در صنعت نفت به کار برده می شود که ۴۰۰ هزار قلم از آن پرمصرف هستند.

از سال ۸۴ تا ۹۰ نسبت خرید داخلی به خرید خارجی ۴ برابر شده و هم اکنون وابستگی به ساخت و تجهیزات داخلی افزایش یافته است و با توجه به پیشرفت های چشم گیر در صنعت نفت ساخت اولین توربین ملی در داخل کشور نیز در مراحل نهایی قرار دارد.

سخنرانی دکتر محمد حسن قدیری ایبانه

دکتر محمد حسن قدیری ایبانه به عنوان سخنران مدعو نیز در این همایش سخنرانی کردند که متن سخنرانی ایشان در ادامه آمده است.



ما نفت خام را به صورت عمده‌ای و با کشتی‌هایی با حجم هزاران تنی صادر می‌کنیم و این خام فروشی عایدات بسیار کمی برای ما دارد. ما در روز حدود ۶۰ میلیون لیتر بنزین می‌سوزانیم که معادل ارزش یک تن طلا است و این هزینه از بیت المال و یارانه‌ها تامین می‌شود و در واقع در اقتصاد ما هر کسی بیشتر مصرف کند برخوردارتر می‌شود. در حالی میزان مصرف انرژی ما روزانه معادل یک تن طلا است که سالانه تنها دو تن طلا در کشور تولید می‌شود.

اگر ما روزی ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام صادر کنیم در مجموع سهم هر ایرانی با توجه به جمعیت از بودجه کشور حدود ۱۸۲ هزار تومان است. که تنها ۶۷ هزار تومان آن از بخش نفت تامین می‌شود و این با آمارهای منتشر شده بسیار فاصله دارد. ما در کشور دچار توهم نفتی هستیم و تصورمان از درآمدهای نفتی بسیار بیش از چیزی است که واقعیت دارد.

در غرب دولت‌ها مالیات را افزایش می‌دهند تا با بالا رفتن قیمت‌ها میل مردم به مصرف انرژی کاهش یابد اما ما درصد بالایی از هزینه انرژی را در قالب یارانه‌ها پرداخت می‌کنیم که نهایتاً ثروتمندان از آن برخوردار می‌شوند. در این شرایط

است که درآمدهای دولت‌های غربی از مالیات سوخت بیش از درآمد ما در صادرات نفت خام است. کسی که در ایران یک باک ماشین بنزین می‌سوزاند به اندازه مصرف برنج ۱۰ خانوار از یارانه‌ها استفاده می‌کند.

لذا قیمت سوخت در کشور باید واقعی شود و نرخ فعلی بسیار پایین است. به عنوان مثال قیمت بنزین در کشورهای ترکیه، هلند، هند و پاکستان به ترتیب ۲/۳۲، ۲/۰۹، ۱/۴۲ و یک دلار است که با قیمت بنزین در کشور ما بسیار فاصله دارد.

همچنین در حال حاضر روش مدیریت ما این گونه است که برای جلوگیری از فقیرتر شدن فقرا یارانه‌هایی را پرداخت می‌کنیم که ثروتمندان ۴۰ برابر از آن برخوردارتر می‌شوند.

اقتصاد ما اقتصاد اسراف و اتلاف سرمایه و انرژی است و بیشتر شبیه یک اقتصاد استراحتی است تا اقتصاد مقاومتی. فرهنگ کاری ما نیز این اقتصاد استراحتی را تایید می‌کند چرا که میزان ساعت مفید کاری در سال ۹۰ یک ساعت و ۴ دقیقه بود و در سال جاری به ۲۲ دقیقه کاهش یافته است. همچنین در ایران به ازای هر ۴ نفر یک نفر کار می‌کند در صورتی که به عنوان مثال در انگلیس از هر ۲ نفر یک نفر شاغل است و میزان ساعت کاری مفید آن‌ها چندین برابر است.

در کشور ما کارخانه‌ها و همچنین جوانان به جای خلق ظرفیت‌ها همه به دلیل توهم درآمد نفتی تنها مطالبه‌گرند و میزان کار آن‌ها بسیار پایین است.

در صورت اجرای کامل طرح هدفمندی یارانه‌ها بسیاری از صنایع از جمله صنایع خودرو سازی به دلیل از بین رفتن تقاضاهای کاذب ناشی از یارانه‌ها رو به اضمحلال خواهند رفت اما برخی به بهانه تحریم‌ها و فشار اقتصادی از یارانه‌های بخش انرژی حمایت می‌کنند در صورتی که در شرایط تحریم جلوگیری از اتلاف انرژی و سرمایه‌های کشور ضروری‌تر است.

بنابراین اگر قیمت‌های حامل‌های انرژی واقعی شوند و این سرمایه‌ها در جایی مناسب‌تر هزینه شوند نتایج پربارتری برای کشور به ارمغان خواهد آورد اما باید به این نکته نیز توجه کرد که صنایع جدید در کشور تنها در صورتی باید شکل بگیرند که با لحاظ قیمت‌های واقعی سود آور باشند.



سابقه همایش



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

بیانیه همایش اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

در راستای پاسخ به دعوت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از جامعه دانشگاهی کشور برای تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی، دومین همایش از سلسله همایش‌های اقتصاد مقاومتی با موضوع «اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی» به همت دبیرخانه دائمی اقتصاد مقاومتی دانشگاه علم و صنعت ایران و با همکاری بسیج وزارت نفت و پشتیبانی نهادهای ذکر شده برگزار شد.

تبیین و تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی متناسب با نظام جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد، نیازمند مشارکت و همکاری عناصر مومن و انقلابی دانشگاهی و مسئولان اجرایی کشور است. دبیرخانه دائمی اقتصاد مقاومتی رسالت خود می‌داند تا با هدف کمک به تبیین و تحقق همه جانبه این الگو به ایجاد بستر مناسب تضارب و جمع‌بندی آرای صاحب‌نظران، و ایجاد فضای ارتباطی مناسب میان مسئولان اجرایی و صاحب‌نظران دانشگاهی اهتمام ورزد. در این راستا اولین همایش اقتصاد مقاومتی با هدف تبیین و معرفی الگوی اقتصاد مقاومتی به صورت کلی و بدون تمرکز بر حوزه‌ای خاص در تاریخ ۲۱ اردیبهش ماه سال جاری برگزار شد و در آن مباحث مبنایی و نظری الگوی مقاومتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در گام دوم با توجه به اهمیت حوزه نفت و انرژی در اقتصاد کشور و نیز معطوف بودن بخش مهمی از تحریم‌های استکبار جهانی به این حوزه، موضوع انرژی به عنوان موضوع دومین همایش انتخاب شد. در این همایش مسایل و مشکلات حوزه انرژی بطور تخصصی توسط مسئولین و صاحب‌نظران دانشگاهی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در ادامه به برخی از نکات مطرح شده در این همایش اشاره می‌شود با امید به اینکه برگزاری این همایش زمینه‌ساز حرکت کشور در راستای تحقق الگوی مقاومتی به ویژه در حوزه انرژی باشد:

۱. تحریم‌های نامتعارف اخیر که به عنوان آخرین سلاح جبهه استکبار در عرصه جنگ اقتصادی علیه ملت مسلمان ایران مورد استفاده قرار گرفته است، می‌تواند با درایت مسئولین و برنامه‌ریزی صحیح، علی‌رغم ایجاد فشار و هزینه در کوتاه‌مدت، فرصتی بی‌بدیل برای حرکت کشور در جهت تحقق اقتصادی پویا و غیر وابسته به نفت ایجاد کند.

۲. تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی که علاوه بر هدف گسترش رفاه ملی، اهداف آسیب-ناپذیری و بازدارندگی را دنبال می‌کند، مستلزم شناسایی و رفع نقاط آسیب اقتصاد ملی است. از اهم نقاط آسیب مرتبط با حوزه نفت و انرژی می‌توان به وابستگی بودجه به نفت، خام فروشی، مصرف غیر بهینه و تبذیر گونه، وابستگی به محصولات خارجی در پروژه‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز، اشاره کرد. رفع این نقاط آسیب علاوه بر همت و خواست مسئولین، نیازمند بسترهای حقوقی و طراحی سازوکارهای نهادی مناسب است. تفکیک ارکان مجری، سیاستگذار و ناظر در نهادهای درگیر در بخش انرژی کشور به ویژه اصلاح ساختار حاکم بر رابطه وزارت نفت و شرکت ملی نفت و همچنین یکپارچه‌سازی بدنه سیاستگزاری بخش انرژی کشور از الزامات نهادی مرتبط با این امر است.

۳. گسترش زنجیره ارزش افزوده ناشی از منابع نفت و گاز در داخل کشور، در کنار استفاده از فرصت‌های موجود در ارتباط با تعاملات منطقه‌ای یکی از راهکارهای پیش‌روی کشور برای تبدیل تنگناهای موجود در شرایط حاضر به فرصتی برای جهش اقتصادی کشور است. به ویژه از فرصت به وجود آمده می‌توان برای جهش صادرات در بخش فرآورده‌های نفتی استفاده کرد.

۴. ایجاد سازوکارها و ساختارهای مناسب برای استفاده بهینه از توان علمی و فنی داخلی برای تأمین مواد و تجهیزات صنعت نفت، مدیریت پروژه‌های بزرگ نفتی توسط شرکتهای داخلی، ابداع و توسعه روشهای تأمین مالی جدید برای صنعت نفت و گاز از دیگر راهکارهای قابل استفاده در جهت تبدیل تحریم به ابزاری برای رشد صنایع مرتبط با حوزه نفت و گاز هستند.



مشور اقتصاد مقاومتی

به فضل الهی ملت مسلمان ایران در خلال بیش از سه دهه از شروع انقلاب اسلامی، بر تمامی توطئه‌های سنگین استکبار جهانی و دنیای کفر غلبه نموده و با سربلندی به راه شکوه‌مند خود ادامه داده است. غارتگران و خونخواران که از جنگ تحمیلی و فتنه انگیزیهای مختلف نتوانستند کاری بکنند، اینک در آخرین خاکریز خود یعنی جبهه اقتصادی، مشغول نبرد با آرمانهای امام راحل و ملت بزرگ ایران هستند. در این نبرد نیز انشالله همانطور که وعده خداست پیروزی با مومنان و شکست نصیب دشمنان مردم خواهد شد. وظیفه ما در این برهه، همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای فرمودند، نیاز به بکارگیری یک اقتصاد مقاومتی واقعی است. به منظر فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی گروهی از دانشجویان و اساتید با استفاده از آیات، روایات و سخن بزرگان به همراه مشورت و هم اندیشی مشوری شامل چهارده بند را آماده نمودند که توجه و به کارگیری آنها نقش سازنده ای در این کار دارد. البته در این مسیر منتظر نظرات ارزشمند همه عزیزان هستیم تا انشالله این منشور به صورت تخصصی برای هر نوع فعالیت اقتصادی آماده شده و راهگشا باشد انشالله.

دکتر علیرضا معینی

شور اقتصاد مقاومتی

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱- ما به اصول و آرمان‌های حیاتبخش اسلام ناب محمدی (ص) پایبندیم و تا آخرین قدم برای تحقق آنها می‌کوشیم. همچنین خط مشی امام راحل عظیم‌الشان (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری را نصب العین خود قرار داده و با اعتقاد راسخ برای عینیت بخشیدن به آنها کمر همت بسته‌ایم.
- ۲- در برابر مشکلاتی که در هر مقطع برای کشورمان پیش می‌آید صبور بوده و برای حل آنها با یاری خواستن از خداوند متعال تلاش می‌کنیم.
- ۳- با کوشش و پایداری، وحدت ملی را که از موجبات پیشرفت کشور است بیش از پیش تقویت کرده، اتحاد و یکپارچگی مان را به حد اعلا می‌رسانیم. همچنین در راستای پیشرفت کشورمان از هیچ مجاهده‌ای دریغ نکرده، تلاشهای مذبحخانه دشمن را در تحریم ملت ایران خنثی خواهیم کرد.
- ۴- به لطف خداوند و توکل بر او، با تلاش و اعتماد به نفس، کشور خود را در همه نیازهای راهبردی از دیگران بی‌نیاز کرده و به خوداتکایی توأم با همکاری با کشورهای دوست می‌اندیشیم. بی‌شک این ایمان و عمل صالح است که مسیر پیشرفت ما را هموار و نقایص احتمالی را بر طرف می‌سازد.
- ۵- با افزایش توانمندی‌های علمی خود جهت ایجاد قدرت و مزیت علمی در کشورمان، قدم در عرصه‌های اولویت‌دار دانش‌بنیان می‌گذاریم چرا که پیشرفت علم و فناوری جز با حضور همه جانبه در حوزه‌های علمی و نوآوری به وجود نمی‌آید.
- ۶- محور فعالیت‌های اقتصادی خود را کسب رضایت الهی قرار می‌دهیم و برای رفع نیازهای اقتصادی جامعه، آبادانی زمین، ایجاد کسب و کارهای مولد و اشتغال‌زایی از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.
- ۷- کسب و کار، تجارت و سود و زیان ما را از یاد خدا غافل نمی‌سازد و باعث نخواهد شد که به تکاثر و جمع ثروت پرداخته و کاری بر خلاف دستورات الهی انجام دهیم.
- ۸- ربا را عامل فساد و تباهی اقتصاد و جامعه می‌دانیم و هر نوع فعالیت ربوی را مردود دانسته و حمایت کنندگان و ترویج دهندگان آن را در جنگ با خدا و رسول الله (ص) می‌دانیم.
- ۹- خمس و زکات و مالیات خود را به موقع پرداخت می‌کنیم و با حمایت از اقشار مستضعف جامعه، اختلاف طبقاتی را از بین برده و نظام اسلامی را در ارائه خدماتش به مردم یاری می‌دهیم.
- ۱۰- حتی در بدترین شرایط، کم فروشی و گران فروشی را در داد و ستدهایمان اعمال نکرده، در همه حال بر مبنای عدالت و قانون برخورد می‌کنیم.
- ۱۱- همواره کالای تولید داخل را به کالاهای وارداتی ترجیح داده، با پشتیبانی از تولیدات ملی کیفیت آنها را افزایش می‌دهیم، تحریم‌ها را بی‌اثر ساخته و راه تسلط بیگانگان بر کشور را مسدود می‌کنیم.
- ۱۲- رعایت کیفیت در تولیدات داخلی برای دستیابی به مرغوب‌ترین محصولات جهت اعتلای تولید ملی و کسب رضایت مردم عزیزمان را وظیفه خود می‌دانیم.
- ۱۳- الگوی مصرف خود را اصلاح کرده و از اسراف و تبذیر پرهیز می‌نماییم تا سرمایه‌ها و تولیدات جامعه به بهترین شکل ممکن استفاده شده و بی‌مورد به هدر نروند.
- ۱۴- ما با تمام نیرو در برابر مستکبرین جهانی ایستادگی کرده، کلمه حق را در جهان گسترش می‌دهیم و دست متجاوزین را از دامان مردم و ملت‌های مظلوم جهان کوتاه می‌کنیم.



بازتاب خبری

• خبرگزاری فارس:

✓ در بیانیه دبیرخانه همایش اقتصاد مقاومتی مطرح شد. محورهای ۵ گانه اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی / فرصت بی‌بدیل تحریم را از دست ندهیم.

✓ میرکاظمی در پاسخ به فارس: کاهش یک میلیون بشکه صادرات نفت در بودجه ۹۲ لازم است. رئیس کمیسیون انرژی گفت: نباید درآمد صادراتی یک میلیون بشکه نفت را در بودجه ببینیم و اگر این میزان نفت صادر شد، آن را وارد بودجه جاری کشور نکنیم.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس سیدمسعود میرکاظمی امروز در حاشیه همایش اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی در دانشگاه علم صنعت ایران در جمع خبرنگاران اظهار امیدواری کرد: تهدیدهای تحریم را به یک فرصت خوب تبدیل کنیم و اجباراً وابستگی بودجه به نفت را کاهش دهیم.

وی افزود: قیمت میزان نفت در بودجه ۹۲ بستگی به میزان بودجه جاری و عمرانی دولت دارد و ما باید حتماً بودجه جاری را در سال آینده کاهش دهیم.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس تأکید کرد: با توجه به اصل ۴۴ و واگذاری مأموریت‌های تصدی‌گری دولت به بخش خصوصی، باید هزینه دولت هم به همین میزان کاهش یابد.

رئیس کمیسیون انرژی در پاسخ به پرسش فارس در مورد میزان مطلوب پیش‌بینی تولید نفت در بودجه ۹۲ گفت: باید درصدی از صادرات سالانه را کاهش دهیم و لاقط درآمدهای ناشی از صادرات یک میلیون بشکه نفت را نباید در بودجه ببینیم، چنانچه اگر این میزان نفت صادر هم شد، باز هم درآمدهای آن را وارد بودجه جاری نکنیم.

وی تأکید کرد: همین که ایران تولید نفت خود را کاهش دهد، باید از ابعاد مختلفی خود را نشان دهد و در قیمت‌های نفت در بازارهای جهانی تأثیرگذار باشد.

میرکاظمی اظهار داشت: افزایش صادرات نفت نمی‌تواند برای ما رفاه بیاورد و با افزایش صادرات نفت شاخص‌های اقتصادی ما بدتر شده است، چنانکه تورم افزایش و بهره‌وری و اشتغال کاهش یافته است.

وی گفت: در زمان ریاست ایران بر اوپک محاسبه کردم، متوجه شدیم قدرت خرید ما نسبت به دهه ۱۹۷۰ قریب به ۱۱,۲ دلار در هر بشکه شده است.

میرکاظمی در پایان گفت: اداره اطلاعات انرژی آمریکا به صورت ماهانه گزارشی را برای سنجش بازار نفت ارائه می‌کند، تا ببینند می‌توانند تحریم‌ها را در ایران سخت‌تر کنند، یا نه، اما این نشان داده است که بازار جهانی نفت تحمل چنین چیزی را ندارد و این به معنای دست برتر ایران در عرضه انرژی است.

• خبرگزاری نسیم:

- ✓ میرکاظمی با اشاره به پائین بودن قیمت جهانی نفت خام گفت: رقابت برای تبدیل شدن به بزرگترین تولیدکننده نفت در اوپک یک مسابقه منفی بوده که نباید درگیر آن شویم / مصرف انرژی در ایران چهار برابر استاندارد جهانی است.

• رجانیوز:

- ✓ گزارشی از دومین همایش اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد مقاومتی؛ اینبار در حوزه انرژی / میرکاظمی: اقتصاد مقاومتی در زمان بحران معنا پیدا می کند / قدیری: دچار توهم نفتی هستیم

• ایسنا:

- ✓ رییس کمیسیون انرژی: باید درآمد روزانه یک میلیون بشکه نفت در بودجه جاری کاهش یابد
 - ✓ معاون وزیر نفت خبر داد: راه اندازی اولین توربین ملی کشور / ایجاد درآمد ۹ میلیاردی با صرفه جویی در مصرف انرژی
 - ✓ میرکاظمی در پاسخ به ایسنا: باید کاهش صادرات نفت برای تاثیر در بازار رسماً اعلام شود
- رییس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر این که باید کاهش صادرات و تولید نفت خام کشور جهت تاثیرگذاری در بازارهای بین المللی به صورت رسمی اعلام شود گفت: در حال حاضر قیمت نفت خام واقعی نیست که ما اصرار بر افزایش صادرات داشته باشیم .

• خبرگزاری فردا:

- ✓ در دومین همایش اقتصاد مقاومتی در دانشگاه علم و صنعت صورت گرفت: رونمایی از منشور اقتصاد مقاومتی
- اقتصاد مقاومتی اقتصادی است دانش بنیان و منطبق بر پایه های مستحکم دین مبین اسلام، خودکفا، مستقل از ابزارهای مالی دشمنان بشریت و بدور از ستمگری و ظلم پذیری است. این اقتصاد بر مبنای آموزه های ارزشی و اقتصادی اسلام بوده و در آن به کار و تولید توجه ویژه شده است.
- ✓ یک کارشناس علوم راهبردی مطرح کرد: پرداخت روزانه معادل ۳تن طلا برای یارانه سوخت / سهم چهار برابری ثروتمندان از یارانه ها
- محمد حسن قدیری ایبانه با اعلام این که ایران روزانه معادل سه تن طلا یارانه برای سوخت پرداخت می کند اقتصاد فعلی کشور را "اقتصاد استراحتی" دانست و گفت: در صورت اجرای کامل قانون هدفمندی یارانه ها صنایع کشور و به خصوص خودروسازی ورشکسته می شوند .

• خبرگزاری دانشجو:

- ✓ به گزارش خبرنگار اقتصادی «خبرگزاری دانشجو»، محسن خجسته‌مهر در دومین همایش اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت نفت اظهار داشت: صنعت نفت سرمایه‌محور، درآمدزا است همچنین نقش مهمی در اقتصاد کشور دارد و بزرگترین مأموریت‌ها نیز بر عهده این وزارتخانه گذاشته شده است.
- ✓ رونمایی از منشور دومین همایش «اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی»
- تاکید بر حمایت از تولید داخلی و دست یابی به مرغوب‌ترین محصولات، منشور اقتصاد مقاومتی در دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در دانشگاه علم و صنعت ایران رونمایی شد، در این منشور بر حمایت از تولید داخلی تأکید شده است.
- ✓ رئیس کمیسیون انرژی در همایش «اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی»
- حضور واقعی مردم در اقتصاد راهکار نخست اقتصاد مقاومتی است. میرکاظمی ضمن تأکید بر حضور واقعی مردم در اقتصاد گفت: در حالی که سهام برخی شرکت‌ها واگذار شده هنوز مدیریت و هزینه‌های آن‌ها دولتی است.
- ✓ قدیری ابیانه در همایش «اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی»
- هزینه دو روز سوخت کشور معادل کل طلای تولیدی سال است / دچار توهم نفتی هستیم. سفیر سابق ایران در ایتالیا گفت: هزینه انرژی کشور روزانه معادل یک تن طلا است، در حالی که تولید طلای کشور سالیانه ۲ تن است.

• شانا (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی):

- ✓ روز گذشته (۲۶ بهمن) دومین همایش اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت و انرژی با محوریت مطالبات مقام معظم رهبری با حضور جمعی از مسئولان صنعت نفت، رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و ریاست دانشگاه علم و صنعت ایران در محل این دانشگاه برگزار شد.

• باشگاه خبرنگاران جوان

- ✓ میرکاظمی: در سال ۹۲ باید به سمت کاهش وابستگی به نفت حرکت کنیم

• ایران پرتو:

- ✓ معاون وزیر نفت با بیان اینکه هم اکنون بیشتر مصارف صنعت نفت از تولیدات داخلی تأمین می‌شود گفت: اهداف اقتصاد مقاومتی باید در تمام حوزه‌های اقتصادی مخصوصاً بخش نفت و انرژی مد نظر قرار گیرد



مقالات برگزیده

نقد و بررسی صنعت و شبکه برق ایران با توجه به اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکار

سید علی فاطمی خوراسگانی، سید مهدی بنی طبا کوپایی، محمد مهدی پاک‌پرور

دانشجوی کارشناسی ارشد MBA دانشگاه صنعتی شریف - alifatemi6@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران - smahdi.banitaba@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع دانشگاه IIT هندوستان - mahdi.pakparvar@yahoo.com

چکیده

در شرایط فعلی کشور که عرصه جنگ حوزه اقتصاد است، دستیابی به اقتصاد مقاومتی الویت اول کشور به حساب می‌آید. اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از اصول و راهبردهاست که در همه زمینه‌ها قابل تسری دادن است. در این میان انرژی شاید استراتژیک‌ترین کالای قرن حاضر هم باشد. در این مقاله سعی بر آن داریم تا از نگاه اقتصاد مقاومتی شبکه برق کشور را مورد آسیب‌شناسی قرار داده و راهکاری را برای مقاوم سازی آن و ایفای نقش بیشتر آن در عرصه اقتصاد مقاومتی پیشنهاد دهیم.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، انرژی، برق، اتوماسیون، شبکه هوشمند، نیروگاه‌های تولید پراکنده

۱. مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل ذات آرمانی و ایدئولوژیک خود همواره با چالش و تعارض با نظام‌های سلطه‌گر جهانی روبه‌رو بوده و خواهد بود. این تعارض تا زمانی که نظام اسلامی بر آرمان‌های خود پافشاری کند ادامه خواهد داشت و برای آن پایانی متصور نخواهد بود. این تعارض مستمر و دائمی فرض ممیزه اقتصاد مقاومتی است.

اقتصاد مقاومتی اصطلاحی است که در سال ۱۳۸۹ اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح شد. اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با شوک‌های وارد شده بر اقتصاد را دارد. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد و برای دستیابی به چنین اقتصادی لازم است نگاه بلند مدت به سیاست‌های اقتصادی وجود داشته باشد و زیرساخت‌های اقتصاد به گونه‌ای طراحی شود تا در آینده چارچوب کلی اقتصاد در برابر ناملازمات تقویت گردد. همچنین باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد کشور و تحریم‌های بین‌المللی تحمیل شده سیاست‌های خاص و

گاهی متفاوت از شرایط عادی اتخاذ گردد، در اینصورت اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه مدت نیز قابل تعریف است که به منظور عبور از شرایط بحران کوتاه مدت طراحی شده است.

برای دستیابی به اقتصاد مقاوم راهبردهایی طراحی شده است که مسیر را مشخص تر کرده است، این راهبردها عبارتند از: کنترل سوداگری و فساد، افشاسازی، رویکرد سیستمی به اقتصاد مقاومتی، سیاست های گزینشی، مشارکت فعال مردمی، تعامل بیشتر با کشورهای منطقه و کشورهای همسوس، جایگزینی و تنوع بخشی^۱

در ادامه به جایگاه بالقوه صنعت و شبکه برق ایران در تحقق راهبردهای اقتصاد مقاومتی خواهیم پرداخت و راهکارهای عملیاتی برای رسیدن به آنها ارائه خواهیم داد.

۲. جایگاه بالقوه صنعت برق در اقتصاد مقاومتی

i. امکان تحقق راهبرد مشارکت فعال مردمی

اقتصاد زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق العاده می گردد که محوریت آن توده های مردمی باشند. مردم در اقتصاد هم به عنوان نقش تولیدکننده و هم به عنوان نقش مصرف کننده بایستی در صحنه فعالیت های اقتصادی حاضر شوند. در بخش تولیدی، تولید مبتنی بر توانمندسازی و عاملیت توده های مردمی بایستی مسیر اصلی کسب بهره مندی ها باشد. در این میان باید توانمندسازی آحاد مردم به عنوان مهم ترین سیاست در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور مؤثر همه افراد در فعالیت های مولد اقتصادی فراهم شود. هیچ کس نباید به سبب محرومیت از دسترسی به امکانات تولید، آموزش، مجوزها و.... محروم از فعالیت شود. از طرف دیگر باید شرایط کسب و کار به نحوی تسهیل گردد تا علاوه بر تشویق توده های مردم برای حضور در صحنه فعالیت های اقتصادی، لوازم فعالیت های آزادانه آنان را نیز فراهم کند.

در سالهای گذشته عمده توسعه تولید برق در کشور دولتی و به شکل احداث نیروگاه های بزرگ حرارتی یا برق-آبی بوده است، این در حالی است که تلفات سیستم انتقال و توزیع در طول مسیر طولانی بین تولیدکننده و مصرف کننده حدود ۱۵ درصد است. در سالهای اخیر تکنولوژی های جدیدی در دنیا ظهور کرده اند که تحت عنوان تولید پراکنده (DG^۲) مرسوم شده اند. تولید پراکنده طبق تعریف عبارت است از تولید برق در محل مصرف یا در نزدیکی آن با استفاده از سیستم های تولید برق نسبتاً کوچک که ظرفیت آنها معمولاً کمتر از

^۱ اقتصاد مقاومتی، مبانی و راهبردها، حسین عسگری

^۲ Distributed Generation

۲۵ مگاوات می‌باشد و به شبکه توزیع متصل میشوند. تکنولوژی این نیروگاه‌ها بسیار متنوع است از توربین‌های گازی کوچک گرفته تا پیل‌های سوختی و استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر مانند زمین گرمایی و فتوولتایی و بادی و ...^۳

یکی از مهمترین ویژگی‌های نیروگاه تولید پراکنده و مقیاس کوچک در کنار مزیت‌های فنی و اقتصادی، کاهش حجم سرمایه‌گذاری برای طراحی، ساخت، نصب و راه اندازی این واحدهاست. ضمن آنکه بازده ۸۰ درصدی، راه اندازی این واحدهای تولید برق را حتی در کوچکترین مجتمع‌های خانگی و مسکونی مقرون به صرفه ساخته است. یک نیروگاه ۲۵۰ کیلوواتی می‌تواند به راحتی برق مورد نیاز یک مجتمع مسکونی یا تجاری را تأمین کند که احداث آن تقریباً ۱۵۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری لازم دارد. حجم سرمایه‌گذاری کم تسهیل کننده حضور و مشارکت مردمی در توسعه نیروگاه‌های کوچک است. در صورتی که شرایط جانبی از قبیل ثبات در قیمت سوخت و قیمت برق، اطمینان از امکان فروش برق تولید شده و... فراهم شود می‌توان انتظار داشت که بخش خصوصی وارد عرصه شود و گام بلندی در راستای افزایش ظرفیت تولید برق برداشته شود. ایده‌آل آن است که در آینده ای نه چندان دور برق مصرفی کشور را از طریق نیروگاه‌های پراکنده در محل تأمین کنیم و انرژی تولید شده در نیروگاه‌های بزرگ را صرف صادرات کنیم.

راندمان بالا، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، احداث و بهره‌برداری بسیار آسان و سریع، تولید برق با کیفیت بالا، امکان استفاده از گرمای حاصله به صورت همزمان (CHP^۴)، کاهش تلفات و آزادسازی ظرفیت خطوط انتقال انرژی از دیگر مزایای توجه ویژه به نیروگاه‌های تولید پراکنده است.

از طرف دیگر توده‌ی مردم به عنوان مصرف‌کنندگان نهایی انرژی برق هم حائز اهمیت هستند و با مدیریت درست مصرف می‌توانند کمک شایانی به صنعت کنند که مصادیق آن عبارتند از صرفه‌جویی، عدم استفاده از وسایل پرمصرف در ساعات شدت مصرف و... دولت می‌تواند با وضع ابزارهایی هوشمندانه مردم را به سمت مدیریت مصرف هدایت کند. این ابزارها ممکن است اقتصادی یا فرهنگی باشند. ویژگی ابزارهای اقتصادی این است که در زمان کوتاه تری منجر به نتیجه می‌شود ولی ممکن است این نتیجه عمیق و دائمی نباشد و با برداشتن مشوق یا تنبیه اقتصادی به نقطه اولیه بازگردیم. در واقع مشوق‌های اقتصادی به عنوان بستری برای جهت دادن به فرهنگ و عادات مردم و نقطه شروعی برای کار فرهنگی به حساب می‌آید. اگرچه کار فرهنگی زمان‌بر است ولی در صورتی که یک رفتار به فرهنگ و عادت تبدیل شود پایدار خواهد شد و حتی با از بین رفتن مشوق‌های اقتصادی هم از بین نمی‌رود.

ii. تحقق اصل تعامل با کشورهای منطقه و همسوس

^۳ تولید پراکنده و مزایای استفاده از آن، نهمین کنفرانس دانشجویی مهندسی برق ایران

^۴ combined heat and power

یکی از اصول مهم در اقتصاد مقاومتی، اصل تعامل با کشورهای منطقه و همسو است. بر مبنای این اصل باید در خصوص اولویت‌های مربوط به شرکای تجاری کشورهای منطقه و نیز کشورهایی با همسویی ایدئولوژیک بر دیگران ترجیح داده شوند. این اتفاق که باعث همبستگی اقتصادی کشورها خواهد شد، در عین اینکه از ورود دو طرف به اقداماتی علیه یکدیگر جلوگیری خواهد کرد، گره خوردن امنیت کشورها در مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدات مشترک را نیز به ارمغان می‌آورد. در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگتر، پایداری بیشتری خواهند داشت.

به بیان دیگر، بمنظور نیل به امنیت اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی، امنیت اقتصادی کشورهای منطقه باید به امنیت ایران گره بخورد. جمهوری اسلامی می‌تواند با افزایش حجم مبادلات تجاری خود با این کشورها و یا با بالا بردن سطح فناوری صادرات خود به این کشورها وابستگی کشورهای منطقه و حتی سایر کشورها (به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود) را به خود افزایش دهد. در این بین صادرات انرژی و من جمله برق به دلیل جایگاه استراتژیک انرژی در دنیای امروز از اهمیت والایی برخوردار است و می‌تواند به عنوان برگ برنده ای در دستان ایران قرار گیرد. همچنین یکی از راهکارهای قابل وصول، خرید کالاهای مورد نیاز کشور از جمله کالاهای کشاورزی و معدنی در ازای صادرات انرژی است.

کشور ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلتیک و جغرافیایی استثنایی، در مسیر طبیعی خطوط انتقال انرژی (دکل برق، لوله‌های سوخت مایع و گاز) بین شرق و غرب جهان قرار دارد. از طرفی ظرفیت نیروگاهی کشور در بین کشورهای همسایه رتبه نخست را داراست و در منطقه نیز پس از کشورهای روسیه و هندوستان در جایگاه سوم قرار دارد. شبکه سراسری برق کشور نیز در بیش از سی نقطه یا به شبکه کشورهای همسایه مرتبط بوده و یا در حال برقراری ارتباط است. این موارد نشان می‌دهد یکی از انواع انرژی که صادرات آن به کشورهای همسایه می‌تواند به‌خوبی در مسیر توسعه قرار گیرد، برق است.^۵ تحقق برقراری ارتباط الکتریکی با کشورهای منطقه در کنار تحقق یکی از اصول اقتصاد مقاومتی، مزایای دیگری را نیز به‌همراه خواهد داشت:

- ☑ با توجه به تفاوت زمانی در نقاط اوج بار بین ایران و کشورهای شمالی مانند ارمنستان و آذربایجان، کشور می‌تواند با دریافت انرژی الکتریکی در تابستان صادر کردن آن در زمستان، از وقوع خاموشی در زمان‌های اوج بار جلوگیری کرد.
- ☑ با توجه به اینکه قیمت تولید برق تابع شرایط زمانی و مکانی است، ارتباط الکتریکی بین کشورها زمینه را برای استفاده بهینه از این شرایط فراهم می‌کند. مثلاً در فصل بهار کشورهایی که از منابع سرشار برق آبی برخوردارند می‌توانند به‌جای باز کردن سرریز سدها، برق اضافی تولید و صادر کنند.

^۵ ارتباط الکتریکی با کشورهای منطقه، مسعود حجت، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک

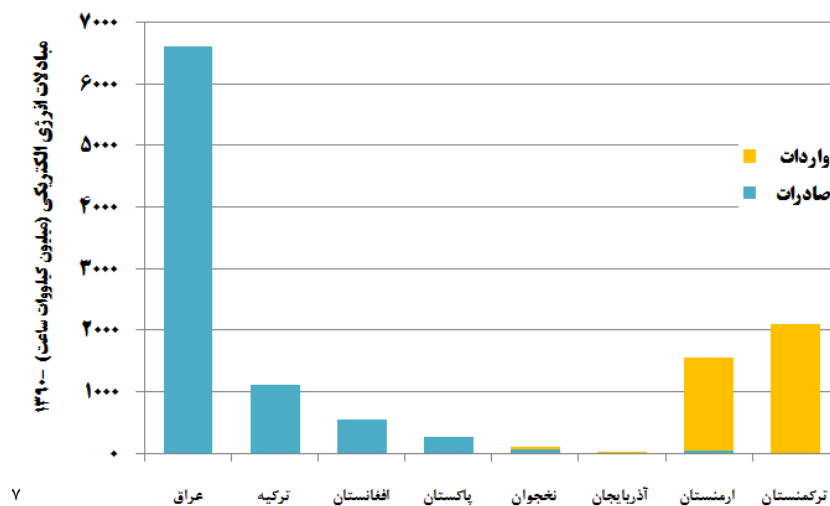
^۶ مزیت‌ها و مشکلات صادرات در صنعت برق ایران، خبرنگار گستره انرژی، شماره ۳۸

☑ با توجه به وسعت کشور و عدم پراکندگی یکنواخت نیروگاههای کشور، می‌توان با تبادلات الکتریکی بین کشورهای همسایه (صادرات به برخی و واردات از برخی دیگر) هزینه‌های انتقال انرژی را تا میزان مطلوبی کاهش داد.

☑ این امکان برای کشور فراهم می‌شود که به‌جای صادرات گاز، اقدام به صادرات برق نماید. تبدیل گاز به برق و صادرات آن به دلایل زیر بر صادرات گاز ترجیح دارد:

- اهمیت استراتژیک صادرات برق (گستره مصرف برق از خانوارها تا صنایع)
- صرفه اقتصادی بیشتر به دلیل رونق صنایع داخلی، اشتغال زایی، ارزش افزوده بیشتر و عدم خام‌فروشی گاز
- قابلیت مانور بیشتر در انتقال انرژی الکتریکی و بهره‌گیری از تفاوت زمان وقوع اوج مصرف
- امکان استفاده بیشتر از منابع مشترک گاز پارس جنوبی. با توجه به اینکه قطر با سرعتی زیادی از این منبع عظیم گازی مشترک گاز استخراج می‌کند، شایسته است کشور ایران از کلیه روش‌هایی که باعث افزایش استخراج از این منابع می‌شود بهره‌برد.

خوشبختانه طی بیست سال گذشته اقدامات بازرشی در راستای برقراری ارتباط الکتریکی با کشورهای همسایه انجام شده و در حال انجام است. کشورهایمانند پاکستان، افغانستان، ارمنستان، عراق و ترکیه در حال حاضر از برق صادراتی ایران در شبکه برق خود استفاده می‌کند و تراز صادراتی برق ایران حدود یک میلیارد دلار است. با این وجود همچنان می‌توان انتظار داشت با رفع مشکلات موجود در شبکه برق کشور با همین ظرفیت نیروگاهی نصب شده به تراز معادل ۵ برابر تراز فعلی دست یابیم و ضمن درآمدزایی برای کشور از این ظرفیت در راستای ایجاد تعامل با کشورهای منطقه و ایجاد وابسته‌سازی متقابل استفاده بیشتری کنیم.



^۷ آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی در سال ۱۳۹۰، شرکت مادر تخصصی توانیر، اسفند ۱۳۹۰

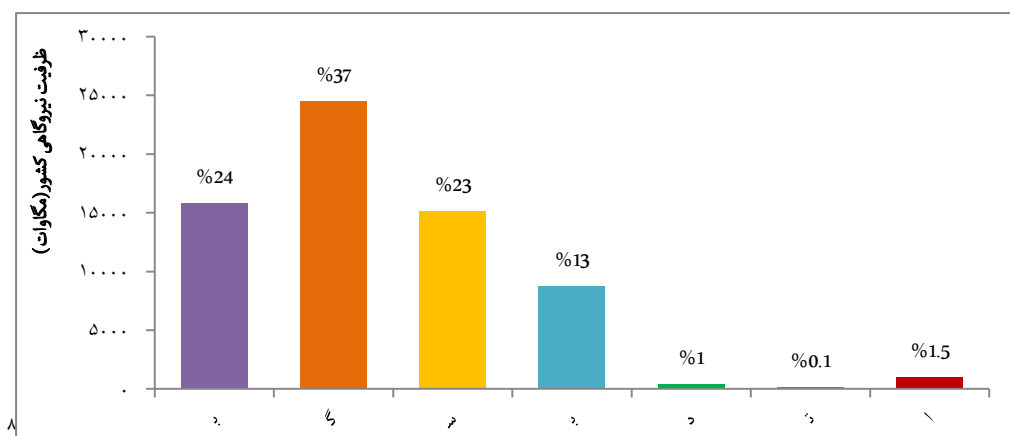
iii. تحقق اصل تنوع‌بخشی و کاهش آسیب پذیری

به منظور رفع نقاط آسیب‌پذیری و گلوگاه‌های نهادهای اقتصادی، بایستی ایجاد تنوع و تکثر در موارد مهم و وابسته ساز در اولویت‌های کشور قرارگیرد تا وابستگی اقتصادی کشور کاهش یافته و اقتدار آن افزایش یابد. عاملیت دولت در بسیاری از حوزه‌های اجرایی ایجاد کننده انحصار است و دشمنان از این انحصار می‌توانند در راستای اعمال فشار مضاعف بر کشور استفاده کنند. از این روست که سیاست خصوصی سازی و کوچک سازی دولت می‌تواند گامی مؤثر در راستای تنوع‌بخشی و کاهش فشارها به شمار رود.

بدیهی است که برق یکی از شریان‌های حیاتی هر کشوری به حساب می‌آید و در صورت بروز مشکل برای آن علاوه بر تعطیلی صنعت با خاموشی شهرها و ... نیز روبرو خواهیم شد. لذا ضروری است تمهیداتی اتخاذ شود تا آسیب پذیری کشور در این زمینه به حداقل ممکن تنزل یابد.

در حال حاضر حدود ۹۵ درصد تولید برق (۸۵٪ از ظرفیت نصب شده) کشور در نیروگاه‌های حرارتی (بخاری، گازی و سیکل ترکیبی) بزرگ تولید می‌شود و به وسیله خطوط انتقال و توزیع به مصرف کنندگان منتقل می‌شود. این درحالی است که این عدد در برخی کشورها به کمتر از ۴۰ درصد می‌رسد. لذا به نظر می‌رسد لازم است تا با ترویج نیروگاه‌های تولید پراکنده و کوچک مقیاس و توجه ویژه به انرژی‌های تجدید پذیر در روش‌های تولید تنوع ایجاد کنیم. مزیت دیگر نیروگاه‌های تولید پراکنده ظرفیت کم و تعداد زیاد آنها خواهد بود که عملاً آسیب پذیری را به شدت کاهش می‌دهد و از دیدگاه پدافند غیرعامل بسیار مطلوب است.

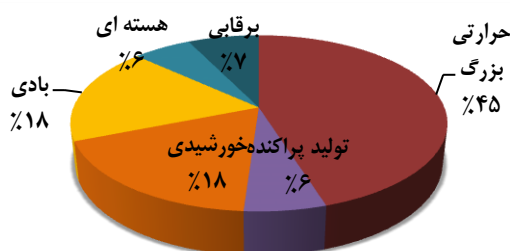
در نمودار زیر ترکیب انواع نیروگاه‌ها در ظرفیت نصب شده نیروگاه‌های کشور مشاهده می‌شود:



^a آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی در سال ۱۳۹۰، شرکت مادر تخصصی توانیر، اسفند ۱۳۹۰

در حالی که ظرفیت تولید فعلی حدود ۶۰ هزار مگاوات است پیش بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۴ نیازمند تولید ۱۶۰ هزار مگاوات برق خواهیم بود، در صورتی که این ۱۰۰ هزار مگاوات به صورت زیر تأمین شود به ترکیب منطقی‌تر و متنوع‌تری خواهیم رسید که در نمودار دایره ای زیر قابل مشاهده است^۹:

- ✓ تکمیل نیروگاه‌های ناتمام موجود: ۱۰ هزار مگاوات
- ✓ تبدیل نیروگاه‌های گازی موجود به سیکل ترکیبی: ۱۰ هزار مگاوات
- ✓ احداث واحدهای تولید همزمان برق و حرارت: ۱۰ هزار مگاوات
- ✓ احداث نیروگاه‌های هسته‌ای جدید: ۱۰ هزار مگاوات
- ✓ استفاده از ظرفیت کشور جهت توسعه نیروگاه‌های باد: ۳۰ هزار مگاوات
- ✓ استفاده از ظرفیت کشور جهت توسعه نیروگاه‌های خورشیدی: ۳۰ هزار مگاوات



۳. راهکار رسیدن به صنعت برق مقاومتی

همانطور که در قسمت قبل اشاره شد، صنعت برق ایران از قابلیت‌های بالقوه بسیاری برای تبدیل شدن به یکی از مهره‌های مهم در ساختار اقتصادی مناسب ایران برخوردار است. مشارکت فعال مردمی، تعامل با کشورهای منطقه و همسو و تنوع‌بخشی و کاهش آسیب‌پذیری سه اصلی هستند که در صنعت برق ایران به میزان بسیار زیادی قابل وصول هستند. اما در حال حاضر ساختار صنعت و شبکه برق در ایران به گونه‌ای است که موانع زیادی را در مسیر حرکت به سمت تحقق این اهداف ایجاد می‌کند. برخی از این مشکلات عبارتند از:

- **کارایی پایین در تولید برق:** عدم استفاده از بسیاری از ظرفیت‌های تولید برق در کشور، تولید دولتی برق و توسل به روش‌های تولیدی با بازده پایین از جمله مواردی هستند که باعث می‌شوند تولید برق در ایران تلفات بسیاری داشته باشد. این

^۹ مصاحبه با مهندس حسین نیا، کارشناس سیاست‌گذاری انرژی

مساله امکان تعامل با کشورهای منطقه به کمک تجارت برق را با کندی همراه می کند و آسیب پذیری تولید برق در ایران را افزایش می دهد.

- **تلفات زیاد در شبکه توزیع برق:** وجود شبکه های طولانی انتقال برق به خاطر فاصله طولانی بین مکان تولید برق و مصرف برق و عیب یابی و تعمیر شبکه توزیع برق کشور به شیوه های سنتی و غیر اتوماتیک دو عامل مهمی هستند که تلفات شبکه توزیع برق در کشور را بسیار فراتر از حد قابل قبول کرده اند. نتیجه این تلفات زیاد کاهش کیفیت برق تولیدی، افزایش آسیب پذیری شبکه برق کشور و از دست رفتن بسیاری از فرصت ها در تجارت برقود.
- **عدم وجود ساختار بازار مناسب برای عرضه و تقاضای برق:** عدم شکل گیری بازار خرید و فروش برق باعث می شود بستر مناسب برای تنوع بخشی در تولید و عرضه برق و همچنین مشارکت فعال مردم در فعالیت های مرتبط با تولید و مصرف برق فراهم نشود. نبود فضای قیمت گذاری رقابتی در بازار برق باعث می شود انگیزه ی صرفه جویی مصرف برق و عرضه برق به بازار توسط مردم کاهش یابد.

به نظر می رسد اصلی ترین مانعی که در راستای حل مشکلات یاد شده پیش روی صنعت برق ایران قرارداد، ساختار سنتی آن است. معضلات اصلی ساختار سنتی تولید، توزیع و مصرف برق در ایران به قرار زیر هستند:

- ✓ سیستم توزیع الکترومکانیکال
- ✓ عدم وجود ارتباط یا ارتباط ضعیف یک سو به بین بسیاری از نقاط مختلف شبکه برق ایران
- ✓ تولید قسمت عمده ای از برق ایران به صورت متمرکز
- ✓ ساختار سلسله مراتبی بین عناصر شبکه
- ✓ راه اندازی دستی بسیاری از قسمت های شبکه
- ✓ عدم ارائه بازخورد توسط نقاط شبکه
- ✓ نیاز به قطع گسترده شبکه در صورت بروز مشکل
- ✓ پایش و تست شبکه به صورت دستی
- ✓ عدم وجود کنترل روی نقاط بسیاری از شبکه و کنترل محدود روی سایر نقاط

پیش نیاز اصلی از میان برداشتن این مشکلات برهم زدن ساختار سنتی فعلی و استقرار اتوماسیون در شبکه تولید و توزیع برق است. این بستر در ادبیات بین المللی به شبکه هوشمند (smart grid) شناخته می شود. در واقع شبکه ی برقی هوشمند است که از زیرساخت های مبتنی بر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای دریافت و ارسال اطلاعات عناصر مختلف شبکه ی برق یعنی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان

به صورت اتوماتیک استفاده می‌کند. نقص‌های اشاره شده در ساختار سنتی فعلی شبکه برق کشور در شبکه هوشمند برق با پاسخ‌های زیر مواجه می‌شود^{۱۰}:

| سیستم توزیع برق سنتی | سیستم توزیع برق هوشمند |
|---|---|
| الکترومکانیکال | دیجیتال |
| بدون ارتباط یا ارتباط ضعیف یکسویه | ارتباط دو سویه با کلیه المان‌های فعال شبکه |
| تولید متمرکز | تولید غیر متمرکز |
| ساختار سلسله مراتبی | ساختار شبکه‌ای |
| سنسورها و المان‌های اندازه‌گیری محدود | سنسورها و المان‌های اندازه‌گیری فراگیر |
| شبکه بدون بازخورد | کنترل ذاتی و بلادرنگ |
| راه‌اندازی دستی | بازیابی خودکار |
| قطع گسترده در زمان بروز مشکل | محدود نمودن و قطع جزیره‌ای |
| تست و بررسی دستی شبکه | تست و بررسی شبکه از راه دور |
| کنترل محدود شبکه | کنترل همه‌جانبه شبکه |
| ارائه سرویس محدود به مشترکین و مصرف‌کنندگان | ارائه سرویس متنوع به مشترکین و مصرف‌کنندگان |

استقرار شبکه هوشمند در کشور از طریق دو زمینه زیر، موجبات حرکت صنعت برق کشور به سمت تحقق اصول اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌آورد:

۱. **کاهش تلفات در شبکه توزیع برق:** با استقرار زیرساخت‌های شبکه هوشمند برق زمینه مناسب برای برطرف کردن بسیاری از مشکلات مربوط به تلفات برق در شبکه توزیع فراهم می‌شود. از طریق برقراری ارتباط بین نقاط مختلف شبکه توزیع برق به صورت شبکه‌ای و ایجاد ارتباطات دوسویه، در هر لحظه می‌توان مسیر بهینه ارائه برق را انتخاب کرد. همچنین قابلیت مانیتورینگ آنلاین شبکه در شبکه هوشمند و فعالیت نرم‌افزارهای تشخیص خودکار عیوب، امکان تشخیص سریع خطاها و جداسازی شبکه معیوب را با سرعت و کارایی بالا فراهم می‌کند. همچنین این امکان وجود دارد که شبکه قابلیت خودتعمیری داشته باشد و در کمترین زمان ممکن قطعه معیوب تعمیر شده و به شبکه متصل شود.

^{۱۰} ضرورت بازنگری نگرش مدیران صنعت برق ایران از هوشمندسازی شبکه با مروری بر نقشه راه هوشمندسازی شبکه کره جنوبی-شرکت مشاوره مدیریت آریانا

۲. **ایجاد بازار برق:** قابلیت‌های شبکه هوشمند برق در ایجاد ارتباط دوسویه و شبکه‌ای بین نقاط مختلف شبکه برق، زمینه اصلی برای ایجاد بازار برق را فراهم می‌کند. با ایجاد بازار برق، طیف متنوع‌تری از تولیدکنندگان برق انگیزه‌ی کافی را برای حضور در بازار و عرضه‌ی برق پیدا می‌کنند چراکه علاوه بر نیروگاه‌های بزرگ فعلی، نیروگاه‌های کوچک خصوصی و پراکنده و تولیدکنندگان برق که از انرژی‌های نو و پاک برای تولید برق استفاده می‌کنند نیز در عرضه‌ی برق فعال‌تر از سابق خواهند شد و همین انگیزه مضاعف زمینه ساز ورود هرچه پررنگ‌تر بخش خصوصی کشور به عرصه نیروگاه‌های تولید پراکنده و انرژی‌های نو خواهد بود.

همچنین مشتریان برق نیز با گزینه‌های متنوع‌تری در بازار برق مواجه خواهند بود و می‌توانند باتوجه به نیازهای خود، سببی مناسب از برق را خریداری کنند که باعث صرفه‌جویی در مصرف آن‌ها شود.

به طور کلی اتوماسیون شبکه به صور مختلف باعث کاهش تلفات توزیع و افزایش بهره‌وری آن، افزایش ظرفیت تولید و راندمان آن، افزایش کیفیت برق تولید شده، تنوع بخشی به تولید و از همه مهم‌تر افزایش توان مدیریتی شبکه خواهد شد و این مسأله تأثیر به‌سزایی در افزایش توان صادراتی کشور در زمینه برق خواهد داشت.

علاوه بر موارد فوق، قابلیت‌های دیگری نیز ذیل بستر شبکه هوشمند برق قابل دستیابی هستند^{۱۱}:

- استفاده از وسایل اندازه‌گیری هوشمند که توانایی مصرف‌کننده برای نظارت بر مصرف برق خود را افزایش می‌دهد. این امکان در صورتی که همراه با سیاست قیمت‌گذاری هوشمند (بر حسب ساعت مصرف و تقاضای برق) همراه باشد می‌تواند تأثیر به‌سزایی در صرفه‌جویی مصرف برق بگذارد. همچنین در بستر خانه‌ی هوشمند (خانه سبز)، مصرف‌کننده می‌تواند از تنظیم‌کننده‌های هوشمند برای کنترل درجه حرارت و روشنایی خانه خود استفاده کند و همچنین از طریق وسایل ارتباطی مانند اینترنت مصرف برق خود را مدیریت کند.
- در صورت استقرار نظام قیمت‌گذاری هوشمند و با توسعه باتری‌های ذخیره‌کننده برق، شبکه هوشمند این امکان را فراهم می‌کند که مصرف‌کنندگان، انرژی برقی را که در ساعات غیرپیک ذخیره کرده اند در ساعات پیک به شبکه بفروشند. این قابلیت ضمن ایجاد درآمد برای خانوارها به شبکه توزیع نیز کمک می‌کند و ظرفیت شبکه را افزایش می‌دهد.

^{۱۱} ضرورت بازنگری نگرش مدیران صنعت برق ایران از هوشمندسازی شبکه با مروری بر نقشه راه هوشمندسازی شبکه کره جنوبی-شرکت مشاوره مدیریت آریانا

- با افزایش کارایی تولید و توزیع برق، امکان استفاده از برق برای سرمایه‌ش و گرمایش و حتی استفاده از خودروهای الکتریکی فراهم می‌شود. این امر تاثیر زیادی روی مدیریت آلاینده‌ها و دی‌اکسید کربن خواهد داشت. البته لازمی وقوع این اتفاق، فعال‌شدن صنایع مرتبط من جمله صنعت خودروهای الکتریکی نیز می‌باشد.

به‌طور کلی، فرصت‌هایی که با توسعه بستر شبکه هوشمند برق ایجاد می‌شود در شکل زیر قابل ارائه است:



گرچه ادبیات مربوط به شبکه هوشمند برق در سال‌های اخیر توسعه‌ی زیادی در سطح بین‌المللی داشته‌است، اما سابقه‌ی تاریخی این موضوع حتی در بین کشورهای پیشرفته دنیا چندان قدیمی نیست. در اتحادیه اروپا کشورهای اتریش، بلژیک، فرانسه، دانمارک، آلمان، ایتالیا، فنلاند، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد و انگلیس طرح‌های شبکه هوشمند برق را در دستور کار خود دارند که این طرح‌ها ذیل برنامه انرژی ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا در حال پیگیری است. در ایالات متحده آمریکا نیز شرکت PG&E ذیل طرحی با عنوان «تعریف مسیر کالیفرنیا برای حرکت به سمت شبکه هوشمند ۲۰۲۰» پیاده‌سازی و گسترش شبکه هوشمند را پیگیری می‌کند. کشور کره جنوبی نیز نقشه راه هوشمندسازی شبکه را در سه مرحله و تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرده‌است.

۴. جمع بندی

همانطور که اشاره شد حوزه‌ی انرژی یکی از مهم‌ترین الویت‌ها برای پیاده‌سازی اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی است. در این میان صنعت برق هم از ظرفیت بالقوه‌ی بالایی برای این منظور برخوردار است. در صنعت برق با توسعه نیروگاه‌های تولید پراکنده می‌توان مشارکت فعال مردم را در بخش تولید و توزیع برق فراهم کرد، همچنین با افزایش ظرفیت تولید نیروگاه‌های پراکنده و نیروگاه‌های انرژی

های نو می‌توان ضمن تنوع بخشی، آسیب پذیری کشور را کاهش داد. همچنین با افزایش توان تولید و صادرات کشور می‌توان تعامل بیشتری با کشورهای منطقه و همسو ایجاد کرد و به نوعی منافع این کشورها را به منافع کشور گره زد.

برای رسیدن به این اهداف ساختار سنتی شبکه برق جدی ترین مانع به حساب می‌آید که می‌توان با پیاده سازی اتوماسیون شبکه و شبکه هوشمند برق این مشکل را مرتفع ساخت. در واقع شبکه برق هوشمند زیرساختی مبتنی بر تکنولوژی اطلاعات است که ارتباط دوسویه بین اعضای شبکه را ممکن می‌سازد و به دلیل دارا بودن قابلیت عیب‌یابی و خودتعمیری هوشمند تا حد زیادی موجبات کاهش تلفات و افزایش بهره وری شبکه توزیع را فراهم می‌کند. همچنین شبکه هوشمند بستری خواهد بود که تسهیل کننده‌ی پیشرفت‌های آینده صنعت برق خواهد بود.

منابع

۱. ضرورت بازنگری نگرش مدیران صنعت برق ایران از هوشمندسازی شبکه با مروری بر نقشه راه هوشمندسازی شبکه کره جنوبی-شرکت مشاوره مدیریت آریانا
۲. ارتباط الکتریکی با کشورهای منطقه، مسعود حجت، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک
۳. مشکلات و راهکارهای بانکی در توسعه صادرات صنعت برق، حسین جعفری، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک
۴. مزیت‌ها و مشکلات صادرات در صنعت برق ایران، خبرنامه گستره انرژی، شماره ۳۸
۵. آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی در سال ۱۳۹۰، شرکت مادر تخصصی توانیر، اسفند ۱۳۹۰
۶. اقتصاد مقاومتی، مبانی و راهبردها، حسین عسگری
۷. تولید پراکنده و مزایای استفاده از آن، نهمین کنفرانس دانشجویی مهندسی برق ایران
8. Roadmap for Smart Grid in Iran, Hassan Farhangi, PHD, PEng, British Columbia Institute of Technology

مدیریت بی ثباتی درآمدهای نفتی راهبردی فعال در اقتصاد مقاومتی

رضا محسنی

دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعت آب و برق (شهید عباسپور).
Mohseni_re@yahoo.com

چکیده:

مدیریت اقتصادی درآمدهای نفتی در کشورهای درحال توسعه به ویژه بعد از تکانه های نفتی و بی ثباتی آن از چالش های مهم کشورهای صادرکننده نفت می باشد. تحت این شرایط، اقتصاد می بایست از ویژگی اقتصاد مقاومتی برخوردار باشد بطوریکه با ابزارها و سیاست ها قادر باشد نوسانات داخلی و خارجی طرف تقاضا و عرضه را تا حد زیادی کنترل و خنثی نماید. به طوری که این نوسانات حداقل تغییرات ناخواسته را بر رشد اقتصادی داشته باشد.

به همین منظور مقاله حاضر به بررسی رابطه بی ثباتی درآمدهای حاصل از صادرات نفتی و بی ثباتی واردات کالاها و خدمات بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته است. زیرا با درک صحیح و شناخت صحیح ماهیت و علل بی ثباتی می توان در جهت رفع و یا هدایت آن به بخشهایی که اثرات جانبی کمتری به بار می آورد و نیز از پیامدهای آن بر کل اقتصاد جلوگیری کرده و یا آنها را محدود نمود. لذا در این مقاله براساس مدل رشد Feder (1982) مبتنی بر رویکرد هم انباشتگی سیستمی جوهانسن (1988) به بررسی اثرات حاصل از بی ثباتی صادرات نفتی و واردات بر رشد اقتصادی ایران پرداخته و سپس به بررسی راهکارهای مدیریت آن پرداخته می شود. نتایج حاکی از آن است که بی ثباتی صادرات نفتی در بلندمدت اثری بر تولید ناخالص داخلی نداشته بلکه این اثر در کوتاه مدت ظاهر شده و اثر آن منفی ارزیابی شده است. لذا می توان با پس انداز درآمدهای نفتی اثرات وخیم ناشی از بی ثباتی درآمدهای نفتی را مدیریت نمود. از طرف دیگر بی ثباتی در واردات کالاها و خدمات به دلیل آن که باعث فشار بر تولید جایگزین واردات در داخل می گردد اثر آن در بلندمدت و کوتاه مدت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی دار برآورد شده است.

کلیدواژه: بی ثباتی صادرات و واردات، رشد اقتصادی، هم انباشتگی سیستمی، مکانیسم تصحیح خطا.

۱- مقدمه

اقتصاد مقاومتی در شرایطی در فضای گفتمان اقتصادی کشور مطرح می‌شود که بیش از هر زمان دیگر کشور در برخی کالاهای اساسی و حساس صنعتی و کشاورزی نیازمند اجرای طرح‌های خوداتکایی و خودکفایی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با تبیین محورهای اقتصاد مقاومتی طی بیانات اخیر خود، تاکید داشتند که با تکیه بر اقتصاد مقاومتی، بسترهای عقب‌ماندگی در حوزه‌های مختلف جبران و برطرف شود.

اقتصاد مقاومتی به ظاهر ترسیم شرایط ویژه و متفاوت به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از تحریم و تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها در عین حفظ روند رشد اقتصادی کشور است. با چنین نگاهی، شرایط ویژه اقتصاد کشورهای غربی در دهه ۱۹۳۰ همزمان با وقوع رکود بزرگ اقتصادی که منجر به بسیج تمامی دستگاه‌ها در راستای برنامه‌ریزی برای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید صادرات گرا بود، به نوعی مقاومتی تفسیر می‌شود. همچنین مختصات سیاست‌های اقتصادی در زمان جنگ جهانی دوم در کشورهایی چون آلمان و انگلستان از جمله کاهش مصارف غیرضرور و محدودیت مصرف کالاهای لوکس می‌تواند الگودهی مناسبی برای اقتصاد مقاومتی باشد.

خواستگاه اقتصاد مقاومتی در شرایط اقتصادی کشور سنخیت چندانی با خواستگاه نظری اقتصاد مقاومتی در ابعاد بین‌المللی آن در دوران رکود بزرگ یا جنگ جهانی دوم ندارد. به عنوان مثال در شرایط فعلی، بدیهی است که کشور هر چقدر هم خودکفا باشد، نمی‌تواند و نباید هم تمامی کالاهای و خدمات مورد نیاز خود را به تنهایی تدارک نماید، اما مهم آنست که ضمن خودکفایی در کالاهای اساسی، بقیه نیازمندی‌های خود را اولویت‌بندی نموده و در مواردی که ممکن است کشورهای صادرکننده در حال حاضر یا در آینده موانعی برای صادرات مستقیم یا غیرمستقیم آنها ایجاد کند، نسبت به روابط اقتصادی فی‌مابین با کشورهای متخاصم و هم‌پیمان با غرب تجدیدنظر و با رعایت تولی و تبری اقدام به انعقاد قرارداد و پیمان با کشورهای مسلمان و دوست و یا حداقل کشورهای غیر متعهد با رعایت جنبه‌های اقتصادی نماید. لذا اقتصاد مقاومتی ناظر بر اتخاذ راهبردهای تجاری با هدف حرکت از مبادی ناامن به سمت مبادی نیمه‌امن و امن وارداتی است. مثال دیگر، تحریم نقل و انتقالات مالی و ضرورت حفظ مجاری مالی کشور از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی در شرایط فعلی است. به عبارتی، در شرایطی که یکی از مصادیق تحریم‌ها کنترل مبادی و مقاصد و مبالغ ارزهای انتقالی بین کشورهاست، تبادلات ارزی بین کشورها برای فعالیت‌های تجاری و اقتصادی دچار چالش شده و اختلال در امور اقتصادی کشورهای مختلف، از جمله کشور مورد تحریم ایجاد می‌شود، از این رو سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی می‌بایست ضمن تثبیت موقعیت پول ملی در قبال ارزهای خارجی، تقویت سبد ارزی کشور، انجام معاملات کالایی پایاپای و تشکیل اتاق پایاپای ارزی با کشورهای دوست و هم‌پیمانان را مد نظر قرار دهد.

لذا بر اساس مطالب فوق اقتصاد ایران می‌بایست بر درآمدهای حاصل از صادرات اعم از نفتی و غیر نفتی مدیریت خاصی اعمال نماید. با توجه به اینکه بخش عظیمی از درآمدهای صادراتی کشور را صادرات نفت و گاز تشکیل می‌دهد لذا مدیریت درآمدهای نفتی در شرایطی که اقتصاد ایران دارای سهمیه معین در تولید نفت بوده و همچنین نوسانات قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی، از اهمیت بالایی برخوردار

است. حیطة وسیعی از مطالعات رابطه بین بی‌ثباتی صادرات، واردات و رشد اقتصادی که عمدتاً از داده‌های کشورهای در حال توسعه استفاده نموده‌اند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. تقریباً تمامی مطالعات قبلی براساس داده‌های مقطعی صورت پذیرفته است - یک مشکل عمده کار با داده‌های مقطعی آن است که مطالعات مبتنی بر این نوع از داده‌ها یک مقدار متوسط اثرات را برآورد نموده و هیچ‌گونه اطلاعات بیشتری درباره کشورهای تحت بررسی ارائه نمی‌نماید. تنها مطالعات معدودی نظیر Love(1992) و Wilson(1994) در بررسی چنین رابطه‌ای از داده‌های سریهای زمانی استفاده نموده‌اند. اما در تمامی موارد از جمله دو مطالعه اخیر در رابطه با بررسی نامانایی داده‌ها تحلیلی صورت نپذیرفته است و این احتمال وجود دارد که رگرسیون‌های برآوردی در این مطالعات رگرسیون ساختگی باشد. همانطور که در بخش بعدی این مقاله مشاهده خواهیم نمود اغلب داده‌های مورد بررسی نامانا می‌باشند، در مقاله حاضر با تاکید بر رویکرد نوین اقتصادسنجی سریهای زمانی در غالب متدولوژی جوهانسن (۱۹۸۸) به بررسی رابطه میان بی‌ثباتی صادرات نفت و گاز و اثر آن بر تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران می‌پردازد.

در بخش دوم مقاله رویکرد نظری اثرات کلان و خرد بی‌ثباتی بر متغیرهای مهم کلان اقتصادی پرداخته می‌شود. مبانی نظری الگوی مورد بررسی در بخش سوم مقاله معرفی می‌گردد. در بخش چهارم ضمن معرفی شاخص بی‌ثباتی در مطالعه حاضر، تخمین و تجزیه و تحلیل بی‌ثباتی صادرات نفتی و بی‌ثباتی واردات کالاها و خدمات بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم به بررسی مدیریت درآمدهای نفتی پرداخته شده و در نهایت بخش پنجم جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۲- پیامدهای کلان بی‌ثباتی صادراتی

براساس تئوریهای تجارت بین‌الملل، کشورهای در حال توسعه به دلیل برخورداری از مزیت‌های نسبی و فراوانی نهاده‌های تولیدی از تخصص‌های اولیه اقتصادی منتفع می‌گردند. همچنین وفور نهاده‌های تولیدی در این کشورها ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی را تشدید نموده است. در همین حال برخی از اقتصاددانان توسعه تخصص‌گرایی بین‌المللی^{۱۲} را به لحاظ وابستگی شدید اقتصاد به کالاهای صادراتی مورد انتقاد قرار می‌دهند. براین اساس اینان معتقدند که تخصص‌گرایی بین‌المللی در کالا برای یک کشور منجر به وابستگی شدید اقتصاد آن کشور به درآمدهای صادراتی شده اما به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت کالاهای صادراتی در صورت نوسانات شدید در قیمت منجر به بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی گردیده و این امر اثر منفی بر کل اقتصاد خواهد گذاشت. به عبارت دیگر در کشورهای در حال توسعه صادرات به عنوان یک نهاده تولیدی (مواد اولیه و واسطه‌ای) رفتار نموده و به لحاظ اینکه اغلب این کشورها سهم اعظمی از واردات آنان را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که بعنوان یک نهاده تولیدی استفاده می‌گردد، تشکیل می‌دهد و منابع تامین مالی این نوع از واردات از محل درآمدهای صادراتی تامین می‌گردد، لذا بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی منجر به اختلال در واردات این نوع از نهاده‌های تولیدی شده و به تبع آن رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار میدهد.^{۱۳}

¹² -International Specification

¹³ -Feder(1982),Sinha(1999)

تغییرپذیری و نوسانات قیمت منجر به نوسانات کلان اقتصادی گردیده که این امر در اقتصاد عمدتاً در بی‌ثباتی درآمد ملی ظاهر شده و بیانگر شکاف میان مزیت‌های بالقوه و موثر ناشی از تخصص‌گرایی بین‌المللی است. در تئوری‌های سنتی ادبیات توسعه اقتصادی بر پیامدهای منفی بی‌ثباتی کلان اقتصادی تاکید فراوانی گردیده است.^{۱۴} براساس نظریه میردال (۱۹۵۸)^{۱۵} بی‌ثباتی قیمت محصولات صادراتی در شرایطی که قیمت به سمت پایین چسبیده باشد منجر به تورم در اقتصاد می‌گردد. همچنین در این شرایط کسری بودجه سیکل متقابلی از خود نشان می‌دهد. واکنش کسری بودجه که واکنش بهینه در جهت تعادل اقتصادی است اما به دلیل وجود اثر چرخ‌دنده‌ای^{۱۶} میان کسری بودجه و بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی رابطه مثبتی مشاهده می‌گردد. براساس نظریه نرکس (۱۹۶۲)^{۱۷} و قبل از آن کینز (۱۹۳۸)^{۱۸} بی‌ثباتی کلان اقتصادی منجر به نااطمینانی^{۱۹} در اقتصاد شده که این امر دارای اثرات منفی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و پیشرفتهای تکنولوژیکی خواهد داشت. در این رابطه کینز معتقد است نااطمینانی زمانی رخ می‌دهد که هیچ پایه علمی جهت ارائه هرگونه محاسبات احتمالی وجود نداشته باشد. البته پیشرفتهای اخیر در ادبیات ریسک این امکان را فراهم نموده تا از محاسبات ریسک در این رابطه استفاده گردد. چنین تفکراتی در مطالعات بعدی توسط هیرشمن (۱۹۵۸)^{۲۰} و فریدمن (۱۹۵۴، ۵۷)^{۲۱} مبتنی بر رویکردهای مختلف شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت. هیرشمن (۱۹۵۸) مشاهده نمود نوسانات درآمدهای صادراتی در کوتاه‌مدت بطور قابل توجهی واردات کالاهای ساخته شده را کاهش می‌دهد و این امر به نفع صنایع تولید داخلی خواهد بود. این منفعت ناشی از اثرات پیامدهای مثبت استراتژی جانشین واردات^{۲۲} بر رشد اقتصادی است. فریدمن در این رابطه اشاره می‌نماید براساس تئوری درآمد دائمی بی‌ثباتی درآمدی منجر به افزایش نرخ پس‌انداز می‌گردد. لذا آزادسازی بازار کالاهای اولیه سهم درآمدهای صادراتی را از بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی منتقل می‌سازد. به همین دلیل است که فرضیه درآمد دائمی فریدمن یکی از محورهای اصلی در مباحث مدیریت ریسک محسوب می‌گردد.

در این بخش از مقاله به بررسی پیشرفتهای اخیر تئوری‌های اقتصادی درباره پیامدهای بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی بر اقتصاد کلان می‌پردازد. در ادبیات اقتصادی بر رابطه بین بی‌ثباتی صادرات کالای اولیه و رقابت‌پذیری^{۲۳} در کوتاه‌مدت تاکید بسیاری صورت پذیرفته است. اما در بلندمدت بی‌ثباتی اینگونه درآمدها می‌تواند منجر به نوسانات رشد اقتصادی گردد.

• اثرات کوتاه‌مدت

- تجزیه و تحلیل بیماری هلندی^{۲۴}: چارچوب تئوریک این تجزیه و تحلیل مبتنی بر یک اقتصاد وابسته کوچک که با شوک‌های غیر قابل انتظار و زودگذر در درآمدهای صادراتی محصولات اولیه مواجه می‌باشد قرار دارد.^{۲۵} براساس این تئوری تحت چنین شرایط اقتصادی بی

¹⁴ - Guillaumont(1958)

¹⁵ - Myrdal(1958)

¹⁶ - Ratchet effect

¹⁷ - Nurkes(1962)

¹⁸ - Keynes(1938)

¹⁹ - Uncertainty

²⁰ - Hirschman(1958)

²¹ -Friedman(1954)

²² - Import Substitution Strategy

²³ - Competitiveness

²⁴ . Dutch Disease Analysis

ثباتی در درآمدهای صادراتی منجر به کاهش رقابت پذیری بخش قابل تجارت سنتی (کالاهای ساخته شده صنعتی) می‌گردد. این پدیده اقتصادی به بیماری هلندی شناخته شده است.^{۲۶}

در این بخش به شرح مختصر پیرامون فرضیه اصلی این تئوری می‌پردازیم. جهت این امر یک اقتصاد سه بخشی را در نظر بگیرید که در آن دو بخش قابل تجارت^{۲۷} شامل بخش‌های کشاورزی- معدن و بخش کالاهای صنعتی است بطوریکه قیمت محصولات این بخش‌ها بطور برون‌زا تعیین می‌گردد و بخش سوم اقتصاد که عمدتاً شامل صنایع خدماتی و محلی است بخش غیر قابل تجارت فرض شده است. در برخی از مطالعات این بخش موسوم به بخش کالاهای شبه قابل تجارت می‌باشد.^{۲۸} جهت مطالعه جزئیات بیشتر در این رابطه رجوع کنید به (Devarajan & de Melo 1987). همچنین اقتصاد دارای دو نهاد تولیدی کار و سرمایه می‌باشد و نهاد نیروی کار نیز قادر به انتقال از یک بخش به سایر بخش‌ها است اما قادر به مهاجرت خارج از کشور نمی‌باشد.^{۲۹} در حالیکه نهاد سرمایه در هر بخش ثابت و معین فرض شده است.^{۳۰} سایر فروض عبارتند از اشتغال کامل عوامل تولید، انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها و بازدهی ثابت نسبت به مقیاس.^{۳۱} در این تجزیه و تحلیل مدل براساس متغیرهای حقیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد^{۳۲} به همین جهت از نسبت قیمت بخش قابل تجارت سنتی به بخش غیر قابل تجارت بعنوان متغیر نرخ ارز واقعی استفاده شده است که عمدتاً بعنوان شاخص رقابت‌پذیری^{۳۳} مورد تفسیر قرار می‌گیرد.

تئوری بیماری هلندی در دو اثرمخارج^{۳۴} و اثر منبع^{۳۵} خلاصه می‌گردد. اگر اقتصاد با یک افزایش غیر قابل انتظار در درآمدهای صادراتی کالاهای اولیه مواجه گردد این امر منجر به افزایش درآمد و به تبع آن افزایش تقاضای داخلی می‌شود. واکنش اصلی اقتصاد (در کنار سایر عکس‌العمل‌های نهادهای اقتصادی که از واکنش اندکی برخوردارند) در برابر این شوک، افزایش تقاضای نیروی کار (توسط بنگاهها) و به تبع آن افزایش دستمزدها (از سوی کارگران) است. نظر به اینکه قیمت محصولات در دو بخش قابل تجارت برون‌زا فرض شده، تنها قیمت محصولات بخش غیر قابل تجارت افزایش می‌یابد. لذا افزایش دستمزدها سود بخش صادرات سنتی (کالایی) را کاهش می‌دهد. فرآیند اثرپذیری این شوک بر اقتصاد بیانگر اثر مخارج است. اثرگذاری منفی اثر مخارج در بخش قابل تجارت سنتی توسط اثر منبع که منجر به تشدید انتقال نیروی کار از بخش‌های قابل تجارت سنتی و غیر قابل تجارت به سایر بخش‌های توسعه یافته می‌شود، می‌گردد. البته لازم به ذکر است اثر خالص ناشی از اثر مخارج در بخش غیر قابل تجارت مبهم است. لذا در نهایت تأثیر ناشی از شوک غیر قابل انتظار درآمد صادراتی منجر به کاهش ارزش پول و کاهش نرخ واقعی ارز می‌گردد و این امر بیانگر کاهش رقابت‌پذیری کشور در صحنه بین‌المللی است. نکته‌ای که در اینجا می‌بایست به آن توجه نمود آن است که تئوری بیماری هلندی تنها شرایطی که شوک‌های

²⁵. Salter (1959)

²⁶. Gorden & Neary (1982) and Neary & Van Wijnbergen (1986)

²⁷. Tradable

²⁸. Semi tradable goods

^{۲۹}. در مطالعه Brano & Suchs (1992) این تجزیه و تحلیل صرفنظر از این فرض بررسی شده است.

^{۳۰}. در این باره Corden (1984) در مطالعه خود نهاد سرمایه را متغیر فرض نموده است.

^{۳۱}. Nowak (1992) در مطالعه خود قیدهایی بیشتری را لحاظ می‌نماید.

^{۳۲}. البته Edward (1982) چنین تجزیه و تحلیلی را براساس متغیرهای اسمی نیز ارائه نموده است.

³³. Competitiveness

³⁴. Spending effect

³⁵. Resource effect

درآمدهای صادراتی (افزایش و یا کاهش) موقتی و زودگذر می‌باشد صادق می‌باشد. اگر افزایش درآمدهای صادراتی دائمی بوده عکس‌العمل نرخ واقعی ارز (در اینجا یعنی کاهش نرخ واقعی ارز) را در چنین شرایطی می‌توان بعنوان یک واکنش متعارف و عادی در اقتصاد تلقی نمود. زمانیکه شوک‌های درآمد صادراتی (افزایش و یا کاهش آن) موقتی و زودگذر باشد تخصیص مجدد منابع درون بخشی با توجه به وجود هزینه‌های تعدیل با مشکلات متعددی مواجه می‌گردد. بعنوان مثال ضد صنعتی شدن اقتصاد می‌تواند منجر به ایجاد وقفه‌های دائمی در انباشتگی دانش تکنولوژی و یا منجر به ایجاد وقفه دائمی با توجه به هزینه‌های تولید رقبا و مقیاس‌های اقتصادی گردد.

- نقش بنگاه‌های دولتی

ادبیات معاصر در رابطه با نقش بنگاه‌های دولتی بیشتر بر روی فقر مدیریت دولتی در درآمدهای صادراتی تاکید می‌نماید. تانزی (۱۹۸۶)^{۳۶} دو نوع واکنش بنگاه دولتی را در این باره پیش‌بینی می‌نماید.

۱- بنگاه دولتی ممکن است شوک (افزایش یا کاهش) درآمدهای صادراتی را موقتی و زودگذر فرض نموده به همین جهت این منابع را پس‌انداز و آنرا در بازارهای مالی بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌نمایند و از منافع حاصل از آن بهره‌مند می‌گردند.^{۳۷} اگر چه این نوع رفتار بنگاه مطابق انتظار با تئوری درآمد دائمی است اما در عمل بندرت چنین رفتاری مشاهده می‌گردد.^{۳۸} بنگاه دولتی ممکن است شوک درآمدهای صادراتی را دائمی فرض نموده و سرمایه‌گذاری داخلی را افزایش دهد. بکارگیری این فرض، بنگاه را مواجه با دو مشکل می‌سازد.

الف- بازدهی اندک سرمایه‌گذاری‌های دولتی: براساس روش سرمایه‌گذاری کینز در جایی بنگاه اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نماید که منحنی عرضه وجوه اعتبارات منحنی امکانات سرمایه‌گذاری را قطع نماید لذا افزایش درآمدهای صادراتی منجر به انتقال منحنی عرضه وجوه اعتبارات به سمت پایین شده و این امر باعث کاهش بازده سرمایه‌گذاری بنگاه می‌گردد. ب- وجوه هزینه‌های تکراری در دوره‌های آتی زمانیکه اقتصاد با افزایش درآمد صادراتی مواجه می‌گردد.

اگر براساس فرض دائمی بودن چنین درآمدهایی اقدام به اجرای پروژه‌های عمرانی نماید این امر سبب می‌گردد بنگاه‌های دولتی در هر دوره متعهد به تأمین مخارج این پروژه‌ها شده. لذا اگر برخلاف انتظار افزایش درآمد صادراتی زودگذر باشد این منجر به کسری بودجه و ارائه هزینه‌های مجدد و تکراری جهت تأمین مالی چنین پروژه‌هایی خواهد گردید.

نکته‌ای که در اینجا می‌توان به آن اشاره نمود آن است که در برخی کشورها، به لحاظ ویژگی‌های بازار در آنان از پیامدهای ناشی از جهش درآمدهای صادراتی بیشتر بخش خصوصی را منتفع می‌سازد. در این رابطه می‌توان به تولیدکنندگان قهوه در کشور کنیا اشاره نمود

³⁶ . Tanzi (1986)

³⁷ . در این رابطه می‌توان به تجربه کشور کامرون در مطالعه (1987) Devarajanpde Melo اشاره نمود.

³⁸ . Combes (1993)

که از افزایش موقتی درآمدهای صادراتی بهره‌مند گردیدند.^{۳۹} اما ویژگی رقابت ناقص بازارهای سرمایه که ناشی از فقر فرصت‌های سرمایه‌گذاری است در صورت افزایش درآمدهای صادراتی منجر به تشدید فعالیت‌های بخش ساختمان که یک بخش غیرقابل تجارت است می‌گردد. در این رابطه در کلمبیا، نرخ‌های پس‌انداز به دلیل سرکوب مالی (نرخ‌های بهره واقعی منفی) افزایش نیافت. لذا آزادسازی محصولات اولیه (سنتی) زمانیکه بازار چنین محصولاتی از ویژگی رقابت ناقص برخوردار باشند می‌تواند غیر کارآمد باشد. بطور کلی براساس نظرات Davis (1995) بیماری هلندی در کشورها عمدتاً ناشی از ناکارآمدی واکنش‌های دولت (بخش عمومی) به بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی است. در حقیقت بخش دولتی مسئول تعدیل اثرات مثبت (یا منفی) بالقوه جهش درآمدهای صادراتی از طریق مداخله و معیارهای حمایتی در اقتصاد است. بیماری هلندی براساس نظریه Romer (1985) فعالیت‌های Lobbying که منجر به افزایش مالیات مصرف‌کننده، تعیین قیمت‌های واردات، ایجاد چسبندگی دستمزدها و غیره می‌گردد را شبیه‌سازی می‌نماید. اما براساس نظر Collier and Gunning et al (1999) در شرایط فعلی اکثر واکنش‌های دولت‌ها به این شوک‌ها بهبود یافته است.

- اثرات کوتاه‌مدت: تجزیه و تحلیل تئوریک

زمانیکه بی‌ثباتی‌های درآمدهای صادراتی منجر به ایجاد ریسک و نااطمینانی گردد، این امر منجر به تغییر عکس‌العمل عمومی بنگاهها گردیده و از اینرو بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. تجزیه و تحلیل تئوریکی در این باره در مطالعه Kemp and Liviatian (1973)، Eaton (1979) ارائه شده است. در این مطالعه به بررسی اثرات کوتاه‌مدت ریسک بر تخصیص منابع در غالب تجزیه و تحلیل ایستا پرداخته شده است. Brock (1991) به بررسی تجزیه و تحلیل پویای اثرات بی‌ثباتی بر رشد اقتصادی پرداخته و به نتایج قابل توجهی دست یافت. چارچوب پویای مطالعه Brock (1991) مبتنی بر فروض زیر است.

۱- بنگاه تولیدی با فعالیت اقتصادی نامحدود. ۲- تابع تولیدی با تکنولوژی نئوکلاسیکی (بازده ثابت نسبت به مقیاس، جانشینی عوامل، عرضه نیروی کار برون‌زا و غیره).

ویژگی اصلی مدل مورد مطالعه Brock (1991)، به دلیل وجود شوک‌های تصادفی برون‌زا یک فعالیت تولیدی تصادفی را مورد بررسی قرار می‌دهد. درآمد حاصل از چنین فعالیت تولیدی صرف تأمین مالی واردات مصرفی و کالاهای سرمایه‌ای و انباشت دارایی‌های بدون ریسک سرمایه خارجی می‌گردد. یک بنگاه تولیدی ریسک‌گریز همانطور که ریسک رفتار بهینه‌اش را زمانیکه با یک افزایش میانگین ذخایر در ریسک برون‌زا مواجه می‌گردد تعدیل می‌نماید بطور محتاطانه رفتار می‌کند (Kimball 1991). از نقطه نظر تکنیکی این رفتار به معنی آن است که منحنی مطلوبیت نهایی فرد (یا بنگاه) ریسک‌گریز محدب است. لذا در اینجا براساس چارچوب پویای مطالعه Kimball (1991) به بررسی پیرامون اثرات بی‌ثباتی بر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و رفاه می‌پردازیم.

^{۳۹} در این رابطه همچنین می‌توان به تجربه کشور کلمبیا در مطالعه Cuddington (1986) اشاره نمود.

اثرات ریسک بر پس‌انداز به لحاظ اهمیت نوعی ریسک که ممکن است ریسک درآمدی عامل کار یا ریسک درآمدی عامل سرمایه باشد متفاوت خواهد بود. تاثیر ریسک درآمدی عامل کار بر پس‌انداز در شرایطی که عرضه نیروی کار برون‌زا باشد واضح است.^{۴۰} در این حالت یک بنگاه ریسک‌گریز زمانیکه با یک شوک افزایش در درآمد عامل کار مواجه می‌شود پس‌اندازش را افزایش خواهد داد. این رفتار بنگاه تولیدی بعنوان یک نوع بیمه خود اتکایی در مقابل اثرات ناشی از ریسک انجام می‌پذیرد و بنگاه تولیدی زمانیکه با یک شوک افزایشی درآمدی مواجه شده این درآمد را پس‌انداز نموده و از آن بعنوان یک درآمد ذخیره برای زمانیکه با شوک کاهش درآمدی مواجه می‌گردد استفاده می‌نماید. اثرات ریسک درآمد عامل سرمایه بر پس‌انداز پیچیده و مبهم است. اثرات ریسک درآمد عامل سرمایه همانطوریکه یک واحد سرمایه در فرآیند تولید مصرف می‌گردد دارای تاثیرات متفاوتی خواهد بود. بنابراین یک شوک افزایش ناشی از درآمد عامل سرمایه می‌تواند منجر به دو اثر متضاد گردد. پیامد شوک درآمدی عامل سرمایه دارای اثر درآمدی مثبت و اثر جانشینی منفی بر بنگاه تولیدی است.^{۴۱} اثر درآمدی عکس‌العمل بنگاه در زمانیکه ریسک افزایش یافته منجر به کاهش پس‌انداز می‌گردد را نشان می‌دهد. اثر درآمدی واکنش بنگاه که موقعیت خود را نسبت به ریسک کاهش می‌دهد تشریح می‌نماید. اگر بنگاه بسیار ریسک‌گریز بوده در این حالت اثر درآمدی بر اثر جانشینی غلبه کرده و منجر به افزایش پس‌انداز بنگاه می‌گردد. در رابطه با بنگاههای تولیدی کوچک انتظار براینستکه رفتار این بنگاهها در مقابل ریسک بسیار محتاطانه باشد زیرا پیامدهای افزایش در ریسک ممکن است ماهیت و موقعیت آنان را به مخاطره بیندازد. مدل Brock (1991) مبتنی بر فرضیه بازار سرمایه کامل قرار دارد اما بعدها در مطالعات کشورهای در حال توسعه این فرض مورد تردید قرار گرفت و بجای آن از فرضیه وجود محدودیت‌های نقدینگی مورد استفاده گردید.^{۴۲} و لذا بجای کاربرد فرضیه درآمد دائمی از فرضیه کنیز مینی بر اینکه مصرف جاری به درآمد جاری وابسته است استفاده می‌گردد. محدودیت‌های نقدینگی، پس‌اندازهای احتیاطی را تا جاییکه جیره‌بندی عرضه اعتبارات منجر به کاهش رفاه گردد افزایش می‌دهد. (با فرض اینکه بنگاه ریسک‌گریز باشد). البته اگر بنگاه حتی ریسک‌پذیر باشد در هنگام مواجه شدن با محدودیت‌های نقدینگی نیز پس‌اندازهای احتیاطی خود را افزایش خواهد داد. از نقطه نظر تکنیکی ریسک‌گریزی بنگاه شرط کافی جهت افزایش پس‌اندازهای احتیاطی است و نه شرط لازم. لذا وجود محدودیت‌های مذکور منجر به گسستگی در تابع مطلوبیت نهایی می‌گردد زیرا این فرض نقش مشابهی بجای فرضیه محدب بدون ایفا می‌نماید.

اینگونه پس‌اندازها می‌تواند صرف تأمین مالی سرمایه‌گذاریهای داخلی و یا صرف دارایی‌های خارجی غیر ریسکی گردد. بدین ترتیب در یک اقتصاد باز تصمیم‌گیری جهت پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری می‌تواند براساس معیارهای متفاوتی صورت پذیرد. براساس تجزیه و تحلیل سبد دارایی ساده کاهش ریسک‌پذیری فرصتهای سرمایه‌گذاری منجر به تشویق سرمایه‌گذاری بنگاه ریسک‌گریز جهت سرمایه‌گذاری در کشور می‌گردد. به طور دقیق‌تر آثار منفی ریسک بر سرمایه‌گذاری داخلی زمانیکه تصمیمات سرمایه‌گذاری انعطاف‌ناپذیر هستند تشدید می‌گردد. (Dixit (1994), Pindyck (1991)). این اثر منفی ریسک بر سرمایه‌گذاریها توسط اثر مثبت ریسک بر بازدهی سرمایه‌گذاریها تعدیل و یا خنثی گردد. تجزیه و تحلیل سبد دارایی رابطه میان رشد اقتصادی ریسک را مثبت ارزیابی می‌نماید. بدین معنی

⁴⁰ . Leland (1987)

⁴¹ . Sandmo (1970)

⁴² . Deaton (1991)

که بنگاه‌ها جهت سرمایه‌گذاری در میان فرصت‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر با بازدهی بالا و سرمایه‌گذاری ریسک‌گریز (با ریسک پایین) با بازدهی پایین مواجه هستند لذا بنگاه در صورت انتخاب هر یک از این فرصت‌ها هر چه فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ریسک بالا را انتخاب نماید منجر به افزایش بیشتر در رشد اقتصادی می‌گردد. رشد یکنواخت^{۴۳} به لحاظ اینکه به عوامل نظیر رشد جمعیت و بهبود تکنولوژی بستگی دارد برون را فرض می‌گردد. به همین دلیل است که ریسک بر چنین رشدی تأثیر نمی‌گذارد. در این حالت ریسک تنها یک اثر موقتی و زودگذر بر رشد اقتصادی خواهد گذاشت.^{۴۴} ویژگی آخر توضیح صریحی از محدودیت تئوری رشد نئوکلاسیک است. اما چنین ویژگی در ادبیات توسعه یافته اخیر بصورت درونزایی تکنولوژی و عرضه نیروی کار تصریح شده است. بر همین اساس در این حالت این موضوع که ریسک بر رشد یکنواخت تأثیر می‌گذارد، وجود دارد. از طرف دیگر نرخ پایین سرمایه‌گذاری بهبود تکنولوژی را مبنی بر این فرضیه که بهبود تکنولوژی تابع مناسبی از مقدار عوامل تولیدی است، کاهش می‌دهد و در شرایط دیگر این احتمال وجود دارد که ریسک مانع عرضه نیروی کار گردد. در مدل نئوکلاسیکی، ریسک دارای اثر منفی بر سرمایه سرانه رشد یکنواخت می‌گذارد که به تبع آن رفاه کاهش خواهد یافت.

- تجزیه و تحلیل تجربی

شواهد تجربی در رابطه با اثرات ناشی از ریسک بر رشد اقتصادی در مطالعات متعددی مشاهده شده است. متدولوژی متعارف تجزیه و تحلیل این مطالعات مبتنی بر رهیافت اقتصادسنجی با استفاده از داده‌های بین‌المللی است. نتایج حاصل از این مطالعات بسیار پراکنده و واگرا بوده اما بطور کلی می‌توان ویژگی این مطالعات را به صورت زیر تشریح نمود.

- اغلب مطالعات بی‌ثباتی آینده‌نگر^{۴۵} (بی‌ثباتی انتظاری) را از بی‌ثباتی گذشته‌نگر^{۴۶} (بی‌ثباتی محقق شده) تفکیک ننموده است. Demeocq and Guillaumont (1989) در این رابطه نشان می‌دهند که مجزا نمودن این دو نوع بی‌ثباتی از اهمیت خاصی برخوردار است بطوریکه بی‌ثباتی آینده‌نگر (ریسک) نقش مهمی را در تصمیمات اقتصادی بنگاه تولیدی ایفا می‌نماید.
- در اغلب مطالعات در محاسبه شاخص‌های بی‌ثباتی (درآمدهای صادراتی) فرض نموده‌اند که مقادیر درآمدهای صادراتی دارای روند قطعی^{۴۷} بوده لذا رابطه از تفاوت میان روند قطعی و مقادیر واقعی درآمدهای صادراتی بعنوان معیاری برای بی‌ثباتی استفاده شده است. Nelson and Kang (1981) در این رابطه اشاره نمودند که اگر روند متغیر در اینحالت استوکاستیک باشد معیار بی‌ثباتی تورش‌دار خواهد گردید.
- نمونه‌های مورد بررسی این مطالعات غالباً متمایز و ناهمگن هستند (Knudssen and Parnes (1975) در مطالعه ۲۸ کشور در حال توسعه در فاصله زمانی ۱۹۵۸-۶۸، Yotopoulos and Nugent (1976) در مطالعه ۳۸ کشور در حال توسعه در فاصله زمانی ۱۹۴۹-۶۸

⁴³. Steady State

⁴⁴. Barro and Salu – i – Murtin (1996)

⁴⁵. ex ante

⁴⁶. ex post

⁴⁷. Deterministic

و (1976) Lim در فاصله زمانی ۷۳-۱۹۶۸ نشان دادند، بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی منجر به افزایش پس‌انداز می‌گردد. Moran (1983) در مطالعه خود در فاصله زمانی ۷۵-۱۹۵۴ در این رابطه نتایج مهم و غیرقطعی را نشان می‌دهد. Demeocq and (1989) Guillaumont در مطالعه‌ای رابطه منفی میان پس‌انداز و درآمدهای صادراتی را در طی فاصله زمانی ۸۱-۱۹۷۰ برآورد می‌نماید اما در دوره زمانی ۷۰-۱۹۶۰ این رابطه را مثبت ارزیابی می‌کند. چنین تفاوت و تمایز در نتایج را می‌توان به دلیل رفتار، نگرش و طرز برخورد بنگاه‌های (تولیدی) دولتی در مدیریت ریسک^{۴۸} تشریح نمود. Combes (1993) در مطالعه ۲۲ کشور در حال توسعه که عمده محصولات صادراتی آنان را تولیدات کشاورزی دربر می‌گرفت براساس یک نمونه پانل (در طول، کشورها و در عرض، محصولات) نشان می‌دهد که بی‌ثباتی درآمد بخش خصوصی پس‌انداز آنان را افزایش می‌دهد. همچنین Combes (1993) در مطالعه‌ای دیگر شامل ۴۰ کشور در حال توسعه که صادرات عمده آنان را محصولات کشاورزی است با استفاده از داده‌های بین‌المللی نتایج متفاوتی به شرح زیر دست یافت.

- واکنش منفی پس‌انداز کل جهانی (دولتی و خصوصی) به بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰.
 - دومین نتیجه سیاست‌های تثبیت قیمت داخلی است. زمانیکه قیمت‌های جهانی در سطح بالایی قرار دارد (همانند دهه ۱۹۷۰)، در اینحالت مالیات‌های دولتی نقش مهمی را ایفا خواهد نمود و به همین جهت پس‌اندازها (اعم از دولتی و خصوصی) به دلیل عدم کارایی مدیریت دولتی کاهش خواهد یافت.
 - افزایش پس‌اندازهای احتیاطی تنها شامل بنگاه‌های خصوصی می‌گردد و بنگاه‌های دولتی را در بر نمی‌گیرد. در شرایطی که ثبات قیمت داخلی مدنظر باشد و مورد توجه قرار گیرد، اثرات بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی بر پس‌اندازها منفی است. واکنش متقابل منفی بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی بر پس‌اندازهای دولتی ناشی از وجود اثر چرخ دنده‌ای^{۴۹} که بیانگر واکنش مجانبی بنگاه‌های دولتی به افزایش و کاهش قیمت‌ها است، می‌باشد. در این حالت اثر چرخ دنده‌ای بر اثر درآمد دائمی غلبه می‌نماید
- (1972) Kenen & Vivodas, (1988) Ozler & Harrigan در مطالعه ۲۶ کشور در حال توسعه در طول سالهای ۸۲-۱۹۶۳ اثرات منفی بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی را بر سرمایه‌گذاری مشاهده نمودند. شواهد تجربی مبنی بر اثرات بی‌ثباتی بر رشد اقتصادی در طول سه دهه گذشته نتایج بسیار متفاوتی را نشان می‌دهد، بعنوان مثال، در مطالعه (1976) Yotopoulos & Nugent رابطه مثبت مشاهده گردید در صورتیکه در مطالعه (1972) Kenen & Voivodas و (1966) Mc Bean هیچگونه رابطه‌ای حاصل نشده است. همچنین در مطالعه (1978) Lancieri, Moran (1983), (1973) Glezakos, (1974) Voivodas, (1985) Demeocq & Guillaumont, (1988) Ozler & Harrigan رابطه عکس میان این دو متغیر مشاهده شده است. چنین تمایزی در نتایج مطالعات اغلب می‌تواند ناشی از تفاوت در دوره زمانی مورد مطالعه و یا فقدان مدل مناسب باشد. در برخی مطالعات با مفروض بودن چارچوب نظری نئوکلاسیکی، اثر منفی بی‌ثباتی بر رشد اقتصادی حاصل می‌گردد.^{۵۰} Ramey & Ramey (1995) در مطالعه‌ای عناصر غیر قابل پیش‌بینی و قابل پیش‌بینی رشد ناپایدار را همانگونه که در ابتدا بعنوان متغیر ریسک مورد بررسی قرار گرفت، از

⁴⁸. Risk Mangment

⁴⁹. Ratchet effect

⁵⁰. Guillaumont (1994), Guillaumont, Guillaumont, Guillaumont, Burn (1997) (Peried 1970-90), Dawes (1996)

یکدیگر مجزا و تفکیک نموده‌اند. براین اساس ایشان در تجزیه و تحلیل تجربی رابطه منفی میان ریسک و رشد اقتصادی مشاهده نمودند. این نتایج در مطالعه (Gymah&Brempong, 19991) که در حوزه کشورهای آفریقایی صورت پذیرفته است تأیید می‌گردد. در این مطالعات، این رابطه بعنوان اثر منفی زودگذر بی‌ثباتی بر رشد اقتصادی تلقی شده و زمانیکه این اثر بر رفاه اقتصادی واقع گردد، به اثر دائمی تبدیل خواهد گردید. در پایان شواهد تجربی مبنی بر اثرات بی‌ثباتی قیمت بر رشد اقتصادی حاکی از وجود رابطه منفی میان این دو متغیر می‌باشد.⁵¹

بطور خلاصه، مطالعات تجربی مبتنی بر داده‌های بین‌المللی و تجزیه و تحلیل‌های نظری (بیماری هلندی) و بطور سازگار و هماهنگ همگی تأکید زیادی بر رابطه منفی میان بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی بر رشد اقتصادی نموده‌اند این نتیجه خصوصاً در رابطه با کشورهای آفریقایی (که از درجه پایین باز بودن اقتصادی برخوردارند) صادق می‌باشد. پیشرفتهای نظری عمیقی در رابطه درک اثرات ناشی از بی‌ثباتی با بکارگیری ابزارهای کنترلی استوکاستیک به جهت ارتقا و بهبود این موضوع صورت پذیرفته است. شاخص‌های بی‌ثباتی زمانیکه بر اساس متغیرهای تجارتي موزون گردید بطور قابل توجهی بر ارزش مناسبتی را ارائه می‌نمایند.⁵² بنظر می‌رسد زمانیکه مدل متغیرهای کنترلی مناسبی (نظیر رشد صادرات و درآمد سرانه اولیه) را در بر گیرد نتایج واقع‌گرایانه‌تر و قویتری را ارائه می‌نماید.

- پیامدهای خرد بی‌ثباتی صادراتی

در این بخش ابتدا پیامدهای اقتصاد خرد ریسک و سپس مدیریت ریسک رفتار تولیدکنندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• پیامدهای خرد ریسک بر رفتار تولیدکنندگان

در این نوع از تجزیه و تحلیل پرسش اولیه این است که آیا بی‌ثباتی قیمت به بی‌ثباتی درآمد منجر می‌گردد. البته جواب این پرسش بطور صریح در کشورهای گیرنده- قیمت⁵³ مثبت است. هر چند که منابع بی‌ثباتی قیمت (یعنی شوک‌های عرضه یا تقاضا)، در بی‌ثباتی قیمت‌ها و مقادیر کالاها نقش متفاوتی ایفا می‌نمایند اما در مجموع به بی‌ثباتی درآمد تولیدکنندگان منجر می‌گردد. در کشورهای گیرنده- قیمت در هر حالتی که صادر کننده کالای تجاری و یا صادر کننده کالای غیر تجاری باشند بی‌ثباتی قیمت در دو شرایط مختلف شکل می‌گیرد یکی در شرایط بی‌ثباتی تقاضا و دیگری در شرایط بی‌ثباتی عرضه. در شرایط بی‌ثباتی تقاضا قیمت‌ها و مقادیر دارای رابطه مستقیم با یکدیگر بوده لذا بی‌ثباتی قیمت به نفع بی‌ثباتی درآمدی است به عبارت دیگر در این حالت بی‌ثباتی منجر به افزایش درآمد می‌گردد. در شرایط بی‌ثباتی عرضه محتمل‌ترین حالت ممکن این خواهد بود که بی‌ثباتی قیمت می‌تواند به تثبیت درآمد تولیدکنندگان منجر گردد.⁵⁴ بی‌ثباتی قیمت به ازای برخی مقادیر خاص کشش‌های قیمتی تقاضا تولیدکنندگان را منتفع می‌سازد. بعنوان مثال زمانیکه کشش قیمتی تقاضایی برای تولید یک بنگاه در فاصله 0/5 تا 1 قرار دارد بی‌ثباتی قیمت منجر به افزایش یا کاهش ناپایداری درآمد تولیدکننده می‌گردد. در سایر شرایط بی‌ثباتی قیمت، متوسط درآمد و بی‌ثباتی آن را در یک زمان مشابه افزایش می‌دهد و بالعکس. پرسش

⁵¹ . Lutz (1994) , Gillaumont , Guillaumont , Guillaumont , Jeanneney and alii (1999)

⁵² - Demecoq and Gillaumont(1989) , Guillaumont (1994) , Dawes (1996)

⁵³ . Price - Taker

⁵⁴ . Newbrry and Stiglitz (1981)

بعدی در این نوع از تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر بی‌ثباتی بر رفاه تولیدکنندگان است. مطالعات پیشرو در پاسخ به این پرسش از مفاهیم مازاد کالایی مارشالی سنتی استفاده نموده‌اند.^{۵۵} در توسعه اخیر ادبیات اقتصادی در پاسخ به آن ترجیحاً از تجزیه و تحلیل هزینه فایده استفاده نموده‌اند. بدین ترتیب در این حالت هزینه ریسک بعنوان میزانی که تولیدکنندگان جهت اجتناب از بی‌ثباتی از طریق طرح بیمه رسمی با غیر رسمی (جهت پوشش پرمیوم ریسکی) تمایل به پرداخت دارند، تعریف می‌گردد. هزینه ریسک نیز به نحوه رفتار و نگرش بنگاه به ریسک بستگی دارد بعنوان مثال اگر بنگاه ریسک گریز باشد، هزینه ریسک دارای همبستگی مثبت با آن خواهد داشت. اما وجود هزینه بالای ریسک به این معنا که می‌بایست فرآیند تثبیت به لحاظ روند چنین هزینه‌هایی هم در سطح ملی^{۵۶} و هم در سطح بین‌المللی^{۵۷} اجرا گردد، نمی‌باشد.

۳- چارچوب نظری تجزیه و تحلیل

چارچوب تحلیلی مقاله حاضر مبنی بر دیدگاه طرفه عرضه از تغییرات در محصول کل قرار دارد. جهت انجام این امر از یک حیطه وسیع و گسترده‌ای از مطالعات تجربی پیرامون منابع رشد اقتصادی استفاده می‌گردد.^{۵۸} درون چنین چارچوب تحلیلی که رشد جمعی اقتصاد از طریق تابع تولید به تغییرات در سرمایه و نیروی کار نسبت داده شده است، Tyler (1981), Michalapoulos and Jay (1973), Chenery et al (1970), Balassa (1978) یک شاخص از عملکرد صادراتی را به عنوان متغیر توضیحی به تابع تولید تعمیم داده‌اند. با پیروی از این موضوع، یک چارچوبی که در آن براساس یک استدلال منطقی جهت لحاظ نمودن متغیرهای صادرات در منابع معادله رشد فراهم آورده، توسعه داده می‌شود.

از آنجائیکه این تجزیه و تحلیل روی تخصیص منابع غیربهمینه بالقوه میان صادرات و بخش‌های صادراتی تمرکز دارد، از این روی اقتصاد را به دو بخش مجزا تقسیم می‌نماید: یک بخش تولیدی کالاهای صادراتی و یک بخش تولید برای بازار داخلی. لذا بجای یک تابع تولید جمعی، تولید هر یک از بخش‌ها، تابعی از عوامل تخصیص یافته به آن بخش است. علاوه بر این تولید بخش غیر صادراتی نیز به حجم تولید صادراتی بستگی دارد. این نوع فرمولبندی منافع حاصل از صادرات را بر روی سایر بخش‌ها^{۵۹} نظیر توسعه کارایی و مدیریت رقابت بین‌المللی، معرفی تکنیک‌های تولیدی پیشرفته، بکارگیری نیروی کار با کیفیت بالا، جریان یکنواخت نهاده‌های وارداتی، و ... را نشان می‌دهد. این اثرات به عواید خارجی^{۶۰} معروف بوده زیرا چنین اثراتی در قیمت‌های بازار منعکس نمی‌گردد. این اثرات خارجی بصورت زیر در معادله رشد ترکیب می‌گردد:

$$N = F(K_n, L_n, X) \quad (1)$$

⁵⁵. Oi (1961), Massel (1969)

⁵⁶. ر ک : به مطالعه Bonjean (1994) در کشور ساحل عاج و Braverman et al (1990)

⁵⁷, Newbery and Stiglitzc (1981)

۸۰. رجوع کنید به: Robinson (1971), Hagen and Hawrylyshyn (1969)

³⁹. Kessing (1979).

⁶⁰. Externalities.

$$X = G(K_x, L_x) \quad (2)$$

بطوریکه: N = کالاهای غیرصادراتی، X = صادرات، K_n, K_x = موجودی سرمایه کار بخشی، L_n, L_x = نیروی کار بخشی.

از آنجائیکه داده‌های مربوط به تخصیص بخشی عوامل تولید اولیه قابل دستیابی نبوده، لذا جهت این امر مستلزم آن است که یک تصریحی را که امکان تخمین بهره‌وری نهایی بخشی را با استفاده از داده‌های جمعی فراهم سازد بکار گرفت. این موضوع را می‌توان بصورت زیر تشریح نمود:

فرض کنید نسبت بهره‌وری عامل نهایی مربوطه را در هر دو بخش به اندازه δ بزرگتر از واحد بوده باشد یعنی:

$$(G_k/F_k) = (G_l/F_l) = 1 + \delta \quad (3)$$

بطوریکه زیرنویس K, L نشان دهنده، مشتق جزئی تابع بخش صادراتی و غیرصادراتی به عوامل تولید می‌باشد. در صورت عدم وجود اثرات خارجی و به ازای یک مجموعه معین از قیمت‌ها، در شرایطی که $\delta = 0$ گردد یک تخصیص منابعی که تولید ملی را حداکثر می‌سازد، را نشان می‌دهد. اما بنابه برخی دلایل، بهره‌وری نهایی عامل تولید احتمالاً در بخش غیرصادراتی کمتر می‌باشد. (یعنی $\delta > 0$). یکی از مهمترین دلایل محیط رقابتی‌تری است که بنگاه‌های با جهت‌گیری صادراتی در آن فعالیت می‌نمایند. زیرا توسعه، رقابت، نوآوری، سازگاری و مدیریت کارآمد منابع بنگاه و ... را به همراه می‌آورد. از دلایل دیگر جهت اختلاف بهره‌وری نهایی عوامل تولید بخشی می‌توان به قوانین متعدد و متفاوت و محدودیت‌هایی نظیر محدودیت‌های اعتباری و جیره‌بندی ارزش خارجی اشاره نمود.⁶¹ همچنین ناطمینانی‌ها و بی‌ثباتی مربوط به بنگاه‌های صادراتی می‌تواند از جمله دلایل تفاوت بهره‌وری نهایی میان بخشی باشد. تفاوت‌های بهره‌وری که ناشی از اثرات خارجی بوده همانگونه که در بالا به آن اشاره گردید، در δ وارد نمی‌گردند. با دیفرانسیل‌گیری از معادلات (1) و (2) خواهیم داشت:

$$\dot{N} = F_k \cdot I_n + F_l \cdot \dot{L}_n + F_x \cdot \dot{X} \quad (4)$$

$$\dot{X} = G_k \cdot I_x + G_l \cdot \dot{L}_x \quad (5)$$

بطوریکه I_n, I_x به ترتیب سرمایه‌گذاری ناخالص بخشی L_n و L_x تغییرات بخشی در نیروی کار بوده و F_x عواید خارجی نهایی ناشی از صادرات را بر روی تولید بخش غیرصادراتی نشان می‌دهد. اگر تولید ناخالص داخلی را با Y نمایش دهیم و از آنجائیکه بر حسب تعریف $Y = N + X$ می‌باشد می‌توان نوشت:

$$\dot{Y} = \dot{N} + \dot{X} \quad (6)$$

⁶¹ Balassa (1977).

یعنی رشد تولید ناخالص داخلی برابر مجموع رشد دو بخش صادراتی و غیر صادراتی می‌باشد با جایگزاری معادلات (۳) تا (۵) در معادله (۶) خواهیم داشت.

$$\begin{aligned} \dot{Y} &= F_k \cdot I_n + F_l \cdot \dot{L}_n + F_x \cdot \dot{X} + (1 + \delta) F_k \cdot I_x + (1 + \delta) F_l \cdot \dot{L}_x \\ &= F_k (I_n + I_x) + F_l (\dot{L}_n + \dot{L}_x) + F_x \cdot \dot{X} + \delta (F_k \cdot I_x + F_l \cdot \dot{L}_x) \end{aligned} \quad (7)$$

سرمایه‌گذاری کل را $I = (I_n + I_x)$ و رشد کل نیروی کار را $\dot{L} = (\dot{L}_n + \dot{L}_x)$ تعریف می‌کنیم. با استفاده از معادلات (۳) و (۵) می‌توان نوشت:

$$F_x \cdot I_x + F_l \cdot \dot{L}_x = \frac{1}{1 + \delta} (G_k \cdot I_x + G_l \cdot \dot{L}_x) = \frac{\dot{X}}{1 + \delta} \quad (8)$$

با جایگذاری این نتیجه در معادله (۷) در نهایت خواهیم داشت:

$$\dot{Y} = F_k \cdot I + F_l \cdot \dot{L} + \left(\frac{\delta}{1 + \delta} + F_x \right) \dot{X} \quad (9)$$

با پیروی از Bruno (1968) فرض کنید میان تولید نهایی نیروی کار در یک بخش معین و متوسط تولید نفر کارگر در اقتصاد یک رابطه خطی وجود داشته باشد به عبارت دیگر می‌توان نوشت:

$$F_l = \beta \left(\frac{Y}{L} \right) \quad (10)$$

لذا با تقسیم معادله بر Y و بافرض اینکه $F_k \equiv \alpha$ باشد بعد از برخی ساده‌سازی‌ها خواهیم داشت:

$$\frac{\dot{Y}}{Y} = \alpha \left(\frac{I}{Y} \right) + \beta \left(\frac{\dot{L}}{L} \right) + \left[\frac{\delta}{1 + \delta} + F_x \right] \cdot \left(\frac{\dot{X}}{X} \right) \left(\frac{X}{Y} \right) \quad (11)$$

فرمولبندی معادله (۱۱) اساس کار تجربی بخش بعدی مقاله را تشکیل خواهد داد. لازم به ذکر است که اگر بهره‌وری نهایی در طول بخش‌های یکسان باشد $\delta = 0$ خواهد شد و اگر اثرات خارجی درون بخشی نیز وجود نداشته باشد $F_x = 0$ می‌گردد، بدین ترتیب معادله (۱۱) به

مدل آشنایی نئوکلاسیک از مدل منابع رشد تبدیل می‌گردد. در حالت عمومی‌تر، جمله $\left[\frac{\delta}{1 + \delta} + F_x \right]$ احتمالاً برای کشورهای کمتر

توسعه یافته (LDC) غیر صفر می‌باشد. تحت فرمولبندی ارائه شده در معادله (۱۱) پارامتر α بعنوان بهره‌وری نهایی سرمایه در بخش

غیرصادراتی بجای بهره‌وری نهایی سرمایه در کل اقتصاد تفسیر می‌گردد. در اینجا $TMPK_x$ را بعنوان افزایش کل GDP ناشی از افزایش نهایی در سرمایه که در بخش صادراتی تخصیص یافته است و $TMPL_x$ را بعنوان افزایش GDP ناشی از افزایش نهایی در نیروی کار بخش صادراتی است. بنابراین می‌توان نشان داد.

$$(TMPL_x - F_l)/G_l = (TMPK_x - F_x)/G_x = \frac{\delta}{(1 + \delta)} + F_x \quad (12)$$

معادله (۱۲)، تفسیر جمله آخر در سمت راست معادله (۹) را تشریح می‌نماید.^{۶۲} و تفاوت بین افزایش نهایی GDP ناشی از عوامل به تولید بخش صادراتی را نشان می‌دهد. لذا تفسیر معادله منبع رشد (معادله (۱۱)) به طور ساده عبارت خواهد بود از اینکه نرخ رشد GDP تابعی از انباشتگی عوامل تولید (یعنی رشد سرمایه و نیروی کار) و منافع ناشی از انتقال عوامل تولید از بخش با بهره‌وری پایین (غیرصادراتی) به بخش با بهره‌وری بالا (صادراتی) است.

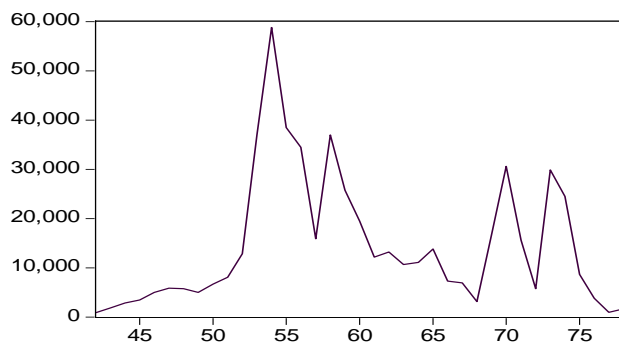
۴- تخمین و تجزیه و تحلیل الگو

قبل از تخمین الگو به بررسی روند شاخص بی‌ثباتی برای صادرات نفت و گاز و واردات کالاها و خدمات می‌پردازیم. برای محاسبه این شاخص از معیار بی‌ثباتی که توسط لاو (۱۹۹۲) پیشنهاد شده بکارگیری قدممطلق انحراف صادرات از میانگین متحرک پنجساله آن (MA(5)) می‌باشد.

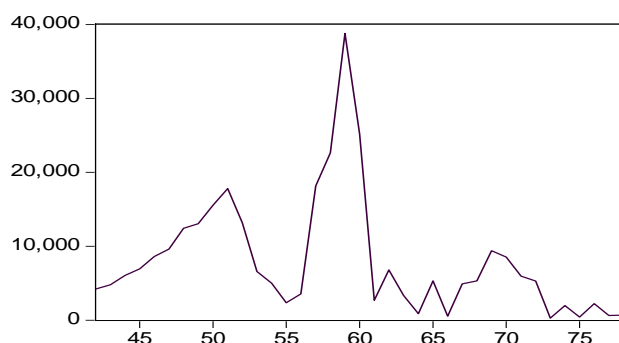
در این مقاله از نهمین معیار بی‌ثباتی که توسط لاو (۱۹۹۲) برای مطالعات سریهای زمانی پیشنهاد شده ، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر به این دلیل است که سایر شاخصها غالباً جهت مطالعات مقطعی طراحی شده است. همچنین در اغلب محاسبه شاخصهای بی‌ثباتی فرض نموده‌اند که مقادیر درآمدهای صادراتی دارای روند قطعی بوده لذا رابطه از تفاوت میان روند قطعی و مقادیر واقعی درآمدهای صادراتی بعنوان معیاری برای بی‌ثباتی استفاده شده است. Nelson and Kang (1981) در این رابطه اشاره نمودند که اگر روند متغیر در اینحالت استوکاستیک باشد معیار بی‌ثباتی تورش‌دار خواهد گردید. نمودار (۱) روند تحول شاخص بی‌ثباتی صادرات نفت و گاز و شاخص بی‌ثباتی واردات کالاها و خدمات را در طول زمان نشان می‌دهد. روند نمودار واردات کالاها و خدمات در سال های ۵۴-۵۲ به دلیل افزایش قیمت نفت و به تبع آن درآمدهای نفتی نوسان شدیدی را از خود نشان می‌دهد. همچنین در طول سال های ۷۵-۷۰ که سالهای بعد از جنگ تحمیلی است به دلیل سازندگی و ترمیم خسارات ناشی از جنگ، واردات افزایش می‌یابد به همین دلیل در طول سال های مذکور روند شاخص بی‌ثباتی واردات از نوسان شدیدی برخوردار می‌باشد. در نمودار بی‌ثباتی صادرات نفتی به دلیل افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰ درآمدهای نفتی از نوسانات شدیدی برخوردار بوده و اما در اواخر دهه ۱۳۵۰ به دلیل وقوع انقلاب و جنگ و در اوایل دهه ۱۳۶۰ به دلیل وقوع تحریم اقتصادی و همچنین کاهش قیمت نفت از شدت نوسانات آن کاسته شده است.

۱. در برخی از مطالعات تجربی این جمله را بعنوان یک پارامتر ثابت مورد برآورد قرار داده‌اند.

نمودار (۱) روند تحول شاخص بی ثباتی



Instability Import Goods and Services



Instability Export Oil & Gas

در این مطالعه بی ثباتی صادرات و بی ثباتی واردات در تابع تولید نئوکلاسیک مبتنی بر رهیافت Feder(1982) مورد مطالعه قرار می گیرد. در ابتدا Feder(1982) صادرات را به عنوان یکی از نهاده های تولید در تابع تولید جمعی نئوکلاسیک وارد نمود.^{۶۳} در این مطالعه معیار بی ثباتی صادراتی و بی ثباتی وارداتی نیز به مدل تعمیم داده شده است.

به هنگام تجزیه و تحلیل های هم انباشتگی خواص آماری متغیرها از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع روش هم انباشتگی سازگاری میان خواص آماری متغیرهای دستگاه را با تئوری آزمون می کند. متغیرهای اقتصادی عموماً نامانا و دارای روند تصادفی می باشند. ترکیب خطی سری های نامانا نیز در حالت کلی یکی سری نامانا است. اما هم انباشتگی یک استثناء بر این قاعده عمومی محسوب شده و ارتباط نزدیکی با تئوری اقتصادی دارد. زیرا تئوری اقتصادی متضمن مانا بودن ترکیبی از متغیرهای اقتصادی (نامانا) می باشد به همین دلیل این تجزیه و تحلیل از دو آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)(1979) و فلیپس - پرون (PP)(1988) جهت بررسی آزمون ریشه واحد متغیرهای مدل استفاده می گردد. جهت آزمونهای معرفی شده در بالا از آمارهای سری زمانی که توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی و

^{۶۳} قبل از Feder(1982) رویکرد لحاظ متغیر صادرات به نهاده تولید نیز توسط (Balassa(1978), Krueger(1980) معرفی گردیده بود.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در طول سالهای ۱۳۴۵-۷۵ منتشر شده، استفاده می‌شود.^{۶۴} متغیر تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار به قیمت ثابت ۱۳۷۶ (GDP) بوده، متغیر K موجودی سرمایه به قیمت ثابت سال ۷۶ می‌باشد و L اشتغال را نشان می‌دهد. متغیرهای InstXoil و InstImp به ترتیب شاخص‌های بی‌ثباتی صادرات نفت و گاز و بی‌ثباتی واردات کالاها و خدمات است که از معیار بی‌ثباتی که توسط Love(1992) پیشنهاد شده و به صورت قدرمطلق انحراف صادرات از میانگین متحرک پنجساله آن (MA(5)) می‌باشد، استفاده گردیده است. نتایج حاصل از این دو آزمون حاکی از نامانای بودن متغیرهای دستگاه دارند بطوریکه کلیه متغیرها I(1) بوده و حاوی یک ریشه واحد یا روند تصادفی هستند. (تمامی متغیرهای بصورت لگاریتمی می‌باشند).^{۶۵}

تحلیل‌های هم‌انباشتگی به روش جوهانسن (۱۹۸۸) مستلزم تعیین طول وقفه بهینه «P» در الگوی VAR می‌باشد. لذا جهت این امر از معیار اطلاعات آکائیک (AIC)، معیار بیزین شوارز (SC)، معیار هنن کوئین (HQ)، معیار خطای پیش‌بینی نهایی (FPE) و آزمون‌های نسبت درستنمایی تعدیل شده LR استفاده می‌گردد. آماره‌های مذکور برای طول وقفه‌های $P = 1, \dots, 4$ طول وقفه را $P = 1$ تعیین می‌کند.^{۶۶}

جدول (1) نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی را به ازای طول وقفه $P = 1$ نشان می‌دهند. آزمون تریس و آزمون حداکثر مقدار ویژه نیز یک رابطه بلندمدت تعادلی در سطح معنی‌داری ۵٪ را میان متغیرهای الگو مورد تایید قرار می‌دهد.

جدول(۱): آزمون‌های هم‌انباشتگی

| آزمون ماکزیمم مقدار ویژه | | | | آزمون تریس | | |
|--------------------------|-------------|-------------|------------------|-------------|-------------|------------------|
| فرضیه صفر | فرضیه مخالف | آماره آزمون | مقدار بحرانی ۹۵٪ | فرضیه مخالف | آماره آزمون | مقدار بحرانی ۹۵٪ |
| $r = 0$ | $r = 1$ | ۳۴/۳۹ | ۳۳/۸۷ | $r \geq 1$ | ۷۲/۶۸ | ۶۹/۸۱ |
| $r \leq 1$ | $r = 2$ | ۱۸/۱۲ | ۲۷/۵۸ | $r \geq 2$ | ۳۸/۲۸ | ۴۷/۸۵ |
| $r \leq 2$ | $r = 3$ | ۱۰/۹۷ | ۲۱/۱۳ | $r \geq 3$ | ۲۰/۱۵ | ۲۹/۷۹ |
| $r \leq 3$ | $r = 4$ | ۸/۶۹ | ۱۴/۲۶ | $r \geq 4$ | ۹/۱۸ | ۱۵/۴۹ |

^{۶۴} لازم به ذکر است علت استفاده از این دوره زمانی به دلیل بروز نبودن آمار اشتغال در کل کشور می‌باشد. از طرف دیگر با اجرای مدل در این دوره و اجرای شبیه سازی آن برای دوره های آتی (بعد از سال ۸۵) نتایج مناسبی را فراهم می‌سازد که در مقاله اشاره شده است.

^{۶۵} نتایج جهت خلاصه نویسی مطالب ارائه نشده است.

^{۶۶} نتایج جهت خلاصه نویسی مطالب ارائه نشده است.

رابطه بلندمدت تعادلی در جدول (2) نشان داده شده است. همانطور که انتظار می‌رفت نیروی کار و موجودی سرمایه هر دو دارای اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی بوده و سازگار با انتظارات نظری می‌باشد. کشش نیروی کار برابر ۰/۸۱ بوده که نسبت به کشش عامل سرمایه (۰/۰۲) بزرگتر می‌باشد و این امر حاکی از کاربری تولید است.

متغیر بی‌ثباتی واردات در بلندمدت دارای اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی می‌باشد. این امر حاکی از آن است که محدودیت و بی‌ثباتی واردات کالاها و خدمات به افزایش تولید داخلی رقیب واردات منجر شده و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. در طرف متقابل اثر بی‌ثباتی صادرات نفت و گاز دارای اثر منفی بر تولید داخلی است اما مقدار اثر آن در بلندمدت ناچیز می‌باشد.

جدول (۳): رابطه بلند مدت تعادلی

$$Ln(GDP) = 0/81Ln(L) + 0/02 Ln(K) + 0/62Ln(InstIMP) - 0/07Ln(InstXoil)$$

(۰/۳۶) (۰/۱۶) (۰/۰۸) (۰/۰۴)

اعداد داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب می‌باشند.

در تحلیل‌های هم‌انباشتگی برخلاف رویکردهای سنتی اقتصادسنجی، ساختارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت بطور صریح از یکدیگر تفکیک می‌شوند. الگوی کوتاه مدت تصحیح خطا یک مکانیسم باز خور تلقی شده که مطابق آن متغیر وابسته (تولید ناخالص داخلی) نسبت به عدم تعادل دستگاه تعدیل می‌گردد. در واقع مکانیسم باز خور مذکور حصول به رابطه تعادلی بلندمدت را تضمین می‌کند. قضیه نمایش گرنجر به همین موضوع اشاره دارد. مطابق این قضیه یک رابطه تعادلی بلندمدت میان مجموعه‌ای از متغیرها مستلزم یک الگوی تصحیح خطای کوتاه‌مدت است. این موضوع یک مبنای کاملاً آماری داشته و هیچ ربطی به تئوری‌های اقتصادی ندارد. معادله تصحیح خطای تولید ناخالص داخلی در حالت عمومی بصورت زیر تصریح می‌شود.

$$\Delta Ln(GDP) = \gamma_0 + \sum_i \gamma_{1i} \Delta Ln(L_{t-i}) + \sum_i \gamma_{2i} \Delta Ln(K_{t-i}) + \sum_i \gamma_{3i} \Delta Ln(InstIMP_{t-i})$$

$$+ \sum_i \gamma_{4i} \Delta Ln(Xoil_{t-i}) + \delta ECM_{t-1} + V_t$$

$$V_t \approx iid(0, \sigma^2)$$

نتایج حاصل از الگوی تصحیح خطای کوتاه مدت نیز در جدول (3) نشان داده شده است.

جدول (3): ECM برای معادله تولید ناخالص داخلی $\Delta Ln(GDP)$

| متغیر | ضریب | آماره t | P-Value |
|-----------------------|-------------|---------|---------|
| Intercept | -۰/۰۸ | -۲/۰۲ | ۰/۰۵ |
| $\Delta Ln(L)$ | ۳/۴۴ | ۲/۱۱ | ۰/۰۴ |
| $\Delta Ln(K)$ | -۰/۸۶ | ۳/۸۰ | ۰/۰۰۰۹ |
| $\Delta Ln(InstIMP)$ | -۰/۰۶ | ۱/۹۷ | ۰/۰۶ |
| $\Delta Ln(InstXoil)$ | -۰/۰۳ | -۲/۳۸ | ۰/۰۲ |
| ECM_{t-1} | -۰/۴۹ | -۲/۶۳ | ۰/۰۱ |
| R2 | ۰/۵۶ | | |
| D.W | ۱/۷۷ | | |
| Serial Correlation | ۱/۲۶(۰/۵۶) | | |
| Heterokedasticity | ۲۷/۴۵(۰/۱۲) | | |
| Normality | -۰/۶۶(۰/۷۲) | | |
| RESET Ramsey | ۶/۳۴(۰/۲۷) | | |

در کوتاه مدت زمانیکه بی‌ثباتی‌های درآمدهای صادراتی منجر به ایجاد ریسک و نااطمینانی گردد، این امر منجر به تغییر عکس‌العمل عمومی بنگاهها گردیده و از اینرو بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در الگوی کوتاه‌مدت نیز اثر بی‌ثباتی منفی بوده^{۶۷} که سازگار با تئوری بیماری هلندی که تأکید زیادی بر رابطه منفی میان بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی بر رشد اقتصادی نموده‌اند، می‌باشد. این نتیجه خصوصاً در رابطه با کشورهای که از درجه پایین باز بودن اقتصادی برخوردارند، صادق می‌باشد.^{۶۸} منفی بودن اثر بی‌ثباتی درآمدهای نفتی به دلیل آنکه اغلب واردات ایران را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که نقش به‌سزایی در فرآیند تولید داشته، تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر به لحاظ اینکه منابع تامین مالی واردات نیز از محل درآمدهای صادراتی است، لذا کاهش درآمدهای صادراتی و یا بی‌ثباتی در آن منجر به بی‌ثباتی در کالاهای وارداتی می‌گردد اما این امر باعث افزایش تولید کالاهای داخلی جانشین واردات می‌گردد و در نهایت باعث افزایش

۱. این نتیجه همچنین در مطالعات (Ozler & Harrigan (1988) ، Demeceocq & Guillaumont(1985) ، Gymah-Brempong(1991) مشاهده گردیده است.

⁶⁸ -Demeceocq and Guillaumont(1989) , Guillaumont (1994) , Dawes (1996)

تولید می شود. براساس الگوی کوتاه مدت تنها می توان علیت درون نمونه ای را از سوی متغیرهای الگو شده بر متغیر وابسته نتیجه گرفت. به عبارت دیگر معنی داری ضرایب متغیرهای الگو شده حاکی از علیت متغیرهای به تولید ناخالص داخلی می باشد. این امر به مفهوم درون زایی متغیر وابسته است.

جهت ارزیابی الگوی کوتاه مدت تولید ناخالص داخلی همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می گردد آزمون های خودهمبستگی، واریانس ناهمسانی، نرمالیتی و رمزی استفاده شده است. نتایج همگی در سطح ۵ درصد معنی دار بوده و فاقد مشکلات مذکور می باشد.

یکی از مهمترین نتایج الگوی کوتاه مدت ضریب جمله تصحیح خطا ECM_{t-1} است. همانطوریکه مشاهده می گردد ضریب مذکور دارای علامت منفی مورد انتظار و از نظر آماری معنی دار است. کوچکتر از واحد بودن این ضریب به معنی با ثبات بودن و همگرایی در رسیدن به تعادل می باشد. به عبارت بهتر، سیستم زمانی که با شوک خارجی مواجه می گردد قادر خواهد بود به سمت روند تعادلی بلندمدت حرکت نماید. مقدار این ضریب از اهمیت خاصی برخوردار است بطوریکه هر چه به سمت یک نزدیک باشد سرعت تعدیل از کوتاه مدت به بلندمدت سریعتر می باشد و هر چه به سمت صفر نزدیک گردد این حرکت به کندی صورت می گیرد. همچنین معنی داری ضریب ECM_{t-1} حاکی از آن است که متغیر وابسته (تولید ناخالص داخلی) در مدل درونزا بوده و بیانگر رابطه علیت بلندمدت از سمت متغیرهای الگو شده (عوامل تعیین کننده) به متغیر تولید ناخالص داخلی است. همانطوریکه ملاحظه می گردد ضریب جمله تصحیح خطا برابر $-0/49$ برآورد شده و حاکی از آن است که در هر دوره حدود ۵۰ درصد عدم تعادل الگو در کوتاه مدت تصحیح شده و به سمت روند تعادلی حرکت می کند.

آزمون معنی دار بودن ضرایب متغیرهای با وقفه و جملات تصحیح خطا که براساس الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) صورت می پذیرد همانطور که ذکر گردید آزمون علیت گرنجر درون نمونه تفسیر می شود، لذا این آزمون تنها برون زایی، یا درون زایی متغیر وابسته را به مفهوم گرنجر در داخل دوره نمونه مشخص می سازد اما اطلاعاتی در مورد خواص پویایی دستگاه ارائه نمی کند. تجزیه و تحلیل اثرات متقابل پویا از تکانه های ایجاد شده در دستگاه با استفاده از تجزیه واریانس (VDCs) و توابع عکس العمل آنی (IRFs) صورت می گیرد. روش تجزیه واریانس قدرت نسبی زنجیره علیت گرنجر یا درجه برون زایی متغیرها را ماورای دوره نمونه اندازه گیری می کند. لذا VDCs را می توان آزمون علیت خارج از دوره نمونه نامگذاری کرد. در این روش سهم تکانه های وارد شده به متغیرهای مختلف دستگاه، در واریانس خطای پیش بینی یک متغیر کوتاه مدت و بلندمدت مشخص می گردد. بطور مثال اگر متغیری مبتنی بر مقادیر با وقفه خود بطور پهنه قابل پیش بینی باشد، آنگاه واریانس خطای پیش بینی، سهم نوسانات هر متغیر در واکنش به تکانه های وارد شده به متغیرهای الگوی تقسیم می شوند. بدین ترتیب قادر خواهیم بود سهم هر متغیر را بر روی تغییر متغیرهای دیگر در طول زمان اندازه گیری کنیم. جدول (۴) تفکیک خطای پیش بینی متغیر تولید ناخالص داخلی را برای ۳۰ دوره (سال)، سهم هر یک از متغیرهای دستگاه در تغییرات متغیر تولید ناخالص داخلی در کوتاه مدت (سال اول و دوم)، میان مدت (سال سوم تا پنجم) و بلندمدت (از سال ششم به بعد) نشان داده می شود. همانطور که ملاحظه می گردد، نوسانات تولید ناخالص داخلی در افق های زمانی مختلف زمانی عمدتاً توسط تکانه های مربوط به خود این متغیر توضیح داده می شود. در واقع این تکانه ها که شامل سیاست های صنعتی، تغییرات تکنولوژیکی، سیاست های تجاری و نظایر آن می گردد، بیش از ۹۲

درصد واریانس خطای پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی را در کوتاه مدت توضیح می‌دهند. این سهم در میان مدت به حدود ۸۴ درصد و در بلند مدت به حدود ۸۳ درصد بالغ می‌گردد که در طول زمان ثابت مانده و پویایی‌های ویژه‌ای را به نمایش نمی‌گذارد. در این رابطه متغیر بی‌ثباتی صادراتی در درجه دوم اهمیت قرار دارد بطوریکه در کوتاه مدت ۷/۰۲ درصد و در میان مدت ۱۴/۳۱ درصد و در بلند مدت ۱۴/۸۶ درصد خطای پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی را توضیح می‌دهد. متغیر اشتغال در درجه سوم اهمیت قرار داشته بطوریکه در کوتاه‌مدت حدود ۰/۱۴ درصد و در میان مدت حدود ۰/۲۷ درصد و در بلند مدت حدود ۰/۷۴ درصد خطای پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی را توضیح می‌دهد. متغیر بی‌ثباتی وارداتی در درجه چهارم اهمیت قرار دارد بطوریکه در کوتاه مدت ۰/۰۷ درصد و در میان مدت ۰/۱۲ درصد و در بلندمدت حدود ۰/۱۰ خطای پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی را توضیح می‌دهد. و در نهایت نهاده موجودی سرمایه در کوتاه مدت ۰/۰۲ درصد و در میان مدت حدود ۰/۱۲ درصد و در بلند مدت ۱۰ درصد خطای پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی را توضیح می‌دهد.

جدول (۴): تفکیک خطای پیش‌بینی متغیر تولید ناخالص داخلی

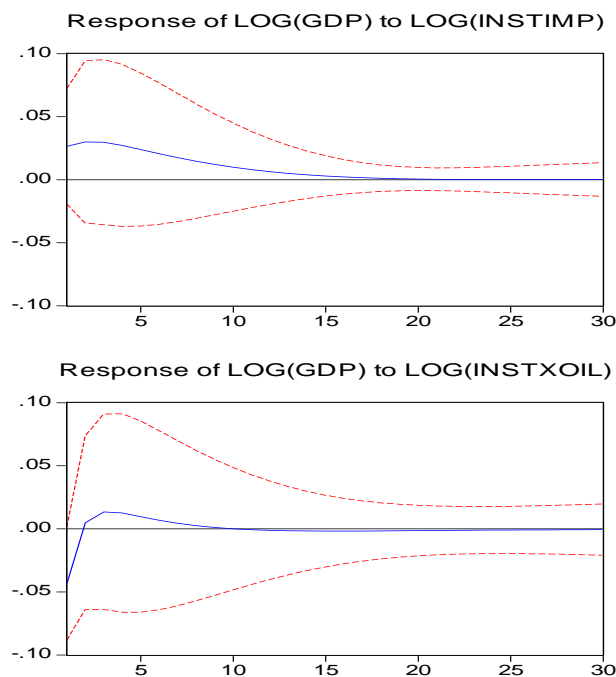
| سال | $Ln(GDP)$ | $Ln(L)$ | $Ln(K)$ | $Ln(InstIMP)$ | $Ln(InstXoil)$ |
|-----|-----------|----------|----------|---------------|----------------|
| ۱ | ۱۰۰/۰ | -/۰۰ | -/۰۰ | -/۰۰ | -/۰۰ |
| ۲ | ۹۲/۷۳۸۵۶ | -/۱۴۱۷۵۷ | -/۰۲۱۹۰۵ | -/۰۷۰۹۸۷ | ۷/۰۲۶۷۹۴ |
| ۳ | ۸۸/۳۵۹۹۴ | -/۲۷۵۰۸۸ | -/۰۱۵۱۵۹ | -/۱۲۰۵۴۳ | ۱۱/۲۲۹۲۷ |
| ۴ | ۸۶/۱۵۱۸۳ | -/۳۷۴۳۶۷ | -/۰۳۴۳۳۸ | -/۱۳۱۵۱۸ | ۱۳/۳۰۷۹۵ |
| ۵ | ۸۵/۰۲۷۶۰ | -/۴۴۸۵۲۰ | -/۰۸۳۷۹۳ | -/۱۲۶۸۷۷ | ۱۴/۳۱۳۲۱ |
| ۶ | ۸۴/۴۳۴۳۶ | -/۵۰۵۴۴۴ | -/۱۵۲۲۸۷ | -/۱۱۸۴۳۰ | ۱۴/۷۸۹۴۸ |
| ۷ | ۸۴/۱۱۰۵۶ | -/۵۵۰۱۰۰ | -/۲۲۸۵۰۸ | -/۱۱۰۵۶۴ | ۱۵/۰۰۰۲۷ |
| ۸ | ۸۳/۹۲۹۰۲ | -/۵۸۵۶۰۴ | -/۳۰۴۳۲۰ | -/۱۰۴۵۴۳ | ۱۵/۰۷۶۵۱ |
| ۹ | ۸۳/۸۲۵۰۱ | -/۶۱۴۰۳۱ | -/۳۷۴۶۳۹ | -/۱۰۰۴۵۷ | ۱۵/۰۶۴۲۷ |
| ۱۰ | ۸۳/۷۶۴۱۶ | -/۶۳۶۸۵۹ | -/۴۳۶۷۰۵ | -/۰۹۷۹۹۹ | ۱۵/۰۳۱۰۰ |
| ۳۰ | ۸۳/۶۲۲۰۴ | -/۷۴۳۶۳۶ | -/۶۶۸۳۹۶ | -/۱۰۲۳۵۱ | ۱۴/۸۶۳۶۸ |

توابع عکس‌العمل آنی (IRF_s) همانند VDC_s یک نمایش میانگین متحرک از الگوی VAR یا VECM می‌باشد. IRF_s رفتار پویای متغیرهای الگو را به هنگام ضربه (یا تکانه) واحد بر هر یک از متغیرها در طول زمان نشان می‌دهند. این تکانه‌ها معمولاً به اندازه یک انحراف معیار

انتخاب می‌شوند، لذا به آنها تکانه یا ضربه واحد می‌گویند. مبدأ مختصات یا نقطه شروع حرکت متغیر پاسخ، مقادیر مربوط به وضعیت پایدار دستگاه (بدون حضور تکانه) است. با استفاده از تابع عکس‌العمل آنی پویایی دستگاه به تکانه واحد اعمال شده از سوی هر یک از متغیرهای دستگاه مشخص می‌گردد. از آنجائیکه توابع عکس‌العمل آنی متعادل به قرار گرفتن متغیرها حساس می‌باشند در اینجا نیز از توابع عکس‌العمل آنی پسران و شین (۱۹۹۸)^{۶۹} استفاده می‌گردد. نمودارهای (۲) تأثیر تکانه یا ضربه‌ای به اندازه یک انحراف معیار به بی‌ثباتی وارداتی و صادراتی را بر متغیرهای دستگاه نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌گردد در اولین نمودار بدنبال تکانه بی‌ثباتی وارداتی، متغیر تولید ناخالص داخلی در همان دوره اول به میزان ۲/۶ درصد افزایش یافته و بالاتر از وضعیت پایه (بدون حضور تکانه) قرار می‌گیرد. پس از آن تولید ناخالص داخلی به حداکثر مقدار خود در دوره دوم ۲/۹ درصد بالاتر از تعادل قدیم (وضعیت پایه) قرار می‌گیرد. اثر تکانه مذکور بر تولید ناخالص داخلی با اندکی نوسان مضحل شده و در بلند مدت در سطح محور افقی به حالت پایدار دست می‌یابد. دومین نمودار اثر تکانه بی‌ثباتی صادراتی را بر تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد. اثر تکانه مذکور بر تولید ناخالص داخلی در دوره اول به میزان ۰/۴۳ درصد کاهش یافته و پایین تر از وضعیت پایه قرار می‌گیرد. اثر این تکانه بطور صعودی تا دوره دوم افزایش یافته و در این دوره به حداکثر افزایش خود حدود ۱۳ درصد بالاتر از وضعیت تعادل قدیم قرار می‌گیرد. پس از آن اثر این تکانه بطور تدریجی مضحل شده و در بلند مدت در امتداد خط افقی پایدار می‌گردد.

نمودار(۲): توابع عکس‌العمل آنی تعمیم یافته ناشی از تکانه وارد بر بی‌ثباتی وارداتی و صادراتی بر متغیرهای دستگاه

Response to Generalized One S.D. Innovations ± 2 S.E.



⁶⁹ . Pesaran and Shin (1998)

۴- مدیریت اقتصادی درآمدهای نفتی

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که مکانیزم‌های تعبیه شده در آن به گونه‌ای است که قادر است نوسانات داخلی و خارجی طرف تقاضا و عرضه را تا حد زیادی کنترل و خنثی نماید. به گونه‌ای که این نوسانات کمترین تغییرات ناخواسته را بر تولید ناخالص داخلی برجای نهد. شناخته شده‌ترین و معروف‌ترین این مکانیزم‌ها در اقتصاد کلان، سیاست‌های مالی دولت در قالب تغییر در نرخ مالیات‌ها و هزینه‌های دولت است که در جهت خنثی‌سازی تکانه وارده به طرف تقاضا عمل می‌کند. به عنوان مثال، در دوران رکود، نرخ‌های مالیاتی کاهش داده می‌شود و یا هزینه دولت افزایش می‌یابد و در دوران رونق برعکس. اما اقتصاد را چگونه می‌توان مقاوم کرد؟ یکی از مهمترین روشها آن است که درآمدهای ارزی خود را به گونه‌ای هزینه کند که اقتصاد را در مقابل نوسانات قیمت کالاهایی عمده صادراتی‌اش مصون نگاه دارد. اقتصاد بصورت تک محصولی نباشد و منابع مازاد درآمدهای ارزی را در صندوق ذخیره ارزی تجمیع نماید. اقتصاد ایران در این ارتباط دارای تجارب تاریخی است. بطوریکه تا پیش از دهه ۵۰ شمسی نگرش سنتی در مورد برداشت از ذخایر نفتی وجود داشت. به این شکل که بهره برداری از منابع نفتی باید به شیوه ای باشد که ایران را در مورد قیمت گذاری در بازار نفت و در مجموع در اوپک توانمند سازد. با در نظر گرفتن حضور خارجیان در جریان استخراج نفت در آن زمان، این توانمندسازی به شکل خارج کردن خارجیان از شبکه بهره برداری نفت مورد توجه قرار گرفت. البته این هدف با شدت و ضعف های متفاوتی در سایر کشورهای نفت خیز نیز مشاهده گردید. هدف از این خواسته، دستیابی به انبوهی از منابع مالی بود که می توانست نیازهای توسعه ای اقتصاد ملی را برآورده سازد. سابقه مدیریت بر درآمدهای نفتی در ایران به تشکیل سازمان برنامه و بودجه و تدوین برنامه عمرانی اول در سال ۱۳۲۷ بر می گردد. هدف اولیه این بود که با انجام سرمایه گذاری زیربنایی و ایجاد صنایع مادر با کمک درآمدهای نفتی، زمینه تبدیل ثروت به دارایی های مولد فراهم شود. اما در دوره برنامه عمرانی پنجم با افزایش سطح درآمدهای نفتی و اجرای نظام یکپارچه سازی درآمدهای دولت، بخش اعظمی از درآمدهای نفتی صرف تامین و افزایش هزینه های جاری دولت شد. به عنوان مثال در سال های ۵۵-۱۳۵۲ با افزایش قیمت جهانی نفت و به تبع آن افزایش درآمدهای دولتی، بخش عمده ای از این منابع صرف نیازهای جاری کشور شد. در این سال ها زمامداران کشور با این تصور که می توان با عایدات نفتی و تزریق آن به اقتصاد یک شبه ره صدساله را طی کرد و به سرعت در راه صنعتی شدن قدم برداشت، اقدام به تزریق سریع درآمدهای نفتی به اقتصاد نمودند. اما این امر نتایج زیر را به دنبال داشت:

- افزایش سریع تقاضا برای نیروی کار و خدمات زیربنایی به طور متناسب با افزایش عرضه نیروی کار و خدمات زیربنایی همراه نشد. از این رو اقتصاد کشور با کمبود نیروی انسانی متخصص و کمبود زیرساخت ها نظیر نیروی برق و خدمات بندری مواجه شد و این موارد موجب تاخیر در اجرای پروژه های عمرانی شد.
- مازاد موازنه بازرگانی به دلیل تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور موجب افزایش بی سابقه ذخایر بانک مرکزی شد و همین امر با تقویت پایه پولی و افزایش نقدینگی به افزایش تورم منجر شد. در واقع سیاست انبساطی پولی نیز با سیاست مالی انبساطی همراه شد.

- به رغم ثبات نرخ ارز اسمی، تورم داخلی به افزایش نرخ ارز واقعی منجر شد و به این ترتیب توان رقابتی صنایع داخلی کاهش یافت. اعمال سیاست درهای باز به منظور کنترل تورم و همچنین واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای به شکل چشمگیری واردات را افزایش داد.
- میل به نظامی گری و خریدهای گسترده تسلیحات پیشرفته از خارج، پرداخت حقوق مستشاران نظامی خارجی و گسترش هزینه های جاری ارتش شد.
- با بزرگ شدن دولت و افزایش هزینه های آن و پیشی گرفتن مخارج از درآمدهای نفتی در سال های بعدی، دولت گرفتار کسری بودجه شد.

از سال ۵۸ تا اواخر دهه ۶۰، سیاست مشهود در مورد بهره برداری از نفت، در کوچک کردن عملیات نفتی و پایین نگه داشتن هزینه های نفتی خلاصه می شد. از آنجا حضور خارجیان در این دوره بسیار محدود و نامحسوس بود، تهدیدی که پیش از آن در نظر گرفته می شد، به طور کلی رفع شده بود. در این دوره پیوسته اعلام می شد که هدف اصلی قطع وابستگی به درآمدهای نفتی می باشد اما به دلیل برخی مسائل از جمله جنگ، این امر محقق نشد.

در سال های میانی دهه ۶۰ به دلیل کاهش شدید درآمدهای نفتی، موضوع اقتصاد بدون نفت به عنوان محور اصلی برنامه ریزی توسعه در ایران مطرح شد. در این روش ماهیت بهره برداری از منابع نفتی باید به گونه ای می بود که درآمدهای ارزی تنها در حدی ایجاد شود که کشور بتواند صنایع کارخانه ای را موتور محرکه توسعه ملی نماید. در این سال ها برنامه ریزان با عنایت به این نکته که تا آن زمان اغلب متغیرهای اقتصادی تابع درآمدهای نفتی کشور بوده است، استفاده از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت را برای تامین هزینه های جاری کشور نادرست شمردند و بیان کردند که راه رهایی از این وضعیت به کار گرفتن روش هایی است که صادرات غیرنفتی کشور را افزایش دهد و درآمدهای نفتی را برای تامین مالی در سرمایه گذاری تولیدی به کار گیرد. در واقع تفکری که در پس الگوی اقتصاد بدون نفت وجود داشته است این است که ایران هیچ گونه کنترلی بر منافع نفتی ندارد لذا تنها راه چاره برای حفظ این منابع آن است که هرچه درآمد از نفت حاصل می شود به سرمایه مولد تبدیل شود تا بتواند برای رفاه آیندگان به کار گرفته شود.

اولین تجربه عملیاتی ایران در زمینه ایجاد سیاست جدیدی در جهت استفاده بهینه از درآمدهای نفتی به صورت ایجاد نهادی برای ذخیره درآمدهای نفتی به سال ۱۳۷۲ باز می گردد. در قانون بودجه سال مذکور دولت ملزم شد که درصدی از درآمدهای نفتی را در حساب ویژه به نام حساب ذخیره تعهدات ارزی نگاه دارد و از موجودی این حساب برای باز پرداخت بدهی های خارجی کشور در مواقع اضطرار استفاده نماید. اما در عمل این حساب دارای ساختار و اهداف واضحی نبود و موفق عمل نکرد. به واقع از این حساب برای پرداخت بدهی بنگاه های ایرانی مابه التفاوت نرخ ارز استفاده شد.

دومین تجربه ایران به سال ۱۳۷۹ بازمی گردد که حساب ذخیره ارزی در چارچوب قانون برنامه سوم توسعه شکل گرفت. این کار به منظور ایجاد ثبات در میزان درآمدهای حاصل از صدور نفت در بودجه و جلوگیری از ورود مستقیم شوک های نفتی به اقتصاد کشور انجام شد.

حساب ذخیره ارزی در قالب ماده ۶۰ قانون برنامه سوم مورد پذیرش و تصویب قرار گرفت و به موجب آن دولت مکلف شد از سال ۱۳۸۰ مازاد درآمدهای ارزی حاصل از نفت خام در پایان هر سال نسبت به ارقام پیش بینی شده در قانون بودجه در حساب ذخیره ارزی حاصل از درآمد نفت خام نزد بانک مرکزی نگهداری کند.

در سال ۱۳۸۷ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اعلام شد که در آن تغییر نگاه به درآمدهای نفت و گاز وجود داشت و این درآمد از منبع تامین بودجه عمومی به منابع و سرمایه های زاینده اقتصادی بدل شدند. اساسنامه صندوق توسعه ملی در سال اول برنامه پنجم توسعه برای استفاده از مزیت نفت و گاز در زنجیره خدمات صنعتی و پایین دستی، به شرح زیر در مجلس تصویب شد:

- واریز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل نفت و گاز و فرآورده های نفتی به صندوق توسعه ملی.
- ارائه تسهیلات از منابع صندوق به بخش های خصوصی، تعاونی و عمومی با هدف تولید و توسعه سرمایه گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی.
- قطع وابستگی هزینه های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.

برداشت های پیاپی دولت از حساب ذخیره ارزی کارشناسان را به این نتیجه رساند که این حساب از اهداف اصلی کلان خود کاملاً دور شده است و بیشتر به محلی برای تامین بودجه دولت تبدیل شده است. بر این اساس مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیاست های کلی برنامه پنجم، صندوق توسعه ملی را با تعریف و کارکردی جدید جایگزین حساب ذخیره ارزی کرد. هدف مجمع از تاسیس این صندوق واریز سالانه ۲۰ درصد از درآمدهای نفتی به این صندوق و قطع ارتباط مالی دولت با این بخش از درآمدهای نفتی بود. ارزیابی لایحه برنامه در این خصوص مستلزم تامل در تفاوت میان ماهیت "حساب" و "صندوق"، اهداف و دلایل تغییر حساب ذخیره ارزی به صندوق توسعه و نیز چگونگی برخورد دولت با این دو مفهوم می باشد. هدف از تاسیس صندوق با ماهیت جدید آن است که در یک نظام تصمیم گیری برخوردار از چند قوه، با حمایت از بخش غیردولتی و ایجاد گردش مالی در این بخش، صندوق در توسعه کشور نقش موثری ایفا کند. علاوه بر پرداخت تسهیلات، این صندوق می تواند هم در داخل و هم در خارج کشور سرمایه گذاری انجام دهد. این صندوق نقش تکمیلی نهادهای سرمایه گذاری و بانک مرکزی را دارد و به ثبات اقتصادی کشور و رسیدن به اهداف سند چشم انداز کمک خواهد کرد.

با نگاه به برنامه پنجم مشاهده می شود که با وجود اهمیت تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن و ضرورت قطع وابستگی هزینه های جاری دولت از درآمدهای نفتی، این ضرورت ها به صورت اهداف کمی در لایحه بیان نشده است. بدیهی است تصریح اهداف کمی این سیاست ها در لایحه، شرایط واریز و برداشت از صندوق را در هر دوره تعیین می کند و امکان ارزیابی عملکرد آن را با توجه به اهداف تعیین شده مقدور می سازد.

لذا از دیدگاه نظری دلایل متعددی وجود دارد که براساس آن می توان ضرورت رعایت نوعی احتیاط را در هزینه درآمدهای نفتی مورد توجه قرار داد که عمده ترین این دلایل به شرح زیر است:

- کاهش نوسانات مصرف داخلی و تنظیم بازار در واکنش به تغییر درآمدهای نفتی.
- وجود هزینه های تعدیل در صورت بروز شوک های نفتی.
- الزام به حفظ منابع برای نسل های آتی

لذا اجرای مولفه های اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران با توجه به شرایط موجود، می بایست ترکیبی از چهار الگوی اقتصاد موازی، ترمیمی، دفاعی و ایده آل باشد. به واقع، با تاکید بر مولفه های خاص اقتصاد ایران و شرایط بین المللی حاکم که امکان برخورداری از منافع تقسیم کار بین المللی و منظومه مزیت های نسبی جهانی را برای کشور محدود می کند، اقتصاد مقاومتی را می توان در چهار قالب مکمل تعریف نمود و یک تعریف تلفیقی را به عنوان تعریف مبنایی قابل تکمیل ارائه داد.

- جمع بندی و نتیجه گیری

از آنجائیکه قسمت اعظم صادرات کشورمان را محصولات اولیه نظیر نفت خام و مواد اولیه تشکیل می دهد و از طرف دیگر کوچک و وابسته بودن اقتصاد ایران به درآمدهای صادراتی جهت واردات کالاها و خدمات سبب می گردد در صورت مواجه شدن با شوک های غیر قابل انتظار و زودگذر در درآمدهای صادراتی چنین محصولاتی به کاهش رقابت پذیری بخش قابل تجارت سنتی منجر گردد. بر همین اساس این مقاله به بررسی تاثیر بی ثباتی صادراتی نفتی (نفت و گاز) و بی ثباتی واردات کالاها و خدمات بر تولید ناخالص داخلی می پردازد. اغلب مطالعات گذشته بصورت داده های مقطعی مورد بررسی قرار گرفته یک مشکل با داده های مقطعی آن است که این مطالعات یک رابطه میانگین را مورد برآورد قرار می دهند و چنین رابطه ای اطلاع زیادی در رابطه با کشورهای تحت بررسی فراهم نمی سازد. از طرف دیگر این مقاله مبتنی بر استفاده از داده های سریهای زمانی است. اما از آنجائیکه اغلب متغیرهای سریهای زمانی نامانا می باشد لذا این امکان وجود دارد که با رگرسیون ساختگی مواجه گردیم به همین دلیل از آزمونهای ریشه واحد دیکی - فولر تعمیم یافته و فیلپس پرون استفاده گردید که نتایج حاکی از $I(1)$ بودن تمامی متغیرهای مدل می باشد. در ادامه نیز از رویکرد هم انباشتگی جوهانسن (۱۹۸۸) جهت شناسایی روابط کوتاه مدت و بلندمدت و اثرات پویایی استفاده گردید. از آنجائیکه رشد اقتصادی در بلندمدت تابعی از عوامل نظیر جمعیت و... بوده لذا بی ثباتی صادراتی نمی تواند بر چنین رابطه بلندمدتی اثر بگذارد به همین دلیل به تخمین یک مدل هم انباشته مقید پرداخته و یک رابطه بلند مدت تعادلی مورد تایید قرار گرفت مطابق انتظارات نظری ضرایب نهاده نیروی کار و سرمایه مثبت بوده. این رابطه بلندمدت تعادلی مذکور با ثبات بوده بطوریکه تولید ناخالص داخلی و متغیر بی ثباتی صادراتی بخش اعظمی از عدم تعادل جهت حصول به یک رابطه بلندمدت تعادلی پایدار را بر عهده دارد. در الگوی کوتاه مدت نیز اثر بی ثباتی منفی بوده که سازگار با تئوری بیماری هلندی که تاکید زیادی بر رابطه منفی میان بی ثباتی درآمدهای صادراتی بر رشد اقتصادی نموده، می باشد. این نتیجه خصوصاً در رابطه با کشورهایی که از درجه پایین باز بودن اقتصادی برخوردارند (از جمله اقتصاد ایران)، صادق می باشد. از طرف دیگر به لحاظ اینکه منابع تامین مالی واردات نیز از محل درآمدهای صادراتی است، لذا کاهش درآمدهای صادراتی و یا بی ثباتی در آن منجر به بی ثباتی در کالاهای وارداتی می گردد اما این امر باعث افزایش تولید کالاهای داخلی جانشین واردات می گردد و در نهایت باعث افزایش تولید می شود.

در نهایت پیشنهادات این مقاله به شرح زیر ارائه می‌گردد.

- ۱- شناسایی عوامل اثرگذار بر بی‌ثباتی صادراتی و کنترل نمودن آنان در جهت تقویت و توسعه صادرات صنعتی کشور.
- ۲- از آنجائیکه غالباً شوک‌ها و درآمدهای افزایش ناگهانی در بخش صادرات کشور زودگذر بوده و با توجه به ساختار اقتصادی ایران (کوچک و قیمت‌پذیر بودن) مناسب است از چنین درآمدهای زودگذری جهت خرید داراییهای خارجی با بازدهی بالا و یا سرمایه‌گذاریهای خارجی استفاده گردد تا از این طریق زمانیکه بخش صادرات صنعت و معدن با شوک‌های کاهشی مواجه گردید از طریق درآمد حاصل از چنین سرمایه‌گذاریهایی، تامین مالی و حمایت لازم صورت پذیرد.
- ۳- تدوین و ایجاد مدیریت دولتی کارآمد جهت شناسایی و پیش‌بینی مبنی بر زودگذر یا دائمی بودن شوک‌های درآمدهای صادراتی. چرا که پیامدهای هر یک از این دو نوع شوک بر اقتصاد متفاوت می‌باشد.
- ۴- رقابتی‌تر نمودن کالاهای صنعتی و معدنی جهت اجتناب از شوک‌های زودگذر و یا دائمی درآمدهای صادراتی.
- ۵- تجمیع مازاد درآمدهای نفتی در صندوق توسعه ملی و استفاده کارآمد از آن در پروژه‌های اقتصادی.

فهرست منابع :

۱. مجموعه آمارسریهای زمانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۲. ترازنامه بانک مرکزی ج.ا.ا. سالهای مختلف.
۳. بررسی مولفه های اقتصاد مقاومتی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۹۱.
۴. کرامت فر، مهدی و قائدرحمتی، علی (۱۳۹۱)، توسعه پایدار در سایه درآمدهای نفتی، همایش ثروت ملی و توسعه پایدار، صندوق توسعه ملی، آذر ماه.
5. BROCK P.L. (1991), "Export Instability and the Economic Performance of Developing Countries", Journal of Economic Dynamics and Control, vol. 15, p. 129-47
6. BRUNO M. and J. SACHS(1982), "Energy and Resource Allocation: a Dynamic Model of the Dutch Disease", Review of Economic Studies, vol. 69, p. 845-59.
- 2- CUDDINGTON J. (1986), "Commodity Booms, Macroeconomic Stabilisation and Trade Reform in Colombia", Ensayos Sobre Politocal Economica, vol. 10, p. 45-100.
- 3- DAVIS G. A. (1989), "Learning to Love the Dutch Disease: Evidence form the Mineral Economies", World Development, vol. 23, p. 1765-79.
- 4- DAWES D. (1996), "A New Look at the Effects of Export Instability on investment and Growth", World Review, vol. 24, P. 1905-1914.
- 5- DEATON A.S. (1991), "Saving and liquidity constraints", Econometrica, vol. 59, P. 1221-1248.
- 6- DICKEY, D.A. and W. A. Fuller (1979), "Distribution of the Estimators for Autoregressive Time series with a unit Root", Journal of the American Statistical Association, 74, PP, 427-31.

- 7- FAFCHAMPS M. (1992), "Cash crop production, food price volatility, and rural market integration in the third world", American Journal of Agricultural Economics, February, P. 90-99.
- 8- FRIEDMAN, M. (1954), "The Reduction of Fluctuations in the Incomes of Primary Producers: a Critical Comment", Economic Journal, vol. 64, P. 698-703.
- 9- GERSHON FEDER (1982), "on Exports and Economic Growth", Journal of Development Economics, 12, PP, 59-73.
- 10- GLEZAKOS C. (1973), "Export Instability and Economic Growth: A Statistical Verification", Economic Development and Cultural Change, vol. 21, P. 670-78.
- 11- GUILLAUMONT P., GUILLAUMONT JEANNENEY S. et BRUN J. -F. (1997), "How Instability Lowers African Growth", 10th Anniversary Conference, Center for the study of African Economies, Oxford University, 1997 and Journal of African Economies, vol. 8, n^o 1, PP.87-107.
- 12- GYIMAH-BREMPPONG, K. (1991), "Export Instability and Economic Growth in Sub-Saharan Africa", Economic Development and Cultural Change, vol. 39, P. 815-28.
- 13- JOHANSEN, S. (1988), "Statistical Analysis of Cointegrated Vectors", Journal of Economic Dynamics and Control, 12, PP, 231-4.
- 14- KEMP M. C. and N. LIVIATAN (1973), "Production and Trade Patterns under Uncertainty", Economic Record, vol. 25, P. 701-803.
- 15- KENEN, P. B. and S. VOIVODAS (1972), "Export Instability and Economic Growth", Kyklos, vol. 25, p. 701-803
- 16- LANCIERI, E. (1978), "Export Instability and Economic Development: a Reappraisal", Banca Nazionale del Lavoro, vol. 125, p. 135-52
- 17- LOVE J. (1987), "Export Instability in Less Developed: Consequences and Causes", Journal of Economic Studies, vol. 14, P. 3-80.
- 18- LUTZ M. (1994) "The effects of Volatility in the Terms of trade on Output Growth: New Evidence" World Development, vol. 22, n^o 12, December, pp. 1959-75.
- 19- MAC BEAN A. I. (1966), Export instability and economic development, George Allen and Unwin, London.
- 20- MASSEL B.F. (1969), "Price Stabilization and Welfare", Quarterly Journal of Economics, vol. 38, p. 284-298.
- 21- MASSELL B. F. (1970), "Export instability and economic structure", American Economic Review, vol. 60, pp. 618-630.
- 22- MORAN C. (1983), "Export fluctuations and Economic Growth: An Empirical Analysis", Journal of development Economics, Vol. 12, P.195-218.
- 23- NELSON C. and H. KANG (1981), "Spurious Periodicity in Inappropriately Detrended Time Series", Econometrica, vol. 49, p. 741-51.
- 24- NEWBERRY D. and J. STIGLITZ (1981), Theory of Commodity Price Stabilization, Oxford, Clarendon Press.
- 25- OZLER, S and J. HARRIGAN (1988), Export Instability and Growth, Department of Economics, Working Paper n^o 486, University of California, Los Angeles.
- 26- PHILLIPS, P.C. B. and P. perron (1988), "Testing for a unit Root in Time series Regression Biometrika, 75, 335-346.

نقدی بر چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت ایران

داریوش ابوحمزه، ایمان اعیانی، بهزاد بابازاده، امیر براتی

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، کارشناس مرکز همکاریهای فناوری و نوآوری ریاست جمهوری. Aboohamzeh@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه صنعتی شریف

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، کارشناس مرکز همکاریهای فناوری و نوآوری ریاست جمهوری

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه صنعتی شریف

چکیده

در این مقاله چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت مورد بررسی و نقد می شود. برای این منظور به ریشه های نهادی مشکلات موجود در صنعت نفت پرداخته می شود. مشکلاتی از قبیل خام فروشی، توسعه نیافتن مطلوب زنجیره ارزش نفت، مشکلات تامین مالی پروژه ها و غیره. مطالعه چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت نروژ به عنوان یک کشور موفق در صنعت نفت و بررسی تاریخچه قانونی چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت کشورمان ما به اصلاحاتی ساختاری برای نیل به اهداف مطلوب در صنعت نفت رهنمود می سازد. اصلاحاتی از قبیل انتقال مالکیت مخازن نفت از شرکت نفت به وزارت نفت و تدوین اساسنامه جدید شرکت نفت بر این مبنای، جداسازی نهادهای سیاست گذار و ناظر از مجری و تشکیل نهادی جهت نظارت بر حسن اجرای پروژه ها و تشکیل نهادی جهت تامین مالی پروژه ها.

مقدمه

صنعت نفت به عنوان درآمدزاترین صنعت کشور، نقش بسیار پررنگی در اقتصاد کشور دارد. حجم بالای این صنعت، گستردگی صنایع و خدمات مرتبط به این صنعت این قابلیت را می دهد که لوکوموتیو توسعه کشور باشد. اما توسعه هر صنعتی نیازمند تعیین و تدوین مناسب نهادهای درگیر در آن صنعت می باشند. به عبارت دیگر رابطه دولت و بخش خصوصی نهادهای دولتی درگیر و مدل دخالت های دولت و غیره مسائلی هستند در صورتی که بصورت مناسب تعریف شوند می توانند موجب توسعه آن صنعت گردند. در این مقاله به بررسی این موارد در صنعت نفت ایران و تا حدی صنایع مرتبط با آن یعنی صنعت پتروشیمی و پالایش می پردازیم. برای این منظور ابتدا برخی الزامات اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت که با مباحث نهادی و ساختاری مرتبط هستند بحث می گردد. سپس چیدمان نهادی فعلی مطرح شده و سپس به تاریخچه قانونی مرتبط با این بحث اشاره خواهد شد. در نهایت با بررسی چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت نروژ به عنوان یک کشور موفق در صنعت نفت برخی اقدامات اصلاحی مورد نیاز در حوزه چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت ذکر خواهد شد.

برخی الزامات اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت

در این قسمت با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور و بحث اقتصاد مقاومتی، برخی الزامات اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت نفت که با بحث چدمان نهادی مرتبط هستند عنوان می شوند.

✓ توسعه زنجیره ارزش افزوده در اقتصاد مقاومتی و کاهش خام فروشی

یکی از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت، توسعه زنجیره ارزش و کاهش خام فروشی است. متأسفانه کشور ما از آغاز کشف نفت تا به حال بخش قابل توجهی از نفت استخراج شده را بصورت خام به کشورهای دیگر صادر می نماید. طبیعتاً کشور های خریدار نفت دریافتی را در پالایشگاهها مورد استفاده قرار داده و از نفت خام فرآورده تولید می نمایند. به عبارت دیگر سیاست صنعتی-تجاری کشور در حوزه نفت، به گونه ای بوده که در زنجیره ارزشی که از میدان نفتی شروع می شود و تا محصولات پایین دستی ادامه دارد، به استخراج نفت خام و صادر کردن آن بسنده کرده و منافع فراوان تبدیل نفت خام به محصولات پایین دستی را در اختیار دیگر کشورها قرار داده است. درآمد زایی، اشتغال و منافع امنیتی از مواردی هستند که کشور با اتخاذ این سیاست ها سخاوتمندانه از آنها چشم پوشی کرده است. در شرایط تحریم که فروش نفت خام با مشکلاتی مواجه شده است، لزوم تبدیل نفت به فرآورده و صادرات آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

✓ تحریم ناپذیری

دیگر بعد اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت تلاش برای تحریم ناپذیری در این حوزه می باشد. برخی از مصادیق مهم تحریم هایی که در حوزه انرژی بر کشورمان تحمیل شده، تحریم بنزین، تحریم سرمایه گذاری و تحریم برخی تکنولوژی ها و قطعات مورد استفاده در صنایع هستند. در حال حاضر برخی ساختارهای حاکم بر این صنعت دچار مشکلاتی هستند که آسیب پذیری کشور در موارد فوق را افزایش می دهد.

✓ بهره برداری صیانتی از مخازن نفت

یکی از مشکلاتی که در صنعت نفت کشور وجود دارد عدم بهره برداری مطلوب و صیانتی از مخازن نفتی است. در حال حاضر ضریب برداشت نفت بسیار کم و در حدود ۲۵٪ می باشد. رقم مشابه در کشوری مانند نروژ حدود ۴۵٪ می باشد. اهمیت این نرخ به گونه ایست که همانطور که وزیر محترم نفت معتقد است: "گر ذخایر درجای میدان ها را ۶۰۰ میلیارد بشکه در نظر بگیریم، افزایش برداشت یک درصد از این رقم می تواند معادل فروش ۶ سال نفت کشور و برداشت ۱۰ درصد آن می تواند معادل فروش ۶۰ سال نفت کشور باشد." [۱]. به نظر می رسد ریشه این اختلاف زیاد بین ضریب برداشت در ایران و سایر کشورها را نمی توان با مسائل فنی و تکنولوژیک توجیه کرد بلکه این امر ریشه در ساختارها و نهادهای حاکم بر صنعت نفت دارد.

✓ ارتقای توان تولید

یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی اتکا به تولید داخل و استفاده از تجهیزات داخلی است. این در حالیست که در بسیاری از حوزه های صنعت در کشور مانند صنعت نفت، بسیاری از تجهیزاتی که قابلیت تولید داخل را دارند، از کشورهای خارجی تامین می گردند. هرچند این مشکل می توانند ریشه های متعددی داشته باشد، اما به نظر می رسد یکی از ریشه های آن به ساختار نهادی برگردد. به عبارت دقیق تر، مشکلاتی که در حوزه تامین مالی پروژه ها بوجود می آید، عملاً پیمانکاران را به تامین تجهیزات از شرکت های خارجی سوق می دهد.

✓ عاملیت مردم

عاملیت مردم یا به عبارت دیگر، مردمی سازی صنعت نفت یکی از محورهای تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه نفت است. این امر نیز به بحث خصوصی سازی های از یک طرف و ایجاد ساز و کاری جهت تامین مالی پروژه ها با منابع داخلی از طرف دیگر برمی گردد. در این حوزه بحث دوم که در واقع تامین منابع مالی از منابع داخلی می باشد از اهمیت بالایی برخوردار است که به نظر می رسد در صنعت نفت بطور مطلوب به آن پرداخته نشده است. ریشه های سیستماتیک این مساله قابلیت بحث مفصل دارد که در این نوشته نمی گنجد.

ساختار فعلی وزارت نفت

ساختار فعلی وزارت نفت را می توان بطور کلی در نمودار زیر نشان داد که در آن زیر مجموعه های وزارت نفت را می توان در سه دسته کلی جای داد. چهار شرکت اصلی تابعه وزارت نفت (که در واقع معاونت های عملیاتی وزیر نفت هستند)، معاونت های ستادی و سایر امور) برای سادگی موسسه مطالعات بین المللی انرژی و دانشگاه صنعت نفت نیز در بخش سایر گنجانده شده اند.



شرکت ملی نفت ایران :

این شرکت یکی از چهار شرکت اصلی وزارت نفت است که ریاست مجمع عمومی آن به عهده رئیس جمهور و ریاست هیأت مدیره اش به عهده وزیر نفت می باشد و با توجه به ارثه نشدن اساسنامه‌ی آن بعد از انقلاب همچنان با اساسنامه خرداد ماه سال ۱۳۵۶ خود فعالیت نموده که در این اساسنامه این شرکت با موضوعیت اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی سرتاسر کشور و فلات قاره و اشتغال به عملیات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته در داخل و خارج کشور تاسیس گردیده است. این شرکت با بهره‌گیری از نُه مدیریت با عناوین مدیریت امور بین الملل، پژوهش و فناوری، اکتشاف، هماهنگی و نظارت بر نظارت و تولید نفت و گاز، برنامه ریزی تلفیقی، توسعه منابع انسانی، امور مالی، امور حقوقی، طرح کمک به عمران مناطق نفت خیز؛ وظیفه برنامه ریزی، سازماندهی مدیریت و راهبری فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج و توسعه منابع جدید نفت و گاز در خشکی و دریا و همچنین ارزیابی، فروش و انجام کلیه عملیات مربوط به صادرات و واردات نفت خام و انواع فرآورده های نفتی را به صورتهای مختلف در بازارهای جهانی بر عهده دارد.

شرکت ملی گاز ایران :

شرکت ملی گاز در سال ۱۳۴۴ تاسیس شده و مسئولیت هماهنگی در امور گازرسانی، نظارت بر تولید (دیسپچینگ)، پالایش، ذخیره سازی و بازرگانی گاز کشور را برعهده دارد این شرکت نیز کاملاً دولتی بوده و اساسنامه‌ی این شرکت در آبان سال ۱۳۵۶ به تصویب رسیده و براساس آن موضوع این شرکت عبارت است از:

- ۱- تهیه و به عمل آوردن انواع گاز از جمله گاز طبیعی، گاز طبیعی مایع، گاز مایع و گاز مصنوعی و ایجاد وسایل و تأسیسات لازم برای نیل به این مقصود.
- ۲- مطالعه و تهیه و تنظیم و اجرای طرح های احداث خطوط لوله و شبکه های توزیع گاز طبیعی همچنین تهیه و احداث وسایل حمل و نقل و توزیع و ذخیره سازی انواع گاز و مشتقات آن.
- ۳- حفاظت و نگهداری و اداره عملیات مربوط به خطوط لوله و شبکه های توزیع گاز طبیعی و تأسیسات مربوط به انواع گاز و مشتقات آن.
- ۴- حمل و نقل و توزیع و فروش انواع گاز و مشتقات آن.
- ۵- صدور انواع گاز و مشتقات آن به خارج از کشور و فروش آنها به منظور صادرات.
- ۶- تنظیم مقررات مربوط به ایمنی و طرز استفاده از وسایل توزیع گاز و همچنین استانداردهای مربوط به صنعت گاز براساس استانداردهای ملی و بین المللی.

شرکت ملی صنایع پتروشیمی :

شرکت ملی صنایع پتروشیمی وابسته به وزارت نفت دولت جمهوری اسلامی ایران میباشد. این شرکت مسئولیت توسعه هر عملیات در صنعت پتروشیمی کشور را بر عهده دارد. در بدو تاسیس در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی، این شرکت فعالیت خود را با واحد کوچک تولیدی کود شیمیایی شیراز آغاز نموده و در حال حاضر دومین تولید کننده و صادر کننده فرآورده های پتروشیمی در خاورمیانه میباشد.

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی:

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران در اسفند ماه ۱۳۷۰ بر اساس اصل تفکیک فعالیت های بالادستی (اکتشاف و تولید نفت خام و گاز) از پایین دستی (پالایش ، انتقال نفت خام و فرآورده ، صادرات ، واردات و توزیع فرآورده های نفتی) در وزارت نفت تاسیس و فعالیت های رسمی آن از سال ۱۳۷۱ آغاز شد.

و در حال حاضر، با توجه به نیاز روزافزون کشور به فرآورده های نفتی ، این شرکت برنامه مشترک توسعه ، روزآمد کردن و بهبود بخشیدن به پالایشگاهها را به انجام رسانده و برنامه ساخت پالایشگاه های جدید را در دست اجرا دارد. این شرکت دولتی وظایفی همچون :

- ۱- پالایش نفت خام و تولید انواع فرآورده های نفتی در پالایشگاه های کشور
- ۲- انتقال نفت خام از مبادی تولید و پایانه خزر به پالایشگاه های کشور و همچنین انتقال فرآورده های نفتی از پالایشگاه ها و مبادی وارداتی به انبارهای تدارکاتی پخش و مراکز توزیع
- ۳- تامین بخش عمده انرژی و توزیع فرآورده های نفتی در سراسر کشور
- ۴- اجرای کلیه طرح ها و پروژه های پالایشی ، انتقال و ذخیره سازی در سراسر کشور
- ۵- صادرات روزانه مواد نفتی به خارج از کشور از طریق پایانه های نفتی
- ۶- تداوم گردش چرخه های عظیم صنعت، کشاورزی و نیروگاه ها در تامین به موقع سوخت و خوراک صنایع، از جمله تامین خوراک مجتمع های پتروشیمی به منظور استمرار روند تولید در کشور
- ۷- تامین سوخت مصرفی در بخش های خانگی و تجاری در مناطق شهری و روستایی در اقصی نقاط کشور

تاریخچه قانونی مرتبط با ساختار وزارت نفت

قبل از سال ۱۳۵۸ که وزارت نفت تشکیل نشده بود، صرفا شرکت ملی نفت وجود داشته است و همه فعالیت های مرتبط با حوزه نفت گاز و سایر مواد هیدروکربوری در حیطه وظایف شرکت ملی نفت قرار می گرفت. به عبارت دیگر وظایفی که که در حال حاضر به عهده شرکت ملی گاز، شرکت ملی پخش و پالایش و شرکت ملی پتروشیمی است، جزو وظایف شرکت ملی نفت قرار داشته است. تا قبل از سال ۱۳۵۸ چند بار اساسنامه شرکت نفت تغییر کرده و در آن تغییراتی داده شد که عملا تغییرات ساختاری جدی محسوب نمی شوند. شاید مهم تری

این تغییرات را تغییر در اعضاء و رئیس هیات مدیره دانست. برای مثال در یکی از تغییرات رئیس هیات مدیره از شاه به نخست وزیر تغییر کرد.

در سال ۱۳۵۸ طی قانون مصوب شورای انقلاب^{۷۰} وزارت نفت بطور قانونی تاسیس گردید، پس از تشکیل وزارت نفت شرکت ملی نفت و فعالیت های آن به چهار شرکت جداگانه تفکیک شد که هر یک متولی امور مربوط به نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش بودند و متولی همه این فعالیت ها وزارت نفت تعیین شد. متاسفانه علیرغم مهلت شش ماهه ای که در قانون فوق به وزارت نفت برای تدوین اساسنامه شرکت های تابعه داده شد تا کنون اساسنامه ای برای شرکت های تابعه این وزارتخانه تدوین و تصویب نشده است^{۷۱}. از آن زمان تا به حال پنج قانون دیگر در این رابطه تصویب شده است اما کماکان وضعیت ساختاری همانند قبل می باشد. عناوین و توضیح مختصری از قوانین مصوب در رابطه با بحث ساختار سازمانی وزارت نفت عبارتند از:

- لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸،۷،۸ (توضیح: در این قانون وزارت نفت تاسیس می گردد).
- لایحه قانونی راجع به تمدید مهلت مقرر در ماده ۳ لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸،۱۲،۱۹ (توضیح: مهلت مقرر در قانون پیشین برای سازماندهی تشکیلات وزارت نفت تمدید شد)
- لایحه قانونی متمم لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۹،۳،۲۹ (توضیح: تصریح وظایف وزارت نفت مانند صیانت از منابع، حفظ تاسیسات، بسط تکنولوژی، سیاستگذاری و...)
- قانون نفت تاریخ تصویب: ۱۳۶۶/۷/۷ (توضیح: تأکید و بازتصویب محتوای قوانین قبلی)
- قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۹۰/۳/۲۲ (توضیح: « هیات عالی نظارت بر منابع نفتی» و تشریح وظایف آن از جمله نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی، اجزای اصل ۴۴ و...)
- قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۱۳۹۱/۲/۱۹ (توضیح: بازتصریح اختیارات وزارت نفت مانند سیاست گذاری و...)
- ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجم (توضیح: وزارت نفت در آن موظف است که برای فعالیتهای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید نفت و گاز توسط شرکتهای تابعه وزارت نفت و شرکتهای صاحب صلاحیت، با اتخاذ ضوابط تولید صیانتی، پروانه بهره برداری بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی صادر و براساس طرح مصوب، بر عملیات اکتشاف، توسعه و تولید شرکتهای فوق الذکر از نظر مقدار تولید و صیانت مخزن و معیارهای سلامتی - ایمنی و زیست محیطی نظارت نماید.)

^{۷۰} - قانون تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸،۷،۸

^{۷۱} - به همین دلیل این شرکت ها عموماً با عنوان شرکتهای تابعه وزارت نفت شناخته می شوند.

مشکلات ناشی از ساختار فعلی وزارت نفت

✓ عدم بهره برداری صیانتی از مخازن

همانطور که پیشتر ذکر شد، یکی از مشکلات موجود در صنعت نفت کشور عدم بهره برداری صیانتی از مخازن نفتی است که نمود آن در ضریب برداشت حدود ۲۵٪ می باشد. ریشه های این مساله را می توان اولاً در جمع شدن بین ناظر و مجری در صنعت نفت و ثانیاً قراردادهای نامطلوب بیع متقابل دانست. بدین ترتیب که در صنعت نفت ایران، برخلاف کشورهای موفق در حوزه نفت، شرکت ملی نفت عملاً هم مجری پروژه ها بوده و هم ناظر اجرای مطلوب پروژه ها. مسلماً به لحاظ سیستمی شرکت نفت نمی تواند هر دو وظیفه را به خوبی انجام دهد. تجربه دیگر کشورهای نیز نشان می دهد که نقش نظارتی باید به نهادی خارج از نهاد مجری یعنی وزارت نفت منتقل شود. قراردادهای بیع متقابل نیز به گونه ای نظام انگیزشی بهره بردار را به سمت بهره برداری زود هنگام از مخازن سوق می دهد که موجب صدمه دیدن مخازن می گردد.

در ساز و کار گذشته هیئت مدیره شرکت ملی نفت خود مسئول نظارت بر امورات خود بودند که این امر امکان بروز فساد و ناکارآمدی این بخش را بالا می برد هر چند بعد از گذشت ۲۵ سال در قانون اصلاح نفت، هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی مشتمل بر نه نفر (۱- وزیر نفت به عنوان دبیر هیأت ۲- معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی ۴- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۵- رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ۶- رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ۷- دادستان کل کشور ۸- دو نفر از معاونین وزارت نفت به انتخاب وزیر نفت) وظیفه نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی را به عهده گرفته اند اما همچنان چگونگی تشکیل و اداره جلسات هیأت عالی نظارت مشخص نشده است. از طرفی پراکندگی افراد حاضر در آن موجب عدم تمرکز به روی جزئیات و بسنده نمودن به اتفاقات در سطح کلان این حوزه گردیده و در نتیجه تنها خروجی این هیأت در صورت تشکیل شدن ارائه گزارشهای سالانه کل نگر خواهد بود. بنابراین با وجود اینکه تشکیل چنین هیأتی می تواند در برنامه ریزی های کلان و رو به جلو و همچنین منسجم نمودن تمام ارگان های مربوطه کمک دهد ولی اکتفا به آن نمی تواند مشکلات موجود را برطرف نماید.

✓ توسعه نیافتن زنجیره ارزش و خام فروشی

یکی از مشکلاتی که صنعت نفت کشور با آن مواجه است، توسعه نیافتن مطلوب زنجیره ارزش و فروش خام نفت می باشد. آمار واردات بنزین نشان دهنده نیاز کشور به توسعه صنایع پایین دستی نفت و گاز و عدم تامین این نیاز توسط صنعت نفت کشور است. به عبارت دیگر در حال حاضر ما در ازای بخشی از صادرات نفت خام به واردات بنزین مورد نیاز می پردازیم. تحلیل اینکه چرا صنایع پایین دستی به میزان لازم توسعه نیافته است، به عدم تعریف رابطه اقتصادی مناسب بین ۴ شرکت اصلی بر می گردد.

✓ توسعه نیافتن مطلوب صنعت نفت ایران

هرچند که صنعت نفت ایران پیشرفت‌ها و افتخارات زیادی نصیب کشورمان کرده ولی وضعیت و توان کشور در این حوزه شایسته قدمت صد ساله آن نیست.

در حال حاضر شرکتهای ایرانی در بخشهای بالادستی و پایین دستی نفت و گاز نه تنها فعالیت چشم‌گیری در کشورهای دیگر نداشته‌اند بلکه در داخل نیز عملکرد خوبی نداشته و در جهت تحقق برنامه پنجم توسعه پیشرفت قابل توجهی نداشته‌اند این درحالی است که کشوری چون مالزی، نروژ و ... به خوبی توانسته‌اند در کنار رفع نیاز داخل در سطح بین‌المللی نیز ورود نمایند.

✓ نداشتن رفتار شرکتی توسط شرکت نفت

متأسفانه شرکت ملی نفت ایران اقداماتی به اختیار و یا به اجبار انجام می‌دهد که با رفتارهای یک شرکت تجاری در تعارض است. برای مثال دولت از منابع شرکت ملی نفت برای انجام برخی پروژه‌های عمرانی در شهرستان‌ها استفاده می‌کند. این امر ریشه در خلط شدن رفتارهای حاکمیتی و شرکتی در شرکت نفت دارد که عملاً شرکت نفت را از داشتن رفتار شرکتی محروم کرده است.

✓ تصمیم‌گیری در مورد میزان تولید توسط شرکت نفت بجای وزارت نفت

یکی از اصلی‌ترین وظایفی که حاکمیت در صنعت نفت در جهان به عهده دارد، تصمیم‌گیری در مورد میزان تولید نفت و تعیین تکلیف و تصمیم‌گیری در مورد میادین نفتی است. این موارد در دنیا در حیطه اختیارات وزارت نفت قرار می‌گیرند. این در حالیست که در ایران تصمیم‌گیری در رابطه با میزان تولید، فروش و بهره‌برداری از میادین نفتی در اختیار شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. ریشه این امر در مالکیت شرکت ملی نفت بر میادین نفتی است. بدین ترتیب که مالک بودن شرکت ملی نفت اختیارات مزبور را از وزارت نفت گرفته و به شرکت ملی نفت داده است. این در حالیست که در کشورهای موفق در حوزه نفت و گاز مالکیت نه در اختیار شرکت‌های نفتی بلکه در اختیار وزارت نفت که دارای نقش رگولاتوری است، می‌باشد.

✓ محدود شدن وزارت نفت به حوزه‌های پارلمانی و اپک

مشکلات ساختاری در وزارت نفت به گونه‌ای است که عملاً اختیارات حاکمیتی بجای وزارت نفت در اختیار شرکت نفت است. وظایف حاکمیتی به وظایفی گفته می‌شود که مربوط به بخش نظارتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان مربوط شده ولی وظایف تصدیگری به بخش اجرایی امور اطلاق می‌شود. بروازات این امر در بحث‌های مالی وزارت خانه، تامین مالی کارمندان وزارت خانه و غیره دیده می‌شود. از ابتدای تشکیل وزارت نفت رابطه‌ی این وزارت با شرکت‌های تابعه به خصوص شرکت ملی نفت ایران به گونه‌ای طراحی شده که در قسمتهای مختلفی از جمله نیروی انسانی، بودجه و ساختار متکی به این شرکت‌ها بوده و در نتیجه این وابستگی وزارتی با ساختار قوی، کارآمد و مستقل شکل نگرفته است و عملاً می‌توان بیان نمود که وزارت نفت

زیر نظر شرکت ملی نفت قرار می‌گیرد. اهمیت و شدت این وضعیت به حدی است که به گفته یکی از صاحب نظران حوزه نفت، در حال حاضر وزارت نفت عملاً حوزه پارلمانی شرکت نفت است.^{۷۲}

✓ مشکلات تامین مالی پروژه های نفتی

توسعه هر صنعتی نیازمند ابزارها و نهادهای تامین مالی خاص خود می باشد. حجم زیاد سرمایه های مورد نیاز پروژه های صنعت نفت و صنایع مرتبط، اهمیت این امر را برای این صنعت دو چندان می نماید. به عبارت دیگر توسعه صنعت نفت نیازمند در نظر گرفتن ابزارها و نهادهای تامین مالی تخصصی این حوزه است. این در حالیست که نظام تامین مالی مطلوبی برای تامین مالی پروژه ها در کشور دیده نشده است. شاهد این امر نیز مشکلاتی است که پروژه های شرکت های تابعه وزارت نفت در تامین مالی پروژه ها با آن مواجه اند. این مشکلات پس از تحریم های مرتبط با سرمایه گذاری در حوزه نفت و گاز تشدید شده است. لازم به ذکر است که در حال حاضر برای توسعه صنایع الکترونیک، صنعت مسکن، کشاورزی و غیره بانک ها یا صندوق هایی تخصصی وجود دارند، این در حالیست که چنین نهادی برای توسعه صنعت نفت وجود ندارد.

✓ نبود شفافیت در فعالیت های نفتی

تهیه نشدن اساسنامه شرکت ملی نفت و در نتیجه استفاده از اساسنامه سال ۱۳۵۶ باعث شده تا قوانین تصویب شده موجب تداخل هر چه بیشتر وظایف وزارت نفت و این شرکت شود بنابراین علاوه بر مشخص نبودن مسئول و همچنین مرجع پاسخگو در بسیاری از امور نمی توان برخی قسمت های این دو نهاد را از هم متمایز دانست. همچنین نبود، ابهام و یا تطابق پیدا نکردن بعضی قوانین این حوزه و از طرف دیگر تمایل دولت ها به سمت عدم شفافیت باعث ناکارآمدی شده و در مجموع به دلیل عدم پاسخگویی فساد آور خواهد بود. هر چند در قوانین جدید با پاسخگو کردن وزیر نفت به جای ریاست جمهور سعی شده مطالبه مجلس از صنعت نفت بیشتر شود ولی همچنان ابهام در قوانین و نبود شفافیت گریبانگیر این حوزه می باشد.

مرور تجربه کشور نروژ

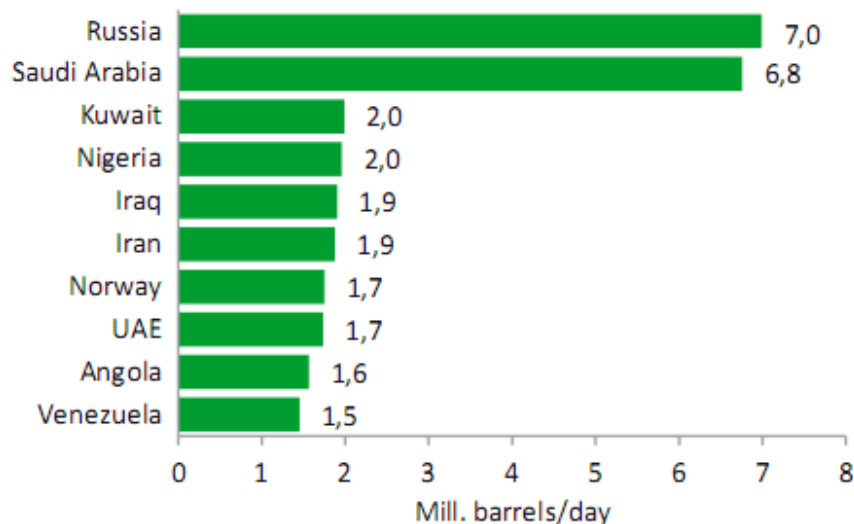
در این قسمت به مرور تجربه یک کشور موفق در اداره صنعت نفت از دید نهادی می پردازیم. با توجه به اینکه کشور نروژ در ادبیات این حوزه یک کشور موفق شناخته می شود، در این بخش به مرور تجربه این کشور در این حوزه پرداخته می شود.

^{۷۲} - مصاحبه مهندس ترکان با خبرگزاری فارس ۸۹/۵/۱۹

تاریخچه صنعت نفت نروژ

ساختار صنعت نفت نروژ با توجه به سیاست‌های دولت بر مبنای مدل نئو مرکانتیلیستی^{۷۳} که برای نظارت بر بخش نفت این کشور در دهه هفتاد طرح‌ریزی و ابداع شده بود با ساختار کنونی کشور ایران دارای شباهت‌های ساختاری و نهادی می‌باشد. لذا بررسی روند پیشرفت صنعت نفت این کشور و تجدید نظرهای به عمل آمده در سازمان‌دهی آن در دهه‌های اخیر می‌تواند در راستای بهبود وضعیت صنعت نفت کشور به کار گرفته شود.

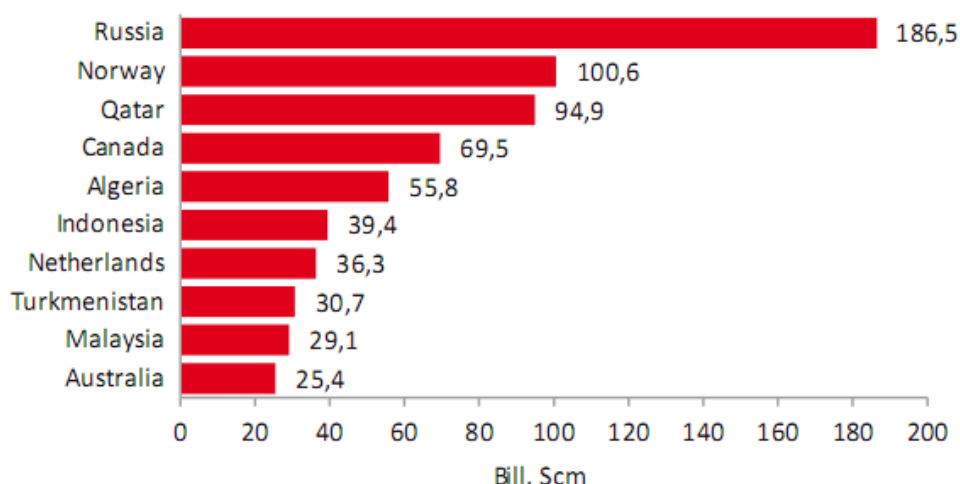
کشور نروژ با مساحتی معادل ۳۸۵۲۵۲ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر از جمله کشورهای نفتی بوده که بعد از کشف نفت در سال ۱۹۶۰ و گذر از بحران‌های نفتی متعدد توانسته است با ایجاد ساختاری هوشمندانه در حوزه نفت و گاز و جهت‌دهی آن در راستای پیشرفت کل جامعه خود را در کنار کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دهد. این کشور با تولید روزانه حدود ۲ میلیون بشکه نفت خام و همچنین ۱۰۰ بیلیون مترمکعب گاز به عنوان دومین صادرکننده گاز و پنجمین صادرکننده نفت جهان معرفی می‌گردد. هرچند نفت و گاز بالغ بر ۴۷ درصد از کل صادرات این کشور را در بر گرفته اما این عامل موجب تاثیر منفی بر دیگر منابع درآمدی و صادراتی این کشور نشده بلکه روند پیشرفت صنایع دیگر و حداکثرسازی ارزش افزوده آنها بیشترین منفعت را نصیب این کشور نموده است به طوری که منابع نفت و گاز تنها ۲۱ درصد از تولید ناخالص ملی (GDP) و ۲۶ درصد از درآمدهای نروژ را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین این کشور در صادرات اقلامی همچون اسلحه، شیلات، چوب و کاغذ و صنایع معدنی همچون آلومینوم نیز فعالیت گسترده‌ای دارد.



نمودار ۱: میزان صادرات نفت خام در سال ۲۰۱۱^{۷۴}

^{۷۳} Neo-Mercantilist

^{۷۴} - ماخذ: KBC Market Services



نمودار ۲: میزان صادرات گاز در سال ۲۰۱۰^{۷۵}

در سال ۱۹۶۳ با افزایش تقاضای شرکتهای بین المللی نفت و گاز برای دستیابی به منابع نفتی نروژ حاکمیت نروژ بر فلات قاره اعلام شد و مالکیت آن به دولت این کشور واگذار گردید. در سال ۱۹۷۱ ده فرمان نفتی^{۷۶} در پارلمان نروژ به تصویب رسید. با تصویب این ده فرمان پارلمان نروژ در نظر داشت تا:

۱- بر کلیه فعالیتها در فلات قاره این کشور نظارت و کنترل داشته باشد.

۲- درآمد حاصل از ذخایر نفت صرف توسعه فعالیتهای جدید در صنایع نروژ شود.

۳- نفت و گاز استحصال شده از میادین موجود در فلات قاره نروژ از طریق خطلوله به خاک این کشور انتقال یابد.

۴- دولت در کلیه جنبه‌های فعالیتهای نفتی که صلاح بداند مداخله کند.

۵- یک شرکت ملی نفت تأسیس شود.

در سال ۱۹۷۲ ساختار اجرایی و مدیریتی نفت نروژ به سه قسمت تقسیم شد:

۱. وزارت نفت که به اموری چون وضع قوانین، تعیین اصول و خطمشی اصلی و همچنین اعطای امتیازات می‌پرداخت؛

۲. سازمان مدیریت نفت که مدیریت امور جاری صنعت نفت، اکتشاف و نظارت و کنترل را بر عهده دارد و شرکت ملی نفت که عهده‌دار منافع تجاری دولت در صنایع نفت بود.

^{۷۵} - ماخذ: KBC Market Services

^{۷۶} Ten Oil Commandments

۳. شرکت ملی نفت نروژ که در سال ۱۹۷۲ تأسیس شده و مقرر شد تا در قراردادهای مشارکت دولت با شرکت‌های بین‌المللی، ۵۰ درصد از هریک از بلوک‌های تحت قرارداد به شرکت ملی نفت یا همان شرکت استات‌اویل واگذار شود. مزایایی که به استات اویل تعلق یافته بود، دولت نروژ را قادر می‌ساخت تا علاوه بر این که در مالکیت مستقیم میادین کشف شده سهم زیادی داشته باشد، حتی‌الامکان به درجه بالایی از ریسک‌گریزی نیز نایل شود. لذا این امر زمینه‌آشنایی این شرکت با ادبیات کار در حوزه نفت و بسترسازی جهت برخورداری از توانمندی‌های لازم برای رقابت در بازارهای جهانی فراهم می‌ساخت.

در نتیجه اعطای امتیازات متعدد به شرکت‌های نروژی و به ویژه استات اویل، از قدرت چانه‌زنی شرکت‌های بین‌المللی کاسته شد. در نیمه اول دهه هفتاد استات اویل به‌عنوان نهادی کلیدی برای اجرای سیاست‌های نفتی مسوولان نروژ برگزیده شد. هدف درازمدت نروژی‌ها این بود که نقش شرکت‌های بین‌المللی نفت در بخش نفت نروژ به تدریج به شرکت‌های مشاور، سرمایه‌گذار و احتمالاً سهامداران جزء تنزل یابد. به‌دنبال افزایش سریع قیمت‌های نفت به دلیل وقوع انقلاب در ایران و شروع جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۹۸۰ ارزش ذخایر نفت نروژ به طور چشمگیری افزایش یافت. به موازات افزایش درآمدهای نفتی نروژ، اداره سیاسی بخش نفت نیز از اهمیت بیشتری برخوردار گشت. در نتیجه اقتصاد نروژ تبدیل به اقتصادی شد که مبتنی بر نفت بوده و استات اویل بخش اعظمی از درآمدهای دولت را تأمین می‌نمود. احتمال تجمع درآمدهای عظیم حاصل از فعالیت‌های نفتی در یک شرکت (استات اویل) مسائل جدی پیرامون تقسیم رانت اقتصادی میان استات اویل و خزانه دولت را مطرح می‌کرد. استات اویل درصدد بود تا برای جذب هرچه بیشتر سرمایه و ممانعت از خروج آن از شرکت فعالیت‌های خود را تا حد ممکن گسترش دهد. هرچه نسبت سرمایه‌ای که استات اویل جذب می‌کرد بیشتر می‌شد، پتانسیل رشد این شرکت نیز افزایش می‌یافت. امتیازات فراوان و فراگیری که دولت به استات اویل داده بود، سبب شده بود تا خود دولت در معرض ریسک‌های جدی تری قرار گیرد. سرمایه بسیار بالای استات اویل نیز این شرکت را قادر می‌ساخت تا با سایر عوامل متصدی صنعت نفت نروژ روابط نزدیکی را برقرار کند. به طوری که روابط استات اویل با سایر بخش‌های صنعت نفت نروژ این شرکت را به سطحی از خود مختاری رسانده بود که حتی سیاست‌گذاران اصلی نیز تصور آن را نمی‌کردند. قوانین موجود در توافقنامه‌های مشارکت دولت در فعالیت‌های نفتی به طور صریح بر به‌کارگیری کالاها و خدمات نروژی تأکید داشتند که این مساله به نفع استات اویل بوده و روند شکل‌گیری و توسعه چنین روابطی میان آن و سایر بخش‌های صنعت را تسریع می‌کردند. احتیاط بیش از حد سیستم اعطای امتیاز طرح‌ها، دولت را قادر می‌ساخت تا طرح‌های مورد نظر را فقط به شرکت‌هایی اعطا کند که از خدمات و کالاهای ارائه شده استات اویل استفاده می‌کردند. بنابراین حذف امتیازات استات اویل سبب ایجاد خلل در روابط میان این شرکت و سایر شرکت‌های فعال در صنعت نفت نروژ می‌شد. اما از آنجا که استات اویل و ساختار نظارتی نروژ بیش از حد با یکدیگر آمیخته شده بودند، قطع روابط میان این شرکت و سایر شرکت‌ها نیازمند ایجاد تغییراتی در نظام اعطای طرح‌ها بود.

بر این اساس دولت تلاش می‌نمود برای حفظ قدرت و تداوم نظارت و کنترل، از شرکت‌های مختلفی که تأمین‌کننده منافع دولت بودند، فاصله گرفته و به استقلال برسد. بخشی از این برنامه که با هدف کاهش نقش شرکت‌های غیردولتی و نیز تمایز هرچه بیشتر بخش

خصوصی و دولتی انجام می‌گرفت، شامل اقداماتی می‌شد که به تمرکززدایی قدرت از سازمان‌ها و نهادهای متمرکز دولتی می‌انجامید و کنترل سیاسی دولت بر سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی و اجرایی دولت مرکزی را نیز تشدید می‌کرد.

در دهه ۱۹۸۰ با توجه به ضرورت مهار رشد و کاهش گسترش استات اوایل، دولت تلاش نمود تا با تقسیم درآمد نفت میان استات اوایل و خزانه‌ی دولت بر وظایف اجرایی این شرکت به عنوان تامین کننده‌ی درآمد دولت و همچنین کاهش امتیازات وسیع و حداقل نمودن تاثیر نفوذ آن بر عملکرد فعالیت سایر شرکتها ساز و کار جدیدی را بر حوزه نفت و گاز حاکم نماید. بدین ترتیب طرحی ارائه شد تا سهم دولت و استات اوایل از منافع حاصل از هر یک از میادین به‌طور کامل از یکدیگر مجزا شده و بازار به سمت آزادسازی بازارهای مالی حرکت نماید. اما دولتی بودن این شرکت به عنوان مانع بزرگ خصوصی‌سازی صحیح و کارایی حوزه نفت و گاز به شمار می‌رفت. از این رو در سال ۱۹۸۵ دارایی‌های شرکت استات اوایل در بسیاری از امتیازات به دو قسمت تقسیم شد. یک قسمت مربوط به مشارکت تجاری شرکت و قسمت دیگر منابع مالی مستقیم دولت (SDFI^{۷۷}) نام گرفت که همچنان تحت نظارت استات اوایل بود.

روند تغییرات ساختاری نفت و گاز در نیمه‌ی دوم این دهه با روند جهانی نزول قیمت نفت همراه شد و این امر موجب کسری شدید بودجه دولت نروژ و همچنین تبدیل صنعت نفت از یک صنعت بسیار پردرآمد به صنعتی که سودآوری آن در حد متعادل و معمولی همچون بسیاری از صنایع دیگر گردد. حتی افزایش این روند نزولی سبب شد تا صنعت نفت به صنعتی زیان‌ده نیز تبدیل شده و نیاز به تغییر سیاست‌های مربوطه تشدید شود. از طرفی دیگر نیازی نبود که دولت نروژ با استفاده از قوانین و مقررات ویژه درآمد‌های کلان این صنعت را به نفع کشور و جامعه، مورد مذاقه قرار دهد. تمهیدات و مقرراتی که پیش تر در نظام اعطای امتیاز طرح‌ها گنجانده شده بود و نیز نقش کلیدی استات اوایل در صنایع نفت عمدتاً در چارچوب سیاست صنایع نوپا تعریف می‌شد که دولت نروژ را موظف می‌کرد در مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری از صنایع ملی حمایت کند. بنابراین در اوایل دهه ۱۹۹۰ که صنایع نفت نروژ مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری خود را به پایان رسانده بود دیگر به حمایت دولت نیازی احساس نمی‌شد. علاوه بر این با توجه به سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ دیگر برای دولت توانی برای حمایت از صنایع نفت باقی نمانده بود. در نتیجه صنایع نفت نروژ نیز به صنعتی معمولی همچون سایر صنایع تبدیل گردید و لذا مجبور بود در عرصه بین‌المللی نیز با دیگران رقابت بپردازد. با توجه به تغییرات به‌وجود آمده، شرایط کار در فلات قاره نروژ برای شرکت‌های بین‌المللی بسیار مناسب شده بود، بنابراین علاقه زیادی برای مشارکت در طرح‌ها در این منطقه از خود نشان می‌دادند. در نتیجه تصور عمومی گردانندگان کلیدی صنعت نفت نروژ تغییر یافت بدین ترتیب که سیاست قبلی نروژی‌ها بر تأکید بیشتر بر ضرورت حمایت از صنایع نفت مبتنی بود، دولت به‌عنوان شریک شرکت‌های بین‌المللی نفت مطرح می‌شد و استات اوایل ابزاری بود در دستان دولت برای نظارت و مدیریت اما طبق سیاست جدید، صنعت نفت نروژ صرفاً رقیبی بود در کنار سایر رقبا که در عرصه بین‌المللی با یکدیگر مبارزه می‌کردند.

⁷⁷ State's Direct Financial Interest

عواملی چون ایجاد روابط جدید با اتحادیه اروپایی با پذیرش موافقتنامه منطقه تجاری اروپایی^{۷۸} EEA در سال ۱۹۹۴ و ظهور بازارهای انرژی داخلی نیز در تغییر این سیاست مؤثر بودند.

در این راستا شرکت استات اوایل با مشکلاتی متعددی از قبیل دولتی بودن، انحصار در بخش بالادستی نفت و منابع گاز، قوانین حمایتی دولت و حق مشارکت بیش از ۵۰ درصدی رو به رو بود. از طرفی در اواخر دهه ۱۹۹۰ این شرکت مالکیت کامل دولتی را مانعی می دانست برای دستیابی این شرکت به مناطق نفتی سایر نقاط جهان زیرا سرمایه گذاری در مناطق نفت خیز جدید مانند آمریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا، غرب آفریقا و منطقه خزر منابع مالی بیش از حد توان آن را می طلبید و به نظر می رسید تنها راه ممکن برای مشارکت در طرح های موجود در این مناطق ائتلاف و مشارکت با سایر شرکت های بین المللی و چنین مشارکت و ائتلافی بدون وجود سهام قابل خرید استات اوایل عملاً غیر قابل دسترس خواهد بود. بنابراین بخشی از استات اوایل می بایست خصوصی شده و بدین ترتیب فرصت لازم برای ایجاد ائتلاف و مشارکتهای درازمدت با شرکت های خصوصی بین المللی فراهم آید.

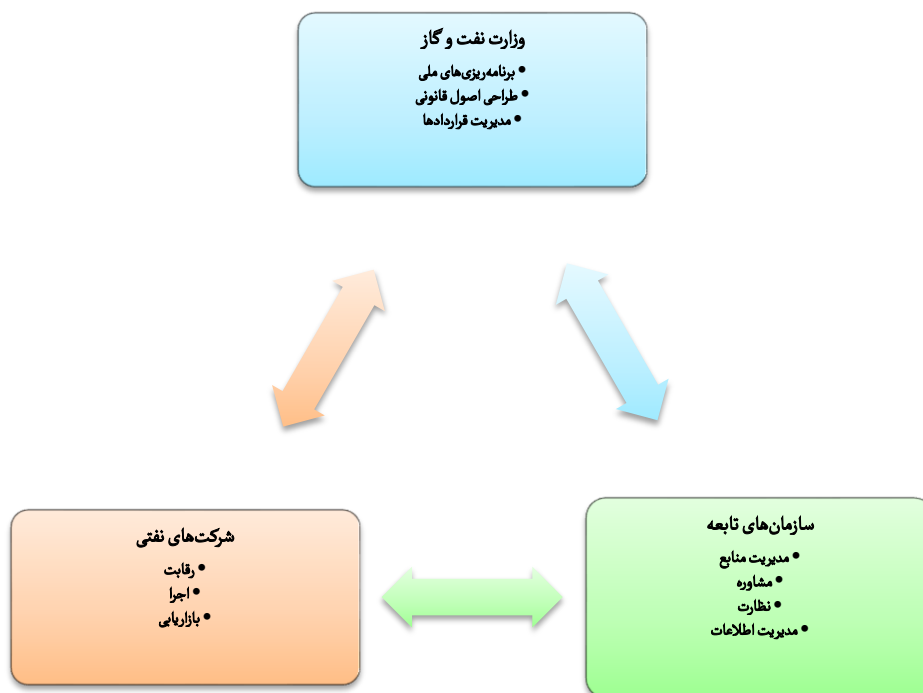
بدین ترتیب در ژوئن سال ۲۰۰۱ بیش از ۲۰ درصد سهام استات اوایل در بازار بورس اسلو و نیویورک فروخته شد و ۱۲ درصد دیگر از سهام آن نیز برای مشارکتهای استراتژیک با سایر شرکت های بین المللی نگاه داشته شد. از مالکیت مستقیم دولت (SDOE) نیز ۱۵ درصد به استات اوایل، ۶/۵ درصد به Norsk Hydro و چند شرکت خارجی فروخته شد. استات اوایل به عنوان یک شرکت خصوصی دیگر نمی توانست مدیریت منافع دولت (SDOE) در میدین نروژ را به عهده بگیرد. در نتیجه یک شرکت دولتی به نام Petoro برای مدیریت منافع دولت در میدین نفت و گاز این کشور تأسیس شد. شرکت یاد شده، یک شرکت مادرتخصصی^{۷۹} است و استات اوایل فروش ذخایر فیزیکی نفت و گاز آن را به عهده دارد.

دولت نروژ درآمد حاصل از فروش نفت و گاز خود را عمدتاً به صورت سهام، اوراق قرضه و سهام شرکت های خارجی نگهداری نموده و این مساله وضعیت مالی نروژ را در شرایط خوبی قرار داده است و مانع از آن شده که درآمد دولت تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت قرار گیرد. علاوه بر این از وابستگی دولت به استات اوایل نیز می کاهد زیرا مالیات اخذ شده از این شرکت و سهم مستقیم از SDOE خود تأمین کننده بخشی از درآمدهای دولت است. به طور کلی دولت جریان نقدی بخش نفت را به طور جدی، کنترل می کند. باید توجه داشت که مدل سازمانی و مالکیت بخش نفت نروژ با وجود خصوصی سازی بخشی از استات اوایل هنوز به گونه ای است که مالکیت و کنترل دولت را تقویت می کند. از طرفی دولت نروژ در حوزه مدیریت توسعه نفت و گاز به جای ایفای نقش یک دولت متصدی، نقش دولتی سرمایه گذار را برگزیده تا از این طریق نفوذ خود را در بخش های مختلف حفظ نموده و مدیریت خود را بدون دخالت مستقیم اعمال نماید، در ضمن سهم خود را نیز از منافع حاصله در تعامل با سهام واقعی شرکت ها دریافت نماید.

⁷⁸ European Economic Area

⁷⁹ Holding Company

ساختار صنعت نفت نروژ که در حال حاضر به عنوان مدل نروژ نیز معروف می‌باشد به گونه ای طراحی شده است که بین وزارت نفت و گاز نروژ به عنوان سیاست‌گذار و شرکتها و سازمانهای تابعه‌ی با مسئولیت مدیریتی و نظارتی و همچنین شرکت‌های فعال در این حوزه و در قسمت تجارت رابطه‌ای شفاف و بدون ابهام تعریف نماید که علاوه بر ساز و کار هماهنگ و منسجم ، با اعمال نظارت‌های شدید و پی‌درپی کمترین فساد قانونی در آن وجود داشته باشد.



در حال حاضر صنعت نفت نروژ تحت نظارت پارلمان این کشور و تحت حاکمیت دولت و از طریق نهادهایی چون وزارت‌های نفت، کار و امور مدیریت، محیط زیست، امور ساحلی و سازمان‌های مدیریت صنعت نفت، سازمان نظارت و ایمنی فعالیت می‌نماید.

نهادهای ناظر بر صنعت نفت نروژ

پس از مرور اختصاری سیر تاریخی صنعت نفت نروژ نهادهایی که در اداره صنعت نفت نروژ دخیلند به اختصار اشاره مورد اشاره قرار می‌گیرند.

مجلس نروژ⁸⁰ (Stortinget):

تعیین چهارچوب کلی فعالیت‌های نفتی با وضع قوانین مختلف در نروژ بوده و پروژه‌ها و موضوعات مهم و اساسی در این حوزه بایستی به مجلس ارائه شود همچنین وظیفه کنترل و نظارت بر دولت و سیاست‌های اجرایی را نیز بر عهده دارد.

⁸⁰ Norwegian Parliament

دولت نروژ:

دولت اختیارات اجرای سیاست‌های نفتی را برعهده داشته و بایستی نسبت به این سیاست‌ها و اجرای آنها به مجلس نروژ پاسخگو باشد. برای انجام این وظیفه دولت از وزارت‌خانه‌ها، شرکت‌های تابعه و نهادهای نظارتی استفاده نموده و مسئولیتهای مختلف را بر اساس زیر تقسیم نموده است.

وزارت کار و اداره امور دولت^{۸۱}:

در کنار وزارت نفت و انرژی نروژ، وزارت کار و اداره امور دولت وجود دارد که مسؤلیت کلی و مهم آن، نظارت بر فضای کاری صنعت نفت و ابعاد ایمنی و اضطراری آن است.

سازمان نظارت و ایمنی صنعت نفت^{۸۲} PSA :

این سازمان وابسته به وزارت کار و اداره امور دولت بوده و وظیفه ایجاد چارچوبهای قانونی جهت اطمینان از وجود استانداردهای داخلی و بین‌المللی رعایت ایمنی، بهداشت و حفظ محیط زیست در فعالیتهای نفتی و گازی شرکتهای فعال در فلات قاره نروژ را دارد.

وزارت دارایی^{۸۳}:

مسئول تعیین میزان مالیات و دریافت آن بوده که در بخش‌های مختلف نفت و گاز فعالیت می‌نماید. (مالیات بر شرکتهای، مالیات خاص، مالیات بر CO₂ و NO_x تولید شده از فعالیتهای نفتی)

دفتر مالیات‌های نفتی^{۸۴}:

این دفتر قسمتی از اداره مالیات نروژ بوده که وظیفه ارائه گزارش به وزارت دارایی را برعهده دارد. این دفتر جهت اطمینان از درستی و تطابق با سیاست‌های موجود بر مالیات‌ها و پرداخت‌های مربوطه تاسیس شده است.

سازمان گمرک و مالیات‌های غیرمستقیم^{۸۵}:

وظیفه‌ی اصلی آن توجه به فعالیتهای نفتی جهت اطمینان از پرداخت و میزان مالیات دریافتی از مالیات مربوط به NO_x مطابق سیاست‌های موجود می‌باشد.

⁸¹ THE MINISTRY OF LABOUR

⁸² The Petroleum Safety Authority Norway

⁸³ THE MINISTRY OF FINANCE

⁸⁴ The Petroleum Tax Office

⁸⁵ The Directorate of Customs and Excise



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

صندوق بازنشستگی^{۸۶}:

وزارت دارایی مسئول این صندوق بوده و بانک Norges به نمایندگی از این وزارت مدیریت اجرایی آن را برعهده دارد.

وزارت امور ساحلی^{۸۷}:

این وزارت وظیفه دارد در هنگام نشت نفت به دریا و ساحل آمادگی کافی را برای مهار آن داشته باشد.

اداره امور ساحلی نیروژ:

این اداره مسئولیت ارائه توضیحات در رابطه با کیفیت و چگونگی آمادگی برای مهار نشت نفت را برعهده دارد.

وزارت بهداشت و سلامت:

به طور کلی این وزارت مسئول اجرای فعالیتهای لازم در بخش سلامت این حوزه و جامعه می‌باشد.

وزارت محیط زیست^{۸۸}:

این وزارت مسئول نظارت و انجام اقدامات لازم در جهت حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

آژانس آلودگی‌های آب و هوایی^{۸۹}:

این آژانس پی‌گیری‌های لازم برای انجام فعالیتهای کنترل‌کننده‌ی آلودگی انجام داده و مشاوره‌های لازم را در این جهت به وزارت محیط

زیست میدهد.

وزارت نفت نیروژ^{۹۰}:

وزارت نفت و انرژی نیروژ به عنوان اصلی‌ترین نهاد حاکمیتی در صنعت نفت نیروژ متشکل از چهار اداره بوده که امور مربوط به

سیاست‌گذاری، اعطای امتیاز و نظارت را به عهده دارند. اداره تکنولوژی، صنعت و محیط زیست در جهت بین‌المللی کردن شرکتهای نفت و

گاز، تحقیق و توسعه، حفاظت از محیط زیست؛ اداره انرژی و منابع آب در امور مربوط به منابع آب و برنامه ریزی، سیاست‌گذاری انرژی،

تولید برق، مدیریت انرژی‌های نو، تعیین قسمتهای مربوط به اعطای امتیاز انحصار؛ اداره نفت و گاز در اکتشاف، تولید و توسعه و بازاریابی

⁸⁶ Government Pension Fund - Global

⁸⁷ THE MINISTRY OF FISHERIES AND COASTAL AFFAIRS

⁸⁸ THE MINISTRY OF THE ENVIRONMENT

⁸⁹ The Climate and Pollution Agency

⁹⁰ MINISTRY OF PETROLEUM AND ENERGY

و همچنین اداره امور اجرایی و اقتصادی در راستای اعمال نقش و سهم دولت در ارتباط با منافع مالی مستقیم، آنالیزهای اقتصادی (سیاست گذاری-نظام مالیاتی-درآمدی)، نیروی انسانی، ارتباطات و اطلاعات سرویس های داخلی، ایمنی و امور اضطراری فعالیت دارند.

سازمان مدیریت صنعت نفت⁹¹ NPD

با توجه به حجم وسیع اقدامات اکتشاف و تولید نفت و گاز در نروژ یک نهاد نظارتی متشکل از تیم های تخصصی مرتبط جهت نظارت بر روند توسعه میدان نفت و گاز و تطابق روش ها و فعالیت های شرکتها و پیمانکاران با سیاستهای اتخاذ شده موسسه ای تحت عنوان "سازمان مدیریت نفت و گاز نروژ" تاسیس شد که بعنوان زیرمجموعه وزارت نفت و انرژی وظایف زیر را بر عهده گرفت:

- ۱- نظارت فنی بر فعالیت شرکت های نفتی فعال در میدان نروژ
- ۲- مدیریت اطلاعات و داده های صنعت نفت
- ۳- تحقیقات
- ۴- فعالیت های بین المللی
- ۵- اعمال نظارت مالی و اداری جهت حصول اطمینان از تطابق فعالیتها با قوانین و دستورالعمل های مربوطه
- ۶- ارائه مشاوره به وزارت نفت و انرژی در ارتباط با اکتشاف و تولید منابع طبیعی فراساحلی

شرکت Petoro AS :

با واگذاری بخشی از سهام شرکت استات اویل به بخش خصوصی، مدیریت کل سهام SDFI به شرکت دولتی Petoro AS واگذار شد. این شرکت یک سازمان کوچک و صرفاً نظارتی است و وظایف سه گانه ذیل از طرف دولت به آن محول شده است:

- ✓ مدیریت بر مجموعه سهام SDFI
- ✓ نظارت بر چگونگی عملکرد شرکت استات اویل در زمینه بازاریابی و فروش نفت و گاز حاصل از میدان زیرمجموعه سهام SDFI
- ✓ نظارت بر سیستم مالی مجموعه SDFI

طبق اساسنامه Petoro AS این شرکت، یک شرکت نفتی محسوب نشده و حق دخالت و مشارکت در بخش های اجرایی پروژه های نفتی را ندارد. همچنین این شرکت از درآمدهای حاصل از سهام SDFI نیز هیچ سهمی دریافت نکرده و هزینه های جاری شرکت مذکور توسط دولت تأمین می شود.

⁹¹ Norwegian petroleum directorate



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

شرکت Gassanova SF :

این شرکت مسئولیت مدیریت منافع دولت در نگهداری کربن را داشته و از سال ۲۰۰۸ به عنوان بازوی اجرایی دولت برای ساخت و اجرای برنامه‌ها و زیرساختهای طراحی شده برای انبار و حفظ کربن شناخته می‌شود.

شرکت Statoil ASA :

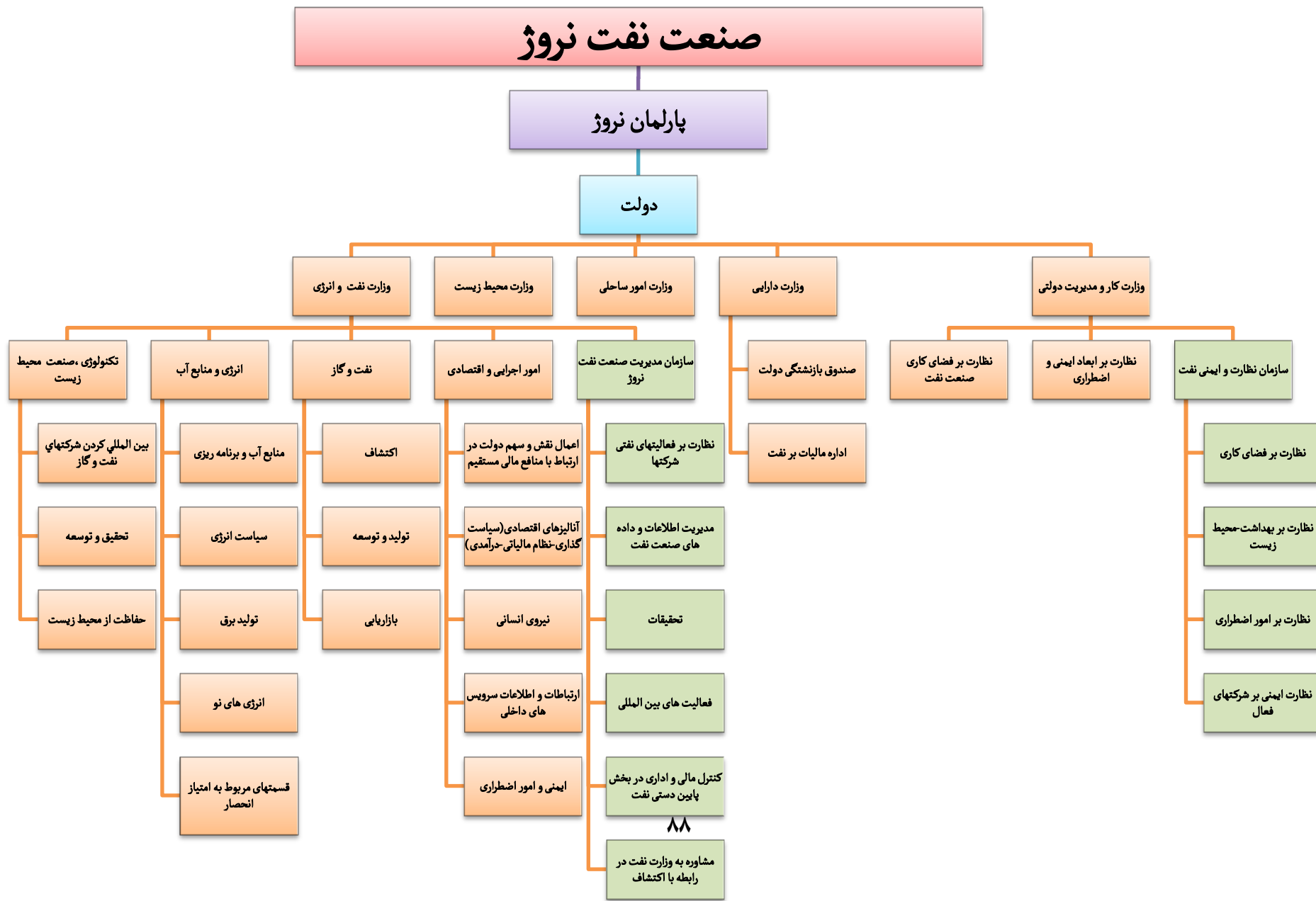
این شرکت بین‌المللی در حوزه نفت و گاز هم اکنون در ۴۰ کشور فعالیت نموده و دولت نروژ دارای ۶۱ درصد از سهام این شرکت می‌باشد.

کمیته‌های Gassled :

این نهاد که از کمیته‌هایی با اعضای مشخصی تشکیل شده است به عنوان صاحبان رسمی انتقال گاز نروژ وظیفه هماهنگی و جمع‌آوری شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز را برعهده دارد.

شرکت Gassco AS :

این شرکت مسئولیت انتقال گاز از جانب دولت NCS و خدمت رسانی به Gassled را برعهده دارد. این شرکت به عنوان اپراتوری بی طرف و کارا حلقه اتصال شرکت‌های فعال در این حوزه و استفاده‌کنندگان از خطوط لوله‌های گاز می‌باشد



مدل مطلوب

در این قسمت به اختصار پیرامون مدل مطلوبی که باید در صنعت نفت پیاده شود صحبت می شود. با توجه به مشکلاتی که در صنعت نفت کشور مشاهده و ارائه شد و با توجه به تجربه کشور نروژ و با در نظر گرفتن بستر قانونی فعلی اقداماتی برای اصلاح چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت باید برداشته شود، عبارتند از:

- تفکیک نقش سیاستگذار، مجری و ناظر
برای اصلاح ساختار وزارت نفت و در واقع اصلاح چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت، لازم است تا نقش سیاست گزار و ناظر از مجری جدا شود. لازمه این امر این است که وزارت نفت به جایگاهی دست یابد که بتواند سیاست گذاری‌های لازم در رابطه با میدین نفتی را انجام داده و ابزار نظارت بر پروژه ها را داشته باشد. برای این منظور لازم است تا مالکیت مخازن از شرکت نفت به وزارت نفت منتقل شود که لازمه آن تهیه *اساسنامه جدید شرکت نفت* است که در آن شرکت نفت مالک مخازن نباشد. بدیهی است در غیر این صورت وزارت نفت ابزاری برای نظارت و اعمال نظارت خود نداشته و در عمل نظارت موثری نخواهد داشت.
- درخواست شرکت نفت و دیگر شرکت های رقیب داخلی و خارجی جهت فعالیت در بالادست
برای اینکه بتوان از یک سو زمینه نظارت وزارت نفت را فراهم نمود و از طرفی زمینه رقابت بین شرکت های نفتی را فراهم کرد، می توان سازمانی ذیل وزارت نفت راه اندازی کرد که پیشنهادات انجام پروژه ها را از شرکت های مختلف (از جمله شرکت ملی نفت ایران) دریافت کرده و با بررسی پیشنهادات ایشان پروژه ها را واگذار نماید. مسلما این سازمان نظارتی بر فرایند انجام پروژه نظارت کرده و در صورت عدم انجام مناسب پروژه توسط پیمانکاران (برای مثال عدم بهره برداری صیانتی از مخازن) می تواند جریمه های مختلفی از جمله قطع همکاری با پیمانکار را وضع نماید. مسلما پیش نیاز این امر این است که وزارت نفت مالک مخازن باشد. لازم به ذکر است که ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه نیز چنین تکلیفی برای وزارت نفت در نظر گرفته است. که در آن پروانه بهره برداری از مخازن به شرکت ها منتخب وزارت نفت اعطا شود.
- اصلاح ساختاری در راستای حل مسائل تامین مالی پروژه های این وزارت خانه
همانطور که پیشتر ذکر شد، بخشی از مشکلات تامین مالی پروژه های این وزارت نفت ناشی از نبود نهادی تخصصی برای تامین مالی این پروژه هاست. برای این منظور تشکیل بانکی تحت عنوان *بانک انرژی* و یا *صندوق تامین مالی پروژه های نفتی* در لازم به نظر می رسد. لازم به ذکر است که این بانک یا صندوق می تواند کاملا دولتی بوده و یا وزارت نفت بخشی از سهام آن (مثلا ۲۰٪) را داشته باشد.

نتیجه گیری

در حال حاضر مشکلات زیادی در صنعت نفت وجود دارد که ریشه در مشکلات ساختاری دارد. مشکلاتی از قبیل خام فروشی، توسعه نیافتن مطلوب زنجیره ارزش، مشکلات موجود در تامین مالی پروژه ها، عدم بهره برداری صیانتی از مخازن و غیره که در متن مقاله به آنها اشاره شد. مطالعه چیدمان نهادی حاکم بر صنعت نفت نیز نشان می دهد که چیدمان نهادی کاملاً متفاوتی از چیدمان نهادی موجود در کشورمان جهت توسعه مطلوب صنعت نفت مورد نیاز است. با توجه به مشکلات موجود، تجربه کشور نروژ و با توجه به بستر قانونی موجود جهت رسیدن به وضعیت مطلوب تصویب اساسنامه جدید شرکت نفت و انتقال مالکیت مخازن از شرکت نفت به وزارت نفت، تشکیل سازمان نظارت بر اجرای پروژه ها و فراهم کردن زمینه رقابت شرکت های مختلف برای انجام پروژه ها لازم به نظر می رسند.

منابع

۱. خبرگزاری شانا: نشست کارشناسی مهندس رستم قاسمی در کنفرانس راهکارهای تحول نظام توسعه و بهره برداری در بخش بالادستی نفت و گاز ایران.
۲. مدیریت منابع نفتی و تامین مالی پروژه های نفتی/اکبر ترکان و حامد فرنام / گزارش راهبردی شماره ۱۵۶ مهر ۱۳۹۱/ معاونت پژوهشهای اقتصادی
۳. مصاحبه با آقای اسلامی – مدیرکل امور حقوقی وزارت نفت
۴. مصاحبه با آقای بهزاد پور سید /معاون پژوهشی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی/ فروردین ماه ۱۳۹۱
۵. مصاحبه با غلامحسین حسنتاش / بهمن ۹۱
۶. طلسم اساسنامه شرکت ملی نفت ایران / غلامحسین حسنتاش/ ۱۳۸۹
۷. اهمیت پیاده سازی اصل ۴۴ در تحقق چشم انداز صنعت نفت / سایت رسمی شرکت ملی نفت nioc.ir
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون صنعت نفت
۹. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
۱۰. قوانین نفت مصوب مجلس شورای اسلامی
۱۱. رژیم مالی در صنعت نفت؛ نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران / مهران امیر معینی ، سید محمد علی حاجی میرزایی / ۱۳۸۳ / موسسه مطالعات بین المللی انرژی
۱۲. گزینه هایی برای درمان نفرین منابع/اقتصاد انرژی / شماره ۱۳۴ دی ماه ۱۳۸۹ / حسن کریمی فرد
۱۳. اوپل سیاست ها و اقدامات: همایون نسیمی: شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا) ۸۲/۷/۹



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

۱۴. مجله ویستا / شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران

۱۵. ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۶۳، اردیبهشت ۱۳۸۳ / تفکیک مدیریت و سیاست از مالکیت و نظارت /

16. A journal from the Norwegian petroleum directorate/no 2/ 2010/Government instruments in the petroleum sector
17. The development of the Norwegian petroleum innovation/Ole andreas h. engen/university of Stavanger/version of 2007/08/06 / TIK working paper on innovation studies NO.20070605
18. Statoil: a study in political entrepreneurship / Richrd Gordon&Thomas stenvoll/ rice university / March 2007
19. Annual report on form 20-F / statoil
20. OIL FOR DEVELOPMENT//MAY 2011
21. STERATEGIC PLAN FOR THE NORWEGIAN PETROLEUM DIRECTORATE 2010-2014
22. FACTS 2012 / the Norwegian petroleum sector

لزوم تدوین استراتژی انرژی بر مبنای اقتصاد مقاومتی

ارسلان ظاهری بیرگانی

کارشناس مهندسی نفت، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

به سبب ماهیت نظام اسلامی و چالش های آن با نظام سلطه، ما امروز در یک میدان وسیعی در مقابله با جبهه‌ی دشمن قرار گرفته‌ایم؛ اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد. از این روی باید همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل ایران به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند، جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آنها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود. انرژی، پیش نیاز رشد اقتصادی ملت‌ها محسوب می‌شود، از این رو به موازات رشد جمعیتی کشورها و همچنین توسعه اقتصادی آنها، نیاز به انرژی نیز بیشتر خواهد شد. این امر کشورها را بر آن داشته است تا در گام نخست، تولید منابع داخلی خود را برای دستیابی به خودبسندگی انرژی افزایش دهند. ایران نیز سرشار از منابع انرژی تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر است و باید در حوزه انرژی، سیاست‌های راهبردی خود را به سمت و سوی تعدد و تنوع در استفاده از انرژی‌های روز جهان سوق دهد، ما امروز باید فکر روزی را بکنیم که کشور ما نفت نداشته باشد؛ اگر نکنیم، آن روزی که نفت تمام می‌شود، ما نیستیم، اما اثر سوء این عمل ما آن روز خواهد بود. وابستگی اقتصاد ما به نفت یک میراث شوم صد ساله و یک نقطه ضعف اساسی است، که در این رویارویی و این نبرد اقتصادی دشمن بصورت جدی بر روی آن حساب باز کرده است، راهبرد و استراتژی ما در زمینه انرژی باید بر مبنای اقتصاد مقاومتی تدوین گردد تا در کنار فائق آمدن بر این نقاط ضعف، مسیر رشد و بالندگی را نیز در پیش بگیریم.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، انرژی، نفت، گاز، ذغال سنگ، برق آبی، هسته ای، امنیت انرژی، استراتژی انرژی،

مصرف بهینه، انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی‌های تجدیدناپذیر

مقدمه

اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» اولین بار در تاریخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۶ توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات اقتصادی کشور شد. غرب که از «الگو شدن انقلاب اسلامی ایران» برای ملت های مسلمان و آزادیخواه در هراس بوده و هست، در ۳۳ سال گذشته از هیچ اقدامی برای ممانعت از این کار فروگذار نکرده و در عرصه های نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جنگ های تمام عیاری را علیه ایران به راه انداخته است. در عرصه نظامی، هشت سال جنگ تحمیلی، در عرصه فرهنگی به تعبیر مقام معظم رهبری ناتو یا شبیخون فرهنگی، در عرصه سیاسی، پروژه انزوای سیاسی و در عرصه اقتصادی، به زعم خود «تحریم های هوشمند و فلج کننده» را به کار برده است.

ما باید بپذیریم که در یک «جنگ تمام عیار اقتصادی» با آمریکا و دنیای غرب هستیم، دشمن که به خوبی «نقاط ضعف اقتصادی» ما را تشخیص داده است، تلاش دارد تا با برنامه ریزی و تحریم های شدید، این «نقاط ضعف» را به «تهدید»ی علیه ایران تبدیل و شریان های اقتصادی ما را مختل کند، در واقع «اقتصاد مقاومتی» یک سیاست راهبردی است که با اشراف کامل به نقشه های دشمن، تلاش می کند تا این «تهدیدها» را به «فرصت» تبدیل کند.

برگ برنده ایران در تمام عرصه های یاد شده، حضور گسترده و قاطعانه مردم بعنوان اصلی ترین حامی نظام و گوش به فرمان رهبری بوده است، در این مرحله نیز هدف نهائی دشمن از این تحریم های گسترده این است که با تحت فشار قرار دادن مردم، آنها را در مقابل نظام قرار دهد، اگرچه مسئولان آمریکائی در اظهارات خود، هدف از این تحریم ها را «دولت ایران» عنوان می کنند نه «ملت ایران»، اما مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «می گویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ می گویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می گیریم؛ رابطه ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است» ۱۳۸۹/۰۶/۱۶.

غربی ها با تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ موج جدیدی از تحریم با محوریت؛ تحریم خرید نفت ایران، تحریم بانک مرکزی و بانک های ایران، تحریم سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد ایران به خصوص در بخش انرژی، تحریم حمل و نقل دریائی و هوائی ایران، تحریم تجاری (ممنوعیت فروش کالا از اقلام با فناوری پیشرفته تا خودرو سواری به ایران) را در دستور کار خود قرار داده اند.

یکی از اصلی ترین نقاط ضعف اقتصادی ما «بیماری اعتیاد»ی است که اقتصاد ما از گذشته تا کنون به آن دچار بوده است و به واقع باید گفت این اقتصاد، همچون یک فرد دارای بیماری «اعتیاد»، به مواد مخدر و «طلای سیاهی به نام نفت» اعتیاد و وابستگی شدید داشته و دارد.

استراتژی^{۹۲}

استراتژی به مفهوم هدف نیست بلکه اقدامات و برنامه هایی برای نیل به اهداف از قبل تعیین شده، می باشد. استراتژی چگونگی دستیابی به اهداف را مشخص می کند و به این که اهداف چه چیز هستند یا چه باید باشند یا چگونه باید تعیین شوند کاری ندارد. به تعبیری استراتژی شناخت آینده و برنامه ریزی برای آن است و ابزار است که اهداف دراز مدت بواسطه آن قابل تحقق می باشد.

در واقع استراتژی یک عنصر در یک ساختار چهار بخشی است: اولین بخش اهدافی که باید به آنها دست یافت. دومین بخش استراتژی های مورد نظر برای دستیابی به آن اهداف چگونگی تخصیص منابع برای این منظور است. سومین بخش تاکتیک ها به مفهوم استفاده عملی از منابع اختصاص یافته می باشد. چهارمین بخش خود منابع و راه ها و روش ها هستند. بر این اساس استراتژی معمولاً شکاف بین اهداف و تاکتیک ها را پر می کند^{۹۳}.

انواع منابع انرژی :

❖ انرژی تجدید ناپذیر^{۹۴} :

انرژی های تجدید ناپذیر شامل نفت^{۹۵}، گاز طبیعی^{۹۶}، زغال سنگ^{۹۷}، انرژی هسته ای^{۹۸} می باشند.

❖ انرژی تجدید پذیر^{۹۹} :

انرژی های تجدید پذیر شامل سوخت های زیستی یا بیوماس^{۱۰۰}، برق آبی^{۱۰۱}، زمین گرمائی^{۱۰۲}، باد^{۱۰۳} و خورشید^{۱۰۴} می باشند.

92-Strategy

94-Nonrenewable

95-Oil

96-Natural Gas

97-Coal

98-Nuclear

99-Renewable

100-Biomass

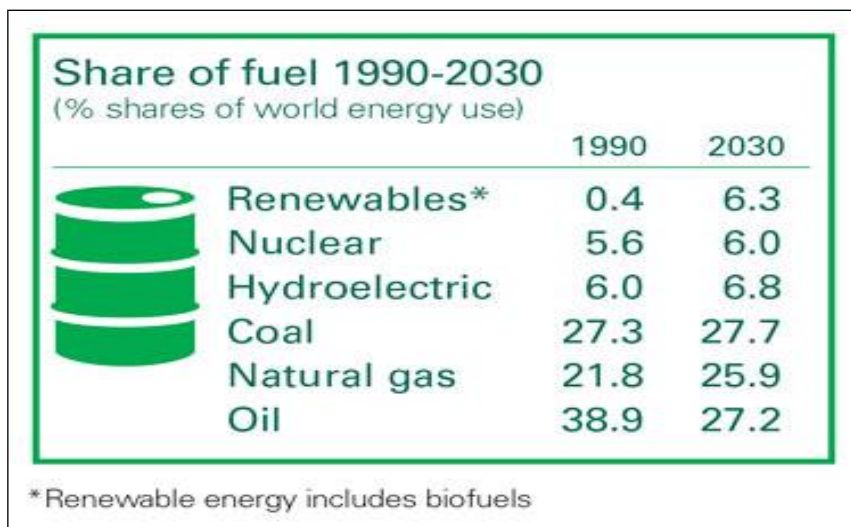
101-Hydropower

102-Geothermal

103-Wind

104-Solar

۹۳-استراتژی چیست؟ علی صلح جو



شکل ۱- سبد مصرفی انرژی جهانی در سال ۱۹۹۰ و پیش بینی آن در سال ۲۰۳۰

همانطور که در شکل ۲ مشخص است، نفت و گاز همواره دارای جایگاه خاصی در سبد انرژی مصرفی جهان بوده، بطوریکه در سال ۱۹۹۰ قریب ۶۰ درصد از انرژی مصرفی کشورها به این دو حامل اختصاص داشته است، پیش بینی های انجام شده نشان می دهد که طی دو دهه آینده، (علی رغم کاهش تدریجی سهم نفت خام و نیز رشد فزاینده تقاضای جهانی دیگر انرژی های اولیه و بویژه انرژی های غیر فسیلی)، نفت و گاز همچنان دارای سهمی غالب به میزان ۵۳ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهد بود.

امنیت انرژی ۱۰۵ و دیپلماسی انرژی ۱۰۶

اگر به منابع نوین قدرت ملی- در جهان آینده- توجه شود، ساختار قدرت آینده، قدرت سایبرنتیک است. قدرت سایبرنتیک، دو ستون اصلی دارد: اطلاعات و انرژی. در نتیجه نیمی از توان ملی را انرژی تشکیل می دهد، پس به همین نسبت، نیمی از سیاست گذاری ها، بایستی معطوف به ارتقاء موقعیت عینی انرژی در طرح ها و برنامه های ملی گردد.^{۱۰۷}

به جهت اهمیت انرژی در دنیای امروز، کشورها می کوشند با روش های گوناگون به امر کسب، تثبیت و حفظ امنیت انرژی خود بپردازند. وابستگی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی حقوقی با یکدیگر منجر به مطرح شدن مفهوم جدیدی به نام دیپلماسی انرژی شده است. دیپلماسی انرژی، به کارگیری ابزارهای دیپلماتیک و ایجاد بسترهای تعاملی در حوزه ی مسائل مربوط به انرژی است. همچنین گره خوردن جایگاه «استراتژیک و ژئوپولیتیک» کشورمان با مساله نفت و انرژی و تعامل آن با مسائل جهانی و منطقه ای، بر اهمیت «برنامه و استراتژی انرژی» کشور در این زمینه افزوده است، چراکه بسیاری از منافع سیاسی و اقتصادی ناشی از نفت و انرژی تنها در صورتی حاصل خواهد شد که در سطح

105Energy Security
106Energy Diplomacy

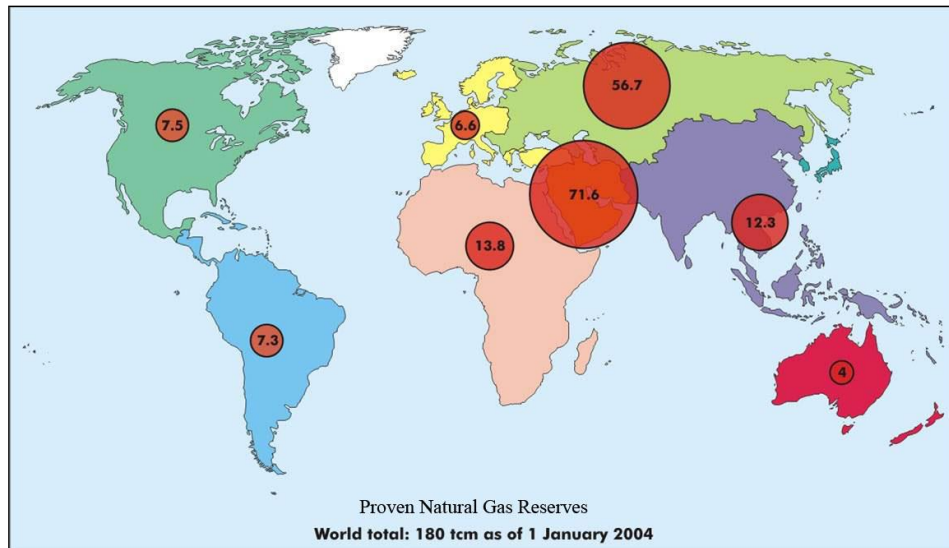
۱۰۷ استراتژی ملی انرژی در افق ۱۴۱۴ مجید صحراگرد

ملی و با هماهنگی کلیه دستگاه‌ها، مورد توجه و پیگیری قرار گیرد. لذا با توجه به جایگاه خاص ایران در این حوزه و حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد آن در مسائل سیاسی و اقتصادی، استفاده از یک چارچوب قوی و کارآمد بسیار ضروری است.

آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) و انرژی

اهمیت منطقه آسیای جنوب غربی و به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس از نقش منحصر به فرد این منطقه در تأمین انرژی و نفت خام مورد نیاز جهان حکایت دارد و با توجه به محدودیت ذخایر در حوزه‌های دیگر جهان، همچنان اصلی‌ترین عامل تأمین انرژی جهان خواهد بود. علی‌رغم تلاش‌هایی که در طی چند دهه‌ی اخیر برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی در جهان صورت گرفته است، نفت و گاز همچنان یکی از منابع مهم انرژی در جهان محسوب می‌شود. (شکل 3)

تقریباً دو سوم ذخایر موجود جهان در حوزه‌ی خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد. وجود وابستگی فراوان جهان به منابع نفت خلیج فارس موجب شده است که آمریکا در طی سه دهه‌ی اخیر، به حضور نظامی خود در این منطقه بیفزاید.



شکل 4- نقشه ذخایر گاز طبیعی اثبات شده جهان - بیش از ۷۱٪ در آسیای جنوب غربی

برآوردهای موجود، همه در این نکته مشترکند که ذخایر موجود در کشورهای آسیای جنوب غربی، به خوبی قابلیت ایفای نقشی که برای این منطقه در تأمین انرژی مورد نیاز جهان در نظر گرفته شده است را دارند، لکن لازمه فعلیت یافتن این نقش، فراهم آوردن تمهیداتی است که «زمان، منابع مالی و فن آوری» مهمترین مولفه‌های آن را تشکیل می‌دهند.

اهمیت انکارناپذیر امنیت عرضه، ایجاب می‌کند که «هیچگونه» محدودیتی در انتقال منابع مالی و فن‌آوری پیشرفته به این منطقه از جهان وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، وجود هر گونه محدودیت در این زمینه، می‌تواند جهان را در تأمین انرژی مورد نیاز، با مخاطره مواجه سازد.

۱۰۸

انرژی در ایران

ایران، یکی از مهمترین کشورهای برخوردار از ذخایر عظیم انرژی در منطقه است و در مجموع ذخایر نفت و گاز در جهان اول است. همچنین با اکتشاف منابع عظیم هیدرات‌گازی در سال ۹۱ در حوزه دریای عمان تا کنون هیچ کشوری به اندازه ایران از منابع هیدروکربوری بهره‌مند نیست. لذا از آنجا که ایران سرشار از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر است، باید در حوزه انرژی، سیاست‌های راهبردی خود را به سمت و سوی تعدد و تنوع در استفاده از انرژی‌های روز جهان سوق دهد، ما امروز باید فکر روزی را بکنیم که کشور ما نفت نداشته باشد. طبیعتاً برای رسیدن به چنین اهداف و چشم‌اندازهایی باید ابتدا درک صحیحی از وضع موجود منابع انرژی و میزان تولید و مصرف آن در کشور داشته باشیم و پس از آن با ترسیم یک افق روشن در راستای سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی، با شناخت نقاط ضعف و قوت مان به سوی آینده گام برداریم. ما باید نقاط ضعف مان را برطرف و نقاط قوت مان را تقویت کنیم.

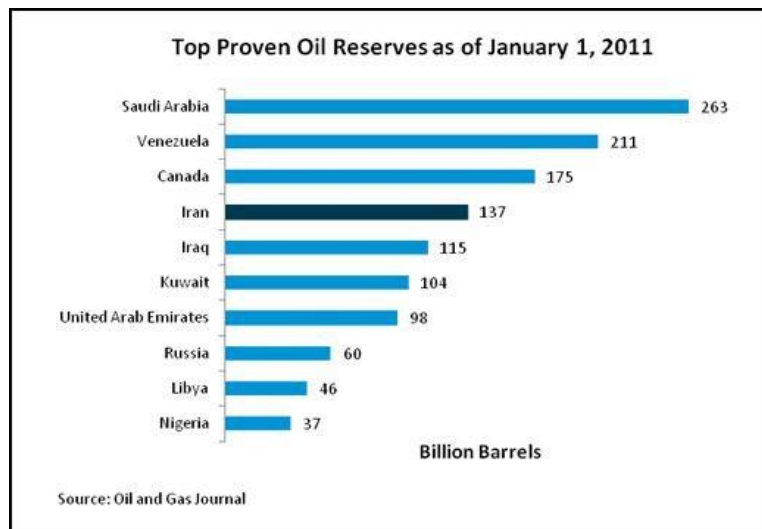
نفت^{۱۰۹}

ایران از لحاظ منابع نفتی رتبه چهارم و از لحاظ منابع گازی رتبه دوم جهان را در اختیار دارد.^{۱۱۰} (شکل ۵)

۱۰۸ بیژن زنگنه وزیر سابق نفت ایران در کنفرانس استراتژی انرژی خاورمیانه تا سال ۲۰۱۴۰ (SPA)

109Oil

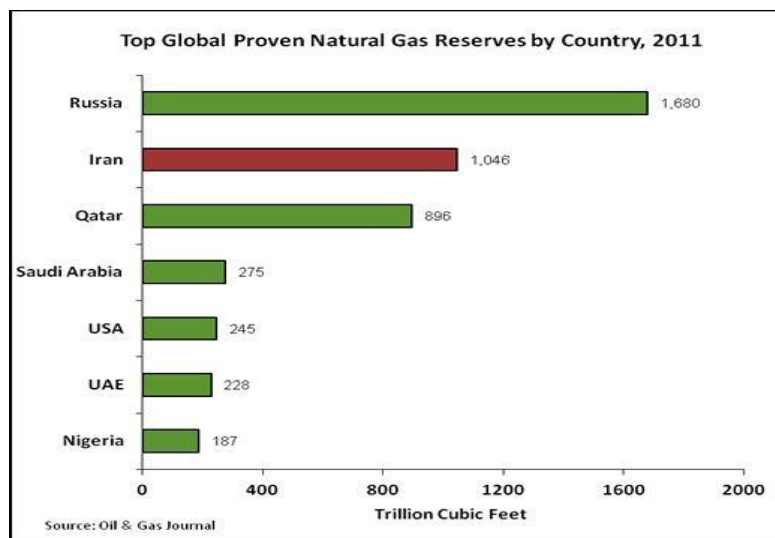
110 According to Oil & Gas Journal, as of January 2011



شکل ۶- نمودار ایران دارنده چهارمین ذخایر نفتی اثبات شده جهان - ژانویه ۲۰۱۱

طبق جدیدترین آمار، ایران با داشتن ۶۰۰ میلیارد بشکه نفت درجا که ۱۵۵ میلیارد بشکه از آن قابل برداشت است، نزدیک به ۱۱ درصد

منابع نفتی دنیا و همچنین با دارا بودن نزدیک به ۳۲ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی، رتبه دوم دنیا را در اختیار دارد.^{۱۱۱} (شکل ۷)

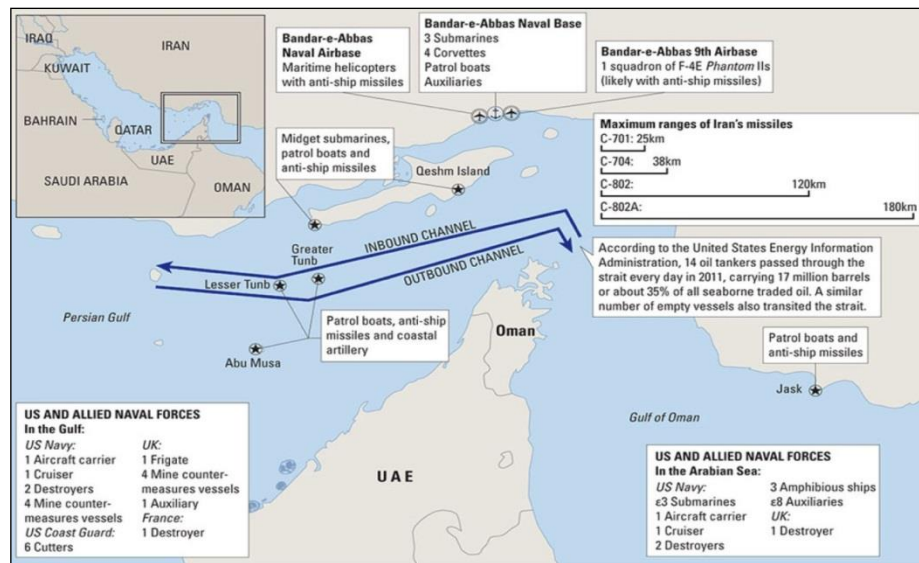


شکل ۸- نمودار ایران دارنده دومین ذخایر گازی اثبات شده جهان - ۲۰۱۱

۱۱۱ رستم قاسمی، وزیر نفت در مجلس: ایران در مجموع ذخایر نفت و گاز با ۳۶۶ میلیارد بشکه معادل نفت قابل تولید- در شرایط کنونی از نظر ضریب برداشت- رتبه نخست ذخایر هیدروکربنی جهان را دارد.

تنگه هرمز^{۱۱۲}:

جمهوری اسلامی ایران، به واسطه ی قرار داشتن در موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد در خاورمیانه و برخورداری از منابع غنی هیدروکربوری دارای جایگاه ویژه ای در حوزه ی انرژی است؛ از سوی دیگر تنگه ی هرمز را می توان شاه راه اصلی نقل و انتقال منابع نفتی به کشورهای واردکننده ی نفت از خاورمیانه دانست که امکان کنترل آن توسط ایران می تواند از برگه های برنده ی کشور در فضای جهانی محسوب شود. موقعیت جغرافیایی ایران این امکان را فراهم می سازد تا بتواند نقش واسط و انتقال دهنده ی نفت و گاز منطقه به خارج از منطقه و یا در میان کشورهای منطقه را از راه شبکه های خطوط لوله ایفا نماید.



شکل ۹- نقشه تنگه استراتژیک هرمز و میزان عبور و مرور انرژی و تجهیزات از آن

مطابق شکل ۱۰، تنگه ۳۸،۹ کیلومتری هرمز، یکی از ۱۴ نقطه استراتژیک^{۱۱۳} جهان است، که کشورهای غربی و هم پیمانان منطقه ای آنها، خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با اشراف به واقعیت های موجود تلاش کردند با اجرای طرح های متعدد و البته پرهزینه به زعم خود به نوعی از اهمیت حیاتی آن بکاهند و در این راستا می توان به «طراحی خط لوله های انتقال نفت» اشاره کرد، که مهم ترین آنها:

الف) خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری «پترولین» در سال ۱۹۸۰ با هدف انتقال نفت از ظهران در شرق عربستان به بندر ینبع^{۱۱۴} در غرب عربستان در کنار دریای سرخ.

112 Strait of Hormuz

113 Strategic point

114 Yanbu

ب) خط لوله «کوکوک» عراق به بندر جیهان ترکیه با ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه در روز

ج) خط لوله عراق از طریق سوریه به بندر بانباس با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز

د) خط لوله ۳۷۰ کیلومتری انتقال نفت «حبشان-فجیره» شیخ نشین امارات متحده عربی

بررسی آمارها نشان می دهد:

۱- در سال ۲۰۱۱ کل نفت تولیدی جهان روزانه بصورت میانگین معادل ۸۳,۵۷۶,۰۰۰ بشکه بوده است، که کشورهای نفت خیز منطقه آسیای جنوب غربی با تولید روزانه ۲۷,۶۹۰,۰۰۰ (بیست و هفت میلیون و ششصد و نود هزار) بشکه در روز معادل ۳۲,۶٪ نفت دنیا را تولید کرده اند، که از این میزان ۲۷,۴٪ آن متعلق به شش کشور حوزه خلیج فارس (ایران، کویت، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین) بوده است.

۲- از آنجاکه تولید کنندگان نفت بخشی از تولیدات خود را صرف مصارف داخلی می کنند، لذا حدود ۲۴ تا ۲۵ درصد نفت جهان از تنگه هرمز به مقصد کشورهای مصرف کننده عبور می کند.

۳- آمارها نشان می دهد که امروزه ۸۸ درصد نفت عربستان سعودی، ۱۰۰ درصد نفت کویت، ۱۰۰ درصد نفت قطر، ۹۰ درصد نفت ایران و ۹۸ درصد نفت عراق از این تنگه عبور می کند.

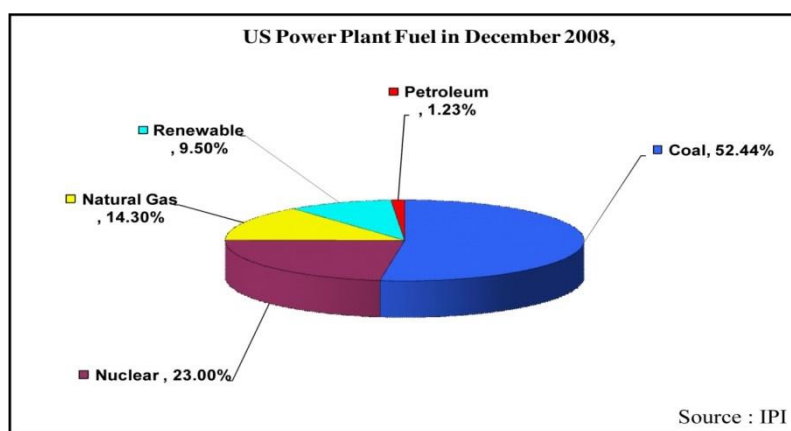
۴- تنگه هرمز نه تنها با «تردد سالیانه ۲۰۰۰۰ فروند شناور»، یکی از مهم ترین تنگه های بین المللی محسوب می شود، بلکه «۹۰ درصد صادرات نفت تولید کنندگان خلیج فارس» معادل «روزانه ۱۶,۵ تا ۱۷ میلیون بشکه نفت خام» (عمدتاً به مقصد ژاپن، آمریکا، اروپای غربی و دیگر کشورهای آسیایی) از این تنگه می گذرد و عبور این میزان نفت خام از تنگه هرمز به معنای «عبور ۴۰ درصد از نفت عبوری از دریا و بیش از ۲۰ درصد از کل نفت دنیا» از این آبراهه استراتژیک است.

۵- همچنین «تسلیمات نظامی آمریکا به مقصد کشورهای خلیج فارس» و «بیش از ۳۵ میلیون تن LNG^{۱۱۵} توسط قطر» از تنگه هرمز می گذرد. بیش از ۷۰ درصد نفت ژاپن و چین از تنگه هرمز می گذرند و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۰ حدود ۳۰ الی ۳۴ میلیون بشکه نفت در روز از تنگه هرمز بگذرد.

۶- بر مبنای آنچه گفته شد، مسلماً «امنیت انرژی فراتر از یک موضوع صرفاً اقتصادی است» و شاخص های بنیادین و اصلی ثبات قدرت برتر و حفظ هژمونی یک کشور در کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است که ایران اسلامی با داشتن قابلیت های متعدد از جمله «تنگه هرمز» بعنوان شاهراه استراتژیک و مهم برای نفت جهان بخوبی می تواند در موقعیت های حساس ایفای نقش کند.

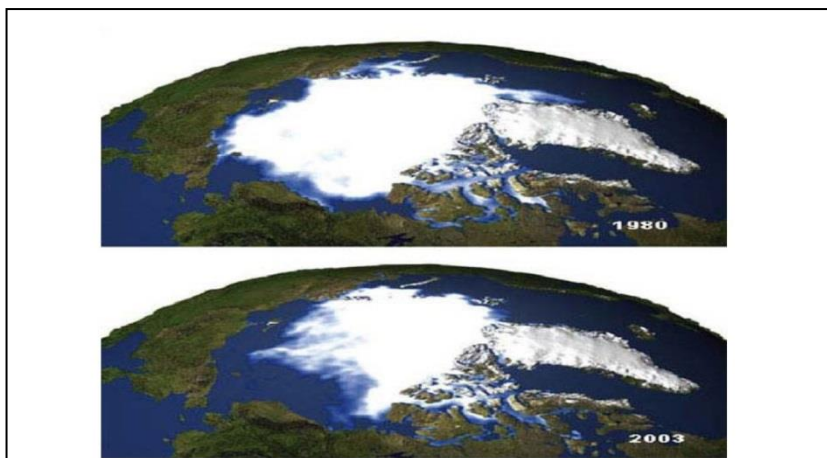
گاز طبیعی و ذغال سنگ^{۱۱۶}

از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، بعد از اولین شوک نفتی تاکنون، تعدادی از کشورهای بزرگ صنعتی، به منظور مهار رشد تقاضای جهانی نفت و مقابله با تداوم صعود قیمت های نفت، سهم ذغال سنگ را در سبد انرژی بخصوص در بخش تولید برق افزایش داده اند. در نتیجه به تدریج مصرف جهانی ذغال سنگ بخصوص در بخش تولید نیرو افزایش یافته است، بطوریکه مطابق شکل ۱۱، امروز سوخت نزدیک به ۵۰ درصد برق ایالت متحده امریکا، معادل حدود ۵۵۰ میلیارد متر مکعب (نزدیک به 20TCF) گاز در سال، از ذغال سنگ تأمین می شود و در حال حاضر دو سوم، حدود ۱۰۰۰ گیگاوات برق در جهان با استفاده از سوخت زغال سنگ تولید و از این بابت ۴ گیگا تن CO₂ در سال متصاعد می شود.



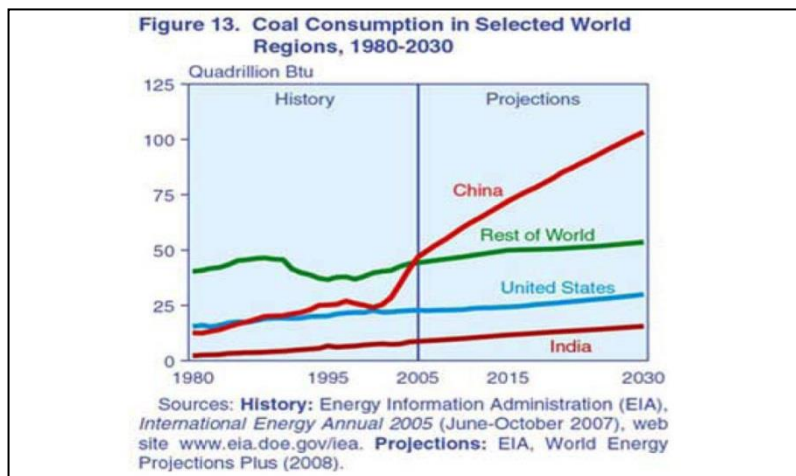
شکل ۱۲- نمودار سهم سوخت نیروگاه های برق آمریکا از انرژی های اولیه مختلف - دسامبر ۲۰

تصویر های ماهواره ای یخ های قطب شمال که به ترتیب در سال های ۱۹۸۰ و در سال ۲۰۰۳ گرفته شده ، گویای میزان بسیار نگران کننده تأثیر گذاری سیاستگذاری مصرف انرژی دو دهه اخیر در اکولوژی^{۱۱۷} کره زمین می باشد و نشان می دهد که در این مدت بالغ بر ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع از سطح یخ های قطب شمال کاملاً آب شده و مضافاً ضخامت یخ های باقیمانده نیز کاهش یافته است . (شکل ۱۳)



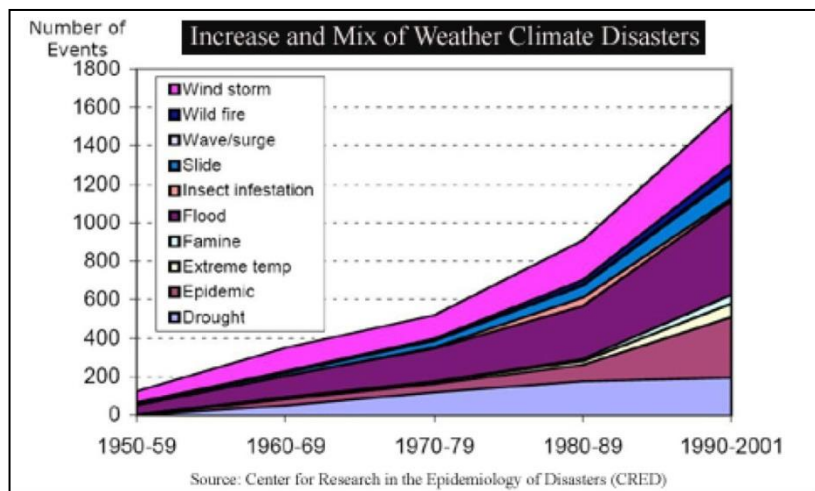
شکل ۱۴- تصاویر ماهواره ای یخ های قطب شمال به ترتیب در سال های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۳

در طول دو دهه اخیر مجامع علمی جهان، بصورت پی گیر نسبت به خطرات جبران ناپذیرافزایش گرمایش کره زمین و لزوم جایگزینی ذغال سنگ با گاز طبیعی هشدار داده اند . نهایتاً متعاقب اجلاس و پروتکل کیوتو و بخصوص بعد از بروز طوفان های اخیر توجه جامعه جهانی نسبت به اهمیت و ضرورت پردازش به مسائل زیست محیطی کره زمین و از جمله جایگزینی ذغال سنگ با گاز طبیعی بصورت جدی تر جلب گردیده است .



شکل ۱۵-۱- نمودار مصرف ذغال سنگ در مناطق مختلف جهان و پیش بینی آن تا سال ۲۰۳۰

در نتیجه استفاده فزاینده از ذغال سنگ در سید انرژی جهانی میزان گازهای گلخانه ای در یونسفر^۱ که بصورت طبیعی برای میلیون ها سال همواره در محدوده لازم برای حفظ گستره مطلوب گرمای کره زمین تثبیت می شد، طی دو دهه اخیر به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش یافته و باعث پدیده گرمایش^۲ و بروز مشکلات خارق العاده و غیر قابل برگشت زیست محیطی کره زمین شده است. (شکل ۱۶)



شکل ۱۷- نمودار افزایش و ترکیب فجایع و بلایای طبیعی در سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۱

1Unisphere
2Global warming

عواقب گرم شدن کره زمین

الف) بروز مشکلات زیست محیطی و افزایش حوادث و بلایای طبیعی مانند طوفان ها و گرد باد ها ، آتش سوزی های شدید در جنگل ها، جزر و مد و حرکت افقی آب دریا ، سیل، قحطی و خشکسالی، هجوم حشرات و غیره است. که در چند دهه گذشته افزایش چشم گیری داشته است. (شکل ۱۸)

ب) اثرات گرمایش زمین در آسیای جنوب غربی به صورت خشکسالی و افزایش قابل توجه میزان آلودگی هوا بر اثر طوفان های خاکی و خشک شدن تالاب ها و دریاچه ها در سال های اخیر مشهود است. توفان عظیم ذرات گرد و غبار از اواسط ماه می ۲۰۰۹ از صحرای آفریقا آغاز شد و در اوایل ماه جولای به عراق و پس از آن به ایران رسید. این توفان می تواند از طریق اقیانوس اطلس و دریای کارائیب به بخش های جنوبی آمریکای شمالی به خصوص ایالت فلوریدا برسد.

با توجه به پیگیری های مذکور و ملاحظات زیست محیطی ، مصرف جهانی گاز طبیعی طی یک دهه گذشته با ۳۰ درصد رشد به ۲۹۴۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. مصرف جهانی گاز طبیعی تا سال ۲۰۲۵ با ۷۰ درصد رشد به ۵۰۰۰ میلیارد متر مکعب و تا سال ۲۰۳۰ به دو برابر میزان فعلی یعنی حدود ۶۰۰۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. بنابراین می بایستی تا سال ۲۰۲۵ ظرفیت تولید ، پالایش و انتقال گاز طبیعی در جهان بمیزان بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد متر مکعب افزایش داده شود.^۱

خوشبختانه مخازن شناخته شده گازی جهان برای بیش از ۶۵ سال مصرف با نرخ برداشت موجود کفایت میکند و بنابراین منابع برای افزایش میزان مصرف گاز طبیعی وجود دارد. از طرف دیگر ایران اگر چه با ۳۲ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی بعد از روسیه دومین دارنده ذخایر گازی جهان است، اما مصرف گاز طبیعی در ایران هم طی یک دهه گذشته با رشد چشمگیر ۱۴۶ درصدی مواجه بوده است . در کشور روزانه نزدیک به ۶۰۰ میلیون مترمکعب گاز تولید می شود که ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز به مصرف صنایع و منازل مسکونی می رسد و نزدیک به ۱۰۰ میلیون متر مکعب نیز به داخل چاه های گاز تزریق می شود. در نتیجه این رشد چشمگیر اکنون ایران بعد از روسیه و امریکا و کانادا چهارمین تولید کننده گاز و بعد از امریکا و روسیه سومین مصرف کننده بزرگ گاز طبیعی در جهان می باشد.

لذا نقش جمهوری اسلامی ایران که بعد از روسیه ، بالاترین سهم ذخیره گاز طبیعی در جهان را دارا می باشد در تأمین افزایش تقاضای جهانی برای گاز طبیعی بسیار مهم و تعیین کننده می باشد.

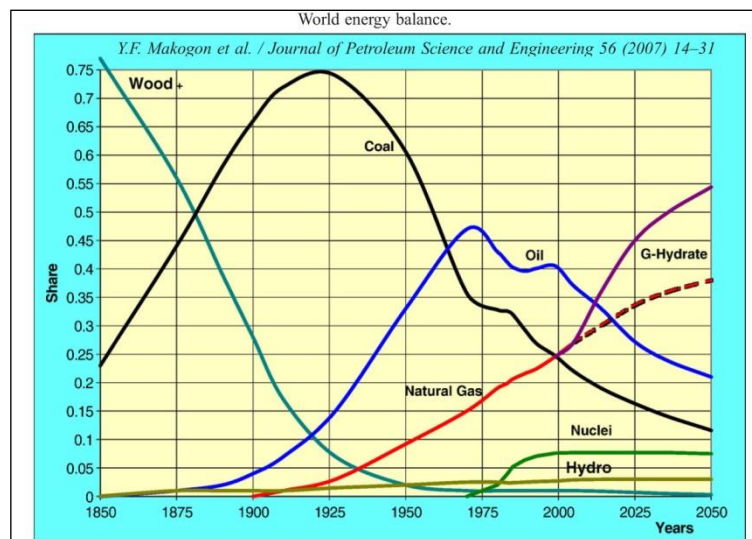
۱ گاز علیه زغال سنگ، تازه های انرژی، موسی دفتریان

هیدرات های گازی^۱

هیدرات های گازی از نظر فیزیکی ظاهری شبیه به برف داشته و شبکه جامد و کریستالی از ملکول های آب می باشند که با پیوند هیدروژنی به یکدیگر متصل شده اند و ملکول های گازی با وزن ملکولی کم را در خود حبس کرده اند. ملکول های آب به عنوان میزبان عمل کرده و ملکول های گازی را در خود حبس می کنند.^۲

هیدرات در محل هایی که فشار زیاد یا دمای کم وجود داشته باشد، تشکیل می شود و از این رو کاوش های آن در مناطق سردی مثل قطب و کانادا و منطقه سیبری و نیز کف اقیانوس ها در جریان است. این از آن جهت است که از هیدرات گازی به عنوان منبع عظیم برای تامین انرژی یاد می شود چون از لحاظ تئوری در یک حجم از هیدرات گازی متان (در فشار ۲۶ اتمسفر و صفر درجه سانتیگراد) حدود ۱۶۴ حجم گاز متان وجود دارد.

درحالی که منابع هیدرو کربوری دنیا در حال اتمام است، پژوهشگران ایرانی گنجی را در دریای عمان کشف کرده اند که وسعت آن به بزرگی تمام موجودی نفت و گاز کشور است.^۳ این در حالی است که ذخایر نفتی و گازی دنیا در حال کاهش است و وابستگی به منابع هیدروکربوری هر روز افزایش می یابد، به همین دلیل کشورهای صاحب انرژی به دنبال انرژی های جایگزین هستند تا بتوانند از آنها همانند انرژی های هیدروکربوری استفاده کنند.



شکل 19- نمودار تعادل انرژی جهانی در سال های ۱۸۵۰ تا ۲۰۵۰ و رشد گرایش به هیدرات گازی در قرن ۲۱

¹Natural gas-hydrates

^۲هیدرات های گازی تحولی شگرف در آینده، مجتبی کریمی

^۳مصاحبه خبرگزاری فارس با مجری طرح اکتشاف منابع هیدرات گازی ۱۳۹۱/۰۹/۲۸

اگرچه استخراج هیدرات گازی هزینه بر است ولی هر متر مکعب از هیدرات گازی پس از استخراج معادل ۱۶۴ مترمکعب گاز ارزش حرارتی ایجاد می کند به طوری که می توان از این منابع در آینده به جای منابع هیدرو کربوری استفاده کرد. مطابق شکل 20 بخصوص در قرن ۲۱ میلادی جهان تمایل زیادی به سمت بهره برداری و مصرف هیدرات های گازی نشان خواهد داد.

هیدرات گازی منابع غیر متعارف گاز هستند که در اعماق زمین و در بلورهای یخی تجمع کرده اند و منابع عظیمی از آن در آب های دریای عمان و بخش ایرانی این آبها است. هم اکنون منابع هیدرات گازی تنها در کشور کانادا تولید می شود ولی در کشورهای ژاپن، روسیه و آمریکا نیز، مطالعاتی برای برداشت از این منابع در حال انجام است که هنوز هیچ کدام به نتیجه نرسیده و نتوانسته اند به این منابع دست پیدا کنند.

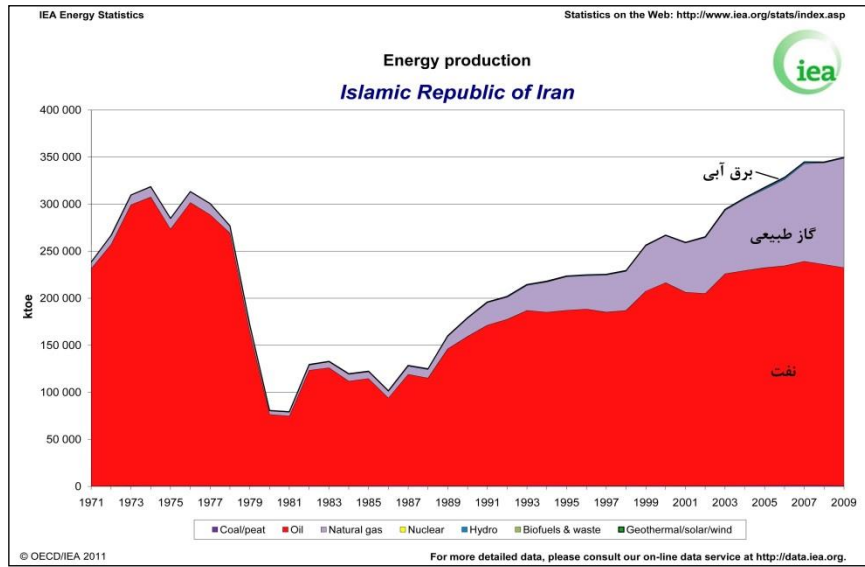
اگرچه امروز اعلام می شود که امروزه تکنولوژی های بهره برداری از این منابع بسیار هزینه برتر از تکنولوژی بهره برداری از منابع متعارف نفت و گاز است، ولی اقتصادی بودن برداشت از هیدرات های گازی زمانی محرز می شود که منابع متعارف هیدروکربوری و به عبارتی نفت و گاز رو به کاهش باشد، بدین معنا که با پایان منابع نفت و گاز ذخایر هیدرات گاز مطمئن ترین منبع سوخت در اختیار کشورهای دنیا خواهد بود.

انرژی برق آبی^۱

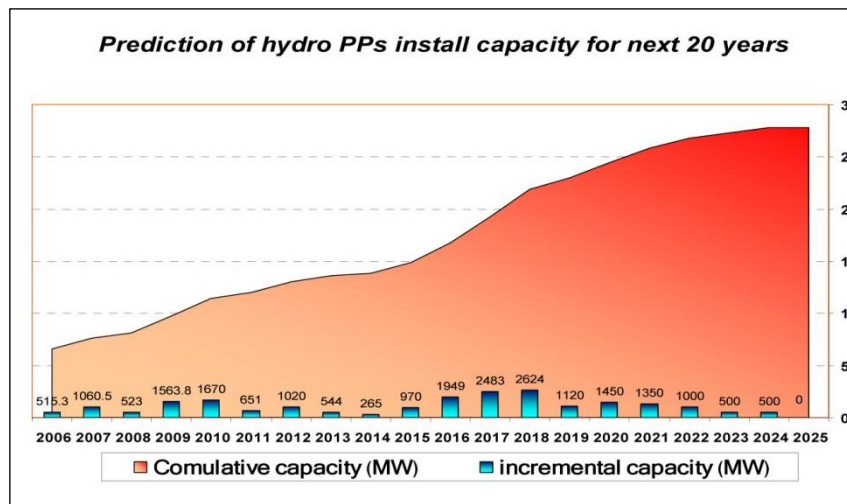
ایران سومین کشور جهان در سدسازی است و هم اکنون میزان تامین انرژی از نیروگاه های برق آبی ایران ۱۹ هزار گیگاوات ساعت در سال است که این میزان فقط ۱۰ درصد انرژی تولیدی در کشور است و در برنامه ریزی های صورت گرفته، باید این رقم به ۴۰ هزار گیگاوات ساعت برسد.^۲ (شکل ۲۱ و ۲۲)

¹Hydropower

^۲خبرگزاری فارس به نقل از مجید نامجو وزیر نیرو ۱۸ آبان ۱۳۹۱



شکل ۲۳- نمودار تولید انواع انرژی های اولیه در ایران بین سال های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۹



شکل ۲۴- نمودار پیش بینی ظرفیت نصب نیروگاه برق آبی در ایران برای ۲۰ سال آینده

انرژی هسته ای^۱

امروزه در روابط بین الملل دستیابی به علوم و فناوری پیش رفته یکی از عناصر بسیار مهم در قدرت توسعه ی پایدار به شمار می رود. بدون تردید دستیابی به انرژی پاک و حساس هسته ای علاوه بر افزایش وجهه ملی، زمینه ی بسیار مناسب برای دستیابی به قله های علم و

توسعه را فراهم می‌سازد. بخش‌های کشاورزی، پزشکی و انرژی برق به برکت انرژی هسته‌ای به اوج پیشرفت و تعالی علمی دست یافته‌اند. جمهوری اسلامی در چشم‌انداز بیست‌ساله خود برای آنکه بتواند قدرت اول منطقه شود، نیازمند انرژی هسته‌ای خواهد بود.^۱

در قرن ۱۹ زغال سنگ تجسم رشد صنعتی بود، در قرن ۲۰ این وظیفه بر دوش نفت قرار گرفت و چشم‌انداز قرن ۲۱ را انرژی هسته‌ای رقم خواهد زد. یکی از مهم‌ترین راه‌های استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی ساخت راکتورهای هسته‌ای جهت تولید برق است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به پایان پذیر بودن منابع فسیلی به دنبال ساخت نیروگاه برق اتمی می‌باشد و استفاده از برق هسته‌ای را یک شرط لازم و ضروری می‌داند چرا که به اصل پایان پذیر بودن سوخت‌های فسیلی اعتقاد دارد.

دغدغه اصلی جهان عادت کرده به مصرف انرژی در دو دهه آینده تولید انرژی است و ساخت نیروگاه برق تنها راه خروج از بحران انرژی در دهه‌های آینده است. نیروگاه اتمی اقتصادی‌ترین نیروگاهی است که ساخته می‌شود.

با نگاهی به روند رو به رشد کشورمان، ایران در بیست سال آینده به ۲۰۰۰۰ مگاوات برق در سال نیاز دارد که نیروگاه اتمی بوشهر، ۱۰۰۰ مگاوات (و در عالی‌ترین کارکرد خود ۳۰۰۰ مگاوات) از آن را تامین می‌کند و احداث نیروگاه‌های دیگر برای رفع این نیاز ضروری است.^۲ گفتنی است، برای تولید ۲۰۰۰۰ مگاوات برق حدود ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام مصرف می‌شود که در صورت تامین از طریق انرژی هسته‌ای، سالانه ۵ میلیارد دلار صرفه جویی خواهد داشت.

نیاز کنونی ایران به برق بیش از آن چیزی است که پیش‌بینی شده بود. با رشد سالیانه نیاز به برق از ۶ درصد به ۸ درصد و برآوردی که از رشد جمعیت تا شمار ۱۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ می‌شود، ایران به هیچ‌عنوان نمی‌تواند تنها متکی به نفت و گاز خود باشد.

ضرورت یافتن شیوه‌ای پایدار و سازگار با محیط زیست برای تولید انرژی، آسیب‌پذیری اقتصاد کشورهای گوناگون نسبت به آشفتگی‌های مرتبط با منابع سوخت فسیلی و وابستگی رو به رشد دنیا به منطقه آسیای جنوب غربی، از جمله چالش‌هایی است که بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای را به منظور رفع آنها بسیار وسوسه‌انگیز جلوه می‌دهد.

یک تن زغال سنگ ۰,۳۶ مگاوات روز و یک تن نفت ۰,۶۴ مگاوات روز ارزش حرارتی دارند، در حالی که یک گرم اورانیوم ۲۳۵، یک مگاوات روز ارزش حرارتی دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که یک گرم اورانیوم ۲۳۵ حدود ۲,۷ میلیون برابر زغال سنگ و ۱,۶ میلیون برابر نفت بازده انرژی حرارتی دارد.

۱ سیر تحولات پنجاه ساله انرژی هسته‌ای در ایران، مهدی علیخانی صدر

۲ مصاحبه وزیر نیرو، خبرگزاری فارس ۸۶/۰۶/۲۷

انرژی باد^۱

در اواخر دهه ۱۹۷۰، همزمان با اولین شوک قیمتی نفت، تمایل شدیدی به انرژی باد ایجاد شد؛ هرچند در این زمان تمرکز اصلی بر فراهم نمودن انرژی الکتریکی حاصل از انرژی باد به جای انرژی مکانیکی بود. این روش، امکان ایجاد منبع انرژی ثابت و قابل اطمینان را همراه با دیگر منابع انرژی، به عنوان پشتیبان شبکه الکتریکی فراهم نمود.

در اواخر دهه ۱۹۹۰، انرژی باد به عنوان یکی از منابع پایدار مهم، دوباره پدیدار شد. در طول آخرین دهه قرن بیستم، توان جهانی استفاده از انرژی باد در هر سه سال تقریباً دو برابر شده است. هزینه های برق حاصل از نیروی باد، از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، به حدود یک ششم رسیده است و به نظر می رسد که این روند ادامه یابد. امروزه حدود یک درصد از الکتریسته جهان توسط انرژی باد تولید می شود و این میزان در برخی کشورها به حدود ۲۰ درصد و یا بیشتر می رسد. استراتژی انجمن جهانی انرژی باد^۲ بر این مبنا است که تا سال ۲۰۲۰ حدود ۱۰ درصد از انرژی مصرفی جهان را از انرژی باد تأمین کند.^۳

پتانسیل انرژی باد در ایران

بررسی آمار ده ساله وزش باد در ایستگاه های سینوپتیک^۴ ایران نشان داد که بسیاری از نواحی ایران، از جمله نواحی ساحلی دریای عمان و جزایر خلیج فارس، نواحی ساحلی استان خوزستان و نواحی شرقی کشور به همراه چند نقطه پراکنده مانند: منجیل، رفسنجان، اردبیل و بیجار بادخیز هستند و در آنها توان تولید برق بادی، بویژه در فصل تابستان وجود دارد. البته در بسیاری از نقاط دیگر کشور هم در زمان های محدودی از سال توان تولید برق بادی وجود دارد.

بر اساس این یافته ها، ایستگاه های سینوپتیک از نظر سرعت وزش باد، در چهار گروه مختلف قرار می گیرند: گروه اول در بیشتر زمان های سال توان بادخیزی بالایی دارند؛ گروه دوم در برخی زمان های سال در بخش هایی از شبانه روز توان بادخیزی بالایی دارند؛ گروه سوم در زمان های محدودی از سال دارای توان بادخیزی دارند و گروه چهارم در تمام طول سال توان بادخیزی درخور توجهی ندارند. در پایان سال ۲۰۰۵ میلادی کشور ایران، با مجموع توان ۳۱/۶ مگاوات تولید برق بادی در بین ۶۵ کشور تولید کننده برق بادی، در رتبه سی و یکم قرار گرفته است. در بسیاری از مناطق کشور ایران، منابع آب سطحی کم است و در واقع امکان تولید برق آبی وجود ندارد، یا به علت دور بودن از مراکز بزرگ صنعتی و شهری کشور، سوخت رسانی به آنها با مشکل همراه است و احداث نیروگاه های بخاری - که سوخت فسیلی مصرف می کنند - بسیار پرهزینه است. تنها راه رساندن انرژی الکتریکی به این مناطق، اتصال به شبکه سراسری است که آن هم با مشکلات زیادی، از

¹Wind Energy

²World wind energy website 2002

⁴Synoptic stations

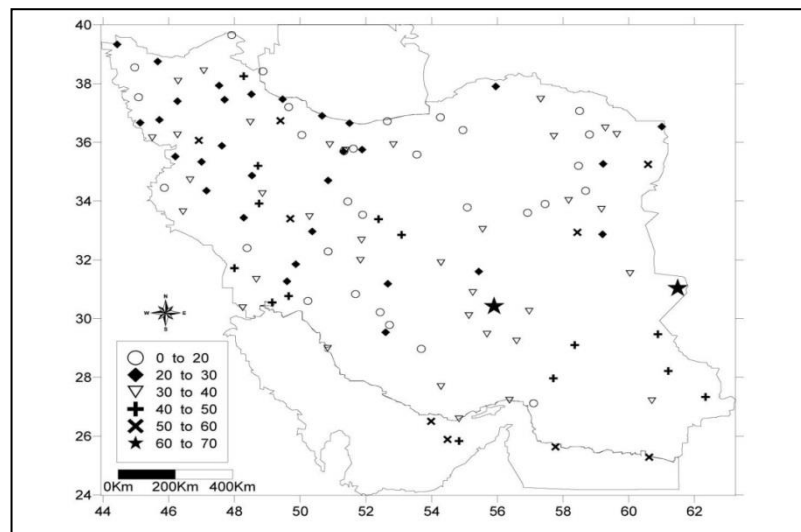
^۳آمیر گندمکار، استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

قبیل اتلاف انرژی و هزینه بالای نگهداری همراه است. با این حال، دو منبع انرژی در ایران به وفور یافت می شود: اول انرژی خورشید و دوم انرژی باد.

آسمان بیشتر نقاط ایران در بیشتر زمان های سال صاف و آفتابی است و لذا انرژی تابشی خورشید در تمام طول سال در این مناطق فراهم است. وزش بادهای قوی و مداوم، منبع انرژی بسیار مهم دیگری برای بسیاری از نقاط کشور است. از نظر اقتصادی هم استفاده از انرژی بادی برای تولید برق مناسب تر است، زیرا بهای تولید هر کیلووات ساعت برق از سوخت های فسیلی خیلی بیشتر از توربین های بادی است و لذا برآورد و پیش بینی انرژی باد برای تولید برق بادی در ایران ضروری است.

بر اساس میانگین سالانه سرعت باد، نواحی ساحلی دریای عمان و جزایر خلیج فارس، نواحی ساحلی استان خوزستان و نواحی شرقی کشور به همراه چند نقطه پراکنده مانند: منجیل، رفسنجان، اردبیل و بیجار بادخیزترین مناطق کشور و سواحل دریای مازندران، دامنه های جنوبی البرز و دامنه های شرقی و جنوبی زاگرس آرام ترین مناطق کشور هستند.

شکل 25، درصد وزش بادهای با سرعت بالاتر از 8 گره (4 متر بر ثانیه) در ایستگاه های کشور را نشان می دهد. بر اساس این نقشه، ایستگاه رفسنجان در حدود 66 درصد زمان های سال دارای باد با سرعت بالای 8 گره (4 متر بر ثانیه) است و از این نظر، رتبه اول را دارد. پس از آن، ایستگاه زابل با حدود 64 درصد در رتبه دوم جای دارد، ایستگاه های الیگودرز، تربت جام، خور بیرجند، سیری، کیش، جاسک، زرینه اوباتو، منجیل و چابهار هم در بیش از 50 درصد زمان ها باد با سرعت بالای 8 گره (4 متر بر ثانیه) دارند.



شکل ۲۶- درصد وزش بادهای با سرعت بالاتر از 8 گره (4 متر بر ثانیه) در ایستگاه های کشور

به طور کلی، در کشور ایران ما مه‌های آوریل تا آگوست (فصل‌های بهار و تابستان) بسیار بادخیز هستند و در دو ماه ژوئن و جولای که گرمترین ماه‌های سال هستند، بیشتر نقاط ایران دارای توان تولید انرژی برقی بادی هستند و از آنجاکه در این ماه‌ها تولید انرژی برقی آبی کاهش می‌یابد مصرف انرژی الکتریکی افزایش می‌یابد، لذا استفاده از انرژی پاک و رایگان باد برای تولید برق بادی بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

از نظر زمان روز، بجز ایستگاه زابل که در هنگام صبح بادخیزتر است، دیگر ایستگاه‌های کشور در ساعات بعدازظهر و بویژه هنگام عصر، بادخیزتر از زمان‌های دیگر روز هستند و با توجه به اینکه این زمان، گرم‌ترین زمان‌های روز است و مصرف انرژی الکتریکی برای دستگاه‌های خنک‌کننده افزایش می‌یابد، لذا می‌توان از انرژی بادی برای تولید انرژی الکتریکی مکمل در این مواقع استفاده نمود.

نتیجه اینکه کشور ایران، از جمله مناطقی است که دارای پتانسیل انرژی بادی زیادی است و می‌توان با استفاده از این انرژی که تجدیدپذیر، رایگان و سازگار با محیط زیست است، میزان قابل توجهی انرژی الکتریکی تولید نمود.

نواحی شرقی کشور ایران، از جنوب شرق تا شمال شرق، بادخیزترین منطقه کشور است و در بیشتر زمان‌های سال دارای توان تولید برق بادی است. پس از آن، جلگه خوزستان، جزیره‌ها و سواحل خلیج فارس و دریای عمان، نواحی غربی کشور در استان‌های کردستان، کرمانشاه، لرستان و همدان و نواحی کوچک و پراکنده شامل: منجیل، اردبیل، فیروزکوه، رفسنجان و اردستان هم در بسیاری از زمان‌های سال دارای توان تولید برق بادی هستند. بیشتر نواحی بادخیز کشور ایران از مناطق خشک، محروم و کمتر توسعه یافته است که میزان تولید انرژی الکتریکی در آنها کم است و همچنین رساندن انرژی الکتریکی به این نواحی هم هزینه‌های زیادی دارد. لذا، ایجاد مزارع تولید برق بادی در این نواحی از ضروریات است. بیشتر مصرف انرژی الکتریکی در ایران، در فصل تابستان و به منظور مقابله با گرمای هوا است و بادخیزترین زمان در ایران هم فصل تابستان است. تولید انرژی برقی بادی در ایران هم از نظر پراکندگی مکانی و هم از نظر زمانی بسیار حایز اهمیت است.

انرژی خورشیدی^۱

به طور متوسط خورشید در هر ثانیه 1.02×10^{26} کیلووات ساعت انرژی ساطع می‌کند. از کل انرژی منتشر شده توسط خورشید، تنها در حدود ۴۷٪ آن به سطح زمین می‌رسد. این بدان معنی است که زمین در هر ساعت تابشی در حدود ۶۰ میلیون Btu دریافت می‌کند. کشور ایران در بین مدارهای ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته است و در منطقه‌ای واقع شده که به لحاظ دریافت انرژی خورشیدی در بین نقاط جهان در بالاترین رده‌ها قرار دارد. میزان تابش خورشیدی در ایران بین ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ کیلووات ساعت بر مترمربع در سال تخمین زده شده است که البته بالاتر از میزان متوسط جهانی است. در ایران به طور متوسط سالیانه بیش از ۲۸۰ روز آفتابی گزارش شده است که بسیار قابل توجه است. اصلی‌ترین کاربرد انرژی خورشیدی تامین انرژی الکتریسیته به دو روش زیر است:

الف) تولید برق با استفاده از فتوولتائیک‌ها

ب) تولید برق با استفاده از گرمایش خورشیدی

انرژی مصرفی کل جهان در یک سال تنها معادل ۳٪ از انرژی تابشی خورشید بر سطح زمین در یک روز می باشد و به طور متوسط یک سیستم ۳ کیلوواتی فتوولتائیک می تواند از انتشار ۸۰۰ کیلوگرم کربن دی اکسید در سال جلوگیری کند.

انرژی زمین گرمائی^۱

کشف منابع زمین گرمائی در ایران توسط یک شرکت ایتالیایی و وزارت نیرو حدود ۳۰ سال پیش آغاز گردید و اینک با تلاش کارشناسان، چند چاه اکتشافی در مشکین شهر به بهره برداری رسیده و قادر است در آینده برق و آبگرم مصرفی روستاها و شهرهای مجاور را تامین کند. ایران دارای پتانسیل زمین گرمائی قابل توجهی است تخمین زده می شود که از منابع زمین گرمائی مشکین شهر - سبلان - دماوند - آذربایجان می توان ۷/۵ گیگاوات برق تولید کرد.

بهره وری و شدت مصرف انرژی در ایران^۲

اگر چه ایران یک کشور غنی از لحاظ منابع انرژی است، اما شدت مصرف انرژی یا به تعبیری شدت انرژی^۳ در ایران نیز بالاست و در این زمینه فاصله زیادی با استاندارد های جهانی دارد.^۴ (شکل ۱۱)

از طرفی بهره وری انرژی^۵ در ایران نیز در مقایسه با استاندارد های جهانی بسیار پایین است، بطوریکه در سال ۲۰۰۸ بهره وری انرژی در ایران معادل ۲۳۸ دلار بود، به عبارت دیگر با مصرف هر بشکه معادل نفت انرژی، ۲۳۸ دلار تولید ناخالص داخلی ایجاد شد، در حالی که میانگین جهانی این رقم ۷۳۶ دلار و در اتحادیه اروپا ۱۴۵۲ دلار بود. (شکل ۲۶)

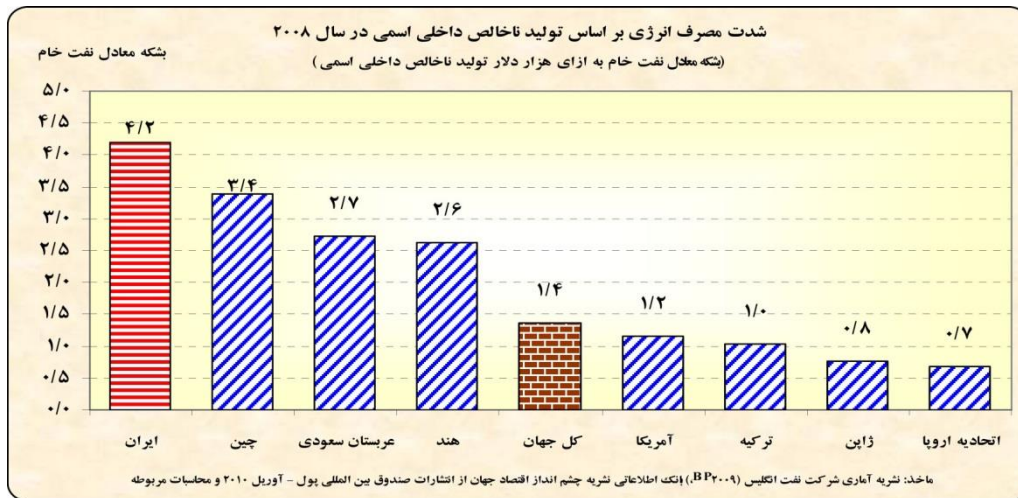
1Geothermal Energy

۲ بهره وری انرژی میزان تولید کالا و خدمات به ازای مصرف هر واحد انرژی را بهره وری انرژی و میزان مصرف انرژی به ازای هر واحد از تولید کالاها و خدمات را شدت مصرف انرژی و یا به طور خلاصه، شدت انرژی می نامند .

3Energy Intensity

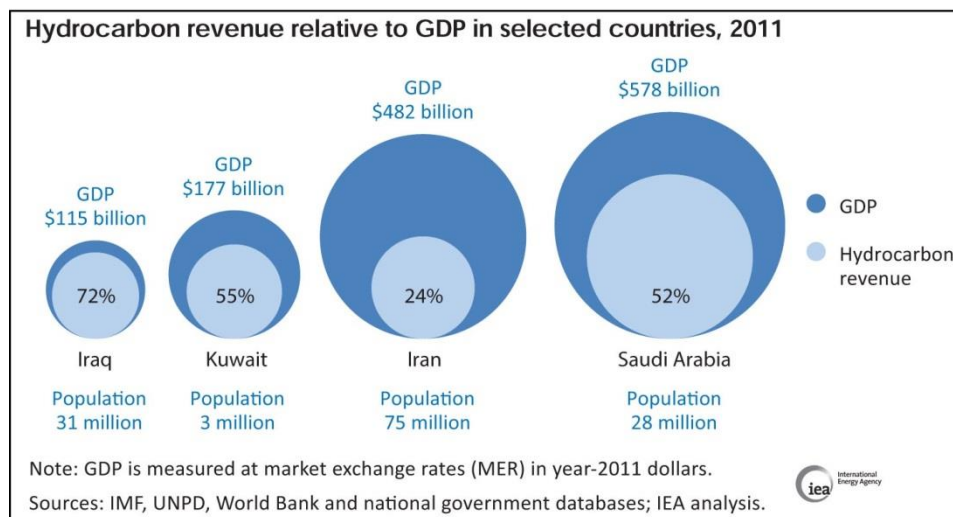
۴ در مورد کشورهای صادر کننده حامل های انرژی از آنجا که بخشی از تولید ناخالص ملی این کشورها از طریق صدور حامل های انرژی به دست می آید، لذا یا باید قسمت مربوط به صدور حامل های انرژی را از تولید ناخالص ملی آنها کسر نمود و یا حجم صادرات حامل های انرژی را به مصرف انرژی این گروه کشورها افزود تا شدت انرژی به دست آمده کشورها کاملاً قابل مقایسه باشند، بدیهی است چنانچه این تعدیل در شدت انرژی کشورهای صادر کننده حامل های انرژی صورت گیرد، شدت انرژی در این گروه کشورها به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت، میزان افزایش شدت انرژی این گروه کشورها به حجم صادرات حامل های انرژی وابستگی تام خواهد داشت. به عنوان مثال ایران (در سال ۲۰۰۸) حدود ۲،۴ میلیون بشکه در روز نفت صادر می کرد، اگر این میزان را به مقدار مصرف داخلی حامل های انرژی اضافه کنیم، شدت انرژی ایران در سال ۲۰۰۸ از ۴،۲ بشکه به ۶،۸ بشکه به ازای هر هزار دلار تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت که نسبت به کشورهای صنعتی و حتی کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر است. / بر طبق گزارش بانک مرکزی ایران (شکل Error! Main Document Only. و Error! Main Document Only.)

5Energy Productivity

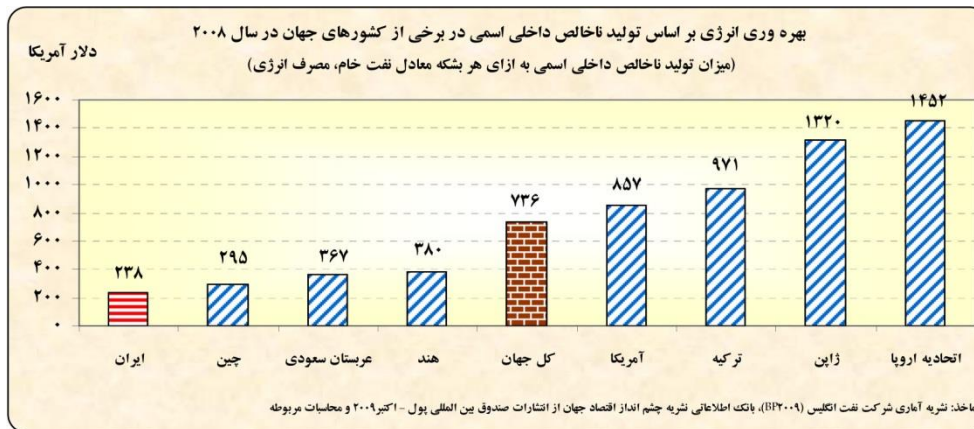


شکل ۲۸- شدت مصرف انرژی در ایران بر اساس تولید ناخالص داخلی اسمی در مقایسه با سایر کشورها - سال

۲۰۰۸



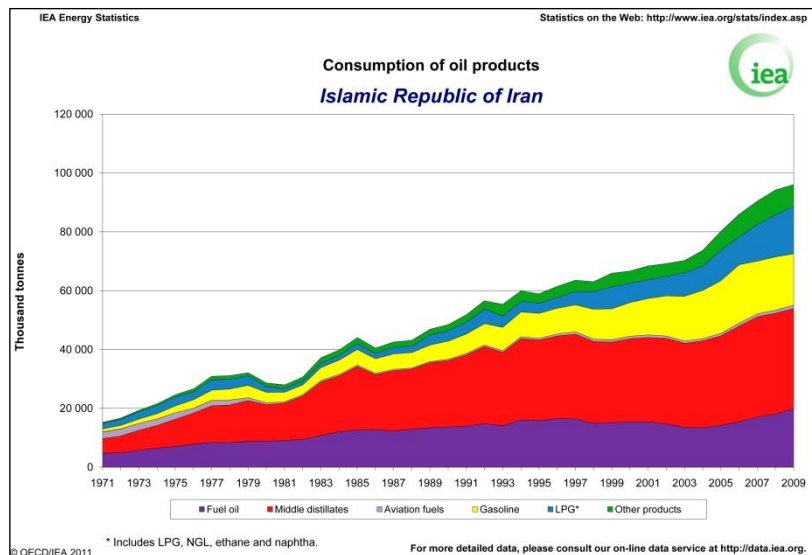
شکل ۲۷- درصد سهم درآمد هیدروکربنی نسبت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب - ۲۰۱۱



شکل ۳۰- بهره وری انرژی در ایران بر اساس تولید ناخالص داخلی اسمی در مقایسه با سایر کشورها - سال ۲۰۰۸

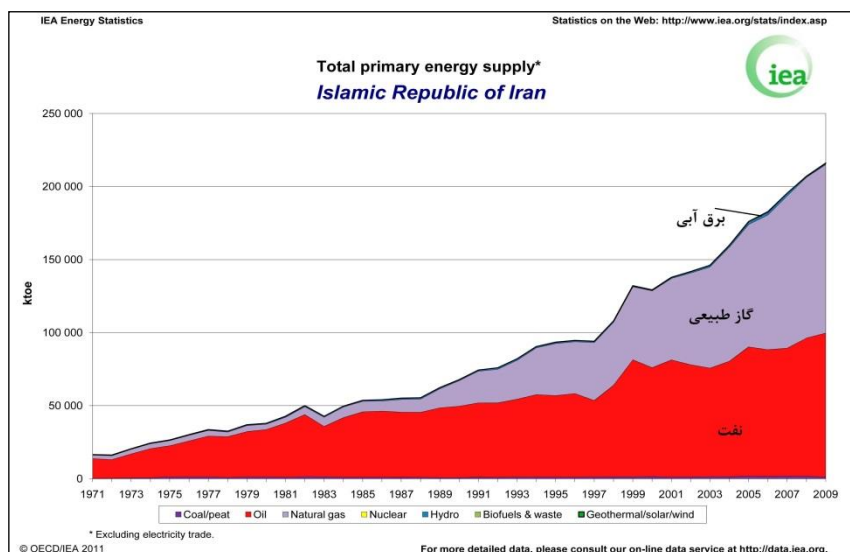
لذا در حال حاضر جامعه ایرانی در حوزه ی بنزین برای اتومبیل، مصرف خانگی نفت و گاز برای گرمایش و مصرف الکتریکی برای

روشنائی عمیقاً با اصراف روبروست.^۱ (شکل ۲۸ و ۲۹)



شکل ۳۰- نمودار مصرف انواع فرآورده های نفتی (نفت کوره ، سوخت های حمل و نقل هوایی، بنزین ، LPG و سایر

محصولات) در ایران بین سال های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۹



شکل ۳۱- نمودار عرضه انواع انرژی های اولیه در ایران بین سال های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۹

چند نکته پیرامون نفت در ایران:

الف) نفت، کالایی استراتژیک که روز پنجم خرداد ۱۲۸۷ برای اولین بار در ایران، در مسجدسلیمان کشف شد و صدور آن از سال ۱۲۹۲ ش / ۱۹۱۳ م - یعنی یکسال پیش از وقوع جنگ جهانی اول - آغاز شد، نویسنده انگلیسی کتاب «Oil Persian» در این باره می‌نویسد:

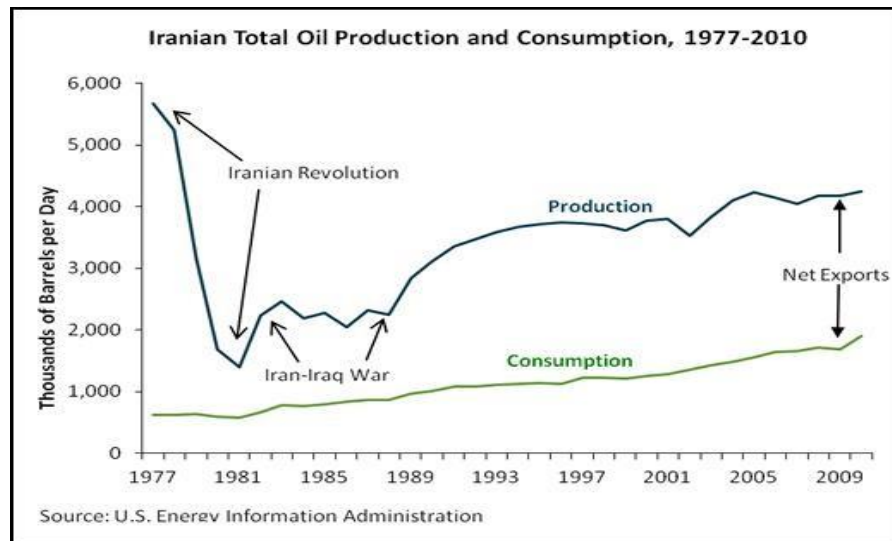
«... روز ۲۶ ماه مه سال ۱۹۰۸ [۵ خرداد سال ۱۲۸۷] که عملیات چاه کنی به عمق ۱۱۸۰ پا رسیده بود، نفت فوران کرد و متجاوز از ۵۰ پا از دستگاه حفاری بالا زد. به این ترتیب صنعتی آغاز شد که طی دو جنگ، نیروی دریایی انگلستان را نجات داد ولی برای ایرانیان زحمتی ایجاد کرد که از مجموع مزاحمت های سیاسی دولت های بزرگ بیشتر بود.»

ب) دستیابی به نفت ایران برای انگلیسی‌ها، یک جهش بزرگ در نظام اقتصادی کشورشان و به مانند خون در رگ اقتصاد بریتانیا بود، در حقیقت اعمال نفوذ دائمی بر دولت های قاجار، به قدرت رساندن رضاخان و یا اشغال خاک ایران، رویدادهایی است که انگلیسی‌ها در همه آنها یک هدف مشترک را دنبال می‌کردند و آن حفظ منابع نفتی ایران بود.

ج) کشور ایران، از لحاظ «مجموعه ذخایر نفت و گاز» در جهان اول است^۱ اما وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی از گذشته موجب شکل گیری یک "اقتصاد تک محصولی" شده است. در کشور ما، متأسفانه سال‌هاست که همچنان نفت را به صورت خام صادر و درآمد حاصل از آن را نیز در "بودجه جاری" مصرف می‌کنیم. (شکل ۳۲)

د) هم اکنون ایران دارای ۶۰۰ میلیارد بشکه نفت درجا است اما همه آن قابل استحصال نیست. ضریب بازیافت نفت^۱ به طور میانگین ۲۶ درصد است، یعنی به نوعی می توان گفت از این میزان نفت درجا تنها ۱۵۶ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال است. در چنین شرایطی و با توجه به میزان تولید روزانه نفت ایران، تقریباً ۱۱۶ سال دیگر می توان نفت تولید و از این منبع عظیم خدادادی استفاده کرد.^۲

ه) اکثر مخازن نفتی ایران در نیمه دوم عمر خود هستند و در طول این دوره تولید نفت آنها کاهش یافته و یا به عبارتی وارد دوره نیاز به فرایند بازیافت ثانویه^۳ شده اند.



شکل ۳۳- نمودار تولید و مصرف نفت در ایران بین سال های ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۰

مقام معظم رهبری پیرامون موضوع نفت می فرماید:

تا ده ها سال دیگر، دنیا محتاج نفت و گاز است؛ این یک مطلب مسلم است. استکبار و قدرتهای استکباری میدانند که رگ حیاتشان به نفت و گاز وابسته است. آن روز که نتوانند این نفت ارزان را به دست بیاورند، آن روز که مجبور باشند برای تهیهی نفت و گاز امتیاز بدهند و از زورگوئی دست بردارند، آن روز برای آنها مصیبت بار است.^۴

اگر این نفتی که دست کشورهای این منطقه است، در دست اروپاییها بود و بنا بود آنها به شما مردم و مردم سایر کشورهایی که امروز نفت تولید می کنند، بفروشند، برای هر استکانش جان شما را می گرفتند!... امروز به خاطر خیانت بعضی از کشورهای تولید کننده نفت و

1Oil Recovery Factor

2Enhanced Oil Recovery = EOR

3Enhanced Oil Recovery = EOR

۴مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

همدستی‌شان با دزدان غارت‌گر بین‌المللی، به جای اینکه نفت، وسیله‌ای در دست کشورهای تولیدکننده آن برای کسب سود یا استفاده سیاسی و اقتصادی باشد، به عکس به عنوان وسیله‌ای در دست مصرف‌کنندگان قرار دارد!... در حقیقت نفت در مشت آن‌هاست، نفت مال ماست؛ اما سیاستش در دست دیگران است! چنین سرمایه‌ای مایه دردسر است.^۱

نقطه ضعف آشکار اقتصاد ایران:

اما آنچه مسلم بنظر می‌رسد، این است که وابستگی شدید اقتصاد ما به نفت، این «سرمایه بین‌نسلی»، یک «نقطه ضعف آشکار» در اقتصاد ماست که دشمن در این جنگ تمام‌عیار اقتصادی، بصورت ویژه بر روی آن تمرکز کرده است تا این نقطه «ضعف» را به «تهدید» جدی علیه ما تبدیل کند.

ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضات سیاسی، یا اقتضات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، بتوانیم. اگر یک روزی اقتصاد کشور از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیرگذاری‌اش در دنیا فوق‌العاده است. ما باید به اینجا برسیم.^۲

ما باید نوع نگاهمان به نفت را تغییر دهیم، باید بپذیریم که نفت یک «سرمایه» است و نه «درآمد». باید بپذیریم که «خام فروشی» بدترین نوع استفاده از این سرمایه تمام‌شدنی است.

ما این نفت را ضایع می‌کنیم؛ البته این، کار امروز و دیروز نیست؛ دهها سال است که بنای اقتصاد و پیشرفت کشور روی این روش گذاشته شده است و یک شبه هم نمی‌شود آن را عوض کرد. آن روزی انسان در قضیه نفت احساس رضایت می‌کند، که کشور قادر باشد با اختیار خودش اعلام کند که من مصلحت می‌دانم امروز تولیدم را فلان قدر کم کنم. امروز می‌خواهم صادرات نفتم را این قدر کم کنم و نفت را در کارهای غیرسوخت مصرف کنم - سوخت، بدترین استفاده از نفت است و دنیا الی ماشاء الله استفاده‌های بهتر از سوخت نفت را کشف می‌کند و پیش می‌رود - آن روز ما می‌توانیم خوشحال باشیم و به نفت خشنود باشیم.^۳

ما باید بفهمیم بین سرمایه و درآمد فرق است، نفت سرمایه است نه درآمد کسی با نفت‌فروشی بخواهد مملکت را اداره کند یعنی با سرمایه‌فروشی، نفت را باید تبدیل کرد به یک سرمایه دیگر از آن درآمدش باید استفاده کرد.^۴

۱مقام معظم رهبری ۱۳/۰۳/۱۳۷۳

۲مقام معظم رهبری ۲۶/۰۵/۱۳۹۰

۳مقام معظم رهبری ۲۹/۰۳/۱۳۸۵

۴آیت الله جوادی آملی

نقش اقتصاد مقاومتی:

اقتصاد مقاومتی ما باید تمام تلاش و توان خود را برای حل هرچه سریع تر این معضل اساسی به کار ببندد و این شدنی نیست مگر با پایبندی به الزامات اقتصاد مقاومتی، اصلی ترین الزامات اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری شامل موارد ذیل می شود:

۱- مردمی کردن اقتصاد:

مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست های اصل ۴۴ که اعلام شد، می تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد.^۱

۲- کاهش وابستگی به نفت:

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت های اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم.^۲

۳- مدیریت و تعادل در مصرف:

مسئله ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه های دولتی، هم دستگاه های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم.^۳

۴- استمرار هدفمندی یارانه ها :

هدفمند کردن یارانه ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است.^۴

گام دوم هدفمندی یارانه ها باید به گونه ای باشد که بنگاه های اقتصادی و همه مصرف کنندگان حامل های انرژی به سمت مصرف بهینه انرژی حرکت کنند. واقعی سازی بهای سوخت یکی واقعیت انکار ناشدنی است، اما باید سازکار مناسب برای پیاده کردن این هدف در نظر گرفته شود. میزان قاچاق سوخت و شدت مصرف انرژی در کشور افزایش یافته است، این میزان در ابتدای اجرای گام اول هدفمندی یارانه ها بسیار کاهش مطلوبی داشت اما هم اکنون شدت مصرف انرژی در کشور که چهار برابر میانگین مصرف جهانی است نشان می دهد که سیاست هدفمندی یارانه ها ضمن استمرار باید به درستی اجرا شود.^۵ (شکل ۳۴)

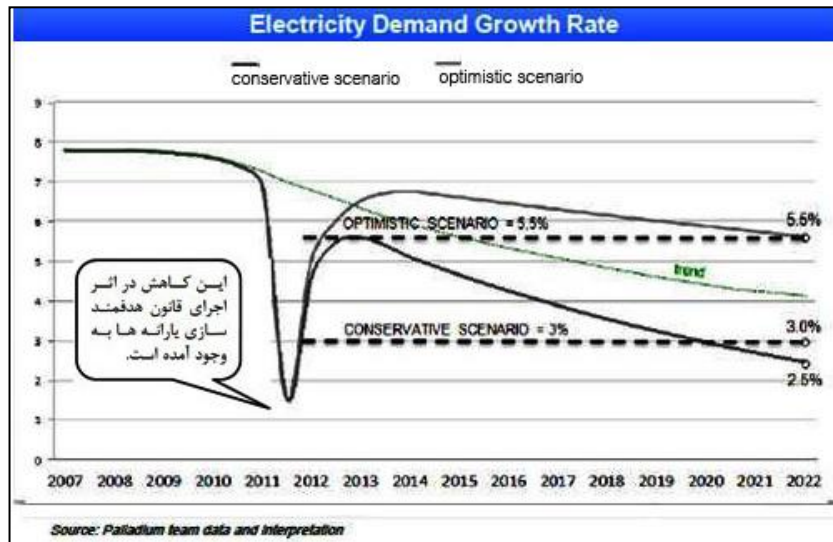
^۱ مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

^۲ همان

^۳ همان

^۴ همان

^۵ جعفری عضو کمیسیون انرژی مجلس



شکل ۳۵- میزان رشد تقاضای انرژی الکتریسیته در ایران و پیش بینی آن بین سال های ۲۰۰۷-۲۰۲۲

۵- استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات:

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سالهای متمادی طول می کشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.^۱

۶- حرکت بر اساس برنامه:

یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این راه، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.^۲

نتیجه‌گیری:

مردم و مسئولان ما باید واقعاً بپذیرند که ما در یک نقطه بسیار حساس به سر می‌بریم، همبستگی ملت و نظام در این برهه تاریخی می‌تواند کشور را به خوبی از «پیچ تاریخی» عبور دهد و به تعبیر رهبر انقلاب: «یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای

^۱ مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

^۲ همان

دشمن - از جمله در مقابل همین تحریم ها و از این چیزها- مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت».

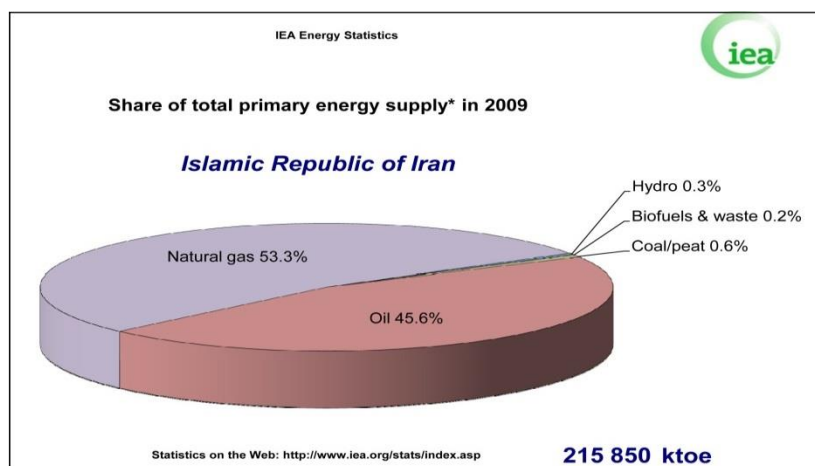
برای تدوین یک سند جامع در حوزه ی انرژی جمهوری اسلامی ایران، می بایست افزون بر توجه به نقاط ضعف و قوت، فرصت ها و تهدیدهای احتمالی نیز بر مبنای اقتصاد مقاومتی و با نگاه به وجود یک دشمن جدی در عرصه اقتصاد و انرژی به خوبی مورد بررسی قرار گیرد، اگرچه «سبک و شیوه زندگی» مردم در استفاده صحیح و بهینه از انرژی امری است ضروری، اما بنظر می رسد با توجه به اهمیت روزافزون انرژی در معادلات جهانی و به تبع آن اهمیت امنیت عرضه و تقاضای انرژی در بین کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده انرژی، داشتن یک «استراتژی انرژی» جامع، مسنجم، هدفمند و در برگیرنده همه ابعاد برای نیل به اهداف مشخص یک «اولویت جدی و اساسی» است و به منظور ارتقاء موقعیت عینی انرژی ایران در منطقه و جهان تدوین و تبیین اهداف و سیاستگذاری های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی که از اصلی ترین آن می توان به موارد ذیل اشاره کرد، امری حیاتی است:

۱- حرکت به سمت خودکفائی در دانش و تکنولوژی های مورد نیاز در زمینه انرژی

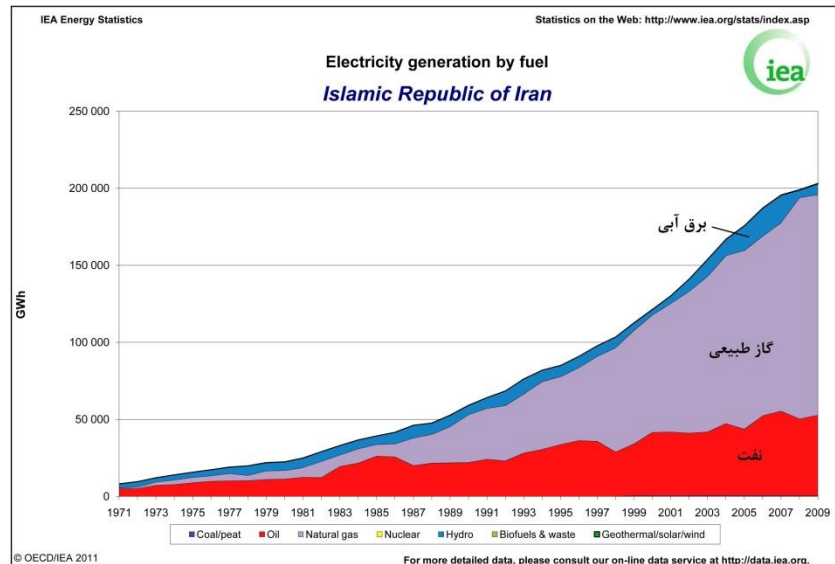
دست یابی به دانش های بنیادی و تحقیقات مهندسی و سرعت بخشیدن به تجارتي کردن تکنولوژی های توسعه یافته به واسطه سرمایه گذاری در تحقیقات

۲- متنوع ساختن منابع تامین انرژی ایران

این اقدام با افزایش سهم انرژی های هسته ای و تجدیدپذیر در مقابل انرژی های فسیلی (مانند نفت، گاز و زغال سنگ) که علاوه بر آثار مثبت زیست محیطی، عرضه انرژی را خواهد افزود و در دراز مدت با استقلال بخشیدن بیشتر به کشور از نوسانات جهانی انرژی، مسأله استراتژیک انرژی را مرتفع خواهد ساخت.



شکل ۴۰- نمودار سهم انواع انرژی اولیه در سبد عرضه انرژی ایران- ۲۰۰۹



شکل ۳۶- نمودار تولید الکتریسیته بوسیله انواع انرژی در ایران بین ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۹

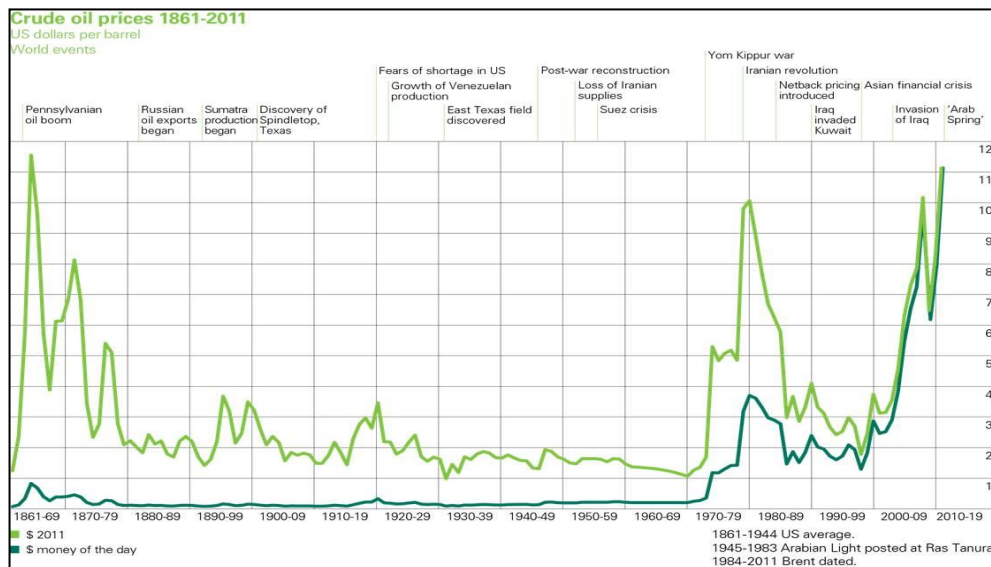
مطابق شکل های ۴۲ و ۳۷ به جزء نفت و گاز طبیعی و انرژی برق آبی، مابقی انرژی های اولیه سهم بخصوصی در سبد انرژی ایران ندارند.

۳- افزایش انعطاف پذیری و کارایی در مصرف انرژی

۴- کاهش وابستگی اقتصاد ایران به نفت

صنعت نفت ایران و بویژه صدور نفت بیش از یک سده است که سرنوشت اقتصاد ایران را رقم زده است، واقعیت این است که امروزه بیش از ۵۰ درصد اقتصاد ایران وابسته به نفت است، این یک چالش جدی است و اگر روزی بلایی بر سر قیمت نفت بیاید، اقتصاد هم به موازات آن سقوط خواهد کرد. با این حال باید فکری برای این چالش اندیشید^۱ (شکل ۳۸)

^۱ دکتر احمدی نژاد در مراسم تودیع و معارفه وزیر نفت سال ۱۳۸۹



شکل ۴۳- نمودار نوسانات قیمت نفت در سال های ۱۸۶۱ تا ۲۰۱۱ میلادی

۵- جلوگیری حداکثری از خام فروشی نفت و عرضه نفت بصورت خام

به تعبیر مقام معظم رهبری «خام فروشی» بدترین نوع استفاده از نفت است و در واقع تاکنون این «سرمایه بین نسلی» بیش از آنکه بعنوان یک «سرمایه» مورد توجه باشد، بعنوان «درآمد» در دست دولت ها بوده است.

۶- افزایش مصرف گاز طبیعی به عنوان منبع انرژی پاک

گاز طبیعی به دلیل توجه روز افزون به محیط زیست سالم تر و نیز به دلیل تحولات به وجود آمده در فن آوری انتقال، با سرعت، سهم خود را در سبد انرژی افزایش خواهد داد، در این زمینه نیز کشورهای مهمی از جمله ایران، در منطقه وجود دارند که بر اهمیت نقش این منطقه در تأمین انرژی مورد نیاز جهان آینده می افزایند.

۷- افزایش تولید و مصرف منابع انرژی تجدید پذیر

۸- افزایش مصرف دیگر سوخت ها در بخش حمل و نقل

۹- ایجاد اشتغال و ارتقای رشد اقتصادی در حوزه انرژی

۱۰- مدرنیزه کردن زیرساخت های انرژی

۱۱- استفاده از روش های نوین در صرفه جوئی (گسترش استفاده از وسائل نقلیه کم مصرف و ...)

۱۲- افزایش ضریب بهره برداری از منابع انرژی (که به دنبال خود کاهش رشد تقاضا در بازار انرژی را به دنبال خواهد داشت).

۱۳- توجه به تولید صیانتی و توسعه میادین نفت و گاز، به ویژه میادین مشترک و میدان گازی پارس جنوبی در

راستای سند چشم انداز ۱۴۰۴

بر طبق سند چشم انداز، صنعت نفت و گاز ایران باید در افق ۱۴۰۴:

(الف) حفظ جایگاه ظرفیت دومین تولید کننده نفت خام در اوپک که مستلزم حفظ فاصله مناسب از نظر ایجاد ظرفیت تولید با سایر رقبای این جایگاه می باشد.

(ب) دستیابی به جایگاه دوم جهانی در ظرفیت تولید گاز طبیعی با توجه به ضرورت استفاده از مخازن مشترک.

(ج) دستیابی به جایگاه اول منطقه به لحاظ ظرفیت پالایشی به منظور ایجاد بالاترین ارزش افزوده از منابع هیدروکربوری کشور.

(د) دستیابی به جایگاه اول منطقه از لحاظ ارزش تولید مواد و کالاهای پتروشیمیایی به منظور ایجاد بالاترین ارزش افزوده از منابع هیدرو کربوری کشور.

(ه) نیل به جایگاه اول فناوری نفت و گاز در منطقه.

ما هم‌اکنون در حدود ۱۹۷ میدان نفتی و گازی در کشور داریم، اما اولویت اصلی حرکت به سمت بهره‌برداری از میادین مشترک و تعیین تکلیف آن است. ایران تقریباً با تمام کشورهای همسایه از جمله عراق، امارات، ترکمنستان دارای میدان‌های مشترک نفتی و گازی است. با توسعه میادین مشترک امکان تولید روزانه ۵/۶ میلیون بشکه نفت و همچنین ۱/۴۸ میلیارد مترمکعب گاز در کشور فراهم می‌شود و مهم‌ترین اولویت بخش نفت توسعه میادین مشترک است.^۱

وجود ۲۶ میدان نفتی مشترک بین ایران و همسایگان خود به توجه جدی مسئولان به منظور توسعه و بهره‌برداری هرچه سریعتر از این میادین نیازمند است، در میدان پارس جنوبی ارزش گازی که ذخیره شده است، معادل درآمد ۱۲۰ سال صادرات نفت خام تولیدی کشور است. این میدان بزرگترین میدان گازی جهان است در خلیج فارس که در صورت برداشت کامل گاز آن، انرژی ۱۰ سال کل ساکنان کره زمین تامین می‌گردد. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی قطر قرار دارد.

لایه نفتی پارس جنوبی با ذخیره‌ای بالغ بر ۱/۶ میلیارد بشکه نفت درجا، بین دو کشور ایران و قطر، مشترک است. با وجود مشترک بودن لایه نفتی پارس جنوبی با میدان الشاهین قطر و بهره‌برداری قریب به ۴۵۰ هزار بشکه نفت در روز توسط طرف قطری، برداشت روزانه ۳۵ هزار بشکه در فاز اول این طرح تاکنون محقق نشده است و برداشت نفتی قطر از پارس جنوبی حدود ۱۳ برابر ایران است.^۲

۱ گزارش وزیر نفت در مجلس شورای اسلامی دوشنبه ۵ تیر ۱۳۹۱
۲ گزارش اداره کل نظارت و بازرسی نفت سازمان بازرسی کل کشور

۱۴- استفاده از درآمدهای نفت جهت حمایت از تولید ملی

ما تا به کار ایرانی و سرمایه‌ی ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله‌ی اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه‌ی حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمیتواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد. کشور ما به اقتصاد قوی و پایدار احتیاج دارد.^۱

مراجع

[1] کتاب اعتیاد به نفت، تلاش بی پایان آمریکا برای امنیت انرژی نوشته یان راتلج، ترجمه عبدالرضا غفرانی

[2] کتاب نفت و سیاست خارجی ایران در دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۴۷-۱۳۵۷) دکتر یدالله محمدی

[3] کتاب سیر تحولات پنجاه ساله انرژی هسته ای در ایران - مهدی علیخانی صدر

[1] Global Market Forecast ۲۰۱۱-۲۰۳۰

[2] THE QUEST: ENERGY SECURITY AND THE REMAKING OF THE MODERN WORLD

[3] http://ec.europa.eu/energy/security/index_en.htm

[۴]http://www.eia.doe.gov/pub/oil_gas/petroleum/analysis_publications

[5] Iraq Energy Outlook 2012

[6] World Petroleum Congress Doha, Qatar Dec. 6, 2011

[7] 2012 The Outlook for Energy: A View to 2040

[8] BP Statistical Review of World Energy June 2010

[9] BP Statistical Review of World Energy June 2011

[10] BP Statistical Review of World Energy June 2012

[11] OPEC Annual Statistical Bulletin 2012

[12] EIA - Annual Energy Outlook 2012 with Projections to 2035

[13] Energy Production in Iran's Agronomy - M. Karimi, I. Beheshti Tabar, G.M. Khubbakht

[14] World Oil Transit Chokepoints IEA

[15] Iran's energy policy: Current dilemmas and perspective for a sustainable energy policy - M. Massarrat



فلسفه، ضرورت و راهبرد های اصلی اقتصاد مقاومتی

دکتر علیرضا علی احمدی

حامد نجفی جزه

دانشیار دانشگاه علم و صنعت

دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی،

چکیده:

این مقاله در پی پاسخ به فلسفه، ضرورت و راهبرد های اصلی اقتصاد مقاومتی است. در بخش اول مقاله و در پی پاسخ به ضرورت اتخاذ رویکرد اقتصاد مقاومتی مباحثی عنوان می گردد. استدلال می شود که طراحی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر آموزه های اسلام در باب جدال پایان ناپذیر حق و باطل تا زمان ظهور منجی، یک ضرورت تاریخی است و به جهت ویژگی های جمهوری اسلامی ایران و تشدید تحریم ها در پارادایم جنگ نرم یک ضرورت مقطعی می باشد. پس از آن در پی پاسخ به راهبردهای اصلی اقتصاد مقاومتی، انواع و تاریخچه تحریم های صورت گرفته علیه جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تحلیلی و از طریق روش مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می گیرد تا نقاط تمرکز و محورهای اصلی دنیای غرب در جنگ اقتصادی روشن شود. جهت یافتن ابعاد و مولفه های اساسی اقتصاد مقاومتی، به کمک روش رویش نظریه ها، محورهای اصلی در طراحی اقتصاد مقاومتی از منظر فرمایشات مقام معظم رهبری تبیین می گردد. این مقاله در پی پاسخ به پایه های اصلی تشکیل دهنده اقتصاد مقاومتی به ۱۴ محور اصلی اشاره می نماید. ذیل هر محور، چالش ها و راهکارهای موجود مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تحریم، جهاد اقتصادی، وابستگی به نفت، سیاست تجاری

استفاده از تحریم‌های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. دولتها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل گردیده‌اند. در بررسی تحریم‌های صورت گرفته علیه ایران، در طی زمان از تحریم نفت ایران در زمان نخست وزیری دکتر مصدق گرفته تا تحریم‌های یک جانبه آمریکا در پی تسخیر لانه جاسوسی و قانون مجازات ایران و لیبی و ... و همچنین تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در طی سالهای ۲۰۰۶-۲۰۱۰ و تحریم‌های نفتی اخیر آمریکا و اتحادیه اروپا، شدت و اثر تحریم‌ها به طور پیوسته افزایش یافته، اگرچه اعمال تحریم‌ها بر کشور اثرات خسارت باری را در بعضی حوزه‌ها به جا گذاشته لکن در حوزه‌های دیگری که کشور نیاز جدی داشته است، اعمال تحریم‌ها باعث بکارگیری نیروهای داخلی و بروز موفقیت‌های چشم‌گیری گشته است. لکن به دلیل نداشتن یک استراتژی واحد، شاهد عکس‌العکمل‌های ناهمگون و بعضاً متفاوتی در سازمان‌ها و نهاد‌های مختلف کشور در مبحث مقابله با تحریم هستیم. عمر سی و چند ساله تحریم‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه ایران و افزایش شدت اثر آن در طی زمان، تحریم‌ها را به یک متغیر برون‌زای جدی و اثرگذار بر اقتصاد کشور بدل نموده است که ضرورت طراحی اقتصادی جدید، با کارکردها و مولفه‌هایی نوین را تبیین می‌نماید. آنچه در ادامه مقاله مورد مذاقه قرار می‌گیرد توضیحات تفصیلی در رابطه با فلسفه، ضرورت و ابعاد این اقتصاد نوین خواهد بود که بنا به فرمایش مقام معظم رهبری یک اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

تداوم جدال حق و باطل و لزوم اتخاذ رویکرد اقتصاد مقاومتی

ابر قدرت^۱ به کشوری گفته می‌شود که دارای موقعیت ممتازی در روابط بین‌الملل بوده و توانایی تأثیرگذاری در طرح‌ها و رخدادها در مقیاس جهانی را دارد. آیس لایمن میلر^۲، ابر قدرت را کشوری توصیف می‌نماید که توانایی لازم را جهت طراحی و اجرای پروژه‌های اثرگذار در هر نقطه از جهان داشته باشد و حتی در برخی مواقع قادر به استفاده از این توانمندی در چندین نقطه از جهان به طور همزمان بوده و در واقع قادر به ایجاد یک **هژمونی** در جهان باشد. (Miller, 2005) چنانچه شاخصه‌ها و مولفه‌های اصلی و اساسی جهت تعیین ابرقدرت‌ها در یک سیر تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، تا قبل از پایان جنگ دوم جهانی - سال ۱۹۴۵- رقابت کشورها در برتری و تسلط قدرت نظامی اصلی‌ترین عنصر در تعیین ابرقدرت جهانی به شمار می‌آمد. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم مولفه دیگری به تسلط و برتری نظامی به عنوان عنصر اصلی افزوده شد و آن هژمونی تکنولوژیک و اقتصادی بود. در این میان حلقه برتری قدرت نظامی کمرنگ تر شد و مقدمات دوران جنگ سرد را فراهم نمود. تحلیل گران تاریخی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ را دوران جنگ سرد می‌دانند، دورانی که در آن دو طرف اصلی درگیر در جنگ، کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا بودند.

^۱ Super Power

^۲ استاد رشته امور امنیت ملی در مرکز کارشناسی ارشد نیروی دریایی آمریکا

هژمونی اقتصادی یک دولت از یک سو، مستلزم برخورداری از بالاترین قابلیت های اقتصادی، و از سوی دیگر، مستلزم اراده و توانایی آن دولت برای رهبری امور اقتصادی جهان می باشد. از این رو پس از جنگ جهانی دوم آمریکا که از یک سو شاهد زوال قدرت های تجاری اروپایی بود، و از سوی دیگر با خیزش یک قدرت پرخطر ضد سرمایه داری یعنی اتحاد جماهیر شوروی روبرو بود با ورود فعالانه به عرصه امور امنیتی بین الملل، مدیریت توسعه جهان را بدست گرفت. (شیرخانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۶۸)

در طول این سالها ایالات متحده از طریق مشارکت فعال در تاسیس نهادهای اقتصادی و سیاسی بین المللی چون سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، معاهده گات و بعدها ایجاد سازمان تجارت جهانی (WTO) و ... رفته رفته حلقه دیگری را به عنوان یکی از مهمترین شاخص های تعیین ابر قدرت جهانی اضافه نمود که آن مولفه، متمرکز بر، هژمونی اقتصادی و ارائه یک سبک زندگی با مقبولیت جهانی بود.

در این میان با وجود رشد سریع شوروی در دهه های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ الگوی رشد اقتصادی این کشور از اواسط دهه ۱۹۷۰ ناکارآمدی خود را در حوزه های مختلف به نمایش گذاشت و نهایتاً در پایان دهه ۱۹۸۰ نه تنها به عنوان یک راه حل از مباحث نظری اقتصاد سیاسی کنار گذاشته شد، بلکه به همراه خود ساختار سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را نیز از صفحه جغرافیای سیاسی جهان حذف کرد (واعظی، ۱۳۹۰)

و اتحاد جماهیر شوروی سابق که در سراسر دوران جنگ سرد (۱۹۵۰-۱۹۹۰) در کنار ایالات متحده آمریکا یکی از دو قطبی به شمار می رفت که داعیه ارائه الگویی بهتر برای حیات بشری را مطرح می ساخت در سال ۱۹۹۱ دچار فروپاشی کامل شد و اینچنین مقارن با فروپاشی شوروی و رشد بالای اقتصادی ایالات متحده و تسلط سبک زندگی آمریکایی، برتری قدرت اقتصادی به مهمترین مولفه تعیین کننده قدرت جهانی بدل گردید.

طی همین سالها، زمینه شکل گیری انقلاب اسلامی در ایران فراهم شد و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ با داعیه ارائه الگوی جهانی برای تکامل حیات بشری و دستیابی به جامعه آرمانی و مبارزه همه جانبه با ظلم و ستم استکبار جهانی و با هدف بازسازی تمدن اصیل اسلامی در عصر جدید و زمینه سازی برای برپایی حکومت عدل جهانی در جغرافیای ایران تشکیل شد و با بیرون راندن نظام سلطنتی که میراثی از استعمار کهنه ابرقدرت ها بر ایران بود فصل جدیدی از جدال مستمر حق و باطل را فراهم نمود، چرا که باعث قطع منافع دیرینه نظام سلطه به سرکردگی آمریکای جهانخوار در ایران گردید و به تدریج موجبات بیداری مسلمانان و مستضعفین عالم را فراهم نمود. در این میان دو ابر قدرت جهانی که شکل گیری قدرتی نوظهور با داعیه ارائه الگویی جهانی را خطری جدی برای خود می دیدند با تحریک صدام حسین (رییس جمهور سابق عراق) مقدمات شکل گیری یک جنگ نظامی تمام عیار را بر علیه ایران فراهم نمودند. اگرچه وقوع جنگی ۸ ساله طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ خسارات زیادی را به زیر ساخت های اساسی و نیروی انسانی مستعد به ایران وارد نمود، لکن موجبات شکست استراتژی برتری قدرت نظامی در جهان گردید و زمینه اثرگذاری حکومت نوپای ایران اسلامی را در معادلات منطقه ای و جهانی زمینه ساز شد.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

همزمانی پایان جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی در سالهای پایان دهه ۹۰ میلادی و آشکار شدن شواهد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مولفه های اصلی و تعیین کننده ابرقدرت بودن در سطح جهانی را به مولفه های فکری- فرهنگی و اقتصادی تغییر داد و عملاً به شکل گیری آرایش جدیدی در سطح جهانی منجر شد. صف آرای دوجبهه حق و باطل، که طلا به داری جبهه حق را جمهوری اسلامی ایران و طلا به داری جبهه باطل را آمریکا و اسرائیل به عهده گرفتند.

انواع تحریم علیه ایران و ضرورت بکارگیری رویکرد اقتصاد مقاومتی

تعریف تحریم و جنگ اقتصادی

نظریه های تحریم رابطه مستقیمی با بکارگیری قدرت اقتصادی دارد و بنا به تعریف رابرت ژیلپین تحریم اقتصادی یعنی " دست کاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی" (Jil Meron, 1990: 10)

برخی تحریم اقتصادی را جزئی از مهارت های دیپلماتیک می دانند. این برداشت بیشتر به قرن های پیشین مربوط بوده است. در اوضاع کنونی، استراتژی برپا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت های جاری عصر نوین دارای اهدافی بسیار گسترده تر از مفهوم سنتی است. مخصوصاً بعد از ۱۹۹۰ الگوی تحریم دچار تغییر شده است؛ به طوری که از تحریم اقتصادی به عنوان سیاست برتر یا جایگزین ابزار نظامی با هزینه کمتر یاد می شود. (Lopez and Cortright, 1995: 18)

به جهت شناخت دقیق تر تحریم ها در ذیل یک دسته بندی بر اساس تعداد طرف های مشارکت کننده در تحریم آورده شده است که شدت اثر و نفوذ آن نیز به ترتیب ذکر شده افزایش می یابد. این تقسیم بندی را در اصطلاح تقسیم حقوقی تحریم ها نامگذاری می نمایم.

تقسیم بندی حقوقی تحریم ها

۱،۲،۲. تحریم های یکجانبه^۱:

۱. تحریم های اعلام شده توسط رییس جمهوری یک کشور بر علیه کشور دیگر که این نوع تحریم ها با دستور رئیس جمهوری فعلی و یا رئیس جمهورهای بعدی قابل لغو می باشد مثل تحریم های اعمال شده نفتی توسط روسای جمهوری آمریکا.

۲. تحریم های اعلام شده توسط مجلس قانون گذاری یک کشور که به صورت قانون در آمده و لغو آن نیاز به مصوبه مجلس آن کشور دارد، مثل قانون داماتو مصوب سنای آمریکا بر علیه ایران.

¹ Unilateral

۲,۲,۲. تحریم های چندجانبه^۱:

تحریم ها در همراهی بیش از یک کشور صورت می پذیرد. بخشی از تحریم های آمریکا و متحدانش و همچنین تحریم های اتحادیه اروپا در زمره این نوع تحریم ها قرار میگیرند

۳,۲,۲. تحریم های فراگیر(جامع)^۲:

مانند تحریم های شورای امنیت یا اتحادیه اروپا علیه یک کشور که تاثیرات منفی بیشتری را ممکن است به همراه داشته باشد. این تحریم ها معمولاً بلند مدت بوده و در بسیاری از موارد قابل حذف نمی باشد. آنچنانکه کشور عراق پس از گذشت ۱۰ سال از جنگ و اشغال توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی هنوز تحت تحریم های شورای امنیت قرار دارد و تنها اجرای بعضی از مفاد آنها با سخت گیری کمتری انجام می شود. (یاوری، محسنی، ۸۹: ۱۳-۱۴)

تقسیم بندی اقتصادی تحریم ها

به جهت اقتصادی، تحریم های اعمال شده علیه کشورها در ۳ دسته کلی قرار می گیرند.

تحریم تجاری(سخت)

هدف از این نوع تحریم ایجاد محدودیت در مبادلات تجاری در بخش واقعی اقتصاد بوده و معمولاً کالاهای خاص با مصارف خاص را هدف گیری می نماید و به جهت وسعت بازارهای جهانی معمولاً نظارت بر اجرای آنها با سختی های زیادی همراه بوده و هزینه هایی را برای کشور اعمال کننده دارد. مهمترین موارد تحریم های تجاری عبارت است از:

- ۱- سهمیه بندی، تحدید و توقف کلی صادرات و واردات؛
- ۲- سیاست تبعیض آمیز تعرفه‌ای، شامل رد همکاری بیشتر با کشور هدف و پذیرش امتیاز تعرفه‌ای عمومی؛
- ۳- تعلیق و لغو موافقت نامه‌های تجاری و پروژه‌های مشترک و ممنوع کردن صادرات تکنولوژی؛
- ۴- تهیه لیست سیاهی از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف؛
- ۵- قطع، تعلیق و لغو کمک های فنی و برنامه‌های آموزشی. (آذری و همکاران، ۱۳۸۷: ۷-۱۰)

تحریم مالی(سخت-نرم)

¹ Multilateral
² Comprehensive

هدف از این نوع تحریم ها، ایجاد محدودیت در مبادلات و خدمات مالی-پولی ناظر به بخش واقعی و غیرواقعی اقتصاد می باشد. در این نوع از تحریم حجم گسترده ای از کالا و خدمات مشمول تحریم گردیده و در موارد خاص مثل دارو و مواد غذایی استثنائاً اجازه مبادله صادر می گردد. این نوع تحریم به جهت تعریف فرآیند تسویه^۱ ارز مورد استفاده به راحتی قابل کنترل و نظارت می باشد.

مهمترین انواع تحریم های مالی عبارت است از:

- ۱- ممنوعیت بیمه و سایر خدمات مالی؛
- ۲- مالیات بر صادرات کشور؛
- ۳- ایجاد محدودیت های مالی و بانکی؛
- ۴- تحریم نقل و انتقالات مالی؛
- ۵- مسدود کردن دارایی های خارج از کشور؛
- ۶- ایجاد ممنوعیت در واردات نفت خام و واردات فرآورده های نفتی؛
- ۷- ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور؛
- ۸- ایجاد موانع در جذب سرمایه گذاری خارجی؛(همان: ۷-۱۰).

تحریم اطلاعاتی(نرم)

این نوع از تحریم مبتنی بر منع مبادله اطلاعات می باشد که بر دو بخش فوق قابل تقسیم است:

الف) تحریم اطلاعات بازار: مانند اطلاعات نرخ های ارز از طریق بازار فارکس

ب) تحریم اطلاعات انتقال منابع: انتقال اطلاعات مالی بین بانکی از طریق شبکه سوئفت

جالب است اشاره شود که حدود ۹۰٪ معاملات و تجارت هر کشوری از طریق شبکه سوئفت انجام می پذیرد و تحریم یک کشور در استفاده از این زیر ساخت عملاً به معنای حذف کشور مذکور از صفحه مبادلات تجاری است. این نوع از تحریم معمولاً با هدف تغییر رژیم^۲ انجام می پذیرد.

تاریخچه تحریم علیه ایران

اولین تحریم ایران بر می گردد به دوره ی نخست وزیری دکتر «محمد مصدق» و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت که دولت استعمارگر انگلستان از تحریم اقتصادی برای تغییر مواضع دولت وقت ایران استفاده کرد.(Ferier,1982: 454)

¹ clearing

² Regim Change



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

از آنجایی که بخش عمده‌ای از تحریم‌ها علیه ایران توسط ایالات متحده طرح ریزی و به اجرا درآمده است، ابتدا به بررسی مختصری در این زمینه می‌پردازیم.

تحریم‌های آمریکا علیه ایران را می‌توان به پنج دوره اصلی تقسیم بندی کرد که هر یک ویژگی خاصی دارند

دوره اول: ۱۹۷۹-۱۹۸۱ دوره گروگان گیری؛

دوره دوم: ۱۹۸۱-۱۹۸۸ دوره جنگ ایران-عراق؛

دوره سوم: ۱۹۸۹-۱۹۹۲ دوره بازسازی؛

دوره چهارم: ۱۹۹۳-۲۰۰۱ دوره ریاست جمهوری کلینتون، مهار دوجانبه؛

دوره پنجم: دوره پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱.

در ادامه به ارائه توضیحاتی مختصر درباب تحریم‌های انجام گرفته در هر دوره پرداخته می‌شود.

دوره اول: اولین تحریم اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در سال 1980 در واکنش به گروگانگیری سفارت آمریکا انجام گرفت. این تحریم قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی را که در زمان محمد رضا پهلوی به امضا رسیده بود لغو و فروش تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی را غیر قانونی نمود، 12 میلیارد دلار دارایی‌های دولت ایران در آمریکا را مصادره نمود و کلیه مبادلات تجاری بین ایران و آمریکا را ممنوع کرد. همچنین دولت ایالات متحده کلیه مناسبات دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را قطع نمود. متعاقباً چندین کشور دیگر، از جمله اتحادیه اروپا و ژاپن به آمریکا پیوستند و فروش تجهیزات نظامی و اعطای وام به جمهوری اسلامی را ممنوع کردند و خرید نفت از ایران را متوقف ساختند. این تحریم در 19 ژانویه 1981، پس از آزاد سازی گروگانهای آمریکایی لغو گردید، اما بخش قابل توجهی از دارایی‌های ایران به دلیل مطالبات شرکتهای آمریکایی مسترد نشد.

دوره دوم: علیرغم لغو تحریم، مناسبات اقتصادی و سیاسی بین دو کشور آمریکا و جمهوری اسلامی همچنان تیره ماند. با آغاز جنگ ایران-عراق، دولت ریگان تحریم‌های اقتصادی گستره‌ای را علیه ایران سازمان داد که هدف عمده آنها جلوگیری از فروش تجهیزات نظامی به ایران و جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ بود. (زمانی، ۲۰۰۷: ۳۱)

دوره سوم (دوران بوش پدر):

در سال ۱۹۹۲ قانون " منع گسترش تجهیزات نظامی ایران و عراق " تصویب شد. این قانون صادرات کلیه ماشین آلات و تجهیزات را که به طور غیر مستقیم دارای کاربرد نظامی هستند، منع کرد و به تمام کمک‌های اقتصادی به ایران پایان داد.

دوره چهارم (دوران مه‌ار دوجانبه و قانون تحریم ایران-لیبی: دوران کلینتون)

۱. سال ۱۹۹۳: تدوین سیاست مه‌ار دو جانبه توسط دولت کلینتون.
۲. مارس ۱۹۹۵: دولت کلینتون، به دلیل حمایت ایران از تروریسم و مخالفت با صلح خاورمیانه، هرگز نه مشارکت شرکت‌های آمریکایی را در توسعه صنعت نفت ایران منع کرد.
۳. مه ۱۹۹۶: کلینتون همه مبادلات اقتصادی با ایران را تحریم کرد.
۴. آوریل ۱۹۹۶: قانون "ضد تروریسم و مجازات مرگ" تصویب و هرگونه مبادلات مالی با ایران منع شد و از کمک‌های مالی با کشورهای که تجهیزات و خدمات در اختیار ایران قرار می‌دهند، جلوگیری به عمل آمد.
۵. اوت ۱۹۹۶: تصویب قانون "تحریم ایران-لیبی"^۲؛ این قانون دولت آمریکا را موظف کرد تا هر شرکت خارجی را که بیشتر از بیست میلیون دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کند، تحریم و مجازات کند.
کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۲۹ شهریور ۱۳۷۴ (۲۰ سپتامبر ۱۹۹۵) با تصویب طرح داماتو اجازه یافت شرکت‌های غیر آمریکایی را که فناوری صنعت نفت را در اختیار ایران قرار می‌دادند، تحریم کند. قانون داماتو پس از ادغام با طرح "بنیامین گیلمن" رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا که محتوایی مشابه قانون داماتو داشت در قالب قانون مجازات ایران و لیبی در ۱۴ مرداد ۱۳۷۵ (۵ اوت ۱۹۹۶) در کنگره آمریکا تصویب شد و سپس به امضای کلینتون رسید و برای مدت پنج سال اجرا شد (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۲). تحریم‌های احتمالی تعامل عدم صدور مجوز صادراتی، ممنوعیت دریافت وام از موسسات مالی آمریکا، امتناع از ارائه فرصت‌های خرید دولتی توسط آمریکا و ممنوعیت واردات از شرکت متخلف به آمریکا از مفاد این طرح بوده است (صادقی یارندی و طارم سری، ۱۳۸۵: ۱۱۲).
۶. اوت ۱۹۹۷: بخش نامه ۱۳۰۵۹ دولت کلینتون صادرات به کشورهایی که قصد صدور مجدد کالاهای آمریکایی به ایران را داشتند، منع کرد.
۷. مه ۱۹۹۸: دولت کلینتون اعلام کرد شرکت‌های توتال فرانسه و شرکای آن به سبب سرمایه‌گذاری در پروژه پارس جنوبی تحریم نخواهند شد و از تحریم مربوط به "قانون تحریم ایران-لیبی" مستثناست.

¹ Iran-Iraq Arms Nonproliferation

² Iran-Libya Sanction Act (ILSA), 1996.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

۸. ژوئن ۱۹۹۸: دولت کلیتون قانون تحریم "منع گسترش توانایی موشکی ایران" را وتو کرد.
۹. ژوئیه ۱۹۹۸ و ژانویه ۱۹۹۹: دولت کلیتون ۱۰ موسسه روسی را به دلیل مشارکت در توسعه صنعت موشک‌سازی ایران تحریم کرد.
۱۰. آوریل ۱۹۹۹: کلیتون با صدور بخش نامه‌ای صادرات مواد غذایی و دارویی را به ایران، لیبی و سودان آزاد کرد.
۱۱. سپتامبر و نوامبر ۱۹۹۹: دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی علیه ایران صادر کرد و کلیتون شرکت بوئینگ را در مورد صدور قطعات برای هواپیماهایی که پیش از تحریم به ایران فروخته شده و هنوز ضمانت دارند، از قانون تحریم مستثنا کرد.
۱۲. نوامبر ۲۰۰۰: قانون "منع گسترش قوه نظامی ایران"^۱ تصویب شد که هدف آن جلوگیری از صدور تکنولوژی نظامی به ایران بود. به ویژه این قانون پرداخت کمک مالی به روسیه را منوط به رعایت قوانین تحریم آمریکا کرد.
۱۳. مارس ۲۰۰۰: آبرایت وزیر خارجه آمریکا، تحریم برخی از صادرات غیرنفتی از جمله فرش، خاویار و پسته را لغو کرد.
۱۴. اکتبر ۲۰۰۰: تصویب "قانون اعتبارات کشاورزی"^۲؛ این قانون کشورهایی را که در لیست کشورهای تروریستی بودند، از دریافت ضمانت نامه‌های صادراتی آمریکا محروم کرد.

دوره پنجم: از سال ۲۰۰۱ تاکنون (دوره بوش پسر و باراک اوباما)

۱. ژانویه ۲۰۰۱: تحریم شرکت کره‌ای (با استفاده از قانون منع گسترش قوه نظامی ایران) به سبب فروش قطعات صنعتی به ایران
 ۲. ژوئن ۲۰۰۱: تحریم شرکت کره‌ای و دو شرکت چینی به سبب فروش قطعات صنعتی به ایران
 ۳. اوت ۲۰۰۱: تمدید قانون تحریم ایران-لیبی برای یک دوره پنج ساله.
 ۴. مه ۲۰۰۳: تحریم چند شرکت مالدیوایی، ارمنی و چینی به سبب فروش قطعات و کالاهای صنعتی به ایران
 ۵. دستور اجرایی ۱۳۳۸۲^۳ ژوئن سال ۲۰۰۵: بر اساس این قانون، جرج بوش دستور مسدود کردن دارایی افرادی که در فعالیت هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی همکاری داشته‌اند و عضوی از شبکه حامیان چنین فعالیت‌هایی هستند، صادر کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۸). این اقدام با صدور دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ در دسامبر سال ۲۰۰۱ به منظور مسدود کردن دارایی اشخاص مظنون به حمایت و ارتکاب اعمال تروریستی به اجرا درآمد.^۳
- پس از بیان مختصری از تحریم‌های یک جانبه آمریکا،

¹ Iran Nonproliferation Act, 2000.

² Executive Order 13382 (June 28, 2005)

³ Executive Order 13224 (December 23, 2001)

در این میان تحریم های ریز و درشت دیگری علیه ایران نیز انجام گرفته که از ذکر آنها در این نوشتار خودداری می نمایم. شدت تحریم های اعمالی بر ایران زمانی شدت گرفت که به بهانه پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای، پرونده ایران، به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شد و شورای امنیت نیز در قالب فصل هفتم^۱ و مواد ۴۱ تا ۴۳ قطعنامه هایی را بر ضد ایران تصویب نمود.

در این میان از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۰، هفت قطعنامه بر ضد ایران تصویب شد که شماره ها و تاریخ تصویب قطعنامه ها در ذیل آورده شده است که نشان دهنده قوت گرفتن تحریم های اعمالی می باشد.

۱- قطعنامه ۱۶۹۶ (جولای ۲۰۰۶)، قطعنامه ۱۷۳۷ (دسامبر ۲۰۰۶)، قطعنامه ۱۷۴۷ (مارس ۲۰۰۷)، قطعنامه ۱۸۰۳ (مارس ۲۰۰۸)، قطعنامه ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸)، قطعنامه ۱۸۸۷ (سپتامبر ۲۰۰۹)، قطعنامه ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰)

از آنجایی که بررسی دقیق مفاد و مصوبات قطعنامه های فوق خارج از حوصله این مقاله است، صرفا به بیان اهم قطعنامه های فوق پرداخته خواهد شد. در این قطعنامه ها علاوه بر اینکه تحریم مالی ایران منعقد گردیده است، به طور مستمر افراد و نهادهای حقیقی و حقوقی متعددی بر تحریم ها اضافه گردیده اند. ویژگی تحریم های شورای امنیت، الزام کشورها به رعایت مفاد آن و تشدید تحریم ها در صورت عدم تغییر رفتار یا انجام اصلاحات مورد نظر تحریم کننده است.

در اواخر سال ۲۰۱۱، نیز با تحریم نفت ایران توسط آمریکا، تحریم ایران وارد فاز جدیدی شد. بر طبق این قانون که به قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا^۲ موسوم است و به امضای اوباما رسیده است، هر کشوری که به خرید و فروش نفت و یا فرآورده های نفتی ایران پردازد مشمول تحریم های مالی ایالات متحده می گردد. تنها چند ماه پس از تحریم فوق، اتحادیه اروپا نیز به تبعیت از آمریکا با تصویب قانونی^۳ در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ هر گونه خرید، فروش، انتقال نفت خام و یا فرآورده های نفتی و همچنین سرمایه گذاری در میادین نفت ایران را تحریم کرد. موارد فوق کلیتی از تحریم های اعمال شده می باشد که ضرورت طراحی روش های نوین مقابله و خصوصا ضرورت مقاوم سازی اقتصاد کشور را بیش از پیش نمایان می سازد. البته طراحی اقتصاد مقاومتی با عنایت به موارد تبیین شده، در ادبیات اقتصادی متعارف نیز مصداق دارد^۴. بنابراین اقتصاد مقاومتی رویکردی فعال است که طی آن محور های جدیدی علیه جبهه باطل طراحی می شود.

بیان این تاریخچه از این نظر حائز اهمیت است که ریشه صف آرای و چگونگی شکل گیری تقابل فکری و عملیاتی بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان دو طرف جدال حق و باطل یادآور می شود. بنا بر اعتقادات ما شیعیان نبرد نهایی در جهان که به صورت نبرد میان دوجبهه حق و باطل صورت می پذیرد نبردی همه جانبه علیه ظلم و ستم و بیداد و ناحقیها خواهد بود که با ظهور حضرت مهدی(سلام الله علیه)-منجی عالم بشریت- با پیروزی جبهه پیروان حق به پایان می رسد و تا آن زمان، جغرافیای ایران به جهت محوریت در

^۱ اقدام در موارد تهدید

^۲ National Defense Authorization Act for Fiscal year 2012

^۳ قانون به شماره CFSP/635/2012

^۴ کتاب اقتصاد جنگ نوشته پائول پوآست نمونه ای در این مورد می باشد

جبهه حق بایستی از همه ظرفیت های خود برای مبارزه، حداکثری با باطل استفاده نماید و از جنبش های عدالتخواهانه و بیداری اسلامی حمایت و در جهت زمینه سازی ظهور منجی عالم بشریت تلاش می نماید. اگر به بررسی محورهای عملیاتی این نبرد در طول سی و چند سال گذشته پرداخته شود تحریم های اقتصادی به عنوان مهمترین ابزار اقتصادی در حرکت دنیای غرب و در راس آن آمریکا در راستای فشار، ضربه و حتی تلاش برای حذف نظام اسلامی کاملاً مشهود است.

مسئله انرژی هسته ای بهانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله انرژی هسته ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله انرژی هسته ای را مطرح میکنند، مسئله حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله فشار است، میخواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ میخواهند انقلاب را زمین بزنند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹)

آنچه عنوان شد علاوه بر بازخوانی و تحلیل رفتار دشمن، برگرفته از تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با نحوه و چگونگی جنگ دشمن با انقلاب اسلامی در سالهای اخیر است. برخی از بیانات ایشان در رابطه با جنگ اقتصادی که ضرورت پرداختن به این مقوله خصوصاً نقطه تمرکز دشمن یعنی بحث تحریم را به روشنی تبیین می سازد، در ذیل آورده شده است:

ضرورت مقابله با تهدیدات اقتصادی دشمن و شکل گیری اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

همه ی شواهد نشان دهنده ی این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه ی اساسی دارد. از واضح ترین هایش انسان شروع کند، یکی مسئله ی اقتصاد است. اینکه ما امسال گفتیم «سال جهاد اقتصادی»، ناظر به این بخش قضیه است. به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب راندن و پس راندن کشور در زمینه ی اقتصاد، که منتهی بشود به فلج پایه های اقتصادی، منتهی بشود به نومیدی مردم، یکی از کارهای اساسی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰)

سیر تاریخی تاکیدات مقام معظم رهبری، نشان از تمرکز دشمن در جنگ اقتصادی دارد، که ضرورت تدوین طرحی جامع جهت شناسایی دقیق وضعیت فعلی و آتی دشمن و راهکارهای مقابله با آن را در قالب جهاد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی در مقطع کنونی هر چه بیشتر نمایان می سازد.

از این منظر می توان عناوین مطرح شده به عنوان شعارهای سال را، توسط مقام معظم رهبری مقدمه ای بر اهمیت چاره اندیشی اقتصادی علیه ترندهای دشمن و شکل گیری اقتصاد مقاومتی دانست. این شعارهای سال حلقه های بود برای ایجاد یک منظومه ی کامل در زمینه ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله ی جلوگیری از اسراف، مسئله ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که میتواند حرکت

عمومی کشور را در زمینه ی اقتصاد ساماندهی کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱)

تعریف اقتصاد مقاومتی

بر اساس تعریف های صورت گرفته اقتصاد مقاومتی را می توان به چهارگونه تعریف نمود.

اقتصاد موازی

یکی از نکاتی که در بدنه اجرایی کشور خصوصاً وزارت خانه ها و مراکز پیشرو در حوزه تحریم ها دیده می شود، عدم آمادگی و تجهیز فکری، سیاستی و نیروی انسانی متناسب با جنگ اقتصادی است. فلذا انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد بطوری که نهادهای جدید قدرت واکنش سریع به این حملات و ضربات را داشته باشد. این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. البته این الگو در مدل های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام های چندلایه ی سیاستگزاری و اداره ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان های مردم نهاد، خیریه و بنگاه های خصوصی در عرصه ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه یافته ی غربی نام ببریم. (بیگامی، ۱۳۹۱)

مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه ی اجرا با سؤالات نوینی روبه رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان بخشی به عرصه ی پولی - مالی کشور در دو لایه ی دولتی و عمومی وجود ندارد.

اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی "مقاوم سازی"، "آسیب زدایی"، "خلل گیری" و "ترمیم" ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. در این رویکرد به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت صمت می خواهیم که کانون های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. کشورهای توسعه یافته نیز در برهه هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم سازی ساختارهای اقتصادی شدند. (همان)

مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت های فسیلی با سایر سوخت های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت های بالای یکصد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی شود.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه "هجمه‌شناسی"، "آفندشناسی" و "پدافندشناسی" ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد. (همان)

اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، در این رویکرد، ما در پی "اقتصاد ایده‌آلی" هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. (همان)

راهبردهای اصلی اقتصاد مقاومتی

اصلاح الگوی مصرف

مسئله‌ی مدیریت و اصلاح مصرف، جزو ابعاد مقاوم سازی اقتصاد کشور است؛ نهادهای متنوعی نیز چون دستگاه‌های دولتی، غیر دولتی، بنگاه‌های خصوصی و خانوارها، با آن درگیر می‌باشند. حال سوال این است که با توجه به گستردگی حوزه‌های تحت پوشش اصلاح الگوی مصرف بایستی از کجا آغاز نمود؟

قبل از پاسخ به سوال فوق بایستی یک تعیین قلمرو از حوزه مصرف صورت گیرد تا معلوم شود که با رویکرد اقتصاد مقاومتی کدام بخش آن باید مورد تدقیق بیشتری قرار گیرد.

به طور کلی مصرف^۱ به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

۱. مصرف نهایی کالا و خدمات

¹ Consume or consumption

۲. مصرف واسطه ای

در کتاب های اقتصاد خرد به عوامل متعددی به عنوان عوامل موثر بر مصرف نهایی و واسطه ای کالا و خدمات اشاره شده است.

در ذیل بعضی از این عوامل به اختصار آورده شده است:

۱. ایمان
۲. درآمد
۳. قیمت کالا یا خدمت
۴. قیمت کالا یا خدمات جانشین یا مکمل
۵. تکنولوژی (و کیفیت) کالا یا خدمت
۶. تکنولوژب (و کیفیت) کالا یا خدمت مکمل
۷. انتظارات از آینده
۸. سلیقه مصرف کننده
۹. موقعیت فردی و اجتماعی مصرف کننده
۱۰. مصرف دیگران
۱۱. نوع کالا یا خدمت از لحاظ ضرورت مصرف و ... (داوودی، ۱۳۷۱: ۱۲-۲۰۸)

از آنجا که در صورت تشدید تحریم ها ضربه پذیری کشور در حوزه واردات مواد غذایی و کالاهای اساسی بالا خواهد بود، پیشنهاد می شود ابتدا واردات کشور در حوزه کالاهای اساسی و کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد. نگاهی به آمارها نشان می دهد واردات بعضی از محصولات کشاورزی و همچنین فرآورده های نفتی (عمدتا بنزین) (به جهت ارزش دلاری) در صدر اقلام وارداتی قرار می گیرد که از منظر اقتصاد مقاومتی بایستی تدابیر سیاستی جدی جهت کاهش مصرف سرانه آنها و کاهش وابستگی کشور به واردات این دسته از کالاها اتخاذ گردد. جدول ذیل برخی از اقلام استراتژیک که سهم وارداتی عمده ای (از جهت ارزش دلاری) در سال ۸۹ داشته اند را، نشان می دهد. (گزارش آمار تجارت

خارجی ج.ا.ا، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴)

| ردیف | کالا | ارزش (میلیون دلار) |
|------|---------------|--------------------|
| ۱ | دانه ذرت دامی | ۱۰۴۰ |
| ۲ | برنج | ۱۰۸۸ |
| ۳ | کنجاله | ۸۵۳ |

| | | |
|---|-------------------------------|----------------------|
| ۴ | قطعات گوشت بی استخوان | ۷۷۵ |
| ۵ | قند و شکر از نیشکر | ۷۰۲ |
| ۶ | کل اقلام کشاورزی ^۱ | حدود ۱۰ میلیارد دلار |
| ۷ | مجموع واردات | ۶۴۴۵۰ |

جدول شماره ۱. سهم اقلام کشاورزی در کل واردات

با عنایت به نقطه ورود تبیین شده لازم است در موارد زیر برنامه ریزی لازم صورت پذیرد

۱. اصلاح الگوی مصرف و خانوار
۲. اصلاح الگوی مصرف و تولید کننده
۳. اصلاح الگوی مصرف و دولت
۴. اصلاح الگوی مصرف و نظام توزیع
۵. اصلاح الگوی مصرف و ضایعات
۶. اصلاح الگوی مصرف و قانون گذاری و نظارت (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۸)

هر یک از موارد ذیل بایستی به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد که خارج از حوصله این مقاله است. لکن در یک جمع بندی مختصر می توان گفت اصلاح نظام تولید و توزیع، اتخاذ سیاست های تجاری مناسب، تغییر بخشی از سبد مصرفی خانوار بر اساس جانشین سازی با کالاهای دیگر و نیز سیاست های تشویقی و حمایتی دولت می تواند نقش مهمی در اصلاح الگوی مصرف داشته باشد.

مصرف کالای ایرانی

ایجاد و توسعه صنایع به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله ی آن وجود تقاضای مناسب و مستمر برای محصولات تولیدی، دسترسی به سرمایه مالی کافی جهت راه اندازی و استمرار فرآیند تولید، همچنین داشتن دانش، تکنولوژی و نیروی انسانی ماهر جهت تولید می باشد.

بنابراین استفاده از ظرفیت تقاضای داخلی یکی از راهکارهای حمایت از ایجاد و توسعه تولیدات داخلی می باشد. از این رو کشورها معمولاً در حمایت از صنایع نوزاد و نوپای خود، سیاست های تجاری درون گرایی را وضع می نمایند. از نظر فردریک لیست^۱ اقتصاد

^۱ مشتمل بر جمع کل محصولات کشاورزی، صنایع غذایی و همچنین کود و سموم

دان مشهور آلمانی، کشورهایی که در مسیر صنعتی شدن می باشند بایستی سیاست های حمایتی مناسبی را برای صنایع داخلی خود

وضع نمایند (قدیری اصل، ۱۳۶۸: ۱۱۶)

وی در باب کشورهای در حال توسعه بیان می دارد:

تنها راه رشد، توسعه و نمو نیروهای تولیدی ملت های ضعیف، حمایت از ایشان در مقابل رقابت خارجی است. ولی این حمایت، باید نه

عمومی باشد و نه دائمی؛ بلکه باید به مرحله بسط و توسعه اقتصادی ممالک و پیدایش و نمو آن ها محدود گردد. (نهادوندی ۱۳۵۲:

۲۴۹)

بنابراین یکی دیگر از راهبردهای مقاوم سازی اقتصاد مصرف کالای ایرانی است، هم به جهت رشد و توسعه صنایع داخلی و هم به

جهت کاهش وابستگی به خارج در صورت تشدید تحریم ها. اینکه در چه کالاهایی و از طریق چه مکانیزم هایی بایستی اقدام به

ترویج مصرف کالای ایرانی نمود، خارج از حوصله این مقاله بوده و خود نیازمند پژوهشی جداگانه است.

اقتصاد مردمی

خصوصی سازی یکی از اجزاء برنامه های اصلاحات ساختاری است و فرآیندی است که بر طبق آن مالکیت شرکت ها و بطور کلی دارایی ها از

بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل می شود و این پدیده موجب می گردد به کارایی آن بنگاه و یا آن دارایی افزوده شود. (دانش جعفری،

۱۳۹۱)

البته از منظر بحث های نظری موضوع برتری مالکیت خصوصی نسبت به مالکیت دولتی یک بحث قدیمی است و محدود به بحث های دهه

های اخیر در مورد خصوصی سازی نمی شود. آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل می نویسد: « در هریک از ممالک پادشاهی اروپا، می توان با

فروش و یا اجاره املاک شاهی، مبالغ درآمد قابل توجهی برای دولت استحصال نمود. آثار چنین اقدامی قطعاً نسبت به وضعیت کنونی استفاده از

زمین ها توسط دربار بهتر است. اگر زمین های در اختیار دربار تبدیل به املاک خصوصی شود، قطعاً عملکرد آن ارتقاء پیدا می کند و کشت

محصولات کشاورزی در این زمین ها افزایش می یابد. (آدام اسمیت، ۱۷۴۴: ۸۲۴)

سیاست های خصوصی سازی در ایران پس از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ شتاب

گرفت.

یکی از راهبرد های اصلی اقتصاد مقاومتی خصوصاً با توجه به افزایش روز افزون تحریم ها در حوزه های تجاری، مالی، اطلاعاتی نفت و

حمل و نقل و ... استفاده از ظرفیت بخش خصوصی است. بر این اساس می توان بسیاری از حوزه های تحریمی را که دولت قادر به اداره

¹ Friedrich List



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

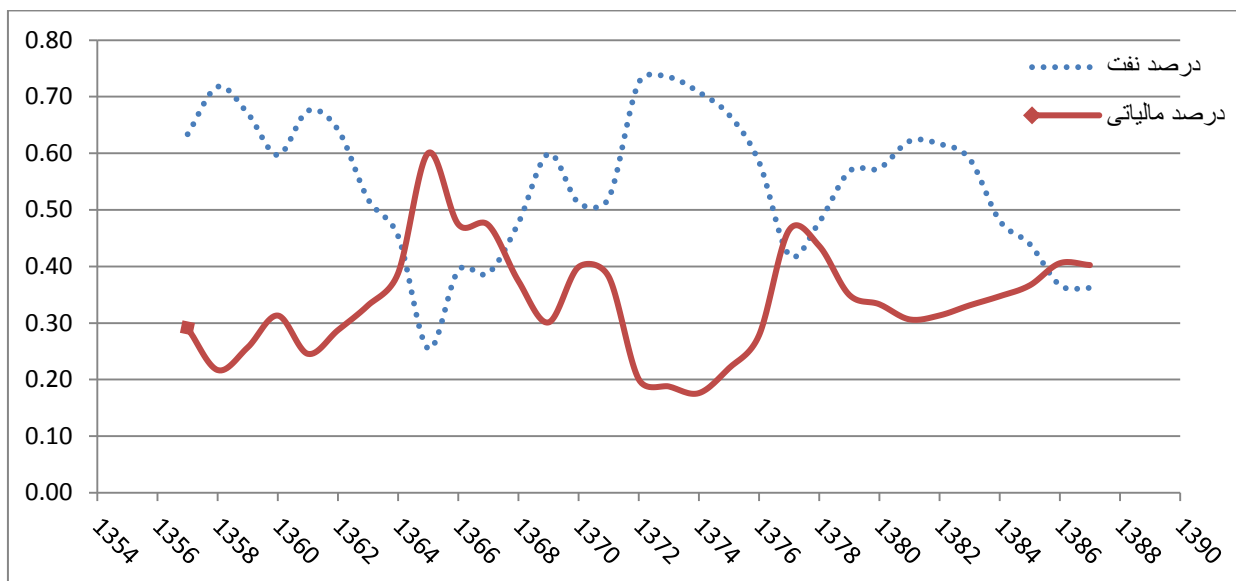
آن نیست به بخش خصوصی واگذار نمود. از طرف دیگر کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و ایجاد نوسانات قابل ملاحظه در بودجه دولت واگذاری بخشی از صنایع و خدمات را بیش از پیش لازم می سازد. واگذاری فروش و تبدیل نفت خام، تامین و انتقال ارز مورد نیاز کشور و ... نمونه هایی از این موارد است. لازم است در یک تحقیق تفصیلی در یک جمع بندی از حوزه های تحریمی و مشکلات بودجه ای دولت از یک طرف و سیاست های کلی اصل ۴۴ به عنوان راهنمای واگذاری به بخش خصوصی از طرف دیگر مجموعه های اولویت دار در واگذاری به بخش خصوصی احصا گردد.

کاهش وابستگی به درآمدهای نفت

اقتصاد دانان دلایل متعددی را جهت حضور دولت در اقتصاد بیان می کنند که از آن جمله می توان به ارائه کالای عمومی، مبارزه با انحصار، تنظیم بازارهایی با اطلاعات نامتقارن و ... اشاره نمود. بودجه دولت به عنوان سندی است که نشان دهنده برنامه ها و هدفهای دولت می باشد که از طریق منابع مختلفی تامین می شود لکن مالیات به عنوان یکی از مهمترین منابع تأمین درآمدی دولت ها به حساب می آید. (نیکویی اسکویی، ۱۳۸۸: ۴۰)

در بعضی کشورها منابع درآمدی دیگری نیز برای تامین مالی دولت ها وجود دارند. منابع طبیعی و مواد معدنی از جمله مهمترین منابع تامین مالی در اینگونه موارد است، در ایران نیز طی ۱۰۰ سال گذشته، همواره یکی از مهمترین منابع تامین مالی دولت، منابع حاصل از فروش نفت خام بوده است. شکل زیر درصد منابع نفتی و مالیاتی دولت را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ نشان می دهد. (بانک

اطلاعاتی سری های زمانی اقتصادی بانک مرکزی



شکل شماره ۱. درصد منابع درآمدی دولت از نفت و مالیات

همانطور که ملاحظه می شود به طور متوسط ۵۰٪ منابع درآمدی دولت به منابع حاصل از فروش نفت خام بستگی دارد. لکن به علت اینکه عمده درآمدهای حاصل از فروش نفت خام به شکل ارزی می باشد حضور بی قاعده این درآمدها در اقتصاد، مشکلات و ناهنجاری هایی را ایجاد می نماید. یکی از جدی ترین مشکلات احتمال بروز بیماری هلندی^۱ می باشد.

اصطلاح بیماری هلندی برای اولین بار در مجله اکونومیست لندن در نوامبر ۱۹۷۷ پدیدار شد و در واقع عنوان مقاله ای بود که در آن تأثیر درآمدهای ارزی حاصل از کشف و صادرات گاز طبیعی در دریای شمال (محدوده متعلق به هلند) بر اقتصاد این کشور بررسی شده است. (The Dutch Disease, 1977: 82-83)

به دنبال کشف گاز طبیعی در هلند، این کشور که واردکننده سنتی گاز بود به صادرکننده آن تبدیل و در نتیجه، عواید ارزی خارجی هنگفتی نصیب کشور مزبور شد. با این حال، متعاقب این رخداد، قیمت ها (به ویژه در بخش کالاهای غیرقابل تجارت) و نرخ ارز واقعی افزایش پیدا کرد. در نتیجه، تولیدکنندگان و صادرکنندگان هلندی قدرت رقابت پذیری و سهم شان از بازار جهانی را از دست دادند و رشد اقتصادی در این کشور، به شدت کاهش یافت. (De silva, 1994)

رونق نفتی و به طور کلی رونق در بخش منابع طبیعی صادراتی از چند طریق عملکرد اقتصادهای برخوردار از منابع طبیعی را متأثر می سازد که عمده ترین آنها عبارتند از:

¹ Dutch Disease

(۱) تحریک رفتارهای رانت جویانه و فساد اقتصادی، (۲) تضعیف حکمرانی و حاکمیت خوب، (۳) اثربجایی منابع تولید^۱ و (۴) اثر

مخارج^۲ (خضری، ۱۳۸۸: ۷۱)

علاوه بر مباحث یاد شده ایجاد نوسان در قیمت و صادرات نفت خام (آنچنانکه با تحریم نفتی ایران مبتلا به کشور می باشد) می تواند باعث ایجاد کسری های بودجه جدی در دولت شود که عواقب و مشکلات خاص خود را در اقتصاد کشور به همراه دارد. با عنایت به مشکلات مطرح شده و تشدید تحریم ها لازم است تا با رویکرد اقتصاد مقاومتی بر روی کاهش وابستگی بودجه به نفت اقدامات اساسی صورت پذیرد. بررسی فرمایشات مقام معظم رهبری در ۲۰ سال گذشته نیز، نشان دهنده تاکیدات مکرر ایشان به دولتمردان جهت خروج اقتصاد کشور از یک اقتصاد نفتی است.

بنابراین اصلاح ساختار دولت و نظام بودجه ای آن یکی از اولویت های اصلی اقتصاد مقاومتی می باشد. اصلاح نظام بودجه ریزی کشور بایستی بر اساس دو رویکرد ۱- کاهش هزینه ها ۲- افزایش درآمدها، صورت پذیرد.

در بخش اول، واگذاری بسیاری از دستگاه ها دولتی، صنایع و خدمات به بخش خصوصی و حرکت دولت به سمت بخش های نظارتی و قاعده گذاری توصیه می گردد و در بخش درآمدی نیز اصلاح نظام مالیاتی، توسعه پوشش نظام مالیاتی، توسعه برخی صنایع با ارزش افزوده بالا چون صنایع دانش بنیان و ... تنها مواردی است از اقداماتی که در چارچوب اقتصاد مقاومتی قابل انجام است. توضیحات مبسوط در این مورد خارج از حوصله این مقاله بوده و بایستی به شکل جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

مبارزه با مفاسد اقتصادی

مفاسد و جرائم اقتصادی از جمله مواردی است که تأثیری مستقیم در نا کارآمد کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصادی در عرصه فردی و اجتماعی دارد. این موضوع به خصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری می باشد. به عنوان مثال برخی از جرائم و مفاسد کلان اقتصادی به شرح زیر می باشد:

دریافت تسهیلات غیر مجاز بانکی، عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی، تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و نظارت بر عدم انحراف آنها، پولشویی، رشا و ارتشاء، اختلاس (بویژه در نزد مدیران ارشد دستگاه های دیوانسالاری و دیوانسالاران) و ... که خود

سبب بروز حجم بسیاری از جرائم کوچکی است که توسط مجرمان خرده پا بروز می کند. (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۳)

¹ The resource movement effect

² The spending effect

تشدید تحریم ها شرایط اقتصادی کشور را از جهات گوناگونی از جمله حوزه مفاسد اقتصادی دچار دگرگونی کرده است. برخی از این موارد که بر اساس آن بایستی به بازطراحی سیاست ها و سازوکارها اقدام نمود به شرح ذیل می باشد:

۱. عدم شفافیت در آمار و عملکرد بسیاری از دستگاه های دولتی (کاهش نظارت همگانی و کارشناسی)
۲. تشدید اثرات فساد و ناکارآمدی اقتصادی بعضی از مدیران بر اقتصاد کشور به علت افزایش ضربه پذیری اقتصاد بابت تحریم ها
۳. بروز مشکلات در نقل و انتقالات ارز به علت تحریم های مالی و افزایش زمینه برای مفسدین اقتصادی جهت پولشویی
۴. کاهش میزان قاچاق کالا به علت افزایش نرخ ارز بر اثر تحریم های مالی و نفتی
۵. افزایش زمینه جهت واگذاری بسیاری از فعالیت های شبه ناک دستگاه های دولتی به بخش خصوصی چون فروش نفت
۶. سهمیه بندی بعضی اقلام و کالاها و چند نرخ گشتن نرخ ارز که زمینه بروز فساد را افزایش می دهد
۷. ایجاد نوسان در نرخ ارز و سوء استفاده بعضی از فروشندگان در افزایش قیمت ها در صورت نبود سیستم نظارتی کارآمد

اصلاح سیاست های تجاری با توجه به تحریم های تجاری و مالی

مجادله درباره تأثیر سیاست تجاری بر رشد اقتصادی از پیشینه طولانی برخوردار است. مرکانتی لیست ها اتخاذ سیاست های محدودکننده واردات را تشویق میکردند. در قرن هجدهم الکساندر هامیلتون در امریکا و در قرن نوزدهم میلادی فریدریک لیست در آلمان وضع تعرفه های وارداتی بر واردات کالاهای انگلیسی (قدرت اقتصادی آن زمان) را برای رشد صنایع کارخانه ای داخلی توصیه میکردند. در اواخر قرن نوزدهم بر جانشینی واردات^۱ تأکید می شد (Irwin, 2000a). اروک (O' Rouck, 2000)، کلمنس و ویلیامسون (Clemence & Williamson, 2001) و ایروین (Irwin, 2000b) همبستگی مثبت بین تعرفه های وارداتی و رشد اقتصادی را برای اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تأیید کرده اند. پس از جنگ جهانی دوم دیدگاهی بین اقتصاددانان، سیاست گزاران و برخی نهاد های بین المللی شکل گرفت که بر اساس آن اتخاذ سیاست جانشینی واردات سریع ترین راه صنعتی شدن و رشد اقتصادی است. بدین ترتیب سیاست جانشینی واردات طی دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محور راهبردهای توسعه اقتصادی شد. (سلمانی،

۱۳۸۳: ۴۰)

استراتژی دیگر استراتژی توسعه صادرات^۲ می باشد که عده ای معتقد بر اتخاذ این رویکرد در سیاست های تجاری می باشند.

^۱ Import Substitution

^۲ Export Promotion

طی سالهای بعد از انقلاب و به خصوص طی ۱۰ سال اخیر، فشار تحریم ها بر ایران شدت گرفته است. اثرگذاری این تحریم ها خصوصا در حوزه ی تجاری، لازم می نماید تا تحریم را به عنوان یک متغیر برون زای اثر گذار بر وضعیت تجاری در نظر گرفت و سیاست های تجاری را بازنویسی نمود.

با توجه به تشدید تحریم ها از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، بایستی در قالب یکی از دو بند ذیل اقدام به تغییر سیاست های تجاری نمود:

- تغییر شرکای تجاری و افزایش سطح مبادلات با کشورهای هم پیمان سیاسی و همسایه
- اتخاذ سیاست جایگزینی واردات در بعضی اقلام حساس و کالاهای اساسی

لازم به ذکر است وضعیت تجاری ایران با کشورهای پیرامونی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. جدول ذیل وضعیت تجاری ایران با کشورهای همسایه را طی سالهای ۸۹ و ۹۰ نمایش می دهد.

| کشورهای همسایه | واردات | | صادرات | | تجارت | | تغییرات | تغییرات | تغییرات |
|----------------|--------|-------|--------|-------|-------|-------|---------|---------|---------|
| | 1389 | 1390 | 1389 | 1390 | 1389 | 1390 | | | |
| امارات | 21149 | 17435 | 3313 | 4515 | 24462 | 21950 | -3714 | 1202 | -2512 |
| ترکیه | 3972 | 3075 | 1063 | 1433 | 5035 | 4508 | -897 | 370 | -527 |
| سوریه | 29 | 26 | 516 | 365 | 545 | 391 | -3 | -151 | -154 |
| عمان | 158 | 73 | 107 | 100 | 265 | 173 | -85 | -7 | -92 |
| پاکستان | 382 | 256 | 546 | 621 | 928 | 877 | -126 | 75 | -51 |
| بحرین | 31 | 16 | 28 | 9 | 59 | 25 | -15 | -19 | -34 |
| عربستان | 188 | 139 | 75 | 109 | 263 | 248 | -49 | 34 | -15 |
| ارمنستان | 40 | 33 | 112 | 107 | 152 | 140 | -7 | -5 | -12 |
| قطر | 17 | 7 | 73 | 77 | 90 | 84 | -10 | 4 | -6 |
| یمن | 0 | 0.02 | 31.51 | 28.78 | 31.51 | 28.8 | 0.02 | -2.73 | -2.71 |
| گرجستان | 18 | 8 | 55 | 67 | 73 | 75 | -10 | 12 | 2 |
| کویت | 115 | 93 | 95 | 136 | 210 | 229 | -22 | 41 | 19 |

| | | | | | | | | | |
|------|------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-----------|
| 20 | 31 | -11 | 213 | 193 | 195 | 164 | 18 | 29 | تاجیکستان |
| 23 | 97 | -74 | 503 | 480 | 465 | 368 | 38 | 112 | آذربایجان |
| 28 | 129 | -101 | 575 | 547 | 526 | 397 | 49 | 150 | ترکمنستان |
| 56 | 15 | 41 | 214 | 158 | 76 | 61 | 138 | 97 | ازبکستان |
| 788 | 710 | 78 | 5271 | 4483 | 5150 | 4440 | 121 | 43 | عراق |
| 820 | 935 | -115 | 3929 | 3109 | 2750 | 1815 | 1179 | 1294 | هند |
| 859 | 860 | -1 | 2207 | 1348 | 2197 | 1337 | 10 | 11 | افغانستان |
| -790 | 4330 | -5120 | 41640 | 42431 | 18926 | 14596 | 22714 | 27835 | جمع |

جدول شماره ۲. وضعیت تجارت ایران با کشورهای پیرامونی (منبع: گمرک ج.ا.ا)

همانطور که مشاهده می شود حدود ۱/۳ واردات کشور از حوزه های پیرامونی است که در مورد بعضی کشورها در سال ۹۰ روند نزولی نیز داشته است. اتخاذ رویکردهایی که منجر به افزایش مراودات با این کشورها شود مطمئنا در صدر پیشنهادات تجاری به منظور مقاوم سازی اقتصاد به حساب می آید. بخشی از پیشنهادات سیاستی جهت افزایش مراودات در ذیل آورده شده است:

۱. احداث شهرک های صنعتی مشترک در مناطق مرزی
۲. توسعه بازارچه های مرزی و تسهیل نقل و انتقال در آن از طریق استفاده از ظرفیت های ترانزیتی
۳. حذف برخی از مدارک لازم جهت مبادلات تجاری و افزایش شاخص آزادی تجاری^۱ در مورد کشورهای هدف
۴. استفاده از ظرفیت مناطق آزاد
۵. ایجاد اتحادیه های گمرکی

بازتوزیع ثروت بر اساس مدل های کاهش سطح فقر

یک از فاکتورهای اساسی در مقاوم سازی اقتصاد، افزایش مقاومت در سطح عواملان اقتصادی می باشد، که به طور قطع نتیجه طبیعی آن کاهش سطح فقر در بین جامعه است. در زمینه تعریف فقر مکاتب مختلف تعاریف متعددی را ارائه نموده اند. به عنوان مثال در تعاریف سنتی، فقر عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می شود. (بانک جهانی ۱۹۹۰، گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۰). البته بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱ خود مفهوم فقر را به گونه ای بسط داد که محرومیت

¹ Trade Freedom

مادی، محرومیت از آموزش و بهداشت، آسیب پذیری و در معرض خطر بودن، بی پناهی و بی نوایی را نیز در بر می گیرد. (بانک

جهانی، ۲۰۰۰-۲۰۰۱: ۱۳)

از نظریات مارکسیست ها و اقتصاد دانان کلاسیک درباره علل فقر که بگذریم امروزه با تحول در نظریه های توسعه اقتصادی، مبحث توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته و سازمان ملل نیز هر ساله گزارشی را تحت این عنوان منتشر می سازد. در این گزارش توسعه انسانی به صورت یک شاخص مرکب مشتمل بر سه عامل سطح درآمد سرانه، برخورداری از آموزش و سلامت اندازه گیری می شود و در عین حال توزیع درآمد و

برابری جنسیتی نیز مورد توجه قرار می گیرد. (هادی زوز، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۳)

با توجه به ویژگی های گروه های فقیر در ایران، اکثر محققین بر این ایده اتفاق نظر دارند که بیکاری مهمترین عامل فقر در ایران می باشد و

اکثریت گروه های فقیر را خانواده های فاقد فرد شاغل تشکیل می دهند. (پروین، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۹)

از این رو پیاده سازی سیاست هایی که منجر به افزایش اشتغال در دهک ها و طبقات پایین دست جامعه گردد بایستی محور اساسی در طرح ریزی های سیاستی قرار گیرد. در حوزه توزیع درآمد نیز طراحی سیستم های مالیاتی مناسب از یک سو و توزیع مناسب یارانه ها از سوی دیگر می تواند به باز توزیع ثروت در جامعه و کاهش اختلاف طبقاتی کمک شایانی بنماید.

آنچه از منظر اقتصاد مقاومتی مبنای مبارزه با فقر قرار می گیرد نوع نگاه به پدیده فقر است. در اکثر مطالعات در زمینه تعریف فقر و تبیین شاخص هایی برای اندازه گیری فقر، تلاش های مناسبی صورت گرفته است. لکن در بحث مبارزه با فقر مساله این است که فقر را از چه جنسی بدانیم؟ البته تلاش هایی که جهت توزیع مجدد درآمد و پرداخت یارانه به اقشار آسیب پذیر صورت می گیرد به جای خود لازم است، لکن به نظر نگارنده فقر بیشتر از جنس ندانستن و نتوانستن است تا از جنس نداشتن. از این منظر، خصوصا با توجه به تحقیقات صورت گرفته که بیکاری را جزو عوامل بسیار جدی بر پدیده فقر در ایران می داند بعضی سیاست های سازمان های حمایتی از جمله کمیته امداد محل تردید جدی است. چرا که برخی مشاهدات میدانی از مناطق تحت پوشش کمیته امداد نشان می دهد کمک های نقدی این سازمان، به شکل قابل توجهی بر میزان بیکاری در بین خانوارهای منطقه موثر بوده است. فلذا کاهش سطح فقر و نابرابری های اجتماعی و توزیع ثروت و فرصت ها از اصول اساسی اقتصاد مقاومتی است و با این نوع نگاه افزایش آموزش و خلق فرصت هایی جهت رشد و شکوفایی اقشار آسیب پذیر بایستی در راس سیاست های اقتصادی و فرهنگی دولت قرار گیرد.

بازسازی سیستم پولی (تقویت پول ملی - مدل های جدید در تجارت)

امروزه بیش از ۶۰٪ مبادلات بین المللی با واحد پول ایالات متحده انجام می شود. این امر علاوه بر اینکه منافع عظیم ناشی از درآمدهای دلاری سایر کشورها را به اقتصاد امریکا ارزانی داشته است (نریمانی، ۱۳۸۹)، امکان استفاده ابزاری از دلار را برای این کشور فراهم نموده است.

رشد و توسعه تجارت بین‌المللی طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، موجب افزایش تقاضای مبادلاتی برای یک واحد پول بین‌المللی گردید و از آنجا که بعد از کنفرانس برتون وودز دلار آمریکا به عنوان واحد پول بین‌المللی شناخته شد، لذا تقاضای دلار به عنوان یک ارز جهان‌روا افزایش یافت. به دلیل افزایش تقاضای مبادلاتی دلار، این امکان برای آمریکا فراهم بوده است تا برای پاسخگویی به تقاضای روزافزون مبادلاتی پول بین‌المللی، دست به خلق اعتبار و انتشار واحد پول خود بزند. این فرایند از طریق خریدهای گسترده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و به خصوص بعد از برچیده شدن یکجانبه نظام پایه طلا توسط ایالات متحده، تحقق یافته است (نریمانی، ۱۳۸۸).

محوریت دلار در نظام مالی بین‌المللی باعث شده است تا ایالات متحده و خصوصاً نیویورک به مهم‌ترین بازار خدمات مالی جهانی تبدیل شود. همچنین از آنجا که انجام معاملات به واحد پول هر کشوری مستلزم نظارت بانک مرکزی آن کشور است تا خلق پول، خارج از کنترل بانک مرکزی صورت نگیرد؛ لذا مبادلات تجاری به دلار در سراسر جهان تحت کنترل و نظارت بانک مرکزی آمریکا، فدرال رزرو، صورت می‌گیرد. به طوریکه تمام مبادلات دلاری تحت نظارت فدرال رزرو تسویه می‌شود.

بعد از کنفرانس برتون وودز و فراگیر شدن مبادلات بین‌الملل به دلار آمریکا، این امکان برای ایالات متحده فراهم شده است تا بتواند به دلایل سیاسی کشورهای مورد مخاصمه خود را تحریم اقتصادی کند و مانع از انجام مبادلات تجاری آن کشور با سایر کشورها شود و از آنجا که شبکه بانکی بین‌المللی نقش گلوگاه را برای تجارت بین‌الملل ایفا می‌کند، استفاده از این ابزار برای ایالات متحده در عین حالی که هزینه‌های کمی دارد با اثر بخشی حداکثری همراه است.

بیان تاریخچه ای از تشکیل نهادهای پولی بین‌المللی و تقویت دلار به عنوان ارز جهان‌روا از این منظر اهمیت دارد که مهمترین ابزار آمریکا را در اعمال و نظارت بر اجرای تحریم‌ها نشان می‌دهد.

بر اساس این مکانیزم، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی خزانه داری^۱، قانون منع سرمایه‌گذاری و تجارت علیه ایران را از سال ۷۶ به بعد تصویب و اجرا نمود. البته آمریکا به مرور زمان و براساس سیاست تشدید تحریم‌ها بر علیه ایران، انواع دیگر تحریم‌های مالی را علیه ایران به اجرا گذاشته است

بنابراین در شرایطی که یکی از مصادیق تحریم‌ها کنترل مبادی و مقاصد و مبالغ ارزهای انتقالی بین کشورهاست، طراحی روش‌های تامین و نقل و انتقال ارز به منظور تجارت و سرمایه‌گذاری بایستی در صدر راهبردهای اقتصاد مقاومتی قرار گیرد.

از این منظر تثبیت موقعیت پول ملی در قبال ارزهای خارجی، تقویت سبد ارزی کشور، انجام معاملات کالایی پایاپای و یا تشکیل اتاق پایاپای ارزی با کشورهای دوست و همچنین تشکیل شبکه‌های بانکی مشترک با کشورهای دوست و هم‌پیمان، جابجایی نقدی ارز، تخصیص ارز

¹ Office Of Foreign Asset Control (OFAC) Department of Treasury

ناشی از صادرات به مشتریان متقاضی واردات کالا در خارج از کشور و ... می تواند به عنوان محورهای اصلی در طراحی سیاست های ضد تحریمی قرار گیرد. البته هر یک از محورهای فوق نیازمند توضیحات مفصل و مبسوطی است که خارج از حوصله این مقاله است.

حرکت از اقتصاد منبع محور به سمت اقتصاد دانش بنیان - توسعه شرکت های دانش بنیان

اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکتهای دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱)

تاسیس پارک های علم و فناوری، مراکز رشد و انکوباتورها، تشکیل فنبازارها و تشکیل حلقه های نظام ملی نوآوری، مجموعه اقداماتی را تشکیل می دهد که فعالیت های تولید علم در کشور را به نوآوری و تولید محصولات و خدمات جدید گره می زند و موجبات تولیدات کیفی با ارزش افزوده بالا می شود و بتدریج از اقتصاد وارداتی به اقتصاد درونزا مبتنی بر دانش و فناوری های نو تبدیل می شود. در کشور ما نیز اقدامات گسترده ای برای فعالیت های تحقیق و توسعه و نوآوری شکل گرفته بگونه ای که بخشی از دستاوردهای آنها به مرحله تجاری سازی و کسب سهم بازار رسیده است.

باز توزیع منابع یارانه ای سهم صنعت و بنگاه های تولیدی و خدماتی

هدفمند کردن یارانه ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها میتواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه ی رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه ی اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین المللی پیدا میکند. این کار بایستی به انجام برسد.

آزاد سازی نسبی قیمت حاملهای انرژی، موجب افزایش قیمت تمام شده آندسته از کالاها و خدماتی می شود که تولید و تأمین آنها نیاز به مصرف انرژی دارد. لذا سهم یارانه های ناشی از آزادسازی نسبی سطح قیمت حاملهای انرژی که طبق قانون باید به بخش صنعت و بنگاههای اقتصادی تعلق گیرد، باید توسط مسئولین ذیربط چاره اندیشی و مورد اقدام قرار گیرد تا آنان نیز با نقدینگی ناشی از آن بتوانند برای بهینه سازی و صرفه جویی در مصرف انرژی واحدهای تحت مدیریت خویش اقدام نمایند.

افزایش بهره‌وری عوامل تولید (کاهش زمان انجام پروژه‌ها)

استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرحهائی که سالهای متمادی طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱)

از آنجا که هر چه پروژه‌های ناتمام در کشور افزایش یابد، از یک سو باعث افزایش قیمت تمام شده پروژه و آغاز استهلاک و تخریب زودرس بناها و مستحدمات پروژه می‌شود و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری‌هایی که بهره‌برداری از آنها بتعویق بیفتد، موجب تورم در جامعه و عدم اشتغال بموقع برای متقاضیان کار می‌شود، لذا بایستی برای حل مشکلات اقتصادی کشور با یک حکم حکومتی، هیأتی نسبت به اولویت بندی پروژه-های ناتمام برای تسریع در سرمایه‌گذاری اقدام نموده و جلوی کلنگ زنی و آغاز پروژه‌های جدید گرفته شود. از طرفی عدالت سرزمینی اقتضا دارد، اولویت‌بندی پروژه‌ها بر اساس آمایش سرزمینی صورت پذیرد.

ثبات نسبی در قوانین و سیاست‌ها و حرکت بر اساس برنامه

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این راه، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاستهای اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

ضمن آنکه اصل بر ثبات در قوانین و سیاستها و حرکت بر اساس برنامه‌ها است، لیکن در شرایط خاص و خصوصاً با توجه به تصمیمات زود به زود و پیاپی دشمن و تغییر تاکتیکها و افزایش مصادیق تحریمها از سوی نظام سلطه بایستی ستاد تدابیر ویژه بصورت ویژه در صحنه حضور داشته باشد و در راستای پاسخگویی بموقع به تحریمها و موارد استثنائی عمل نماید و این موضوع ممکن است منجر به تغییر سیاستها و یا برنامه‌ها و یا حتی استثناء قائل شدن برای قوانین و مقررات جاری شود. در این راستا ممکن است، ترکیب ستاد تدابیر ویژه نیاز به ترمیم و حضور نمایندگان از قوای مقننه و قضائیه نیز داشته باشد که با صلاحدید مقام معظم رهبری باید عمل شود.

افزایش اشتغال و کارآفرینی در بخش‌ها با ارزش افزوده بالا

این تحریم‌ها دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹)

یکی از مسایل اساسی کشور حفظ اشتغال و توسعه کارآفرینی برای افراد جویای کار در جامعه می باشد. بدیهی است در مواجهه با آثار تصمیمات دشمن و اعمال تحریم ها ممکن است عده ای نیز در شرف بیکاری قرار گیرند و یا سهم تأمین منابع مالی برای سرمایه گذاری از منابع خارجی دچار محدودیت هایی شود، در چنین شرایطی است که باید تدابیر و سیاستها را بگونه ای تجدید نظر نمود تا تأمین اجتماعی به حمایت از افرادی- که بیکار می شوند، بر آید، از منابع صندوق توسعه ملی برای سرمایه گذاریهای جدید متتها در حوزههای دارای ارزش افزوده بالاتر و دارای طرح اقتصادی پر بازده استفاده شود و فرصتها از دست نرود.

به مخاطره انداختن بهره برداری از امنیت انرژی منطقه توسط آمریکا و اروپا

اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد، و بقیه‌ی چیزهایی که مورد نیاز کشور است. (همان)

راه کارهای برون رفت از تحریم و توسعه اقتصاد مقاومتی

۷,۱. تقویت بلوک های منطقه ای از قبیل:

- اتحاد آسه آن و چین
- اتحادیه اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین(آلبا)
- اتحادیه اکو
- اتحادیه کشورهای آفریقا

۷,۲. تقویت سیستم های مالی موازی دلار

- جایگزینی دلار توسط واحد پولی صندوق بین المللی پول یا همان SDR
- ایجاد نظام های ارزی منطقه ای
- موافقت نامه های پایاپای ارزی
- ایجاد استاندارد کالایی برای پول

۳,۵. فروش نفت و گاز در بورس نفت و بورس گاز بر پایه ریال

- برخورداری از تجربه جهانی در این زمینه:

تجربه کشور نروژ در فروش نفت به واحد پول ملی اش(کرون)

برنامه ریزی روسیه برای فروش نفت بر حسب روبل در بورس نفت سن پترزبورگ

- همراه سازی کشورهای تولیدکننده نفت برای فروش نفت در بورس های یکدیگر
- فروش نفت ایران در بورس نفت سن پترزبورگ روسیه و متقابلاً فروش نفت روسیه در بورس نفت کیش ایران
- ۷,۴. افزایش اعتبار پول ملی در عرصه بین الملل
- ۷,۵. افزایش امنیت سرمایه گذاری خارجی بویژه در حوزه نفت و گاز
- ۷,۶. امکان انتشار اوراق قرضه با پشتوانه نفت برای سرمایه گذاری های جدید و توسعه میادین نفت و گاز کشور
- ۷,۷. شفاف سازی ساز و کار فروش نفت خام، پیشگیری از تخلفات و فساد احتمالی از سوی شرکت های خارجی و انجام تباری
- ۷,۸. کنترل بخشی از بازار نفت توسط کشورهای صادرکننده نفت
- ۷,۹. ایجاد زمینه برای قیمت گذاری نفت به واحد پول ملی کشورهای صادرکننده و کاهش تقاضای مبادلاتی دلار
- شکل گیری قیمت های جدید و رقابتی در بازار نفت
- ۷,۱۰. توسعه خدمات جانبی بورس نفت از قبیل بیمه، بانک، حمل و نقل و ...
- ۷,۱۱. ایجاد بورس بین المللی مواد
- فروش آلومینیوم، فولاد، مس و ... در بورس مواد
- ۷,۱۲. ایجاد شبه پول جدید بین المللی بر پایه انرژی و مواد
- جایگزینی سهام و اوراق عرضه شده در بورس های انرژی و مواد با ارزهای بین المللی همچون دلار
- انجام معاملات اقتصادی داخلی و خارجی با استفاده از سهام و اوراق بورس های انرژی و مواد
- ۷,۱۳. انجام مبادلات اقتصادی با پول کشورهای مقابل یا تجارت با طرف های خارجی بر پایه پول های دو جانبه
- ۷,۱۴. مبادلات تهاتری
- استفاده از اوراق ضمانتی مانند برات در انجام معاملات: بازار تهاتری ایرانیان
- ۷,۱۵. ایجاد بیمه بین المللی تجارت و دریانوردی
- تأسیس بیمه چندملیتی با مشارکت کشورهای BRICS و ایران
- تأسیس یک بیمه چندملیتی در اتحادیه شانگهای با مشارکت ایران
- ۷,۱۶. بهره برداری از موقعیت ژئوپلیتیک ایران
- ۷,۱۷. ایجاد وابستگی های متنوع اقتصادی با کشورهای منطقه
- خرید نفت و گاز طبیعی از کشورهای اطراف

- بهره گیری از موقعیت استراتژیک جغرافیایی ایران در انتقال انرژی
 - خرید گاز ترکمنستان، آذربایجان، قطر و ایفای نقش بازیگر بزرگ انرژی در جهان
 - خرید گندم و جو مازاد روسیه، قزاقستان و صادرات گوشت و محصولات باغی به آنها
 - خرید برنج مازاد از پاکستان به جای خرید از ویتنام، تایلند و ...
 - اتصال خطوط ریلی کشور به کشورهای همسایه شامل پاکستان، آذربایجان و ...
- ۷,۱۸ ورود به بازار جهانی مواد و تجهیزات پیشرفته
- حمایت اعتباری از شرکت های دانش بنیان و بنگاه های اقتصادی کشور به منظور ورود در مناقصات بین المللی
 - اختصاص یارانه و ارایه قیمت های بسیار نازل در فروش مواد و تجهیزات پیشرفته
- ۷,۱۹ ایجاد شبکه انتقال پیام مالی بین المللی
- راه اندازی شبکه ای موازی شبکه سوئیفت
- ۷,۲۰ ایجاد بازار ارزی موازی بازار فارکس
- تعیین نرخ های مبادله ارزی مستقل از بازار فارکس
- ۷,۲۱ دیپلماسی و جنگ روانی
- تبلیغات گسترده در بستن تنگه هرمز با عنایت به هدف آمریکا در منطقه خلیج فارس (آرامش یا تنش) منافع آمریکا به جهت امنیت انرژی متقارن با آرامش منطقه است یا با تنش آن
- در ۳۵ سال اخیر ۷ کشور عمده تولید کننده اوپک از طریق آمریکا تحریم شده اند کشورهایی همچون ونزوئلا ، آنگولا، عراق ، لیبی ، نیجریه ، ایران و اکوادور که باید مشخص شود هدف آمریکا از تحریم بیش از ۳۵٪ ذخایر نفتی جهان چه بوده است. که مشخص می کند تحریم بخشی از سیاست های آمریکا جهت امنیت انرژی می باشد که از توسعه میداین جلوگیری و مدیریت توزیع و تولید را داشته باشد
- ۷,۲۲ استفاده از ظرفیت مردم
- فروش نفت به مردم در قالب قراردادهای آتی به صورت ریالی و هزینه کرد آن در پالایشگاه های ناتمام و یا احداث پالایشگاه های کوچک

۷،۲۳ استفاده از ظرفیت کشورها بدون تبادل پول

- خرید پالایشگاه ، پمپ بنزین ، پتروشیمی در کشورهایی که پول ایران در آن قرارداد و قادر به پرداخت آن نیست مثل روسیه ، چین و هند، که از این طریق ایران نفت خود را جهت صادرات به پالایشگاه خود در کشورهای ثالث برده و اقدام به تولید فراورده و صادرات آن نماید.(مصادق: فروش پالایشگاهی در مالزی)

۷،۲۴ ایجاد بازارهای جدید

- استفاده از ظرفیت پایین بسیاری از کشورها مثل چین در ذخیره استراتژیک
- ایجاد شبکه های بازاریابی گسترده و ورود بخش خصوصی جهت فروش

جمع بندی و نتیجه گیری

بنابر آنچه گفته شد، نتیجه گیری می شود که نبرد میان حق و باطل یک نبرد همیشگی است و تا زمانی که ایران طلایه داری جبهه حق را بر عهده دارد آماج تحریم های پی در پی خواهد بود که ضرورت طراحی یک اقتصاد مقاومتی با مولفه ها و نقاط تمرکز جدید را بیش از پیش نمایان می سازد. در این میان دو راهبرد اساسی جهت مقابله وجود خواهد داشت. یک راهبرد استفاده از راهکارهای کوتاه مدت و موقتی است که اگرچه منفعلانه بوده و اعمال آن روز به روز سخت تر می گردد، لکن در بعضی موارد راه گشاست. راهبرد دوم که راهبرد اساسی و بلند مدت می باشد، توجه به ظرفیت های کشور و اعمال راهکارهای بلند مدتی است که منجر به استقلال اقتصادی کشور گشته و زمینه ساز تشکیل اقتصاد مقاومتی است. در این میان مواردی چون، اصلاح الگوی مصرفی مردم و دولت، ایجاد الزامات اساسی جهت توسعه خرید کالای ایرانی، مردمی کردن اقتصاد، طراحی نوین در بودجه های سنواتی دولت بر اساس رویکرد کاهش هزینه ها و طراحی منابع نوین درآمدی که زمینه ساز کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفت می باشد، بازتعریف روابط تجاری بر اساس منافع ملی و ... به عنوان محورهای اصلی طراحی اقتصاد مقاومتی توجه و بازبینی قرا گرفتند.

فهرست منابع و ماخذ

- آذری و همکاران، مصطفی (۱۳۸۷). تحریم اقتصادی: آثار و پیامدها، سیاست ها و راهکارها، موسسه تدبیر اقتصاد، ۷-۱۰
- اسماعیلی، بابک (۱۳۸۷). شکست تروریسم مالی غرب علیه ایران؛ تعامل در تقابل، روزنامه کیهان، <http://vista.ir/article/365148>
- بانک جهانی (۱۳۸۱). گزارش توسعه سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۱، مبارزه با فقر، ترجمه معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهران: انتشارات سازمان برنامه ریزی و مدیریت کشور. صفحه ۱۳
- بانک اطلاعاتی سری های زمانی اقتصادی بانک مرکزی، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، www.tsd.cbi.ir
- پروین، سهیلا (۱۳۸۶). تاثیر رشد اقتصادی بر فقر در اقتصاد ایران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۶ صفحات ۹۸-۹۹
- پیغامی، عادل (۱۳۹۰). تعریف اقتصاد مقاومتی، www.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹). بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، www.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، www.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار کارگزاران نظام، www.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش بنیان، www.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، www.khamenei.ir
- خضری، محمد (۱۳۸۸). بیماری هلندی و ضرورت استفاده درست از درآمدهای نفتی، فصلنامه مطالعات راهبردی سال دوازدهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۴۶، ص ۷۱
- زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، نشریه کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، شماره ۷، ص ۳۳
- زمانی، هادی (۲۰۰۷). کارایی سیاست تحریم اقتصادی و چشم انداز قطعنامه شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی، لندن، انتشارات hz، ص ۳۱
- داوودی، پرویز (۱۳۷۴). اقتصاد خرد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۲-۲۰۸



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

داوود دانش جعفری، (۱۳۹۱). خصوصی سازی چگونه موجب پیشرفت اقتصادی می شود؟، خبرآنلاین،

www.khabaronline.ir/detail/234747/weblog/daneshjafari

سلمانی، بهزاد، یآوری، کاظم (۱۳۸۳). سیاست تجاری و رشد اقتصادی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، فصلنامه پژوهش های بازرگانی، شماره

۳۰، ص ۴۰

شیرخانی، محمدعلی، قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷) هژمونیسیم تجاری آمریکا: شرایط دوره پس از جنگ سرد، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۲،

۱۶۷-۱۶۸

صادقی یارندی، سیف اله و مسعود طارم سری (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجاری بین الملل و سازمان جهانی تجارت، تهران، موسسه

مطالعات و پژوهش های بازرگانی، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی

عزتی، مرتضی (۱۳۸۸). درباره اصلاح الگوی مصرف (۱) ابعاد اصلاح الگو، مرکز پژوهش های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی، گزارش شماره

۹۶۳۶: ۱۳-۱۸

قدیری اصل، باقر (۱۳۶۸). سیر اندیشه های اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۱۶.

گمرک جمهوری اسلامی ایران، گروه تحلیل های آماری (۱۳۹۰). آمار مقدماتی تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران دوازده ماهه ۱۳۸۹،

شماره گزارش: ۹۰۱۰۱۴۰۰۱

محمود واعظی، (۱۳۹۰). علل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات راهبردی، www.isjournals.ir/fa/special-article

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). مشخص نبودن تاثیر تحریم های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران و لزوم بازبینی

آن، ترجمه نجمه رضایی نیک، گزارش شماره ۸۹۳۴.

میثم نریمانی، (۱۳۸۹). جایگاه دلار در نظام آینده پولی بین المللی، ارائه دسته بندی از گزینه های پیش رو، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۱۶۷،

<http://www.magiran.com/>

میثم نریمانی، (۱۳۸۸). چشم انداز اقتصادی شرایط اقتصادی پیش روی آمریکا، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۹۸۳، <http://www.magiran.com/>

نهبانندی، هوشنگ (۱۳۵۲). تاریخ مختصر عقاید اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۴۹.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

نیکی اسکویی، کامران، اسدا... زاده بالی، میر رستم، زمانیان، محبوبه (۱۳۸۸). بررسی نقش مالیات در کسری بودجه دولت، فصلنامه تخصصی مالیات/دوره جدید/شماره پنجم(مسلسل 53)، ص ۴۰

هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۴). فقر و نابرابری درآمدی در ایران، نشریه رفاه اجتماعی، ۱۷۰-۱۷۳

یاوری، کاظم، محسنی، رضا، آثار تحریم های تجاری و مالی در اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱، ۱۳۸۹، ۱۳-۱۴

Clemence, M.A., Williamson, J. (2001a); "Tariff Growth Paradox? Protection's Impact the World Around 1857 – 1997", NBER Working Paper, No.8459.

De Silva, K. Migara O. (1994), *The Political Economy of Windfall: The Dutch Disease (Theory and Evidence)*, Center in Political Economy, Washington University

Ferrier Ronald, (1982), *The History of the British Petroleum Company*, Cambridge University Press, 454

Irwin, D.A. (2000a); "Did Import Substitution Promote Growth in the Late Nineteenth Century?", NBER Working Paper, No.8571.

Irwin, D.A. (2000b); "Interpreting the Tariff Growth Correlation of the Late Nineteenth Century", NBER Working Paper, No.9739.

Lopez George and A. David. *Cortright: Sanction Sava, An Alternative to Military Intervention*, The Flecher Forum, Fase/3/385-404, 1995

Lyman Miller, (2005), *China an Emerging Superpower?*, Stanford Journal of International Relations, www.stanford.edu

Meron, Jil, "Democraey, Dendency, and Destabilization: The Shaking of Alendes Regim", *Political Science Quarterly*, Vol. 105, No. 1. 1990

O' Rouck, K.H. (2000); "Tariffs and Growth in the Late 19th Century" *Economic Journal*, 110:456- 483.

Smith, Adam (1744). *An Inquiry Into The Nature And Cause Of The WEALTH OF NATIONS*, London, W. Strahan and T. Cadell

The Dutch Disease, (November 26, 1977), *The Economist*, pp. 82-83.

فرصتهای ایجاد شده برای اصلاحات اقتصادی در اثر تحریم نفت و گاز

سید علی روحانی

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تهران

چکیده

تحریمها علیه جمهوری اسلامی ایران، عمری به قدمت انقلاب اسلامی دارد. اما در سالهای اخیر، تحریمهای به مراتب گسترده‌تر و شدیدتری علیه کشورمان به تصویب رسیده است؛ به گونه‌ای که به اذعان مقامات غربی، تحریمهای فعلی علیه جمهوری اسلامی، شدیدترین تحریمهایی است که در طول تاریخ علیه یک کشور اعمال شده است. گستردگی این تحریمها به گونه‌ای است که کلیه عرصه‌های تجاری، مالی، سرمایه‌گذاری، انرژی، حمل و نقل، زیرساختهای ارتباطی و علم و فناوری را شامل می‌شود.

این تحریمها از یک سو به دلیل محدودیتهای فراوان تحمیلی، شرایط دشواری را برای اقتصاد کشور و خصوصاً صنایع مختلف ایجاد کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر به دلیل همین محدودیتهای فرصتهای بسیار مناسبی برای اصلاحات زیرساختی در اقتصاد کشور و خصوصاً در صنایع نفت و گاز بوجود آورده است. در این مقاله با تحلیل اثرات تحریمها (خصوصاً تحریمهای سه سال اخیر) بر خرید تجهیزات نفتی برای شرکت نفت، امکان فروش نفت و کسب درآمد برای دولت، خروج شرکتهای خارجی از پروژه‌های نفتی و همچنین تأمین مالی پروژه‌های صنعت نفت، بخشی از فرصتهای مذکور تشریح خواهد شد.

بر این اساس، ایجاد فرصت بسیار مناسب برای کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، اصلاحات نهادی و قانونی برای توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و گاز، اتکا بر توان تولید داخل در تأمین مواد و تجهیزات پیشرفته صنایع نفت و گاز، تغییر نقش ایران در بازار جهانی نفت و گاز، ورود شرکتهای بزرگ داخلی به عرصه مدیریت پروژه‌های نفتی، اصلاح سازوکارهای فروش نفت و ورود بخش خصوصی به عرصه تجارت نفت، توسعه روشهای تأمین مالی جدید برای پروژه‌های نفتی و الزام تسریع در هدفمندسازی یارانه‌های انرژی، مهمترین فرصتهایی هستند که تشدید تحریمها در اختیار نظام اقتصادی و به طور خاص صنعت نفت کشور قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: تحریم، برکات تحریم، نفت و گاز، اصلاحات زیربنایی

به دلیل اهمیت بالای حوزه انرژی و مزیت نسبی کشور در این حوزه، فشارهای دشمنان و به طور خاص تحریمهای اقتصادی عمدتاً بر بخش نفت و گاز متمرکز بوده است. این تحریمها از ابتدای انقلاب اسلامی کمابیش وجود داشت و در سال ۱۹۹۵ با تحریم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران یک مرحله تشدید گردید. لیکن در دو سال اخیراز یک سو تحریمهای به مراتب شدیدتری بر ضد این بخش اعمال گردید (تحریمهای مالی و بانکی، تحریم فروش بنزین، تحریم خرید نفت، تحریم فروش تجهیزات صنعت نفت و گاز و...)، و از سوی دیگر اجرای این تحریمها با جدیت بیشتری دنبال شد (با نظارت دقیقتر و تعریف مشوقها و جریمه‌های متناسب از سوی کشورهای تحریم‌کننده). لذا تحریمهای اخیر منجر به بروز مشکلات متعددی در این حوزه شده است. کاهش سرمایه‌گذاری در میدان نفت و گاز جدید، تأخیر در تجهیز و نوسازی مخازن پیشین به دلیل تحریم تجهیزات نفتی و لذا افت تولید این مخازن، دشوار شدن فروش و انتقال نفت و لذا افت صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی، از مهمترین مشکلات ناشی از تحریمهای حوزه نفت و گاز است.

با این حال و با وجود این هزینه‌ها، تحریمهای مذکور فرصتهای بسیار مناسبی را، به منظور اصلاح ساختارهای اقتصادی و به طور خاص ساختارها و قواعد موجود در بخش انرژی، در اختیار کشور قرار می‌دهد. در این بخش از مقاله به مهمترین ساختارهای معیوب موجود و فرصتهای ایجاد شده در اصلاح آنها اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است مواردی که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد، فرصتهایی است که تحریمهای حوزه نفت و گاز، مستقیماً در این حوزه ایجاد می‌کنند. تحریمهای اخیر فرصتهای متعدد دیگری نیز برای اصلاحات نهادی در سایر بخشهای اقتصاد کشور ایجاد کرده‌اند که پرداختن به آنها بحث مفصل دیگری را طلب می‌کند.

کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی

کاهش وابستگی بودجه به نفت، همواره یکی از دغدغه‌های دلسوزان نظام بوده، به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب بارها و به مناسبتهای مختلف بر مسئله لزوم استقلال اقتصاد کشور از نفت تأکید داشته‌اند:

- ❖ آرزوی واقعی من – که البته ممکن است به این زودیها قابل تحقق نباشد- این است که ما در چاههای نفت را ببندیم و اقتصاد خود را بر اساس کالاها و محصولات غیر نفتی بنیاد نهیم.^۱
- ❖ دولت باید کاری کند که بتواند روزی به دنیا اعلام نماید که از امروز تا شش ماه دیگر، تا یک سال دیگر، می‌خواهم در چاههای نفت را ببندم... دولت باید به نفت احتیاج نداشته باشد.^۲

^۱ بیانات در دیدار کارگران و معلمان در روز کارگر و هفته معلم ۱۳/۰۲/۱۳۷۳

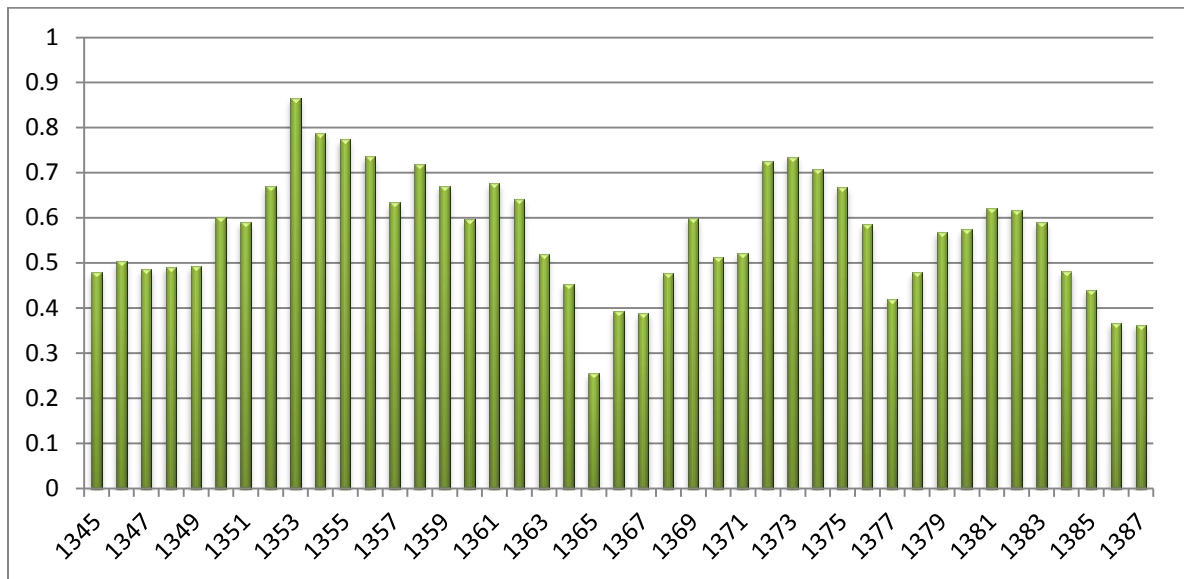
^۲ بیانات در جمع زائران امام هشتم ۰۴/۰۱/۱۳۷۵

❖ آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاههای نفت را پلمب کنیم، آن روز برای

ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان می‌خوریم.^۱

❖ یکی از بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است.^۲

با این حال، از ابتدای تولید و صادرات نفت در ایران، همواره بودجه دولت متکی به نفت بوده و منافع دولتهای مختلف ایجاد می‌کرده که حداکثر استفاده از درآمدهای نفتی در طول دوره هر دولت انجام گیرد (برای مصارف جاری یا عمرانی). در جدول زیر سهم درآمدهای مستقیم نفتی از کل منابع بودجه سالانه دولت در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۷ آزرده شده (منبع: داده‌های سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی). در این جدول درآمد نفت شامل درآمد حاصل از فروش نفت خام، فروش فرآورده‌های نفتی و در برخی سالها فروش گاز طبیعی است. همچنین در سالهای دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شامل درآمد ناشی از مابه‌التفاوت فروش ارز به نرخ بازار می‌باشد.



البته باید توجه داشت، میزان وابستگی بودجه دولت و به طور کلی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، یقیناً بیش از این است، چرا که درآمدهای نفتی مذکور، به طور غیر مستقیم نیز چرخ اقتصاد کشور را به حرکت درمی‌آورد (به عنوان مثال، بخش زیادی از تحقیقاتی که در کشور صورت می‌گیرد وابسته به درآمدهای نفتی دولت است، و یا سود شرکتهای دولتی فعال در صنعت نفت، عملاً وابسته به نفت است ولی در درآمدهای مستقیم نفتی محاسبه نمی‌شود).

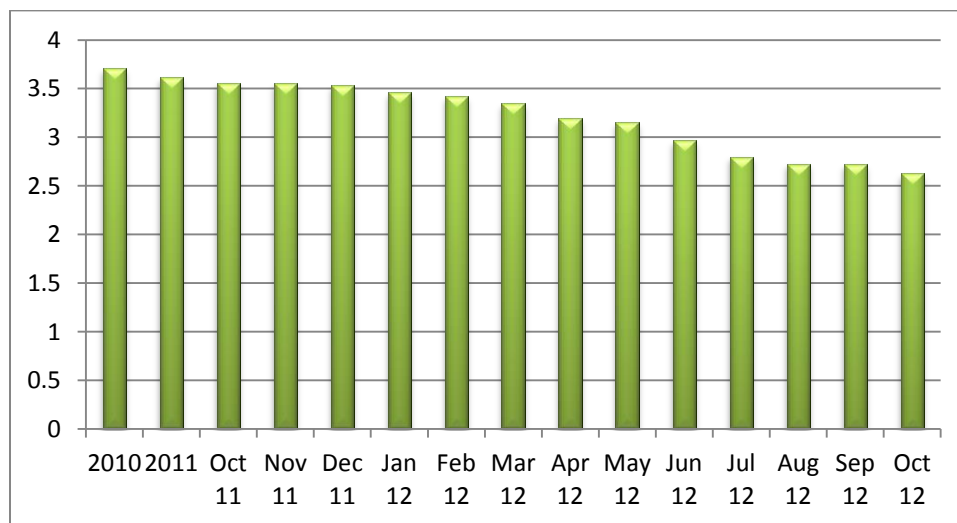
^۱ بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

^۲ بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

در صورتی که اولاً درآمدهای غیر مستقیم نفتی را نیز به بودجه عمومی دولت اضافه کنیم، و ثانیاً برداشتهای انجام شده در طول سال (تحت عنوان متمم بودجه) از حساب ذخیره ارزی را نیز به حساب آوریم، در سالهای اخیر، نفت حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد منابع درآمدی دولت را تشکیل می‌داده است.

هرچند اتکاء بودجه به نفت، متناسب با نوسانات قیمت نفت، نوسان داشته، لیکن هرگز چپش نهادی لازم برای استقلال بودجه دولت از منابع نفتی طراحی و پیاده‌سازی نشده است. در شرایط کاهش درآمدهای نفتی، به دلیل تلقی موقتی بودن کاهش قیمت، از روشهای کوتاه‌مدت برای جبران کسری بودجه استفاده می‌شد (از انتشار اوراق مشارکت ارزی و ریالی گرفته تا ثبت نام حج تمتع و سیم‌کارت موبایل). در زمانهای افزایش قیمت نفت نیز این درآمدها به اقتصاد کشور سرازیر می‌شد و با پایین نگه داشتن نرخ ارز، باعث آسیبهای جدی به تولیدات داخلی می‌گردید. اما مستقل از شرایط قیمت و بازار نفت، تولید نفت کشور همواره در حداکثر مقدار ممکن صورت می‌گرفت و هیچگونه بهینه‌سازی بین دوره‌ای تولید نفت و نگاه بین‌نسلی به تولید نفت وجود نداشته است.

تحریم صادرات نفت و گاز، منجر به دشوار و پرهزینه شدن صادرات نفت گردیده و به دلیل دنباله‌دار بودن این تحریمها، کاهش محسوسی را در تولید نفت خام کشور موجب شده است. بر اساس گزارشات ماهانه اوپک در سال ۲۰۱۲ و به نقل از منابع رده دوم^۱ (منابع غیر رسمی که در واقع خریداران و دلالتان بازار نفت هستند)، تولید نفت خام ایران دارای روند نزولی به شکل زیر بوده است (ارقام بر حسب میلیون بشکه در روز است):



| Oct 12 | Sep 12 | Aug 12 | Jul 12 | Jun 12 | May 12 | Apr 12 | Mar 12 | Feb 12 | Jan 12 | Dec 11 | Nov 11 | Oct 11 |
|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| 2.626 | 2.723 | 2.724 | 2.797 | 2.963 | 3.152 | 3.193 | 3.348 | 3.419 | 3.456 | 3.531 | 3.553 | 3.559 |

¹ Secondary Sources

استقلال بودجه کشور از نفت، فرایندی است که می‌بایست تدریجاً صورت گیرد و ۱۵ سال اخیر سازوکارهایی به این منظور طراحی شده است. «حساب ذخیره ارزی» نخستین تمهیدی بود که در برنامه سوم توسعه و به منظور میرا کردن نوسانات درآمدهای نفتی و جلوگیری از انتقال این نوسانات به بودجه و درون اقتصاد کشور اندیشیده شد؛ لیکن به دلیل سهولت دسترسی دولت و مجلس به این حساب، این سازوکار در سالهای بعد اثربخشی خود را تدریجاً از دست داد.

سازوکار دومی که به این منظور طراحی شد و امکان دسترسی دولت و مجلس به درآمدهای نفتی را تا حد قابل قبولی کمتر کرد، «صندوق توسعه ملی» بود که موجب قانون برنامه پنجم توسعه تشکیل گردید. به موجب ماده ۸۴ این قانون، حداقل ۲۰٪ از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) به صورت سالانه به این صندوق واریز می‌گردد. این سهم سالانه به میزان سه درصد افزایش می‌یابد. همچنین ۵۰٪ از مانده حساب ذخیره ارزی در پایان هر سال به این صندوق افزوده می‌شود.

با وجود این تمهیدات، گرایش دولت به اتکا بر درآمدهای نفتی همچنان باقی بوده و از آنجا که منافع بسیاری از دستگاههای دولتی و حتی غیر دولتی، به همین مسئله گره خورده، امکان تسریع در روند استقلال بودجه از نفت وجود نداشته است. شرایط فعلی بهترین فرصت برای ایجاد بسترهای نهادی لازم برای الزام دولت به قطع اتکاء بودجه به نفت است؛ چرا که به صورت برونزا، درآمدهای دولت حاصل از نفت تدریجاً در حال کاهش است و دولت می‌بایست با مدیریت درآمدها و هزینه‌های خود، با این شرایط سازگار شود.

اکنون زمان مناسبی است برای طراحی سازوکاری که طی آن دولت امکان استفاده از درآمدهای نفتی را به عنوان منابع بودجه سالانه نداشته باشد (به طور کلی یا حداقل برای بودجه جاری)، و در عوض، سود سالانه حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته با این درآمدها، به عنوان منابع درآمدی دولت در بودجه سالانه لحاظ گردد. نکته بسیار مهم اینست که در شرایطی که دولت برای تأمین درآمدهای بودجه، امکان استفاده از درآمدهای نفتی به میزان قبلی را ندارد، میزان مخالفت دستگاههای ذی‌نفع حاکمیتی با چنین اصلاحات نهادی و موانع ایجاد شده از ناحیه افراد و نهادهای ذی‌نفع، به مراتب کمتر از شرایطی است که درآمدهای سرشار حاصل از فروش نفت عاید دولت می‌شود.

توسعه صنایع پایین دستی نفت و گاز

ظرفیت پالایشگاهی کشور که در اوایل پیروزی انقلاب حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود، با طرحهای توسعه‌ای اجرا شده تا سال ۷۷، به ۱۶ میلیون بشکه در روز رسید. از سال ۷۷ تا ۸۴، بنا بر سیاستهای حاکم در وزارت نفت، توسعه پالایشگاهها از دستور کار شرکت نفت خارج شد. اما از سال ۸۵ تا کنون نیز که سیاستهای وزارت نفت در این خصوص تغییر کرده، ظرفیت پالایشگاهی کشور تنها ۱۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داشته است.

آنچه غالباً به عنوان علت کندی روند توسعه پالایشگاهها مطرح می‌شود، مشکلات تأمین مالی پروژه‌های پالایشی است. هرچند این تحلیل ظاهراً درست است، اما با نگاهی عمیقتر می‌توان همین مشکلات تأمین مالی را نیز ریشه‌یابی کرد. عدم سرمایه‌گذاری کافی در پروژه‌های پالایشگاهی ریشه در مشکلات قانونی دارد که مانع از ورود سرمایه کافی (چه از سوی بخش دولتی و شرکت نفت و پالایش، و چه از سوی بخش خصوصی) به این حوزه است. در ادامه به دو قاعده معیوب در نظامات مالی شرکت ملی نفت که منجر به وضعیت فعلی شده‌اند اشاره می‌گردد:

۱. به موجب بند سوم قانون بودجه سالانه کل کشور، « ۱۴,۵٪ از کل ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی) صادراتی و مبالغ واریزی نقدی بابت خوراک پالایشگاههای داخلی و میعانات گازی تحویلی به مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکتهای» در اختیار شرکت ملی نفت و شرکتهای تابعه قرار می‌گیرد.

۲. از سوی دیگر به موجب قانون، شرکت ملی نفت و شرکت ملی پالایش و پخش موظفند نفت و گاز خوراک پالایشگاهها و پتروشیمی‌های کشور را به قیمت مصوب، که همواره پایین‌تر از قیمت نفت و گاز صادراتی است در اختیار این مجتمع‌ها قرار دهد. در سال ۹۰ که قیمت نفت صادراتی به طور متوسط حدود ۱۰۰ دلار بود، قیمت مصوب برابر ۳۴ دلار تعیین شده بود.

توجه به دو قانون فوق نشان می‌دهد که در شرایط عادی که محدودیتی در فروش نفت و گاز وجود ندارد، منافع شرکت نفت اقتضا می‌کند که اولاً حداکثر ظرفیت تولید روزانه خود را به کار گیرد (بدون توجه به منافع سایر نسلها و حداکثرسازی درآمد بین‌نسلی حاصل از تولید نفت و گاز)، و ثانیاً حداکثر مقدار ممکن از نفت و گاز استخراج شده را صادر کند و تا حد ممکن از فروش نفت به پالایشگاههای داخلی امتناع نماید. تنها در این شرایط است که شرکت نفت می‌تواند حداکثر درآمد سالانه را داشته باشد.

بنابراین قوانین فعلی به گونه‌ای طراحی شده که کمترین انگیزه‌ای برای توسعه صنایع پالایشی و پتروشیمی وجود نداشته باشد، نه از جانب فروشنده نفت و گاز (به دلیل کاهش درآمد سالانه) و نه از جانب تولیدکننده فرآورده‌های نفت و گاز (به دلیل ناتوانی در تأمین خوراک). نکته جالب توجه در اینجا آنست که تفاوتی میان بخش خصوصی و دولتی در این خصوص وجود ندارد. یعنی سازوکارها به گونه‌ای طراحی شده که هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی (یعنی شرکت نفت و شرکت پالایش و پخش)، در صورت توسعه ظرفیت پالایشی، متضرر شوند!

در شرایط تحریم که امکان فروش نفت خام وجود ندارد، حتی با وجود قواعد معیوب فعلی، دولت و به طور خاص شرکت نفت برای تأمین درآمد انگیزه خواهد داشت تا از یک سو ورود بخش خصوصی به صنایع پایین‌دستی نفت و گاز را تسهیل کند و از سوی دیگر فروش خوراک به مجتمع‌های پالایشی و پتروشیمی داخلی را افزایش دهد. به این ترتیب تحریمها منجر به رونق صنایع پایین‌دستی نفت و گاز شده و زنجیره

ارزش افزوده در این بخش را توسعه می‌دهد که افزایش اشتغال و خصوصاً به کارگیری نیروهای متخصص در این حوزه را به دنبال خواهد داشت.

همچنین در صورت ادامه روند فعلی در محدودیت صادرات نفت، می‌توان به اصلاح قوانین معیوب فوق امیدوار بود، به گونه‌ای که موانع توسعه پالایشگاههای داخلی که ریشه در سازوکارهای فروش داخلی شرکت ملی نفت دارد از میان برداشته شده و انگیزه سرمایه‌گذاری در این حوزه افزایش یابد.

استفاده از توان علمی و فنی داخل برای تولید مواد و تجهیزات صنعت نفت

موضوع توسعه توان ساخت داخل در صنعت نفت، عمدتاً از دهه ۷۰ در کشور مطرح شد. عواملی نظیر قیمت‌های کاذب تجهیزات صنعت نفت و مطالبه سودهای بالا از سوی سازندگان خارجی و سوء استفاده از وابستگی ایران در صنعت نفت به عنوان اهرم فشار علیه کشورمان از یک سو؛ و افزایش سطح علمی (نرم‌افزاری) جامعه و توسعه زیرساخت‌های صنعتی (سخت‌افزاری) در داخل کشور از سوی دیگر منجر به طرح این دغدغه در نهادهای ذی‌ربط شدند. برخی از اقدامات انجام شده طی ۱۵ سال اخیر به منظور حمایت از توسعه توان ساخت داخل در وزارت نفت عبارتند از:

- حمایت از انجام تعمیرات توسط شرکتهای داخلی برای کمک به حصول فناوری و مهندسی معکوس.
- سوق دادن شرکت کالای نفت تهران از خرید خارج به ساخت داخل و تغییر نام آن به «شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت تهران» و برچیده شدن دفاتر خرید خارج از کشور.
- تشکیل ستاد حمایت از ساخت داخل در وزارت نفت به منظور شناسایی توانهای داخلی و ایجاد بانک اطلاعاتی از آنها و همچنین کالاهای مورد نیاز صنعت نفت، با اختیار ترک تشریفات مناقصه.

با وجود این تغییرات، پیش از تشدید تحریمهای حوزه نفت و گاز، بسیاری از مواد و تجهیزات مورد نیاز این صنعت، بعضاً علی‌رغم وجود دانش فنی تولید آنها، از خارج از کشور تأمین می‌شد. علل متعددی را می‌توان به عنوان ریشه این رفتار در نظر گرفت که مهمترین آنها عبارتند از: عدم برنامه‌ریزی بلندمدت مدیران صنعت نفت برای توسعه تولید داخل، عدم اعتقاد به کیفیت تجهیزات و مواد تولید داخل، تبعیض میان شرکتهای داخلی و خارجی در انجام تعهدات (خصوصاً تعهدات مالی و پرداخت مطالبات معوق) از سوی دولت، دسترسی شرکت نفت به منابع ارزی فراوان و عدم نیاز به صرفه‌جویی ارزی در پروژه‌ها، ترجیح منافع فردی و بعضاً بروز فساد در خریدهای خارجی (با سوء استفاده از امکان ترک تشریفات مناقصه) و...

وابستگی کشور به واردات در حوزه نفت و گاز، خصوصاً پس از اجرای فاز اول هدفمندسازی یارانه‌ها و تحریم بنزین، نه در فرآورده‌های نفتی، بلکه عمدتاً در سرمایه، دانش فنی و تجهیزات لازم برای بهره‌برداری از واحدهای اکتشاف، استخراج، پالایش و پتروشیمی است، به گونه‌ای که پیش از تشدید تحریمها:

- در صنایع بالادستی نفت مانند استخراج و اکتشاف نقش شرکتهای و سرمایه‌گذاران داخلی بسیار ناچیز بود و تعداد زیادی از میداین نفت و گاز کشور به وسیله پیمانکاران و شرکتهای خارجی تأمین مالی و بهره‌برداری شده و دانش فنی لازم نیز به داخل منتقل نمی‌شد.
- فناوری‌های پالایش نفت خام به ویژه شکست برشهای سنگین هنوز به طور کامل بومی نشده بود و احداث پالایشگاه‌های کشور تحت لیسانس شرکتهای خارجی انجام می‌شد.
- بیش از ۹۰٪ تجهیزات مورد نیاز در صنایع بالادستی نفت از خارج از کشور وارد می‌شدند.

تشدید تحریمها باعث افزایش زمان، هزینه و ریسک خرید مواد و تجهیزات مورد نیاز از شرکتهای خارجی شد و لذا شرکت نفت و شرکتهای وابسته به آن مجبور به تأمین این اقلام از طریق تولیدکنندگان داخلی شدند. به عنوان مثال دانش فنی ساخت برخی از کاتالیستهای مورد نیاز در صنایع پالایش و پتروشیمی پیش از تشدید تحریمها در داخل کشور موجود بود، لیکن به دلایل مذکور، از جانب دستگاههای دولتی مورد حمایت قرار نگرفته و سرمایه‌گذاری برای تولید آنها در مقیاس صنعتی صورت نگرفته بود؛ اما با جدی‌تر شدن تحریمهای شرکتهای دولتی به انعقاد قرارداد با تولیدکنندگان داخلی رو آوردند.

قراردادهای همکاری منعقد شده میان وزارت و شرکت نفت با معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و دانشگاهها نشان از موفقیت تحریمها در پیشبرد دانش فنی در این حوزه داشته است. همچنین پس از جدی‌تر شدن تحریمها در کنار تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب بر حمایت از تولید ملی، سازوکارهای نهادی لازم برای استفاده از پتانسیل‌های داخلی در ساخت مواد و تجهیزات صنعت نفت و گاز، درون وزارت نفت ایجاد شده است. تشکیل شورای عالی توسعه توان ساخت داخل و کمیته حمایت از ساخت داخل در وزارت نفت و نیز تنظیم سند توسعه ساخت داخل در صنعت نفت را می‌توان اقدامات مثبتی در این جهت قلمداد کرد. البته هنوز ضمانتی وجود ندارد که در صورت رفع تحریمها، خریدهای دولتی از شرکتهای داخلی همچنان ادامه یابد. این ضمانت نیاز به اصلاحات نهادی در بخش انرژی دارد که به برخی از آنها اشاره شد.

بخش کوچکی از اثرات مثبت تحریمها بر حمایت از تولید داخلی، طی یک سال اخیر به فعلیت رسیده که به مواردی از آنها اشاره می‌شود (البته این موارد مستند به آمارهای غیر رسمی ارائه شده از سوی مسئولان وزارت و شرکت نفت در مصاحبه‌ها است):

- بسیاری از شرکتها دستاوردهای قابل توجهی در ساخت تجهیزات حوزه‌های بالادست و پایین‌دست صنعت نفت داشته‌اند، از جمله ساخت قطعات مکانیکی نانو، ساخت رشته‌های درون چاهی، تأسیسات سرچاهی، ابزارآلات صنعت حفاری، ابزارهای مورد نیاز جهت لرزه‌نگاری و...
- در ساخت پالایشگاههای فازهای جدید پارس جنوبی (موسوم به فازهای ۳۵ ماهه)، استفاده ۸۰ درصدی از ساخت داخل صورت می‌گیرد.^۱
- از ۸۰۰۰ قلم کالای پرمصرف صنعت در مناطق نفت‌خیز جنوب، ۳۵۰۰ قلم ساخت داخل شده است.^۲
- در شش سال اخیر (از سال ۸۴ به بعد)، تعداد اقلام خریداری شده از خارج در صنعت نفت با کاهش مواجه بوده و در مقابل خریدهای داخلی افزایش ۴ برابری را نشان می‌دهد.^۳

ایفای نقش ایران در بازارهای بین‌المللی به عنوان عرضه‌کننده فراورده، به جای نفت خام

در حال حاضر کشور ایران به عنوان یکی از مهمترین صاحبان ذخایر نفت و گاز و یکی از عرضه‌کنندگان مهم نفت خام در جهان شناخته می‌شود و نقش مهمی در بازار جهانی نفت و گاز دارد. بر اساس آمار ارائه شده از سوی BP در سال ۲۰۱۲، ایران ۹٫۱٪ ذخایر اثبات شده و ۵٫۲٪ تولید کل نفت خام دنیا را به خود اختصاص داده است. همچنین ۱۵٫۹٪ ذخایر اثبات شده و ۴٫۶٪ تولید کل گاز طبیعی جهان به ایران اختصاص دارد. با این حال خام‌فروشی منابع طبیعی مانند نفت از یک سو و محدود بودن خریداران نفت از سوی دیگر باعث شده که اولاً مزیت نسبی کشور در بخش نفت و گاز مورد استفاده قرار نگرفته و زنجیره ارزش افزوده و تولید ثروت و اشتغال ناشی از آن در داخل کشور شکل نگیرد (به گونه‌ای) و ثانیاً قدرت چانه‌زنی کشور در فروش منابع طبیعی کاهش یابد. با وجود توان تولید ۵٫۲ درصدی ایران در نفت خام، توان پالایشی کشور تنها ۲٪ از کل ظرفیت پالایشی دنیا را تشکیل می‌دهد.

از آنجا که بازار جهانی فراورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی به مراتب گسترده‌تر، متنوع‌تر و رقابتی‌تر از بازار نفت خام است، یک راهبرد مهم مقابله با تحریمهای نفتی، یک گام به پیش بردن زنجیره ارزش افزوده در بخش نفت و گاز است. به این معنی که صادرات نفت خام و گاز طبیعی به شکل فعلی کاملاً قطع گردد و خامترین محصولات صادراتی کشور در حوزه نفت و گاز، فراورده‌های نفت و گاز باشد. تحریمهای اخیر حوزه انرژی ما را مجبور به طی این مسیر کرده‌اند، مسیری که سالها آرزوی سیاستگذاران کشور بوده ولی به دلیل قواعد و ساختارهای معیوب محقق نشده بود. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرمایند:

^۱ نقل از خبرگزاری تسنیم ۹۱/۱۱/۱۳

^۲ نقل از مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، ۹۱/۱۱/۱۳

^۳ نقل از مدیر عامل شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت ایران

امروز به خاطر خیانت بعضی از کشورهای تولید کننده نفت و همدستی شان با دزدان غارتگر بین‌المللی، به جان این که نفت وسیله‌ای در دست کشورهای تولیدکننده آن برای کس سود یا استفاده سیاسی و اقتصادی باشد، به عکس به عنوان وسیله‌ای در دست مصرف‌کنندگان قرار داد. درست مثل جنسی که توی سرش خورده باشد!^۱ در حقیقت نفت در مشت آنهاست ... نفت مال ماست ولی سیاستش در دست دیگران است. چنین سرمایه‌ای مایه دردسر است.^۲

مدیریت پروژه های بزرگ نفتی توسط شرکتهای داخلی

سود بالای پروژه‌های توسعه میادین نفت و گاز کشور باعث شده بود در سالهای پس از جنگ، کشورهای مختلفی نظیر ژاپن، فرانسه، آلمان، انگلستان و چین در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند. تحریمهای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی (از سال ۱۹۹۵) منجر به خروج تدریجی این شرکتها از پروژه‌های مذکور گردید. این امر از یک سو باعث کند و بعضاً متوقف شدن روند توسعه فازهای مختلف پروژه‌های ملی در حوزه نفت و انرژی گردید، اما از سوی دیگر فرصتهای مهمی برای نظام علم و فناوری کشور داشته و می‌تواند داشته باشد.

خروج شرکتهای بزرگ خارجی از پروژه‌های نفتی باعث شد تا وزارت نفت و شرکت نفت مجبور شوند برای پیشبرد این پروژه‌ها از شرکتهای بزرگ داخلی و یا کنسرسیومی از این شرکتها استفاده کنند و طی قراردادهایی مدیریت این پروژه‌ها را به عناصر داخلی واگذار نمایند. ورود شرکتهای داخلی به عرصه مدیریت پروژه‌های نفتی امری است که باید مدتها پیش از این اتفاق می‌افتاد، اما به دلیل سوء مدیریت بخش نفت و گاز کشور (با نگاه خوشبینانه)، به تعویق افتاده بود.

تجربه واگذاری مدیریت پروژه‌های بزرگ به شرکتهای داخلی، پیش از این توسط وزارت نیرو انجام شده بود؛ زمانی که وزارت نیرو به منظور بازسازی لطمات ناشی از جنگ و به منظور تأمین نیاز فزاینده به انرژی برق، باید ساخت نیروگاههای متعددی را آغاز می‌کرد، اما از یک سو دانش فنی ساخت نیروگاه به طور کامل در داخل کشور وجود نداشت و از سوی دیگر به دلیل محدودیت بودجه، امکان واگذاری این پروژه‌ها به طور کامل به شرکتهای خارجی مقدور نبود. در این مقطع وزارت نیرو با راه‌اندازی شرکت «مپنا» (مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران)، به عرصه مدیریت پروژه‌های نیروگاهی وارد شد و در یک فرایند تدریجی انتقال تکنولوژی در این حوزه را سامان‌دهی نمود.

شرکت مپنا که در سال ۱۳۷۱ و با هدف توسعه ظرفیت نیروگاهی برق کشور تأسیس گردید، تدریجاً در طول ۲۰ سال فعالیت، علاوه بر مهندسی، تأمین تجهیزات و اجرای ۹۰٪ از پروژه‌های نیروگاهی کشور (با ظرفیت ۵۲۰۰۰ مگاوات)، با استفاده از تجربه بدست آمده در انتقال

^۱ بیانات در دیدار کارگران و معلمان در روز کارگر و هفته معلم ۱۳۷۳/۰۲/۱۳

^۲ بیانات در جمع زائران امام هشتم ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

تکنولوژی، در حوزه‌های دیگری نظیر نفت و گاز و حمل و نقل ریلی نیز ورود کرده و در حال حاضر با ۳۳ شرکت زیرگروه، تحت عنوان «گروه مپنا» فعالیت می‌کند. به طور کلی شرکت مپنا از بدو تأسیس چهار مرحله توسعه را طی کرده است:

۱. مرحله اول: در این مرحله عملیات مهندسی و طراحی و تأمین تجهیزات اصلی نیروگاه شامل توربین، ژنراتور و سیستم‌های کنترل توسط شرکتهای خارجی انجام می‌شد و فعالیت‌های مهندسی و طراحی نیروگاه، عملیات اجرایی و تأمین تجهیزات جنبی در داخل و با بهره‌گیری از توان شرکتهای داخلی صورت می‌گرفت.

۲. مرحله دوم: در این مرحله ضمن اینکه فعالیت‌های طراحی و مهندسی نیروگاه، تأمین تجهیزات جانبی و عملیات اجرایی توسط شرکتهای داخلی انجام می‌شد، تجهیزات اصلی نیروگاه شامل توربین، ژنراتور و سیستم‌های کنترل نیز با استفاده از توان داخل ساخته می‌شد.

۳. مرحله سوم: در این مرحله علاوه بر طراحی، مهندسی و عملیات اجرایی و همچنین ساخت تجهیزات اصلی نیروگاه (توربین، ژنراتور، سیستم‌های کنترل و...) در داخل کشور، سرمایه‌گذاری مستقیم در نیروگاه‌های برق با روشهای و ، و با جلب سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌شد.

۴. مرحله چهارم: در این مرحله با استفاده از تجربیات سه دوره قبل شرکت مپنا در پروژه‌های نیروگاهی و صنعت برق، حوزه عمل این شرکت به صنایع ریلی (ساخت لوکوموتیو و واگن‌های باری و مسافری) و همچنین صنایع نفت، گاز و پتروشیمی گسترش می‌یابد.

گروه مپنا یکی از تجربیات موفق در زمینه انتقال تکنولوژی به شمار می‌رود. استراتژی انتقال تکنولوژی در وزارت نیرو (از طریق گروه مپنا)، بر خریدهای کلان استوار گردیده. در واقع وزارت نیرو به جای خریدهای جزئی و پراکنده از سازندگان مختلف، برای خریدهای یکجا و بزرگ از صاحبان تکنولوژی مناسب برنامه‌ریزی می‌کند و به این ترتیب شرکت خارجی صاحب تکنولوژی را نسبت به انتقال تکنولوژی ترغیب می‌کند. این استراتژی، الگوی بسیار مناسبی برای صنعت نفت نیز هست و باید توسط وزارت نیرو مدیریت شود.

با وجود تجربه مدیریت پروژه‌های بزرگ و انتقال تکنولوژی در صنعت برق، صنعت نفت به این سمت حرکت نکرد. علت این امر را باید در ساختار نهادی صنعت نفت دنبال کرد، یعنی رابطه معیوب وزارت نفت با چهار شرکت اصلی حوزه نفت و گاز، مناسبات مالی این شرکتها با دولت که باعث عدم احساس «قید بودجه» از جانب شرکت نفت شده، و مهمتر از همه، تقسیم نامناسب نقشهای قاعده‌گذاری، نظارت و اجرا در بخش نفت و گاز. توضیح آنکه چنین مناسب نهادی در هر حوزه اقتضای تفکیک دو نقش قاعده‌گذاری و اجرا را دارد، به این معنی که یک نهاد (که باید ذیل دولت تعریف شود) نقش قاعده‌گذاری و تعریف استانداردها، مقررات و قواعد بازی را بر عهده بگیرد، و نقش اجرا به نهاد مستقل دیگر (که بنا بر ملاحظات کارایی، بهتر است از بخش خصوصی باشد) سپرده شود.

بر این اساس در وضعیت مطلوب، وزارت نفت می‌بایست در نقش رگولاتور عرصه نفت و گاز، قواعد، قراردادهای، تعهدات متقابل و استانداردهای مربوط به فعالیت شرکت‌های نفت و گاز را تعیین کند؛ شرکت‌های نفتی، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها نیز باید بر اساس قواعد وضع شده توسط وزارت نفت عمل کرده و در چارچوب آن قواعد بازی کنند. این تفکیک نقشها، باید در روابط مالی وزارت نفت و شرکت‌های نفتی نیز ظهور داشته باشد و وزارت نفت به لحاظ مالی کاملاً مستقل از شرکت‌های نفتی باشد.

در حال حاضر و با توجه به مناسبات مالی و اختیارات تعریف شده برای وزارت نفت و شرکت‌های نفتی (یعنی شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت ملی پالایش و پخش)، عملاً وزارت نفت نقش جدی در قاعده‌گذاری صنعت نفت و گاز و بازارهای مربوطه ندارد و عملاً هر دو نقش قاعده‌گذاری و اجرا (و حتی نظارت بر حسن اجرا) به شرکت‌های چهارگانه مذکور سپرده شده است.

لازمه ورود شرکت‌های داخلی به مدیریت پروژه‌های بزرگ نفتی و کسب تجربه و انتقال تکنولوژی در این حوزه، تعریف ضوابط و قواعد صحیح توسط وزارت نفت است. این مهم تا زمانی که سازوکار نهادی مذکور اصلاح نشود به صورت ریشه‌ای قابل تحقق نخواهد بود. تحریم‌های اخیر در بخش نفت و گاز باعث شد شرکت نفت، مانند وزارت نیروی بعد از جنگ، با محدودیت منابع جدی مواجه شود و - حتی در چارچوب قواعد معیوب فعلی - چاره‌ای جز واگذاری پروژه‌های بزرگ به شرکت‌های داخلی نداشته باشد. این امر در بلندمدت و با مدیریت صحیح می‌تواند هم منجر به انتقال تکنولوژی در این حوزه شود و هم تفکیک نقش‌های قاعده‌گذاری، نظارت و اجرا را ممکن سازد.

اصلاح سازوکارهای بدوی فروش نفت و گاز

بر اساس قوانین موجود، فروش نفت و گاز به شرکت‌های داخلی یا خارجی در انحصار شرکت ملی نفت است (در واقع چهار شرکت اصلی حوزه نفت و گاز). این امر باعث شده هر گونه فعالیت خصوصی در داخل کشور در صنایع پایین‌دستی حوزه نفت و گاز، متوقف باشد بر تأمین خوراک از جانب شرکت ملی نفت. از طرفی چنان که اشاره شد، منافع شرکت ملی نفت اقتضای صادرات نفت و گاز را دارد، و نه فروش آن به بخش خصوصی داخلی. در صورتی که این مسائل را در کنار عدم شفافیت موجود در سازوکارهای تعیین قیمت فروش نفت در برخی قراردادهای فروش نفت قرار دهیم، عمق مسئله بیشتر درک خواهد شد.

تحریم نفتی باعث محدود شدن شرکت ملی نفت ایران در فروش نفت گردید. لذا یکی از راهکارهای مقابله با این تحریم‌ها، ورود بخش خصوصی به خرید و فروش نفت خام تشخیص داده شد. به همین منظور در تیرماه سال جاری توافق سه‌جانبه میان بانک مرکزی، وزارت نفت و کنسرسیوم متشکل از صادرکنندگان بخش خصوصی به امضا رسید که به موجب آن ۲۰ تا ۳۰ درصد نفت خام ایران توسط این کنسرسیوم به

بازارهای جهانی صادر خواهد شد.^۱ علیرغم این توافق و بر اساس اطلاعات منتشر شده، هنوز سهم بخش خصوصی از تجارت نفت ایران بسیار اندک است که علت این امر را نیز می‌توان منافع شکل‌گرفته در طول سالها انحصار تجارت نفت توسط دولت دانست.

به هر حال یکی از راهبردهای مقابله با تحریم، متنوع‌سازی است و ورود بخش خصوصی منجر به تنوع خریداران و فروشندگان نفت ایران می‌شود. در شرایط تحریمی، هرچند منافع شرکت ملی نفت اقتضای عدم ورود بخش خصوصی به بازار نفت خام و حفظ انحصار این شرکت را داشت، لیکن شرایط تحریم نظامات انگیزشی را تغییر داد به گونه‌ای که ورود بخش خصوصی به بازار نفت خام مفید تشخیص داده شد.

در صورت تحقق توافقات صورت گرفته در صادرات نفت توسط بخش خصوصی، و همچنین حذف ممنوعیت خرید و فروش نفت خام توسط بخش خصوصی در داخل کشور، علاوه بر آنکه فروش نفت تسهیل شده و تحریمها تا حدی خنثی می‌گردد، از یک سو رانت ناشی از انحصار دولتی در این حوزه از بین می‌رود و از سوی دیگر فعالیت بخش خصوصی در صنایع پالایش و پتروشیمی تسهیل می‌گردد. البته ورود بخش خصوصی به بازار نفت خام الزاماتی دارد که مهمترین آنها حفظ شفافیت بازار نفت است. راه‌اندازی بورس نفت به منظور تضمین شفافیت بازار و کاهش مفاسد احتمالی می‌تواند راهگشا باشد. در واقع بورس نفت از دو جهت زیرساختی حیاتی برای صنعت نفت و به طور خاص برای مقابله با تحریمهای نفتی محسوب می‌شود: نخست برای بیشینه کردن قیمت فروش نفت (از طریق افزایش تعداد متقاضیان و ایجاد رقابت میان آنان)، و دوم به عنوان زیرساخت لازم برای تأمین مالی پروژه‌های پایین‌دستی نفت.

ابداع و توسعه روشهای تأمین مالی جدید برای صنایع نفت و گاز

یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین انواع تحریم‌هایی که علیه نظام جمهوری اسلامی به کار گرفته شد، تحریم سرمایه‌گذاری، به طور خاص در صنعت نفت و گاز بود. نخستین دور جدی تحریمها که در زمان کلینتون به تصویب رسید، طرح گیلمن^۲ و داماتو^۳ بود که پس از مدتی در قالب قانون تحریم ایران و لیبی^۴ (ILSA) به تصویب رسید. به موجب این قوانین، هرگونه همکاری (شامل تأمین مالی، مدیریت پروژه، ضمانت قرارداد، فروش تجهیزات و...) از سوی شرکتهای آمریکایی (و چندی بعد، غیر آمریکایی) در توسعه میداین نفتی ایران مشمول تحریمهایی از قبیل منع موسسات مالی و صادرات و واردات آمریکا از اعطای وام به شخص خاصی و منع خرید دولتی از شرکت خاصی می‌شد.

با توجه به وابستگی بودجه دولت و به طور کلی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، هدف از تحریمهای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز، تضعیف تدریجی صنایع نفت و گاز از طریق ممانعت از بازسازی و توسعه میداین نفتی است. طبیعتاً اثرات این نوع تحریم در بلندمدت (بازهای حدود ده سال) بروز خواهد کرد و با فشارهایی نظیر تحریم بنزین یا تحریم فروش نفت که در دور جدید تحریمها پی‌گیری می‌شود متفاوت است. این

^۱ خبرگزاری مهر ۰۴،۹۱/۱۷ و خبرگزاری ایسنا ۹۱/۰۴/۱۹

^۲ Benjamin Gilman

^۳ Alfonse D'Amato

^۴ Iran and Libya Sanctions Act

مسئله به وضوح نشان می‌دهد صبر مقامات آمریکایی در براندازی نظام سیاسی جمهوری اسلامی و امیدواری آنها به اثرگذاری این نوع فشار تدریجی، در سال ۱۹۹۵ بسیار بیش از سال ۲۰۱۲ بوده.

تحریم‌های سرمایه‌گذاری هرچند در ابتدای تصویب (یعنی سال ۹۵) عملیاتی نشدند، لیکن با تشدید تحریمها در سالهای پس از ۲۰۱۰، اثرات جدی در خروج شرکتهای نفتی اروپایی و آسیایی از پروژه‌های نفتی ایران داشته‌اند. این مسئله از یک سو باعث اختلال در روند توسعه میداین نفتی ایران شد، اما از سوی دیگر فرصت بسیار مغتنمی است برای اصلاح سازوکارهای تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز.

پیش از دور جدید تحریمها، غالب میداین نفتی در قالب قراردادهای بیع متقابل به شرکتهای خارجی واگذار می‌شد و عملاً شرکتهای داخلی در حوزه بالادستی نفت و گاز (اکتشاف و استخراج) نقش خاصی نداشتند. همچنین مدل تأمین مالی این پروژه‌ها نیز عموماً فاینانس خارجی بود و حداکثر مشارکت اقتصاد ملی در تأمین مالی این پروژه‌ها، در قالب اوراق مشارکت وزارت نفت انجام می‌شد.

با تشدید تحریمها و خصوصاً جدی شدن تحریمهای سرمایه‌گذاری، عملاً امکان استفاده از فاینانس خارجی از میان رفت و با توجه به نیاز وزارت نفت به جذب منابع مالی برای توسعه میداین، استفاده از سایر روشهای متداول تأمین مالی و حتی ابداع روشهای تأمین مالی جدید، در دستور کار وزارت نفت قرار گرفت. روشی که تا کنون بیشتر بر روی آن تأکید شده، پیش‌فروش نفت و فرآورده‌های نفتی در قالب قراردادهای سلف موازی است که البته هنوز عملیاتی نشده است. روشهای متعدد دیگری نیز قابل پیاده‌سازی در صنعت نفت و گاز هستند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. تأمین مالی پروژه‌های بزرگ از طریق فروش سهام پروژه خصوصاً در پروژه‌های پالایشی و پتروشیمی که دارای سود بالا با دوره بازگشت سرمایه اندک هستند.
۲. تأمین مالی پروژه‌های بزرگ از طریق صکوک اجاره و اقسام دیگر صکوک خصوصاً در پروژه‌های پالایش و پتروشیمی
۳. تأمین نقدینگی شرکتهای دارای مطالبات معوق از دولت، با استفاده از روشهای انتقال بدهی (مثلاً تسویه بدهی شرکت به وزارت نیرو با مطالبه آن شرکت از وزارت نفت)
۴. تأسیس بانک صنعت نفت (یکی از پیشنهادها توسعه یک صنعت خاص، تأسیس بانک مربوطه در آن حوزه است، برای تجهیز و تخصیص منابع در آن صنعت خاص)
۵. تأسیس صندوقهای توسعه فناوری به منظور حمایت‌های تخصصی، مشروط و زمان‌دار از صنایع و فناوری‌های مرتبط با حوزه نفت و گاز

لزوم هدفمند شدن یارانه های بخش انرژی

یکی از اثرات مهم و کوتاه مدت تحریمهای نفتی، کاهش درآمدهای دولت ناشی از کاهش تولید و فروش نفت است. در این حالت دولت به منظور کاهش کسری بودجه احتمالی می‌بایست در دو جهت به شکل همزمان اقدام کند: نخست کاهش هزینه‌های زاید و دوم افزایش درآمدهای ناشی از سایر منابع درآمدی.

یکی از مهمترین اقلام هزینه‌ای دولت، یارانه‌ها و به طور خاص، یارانه‌های بخش انرژی است. آنچه در جداول قانون بودجه به عنوان هزینه‌های یارانه‌ای دولت ذکر می‌شود، هزینه‌های مستقیم دولت برای یارانه‌های مختلف است. در بخش انرژی و برای اقلامی نظیر بنزین، گازوئیل، برق و... از آنجا که دولت هزینه‌های مستقیم اندکی داشته، یارانه‌های محاسبه شده اندک است، لیکن در صورتی که هزینه فرصت مربوط به این اقلام (یعنی مابه‌التفاوت صادرات و فروش داخل آنها) را نیز در نظر بگیریم، مقدار یارانه واقعی پرداخت شده توسط دولت به مراتب بیشتر خواهد بود.

بر این اساس، یکی از راهبردهای دولت به منظور کاهش کسری بودجه ناشی از تحریم، افزایش قیمت حاملهای انرژی و متناسب کردن قیمت صادراتی با قیمت فروش داخلی این اقلام است. این امر منجر به منطقی شدن قیمت نسبی حاملهای انرژی و به نوعی هدفمند شدن یارانه‌های این بخش خواهد شد. به این ترتیب از یک سو هزینه‌های یارانه‌ای دولت کاهش یافته و از سوی دیگر درآمدهای ناشی از فروش حاملهای انرژی در داخل کشور افزایش خواهد یافت.

در کنار مسئله هزینه‌های یارانه‌ای، افزایش درآمدهای دولت از سایر منابع نیز در شرایط تحریم مد نظر دولت قرار می‌گیرد. در کشورهایی که صاحب منابع طبیعی نیستند، مهمترین منبع درآمدی دولت، مالیات است. در صورت کاهش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی، دولت ناگزیر خواهد بود بسترهای لازم برای افزایش درآمدهای مالیاتی را فراهم کند. مهمترین بستر برای یک نظام مالیاتی، شبکه اطلاعاتی کامل از درآمدها، هزینه‌ها، مبادلات و دارایی‌ها است. در شرایط عادی، به دلیل آنکه شفافیت اطلاعات با منافع صاحبان قدرت و ثروت در تضاد است، امکان تحقق بسترهای مذکور بسیار کم است. اما در شرایطی که دولت با مضیقه مالی مواجه باشد، انگیزه کسب درآمد بر سایر انگیزه‌ها غلبه کرده و محرک تحقق بسترهای اطلاعاتی لازم برای نظام مالیاتی نظیر اجرای طرح تجمیع بانکهای اطلاعات اقتصادی (سازمان امور مالیاتی، گمرک، اطلاعات حسابهای بانکی، مبادلات مسکن، خودرو و...) خواهد بود.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

فهرست منابع

۱. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران
۲. قوانین بودجه سالانه کل کشور
۳. ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۹،
۴. "ملزومات افزایش حجم ساخت داخل در پروژه‌ها"، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف
۵. یاسر کنعانی، "علت توسعه نیافتن پالایشگاهها در ایران چیست؟"، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان، مرداد ۹۱
۶. محمد صادق کریمی، "بورس نفت، لازمه اقتصاد مقاومتی"، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی
۷. صدری افقه، "توسعه ساخت داخل در صنعت نفت، گذشته، حال، آینده"، ماهنامه اکتشاف و تولید، اردیبهشت ۹۱
۸. ابولفضل وروانی فراهانی، "نگاهی به ساخت داخل با تأکید بر پژوهش و ارتباط صنعت و دانشگاه"، ماهنامه اکتشاف و تولید، فروردین ۹۱

9. OPEC Monthly Oil Market Reports (Jan 2012 – Nov 2012)
10. BP Statistical Review of World Energy, June 2012
11. Kenneth Katzman, "Iran Sanctions", Congressional Research Service, 2012



جایگاه توسعه پالایشگاه‌های کوچک برای تحقق اقتصاد مقاومتی

یاسر کنعانی ممان، عباس ملکی

دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه صنعتی شریف

دانشیار دانشکده مهندسی انرژی، دانشگاه صنعتی شریف

چکیده

ایران، اولین کشور دارنده ذخایر هیدروکربوری و یکی از بزرگترین صادرکننده‌های نفت جهان است. صادرات نفت خام برای ایران از دو جهت تأمین درآمد مورد نیاز کشور و حفظ امنیت ملی حائز اهمیت است. اما پرسشی که وجود دارد این است که آیا خام فروشی نفت خام بهترین گزینه انتخابی برای نفت ایران است. در این مقاله پس از بررسی وضعیت نفت در بخش‌های تولید، پالایش، صادرات و مصرف ایران، به ارزیابی توسعه ظرفیت پالایشی در چارچوب بررسی مسائل اقتصادی، امنیتی - سیاسی و زیست‌محیطی پرداخته می‌شود. در این چارچوب، ایجاد ارزش افزوده بیشتر از نفت و تکمیل زنجیره ارزش افزوده آن، تأمین امنیت کشور از طریق تجارت فرآورده با کشورهای منطقه و تأمین نیاز داخلی به فرآورده‌های نفتی، مبین ضرورت توسعه ظرفیت پالایشی هستند. سپس، با نشان دادن مزایای پالایشگاه‌های مدرن کوچک در مقابل پالایشگاه‌های مقیاس بزرگ، این گزینه به‌عنوان پالایشگاه‌های برتر در شرایط حاضر، پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: نفت، پالایشگاه کوچک، زنجیره ارزش افزوده نفت

۱- مقدمه

نفت به عنوان یکی از مهمترین حامل‌های انرژی، کالایی راهبردی برای تداوم فعالیت‌های صنعتی و حمل‌ونقل کشورها محسوب می‌شود. [۱] به دلیل اهمیت نفت در کشورهای صنعتی است که از این ماده به عنوان خون درون رگ‌های دنیا نام برده می‌شود.^۱ [۲] علاوه بر این، این ماده به عنوان ماده اولیه در ساخت کالاهای نفت پایه نظیر پلاستیک‌ها که از ارزش افزوده بالاتری برخوردارند، به کار می‌رود. [۳] البته به منظور استفاده از نفت چه به عنوان سوخت و چه به عنوان ماده اولیه، لازم است پس از استخراج، با انجام فرایند پالایش، نفت به فرآورده‌های سبک‌تری مانند LPG، بنزین، دیزل و... تبدیل شود که قابل استفاده در تجهیزات صنعتی و ماشین‌های موجود باشد. [۴]

بنابراین، نفت بیشتر از آنکه یک کالا باشد تمهیدکننده قدرت است و از این نظر، کشور دارنده ذخایر نفت، کشور قدرتمندی محسوب می‌شود. کشور ایران، بزرگترین دارنده ذخایر هیدروکربنی جهان و همچنین چهارمین تولیدکننده نفت دنیا است. [۵] تولید نفت ایران در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۴,۲ و ۳,۹ میلیون بشکه در روز بوده است.^۲ به دلیل نیاز کشور به درآمدهای ارزی برای توسعه اقتصادی^۳، از مقدار مذکور به صورت روزانه به میزان ۱,۷ میلیون بشکه نفت خام تحویل پالایشگاه‌های داخلی و بخش دیگر آن صادر شده است. به این ترتیب، میزان صادرات نفت در سال نود، ۲,۲ میلیون بشکه در روز بوده است.

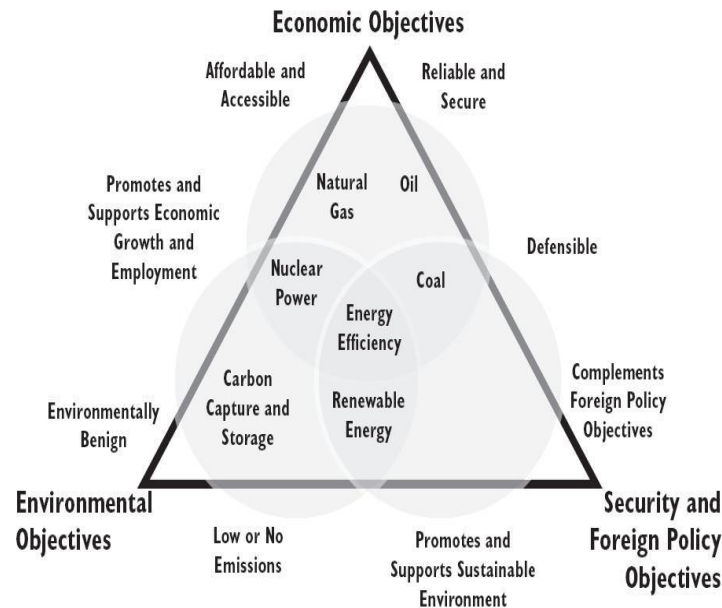
۲- چارچوب سیاست گذاری انرژی

سیاست به معنای خطوط قرمزی است که در سطح استراتژیک سازمان یا کشور به منظور هدایت نیروهای موجود به سوی اهداف معین آن سازمان یا کشور تدوین می‌شود. [۶] در سطح کلان، سیاست گذاری انرژی درون چارچوب بررسی مسائل اقتصادی، زیست محیطی و امنیتی شکل می‌گیرد. [۷] شکل ۱ نشان‌دهنده مدل مفهومی سیاست‌گذاری انرژی است.

^۱ در مقدمه کتاب اشاره می‌شود که نفت هم از جهت تأمین درآمد کشورهای صادرکننده و هم از جهت تأمین انرژی کشورهای صنعتی حائز اهمیت است. وی در تبیین اهمیت نفت می‌نویسد: «نفت حقیقتاً کالایی راهبردی است.»

^۲ در این مورد آمارهای رسمی وجود ندارد و این اعداد از خبرگزاریهای رسمی جمع‌آوری شده است.

^۳ مابرو در کتاب نفت در قرن ۲۱، چالش‌ها و فرصت‌ها می‌نویسد: کشورهای صادرکننده نفت به استثنای نروژ، کانادا، روسیه و چند کشور دیگر در زمره کشورهای جهان سوم هستند و نیاز به توسعه و بالابردن سطح رفاه اجتماعی دارند. از طرف دیگر به خاطر عدم تنوع درآمدها عموماً به درآمد حاصل از صادرات منابع وابسته هستند.



شکل ۳۹- مدل مفهومی سیاست گذاری انرژی [۷]

مهم ترین نکته در سیاست گذاری انرژی، تشخیص وزن هر کدام از اهداف و معیارهاست. روابط میان این معیارها است که بیانگر چگونگی تأثیر هر کدام از این عوامل در نتیجه نهایی است. وزن دهی متناسب با هر کدام از این اهداف از فعالیت‌های تعیین کننده محسوب می‌شود. چراکه توجه نمودن به هر کدام از اهداف مشخص شده در مدل، سیاست‌ها را به نقطه‌ای خواهد برد که ممکن است در تناقض با اهداف دیگر باشد.

بنابراین، سیاست‌گذاری نفت به عنوان بخشی از سیاست‌گذاری انرژی مستلزم بررسی اهداف اقتصادی، زیست محیطی و امنیتی است. یکی از مسائلی که در سیاست‌گذاری نفت باید به آن پرداخته شود پاسخ به این پرسش است که میزان بهینه پالایش نفت خام چه قدر است؟ در پاسخ به این سوال آیا فقط تامین نیازهای داخلی مورد توجه قرار می‌گیرد یا تجارت فرآورده و موضوعات دیگر نیز در تعیین مقدار بهینه ظرفیت پالایشی موثر است؟

در ادامه، ابتدا به صورت کلی، وضعیت نفت ایران در تولید، پالایش، مصرف و صادرات بررسی می‌شود و با استناد به آن سیاست افزایش ظرفیت پالایشی کشور ارزیابی می‌شود.

۳- وضعیت نفت ایران

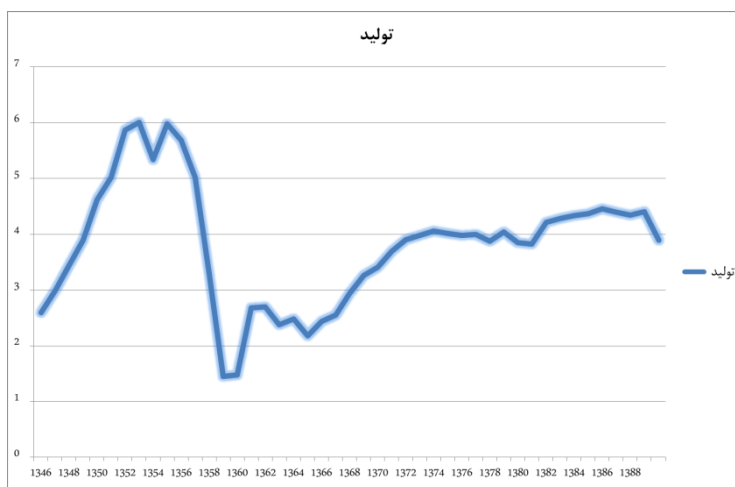
کشور ایران، واقع در منطقه خاورمیانه، به عنوان یک کشور بزرگ صادرکننده نفت در جهان شناخته شده است. در سال ۸۹ ایران، چهارمین کشور تولیدکننده نفت در دنیا بوده است. [۵] با این حال، به دلایل گوناگونی هنوز نتوانسته است موقعیت ویژه خود را در جهان نفت

به دست آورد. موانعی نظیر سوء مدیریت در تخصیص منابع به منظور سرمایه گذاری در منابع مشترک، عدم توجه کافی به جذب سرمایه گذاری خارجی، عدم تعامل صحیح با شرکتهای بزرگ نفتی دارنده فناوری و سرمایه، رشد افسار گسیخته مصرف داخلی، نبود عزم و اراده مشترک در نهادهای متولی انرژی و اجرای پروژه های موازی و چالش های اخیر به وجود آمده در حوزه صادرات نفت و انتقال ارز، منجر به کاهش سرعت کشور برای رسیدن به اهداف مورد نظر شده است.

به منظور بررسی دقیق تر موضوع، در ادامه وضعیت تولید، پالایش، صادرات و مصرف نفت و فرآورده های نفتی تبیین می شود.

۳-۱- تولید

تولید نفت ایران پس از افت شدیدی که در اوایل انقلاب اسلامی (سال های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰) داشت، روند افزایشی خود را با شیب کمی شروع کرد و به حدود ۴,۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۸۹ رسید. شکل ۲ نشان دهنده میزان تولید روزانه نفت ایران در طول سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۸۹ است. طبق آمارهای غیر رسمی میزان تولید نفت خام در سال ۱۳۹۰ با نیم میلیون بشکه کاهش، به ۳,۹ میلیون بشکه در روز رسیده است. [۸]



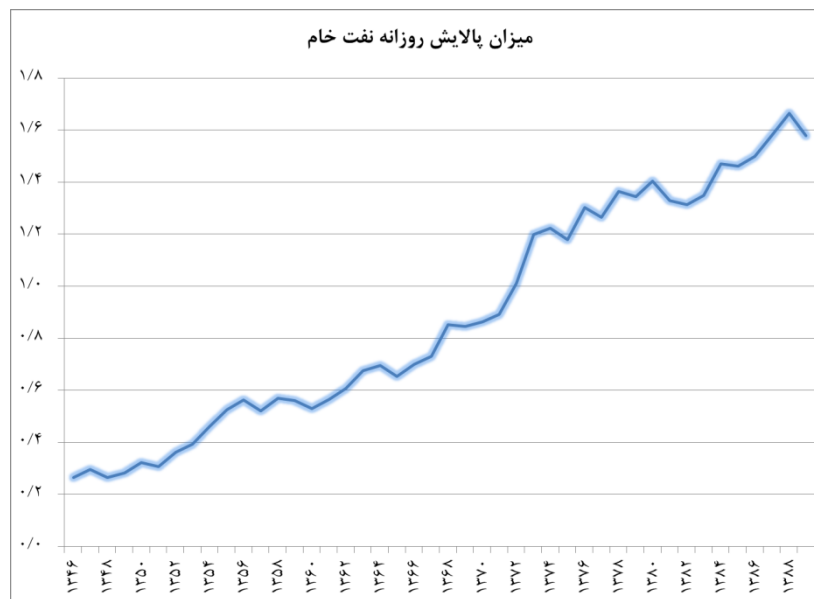
شکل ۴۰ متوسط تولید روزانه نفت ایران طی سالهای ۱۳۴۶-۱۳۹۰ [۹] و [۱۰]

مطابق با آمارهای رسمی موجود، ایران چهارمین کشور دارنده نفت در جهان و همچنین چهارمین کشور تولید کننده نفت می باشد. طبق آمار گزارش های رسمی، در صورت ادامه وضعیت فعلی در تولید نفت، شاخص طول عمر آماری نفت^۱ برای ایران بالغ بر ۱۰۰ سال خواهد بود. [۵]

^۱ شاخص R/P، شاخصی است که برای محاسبه عمر آماری ذخایر پایان پذیر استفاده می شود. البته میزان صحت این شاخص به نحوه برداشت از منبع، استفاده از روش های ثانویه و ثالثیه در استخراج منابع و مدیریت صحیح مخازن وابسته است و در عمل می تواند کمتر از مقدار ذکر شده باشد.

۳-۲- پالایش

در بررسی وضعیت صنعت پالایش توجه به این نکته ضروری است که از ابتدای تشکیل شرکت نفت تاکنون، سیاست های شرکت ملی نفت ایران صادرات حداکثری نفت خام بوده و هست. به همین دلیل، ظرفیت پالایشی فعلی کشور، تنها به میزانی است که فرآورده های حاصل نیاز داخلی را تأمین کند. بنابراین، نفت پس از استخراج یا باید به مصرف داخلی برسد یا صادر شود. بنابراین، در طول سال های اخیر موتور محرک اصلی و عامل فشار^۱ ساخت پالایشگاه در کشور، روند افزایشی مصرف فرآورده های نفتی بوده است. البته در برخی دوره ها ساخت پالایشگاه به دلایلی متوقف شده است. (شکل ۳)



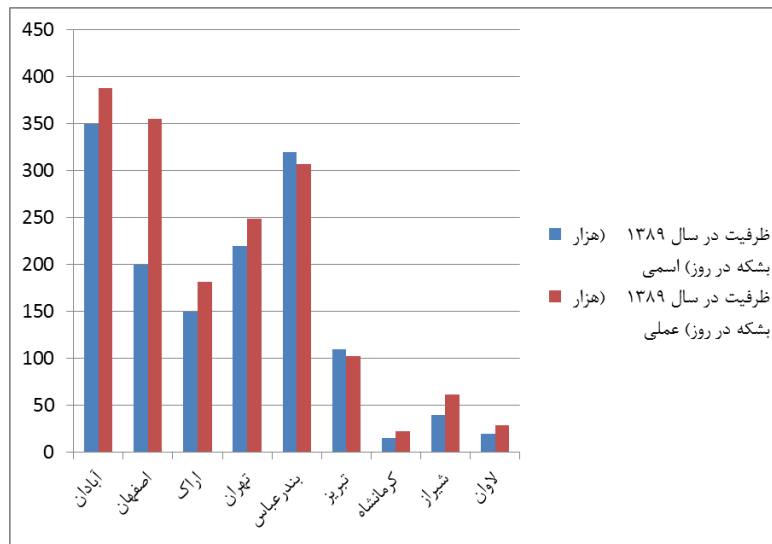
شکل ۴۱ متوسط پالایش روزانه نفت خام [۹]

در شکل ۳ مشاهده می شود که مقدار متوسط نفت تحویل داده شده به پالایشگاه های داخل کشور افزایش یافته است؛ اما این به معنای افزایش ظرفیت پالایشی در سال های مختلف نیست. توضیح آنکه میان ظرفیت پالایشی و میزان نفت پالایش شده تفاوت مفهومی وجود دارد؛ یعنی ظرفیت یک پالایشگاه ظرفیتی است که برای آن طراحی شده است ولی ممکن است عملاً نفت بیشتری پالایش شود و پالایشگاه در نقطه ای بالاتر از ظرفیت طراحی خود کار کند.

این اتفاق در طول سال های ۱۳۷۸ به بعد افتاده است و نتیجه این کمبود ظرفیت پالایشی آن است که در حال حاضر تقریباً تمام پالایشگاه های کشور در نقطه ای بیش از نقطه ظرفیت طراحی خود کار می کنند. [۹] به عنوان مثال، پالایشگاه اصفهان در نقطه ای حدود دو برابر ظرفیت اسمی خود در سال ۱۳۸۹ به کار گرفته شده است. شکل ۴ ظرفیت اسمی (طراحی) و عملی پالایشگاه های اصلی کشور را در سال ۱۳۸۹ نمایش

^۱ Market push

می‌دهد. بدین ترتیب، مشکل دیگر پالایشگاه‌ها عبارت است از عدم تناسب ظرفیت اسمی و عملی که منجر به افت بازدهی پالایشگاه‌ها، افت کیفیت محصولات تولیدی و کاهش عمر تجهیزات پالایشی می‌شود.



شکل ۴۲ مقایسه ظرفیت اسمی و عملی پالایشگاه‌های کشور در سال ۱۳۸۹

منبع: ترازنامه انرژی ایران، وزارت نیرو، ۱۳۸۹

جدول ۱ نشان می‌دهد که شاخص نسبت ظرفیت عملی به اسمی پالایشگاه‌ها در طول سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ روند افزایشی داشته که نشان از ضرورت توسعه در سال‌های اخیر است. همچنین ملاحظه می‌شود که مقدار این شاخص از سال ۸۵ به ۸۶ کاهش داشته است که دلیل این امر

اجرای طرح کارت هوشمند سوخت است. [۱۱]

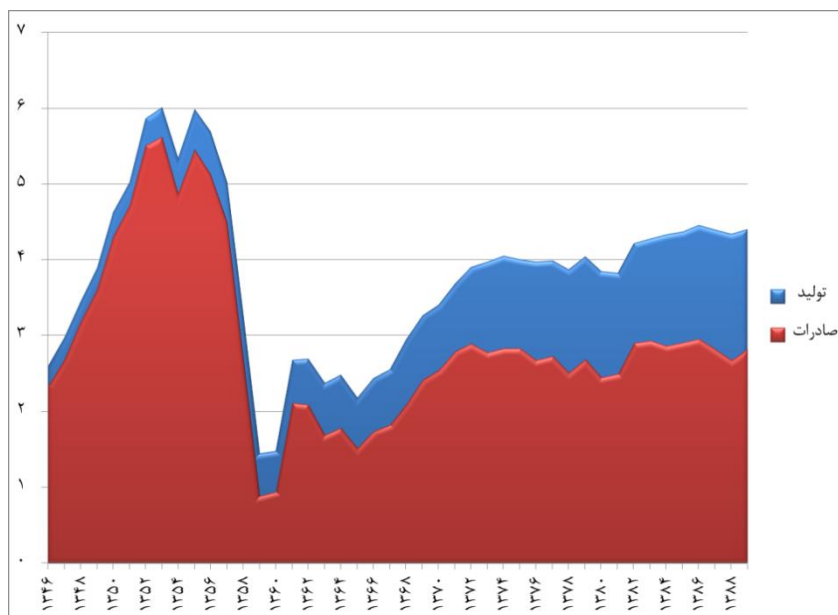
جدول ۱: ظرفیت اسمی و نسبت ظرفیت عملی به اسمی پالایش نفت خام در پالایشگاه های کشور طی سال

های ۸۹-۱۳۸۳ [۹]

| پالایشگاه | ظرفیت در سال ۱۳۸۹ (هزار بشکه در روز) | | نسبت ظرفیت عملی به اسمی (درصد) | | | | | | |
|------------|---|---------------|--------------------------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|------------|
| | اسمی | عملی | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ |
| آبادان | 350 | 387.6 | 95.9 | 97.2 | 105.9 | 109.8 | 115.4 | 112 | 110.8 |
| اصفهان | 200 | 355.5 | 175.4 | 187.9 | 181.9 | 187.8 | 180.3 | 183.1 | 177.8 |
| اراک | 150 | 181.5 | 119.9 | 110.5 | 120.9 | 117.9 | 115.5 | 111.4 | 121 |
| تهران | 220 | 248.4 | 110.3 | 110.3 | 113.4 | 107 | 106.7 | 112.1 | 112.9 |
| بندرعباس | 320 | 307.3 | 113.2 | 116.6 | 116.5 | 84.3 | 87.9 | 136.2 | 96 |
| تبریز | 110 | 102.6 | 100.6 | 99.9 | 99.4 | 95 | 101.6 | 99.8 | 93.2 |
| کرمانشاه | 15 | 22 | 88 | 96.2 | 96.1 | 149.7 | 147.9 | 92.5 | 146.8 |
| شیراز | 40 | 61.8 | 128.1 | 130.9 | 147.2 | 146 | 146.8 | 141.2 | 154.6 |
| لاوان | 20 | 28.5 | 148.1 | 139.7 | 153.1 | 155.4 | 154.8 | 152.7 | 142.3 |
| جمع | 1425 | 1695.2 | 117.7 | 119.5 | 123.1 | 116.4 | 117.7 | 126.8 | 119 |

۳-۳- صادرات

از گذشته، صادرات نفت برای ایران از دو جهت تأمین درآمد ملی و حفظ امنیت ملی اهمیت داشته است و خصوصاً به دلیل تأمین درآمد ملی از طریق خام فروشی نفت، زیاده روی نیز صورت گرفته است. در بخش پالایش مطرح گردید که صادرات نفت ایران اولویت بالاتری نسبت به پالایش آن در داخل داشته است. شکل ۵ روند تولید و صادرات نفت خام ایران را در طول سال های ۱۳۴۶ الی ۱۳۸۹ نشان می دهد.



شکل ۴۳ روند تولید و صادرات نفت خام طی سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۸۹ [۹]

مشاهده می‌شود که مقدار نفت تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی در طول سالهای پس از ۱۳۷۴ افزایش چشمگیری داشته است. در جدول ۲ موازنه تولید، واردات و صادرات نفت خام برای سال‌های ۸۷ تا ۸۹ آمده است.

جدول ۲: موازنه تولید، واردات و صادرات نفت خام طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۷ [۹]

| شرح | هزار بشکه در روز | | | میلیون بشکه در سال | | |
|----------------------------|------------------|---------|---------|--------------------|--------|--------|
| | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ |
| تولید نفت خام | 4016.5 | 3927.4 | 3942.4 | 1470.1 | 1433.5 | 1439 |
| صادرات مستقیم | -2357.2 | -2191.7 | -2279.1 | -862.7 | -800 | -831.9 |
| نفت خام خوراک پالایشگاه‌ها | -1653.6 | -1677.3 | -1663.3 | -605.2 | -612.2 | -607.1 |

۳-۴- مصرف فرآورده های نفتی

نفت ماده ایست که از یک طرف می تواند پایه تولید محصولاتی مانند پلاستیک باشد که به آنها اصطلاحاً کالاهای نفت پایه گفته می شود؛ از طرف دیگر به عنوان سوخت در تولید کالاهای بیشماری مانند: محصولات پتروشیمی، مصالح ساختمانی، آلومینیوم و سوخت بخش حمل و نقل استفاده می شود. به هر صورت برای استفاده از نفت در هر دو کاربرد باید آن را پالایش کرد.

مصرف فرآورده های نفتی ارتباط مستقیمی با وضعیت اقتصادی کشورها دارد. چرا که بیشترین سهم مصرف مربوط است به بخش حمل و نقل که در ایران همواره سیر صعودی داشته است. ترکیب فرآورده های مصرفی به گونه ایست که LPG، بنزین و نفت گاز سهم عمده ای در سبد مصرف انرژی این بخش دارند. در جدول ۳ روند میزان مصرف فرآورده های نفتی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ مشاهده می شود.

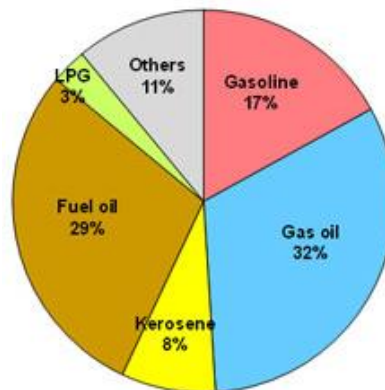
جدول ۳: مصرف فرآورده های عمده نفتی طی سال های ۸۹-۱۳۸۳ [۹]

| سال / شرح | گاز مایع | بنزین | نفت سفید | نفت گاز | نفت کوره | جمع |
|-------------------------------------|----------|-------|----------|---------|----------|-------|
| مصرف فرآورده های نفتی (میلیون لیتر) | | | | | | |
| ۱۳۸۳ | 4199 | 22159 | 7753 | 27348 | 13740 | 75199 |
| ۱۳۸۴ | 5032 | 24266 | 7499 | 28751 | 14589 | 80137 |
| ۱۳۸۵ | 5107 | 26867 | 7241 | 31429 | 15661 | 86306 |
| ۱۳۸۶ | 4648 | 24169 | 7871 | 32690 | 17350 | 86727 |
| ۱۳۸۷ | 4118 | 24496 | 7126 | 33852 | 18649 | 88241 |
| ۱۳۸۸ | 4635 | 23619 | 6811 | 34026 | 20479 | 89571 |
| ۱۳۸۹ | 4477 | 22365 | 5312 | 34711 | 15495 | 82360 |
| متوسط رشد سالانه طی دوره (درصد) | | | | | | |
| | 1.1 | 0.2 | -6.1 | 4.1 | 2.0 | 1.5 |
| سهم فرآورده های نفتی (درصد) | | | | | | |
| ۱۳۸۳ | 5.6 | 29.5 | 10.3 | 36.4 | 18.3 | 100.0 |
| ۱۳۸۴ | 6.3 | 30.3 | 9.4 | 35.9 | 18.2 | 100.0 |
| ۱۳۸۵ | 5.9 | 31.1 | 8.4 | 36.4 | 18.1 | 100.0 |
| ۱۳۸۶ | 5.4 | 27.9 | 9.1 | 37.7 | 20 | 100.0 |

| | | | | | | |
|-------|------|------|-----|------|-----|------|
| 100.0 | 21.1 | 38.4 | 8.1 | 27.8 | 4.7 | ۱۳۸۷ |
| 100.0 | 22.9 | 38 | 7.6 | 26.4 | 5.2 | ۱۳۸۸ |
| 100.0 | 18.8 | 42.1 | 6.4 | 27.2 | 5.4 | ۱۳۸۹ |

(۱) به استثنای مصارف پالایشگاهها.

بخشی از فراورده های نفتی مورد مصرف در داخل کشور از طریق پالایشگاه های داخلی و بخش دیگر از طریق واردات فراورده تأمین می شود. ترکیب تولید پالایشگاه های کشور طبق آمار شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی در شکل ۶ به نمایش گذاشته شده است. فراورده های سنگین سهم بالایی در این ترکیب دارند. به عنوان مثال، سهم نفت کوره که از فراورده های سنگین محسوب می شود ۲۹٪ است و در نتیجه تولید نفت کوره در مجموع بیش از نیاز داخلی است، لذا مازاد نفت کوره تولید شده به کشورهای دیگری چون ژاپن و سنگاپور صادر می شود. [۱۲] و [۱۳] جدول ۴ مقادیر صادرات و واردات فراورده های نفتی را طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ نشان می دهد.



شکل ۴۴ ترکیب محصولات پالایشی در سال ۱۳۸۶ [۱۴]

با ملاحظه جدول ۴ دیده می شود که صادرات در فراورده های سنگین مانند نفت کوره و واردات در فراورده های سبک تر مانند بنزین انجام می شود. این بدان معنی است که فراورده های سنگین تر که ارزش کمتری دارند از کشور خارج و فراورده های سبک به کشور وارد می شوند و در نتیجه برابری مالی صادرات و واردات فراورده به مقدار برابر، منفی است.

جدول ۴ : صادرات و واردات فرآورده های عمده نفتی طی سال های ۸۹-۱۳۸۳ [۹]

(میلیون لیتر در روز)

| فرآورده / سال | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ |
|---|-------|-------|-------|-------|-------|------|-------|
| صادرات | | | | | | | |
| نفت کوره | 37.27 | 36.87 | 38.86 | 27.99 | 24.95 | 22.5 | 29.32 |
| نفت گاز | 3.35 | 1.46 | - | 0.22 | 0.84 | 2.5 | 0.46 |
| نفت سفید | 0.6 | 0.32 | 0.27 | 0.14 | 0.5 | 0.06 | - |
| سوخت جت (هزار لیتر در روز) | - | - | - | 0.16 | - | - | 23 |
| واردات | | | | | | | |
| بنزین موتور | 22.67 | 24.81 | 27.5 | 19.05 | 20.61 | 21 | 14.9 |
| بنزین هواپیما ۱۰۰ LL (هزار لیتر در روز) | 5.6 | 4.2 | 5 | 2.9 | 2.7 | 2.7 | 3.7 |
| گاز مایع (تن در روز) | 827 | 769 | 638 | 758 | 790 | 800 | 661 |
| نفت گاز | 0.17 | 0.29 | 5.09 | 6.96 | 7.66 | 4.99 | 4.25 |
| برش سنگین نفتی از پتروشیمی | - | - | - | 1.1 | 2.5 | 1.2 | ● |

۴- تحلیل سیاست افزایش ظرفیت پالایش نفت

طبق مدل ارائه شده در سیاست گذاری انرژی، برای تحلیل سیاست افزایش ظرفیت پالایش نفت باید به سه هدف اقتصادی، امنیتی-

سیاسی و زیست محیطی توجه شود.

۱- اقتصادی

- بازگشت سرمایه: پروژه‌های پالایشی دارای بازگشت سرمایه و ارزش افزوده قابل قبولی است و موجب افزایش درآمد کشور

است. [۱۵]

^۱ مطالعات اقتصادی انجام شده بر روی پروژه های پالایشی نشان دهنده سودآوری این پروژه هاست. بطور عمومی سودآوری ارزی این پروژه‌ها در حدود ۷ دلار در هر بشکه است که عدد قابل قبولی محسوب می‌شود. در این زمینه لازم است به نکته دیگری توجه شود؛ در شرایط اقتصادی کنونی که اقتصاد جهانی در رکود است میزان سود پالایشگاه‌ها به دلیل کاهش تقاضای محصولات نفتی کاهش یافته است که این موضوع به سودآوری این صنعت به طور عمومی ارتباطی ندارد.

• زنجیره ارزش افزوده: پالایش نفت خام اولین قدم در راستای تکمیل زنجیره ارزش افزوده نفت و توزیع ارزش افزوده در سطح ملی است؛ مطابق با آنچه در بخش ۳-۴ آمده است، نفت کاربردهای بسیاری در صنایع گوناگون و بخش‌های مختلف اقتصادی دارد، لذا کاربرد نفت در صنعت موجب تولید کالا و افزایش ارزش افزوده در سطح ملی خواهد شد.

۲- امنیتی-سیاسی:

تعامل منطقه‌ای: در حال حاضر، تعامل منطقه‌ای ایران در صادرات نفت فقط با کشور ترکیه است. اما بازارهای متعدد فرآورده در کشورهای دیگری چون عراق [۱۶] و [۱۷]، افغانستان [۱۸] و پاکستان وجود دارد که در صورت فعال شدن این بازارها امنیت ملی ایران ارتقا خواهد داشت. به طور کلی، صادرات فرآورده‌های نفتی به کشورهای همسایه از نظر امنیت اقتصادی و امنیت ملی بر صادرات نفت به کشورهای غیر منطقه‌ای مزیت دارد. این بازارها به عنوان بازارهای اصلی و در دسترس موجب توسعه اقتصاد منطقه ای و یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. [۱۹]

یکی از متغیرهایی که موجب افزایش امنیت کشور در مقابل تهاجم‌های کشورهای بیگانه می‌گردد تعامل سازنده در منطقه است. تعامل مورد نظر، به معنای داشتن مراداتی است که به سبب آنها، کشورها منافع مشترکی داشته باشند و به خطر افتادن یکی از آنها موجب تحمیل هزینه‌هایی بر دیگری باشد تا بدینوسیله، کشورها حامی همدیگر باشند و به نوعی از اتحاد میانشان سود ببرند.

صادرات نفت به کشورهای دیگر در واقع نوعی از این مرادوات است که موجب شده تاحدودی کشورهای واردکننده نفت ایران برای حفظ منافع خود، منافع ایران را نیز در نظر بگیرند. اما با واردات فرآورده نفتی این ملاحظه بیشتر خواهد شد؛ زیرا کشورهای واردکننده فرآورده، عمدتاً از میان کشورهای همسایه خواهند بود و همچنین، کشور واردکننده نفت ایران در صورت لزوم میتواند نفت وارداتی خود را از محل دیگری که نفت مشابه ایران را دارد تهیه کند (مانند عراق) اما در صورتی که صادرات فرآورده نفتی قطع شود و پالایشگاه‌های مورد نیاز ساخته نشده باشد، خطر بزرگتری متوجه تامین فرآورده مورد نیاز کشور خواهد بود. به همین دلیل صادرات فرآورده‌های نفتی موجب ارتقای سطح امنیت کشور میشود.

در همین زمینه، مسئله تأمین تقاضای داخلی فرآورده‌های سبک مانند بنزین و دیزل یکی از فاکتورهای تعیین کننده امنیت ملی است. مطابق با آنچه در ۳-۴ مطرح شد، هم اکنون عمده پالایشگاه‌های کشور در نقطه بهینه خود کار نمی‌کنند و ظرفیت عملی آنها بیشتر از ظرفیت طراحی یا اسمی است. علاوه بر این، بخشی از فرآورده‌های مورد نیاز صنعت و حمل و نقل نیز از طریق محصولات پتروشیمی تامین می‌شود.

۳- زیست‌محیطی: توجه به مسائل زیست‌محیطی پالایشگاه‌ها صرفاً در مکان‌یابی این واحدها ضروری است. بدین ترتیب، با در نظر داشتن مسائل اقتصادی و زیست‌محیطی می‌توان مکان مورد نظر برای احداث پالایشگاه را شناسایی کرد.

بنابراین، سه عامل ایجاد ارزش افزوده از نفت و تکمیل زنجیره ارزش آن، تأمین امنیت کشور از طریق تجارت فرآورده با کشورهای منطقه و تامین نیاز داخلی به فرآورده در چارچوب بررسی اقتصادی، امنیتی-سیاسی و زیست‌محیطی، مبین ضرورت توسعه ظرفیت پالایشی هستند.

۵- راهبرد مناسب افزایش ظرفیت

به منظور پالایش نفت خام می‌توان از پالایشگاه‌های بزرگ با ظرفیت بالای ۱۰۰ هزار بشکه در روز، یا از پالایشگاه‌های کوچک با ظرفیت زیر ۱۰ هزار بشکه در روز استفاده کرد. اما در شرایط کنونی اقتصاد ایران، احداث پالایشگاه‌های کوچک نسبت به پالایشگاه‌های بزرگ مزایای قابل توجهی دارد:

۱. تأمین مالی: پروژه‌های پالایشگاهی نیازمند صرف سرمایه زیادی هستند که به گفته کارشناسان این مقدار سرمایه‌گذاری از توان بخش خصوصی فعلی ایران خارج است. از طرف دیگر، طبق قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی^۱ از سال ۱۳۸۶ به بعد، سرمایه‌گذاری دولتی در پروژه‌های پالایشی ممنوع شده است.^۲ به این ترتیب پالایشگاه‌های بزرگ از سرمایه‌های دولتی نیز محروم شده‌اند. اما، تأمین مالی پالایشگاه‌های کوچک به خاطر حجم کوچکتر نقدینگی مورد نیاز سهل‌تر و امکان تأمین مالی این نوع پالایشگاه‌ها از بازار سرمایه به راحتی قابل انجام است.
۲. تأمین تجهیزات: فناوری‌های مورد نیاز پالایشگاه‌های بزرگ در اختیار کشورهایی است که مواضع خصمانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران دارند و به همین دلیل در شرایط فعلی تأمین تجهیزات و خدمات این نوع پالایشگاه‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبرو شده است.^۳ اما، دارندگان فناوری پالایشگاه‌های کوچک کشورهایی هستند که روابط نسبتاً خوبی با ایران دارند و تأمین تجهیزات این نوع پالایشگاه از این کشورها ساده‌تر است.
۳. فناوری‌های مدرنی که در پالایشگاه کوچک استفاده شده‌اند، این امکان را به پالایشگاه‌های کوچک داده‌اند که ترکیب محصولات بهتری نسبت به فناوری‌های قدیمی خود داشته باشند. تغییر فناوری مورد استفاده در پالایشگاه‌های جدید موجب افزایش کیفیت محصولات و افزایش سودآوری پروژه شده است.
۴. واحدهای کوچک پالایشگاهی این ظرفیت را دارند که بطور کامل توسط مردم (بخش خصوصی) راه اندازی شوند. همین امر موجب ورود بخش خصوصی (عملاً مردم) به صنعت پالایش و تقویت آن خواهد شد. و این توانمندسازی آحاد مردم برای حضور موثر در فعالیتهای اقتصادی یکی از اصول اقتصاد مقاومتی نیز هست [۱۹]

^۱ در سایت سازمان خصوصی سازی آمده است: ماده ۳ - قلمرو فعالیتهای اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - مالکیت، سرمایه‌گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاههای اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۲) این قانون است، اعم از طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش‌های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیر دولتی، به هر نحو و به هر میزان ممنوع است.

^۲ دو پروژه به دلیل نیاز داخلی از قانون مذکور استثناء شدند که عبارتند از پروژه ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس و آنهایتا

^۳ فناوری‌های پالایشگاهی ایران عمدتاً در اختیار امریکا، فرانسه و برخی کشورهای دیگر بوده است.

۶- نتیجه گیری

در این مقاله، پس از بررسی وضعیت نفت ایران در بخش‌های تولید، پالایش، صادرات و مصرف فراورده‌های نفتی، بیان شد که سه عامل ایجاد ارزش افزوده در نفت و تکمیل زنجیره ارزش، تجارت فراورده با کشورهای منطقه و تامین نیازهای داخلی به فراورده تبیین کننده ضرورت توسعه ظرفیت پالایشی هستند. در ادامه به ترسیم وضعیت افزایش ظرفیت پالایشی پرداخته شد و با در نظر گرفتن شرایط حاضر، پالایشگاه کوچک به عنوان یک گزینه راهبردی در افزایش ظرفیت مطرح گردید. بنابراین، افزایش ظرفیت پالایشی کشور با استفاده از پالایشگاه‌های کوچک یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی خواهد بود.

مراجع

[1] <http://www.wintershall.com/en/company/oil-and-gas/oil-can-do-more.html>

[۲] مابرو، روبرت، *نفت در قرن ۲۱، چالش‌ها و فرصت‌ها*، احمد جزایری، روشنا، ۱۳۸۹

[3] Anthony R.H. Goodwin, *The Future of Oil and Gas Fossil Fuels, Future Energy*, Chapter 1

[4] <http://en.wikipedia.org/wiki/Oil>

[5] *BP Statistical review of world energy full report, June 2012*

[6] Anderson, Chris. *What's the Difference Between Policies and Procedures?*, Bizmanualz, April 4, 2005

[۷] ملکی، عباس، سیاست گذاری انرژی، دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۹۱

[۸] سایت خبری تحلیلی عصر ایران

[۹] ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، ۱۳۸۹

[10] <http://www.asriran.com/fa/news/210581>

[11] Fars News Agency, <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8602010390>

[۱۲] شرکت ملی پخش فراورده های نفتی، <http://www.niopdc.ir>

[۱۳] خبرگزاری اکو نیوز <http://www.econews.ir/fa/NewsContent.aspx?id=115874>

[۱۴] سایت شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران

[15] OMV financial report, January-March 2009

[16] http://www.iraqoilgas.com/sector_in_iraq.html

[۱۷] خبرگزاری پول نیوز

<http://www.poolnews.ir/fa/pages/?cid=61216>

[۱۸] سایت دانش نفت

[۱۹] نریمانی، میثم، عسکری، حسین، *چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی*، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، اردیبهشت ۹۱

جایگاه استراتژی ملی انرژی در اقتصاد مقاومتی

مجید صحراگرد

چکیده

با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، انتظار می‌رود که استراتژی اقتصاد مقاومتی به گونه‌ای رقم بخورد که ضمن تقویت رشد و توسعه اقتصادی، با اهداف تهدیدهای دشمن نیز مقابله نماید.^۱ از این منظر، بهترین گزینه جهت ایجاد رشد و توسعه اقتصادی، دستیابی به توسعه صنعتی است. توسعه صنعتی در شرایط مقابله با تهدیدات دشمن می‌بایست بر اساس پایه‌ای استوار گردد که در شرایط سخت و دشوار مانند تحریم، توان مقابله و مقاومت داشته باشد و دچار خدشه نگردد. به طور کلی، چهار پارادایم برای توسعه صنعتی و صنعتی شدن وجود دارد که می‌توان از طریق هر یک از این پارادایم‌ها، به این مهم دست یافت.

در توسعه صنعتی، یک صنعت به عنوان «صنعت پایه» مبنای صنعتی شدن قرار می‌گیرد، و با توجه به شرایطی که یک صنعت پایه دارد، تنها چهار صنعت (شامل کشاورزی و تغذیه، حمل و نقل، نظامی، و انرژی) می‌تواند مبنای توسعه صنعتی باشد. بنابراین، با مینا قرار گرفتن هر یک از این چهار «صنعت پایه» و جهت‌گیری برای صنعتی شدن، چهار «پارادایم توسعه صنعتی» شکل می‌گیرد. لذا ابتدا می‌بایست «صنعت پایه» مناسب و بومی کشور را انتخاب و سپس بر اساس آن توسعه صنعتی را دنبال نمود.

با شرایط بومی و موقعیت جمهوری اسلامی ایران، قرار دادن هر یک از صنایع کشاورزی، نظامی، و حمل و نقل به عنوان صنعت پایه در توسعه صنعتی در شرایط تهدید، فشار و تحریم می‌تواند مشکلات و مخاطرات زیادی را به دنبال داشته باشد، اما قرار گرفتن صنعت انرژی به عنوان «صنعت پایه» در توسعه صنعتی، بهترین گزینه در انتخاب پارادایم توسعه صنعتی کشور است.

^۱ - «هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. ... هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد کشور متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند. ... این شعارهای سال حلقه‌های بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصادی؛ ...»، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار کارگزاران، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳
«همین اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد.»، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

بنابراین، مناسب‌ترین پارادایم در دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی در اقتصاد مقاومتی، پارادایم توسعه‌ی صنعتی انرژی‌پایه است. در صورت انتخاب این پارادایم، استراتژی ملی صنعتی و همچنین توسعه‌ی صنعتی و صنعتی شدن کشور بر مبنای توسعه‌ی صنعت انرژی شکل می‌گیرد.

برای تحقق صنعتی شدن بر مبنای توسعه‌ی صنعت انرژی، می‌بایست که استراتژی ملی انرژی به گونه‌ای طراحی گردد که تمامی سطوح کشور و جامعه برای این منظور، هم‌گام و هم‌آهنگ حرکت کنند. از این جهت، استفاده از مدل «شاتل استراتژی» به عنوان یک استراتژی رفت و برگشتی، تحقق اهداف را طی یک حرکت رفت و برگشت میسر می‌سازد که مبنای طرح‌ریزی استراتژی ملی انرژی قرار گرفته است. هدف این استراتژی تبدیل شدن کشور ایران به «صادرکننده‌ی انرژی، فرآورده‌های انرژی، دانش انرژی و همچنین تکنولوژی انرژی» می‌باشد، که از طریق حرکت رفت و برگشت در سطوح استراتژیکی، عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی محیط استراتژی ملی انرژی در طیف مختلفی از انواع انرژی فسیلی و هسته‌ای و تجدیدپذیر، و نیز فعال‌سازی سطوح مختلف محیط استراتژی ملی انرژی بدست می‌آید. لذا اتخاذ شاتل استراتژی در صنعت انرژی و فعال‌سازی و گسترش این صنعت در ابعاد مختلف، ضمن ایجاد اشتغال و رونق در تولید، با افزایش نفوذ صنعت در سطوح مختلف کشور، موجب توسعه‌ی صنعتی و صنعتی شدن کشور می‌شود. این توسعه می‌تواند در اقتصاد مقاومتی، وجه آفندی و تهاجمی علیه تهدیدهای دشمن باشد و علاوه بر خنثی نمودن فشارها و تهدیدها، رشد و شکوفایی اقتصادی کشور را به ارمغان آورد.^۱

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، توسعه‌ی اقتصادی، پارادایم، توسعه‌ی صنعتی، صنعت پایه، انرژی پایه، استراتژی ملی

انرژی.

^۱ «اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینچنین نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند»، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.

مقدمه

مواجهه‌ی خصمانه‌ی دشمنان جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با انقلاب اسلامی و همچنین ناکارآمدسازی این انقلاب در دست‌یابی به اهداف خود، در عرصه‌های مختلف و متعددی صورت گرفته است. از آنجایی که انقلاب اسلامی از سرمایه‌ی عظیم مردم در پشتیبانی از خود، بهره می‌برد؛ دشمنان این انقلاب، ایجاد شکاف میان مردم و انقلاب و دل‌زدگی مردم از انقلاب را هدف قرار داد، و رسیدن به آن، و این را در عرصه‌های مختلف و به اشکال گوناگون دنبال می‌نمایند.

یکی از عرصه‌هایی که هدف دشمنان انقلاب قرار گرفته است، عرصه‌ی اقتصاد می‌باشد. در این عرصه، دشمن با متمرکز شدن بر روی اقتصاد، سعی بر آن دارد که از ابزارهای مختلف فشار، تحریم و تهدید استفاده کرده و به رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور و همچنین اشتغال لطمه وارد سازد و به طبع آن، رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، سپس معیشت مردم را دچار مشکل کند، آن‌گاه مردم به واسطه‌ی مشکلات به وجود آمده از انقلاب دل‌زده شده و از نظام اسلامی جدا شوند.^۱

از این رو، دشمنان انقلاب اسلامی ضمن هدف قرار دادن اقتصاد کشور، و استفاده از دکترین آنفولانزای نیویورکی^۲ علیه نظام اسلامی، سعی بر آن دارند که از طریق اعمال فشار اقتصادی و تحریم شهروندان ایرانی، قلب آن‌ها مملو از نفرت و بغض نسبت به نظام و مسئولان کنند. از این روست که، اقدامات و استراتژی‌های دشمنان انقلاب در عرصه‌ی اقتصاد متمرکز شده است.

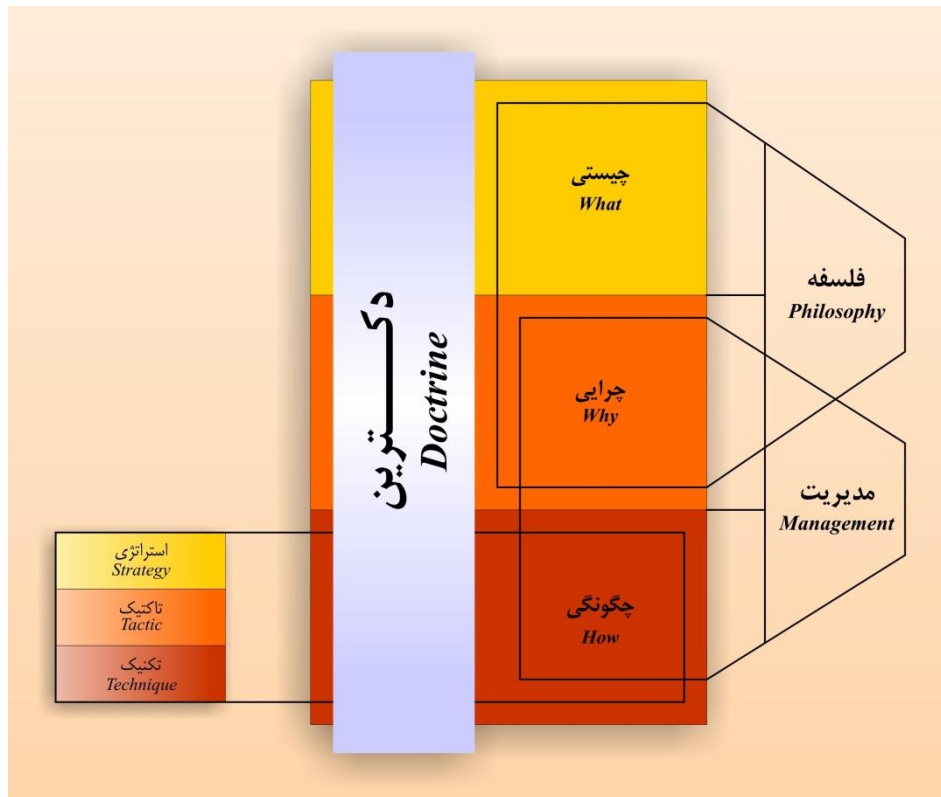
از آنجایی که «بهترین روش مقابله با دشمن، حمله به استراتژی دشمن است و نه خود دشمن»، مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) با ارائه‌ی ایده‌ی «اقتصاد مقاومتی»، ضمن شناسایی و توجه دادن به اهداف پیش روی دشمن، رمز مقابله با آن را نیز اعلام نمودند. اما همان‌گونه که ایشان از دانشجویان، اساتید و اقتصاددانان مطالبه می‌کنند، تبیین «اقتصاد مقاومتی» ضرورتی است که می‌بایست با مورد توجه قرار دادن شرایط، الزامات و ارکان مربوطه انجام شود.^۳

لذا، آن چه که در تبیین اقتصاد مقاومتی مورد نیاز است، تبیین ابعاد «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» این ایده می‌باشد. با بررسی بیانات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) تا حدودی ابعاد «چیستی» و «چرایی» و یا به عبارتی فلسفه‌ی اقتصاد مقاومتی مشخص می‌گردد، اما آن چه موجب می‌گردد که «دکترین اقتصاد مقاومتی» تبیین گردد، پرداختن به «چگونگی» اقتصاد مقاومتی است که بر اساس این چگونگی، می‌توان استراتژی، تاکتیک و تکنیک لازم را استخراج کرد. (شکل ۱)

^۱ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار کارگزاران، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

^۲ - عباسی، حسن، دوره‌ی طرح‌ریزی استراتژیک کلبه کرامت، جلسه ۱۸ - دکترین آنفولانزای نیویورکی، ۱۳۸۶/۰۱/۳۰.

^۳ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.



شکل ۱- ماهیت دکتترین

فلسفه‌ی اقتصاد مقاومتی

با بررسی صورت گرفته در بیانات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) پیرامون ایده‌ی اقتصاد مقاومتی، مشخص می‌شود که «اقتصاد مقاومتی چیست» و «اقتصاد مقاومتی چرا» مورد نیاز است. در ادامه نکاتی از آن، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

وضع موجود اقتصاد

تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد که کشور در عرصه‌ی اقتصادی دارای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی است که در شرایط مقابله با دشمن قرار دارد.

کشور در روند پیشرفت قرار دارد و با توجه به توانمندی و ظرفیت ایجاد شده در بخش‌های مختلف، به طور مثال زیر ساخت‌های مناسب، سطح علم و توانایی علمی، و مدیریت‌های قوی و با تجربه، می‌توان انتظار داشت که یک فصل جهش در پیشرفت را رقم زند، که البته چنین جهش الزاماتی نیز دارد.^۱

اما از سوی دیگر، وضع اقتصادی کشور در شرایط فشار، تحریم، و همچنین تهدید قرار دارد که دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید با ترندهای همیشگی و به شکل‌های مختلف همراه است.^۲

الزامات اقتصاد مقاومتی

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اقتصاد مقاومتی دارای دو الزام اساسی است:

- ۱- مردمی کردن اقتصاد با تأکید بر توانمندسازی بخش خصوصی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی.
- ۲- کاهش وابستگی به نفت و از طریق افزایش سایر فعالیت‌های اقتصادی درآمذزای.^۳

ارکان اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی دارای ارکانی است که انتظار می‌رود علی‌رغم وجود فشارها و تهدیدها، بنای اقتصاد مقاومتی استوار گردد.

- مدیریت مصرف، که دارای دو بُعد است: بُعد نخست، مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر و بُعد دیگر، استفاده از تولید داخلی می‌باشد.

- هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی.

- استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات.

- حرکت بر اساس برنامه و دوری از. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، که به اقتصاد مقاومتی مقاومت ملت ضربه می‌زند.

- وحدت و همبستگی. در کشور ایران خوشبختانه ملت متحدند؛ این دستاورد خیلی مهمی است که از این باید صیانت کرد و نگذاشت که از

بین برود.^۴

- تکیه به مردم.

- حمایت از تولید ملی، به ویژه صنعت کشاورزی، که بخش درون‌زای اقتصاد است و می‌بایست به آن تکیه کرد.

- اقتصاد دانش‌بنیان. شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان جاده‌ی باز و امیدبخشی است.^۱

^۱ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۶/۱۶.

^۲ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶ و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس

جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲.

^۳ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار کارگزاران، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

^۴ - همان.

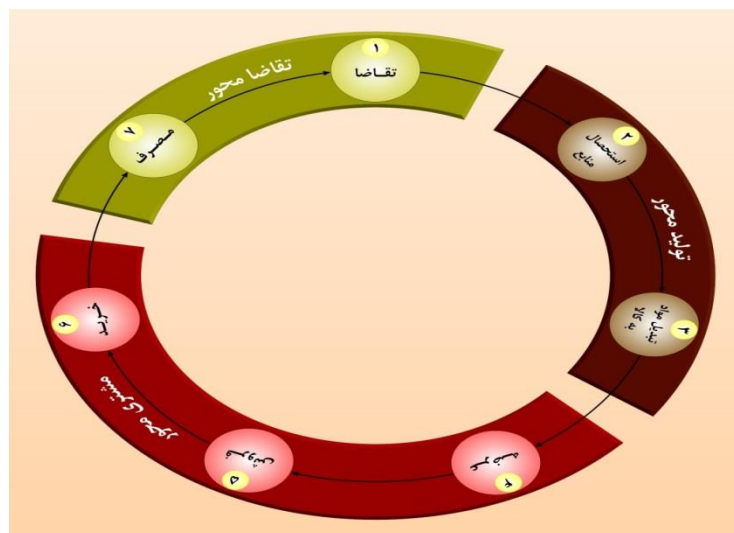
معنای اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی بدین معناست که یک اقتصادی وجود داشته باشد که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، و هم آسیب-پذیری را کاهش دهد. به عبارت دیگر، وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی به گونه‌ای باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.^۲

همچنین اقتصادی است که در شرایط فشار و تحریم تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد.^۳ با توجه به ملاحظاتی که در خصوص «چپستی» و «چرایی» اقتصاد مقاومتی عنوان شد، انتظار می‌رود که این اقتصاد، هم‌گام با ایجاد رشد و توسعه‌ی اقتصادی، به گونه‌ای باشد که بتواند اقتصاد کشور را از تحریم‌ها و تهدیدها مصون نگه داشته و فشارها را خنثی نماید.

صنعتی شدن، مبنای اقتصاد مقاومتی

فرآیند کلی اقتصاد، هفت گام کلی را دربر دارد که به ترتیب شامل تقاضا، استحصال منابع، تبدیل مواد به کالا، عرضه، فروش، خرید، و مصرف، می‌شود. این هفت مؤلفه را می‌توان به سه دسته‌ی کلی تقسیم نمود: تقاضا محور- تولید محور- و مشتری محور. (شکل ۲)^۴



شکل ۲- فرآیند کلی اقتصاد

^۱ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲.

^۲ - همان.

^۳ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.

^۴ - عباسی، حسن، درآمدی بر دکترین تطبیقی اقتصاد، ماهنامه اندیشه گستر سایپا، شماره ۸۴، آبان ۱۳۸۷.

در اقتصاد، می‌توان هر یک از هفت مؤلفه‌ی فرآیند اقتصاد و یا هر یک از سه دسته‌ی تقاضامحور، تولیدمحور و مشتری‌محور را مبنای توسعه قرار داده و از طریق توسعه‌ی آن، دیگر بخش‌های اقتصاد را توسعه داده و شکوفایی اقتصادی را رقم زد.

تا کنون نظریات مختلفی برای توسعه‌ی اقتصادی مطرح شده است و روش‌های گوناگونی در کشورهای مختلف جهت ایجاد توسعه مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به این که کدامیک از ابعاد اقتصاد، مبنای توسعه قرار گیرد، استراتژی‌های متعددی را می‌توان اتخاذ کرد. اما به طور کلی شش استراتژی مجزا برای توسعه‌ی اقتصادی عنوان می‌شود: استراتژی پولی، استراتژی اقتصاد باز، استراتژی صنعتی شدن، استراتژی انقلاب سبز، استراتژی توزیع مجدد، استراتژی توسعه‌ی سوسیالیستی.^۱

با توجه به نکاتی که پیرامون اقتصاد مقاومتی، و الزامات و ارکان آن مطرح شد، می‌توان دریافت که ثقل اقتصاد مقاومتی بر روی دسته‌ی تولید محور و به عبارتی دیگر صنعت در بطن اقتصاد قرار دارد و دیگر مؤلفه‌های فرآیند اقتصاد در نسبت با بخش تولید و صنعت، تنظیم می‌گردد. از سوی دیگر، با دقت در شعارهای سال‌های گذشته که همانند حلقه‌هایی برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد بوده است، مشاهده می‌شود که مبنای توسعه‌ی اقتصادی در اقتصاد مقاومتی، تولید و صنعت است.^۲

بنابراین، در تبیین «چگونگی» اقتصاد مقاومتی، می‌توان بیان کرد که اقتصاد مقاومتی از طریق توسعه بر مبنای تولید و صنعت حاصل می‌گردد. از این رو، در اقتصاد مقاومتی با توسعه‌ی صنعتی و صنعتی شدن آغاز شده و با ایجاد رشد و پیشرفت در تولید، موجب شکوفایی اقتصاد می‌گردد و بدین صورت با فشارها و تهدیدهای دشمنان مقابله می‌نماید.

چون صنعتی شدن و توسعه‌ی صنعتی به عنوان موتور محرکه اقتصاد، به توسعه‌ی دیگر بخش‌های اقتصاد و وابسته نمی‌باشد، لذا به طور مستقل امکان توسعه‌ی صنعتی وجود دارد این توسعه، پایه‌ای مقاوم و پایدار در توسعه‌ی اقتصادی است.^۳

کشوری که توسعه‌ی اقتصادی‌اش را از طریق یک توسعه‌ی صنعتی پایدار دنبال نماید، دارای پیشرفت تضمین شده‌ای خواهد بود، زیرا دارای یک توسعه‌ی مستقل است. پس برای دستیابی به یک پیشرفت تضمین شده، می‌بایست یک توسعه‌ی صنعتی را مد نظر قرار داد.

توسعه‌ی صنعتی پایدار

برای توسعه صنعتی و صنعتی شدن، چهار پارادایم وجود دارد که می‌توان از طریق هر یک از این پارادایم‌ها، توسعه‌ی صنعتی یک کشور، را رقم زد. از این رو ابتدا می‌بایست «صنعت پایه» و مبنای صنعتی شدن مشخص گردد.

در تعریف، «صنعت پایه» و یا «صنعت مادر»، سه ویژگی مد نظر است:

^۱ - کیت گریفین، راهبردهای توسعه اقتصادی، حسین راغفر، محمدحسین هاشمی، نشر نی، اول، ۱۳۷۵، صص ۵۴-۶۱.

^۲ - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار کارگزاران، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

^۳ - بیدآبادی، بیژن، استراتژی توسعه صنعتی و صنعت محرک اقتصاد ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۰، زمستان ۸۲.

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

الف- نیاز متناسب با آن صنعت، نیاز بنیادی، پایه و پایدار باشد.

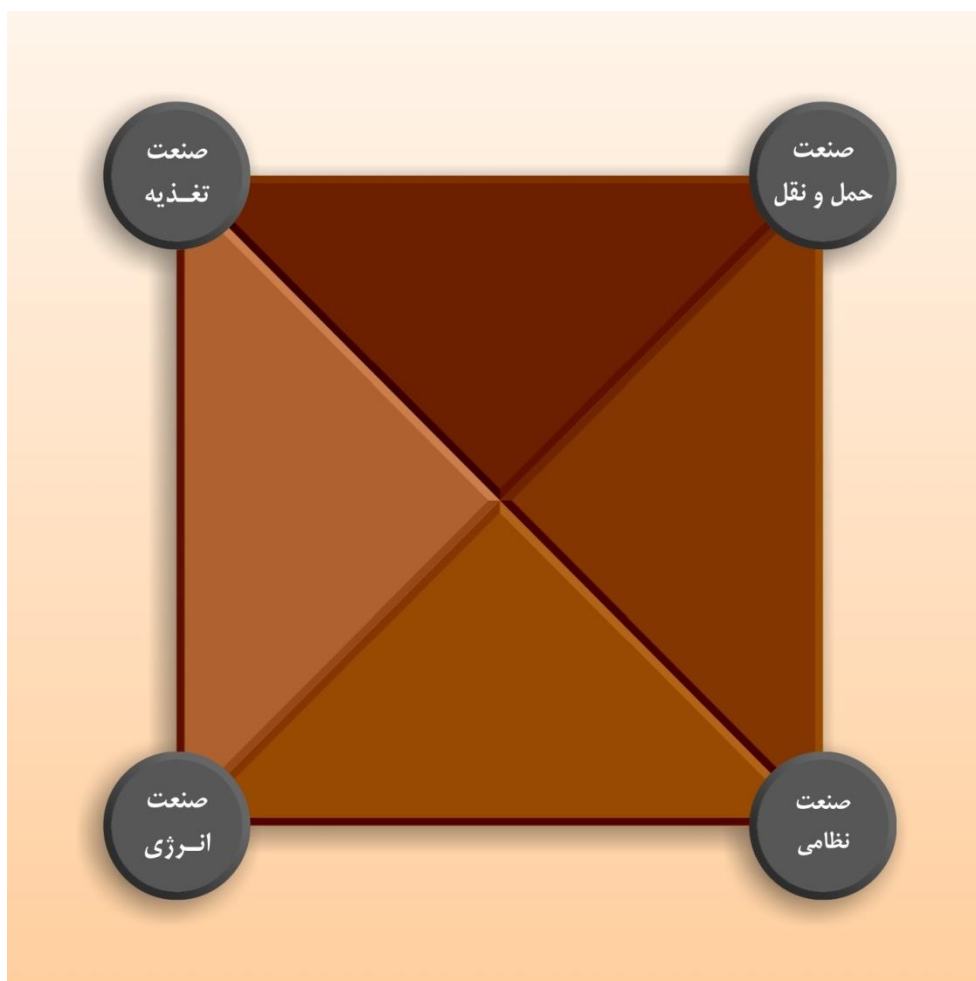
ب- دیگر نیازها، تابع و وابسته به نیاز آن صنعت باشد.

ج- صنایع دیگر به تبع توسعهی آن صنعت، ایجاد و یا توسعه یابند.

تنها چهار صنعت وجود دارد که دارای این شرایط بوده و ظرفیت قرار گرفتن به عنوان «صنعت پایه» را در توسعهی صنعتی و صنعتی شدن یک کشور را داشته و یا دارد. این چهار صنعت عبارتند از: صنعت کشاورزی و تغذیه، صنعت حمل و نقل، صنعت نظامی، و صنعت انرژی. (شکل

۳)

در بررسی «صنعت پایه» برای جمهوری اسلامی ایران و انتخاب پارادایم توسعهی صنعتی مناسب، می‌بایست با توجه به موقعیت، توانمندی‌ها و محدودیت‌های موجود در کشور، اقدام به تصمیم‌گیری نموده و بهترین گزینه را انتخاب نمود.



شکل ۳- پارادایم‌های توسعهی صنعتی

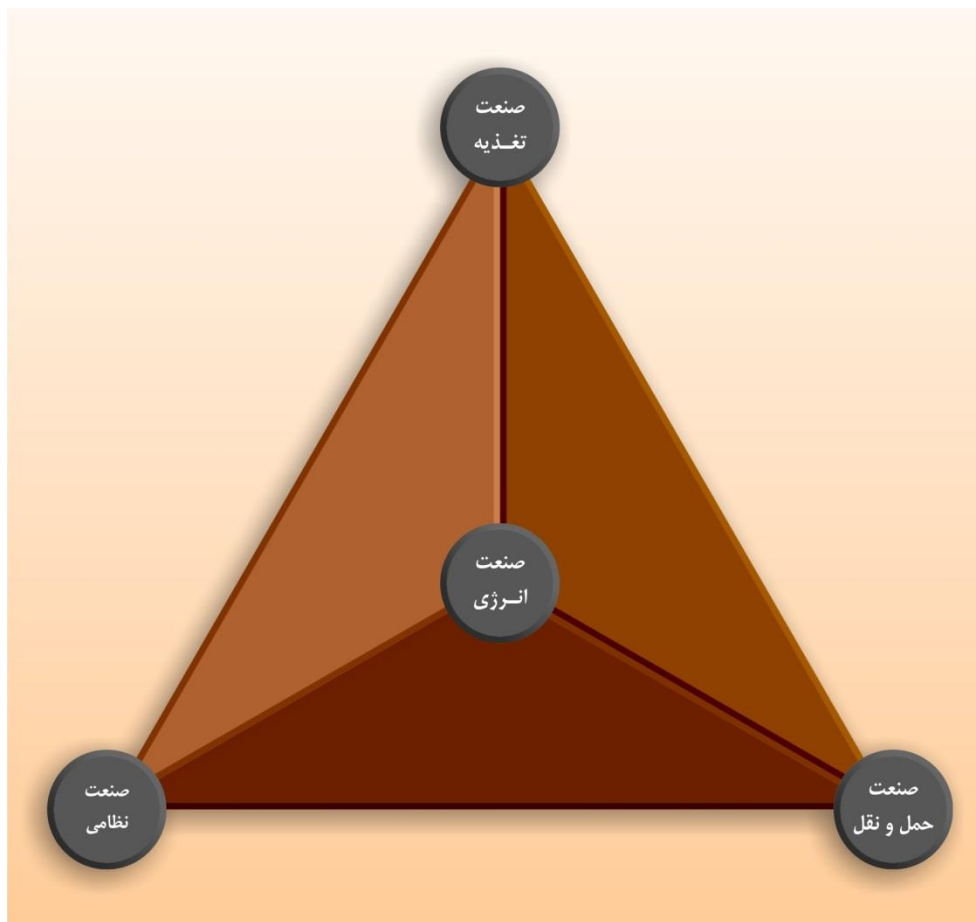
ایران به واسطه‌ی قرار گرفتن در یک منطقه‌ی عمدتاً خشک و نیمه خشک، به عنوان یک کشور کم آب شناخته می‌شود، و از آنجایی که در صنعت کشاورزی و تغذیه، آب نقش کلیدی و حیاتی دارد، ایران در انتخاب این صنعت به عنوان «صنعت پایه» با محدودیت‌هایی مواجه است و توسعه‌ی پایدار از طریق پارادایم توسعه‌ی صنعتی تغذیه پایه مقدور نمی‌باشد.

از سوی دیگر، با توجه به اعتقادات و سیاست‌های کشور در حوزه‌ی نظامی که بر دفاع و عدم حمله پیش‌دستانه استوار است لذا توسعه‌ی حوزه‌ی نظامی متناسب و وابسته به تهدیدات و دشمن بوده و امکان توسعه‌ی نظامی و به تبع آن توسعه‌ی صنعت نظامی به صورت نامحدود وجود ندارد، پس انتخاب پارادایم توسعه‌ی صنعتی نظامی پایه، با محدودیت‌های ایدئولوژیک مواجه است و معایر سیاست‌های کشور می‌باشد.

از سال ۱۹۶۷ میلادی، روند صنعتی شدن ایران در آن زمان با ایجاد شرکت ایران ناسیونال^۱ و تولید خودروی پیکان مبتنی بر صنعت پایه‌ی حمل و نقل آغاز شد. اما علی‌رغم گذشت نزدیک به نیم قرن تلاش در این عرصه، توفیقی در توسعه‌ی صنعتی و صنعتی شدن کشور حاصل نشده است البته برخی مشکلات ناشی از محدودیت منابع و نبود علم و تکنولوژی نیز بی‌تأثیر نبوده، و همواره این صنعت وابسته مانده است. این تجربه‌ی تاریخی و مشکلات این صنعت در کشور، با وجود هزینه‌ها، پافشاری‌ها و تلاش‌های صورت گرفته، نشان می‌دهد که پارادایم توسعه‌ی صنعتی حمل و نقل پایه در ایران ناموفق بوده و نمی‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای توسعه‌ی پایدار کشور به ویژه در شرایط تحریم و فشار باشد.

کشور ایران به واسطه‌ی موقعیت خود، در وضعیت منحصر به فردی از لحاظ دارا بودن ذخایر و ظرفیت‌های انواع انرژی است که وجود این تنوع در منابع انرژی نیز فرصت ویژه‌ای است که معدود کشوری را می‌توان یافت که دارای این مزیت باشد. پس در منابع محدودیت خاصی وجود ندارد. همچنین با توجه به توانمندی و قدمتی که برخی صنایع انرژی در کشور دارد و در چند سال گذشته نیز توانسته است تحت فشار و تحریم به توسعه‌ی پایداری دست یابد و در مقایسه با دیگر صنایع (مانند صنایع انرژی‌های تجدیدپذیر) هم‌گام و یا با اختلاف کمی در جریان پیشرفت قرار دارد، می‌توان این انتظار را داشت که صنعت انرژی بتواند قابلیت یک صنعت پایه را برای توسعه‌ی پایدار کشور داشته باشد. بنابراین گزینه‌ی پارادایم توسعه‌ی صنعتی انرژی پایه برای جمهوری اسلامی ایران، نسبت به دیگر پارادایم‌های توسعه‌ی صنعتی، دارای توانمندی‌ها و قابلیت‌های مناسب‌تری است. (شکل ۴)

^۱ - شرکت ایران ناسیونال توسط تالبوت انگلیسی و در زمان هویدا (۱۹۶۷ میلادی) تأسیس شد. این شرکت پس از تغییر نام به «شرکت ایران خودرو» تبدیل شده است. لازم به ذکر است که شرکت دوو در سال ۱۹۶۲ با اختلاف زمانی اندکی نسبت به ایران ناسیونال، در کره جنوبی آغاز به کار کرد و توانست موجبات صنعتی شدن و توسعه‌ی صنعتی کره جنوبی را با گسترده نمودن فعالیت‌ها در صنایع مختلف، فراهم نماید.



شکل ۴- پارادایم توسعه‌ی صنعتی انرژی پایه

با بررسی بر توانمندی‌ها و تجربه چندین ساله‌ی کشور، و همچنین وجود ظرفیت‌ها و منابع خدادادی، انتخاب «پارادایم توسعه‌ی انرژی پایه» در عرصه‌ی توسعه‌ی صنعتی کشور ضروری به نظر می‌رسد. اما پس از مشخص نمودن پارادایم توسعه، برای تحقق این توسعه لازم است که با تبیین و طرح‌ریزی استراتژی ملی انرژی در افق بلندمدت و نوید بخش، چگونگی دستیابی به آن افق را مشخص کرد. لذا در گام بعد، ابعاد و لایه‌های استراتژی ملی انرژی مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد تا چهارچوب مناسبی برای توسعه‌ی صنعت کشور فراهم گردد.

طرح استراتژیک ملی انرژی

فراگیر سازی استراتژی ملی انرژی بر «محیط» استراتژی منطبق است. محیط استراتژی ملی انرژی، همپوشی دو حوزه‌ی «ملی» و «محیط جهانی» انرژی را در بر می‌گیرد.

محیط استراتژی ملی انرژی به چهار لایه تقسیم‌بندی می‌شود: ۱- محیط استراتژیکی انرژی: سطح استراتژی استراتژیکی انرژی؛ ۲- محیط عملیاتی انرژی: سطح استراتژی عملیاتی (میانی) انرژی؛ ۳- محیط تاکتیکی انرژی: سطح استراتژی تاکتیکی انرژی؛ و ۴- محیط تکنیکی انرژی: سطح استراتژی تکنیکی انرژی. (شکل ۵)^۱

طرح استراتژیک ملی انرژی با توجه به شرایط اقلیمی، موقعیت جغرافیایی، منابع گوناگون انرژی، سطح و کیفیت صنعت و تکنولوژی، اراده‌ی رهبران، خواست عمومی، دانش فنی، و... کشور جمهوری اسلامی، به اختصار می‌تواند در هر چهار سطح، به تفکیک به قرار زیر ریخته می‌شود: (شکل ۵)

۱- طرح استراتژیکی انرژی: صدور انرژی و فرآورده‌های آن و همچنین دانش و تکنولوژی آن

مبتنی بر این طرح در محیط استراتژیکی انرژی، ثقل حرکت و کانون توجه، بر «صادرات» روز افزون است؛ از این منظر، صدور روز افزون انواع انرژی، فرآورده‌های انرژی، دانش تخصصی انرژی و علوم مرتبط، و همچنین تکنولوژی متنوع انرژی و صنایع مرتبط، در این سطح می‌باشد. نیاز مبرم کشورها به منابع انرژی در کشور می‌تواند ابزاری جهت شکسته شدن تحریم‌ها و غلبه بر فشارها ایجاد کند.

۲- طرح عملیاتی (میانی) انرژی: توزیع و تقسیم تکیه‌گاه قدرت ملی به منابع مختلف انرژی

مبتنی بر این طرح، تکیه‌گاه قدرت ملی کشور از یک منبع انرژی، به منابع گوناگون انرژی تغییر نموده و تکیه به آن منابع، به نسبت منطقی و متناسب (و نه لزوماً مساوی)، تقسیم و توزیع می‌شود. تقسیم و توزیع تکیه‌گاه قدرت ملی، به منابع گوناگون انرژی، در جهت تحقق ثبات ملی و یا بقاء ملی مطرح است:

۳- طرح تاکتیکی انرژی: تولید کیفی و متنوع انرژی و دانش و تکنولوژی مربوطه در طیف‌های مختلف انرژی

طرح تاکتیکی انرژی برای جمهوری اسلامی، طرح‌ریزی چرخه‌ی تولید انرژی در منابع گوناگون است. وجود منابع گوناگون انرژی، نیروهای متخصص و جوان، و همچنین اراده‌ی ملی، تولید انرژی را توسط بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، برای مصرف داخلی و صدور به خارج از کشور رقم می‌زند.

۴- طرح تکنیکی انرژی: مصرف بهینه و به صرفه‌ی انرژی‌های مختلف

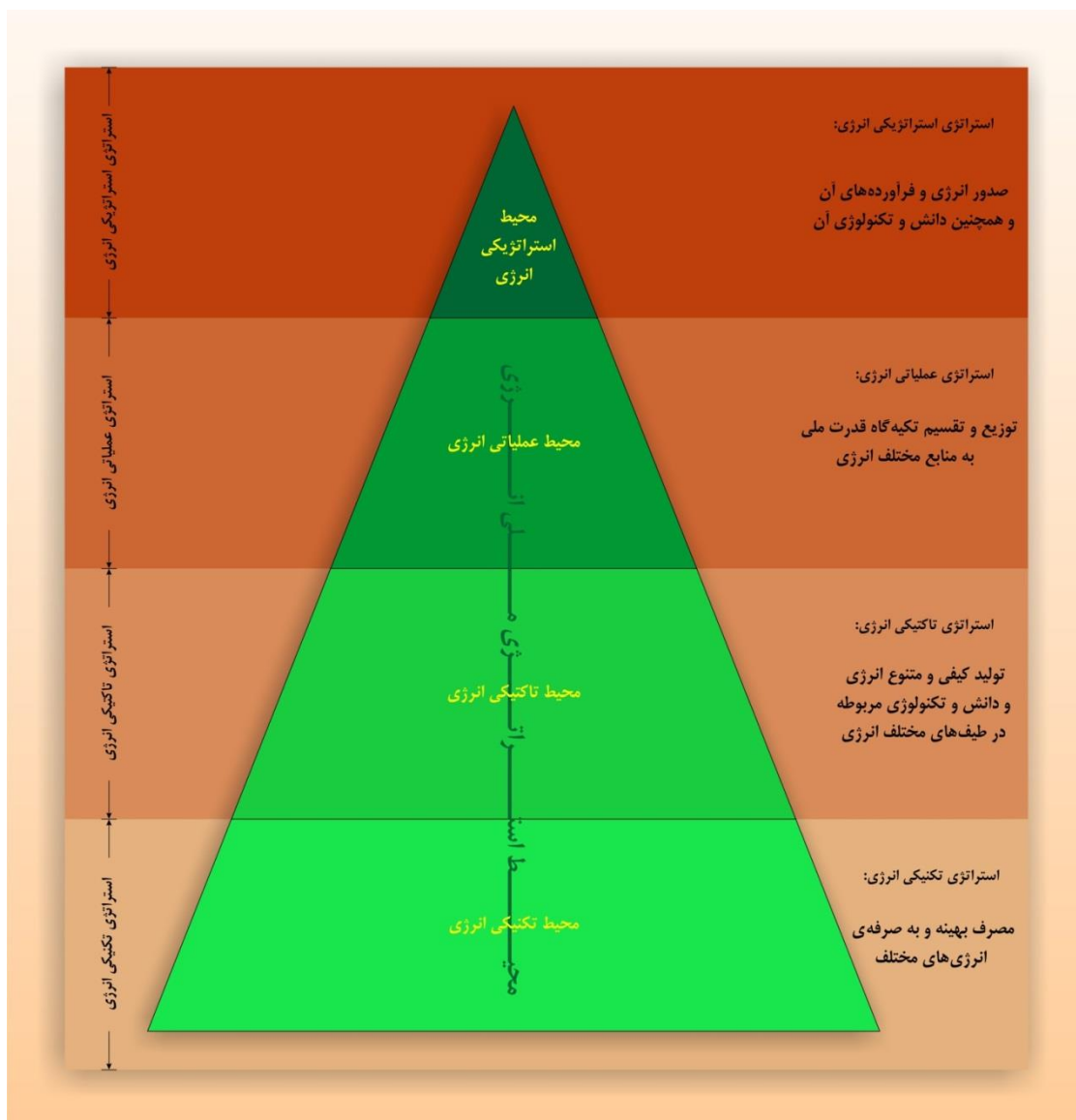
طرح تکنیکی انرژی برای جمهوری اسلامی، معطوف به استفاده‌ی مناسب و مکفی و بهینه از انرژی است. صحیح مصرف نمودن انرژی، هنری شگرف است که نیازمند فرهنگ‌سازی است و فرهنگ‌سازی نیز محتاج طرح‌ریزی مطلوب.^۲

^۱ - صحراگرد، مجید، مطالعه‌ی طرح‌ریزی استراتژی ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشکده انرژی، دانشگاه عباسپور، ۱۳۸۶.

^۲ - همان..

سیر طرح استراتژیک ملی انرژی مبتنی بر مدل شاتل استراتژی

صدور انرژی به خارج از کشور در سطح استراتژی استراتژیکی انرژی، لزوماً باید مبتنی بر روند سه سطح دیگر، یعنی تنوع منابع انرژی در سطح عملیاتی، تولید متنوع انرژی در سطح تاکتیکی و مصرف بهینه در سطح تکنیکی باشد. نیاز داخلی، بر صادرات انرژی تقدم دارد و اگر یک طرح جامع استراتژیک این دو مسأله را هم زمان پاسخ ندهد، جامعیت ندارد. انرژی صادراتی، از میان مردم و پس از رفع نیاز مردم، می‌گذرد. اگر کل جامعه و مردم در تولید و مصرف و صدور، سهام و شریک نشوند، استراتژی مزبور جامعیت نداشته و در نتیجه با شکست مواجه خواهد شد. این یک اصل کلی است که در هر طرح استراتژیک ملی، مشارکت و حضور نهادینه شده‌ی عموم مردم، امری اجتناب ناپذیر و حیاتی است.

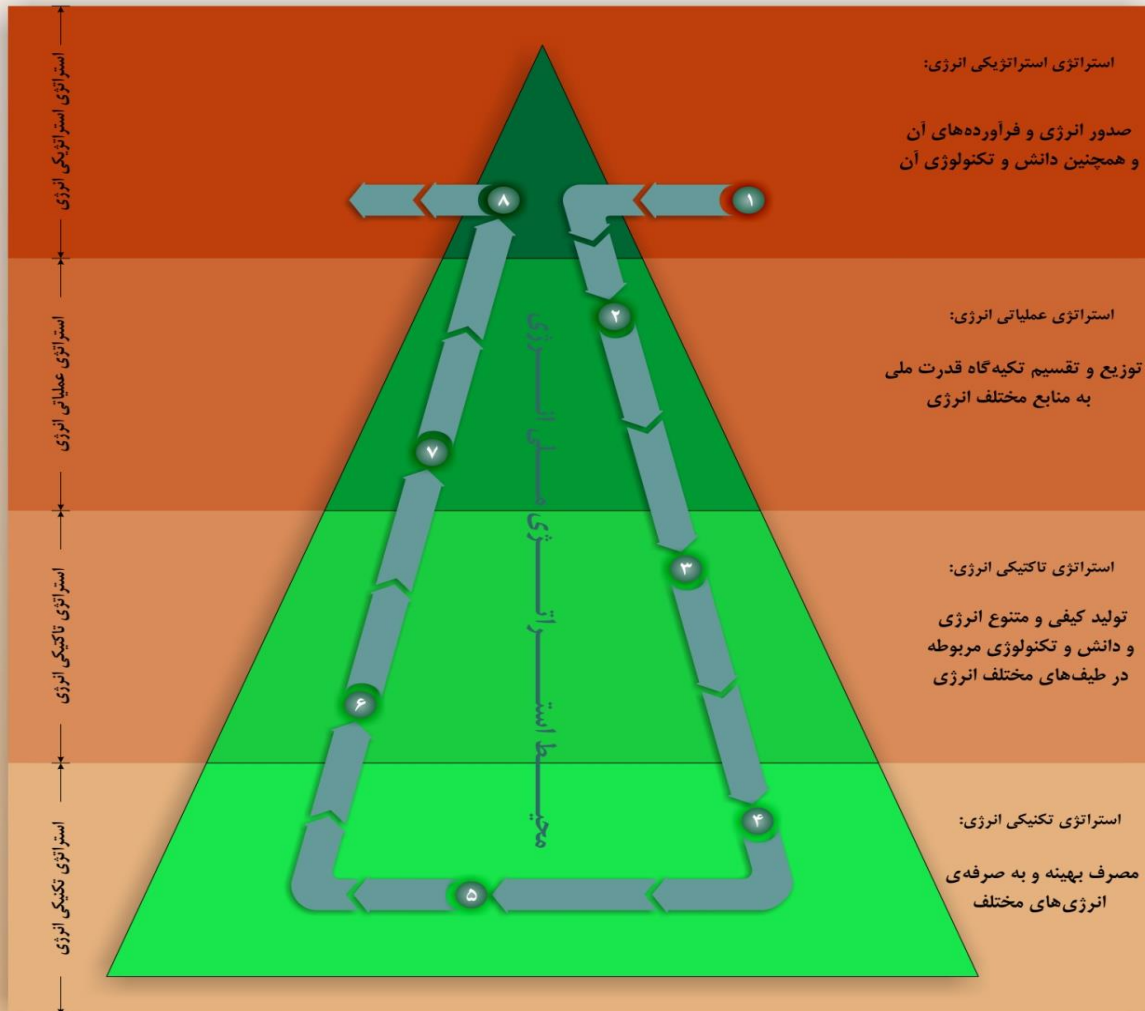


شکل ۵- سطوح طرح استراتژیک ملی انرژی

برای تحقق این مسأله، لزوماً طرح استراتژیک ملی انرژی، از روش شاتل استراتژی یا استراتژی رفت و برگشتی بهره می‌برد؛ یعنی استراتژی، از سطح استراتژیک به سمت قعر جامعه در سطح تکنیکی، در محیط تکنیکی انرژی فرو رفته و پس از «اثر بخشی» به لایه‌های سه-گانه‌ی زیرین، از آنها «اثر گیری» مثبت نموده و آماده‌ی ایفای نقش اصلی، یعنی صادرات خواهد شد.

سیر طرح‌ریزی استراتژیک ملی انرژی مبتنی بر شاتل استراتژی ۸ گام اساسی دارد: (شکل ۶)

- ۱- وجود اراده‌ی ملی، برای صادرات انرژی، فرآورده‌های آن، دانش تخصصی، و تکنولوژی‌های مربوطه.
- ۲- تبیین تنوع انرژی‌ها و تقسیم و توزیع توجه به این تنوع. سپس فعال‌سازی هریک از این حوزه‌های متنوع انرژی. این تنوع، در جهت‌گیری برای تولید است، نه صدور.



شکل ۶- سیر طرح استراتژیک ملی انرژی مبتنی بر مدل شاتل استراتژی

- ۳- تولید کیفی و متنوع انرژی و دانش و تکنولوژی مربوطه، در طیف‌های مختلف انرژی، توسط بخش دولتی، تعاونی و خصوصی.
 - ۴- مصرف مکفی، بهینه و به صرفه‌ی انرژی‌های مختلف، توسط عموم مردم، مجموعه‌های دولتی، کارخانجات و صنایع و ...
 - ۵- توجه به مؤلفه‌ی قناعت، با توجه به ضرورت صرفه‌جویی در مصرف برای امکان صدور. مبتنی بر قاعده‌ی «ذره ذره جمع گردد، وانگهی دریا شود».
 - ۶- پس از آنکه جامعه از مصرف مکفی انرژی اشباع شد، مازاد تولید و مازاد مصرف در حوزه‌ی انرژی، فرآورده‌های آن، دانش تخصصی، و تکنولوژی مرتبط، برای صدور ذخیره و آماده می‌شود.
 - ۷- در مسیر برگشت انرژی و محصولات و تکنولوژی مربوطه برای صدور، یکبار دیگر مسأله‌ی توزیع و تقسیم تکیه‌گاه قدرت ملی انرژی مطرح می‌شود. این بار نیز تنوع منابع مطرح است، اما جهت‌گیری تنوع منابع انرژی معطوف به صدور است، نه تولید. ضرورت شناسی هریک از طیف‌های انرژی برای صدور، بسته به موقعیت و جهت‌گیری امنیت ملی دارد.
 - ۸- مرحله‌ی صادرات «خالص». در این مرحله، میان سرانه‌ی مصرف با سرانه‌ی صادرات موازنه‌ی مثبت برقرار شده و صادرات «خالص» صورت می‌پذیرد، زیرا دغدغه‌ی مصرف منتفی یا تعدیل شده است.^۱
- حوزه‌ی استراتژی انرژی، با زندگی عمومی مردم ارتباط مستقیم دارد. لذا چون از مشارکت مردم، گریزی نیست؛ در نتیجه شاتل استراتژی ضرورت جدی می‌یابد.

استراتژی ملی انرژی در افق ۱۴۱۴

بررسی طرح استراتژیک ملی انرژی، از چهارچوب کلی استراتژی ملی انرژی نشأت گرفته است. اکنون می‌توان به مرور استراتژی ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴ پرداخت. (شکل ۷)^۲

این استراتژی، طرحی است که «چگونگی» تحقق «اقتصاد مقاومتی» را تبیین نموده، و مفهوم اقتصاد مقاومتی را در واقعیت ترسیم می‌نماید، و همچنین، الزامات و ارکان بیان شده نیز در این طرح مشاهده می‌شود. استراتژی ملی انرژی در شرایط مختلف از جمله تحریم، تهدید و فشار اقتصادی امکان مقاومت و یارای حرکت در مسیر پیشرفت و شکوفایی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را دارد.

^۱ - صحراگرد، مجید، مطالعه‌ی طرح‌ریزی استراتژی ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده انرژی، دانشگاه عباسپور، ۱۳۸۶.

^۲ - همان..



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در «اقتصاد مقاومتی» نمی‌بایست فقط به دفاع در مقابل تحریم‌ها، تهدیدها و فشارها اکتفا نمود، بلکه ضروری است برای دستیابی به اهداف و پاسداری انقلاب اسلامی که هدف اصلی خصومت دشمنان از تحریم تهدید و فشار اقتصادی است، در راستای پیشرفت و شکوفایی اقتصادی گام برداشت. در این شرایط، لازم است که گام‌های پیشرفت را به‌گونه‌ای پیمود که در سخت‌ترین وضعیت نیز متوقف نگردد. از این منظر، تنها مسیر ممکن «اقتصاد مقاومتی» از توسعه‌ی صنعت و بخش تولیدمحور در اقتصاد می‌گذرد. توسعه‌ی صنعتی مورد نظر است که توانمندی لازم در مؤلفه‌های مختلفی چون منابع اولیه، توانایی علمی و تکنولوژی، تجربه و نیروی انسانی مناسب، و ... را به‌گونه‌ای داشته باشد که در شرایط فشار، تحریم و تهدید نیز بتواند با استفاده از پتانسیل عظیم مرمی در سطوح مختلف کشور، مقاومت نموده و گام‌های پیشرفت و توسعه را دنبال نماید.

بنابراین، پیشنهاد می‌گردد با ایجاد سیستم جامع انرژی کشور به منظور عملیاتی کردن «استراتژی ملی انرژی در افق ۱۴۱۴» به عنوان «طرح اقتصاد مقاومتی»، توسعه‌ی صنعت و صنعتی شدن کشور و سپس پیشرفت و شکوفایی اقتصادی کشور به سرانجام برسد. سیستم جامع انرژی کشور، به دو شکل امکان تحقق دارد:

۱- فعال نمودن شورای عالی انرژی کشور

۲- تشکیل وزارت انرژی، از تجمیع نهادهای مرتبط با حوزه‌ی انرژی در کشور

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی، روند خصوصی‌سازی و کوچک نمودن دولت، تحقق وزارت انرژی منطقی‌تر می‌باشد.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

پیوست - محورهای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در خصوص اقتصاد مقاومتی

| بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) | مخاطب و زمان |
|--|---|
| <p><input type="checkbox"/> فصل جهش:</p> <p>- این ملت می تواند یک حرکت عظیم، یک جهش در پیشرفت برای خودش به وجود بیاورد.</p> <p>* چرا؟</p> <p><input type="radio"/> زیر ساخت های زیادی آماده شده؛</p> <p><input type="radio"/> علم در کشور بالا رفته؛</p> <p><input type="radio"/> مدیریت های قوی به وجود آمده است.</p> <p>- وقتی فصل جهش است، پس کار اهمیت مضاعف پیدا می کند؛ کار آفرینی هم به همین نسبت اهمیت مضاعف پیدا می کند.</p> <p><input type="checkbox"/> کار آفرینی در اقتصاد مقاومتی:</p> <p>- دشمنی وجود دارد در دنیا که می خواهد با فشار اقتصادی و تحریم و با این کارهایی که شماها می دانید، سلطه ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است.</p> <p>- مسأله، مسأله ی فشار است، می خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ می خواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است.</p> <p>- ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است.</p> | <p>بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۰۶/۱۶</p> |
| <p><input type="checkbox"/> یک فکر - یک مطالبه ی عمومی تبیین «ایده ی اقتصاد مقاومتی» است.</p> <p><input type="checkbox"/> همین اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی را که:</p> <p>- در شرایط فشار</p> <p>- در شرایط تحریم</p> <p>- در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید</p> <p>می تواند تضمین کننده ی رشد و شکوفایی یک کشور باشد.</p> | <p>بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶</p> |



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

| مخاطب و زمان | بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) |
|--|---|
| بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش بنیان ۱۳۹۱/۰۵/۰۸ | <p>□ «اقتصاد مقاومتی»، یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت می‌کند. ما افق‌های بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم. خب، بدیهی است که حرکت به سمت این افق‌ها، معارض‌ها و معارضه‌هایی هم دارد.</p> <p>□ به هیچ وجه ما در بن‌بست نیستیم؛ به هیچ وجه با مشکلاتی که ما را از تصمیم به ادامه‌ی راه باز بدارد، مواجه نیستیم؛ چنین مشکلاتی وجود ندارد.</p> <p>□ یکی از بخش‌های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم.</p> <p>□ یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکت‌های دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ ...</p> |



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

| بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) | مخاطب و زمان |
|---|--------------------------------------|
| <p>□ هدف دشمن،</p> <ul style="list-style-type: none"> - فشار اقتصادی بر کشور است. - این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، - به رشد ملی لطمه بزند، - به اشتغال لطمه بزند، - طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، - مردم دچار مشکل شوند، - دلزده بشوند، - از نظام اسلامی جدا بشوند، <p>هدف فشار اقتصادی دشمن این است.</p> | |
| <p>□ بعد آدم می‌تواند فرض کند که «این شعارهای سال، حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛»</p> <p>یعنی</p> <ul style="list-style-type: none"> - اصلاح الگوی مصرف، - مسأله‌ی جلوگیری از اسراف، - مسأله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، - مسأله‌ی جهاد اقتصادی، - و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. - عزم ملی و انسجام اسلامی. | <p>بیانات در دیدار کارگزاران</p> |
| <p>... این‌ها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.</p> <p>□ اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد (ارکانی دارد):</p> <ul style="list-style-type: none"> - مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. (تأکید بر توانمندسازی بخش خصوصی و اجرای اصل ۴۴) - کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. (بزرگترین حرکت مهم در زمینه‌ی اقتصاد) ... تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگر جایگزین کنیم، ظرفیت‌های گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلاء را پُر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت ایران که هر چه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم. | <p>۱۳۹۱/۰۵/۰۳</p> |
| <p>امروز صنایع دانش بنیان از جمله‌ی کارهایی است که می‌تواند این خلاء را تا میزان زیادی پُر کند.</p> <p>□ مسأله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است، یعنی</p> | |



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

| مخاطب و زمان | بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) |
|---|---|
| بیانات در دیدار کارگزاران ۱۳۹۱/۰۵/۰۳ | <p>□ واقعیت‌های موجود کشور: «وضعیت بدر و خیبر»</p> <ul style="list-style-type: none">- وجود فشارها و تهدیدهاست.- وانمود می‌شود این زورآزمایی به خاطر مثلاً مسأله‌ی هسته‌ای یا مسأله‌ی حقوق بشر است؛ و این دروغ است.- مخالفت آن‌ها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامی است.- این چالش‌هایی که امروز برای جمهوری اسلامی وجود دارد، جدید نیست.- نظام جمهوری اسلامی از همه‌ی این دشواری‌ها و گردنه‌های سخت عبور کرده.- ما در همین شرایط تهدید، پیشرفت کردیم.- کشور در مواجهه‌ی با چالش‌ها و تهدیدها، در مقایسه‌ی با سال‌های اول انقلاب، به مراتب قوی‌تر شده.- جبهه‌ی مقابل ما در طول این سال‌ها ضعیف‌تر شده است.- رژیم‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی درگیر بحراند.- تحولات شمال آفریقا و تحولات مجموعه‌ی این منطقه است.- توان افزایش یافته در درون جمهوری اسلامی است.- در هر برهه‌ای که ما در مقابل جبهه‌ی دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجیه‌هایی عقب‌نشینی کردیم، دشمن مواضع گستاخانه‌تری علیه ما گرفته.- اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریم‌ها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. ... بنابراین بایستی مقاومت کرد.- ما هنوز آن حالت لازم متناسب اسلامی را در میدان کار و این‌ها در خودمان به وجود نیاوردیم؛ یک قدری دچار تنبلی هستیم؛ این جزو میراث‌های دوران استبداد و تسلط دیکتاتوری بر کشور است.- وضعیت بدر و خیبر یعنی تهدید هست، چالش هست، اما بن‌بست نیست. ... اما در قبال چالش، توان و قدرت و استعداد و ظرفیت هم وجود دارد. |

| بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) | مخاطب و زمان |
|---|---|
| <p>□ خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین «تکیه‌ی به مردم» است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اصلی شماست.</p> <p style="text-align: center;">بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که</p> <p style="text-align: center;">- ما یک اقتصادی داشته باشیم که</p> <p style="text-align: center;">* هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند،</p> <p style="text-align: center;">* هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند.</p> <p style="text-align: center;">- یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که</p> <p style="text-align: center;">* در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود،</p> <p style="text-align: center;">* کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.</p> <p style="text-align: center;">- یکی از شرایطش،</p> <p style="text-align: center;">* استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛</p> <p style="text-align: center;">* هم از فکرها و اندیشه‌ها و راه‌کارهایی که صاحب نظران می‌دهند، استفاده کنید،</p> <p style="text-align: center;">* هم از سرمایه‌ها استفاده شود.</p> <p>□ یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی.</p> <p style="text-align: center;">- بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.</p> <p style="text-align: center;">- واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. ... اینها خیلی مهم است، این‌ها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.</p> <p style="text-align: center;">□ مسأله‌ی منابع ارزی هم مسأله‌ی مهمی است.</p> <p style="text-align: center;">□ یک مسأله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است.</p> <p style="text-align: center;">- صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف.</p> <p style="text-align: center;">- مصرف تولیدات داخلی.</p> <p style="text-align: center;">□ یک مسأله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است.</p> <p style="text-align: center;">□ مسأله‌ی وحدت و انسجام ملی هم به نظر من چیز خیلی مهمی است؛</p> | <p>بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۰۶/۰۲</p> |



تحلیلی بر وضعیت تحریم نفت ایران و بررسی سناریوهای برون رفت

دکتر علیرضا علی احمدی

حامد نجفی جزه

دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

فارغ التحصیل مهندسی نفت از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکترا اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

دول غربی با هدف تضعیف و ایجاد ناهنجاری های عمیق در اقتصاد ایران و در نتیجه تغییر رفتار و نرمش جمهوری اسلامی در مواجهه با نظام سلطه جهانی تا سرحد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران، اقدام به طراحی و اعمال تحریم نفتی گسترده علیه ایران نموده‌اند. در این مقاله پس از رویدادنگاری تحریم های نفتی اعمال شده بر ایران، منطق حاکم بر تدوین و اجرای تحریم های نفتی بر اساس رویکرد تئوری بازی ها تبیین می گردد و پس از آن با بررسی اثرات تحریم نفت ایران بر اقتصاد جهانی، آمریکا و ایران سناریو های رویارویی با این پدیده تهدید آور مورد واکاوی قرار می گیرد. سناریوی اول اتخاذ سیاست های مذاکره و سازش به منظور لغو تحریم ها می باشد که بر همین اساس شرایط حقوقی لغو اصلی ترین تحریم های نفتی علیه ایران مورد بررسی قرار گرفته است در سناریوی دوم با فرض حفظ سهم ایران در بازار صادراتی جهان، راهکارهای دور زدن تحریم ها به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد و در سناریوی سوم بر اساس مقاوم سازی اقتصاد و تلاش در جهت لغو واقعی تحریم ها، از یک منظر سیاست های مناسب به منظور کاهش اثرات شوک ناشی از کاهش درآمدهای نفتی، حاصل از تحریم نفت و کاهش صادرات نفت ایران ارائه می گردد و از منظر دیگر اقدامات لازم به منظور افزایش حداکثری فشار بر قیمت نفت به جهت افزایش هزینه های آمریکا مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد بدون نفت، اقتصاد مقاومتی، تحریم نفت، بودجه سالیانه

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جبهه مستضعفان و مظلومان جهان، دوقطبی جدیدی (قطب مستضعفین عالم به رهبری جمهوری اسلامی ایران و قطب نظام سلطه به رهبری آمریکا و اسرائیل) مبتنی بر مولفه های فکری و فرهنگی در سطح جهان شکل گرفت. در پی این صف آرایی جدید، دول غربی که موجودیت خود را در خطر می دیدند به طراحی روش های متنوعی جهت صدمه زدن به جمهوری اسلامی ایران بر آمدند. یکی از مهمترین ابزارهایی که دنیای غرب خصوصا آمریکا و اروپا بدین منظور مورد استفاده قرار دادند استفاده از ابزار تحریم بود.

این تحریم ها در طول سی و چند سال گذشته در حوزه های متنوعی از جمله حوزه های تجاری، مالی و اطلاعاتی اعمال گردیده است. لکن تحریم در بخش نفت و گاز به طور ویژه در طول این سالها مورد توجه بوده، هم به جهت هدف قرار دادن درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز کشور (و افزایش ضربه پذیری ایران به جهت اقتصادی) هم با نگاه کنترل بازار انرژی جهت تامین امنیت انرژی غرب و ایجاد تعادل قیمتی.

اولین اقدام عملی غرب جهت تحریم نفتی ایران، بر می گردد به سال ۱۹۵۰ میلادی و پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، که طی آن دولت بریتانیا ایران را مورد تحریم نفتی قرار داد و حتی با پیگیری های متعدد سعی کرد پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل نیز بفرستد.

(Ferier, 1982: 454)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز طی سالیان متمادی دولت آمریکا خرید و فروش نفت خام ایران و سرمایه گذاری در صنایع بالادستی و حتی پایین دستی مرتبط با آن را مورد تحریم قرار داد، لکن بعد از سال ۲۰۱۰ و در پی افزایش فشار به ایران جهت تعلیق فعالیت های هسته-ای، تحریم نفتی ایران با شدت و تمرکز بیشتری از سمت آمریکا و اتحادیه اروپا مورد پیگیری قرار گرفت، آنچنانکه چندین قطعنامه جهت فلج ساختن صنعت نفت و گاز ایران، تصویب گردید. این مقاله سعی دارد تا با نگاهی تحلیلی تحریم های صورت گرفته را مورد واکاوی قرار داده و آثار آن را بر اقتصاد کشور مورد بررسی قرار دهد و نهایتا راهکارهای کوتاه مدت و میان مدتی را در چارچوب اقتصاد مقاومتی جهت برون رفت از تحریم نفت جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید.

مروری بر تحریم های نفتی ایران

سابقه تحریم ایران بر می گردد به دوره ی نخست وزیری دکتر «محمد مصدق» طی سالهای ۱۹۵۰ میلادی و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، که دولت استعمارگر انگلستان از تحریم اقتصادی برای تغییر مواضع دولت ایران استفاده کرد. (همان) پس از آن در دوران پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، کشور همواره و به بهانه های مختلف در معرض تحریم های دنیای غرب قرار گرفته است. لکن در بررسی دقیق تر تحریم های صورت گرفته در بخش نفت و گاز اهم موارد به شرح ذیل می باشد:



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

«بیل کلینتون» رئیس‌جمهوری وقت آمریکا در سال ۱۳۷۴ (مارس ۱۹۹۵ میلادی) تمامی شرکت‌های آمریکایی را از سرمایه‌گذاری در توسعه‌ی منابع نفتی ایران در جزایر سیری، منع کرد. وی همچنین در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۶ مه ۱۹۹۵) با امضای دستورالعمل اجرایی^۱ ۱۲۹۵۷، تقریباً تمامی معاملات تجاری با ایران و سرمایه‌گذاری در کشور، را ممنوع اعلام کرد. کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۲۹ شهریور ۱۳۷۴ (۲۰ سپتامبر ۱۹۹۵) با تصویب طرح داماتو اجازه یافت شرکت‌های غیر آمریکایی را که فناوری صنعت نفت را در اختیار ایران قرار می‌دادند، تحریم کند. قانون داماتو پس از ادغام با طرح "بنیامین گیلمن" رئیس‌جمهور صهیونیست کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا که محتوایی مشابه قانون داماتو داشت در قالب قانون مجازات ایران و لیبی در ۱۴ مرداد ۱۳۷۵ (۵ اوت ۱۹۹۶) در کنگره آمریکا تصویب شد و سپس به امضای کلینتون رسید و برای مدت پنج سال اجرا شد (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۲) این قانون که برای مدت ۵ سال مقرر شده بود در ۱۲ مرداد ۱۳۸۰ بار دیگر با تصویب کنگره و امضای «جرج بوش» تمدید شد.

پس از سالهای ۲۰۱۰ و بر طبق قانون تحریم‌های جامع علیه ایران^۲ و فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰^۳ رئیس‌جمهور آمریکا، و همچنین تحریم‌های اتحادیه اروپا بر طبق مصوبات ۲۵ اکتبر ۲۰۱۰^۴ و همچنین مصوبه اخیر^۵ آن تحریم نفتی ایران ابعاد گسترده تری پیدا نمود. (کاتزمن، ۲۰۱۲) در ادامه تلاش می‌شود، با نگاهی تحلیلی ابعاد جزئی تر تحریم نفتی علیه ایران مورد تدقیق قرار گیرد.

^۱ Executive Order 12957

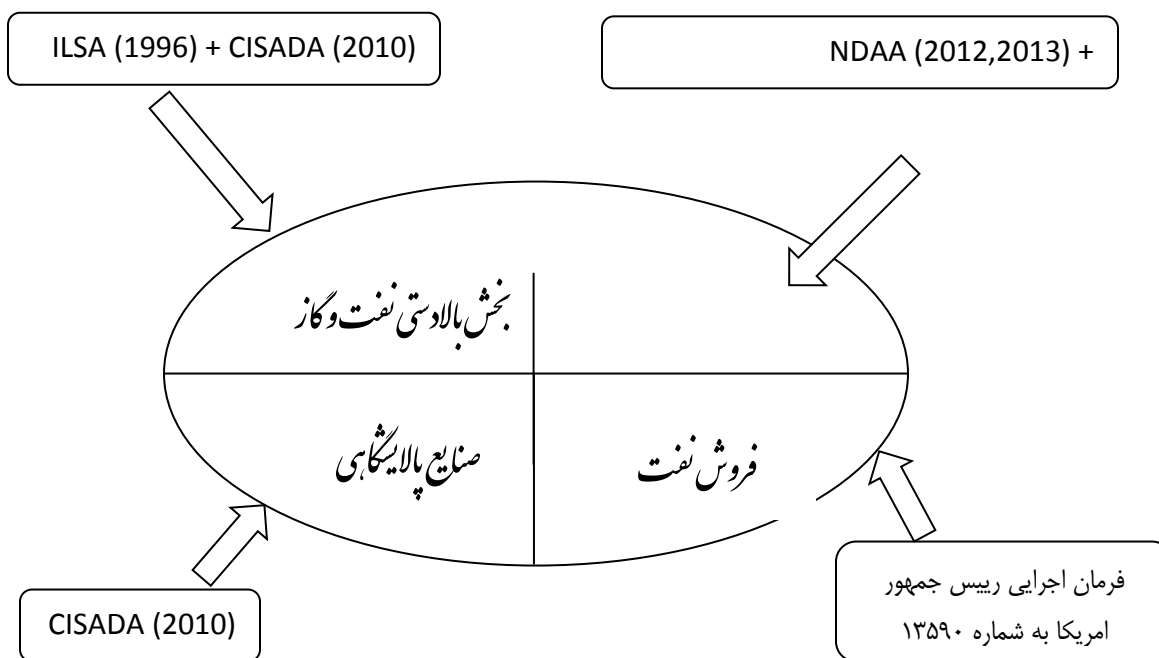
^۲ Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Investment Act 2010

^۳ The Executive Order (E.O.) 13590, 1th December 2011

^۴ Council Regulation (EU) No 961/2010 of 25 October 2010

^۵ Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012

نمودار ۱ خلاصه ای از مهمترین تحریم های اعمال شده توسط دول غربی در بخش نفت و گاز را نشان می دهد.



شکل شماره ۱. شمایی کلی از تحریم های ایالات متحده بر صنایع نفت و گاز ایران

روند توسعه تحریم ها

اگر عملکرد دنیای غرب در مواجهه با ایران مورد تحلیل قرار گیرد، دو محور ذیل به عنوان رویکردهای اصلی غرب در تحریم ایران دیده می شوند.

رویکرد تحمیل و افزایش هزینه ها

در رویکرد اول، وضع تحریم های تجاری متنوع، ممنوعیت های مالی، تحریم اشخاص و نهادهای گوناگون سرلوحه برنامه های تحریمی غرب قرار گرفته است. این نوع تحریم ها بیشتر ناظر بر ورود کالا به ایران می باشد و سعی در افزایش هزینه های کشور در فرآیندهای تامین مواد اولیه، تجهیزات، کالاهای نیمه ساخته، کالاهای نهایی و ... خصوصا در بخش های نظامی و هسته ای دارد.

رویکرد کاهش درآمد

در این بخش که اخیرا با وضع تحریم های نفتی علیه ایران شدت بیشتری پیدا کرده است، هدف تحریم کنندگان کاهش منابع درآمدی کشور به منظور کاهش توان کشور در تامین هزینه های ناشی از افزایش تحریم های می باشد. این نوع تحریم ها بیشتر



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

ناظر بر کالاها و مواد اولیه ای است که از ایران صادر می شود. توجیه غرب در وضع تحریم های این چینی، تامین مالی فعالیت های هسته ای و نظامی ایران توسط بخشی از این منابع درآمدی است. (قطعه نامه ۶۳۵ اتحادیه اروپا و قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۱۲)

لازم به ذکر است که این دسته از تحریم ها، از حوزه تحریم های هوشمند خارج شده و بخش وسیع تری از اقتصاد کشور را دربر می گیرد. با توجه به دولتی بودن اقتصاد کشور و سهم حدود ۵۰٪ منابع نفتی در منابع درآمدی بودجه، ایجاد نوسانات در این حوزه احتمالا منجر به بروز مشکلات متعددی در بخش های تولید، صنعت و ... می گردد.

جدول ۱ مهمترین تحریم های اعمال شده علیه ایران توسط آمریکا و اتحادیه اروپا را با مضامین نفتی در سال ۲۰۱۲ نشان می دهد. (iran)

(project,2012)

| ردیف | شماره قطعه نامه (عنوان) | تاریخ تصویب | نهاد تصویب کننده |
|------|---|----------------|-------------------------|
| ۱ | قانون تجویز دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۱۲ (NDAA) | ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ | کنگره آمریکا |
| ۲ | CFSP/35/2012 | ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ | اتحادیه اروپا |
| ۳ | افزایش تحریم های ایران | ۱۲ جولای ۲۰۱۲ | وزارت خزانه داری آمریکا |
| ۴ | قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ۲۰۱۲ | ۱ آگوست ۲۰۱۲ | کنگره آمریکا |
| ۵ | CFSP/635/2012 | ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ | اتحادیه اروپا |
| ۶ | متمم قانون دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۱۳ (قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه ۲۰۱۲) | ۳۰ نوامبر ۲۰۱۲ | سنا و کنگره آمریکا |

جدول شماره ۳. مهم ترین قوانین تحریمی (در بخش نفت و گاز) در سال ۲۰۱۲

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

در جداول ذیل مهمترین مفاده تحریم های فوق آورده شده است

| ردیف | مهمترین مفاد |
|------|---|
| ۱ | ممنوعیت ادامه فعالیت بانک هایی در آمریکا که با بانک مرکزی ایران مبادله می نمایند |
| ۲ | تحریم بانک های مرکزی کشورها در صورتی که معاملات نفتی با ایران داشته باشند |
| ۳ | امکان معافیت برای کشورهایی که خرید نفت خود از ایران را به مقدار قابل توجه کاهش دهند |

جدول شماره ۴. قانون تجویز دفاع ملی آمریکا برای سال ۲۰۱۲ (NDAA)

| ردیف | مهمترین مفاد |
|------|--|
| ۱ | هیچ گونه قرار داد جدیدی برای خرید نفت ایران بسته نشود و قراردادهای موجود تا اول جولای ۲۰۱۲ تمام شود. |
| ۲ | عدم تجارت با ایران در زمینه طلا، فلزات گرانبها، الماس و محصولات پتروشیمی |
| ۳ | بلوکه شدن دارایی های بانک مرکزی |
| ۴ | ممنوعیت ارائه خدمات بیمه به کشتی های حامل نفت و مواد پتروشیمی |
| ۵ | ممنوعیت تجارت با تایید واتر |

جدول شماره ۵. قانون اتحادیه اروپا به شماره CFSP/35/2012

| ردیف | مهمترین مفاد |
|------|--|
| ۱ | ممنوعیت هرگونه معامله با بخش انرژی ایران |
| ۲ | قرار دادن بخش انرژی ایران به عنوان منطقه نگران کننده گسترش سلاح های هسته ای ^۱ |
| ۳ | توسعه تحریم های ISA به زیرساخت های مرتبط با انرژی، تولیدات پالایشگاهی و پتروشیمی |

جدول شماره ۶. قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ۲۰۱۲

^۱ هرگونه معامله مالی با این نهادها و یا در این بخش ها می تواند شرایط اعمال تحریم را برای مشارکت کنندگان در این معاملات فراهم آورد

| ردیف | مهمترین مفاد |
|------|---|
| ۱ | ممنوعیت خرید، واردات یا انتقال گاز طبیعی از ایران |
| ۲ | ممنوعیت فروش، عرضه و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته و نیمه فرآوری شده چون الومینیوم و فولاد و نرم افزارهای یکپارچه سازی فرآیندهای صنعتی به صنایعی که مرتبط با سپاه شناخته شوند |
| ۳ | ممنوعیت ارائه هرگونه حمایت مالی در تجارت با ایران (چون هرگونه ضمانت نامه یا بیمه های اعتبار صادراتی) |
| ۴ | ممنوعیت فروش، عرضه و انتقال تجهیزات دریانوردی در حوزه ساخت، نگهداری و تعمیرات (کشتی های باری و نفتکش ها) |
| ۵ | ممنوعیت هرگونه مبادله بین اتحادیه اروپا و بانک ها یا موسسات مالی ایرانی یا منتسب به ایران به ارزش بیش از ۱۰ هزار یورو مگر در صورت اخذ مجوز |
| ۶ | ممنوعیت ارائه خدمات طبقه بندی و پرچم به تانکرهای نفتی و کشتی های حمل کالا |
| ۷ | تحریم ۲۹ شرکت فعال در حوزه انرژی کشور |

جدول شماره ۷. تحریم ۱۵ اکتبر اتحادیه اروپا

| ردیف | مهمترین مفاد |
|------|--|
| ۱ | نهادهای مرتبط با بخش انرژی، کشتیرانی، کشتی سازی و اداره بنادر در ایران به عنوان نهادهای نگران کننده گسترش سلاح های هسته ای تعیین شده اند و باید دارایی آنان نیز مسدود گردد. |
| ۲ | تحریم افراد یا نهادهایی که به فروش، تامین تجهیزات و یا نقل و انتقال محصولات و خدمات در بخش های فوق بپردازند |
| ۳ | تحریم افراد یا نهادهایی که به فروش، تجهیز و یا نقل و انتقال فلزات گرانبها، گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته ای مانند آلومینیوم و فولاد، زغال سنگ و نرم افزارهای یکپارچه سازی صنعتی بپردازند |
| ۴ | اعمال تحریم در مورد افراد یا نهادهایی که به ارائه هرگونه خدمات بیمه یا بیمه اتکایی برای فعالیت های تحریمی ایران بپردازند. |
| ۵ | مجاز بودن خرید و فروش در حوزه نفت خام به شرطی که: ۱. درآمد حاصل از آن تنها صرف تجارت کالا و خدمات مجاز و غیر تحریمی گردد. ۲. هرگونه خرید و فروش نفت ایران با اجازه دولت آمریکا و تنها در بانک هایی که مجاز شمرده شوند انجام پذیرد و این پول قابلیت جابجایی به سایر کشورها را ندارد |
| ۶ | ارائه گزارش در مورد تمام کشتی هایی که وارد بنادر ایران می شوند و تمام هواپیماهای ایرانی که در فرودگاه های جهان فرود می آیند |

جدول شماره ۸. قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه ۲۰۱۲

این تحریم ها از سه ابزار اصلی جهت مختل نمودن فرآیند تجارت نفت و گاز ایران استفاده می نمایند.

۱. ایجاد اختلال در بازاریابی و فروش مستقیم نفت و گاز

۲. ایجاد اختلال در حمل و نقل نفت خام

۳. تحریم بیمه کشتی ها

منطق حاکم بر تدوین و اجرایی سازی تحریم های نفتی

از تحریم های هوشمند^۱ تا جنگ اقتصادی^۲

واژه "جنگ اقتصادی" در مواجهه ایران و غرب، اولین بار توسط مارک دوبویتز^۳ در مقاله ای تحت عنوان پیکار با ریال مطرح شد. وی در آن مقاله عنوان داشت که با اعمال تحریم های نفتی، غرب از تحریم های اقتصادی هوشمند به جنگ اقتصادی وسیع چرخش کرده است. (دوبویتز، ۲۰۱۲)

برهمن اساس، هدف اصلی در قوانین مرتبط با تحریم نفت ایران "کاهش شدید در درآمد ارزی ایران، بدون آسیب دیپلماتیک یا واکنش نامطلوب از سوی بازار نفت" عنوان گشته است. با توجه به استراتژی فوق و بر اساس تفسیر نمایندگان کنگره از قانون تجویز دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۲ کشورهایی که ۱۸٪ از مجموع مبلغ پرداختی (نه حجم خرید) خود به ایران را کاهش دهند مشمول معافیت تحریم ها میگردند. (دوبویتز، ۲۰۱۱)

بنابراین آمریکا به دنبال آن است تا از طریق ایجاد یک انحصار چندجانبه خرید ارزش نفت ایران را کاهش دهد. از طرفی عدم بیمه نفتکش ها و اجاره کشتی به ایران برای حمل و نقل هزینه های ایران را در فروش نفت بالا میبرد و از طرف دیگر درخواست تخفیف از کشورها ارزش نفت ایران را کاهش میدهد و بدین ترتیب بدون اینکه آسیب جدی در طرف عرضه نفت به بازار وارد آید درآمدهای ایران کاهش یافته است.

بنابراین پیگیری و تشدید تحریم ها در این حوزه مستلزم تغییرات آهسته در قیمت نفت و تناسب بین تقاضا، عرضه و همچنین ذخیره نفت خام است.

حساسیت آمریکا به تغییرات قیمت نفت، مصرف بیش از اندازه آمریکا از نفت خام میباشد. آمریکا حدود 18.949 میلیون بشکه در روز نفت خام مصرف می نماید و یکی از فاکتورهای اصلی در رشد اقتصادی این کشور و همچنین سایر کشورها میزان استفاده از این

¹ Smart(Target) Sanction

² Economic Warfare

³ Mark dubowitz

ماده است. آنچنانکه افزایش ۴۰٪ در قیمت نفت خام بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول می تواند منجر به کاهش ۱,۲۵

درصدی در رشد اقتصادی آمریکا گردد. (گزارش چشم انداز اقتصاد جهان، ۲۰۱۲)^۱

ناتوانی آمریکا از اعمال نظارت سیستمی

آنچه که در روند اعمال و اجرایی سازی تحریم ها دیده میشود، تغییر رفتار آمریکا است. در تحریم های مالی و تجاری به دلیل وجود زیر ساخت های اطلاعاتی شفاف و در دسترس، تحریم های یک جانبه آمریکا به سادگی قابل نظارت و کنترل بود. به عنوان مثال وجود فرآیند تسویه توسط بانک مرکزی آمریکا به راحتی اطلاعات نقل و انتقالات مالی توسط نهادها و افراد ایرانی را فاش می نمود. لکن در تحریم های اخیر با توجه به گستردگی اعمال تحریم ها و نبود سازوکار و بستر قبلی جهت کنترل و نظارت بر اجرای مصوبات، آمریکا رویکرد تعامل با سایر کشورها را دنبال می نماید. مفاد موجود در مصوبه اخیر سنای آمریکا (معروف به قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۳)^۲ نیز این مساله را به خوبی نمایان می سازد.

بنابراین جهت اجرایی سازی تحریم های اعمالی غرب بسته های از اقدامات سیاسی - اقتصادی طراحی شده است و دستگاه دیپلماسی غرب وظیفه سنگینی را به عهده دارد. شاید بتوان اعمال تحریم هایی با محتوای حقوق بشری و حمایت از تروریسم را در ماه های منتهی به سال ۲۰۱۳ را در همین راستا توضیح داد.

در حوزه اقتصادی نیز کارشناسان آمریکایی از مکانیزم تئوری بازی ها^۳ برای الزام اجرا شدن مصوبات تحریمی این کشور کمک می گیرند و بنابراین سعی دارند تا تحریم ها را طوری طراحی کنند که کشورهای ثالث درگیر تجارت با ایران منافی را از اعمال تحریم های گسترده تر بر ایران بدست آورند.

اما سوال اصلی اینجاست که بر اساس چه معیاری آمریکا تحریم ها را خصوصا در حوزه ها درآمدهای ارزی ایران (نفت) افزایش خواهد داد؟ یکی از نکات اصلی در تحلیل رفتارهای سیاسی غرب، بررسی سود و زیان اینگونه رفتارها بر منافع اقتصادی آن کشورها می باشد و تحریم نفت ایران با توجه به نقش پر اهمیت ایران در تولید نفت دنیا می تواند منافع کشورهای غربی را از طریق افزایش قیمت نفت و به طبع آن فرآورده های نفتی مورد تاثیر قرار دهد.

^۱ گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۱۲

^۲ National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2013

^۳ Game Theory

بررسی آثار و پیامدهای تحریم نفت

نفت یکی از منابع مهم درآمدی برای کشورهای صادرکننده نفت و همچنین ماده خام اصلی در فرآیند تولید در کشورهای واردکننده نفت می باشد. نوسان های قیمت نفت میتواند موجب بی ثباتی در متغیرهای کلان در هر دو گروه از کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت شود. این مسئله به ویژه با اولین نوسان شدید قیمت نفت که امروزه به اولین شوک نفتی در سال 1973 معروف است، مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. این پدیده در دنیای کنونی آثار متفاوتی بر اقتصاد کشورهای جهان به ویژه کشورهای عمده فروشنده نفت داشته است. (اقبالی و حلافی، ۱۳۸۴)

از طرفی ایران دارای ۱۱ درصد از ذخایر نفت جهان و دومین تولید کننده در میان سازمان کشورهای صادر کننده نفت خام (OPEC) (2009) می باشد، به طوری که براساس اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۸۰ تا ۹۰ درصد کل درآمد صادرات و ۵۰ تا ۴۰ درصد بودجه ی سالیانه ی دولت، از صادرات نفت تأمین می شود؛ به علاوه فروش نفت، بالغ بر ۲۰ درصد GDP ایران می باشد؛ بر این اساس اقتصاد ایران به صورت گسترده‌ای به صادرات نفت خام وابسته بوده و شوک بازارهای جهانی نفت می تواند اثری بزرگ بر ساختار اقتصادی ایران داشته باشد؛ به غیر از اثرات نوسانات قیمت نفت بر روی وضعیت برنامه های رفاهی دولت، افزایش ارزش نرخ ارز در طول دوره های افزایش قیمت نفت، می تواند منجر به انقباض بخش های قابل تجارت شود؛ این حادثه به عنوان بیماری هلندی شناخته شده است (کوردن و نری^۲، ۱۹۸۲؛ کوردن^۳، ۱۹۸۴؛ ویجنبرگن^۴، ۱۹۸۴)؛ بنابراین به منظور جلوگیری از بروز بحران های اقتصادی و استفاده از فرصت های بالقوه‌ی به وجود آمده، بررسی اثرات دقیق تغییر قیمت جهانی نفت (یا کاهش درآمدهای نفتی ایران در اثر تحریم ها) بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران و طراحی سیاست های اقتصادی مناسب به منظور حفظ ثبات اقتصادی، ضروری به نظر می رسد.

از طرفی تحریم های اعمال شده بر ایران خصوصا بعد از سال ۲۰۱۱ تأثیرات بسزایی در درآمدهای نفتی دولت گذاشته که قطعا آثار قابل توجهی در متغیرهای اقتصاد کلان به جا خواهد گذاشت، بنابراین تدوین برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تنظیم بودجه های سالانه کشور مستلزم شناخت و انجام پیش بینی های دقیق از میزان تاثیرگذاری نوسان های قیمت نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی می باشد به گونه ای که برنامه ریزان بتوانند هنگام بروز شوک های نفتی، تاثیر منفی آن را بر متغیرهای کلان به حداقل ممکن کاهش دهند و سیاست های صحیحی را اتخاذ نمایند.

¹ Organization of Petroleum Exporting Countries.

² Corden and Neary.

³ Corden.

⁴ Wijnbergen

از سوی دیگر یکی از ارکان اصلی در اجرایی سازی تحریم های نفتی بر ایران توسط ایالات متحده عدم تغییرات جدی در قیمت های نفت خام است. آمریکا با مصرف حدود ۱۸,۹۴۹ میلیون بشکه در روز بزرگترین مصرف کننده جهان میباشد (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۲) و بروز یک شوک در قیمت های جهانی نفت قطعاً تاثیرات بسزایی در متغیرهای اقتصاد کلان آمریکا چون رشد اقتصادی به جای می گذارد. علاوه بر محدودیت برای ایران در دسترسی به بازارهای بین المللی انرژی به شکل رسمی، بازار نفت به دلیل عدم امید به کشف منابع جدید، کمبود سرمایه گذاری در تولید نفت و گاز به ویژه در اوپک، رشد تقاضای نفت کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور و بحران های سیاسی و نظامی در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به نوسان های قیمت نفت و بی ثباتی در بازار نفت جهانی، مطالعه شوک های قیمتی نفت و اثرات آن بر اقتصاد کلان بایستی مورد توجه اقتصاددانان قرار گیرد.

بنابراین بررسی اثرات یک شوک قیمتی در نفت خام از دو منظر برای کشور حائز اهمیت است. اولاً آثار تغییرات قیمت نفت ایران و نهایتاً درآمدهای نفتی بر اقتصاد کلان سنجیده می شود و ثانیاً هزینه های حذف ایران از بازار جهانی نفت و گاز بر اقتصاد کلان آمریکا به شکل دقیق تری مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه برخی از مهمترین مطالعات انجام شده در حوزه داخلی و خارجی تبیین خواهد شد.

بیان ضرر و زیان های اقتصاد جهانی از اعمال فشار بر ایران

اندیشکده «اتحادیه دانشمندان آمریکا» (FAS¹) در یک گزارش راهبردی ضمن ارزیابی واکنش های ممکن آمریکا نسبت به چالش هسته ای ایران، به تخمین هزینه هر یک از این گزینه ها برای اقتصاد جهانی پرداخته و کم هزینه ترین انتخاب را با پیش گذاشتن آمریکا برای اثبات و نمایش تمایل خود به مصالحه با ایران می داند. (بلیبر و همکاران، ۲۰۱۲)

در این گزارش ۶ سناریو مورد بررسی قرار گرفته است و ذیل هر یک تخمینی از آثار کلی اقدامات آمریکا علیه ایران بر اقتصاد جهانی ارائه شده است که در یک سر آن سود تقریبی ۶۰ میلیارد دلاری، و در انتهای دیگر، هزینه ای برابر با ۱/۷ تریلیون دلار قرار دارد. در ادامه خلاصه ای از هر یک از سناریوها و هزینه احتمالی آن آورده شده است.

سناریوی اول - فشار فزاینده^۱: آمریکا ترجیح می دهد تا با اعمال دور تازه ای از تحریم ها، تمام بانک های خارجی - چه دولتی و چه خصوصی - را که به «هر شکلی» با بانک مرکزی ایران وارد معامله شوند، مجازات کند. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۶۴ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

¹ Federation of American Scientists

سناریوی دوم- انزوا و محاصره خلیج فارس^۲: در کنار دیگر اقدامات، آمریکا هر نوع واردات فرآورده‌های پالایش شده نفتی، گاز طبیعی، خدمات و تجهیزات انرژی از ایران را متوقف می‌کند. سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران، در سرتاسر دنیا ممنوع می‌شود. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۳۲۵ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی سوم- حملات دقیق^۳ [حملاتی موضعی برای نابود کردن اهداف نظامی با وارد آوردن کمترین خسارات ممکن به تاسیسات اطراف]: آمریکا چند «حمله دقیق» را در قالب مبارزات محدود و کنترل‌شده‌ای از سوی نیروی هوایی و نیروهای ویژه، علیه تاسیسات هسته‌ای و مراکز خاص و تهدیدآمیز نظامی ایران تدارک می‌بیند. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۷۱۳ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی چهارم- بمباران وسیع^۴: آمریکا یک مبارزه هوایی جاه‌طلبانه را تدارک می‌بیند که نه تنها تاسیسات هسته‌ای خاص و تهدیدآمیز ایران را، که برای کاهش توان تهران در دست بردن به اقدامات تلافی‌جویانه، دیگر سرمایه‌های نظامی این کشور را نیز هدف قرار داده است. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۱/۲ تریلیون دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی پنجم- حمله تمام‌عیار^۵: آمریکا تصمیم می‌گیرد که به ایران حمله، این کشور را اشغال و آن را به طور کامل خلع سلاح کند. هزینه میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۱/۷ تریلیون دلار آمریکا تخمین زده شده است.

سناریوی ششم- تنش‌زدایی^۶: رئیس‌جمهور [آمریکا] با انتخاب یک رویکرد جدید برای حل بن‌بست هسته‌ای ایران، اقدامات اعتمادساز یک‌جانبه‌ای را برای نمایش اشتیاق آمریکا به مصالحه با این کشور صورت دهد. سود میانگین چنین اقدامی برای اقتصاد جهانی به طور تقریبی ۶۰ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است.

¹ Increasing Pressure

² Isolation and Persian Gulf Blockade

³ Surgical Strikes

⁴ Comprehensive Bombing Campaign

⁵ Full-Scale Invasion

⁶ De-escalation

ارزیابی آثار تحریم نفت ایران بر آمریکا

قطعا یکی از مهمترین مسائل در ارزیابی اثرات استراتژی تحریم نفت ایران و تشدید آن، اثراتی است که بر اقتصاد آمریکا می گذارد. فلذا به جهت ارزیابی دقیق این مساله ابتدا چارچوب تحلیلی معماران تحریم ایران مورد بررسی قرار می گیرد و سپس آثار تغییرات قیمت نفت (و بروز یک شوک نفتی) بر متغیرهای کلان اقتصاد آمریکا مورد بررسی قرار می گیرد.

ارزیابی منافع و هزینه های آمریکا از اعمال تحریم ها

در سال ۲۰۱۲ گزارشی تحت عنوان "منافع و هزینه های تحریم ایران" توسط جمعی از اندیشمندان نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا تهیه گردید. جدول شماره ۷ خلاصه ای از منافع و هزینه های از اعمال و تشدید تحریم ها علیه ایران را نشان میدهد. همانطور که مشخص است، جدی ترین عنصر مخرب بر اقتصاد آمریکا، مبحث عرضه جهانی انرژی می باشد که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

| ردیف | اثر تحریم | شرح |
|------|-----------|---|
| ۱ | منافع | تضعیف روند توسعه برنامه هسته ای ایران |
| ۲ | | تضعیف اقتصاد ایران |
| ۳ | | نارضایتی نخبگان و مردم ایران از شرایط اقتصادی |
| ۴ | | تغییر احتمالی راهبرد مذاکرات هسته ای ایران |
| ۵ | | تغییر توازن نظامی منطقه بر خلاف منافع ایران |
| ۶ | هزینه ها | بروز مناقشه بین آمریکا و متحدانش و کشورهای چو روسیه، چین، هند، ترکیه و کره جنوبی |
| ۷ | | ایجاد بیزاری بلند مدت بین مردم ایران و آمریکا |
| ۸ | | از دست دادن بازار و آثار مخرب اقتصادی بر آمریکا، متحدان اروپایی و خاورمیانه ای آن |
| ۹ | | آثار مخرب بر عرضه جهانی انرژی و بر ثبات بازار بین المللی انرژی |

جدول شماره ۹. منافع و هزینه های دول غربی از اعمال تحریم ها

اثرات بروز یک شوک نفتی بر اقتصاد آمریکا

دانشمندان به این نتیجه دست یافتند که بین قیمت های نفت و متغیرهای اقتصادی یک ارتباط تئوریک وجود دارد. بی ثباتی قیمت های نفت عکس العمل منفی بر اقتصاد کلان کشورهای واردکننده نفت دارد و یک شوک افزایش قیمت نفت به عنوان یک شوک

منفی عرضه، منحنی عرضه کل اقتصاد را به سمت عقب و چپ شیفت می دهد بنابراین، هم افزایش در سطح قیمت ها و هم یک

کاهش در محصول و اشتغال را بوجود می آورد (استارتز، دورنبوش، فیشر)^۱

اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، افزایش شدید در قیمت نفت باعث پایین آمدن رشد اقتصادی و افزایش تورم در کشورهای واردکننده

نفت می شود. این موضوع را می توان از جنبه های متفاوتی تحلیل نمود. از یک سو، افزایش قیمت نفت باعث کمیابی انرژی به

عنوان ماده اولیه برای تولید بنگاه ها شده که این مطلب عامل افزایش هزینه بنگاه ها و کاهش سود آنها می باشد. بنابراین، کاهش

تمایل بنگاه ها برای خرید کالاهای سرمایه ای جدید را در پی خواهد داشت که این امر در بلندمدت منجر به کاهش در ظرفیت

تولیدی بنگاه های اقتصادی در کشورهای صنعتی می شود. این موضوع بیانگر کاهش عرضه کل و افزایش سطح قیمت ها است.^۲

از سوی دیگر، اگر مصرف کنندگان انتظار افزایش موقتی در قیمت انرژی را داشته باشند، ممکن است تصمیم بگیرند تا پس انداز

کمتری داشته باشند که این موضوع کاهش در تعادل حقیقی و افزایش بیشتر قیمتها را موجب می شود. به دلیل اینکه نفت یک عامل

تولید در بیشتر بخش ها و صنایع است، افزایش در قیمت های نفت، هزینه تولید شرکت ها را افزایش داده و در نتیجه باعث کاهش

در محصول کشورهای وارد کننده نفت می شود (سانچز، جیمenez رودریگز، ۲۰۰۵)^۳

ارزیابی آثار ناشی از تحریم های نفتی بر اقتصاد ایران

ارزیابی نوسانات درآمدهای نفتی بر متغیرها کلان اقتصادی

در بعضی کشورها منابع درآمدی دیگری نیز برای تامین مالی دولت ها وجود دارند. منابع طبیعی و مواد معدنی از جمله مهمترین منابع

تامین مالی در اینگونه موارد است، در ایران نیز طی ۱۰۰ سال گذشته، همواره یکی از مهمترین منابع تامین مالی دولت، منابع حاصل

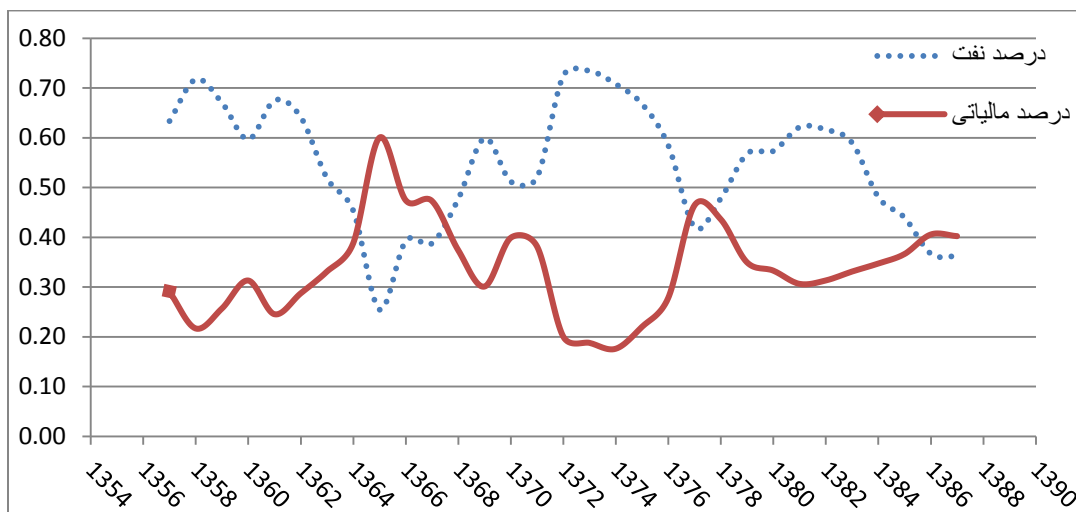
از فروش نفت خام بوده است. شکل زیر درصد منابع نفتی و مالیاتی دولت را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ نشان می دهد. (بانک

اطلاعاتی سری های زمانی بانک مرکزی)

¹ Startz, Dornbush, Fisher

² Manera & Cologni

³ Jimenez-Rodriguez, R. & M. Sanchez(2005)



شکل شماره ۳. درصد منابع درآمدی دولت از نفت و مالیات

همانطور که ملاحظه می شود به طور متوسط ۵۰٪ منابع درآمدی دولت به منابع حاصل از فروش نفت خام بستگی دارد. لکن به علت اینکه عمده درآمدهای حاصل از فروش نفت خام به شکل ارزی می باشد حضور بی قاعده این درآمدها در اقتصاد، مشکلات و ناهنجاری هایی را ایجاد می نماید

هدف از تحریم های اعمال شده بر حوزه نفت و گاز، کاهش درآمدهای نفتی ایران و آسیب پذیری اقتصاد کشور از این منظر خواهد بود. به همین جهت طراحی آمریکایی ها بگونه ای بوده است که قیمت نفت ایران (و نه قیمت جهانی نفت) دچار کاهش شده و همزمان و به تدریج فروش نفت ایران در بازارهای جهانی نیز کاهش یابد تا از یک سو درآمدهای ایران را از محل فروش نفت به شدت کاهش دهد و از طرف دیگر تا حد ممکن موجب تنش و شوک در بازار جهانی نفت نگردد. مطالعات صورت گرفته در حوزه اثر درآمدهای نفتی و تغییرات آن در حوزه اقتصاد کشورها بیشتر مشتمل بر بررسی اثر شوک های نفتی بر اقتصاد سنجیده شده است و بیشتر هم مشتمل بر مطالعاتی پیرامون شوک مثبت نفتی است، لکن در مورد شوک های منفی نیز محاسباتی صورت پذیرفته است. در ادامه پاره ای از مطالعات صورت گرفته تبیین می گردد. به طور قطع بخشی از آثار تحریم بر اقتصاد ایران، می تواند از طریق بررسی اثرات شوک های منفی نفتی بر متغیرهای کلان اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از مسائلی که در مورد درآمدهای نفتی و یا به شکل مشخص تر شوک های درآمد نفت مطرح است، عدم تقارن مربوط به شوک های مزبور است. در این زمینه این اعتقاد مطرح است که بروز شوک های منفی نفتی به شدت موجب کاهش سطح فعالیت های رایج اقتصادی و کاهش تولید می شود.

در هنگام کاهش قیمت نفت و درآمدهای ارزی، با توجه به انعطاف ناپذیری که در مورد مخارج جاری وجود دارد، عموماً کاهش یکسانی در مخارج جاری دولت به وقوع نمی پیوندد. زیرا عملاً امکان کاهش قابل ملاحظه امکانپذیر نبوده و عموماً در این شرایط از میزان بودجه عمرانی دولت کاسته خواهد شد که این کاهش بر سرمایه گذاری، اشتغال و تولید در بخش های گوناگون اقتصادی مستقیماً اثر گذار است. علاوه بر این بسیاری از طرحهای سرمایه گذاری با کمبود منابع لازم جهت اتمام آنها مواجه خواهند گردید و این مطلب موجب ایجاد نوعی عدم کارایی در اقتصاد نیز خواهد گردید (مهرآرا ۲۰۰۸)^۱

همچنین با توجه به افزایش تقاضای کل بواسطه تزریق ارز حاصل از صادرات نفت و نتیجتاً افزایش نرخ تورم، عموماً یکی از راهکارها در جهت مقابله با تورم افزایش میزان واردات (به ویژه در مورد کالاهای قابل مبادله) است. با افزایش واردات که عموماً به منظور مقابله با تورم انجام می پذیرد بسیاری از بخش های تولیدی با آسیب جدی مواجه شده و از چرخه تولید خارج خواهند شد و لذا بخشی از سرمایه گذاری های انجام شده در اقتصاد بلا استفاده مانده و میزان تولید کاهش یافته و بیکاری نیز افزایش می یابد. در مقابل به هنگام کاهش درآمدهای ارزی میزان واردات نیز کاهش می یابد که بخشی از کاهش واردات متوجه کالاهای سرمایه ای و ماشین آلات تولیدی خواهد بود و منجر به کاهش سرمایه گذاری، تولید و اشتغال می گردد. بخشهایی نیز که در نتیجه واردات گسترده کالاهای مصرفی در دوره افزایش درآمد نفت از گردونه تولید خارج شده بودند، در این دوره احیا نخواهند شد. لذا در کل اینگونه می توان بیان نمود که اثرات شوک های نفتی بر تولید در اقتصاد ایران نامتقارن است و به نظر می رسد اثر مخرب شوک های منفی نفتی بر تولید در بلندمدت به مراتب از اثرات شوک های مثبت بزرگتر است. (امامی و ادیب پور، ۱۳۹۰)

در مقاله ای طبیبیان با استفاده از یک مدل اتورگرسیو برداری به مطالعه رابطه درآمدهای نفتی و متغیرهای تورم، حجم پول، تولید ناخالص داخلی و مخارج دولتی پرداخت و نشان داد که در ایران درآمدهای نفتی بر این متغیرها تاثیر دارد. (طبیبیان، ۱۳۷۴)

صمدی امین آبادی آثار تکانه های نفتی را بر متغیرهای کلان با استفاده از یک الگوی اقتصاد کلان و داده های سالانه (۱۳۵۰-۱۳۷۱) مورد مطالعه قرار داده است. در این پژوهش، یک الگوی شبیه سازی متشکل از یک سیستم معادلات همزمان، مشتمل بر ۱۵ معادله به منظور بررسی تاثیر درآمد نفت بر متغیرهای عمده اقتصادی تدوین شده است. نتایج بدست آمده از سیاست گذاری های انجام شده نشان می دهند در مواقعی که دولت با افزایش درآمدهای نفتی مواجه است صرف نظر از نوع سیاست های ارزی اعمال شده، (هر چه حساسیت مخارج عمرانی دولت نسبت به مخارج کل دولت بالاتر باشد)، شاخص های مهم اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری بهبود نسبی یافته اند و بالعکس زمانی

¹ Mehrara

که دولت با کاهش درآمدهای نفتی مواجه می شود و مخارج کل دولت کاهش می یابد هرچه کشش مخارج عمرانی نسبت به مخارج کل کمتر باشد، شاخص های فوق روند بهتری را طی می کنند. (صمدی امین آبادی، ۱۳۷۸)

ارسالانی در مطالعه ای به بررسی نقش و اهمیت نفت و درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران و ارتباط آن با متغیرهای کلان پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که تولید ناخالص ملی با افزایش و کاهش قیمت نفت تحت تاثیر قرار گرفته و به علاوه، درآمدهای ارزی و درآمد بودجه عمومی دولت نیز تابع نوسان های قیمت نفت میباشند. به طوری که با بالا رفتن قیمت نفت، درآمدهای ارزی ناشی از نفت و به تبع آن کل دریافتی های ارزی و همچنین درآمد بودجه عمومی دولت افزایش می یابد و با کاهش قیمت نفت نیز درآمد عمومی بودجه کاهش می یابد. (ارسالانی، ۱۳۸۰)

کاهش درآمدهای ارزی کشور

به جهت محاسبه کسری بودجه احتمالی دولت در نتیجه کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام لازم است تا ابتدا توضیح مختصری از چگونگی و میزان حضور نفت در بودجه بر اساس قانون بودجه مصوب سال ۹۱ ارائه شود و سپس به کمک آمارهای موجود از میزان کاهش صادرات نفت خام و میعانات گازی از یک سو و تغییرات و نوسانات قیمت نفت از سوی دیگر، محاسبات مربوط به نوسانات بودجه انجام گیرد.

اثرات کاهش درآمدها بر بودجه دولت

دولت به معنای عام و در واقع حاکمیت وظایف مصوبی دارد که این وظایف به موجب قانون بر عهده اش قرار می گیرد. دولت برای انجام این وظایف نیاز به درآمد دارد تا بتواند به وظایف قانونی اش عمل نماید. دولت هر ساله به منظور انجام این وظایف مصوب، برنامه بودجه ای را تقدیم مجلس می نماید مبنی بر اینکه پیش بینی درآمدها در سال آینده به چه میزان و از چه محلی خواهد بود و این درآمدها برای چه اموری و به چه میزان هزینه خواهند شد. دولت می تواند جهت گیری هایی را نیز در بودجه از جمله اینکه تورم به چه میزان باشد و یا سطح بیکاری چه تغییراتی نماید و مواردی از این قبیل، لحاظ نماید

بر اساس قانون محاسبات عمومی، بودجه کل کشور به دو قسمت طبقه بندی می شود:

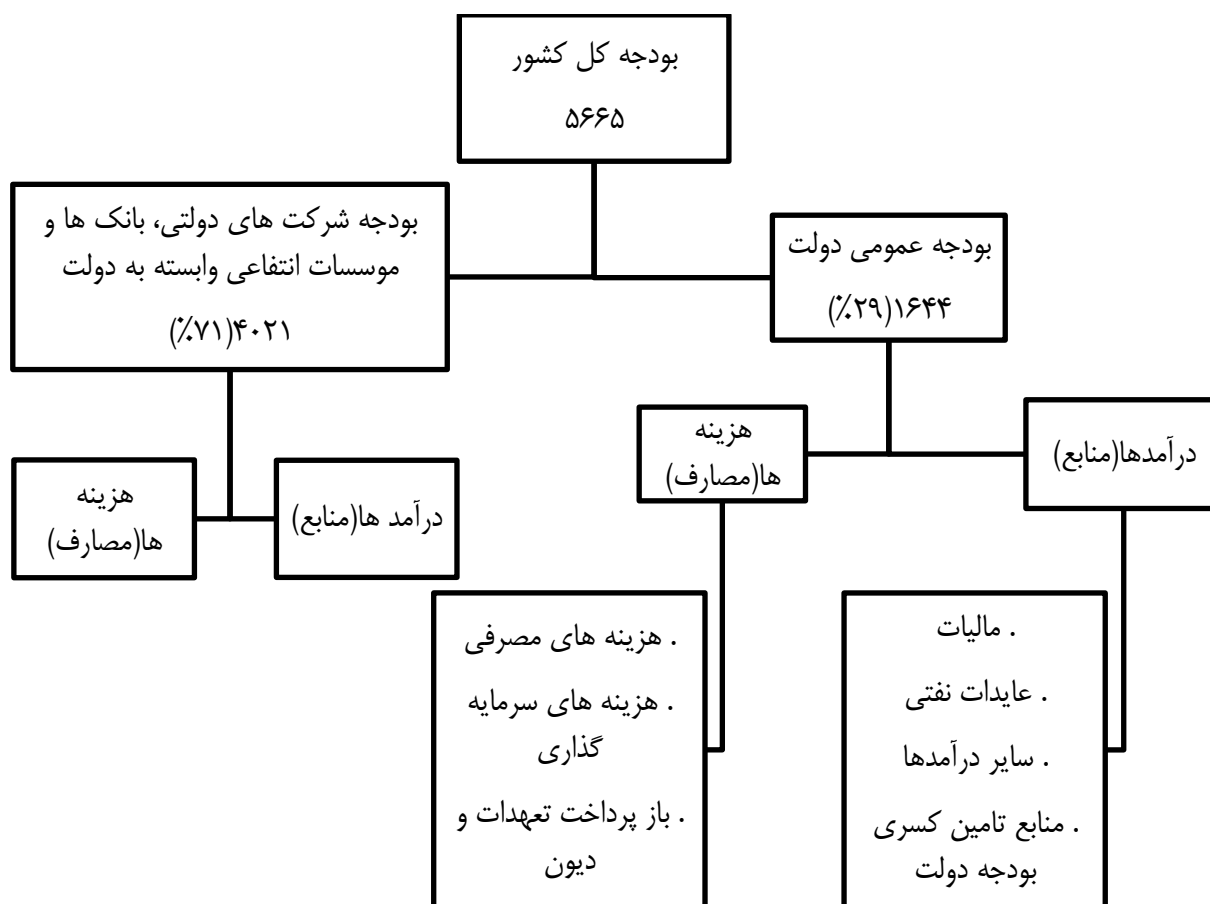
الف) بودجه عمومی دولت که اعتبار آنها از محل منابعی همانند مالیات و درآمدهای نفتی تامین می شود.

ب) بودجه شرکت ها، بانک ها و موسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت که اعتبارات آن از محل فروش کالا یا خدمت ارائه شده توسط خودشان تامین می شود.

در شکل شماره ۲ شمایی کلی از چگونگی تخصیص بودجه کل کشور در سال ۹۱ ارائه گردیده است. (بودجه مصوب سال

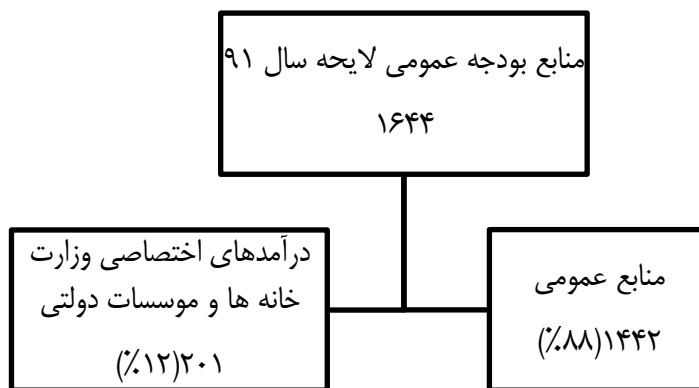
(۹۱)

کل بودجه مصوب سال ۹۱ کشور ۵۶۶۵ هزار میلیارد ریال است که معادل ۴۶۲ میلیارد دلار^۱ می شود که حدود ۲۹٪ از آن که برابر ۱۳۴ میلیارد دلار (۱۶۴۴ هزار میلیارد ریال) است متعلق به بودجه عمومی دولت و مابقی را بودجه شرکت های دولتی تشکیل می دهد. (بر اساس لایحه پیشنهادی دولت و گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی). بر اساس تقسیم بندی که از منابع بودجه عمومی می شود بخش اعظم از این منابع حاصل از منابع عمومی است و حدود ۱۲٪ آن مشتمل بر درآمدهای اختصاصی وزارت خانه ها و موسسات دولتی می باشد که به روشنی در شکل شماره ۲ نمایان است.



شکل شماره ۲. شمایی از تقسیم بندی بودجه کل کشور (ارقام به میلیارد ریال درج شده است)

^۱ به دلار ۱۲۲۶ تومان محاسبه شده است.



شکل شماره ۳. منابع تامین بودجه عمومی (ارقام به میلیارد ریال درج شده است)

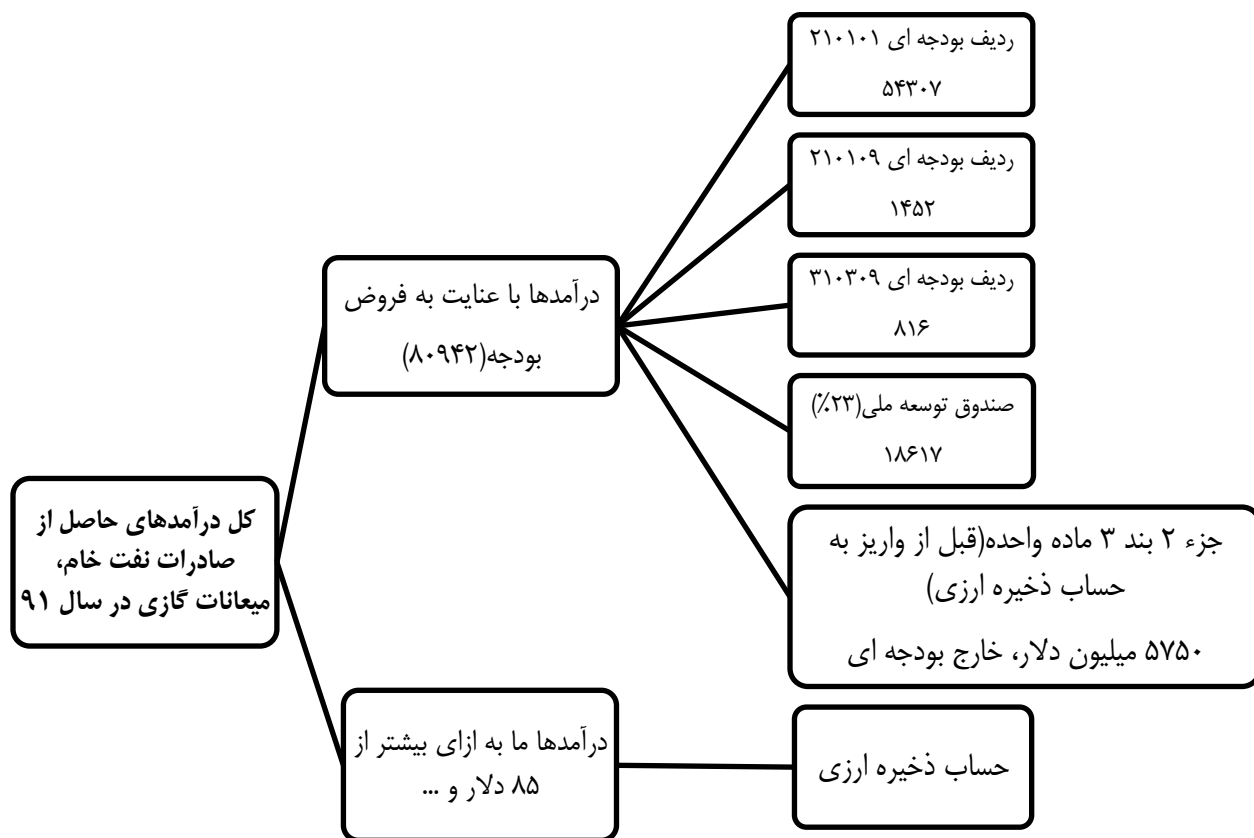
قانون بودجه کل کشور در سال ۹۱ بر اساس متوسط قیمت هر بشکه نفت خام معادل ۸۵ دلار، صادرات ۲,۳۴ میلیون بشکه نفت خام در روز، صادرات ۱۱,۸ میلیون متر مکعب میعانات گازی در سال و قیمت هر تن میعانات گازی معادل ۸,۳ برابر قیمت هر بشکه نفت خام و نرخ تسریع ارز ۱۲۲۶۰ ریال به ازای هر دلار تنظیم شده است. بر اساس فروض مذکور، سهم منابع ناشی از نفت از کل منابع عمومی بودجه عمومی دولت از ۳۷,۶ درصد بر اساس ارقام مصوب بودجه ۱۳۹۰ به ۴۸,۱ درصد در قانون بودجه سال ۹۱ افزایش یافته است.

کل منابع ناشی از صادرات نفت خام و میعانات گازی به شکل زیر می باشد:

$$۷۲۵۹۹ = ۲,۳۴ * ۳۶۵ * ۸۵ = \text{ارزش نفت خام صادراتی (میلیون دلار)}$$

$$۸۳۴۳ = ۱۱,۸ * ۸۵ * ۸,۳ = \text{ارزش میعانات گازی صادراتی (میلیون دلار)}$$

$$\text{کل ارزش نفت خام و میعانات گازی صادراتی به ازای ۸۵ دلار} = ۸۰۹۴۲ \text{ میلیون دلار}$$



شکل شماره ۴. توزیع منابع حاصل از فروش نفت خام، میعانات گازی (ارقام به میلیارد دلار)

توضیحات:

ردیف بودجه ای ۲۱۰۱۰۱ = درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی

ردیف بودجه ای ۲۱۰۱۰۹ = دو درصد فروش نفت خام برای مناطق نفت خیز و محروم

ردیف بودجه ای ۳۱۰۳۰۹ = استفاده از حساب ذخیره ارزی جهت مقاوم سازی مدارس

اثرات کاهش درآمدها بر منابع شرکت ملی نفت ایران

تأثیر تحریم اقتصادی آمریکا بر روی جلب سرمایه گذاری خارجی، به ویژه در صنعت نفت قابل توجه است. تا سال ۱۹۹۰ به دلیل جنگ و وضعیت سیاسی کشور، میزان سرمایه گذاری خارجی در ایران بسیار ناچیز بود. پس از پایان جنگ، در دهه ۹۰ دولت جمهوری اسلامی بمنظور سرمایه گذاری در صنعت نفت اقدامات متعددی را برای جلب سرمایه گذاری خارجی آغاز نمود. اما تحریم اقتصادی آمریکا، به ویژه قانون تحریم ایران - لیبی موفق شد تا این اقدامات را به میزان قابل توجهی خنثی سازد و سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران را تا اواخر دهه ۹۰ به تاخیر اندازد. پس از مه ۱۹۹۸ قانون تحریم ایران - لیبی به تدریج کارایی خود را از دست داد و توسط شرکت های خارجی نادیده گرفته شد. با این همه تحریم اقتصادی آمریکا هزینه سنگینی را بر بخش نفت ایران وارد کرده است. تحریم آمریکا سبب شد تا شرکت های خارجی با محافظه کاری بسیار بیشتری با پروژه های ایرانی برخورد کنند و ایران را مجبور ساخت تا برای جلب شرکت های خارجی امتیازهای بیشتری به آنها بدهد. طی دهه ۹۰، به دلیل افت سرمایه گذاری در صنعت نفت، تولید نفت ایران نزدیک به ۳۰۰ هزار بشکه در روز زیر حد مورد انتظار بود. این امر زیان قابل توجهی را بر کشور تحمیل کرد، به ویژه آنکه ایران نتوانست از احیا بازار نفت در پایان دهه ۹۰ بهره برداری مطلوب را بعمل آورد.

افزون بر این، تحریم آمریکا به منافع ایران در میدان های نفت و گاز دریای خزر، زیان هنگفتی وارد آورده است. اگر تحریم اقتصادی آمریکا نتوانست جریان سرمایه گذاری خارجی در حوزه های نفتی خلیج فارس ایران را کاملاً متوقف سازد، تأثیر آن بر روی توسعه میدان های نفت و گاز ایران در دریای خزر و منافع استراتژیک ایران در این حوزه بسیار پر هزینه بوده است.

در این حوزه می توان از طریق تخمین مقدار کاهش صادرات نفت خام، کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را اندازه گیری نمود و سپس از طریق محاسبه سهم ۱۴,۵٪ شرکت ملی نفت از صادرات نقدی نفت خام و میعانات گازی با قیمت پایه ۸۵ دلار برای سال ۹۱، میزان کاهش درآمدهای وزارت نفت را محاسبه نمود که اثر مستقیمی در کاهش سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز کشور خواهد گذاشت.

مساله ثانوی در این باب کاهش درآمدهای دولت از محل صادرات نفت خام، میعانات گازی می باشد که ممکن است با وجود شرایط و مفروضات بوده و وابستگی بودجه به نفت، حتی منابع جاری دوت را نیز دچار نوسان نماید و از این مسیر سهم ۱۴,۵٪ شرکت ملی نفت در اولویت ثانوی قرار گرفته و به تامین مخارج جاری دوت اختصاص یابد. در این بخش توضیح مفصلی از بوده مصوب سال ۹۱ الزامی می باشد.

منع شرکت های بزرگ و چندملیتی از سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز کشور

در این بخش نیز لازم است تا با بررسی دقیق مفاد قطعنامه‌ها عنوان گردد که بر اساس آن سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز کشور ممنوع گردیده و از طرف دیگر تامین مالی و تکنولوژیک هم دچار مشکل شده است و از طرف دیگر بایستی نیاز صنعت نفت و گاز کشور جهت افزایش ظرفیت و نگه‌داری تولید تبیین شود تا یک پیش‌بینی دقیق از اثر این بخش بر تحریم‌ها مورد محاسبه قرار گیرد.

سناریوهای مقابله با تحریم نفتی

به طور کلی می‌توان چند سناریو برای برون‌رفت از شرایط فعلی در نظر گرفت، در ذیل هر یک از سناریو‌ها به شکل مختصر توضیح داده شده است. به نظر نگارنده با توجه به شرایط بین‌الملل و روند لغو تحریم‌ها، اتخاذ رویکرد اقتصاد مقاومتی بر اساس اصلاح بودجه و کاهش وابستگی به نفت بایستی در اولویت امور اصلاحی و اجرایی قرار گیرد. لکن به منظور بررسی علمی و حقوقی هریک از سناریوها مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

رویکرد مذاکره و سازش جهت لغو تحریم‌ها

نشستن پای میز مذاکره و رسیدن به توافق زمانی ضمانت اجرایی لازم را دارد که طرفین بر حل مساله تاکید داشته باشند. لکن رفتارهای اخیر ایالات متحده این مساله را نشان نمی‌دهد. بر اساس رفتارهای اخیر ایالات متحده هدف اصلی غرب که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد بیش از پیش خود را نشان می‌دهد:

مارک دبوویتر در ۱۷ می ۲۰۱۲ در نطق خود در کنگره که مورد تصویب نمایندگان نیز قرار گرفت تغییر استراتژی آمریکا در رسیدن به توافق هسته‌ای با ایران را اینگونه بیان میکند:

"ریس جمهور ملزم به تصریح این مطلب در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران است که ایران دارای قابلیت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، غیرقابل پذیرش بوده و سیاست مهار ایران در دستیابی به تسلیحات هسته‌ای باید کنار گذاشته شود"^۱

همانگونه که بیان شد، هدف آمریکا سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بنابراین هر زمان که مذاکرات به توافق نزدیک می‌شود خط توافق را دورتر گذاشته و تحریم‌ها را تشدید می‌نماید.

در جدول شماره ۸ فهرست تحریم‌های نفتی از ابتدا آورده شده است. نحوه لغو تحریم‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از دستورالعمل‌های تحریم ایران به یک قانون تبدیل شده و به تصویب کنگره رسیده‌اند و به این معنی است که لغو این تحریم‌ها هم نیاز به دستور ریس جمهور و هم تصویب کنگره دارد که با توجه به شرایط سیاسی کنگره آمریکا عملاً شرایط لغو تحریم‌ها را بسیار سخت

^۱ بیان تشخیص مجلس نمایندگان در مورد اهمیت جلوگیری ایران از دستیابی به قابلیت تولید تسلیحات هسته‌ای (H. RES.568)، ۱۷ می ۲۰۱۲، کنگره آمریکا

می نماید. از طرف دیگر در بسیاری از قوانین فوق جهت لغو تحریم ها پیش شرط هایی وضع گردیده است که احصا آن بعضا غیر ممکن است(به عنوان مثال اعلام براءت ایران از جنبش حزب الله لبنان و عدم کمک مالی و معنوی به آن). در ادامه شرایط لغو تحریم ها به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد.

| ردیف | نوع تحریم | اهداف | تاریخ | نحوه لغو تحریم |
|------|---|--|------------|--|
| ۱ | قانون تحریم های ایران ^۱ | جهت فشار بر افراد و نهادهایی که به توسعه بخش نفت و گاز ایران کمک می نمایند | 1996/08/05 | نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور |
| ۲ | قانون حمایت از آزادی ایران ^۲ | تحریم سرمایه گذاری و کمک های مالی به ایران و ... | 2006/09/30 | نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور |
| ۳ | قانون تحریم های جامع علیه ایران ^۳ | اعمال تحریم بر شرکت هایی که اقدام به هرگونه مبادله مالی با ایران بنمایند و ... | 2010/07/01 | نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور |
| ۴ | قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ ^۴ | تحریم هر بانک خارجی که به هرگونه مبادله مالی با بانک مرکزی ایران بپردازد(نقل و انتقال درآمدهای حاصل از فروش نفت) | 2011/12/31 | نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور |
| ۵ | فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰ | اعمال تحریم های خاص بر افرادی که به تهیه کالا، خدمات، تکنولوژی و یا حمایت از بخش انرژی و نفتی ایران می پردازند | 2011/11/20 | از طریق دستور اجرایی ریس جمهور |
| ۶ | قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ^۵ | توسعه تحریم های بخش انرژی در فروش و بازاریابی و حمل و نقل کالایی و انتقالات مالی | 2012/08/01 | نیازمند قانون کنگره |
| ۷ | قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۳ ^۶ | نفت در برابر غذا | 2012/01/02 | نیازمند قانون کنگره و موافقت ریس جمهور |

جدول شماره ۱۰. مهمترین تحریم های نفتی و نحوه لغو آن

¹ Iran sanction act(P.L. 104-172)

² Iran Freedom Support Act (ILSA) (P.L. 109-293)

³ Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010 (CISADA, P.L. 111-195)

⁴ FY2012 National Defense Authorization Act (NDAA, P.L. 112-81)

⁵ Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012 (H.R. 1905 (P.L. 112-158)

⁶ FY2012 National Defense Authorization Act (NDAA, P.L. 112-81)



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

مجاری لغو و یا تعدیل تحریم ها از سوی دولت (لغو تحریم ها در کوتاه مدت)

اختیارات رییس جمهور در نحوه اجرا و معاف نمودن

اصولاً رییس جمهور آمریکا از اختیارات بالایی در کاهش تحریم ها علیه هر کشوری، از جمله ایران برخوردار است، البته با توجه به ماهیت قانونی بودن اکثر تحریم های ایران اختیارات رییس جمهور تاحدی محدود شده است ولی در این حالت نیز رییس جمهور از اختیارات قابل توجهی در زمینه اجرا یا عدم اجرای این قوانین با توجه به منافع آمریکا برخوردار است.

اختیارات تحت IEEPA / فرمان های اجرایی

کلید تحریم هایی که با احکام اجرایی روسای جمهور آمریکا اعمال گردیده می تواند با حکم اجرایی رییس جمهور این کشور لغو گردد.

اختیارات دولت در تشخیص مصادیق

در بسیاری از موارد دولت این اختیار را دارد تا اعمال برخی از موارد تحریمی را آغاز یا دست نگه دارد، اشخاص یا نهادها را تحت شمول تحریم قرار دهد یا خارج کند.

اختیار ابطال

عمدتاً قوانین تحریمی علیه ایران از جمله کلیه مفاد "قانون تحریم های ایران" و قانون تحریم ها علیه بانک مرکزی، اختیارات قابل توجهی به رییس جمهور آمریکا داده اند تا وی قادر باشد بر اساس منافع ملی آمریکا از اجرای برخی از آن ها صرف نظر کند.

لغو محدودیت های تجاری

تحریم های مرتبط با تجارت و سرمایه گذاری در ایران اولین بار توسط رییس جمهور در ماه مارس سال ۱۹۹۵ صادر شد و هر ساله در قالب فرمان های اجرایی با فرمان رییس جمهور تمدید می گردد. بدیهی است که لغو آن ها نیز با فرمان اجرایی رییس جمهور امکان پذیر است.

مجاری لغو و یا تعدیل تحریم ها از سوی کنگره (لغو تحریم ها در بلند مدت)

لغو قانون تحریم های ایران

این قانون به عنوان یکی از محوری ترین قوانین تحریمی علیه ایران، معیارهای را که باید از سوی ایران احراز و از سوی رییس جمهور آمریکا تصدیق گردد تا این قانون لغو شود را مشخص نموده است:



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

الف) توقف تلاش ها برای طراحی، توسعه و تامین بمب های هسته ای، سلاح های شیمیایی/بیولوژیکی و تکنولوژی مربوط به ساخت و تولید موشک های بالستیک

ب) خروج از لیست سیاه کشورهای حامی تروریسم

ج) عدم احتساب به عنوان تهدیدی جدی برای منافع امنیت آمریکا و متحدانش

د) حذف ایران از لیست کشورهای حامی تروریسم

رییس جمهور می تواند با موافقت کنگره نام هر کشوری را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج کند بدین منظور رییس جمهور باید کنگره قانع نماید که: ۱) ایران طی ۶ ماه گذشته هیچ گونه اقدامی در حمایت از تروریسم مرتکب نشده است ۲) تضمین های لازم را به آمریکا داده تا در آینده از اقدامات تروریستی حمایت نکند. در صورتی که درخواست رییس جمهور با مخالفت کنگره مواجه شود رییس جمهور این حق را خواهد داشت تا این مخالفت را وتو کند.

تصمیم رییس جمهور به چنین امری مستلزم آن است که وی ۴۵ روز پیش از اقدام کنگره را در جریان چنین موضوعی قرار دهد. به این بازه زمانی دوره انتظار می گویند. بدیهی است که هر گونه توافق در این خصوص مستلزم عدم حمایت ایران از گروه های مقاومت حزب الله و حماس در لبنان و فلسطین می باشد.

سناریوی دور زدن تحریم ها و حفظ حداکثری میزان تولید و صادرات

- ایجاد شرکت های پوششی که نفت ایران را به فروش برسانند
- فروش نفت به مردم در قالب قرار دادهای آتی و هزینه کرد درآمدهای حاصل از آن برای ساخت هر چه سریعتر پالایشگاه های نیمه تمام داخلی جهت داخلی سازی مصرف نفت و ایجاد تعادل در بودجه
- ایجاد شهرک های پالایشگاه ی کوچک جهت داخلی سازی سریعتر صادرات نفت خام و تلاش جهت صادرات فرآورده های پتروشیمی

- دانستن این نکته الزامی است که فروش نفت خام به جهت مشخص بودن ویژگی های نفت خام و حجم فروش بسیار سخت تر از فروش فرآورده های حاصل از نفت خام است. چراکه آنها به مصرف کننده نهایی¹ نزدیکتر بوده و در حجم پایین و در قالب فروش به کشورهای همسایه کاملاً امکان پذیر است.
- راهکار دیگر خرید پالایشگاه، پمپ بنزین و پتروشیمی در کشورهای هم پیمان و دوست است. از این طریق می توان نفت خام را به آنجا صادر نمود و فرآورده را به فروش رساند.

مقاوم سازی اقتصاد (با فرض اصلاح بودجه و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی)

قبل از اینکه به تبیین راهکارهای اصلاح ساختار بودجه پرداخته شود لازم است ساختار دولت و بخش خصوصی حاصل از اقتصاد نفتی در گذشته را مورد واکاوی قرا دهیم تا معلوم شود در ارائه راهکار بایستی از کجا شروع کرد.

وقتی تاریخچه کشورهای عمده نفتی به جهت وابستگی به درآمدهای نفتی مورد بررسی قرار می گیرد، وابستگی شدید توسعه اقتصادی این کشورها به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام به خوبی نمایان است. در ایران نیز وضع به همین منوال بوده است. وابستگی بودجه دولت به این درآمدها شروع ناکارآمدی دولت است. دولت ناکارآمد به دلیل ویژگی ناکارآمدی، پتانسیل بالایی جهت گسترش فیزیکی دارد، چرا که قصد دارد هر ناکارآمدی را با تاسیس یک نهاد دولتی دیگر جبران نماید. به همین دلیل با وجود آنکه مرتباً صحبت از کوچک سازی دولت می شود، رفتار دولت در عمل افزایش حجم و اندازه خود خواهد بود و این به جهت قانونمندی داخلی ناشی از ناکارآمدی دولت است.

افزایش بودجه دولت (جاری و سرمایه ای) و افزایش نقدینگی طی سالیان متمادی خود شهادی جدی بر این مدعاست.

در مورد بخش خصوصی نیز وضع به همین منوال است. چرا که به جهت استفاده از رانت دولتی ناچار به استفاده از وابسته شدن به دولت است. فلذا بخش خصوصی داریم که عمده فعالیتش اگر در بخش دلالی و واسطه گری نباشد در حوزه واردات است. در نتیجه این دولت و بخش خصوصی ناکارآمد فرهنگ خاصی ایجاد شده که در آن نه نقد کارشناسی وجود دارد و نه جریان طبیعی اطلاعات رشد می کند. فرهنگی است که در آن همه چیز محرمانه تلقی می شود و نقدها تعبیر به جناح بندی سیاسی می شود. جالب است که این فرهنگ آن سیستم را تقویت می نماید و آن سیستم این فرهنگ را.

بنابراین آنچه گفته شد تحریم نفتی فوق به جهت جبری که در کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام ایجاد نموده فرصتی تاریخی محسوب می شود تا مسئولین بتوانند به باز تعریف نقش و وظایف دولت و بخش خصوصی بپردازند.

¹ End user

در نظام جدید باید به دنبال ارائه رهنمایی گشت که بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری زمینه ساز ایجاد یک اقتصاد مقاومتی واقعی گردد. اصلاح نظام بودجه ای کشور با توجه به شرایط فوق امری الزامی است. به طور کلی می توان راهکارهای اصلاح نظام بودجه ای را در دویخس کلی تقسیم بندی نمود:

راهکارهای ناظر بر کاهش هزینه های دولت

- کاهش هزینه های دولت در بخش های نفت و گاز از طریق استفاده ز نقدینگی سرگردان بر اساس بعضی از آمارها حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی سرگردان در کشور در اختیار مردم قرار دارد که به علت ناتوانی نهادها و سازوکارهای موجود در جذب آن، این نقدینگی به یک عامل ضربه زننده به اقتصاد تبدیل شده و هر از چندگاهی از طریق ایجاد نوسانات جدی در بازارهای مسکن، طلا، ارز و ... خود را به نمایش می گذارد. در این صورت اگر بتوان راهکارهایی جهت مهار و جذب این نقدینگی سرگردان طراحی نمود می توان بخش مهمی از هزینه های دولت را در بخش های عمرانی و نفت و گاز کاهش داد. بخشی از این راهکارها ناظر به استفاده از سهام پروژه است.
- مردمی کردن اقتصاد و لزوم توجه بیشتر به اصل ۴۴ قانون اساسی ایران در طول سالیان متمادی همواره از دولتی بزرگ که مانع رشد بخش خصوصی بوده و ناکارآمدی وسیع و گسترده را همراه با خود داشته آسیب دیده است. این کاهش در درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام فرصت خوبی فراهم نموده تا دولت از طریق مردمی کردن اقتصاد خود را به سطح قاعده گذاری و تنظیم سیاست کشانده و اداره اقتصاد را در حوزه اجرا به مردم واگذار نماید.
- کاهش هزینه های دولت از طریق تسریع در واگذاری ها
- کاهش مصرف دولت به عنوان یکی از بزرگترین مصرف کننده ها در اقتصاد
- اصلاح بودجه بر اساس اولویت بخشیدن به اقتصاد دانش بنیان
- راهکارهای ناظر بر جبران درآمدهای دولت از طرق دیگر هدف مند نمودن نظام مالیاتی

شفاف سازی فرآیند کسب درآمد

دستیابی به اطلاعات از طرق غیر مستقیم مثل ایجاد نظام رتبه بندی افراد و نهادها و اعطای وام و مجوز به آنها بر اساس رتبه ی مکتسبه، از طریق چنین مکانیزم هایی و همچنین اتصال و شبکه نمودن اطلاعات افراد در بخش های مختلف مانند شبکه بانکی، سیستم اعطای مجوز و دفاتر ثبت اسناد و ... می توان به اطلاعات صحیحی در مورد میزان درآمد افراد دست یافت و از طریق دریافت مالیات از آنها درآمد مالیاتی دولت را افزایش داد. توجه نمودن به این نکته الزامی است که

در بسیاری از موارد، در کشورهایی با ساختار نفتی افزایش مالیات به جهت شفاف نبودن فرآیند کسب درآمد و نبود اطلاعات صحیح متوجه قشر کم درآمد شده و تنها منجر به افزایش نارضایتی عمومی می گردد. لکن تصحیح فرآیندهای کسب اطلاعات قطعا موج خواهد شد افراد ثروتمندی که به عناوین مختلف از پرداخت مالیات فرار می نمایند شناسایی شده و درآمد مالیاتی دولت را در بخش فوق که بیشترین منفعت را از فرصت های اجتماعی کسب می نمایند افزایش دهد.

اقدام به دریافت مالیات های جدید با هدف گیری اقشار پردرآمد

یکی دیگر از راهکارهای اصلاح نظام مالیاتی با این رویکرد که به اقشار آسیب پذیر ضربه کمتری وارد آید دریافت مالیات های هوشمند می باشد. تعریف این نوع مالیات ها هم می تواند به ثروت های تجمیع یافته جهت دهد و هم از انباشت ثروت در بخش ها غیر مولد اقتصاد جلوگیری به عمل بیاورد. یکی از انواع این نوع مالیات ها، مالیات بر زمین و مسکن اضافی شهروندان با مکانیزمی مشخص است..

ارائه رانت های موجود در اقتصاد به بخش خصوصی

یکی دیگر از محل های درآمد زایی برای دولت می تواند ارائه رانت های در دست دولت به بخش خصوصی باشد. لکن سوالی که مطرح می گردد این است که از چه طریقی رانت های مورد اشاره به بخش خصوصی محدود تعلق پیدا کند؟. همانطور که از تعریف رانت نیز مشخص می باشد. ارائه فرصت های محدود که در نگاه کلان به کل جامعه تعلق دارد به بخشی از جامعه که آن را بخش خصوصی می نامیم اگر با مکانیزم صحیحی انجام نگیرد قطعا فسادآور بوده و به دور از عدالت صورت می پذیرد. پیشنهاد می شود ارائه رانت های فوق به بخش خصوصی بر اساس منفعتی تعلق گیرد که آن بخش حاضر است به جامعه برساند. به عبارتی در رقابت میان دولت و بخش های خصوصی، رانت به مجموعه ای تعلق می گیرد که از مسیر استفاده از رانت مورد اشاره بیشترین منفعت را عاید جامعه نماید.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ارسلانی، علی (۱۳۸۰)، تاثیر قیمت نفت بر متغیرهای کلان ایران طی (۱۳۴۲-۱۳۷۹)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲. اسماعیلی، بابک (۱۳۸۷). شکست تروریسم مالی غرب علیه ایران؛ تعامل در تقابل، روزنامه کیهان، <http://vista.ir/article/>
۳. اقبالی، علیرضا، گسگری، ریحانه و حمیدرضا حلافی (۱۳۸۴)، "بی ثباتی صادرات نفت و رشد اقتصادی در ایران"، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران
۴. امامی، کریم و مهدی ادیب پور (۱۳۹۰)، بررسی آثار نامتقارن شوک های نفتی بر تولید، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال سوم،

شماره ۴، صص ۱-۲۶

۵. بانک اطلاعاتی سری های زمانی اقتصادی بانک مرکزی، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، www.tsd.cbi.ir
۶. بانک اطلاعاتی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، www.eia.gov
۷. دورنبوش، رودیگروفیشراستانی (۱۳۷۸)، اقتصاد کلان، ترجمه محمد حسین تیزهوش تابان، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم.
۸. صمدی امین آبادی، وحید (۱۳۷۸): تجزیه تحلیل اثرات شوکهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
۹. طیبیان، محمد و داوود سوری (۱۳۷۴)، "بررسی تاثیر تکانه های درآمد نفت، حجم پول و مخارج دولت بر متغیرهای اقتصادی"، گزارش تحقیقی، موسسه عالی پژوهش در توسعه و برنامه ریزی.
10. Iran Project, 2012, Weighing Benefits and Costs of International Sanctions Against Iran, the iran project, 68
11. Blair, P.C and M. Jansson, 2012, Sanctions, Military Strikes, and Other Potential Actions against Iran, FAS Special Report, 10-17
12. Corden, W. M., Neary, J. P., 1982. Booming Sector and De-industrialisation in a Small Open Economy. *The Economic Journal*, 92, 829-831.
13. Corden, M.W., 1984. Booming Sector and Dutch Disease Economics: Survey and Consolidation, *Oxford Economic Papers*, 36, 359-380.
14. Dubowitz, mark (2012), battle rial, www.foreignpolicy.com/articles/2012/06/28/battle_rial
15. Dubowitz, mark (۲۰۱۱), Progress of the Obama Administration's Policy Toward Iran , www.defenddemocracy.org/.../progress-of-the-obama-adminis
16. Ferrier Ronald,(1982), *The History of the British Petroleum Compan*, **Cambridge University** Press, 454
17. Mehara. M (2008): The asymmetric relationship between oil revenues and economic activities: The case of oil-exporting countries. *Energy Policy*. No 36.
18. Jimenez-Rodriguez, R. and M. Sanchez (2005): Oil price shocks and real growth: Empirical evidence for some OECD countries, *Applied Economics* 37, 201-228.
19. International Monetary Fund (2012), *World Economic outlook: Growth Resuming, Dangers Remain*, 10-100
20. Katzman, kenneath (2012), *Iran Sanction*, Congressional Research Service, RS20871, 1-20
21. Wijenberg, V.,1984. Inflation, Employment, and the Dutch Disease in Oil-exporting Countries: A short-run Disequilibrium Analysis, *Quarterly Journal of Economics*, 99(2), 233-250.

تحریم‌های نفتی غرب، فرصت دستیابی به آرزوی رهایی از بلای اقتصاد نفتی

سید محسن اقبالی - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت تکنولوژی دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران

علی بنیادی نائینی - استادیار دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران

خلاصه

اقتصاد مقاومتی به ایجاد ساختارهای اقتصادی اشاره دارد که در سخت‌ترین شرایط و بیشترین فشارها، کاملاً منعطف عمل کرده و بدون تاثیرپذیری به راه خود ادامه دهد. تحقق اقتصاد مقاومتی با تبیین و به کارگیری راهبردهای عینی آن در عرصه‌های مختلف ممکن خواهد بود. از آنجا که حوزه انرژی یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین عرصه‌های اقتصادی کشور ایران است و بخش مهمی از تحریم‌های استکبار جهانی در شرایط کنونی نیز متوجه این بخش از اقتصاد است، لذا شناسایی، تبیین و به کارگیری الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوعاتی است که باید بدان پرداخته شود. یکی از حوزه‌هایی که باید حول آن هرچه سریعتر عمل کرده و راهکارهای مقاومتی را اتخاذ کنیم، حوزه نفت، گاز و انرژی می‌باشد که باید به گونه‌ای به سیاستگذاری آن پرداخته شود که ماحصل آن، اقتصادی بدون وابستگی به نفت باشد و در واقع باعث شود که نفت، برای کشور به عنوان برگ برنده‌ای باشد که در مواقع خاص از آن استفاده کنیم نه موجودیتی که نبودش برای ما خطر ایجاد کند. پژوهش انجام شده از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای-پیمایشی می‌باشد و با توجه به شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و کتابخانه‌ای، پرسشنامه‌ای-پیمایشی می‌باشد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: مصاحبه و نرم‌افزارهای تحلیل آماری. در این پژوهش ابتدا با مراجعه به اسناد و مراجع کتابخانه‌ای و آخرین مقالات منتشر شده در زمینه‌های اقتصاد ایران و تحریم‌های غرب و نیز با جستجوی کلمات کلیدی همچون چالش‌های اقتصاد ایران، تحریم‌های نفتی ایران، تجربیات تحریم دیگر کشورها... به یافتن ریشه‌های ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی حال حاضر پرداخته، سپس با توزیع پرسشنامه در میان خبرگان سیاسی، اقتصاددانان، اساتید دانشگاهی و تعدادی از بازرگانان به رتبه‌بندی راه‌حل‌های پیشنهادی اقتصادی بمنظور تبدیل تهدید تحریم‌های نفتی بر اقتصاد نفتی ایران به فرصت دستیابی به آرزوی رهایی از بلای اقتصاد نفتی کشور ایران، پرداخته‌ایم و سپس بمنظور اعتباردهی به نتایج بدست آمده حاصل از کار پرسشنامه‌ای، با ۵ نفر از اساتید حوزه‌های اقتصاد و سیاست‌گذاری مصاحبه نمودیم. تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده ۵۰ مورد می‌باشد که از این تعداد ۴۱ پرسشنامه بصورت تکمیل شده مورد استفاده قرار گرفت. در پایان نیز به ارائه الگویی جهت تبدیل تهدید تحریم‌ها به فرصت‌ها پرداخته‌ایم.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تحریم‌های نفتی، اقتصاد نفتی، تهدید، فرصت

۱- مقدمه

ایجاد اقتصاد مقاومتی به عنوان یک سیاست راهبردی تبدیل تهدید به فرصت به عنوان یک خواسته ملی از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است. به سبب وجود نقاط ضعف در ساختار اقتصادی کشور، دشمن به استفاده از ابزار تحریم‌های اقتصادی جهت اعمال فشار بر نظام اسلامی روی آورده است. بنابراین برای این که سلاح تحریم از کار بیفتد لازم است نقاط ضعف اقتصاد کشور با اصلاح ساختارها برطرف شود و اقتصادی مقاومتی و ضد ضربه‌ی تحریم بنا شود.

تحریم اقتصادی علیه ایران مربوط به چند سال گذشته و یا دولت نهم و دهم نیست. این تحریم‌ها از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی و حتی قبل از آن، از سوی غرب و استکبار وجود داشته و تاکنون نیز ادامه پیدا کرده است و تنها در دوره‌هایی از شدت آن کاسته شده یا بر شدت آن افزوده شده است. اولین تحریم اقتصادی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی (سی و سه سال قبل) در سال ۱۹۷۹ توسط آمریکا صورت گرفت که منجر به مسدود شدن ۱۲ میلیارد دلار از اموال کشورمان در بانک‌های آمریکا گردید. پس از آن در طول سال‌های گذشته تاکنون، تحریم‌ها به صورت مستمر علیه جمهوری اسلامی به بهانه‌های مختلف استمرار یافته است. [۱] تاریخچه تحریم‌های غربی، کشور ایران بدین شرح است: [۲]

نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم انگلستان علیه ایران بمنظور واکنش در برابر انتخاب دکتر محمد مصدق به وزارت بود که هدف ملی‌سازی صنعت نفت را دنبال می‌کرد. اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران در زمان نخست وزیری محمد مصدق و بمنزله واکنش علیه ملی شدن صنعت نفت ایران صادر شد. آمریکا نیز در سال ۱۹۷۹ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، علیه ایران وضع نمود. در سال ۱۹۹۵، بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا اقدام به وضع تحریم‌هایی نمود که به موجب آن شرکت‌های نفتی آمریکایی از سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز ایران منع شده بودند. همچنین روابط بازرگانی با ایران نیز یک‌جانبه قطع گردید. در خلال سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ که دولت نهم و دهم بر سرکار بوده است شدیدترین تحریم‌ها بر کشور ایران اعمال گردیده است که از آن جمله می‌توان به تحریم‌های سازمان ملل و بر اساس قطعنامه‌های شماره ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل اشاره نمود.

تحریم رایانه:

در قوانین تجارت جهانی، ابر رایانه‌های قوی‌تر از ۱۹۰ میلیارد عمل در ثانیه به عنوان کالاهایی راهبردی (و دارای پتانسیل بکار برده شدن در محاسبات شبیه‌سازی‌های هسته‌ای و علوم "های تک") محسوب می‌شوند، و لذا فروش آن‌ها به کشور ایران شامل تحریم گردید. جدول شماره ۱ نمایش خلاصه‌ای از تحریم‌های یکجانبه و غیرمنصفانه‌ی آمریکا علیه کشور ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون می‌باشد. نکته جالب توجه در اعمال این تحریم‌ها این موضوع می‌باشد که بدلیل سیطره آمریکا بر دیگر کشورها و نداشتن استقلال سیاسی این کشورها، تقریباً اکثر کشورها بدون در نظر گرفتن منافع مردم کشورشان به تبعیت از تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به تحریم ایران دست زده‌اند.

| سال اعمال تحریم | تحریم |
|--------------------|---|
| ۱۹۷۹ | مصادره بیش از ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های کشور ایران |
| ۱۹۸۱ | تحریم فروش اسلحه به ایران در جریان جنگ تحمیلی |
| ۱۹۸۷ | وضع تحریم‌های جدید و کامل‌تر توسط "رونالد ریگان" رئیس جمهور وقت آمریکا |
| ۱۹۹۵-۱۹۹۶ | وضع قانون "ایلسا" توسط مجلس نمایندگان آمریکا و امضاء آن توسط "بیل کلینتون" رئیس جمهور وقت آمریکا |
| ۲۰۰۲ | تحریم علمی ایران و دانشمندان ایرانی بمنظور جلوگیری از حضور نمایندگان ایران در مجامع علمی |
| ۲۰۰۶ | استرداد بزرگترین کلکسیون باستان شناسی تخت جمشید به نفع رژیم اشغالگر قدس |
| ۲۰۰۷ | تحریم ایران توسط شرکت‌های بزرگ نرم‌افزاری آمریکا همچون مایکروسافت |
| ۲۰۰۷ | تحریم بانک‌های ملت، ملی و صادرات توسط بانک جهانی بدلیل اعمال فشار به این نهاد بین المللی توسط دولت آمریکا |
| ۲۰۰۷-۲۰۰۸ | تحریم تعداد زیادی از نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و افراد حقیقی و حقوقی توسط وزارت خزانهداری آمریکا |
| ۲۰۱۰ | تحریم صنایع دفاعی و نظامی ایران، عدم فروش بنزین و فرآورده‌های آن |
| ۲۰۱۱-۲۰۱۲ | تحریم صنایع نفت، گاز و انرژی ایران، تحریم بانک مرکزی ایران (طرح موسوم به فلج اقتصادی) |

جدول شماره (۱): خلاصه‌ای از تاریخچه تحریم‌های آمریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران

با توجه به نوع تحریم‌ها و بررسی هریک از تحریم‌های اعمال شده در سال‌های مختلف، می‌شود به این نکته پی برد که در بازه‌های زمانی مختلف با توجه به شدت خطری که استکبار از سوی جمهوری اسلامی احساس می‌نموده، تحریم‌هایی وضع شده است که این خطر از میان

برداشته شود. در سال‌های اخیر و بخصوص با ایجاد موج بیداری اسلامی در خاورمیانه، استکبار که سابقه‌ای دیرینه در موج سواری در صحنه‌های تاریخی دارد، تنها عامل و مانع مقابل خود در بهره‌برداری از وقایع اخیر و فیصله آن به صورت صد درصد به نفع خود را، جمهوری اسلامی می‌دید. بدین منظور استکبار با حربه‌ای به نام "مشغول نمودن خود به کار خود" سعی نمود که مسئولان مملکت را از طریق وضع تحریم‌های شدید اقتصادی به مسائل داخلی مشغول نماید. تا پیش از اعمال تحریم‌ها ایران یگانه کشور و الگویی بود که در میان بسیاری از مردمان کشورهای تازه منقلب شده مطرح بود، اما با اعمال تحریم‌ها و به هم‌ریختگی‌های اقتصادی ایجاد شده در ایران و استفاده از ابزار بنام رسانه‌ها بمنظور سیاه‌نمایی فضای موجود در ایران حاصل از تحریم‌های اعمالی سعی در برگرداندن این الگوگیری نمودند، اما تدابیر رهبر معظم انقلاب باز هم این حربه را بمانند ۲۳ سال گذشته باطل نمود.

۲- روش تحقیق

پژوهش انجام شده از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای-پیمایشی، پرسشنامه‌ای- اسنادی می‌باشد و با توجه به شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر از نوع تحقیقات میدانی، توصیفی و کتابخانه‌ای می‌باشد. در این پژوهش ابتدا با مراجعه به اسناد و مراجع کتابخانه‌ای و آخرین مقالات منتشر شده در زمینه‌های اقتصاد ایران و تحریم‌های غرب و نیز با جستجوی کلمات کلیدی همچون چالش‌های اقتصاد ایران، تحریم‌های نفتی ایران، تجربیات تحریم دیگر کشورها... به یافتن ریشه‌های ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی حال حاضر پرداخته، سپس با توزیع پرسشنامه در میان خبرگان سیاسی، اقتصاددانان، اساتید دانشگاهی و تعدادی از بازرگانان به رتبه‌بندی راه‌حل‌های پیشنهادی اقتصادی بمنظور تبدیل تهدید تحریم‌های نفتی بر اقتصاد نفتی ایران به فرصت دستیابی به آرزوی رهایی از بلای اقتصاد نفتی کشور ایران، پرداخته‌ایم و سپس بمنظور اعتباردهی به نتایج بدست آمده از کار پرسشنامه‌ای، با ۵ نفر از اساتید حوزه‌های اقتصاد و سیاست‌گذاری که همگی از اساتید بنام دانشگاه‌های تهران می‌باشند مصاحبه نمودیم. تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده ۵۰ مورد می‌باشد که از این تعداد ۴۱ پرسشنامه بصورت تکمیل شده مورد استفاده قرار گرفت. (نرخ بازگشت ۸۲٪)

۲-۱- مطالعه میدانی و انجام نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی جدا شدن از اقتصاد نفتی و همسویی با اقتصادهای غیرنفتی دنیا در جهت موازنه با اقتصاد مقاومتی، صورت گرفته است. بدین منظور پس از بررسی اسناد و مدارک مرتبط، و تعیین فاکتورهای تاثیرگذار در نفتی بودن اقتصاد ایران، به ارائه راه‌حل‌هایی برای رفع این موضوع با تکیه بر اقتصاد مقاومتی نموده و سپس با انجام کار پرسشنامه‌ای به رتبه‌بندی راه‌حل‌ها از لحاظ درجه اهمیت پرداخته‌ایم. بدین منظور جامعه آماری مورد استفاده، تعداد ۵۰ نفر از اساتید و خبرگان حوزه اقتصاد، سیاست و ... می‌باشند. در جدول شماره ۲

مدارج علمی جامعه آماری نمایش داده شده است. لازم به ذکر می‌باشد که ارائه پرسشنامه به دو صورت دستی و از طریق پست الکترونیک صورت گرفته و پس از حدود ۱۱ روز پرسشنامه‌های کامل شده جمع‌آوری گردیدند.

| تعداد | درجه علمی | حوزه تخصصی (کاری / تحصیلی) |
|-------|---------------------|---|
| ۱۰ | استاد تمام | اقتصاد - مدیریت اقتصادی، مدیریت |
| ۱۷ | دانشیار | علوم سیاسی - اقتصاد - تجارت بین‌الملل |
| ۱۴ | استادیار | تجارت و بازرگانی - سیاستگذاری اقتصادی - صنعت و معدن |
| ۹ | لیسانس - فوق لیسانس | تجارت - بازرگانی |

جدول شماره ۲: نمایش مدارج علمی جامعه آماری مورد استفاده در پژوهش

۱-۲- ابزارهای مورد استفاده در پژوهش

در این پژوهش اصلی‌ترین ابزارهای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و مصاحبه می‌باشند. لذا جهت بررسی راه‌حل‌های پیشنهادی جهت برون رفت از اقتصاد نفتی و ورود به حوزه اقتصاد غیرنفتی از پرسشنامه‌ای ۱۵ سوالی که بر اساس طیف لیکرت ۵ تایی تنظیم شده بود استفاده نمودیم. در این پژوهش جهت سنجش پایایی ابزار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ بدین صورت استفاده گردید که: تعداد ۲۰ مورد از پرسشنامه‌ها را بصورت تصادفی میان خبرگان این حوزه توضیح کرده و پس از جمع‌آوری، ضرایب پایایی آن‌ها محاسبه گردید که نتایج آن در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است. لازم به ذکر است که جهت سنجش روایی ابزار مورد استفاده، به انجام مصاحبه با تعداد ۵ تن از اساتید حوزه اقتصاد و سیاست‌گذاری پرداخته‌ایم.

| پرسشنامه | ضریب آلفای کرونباخ |
|---------------------|--------------------|
| رتبه‌بندی راه‌حل‌ها | ۸۷٪ |

جدول شماره ۳: نمایش ضریب آلفای کرونباخ

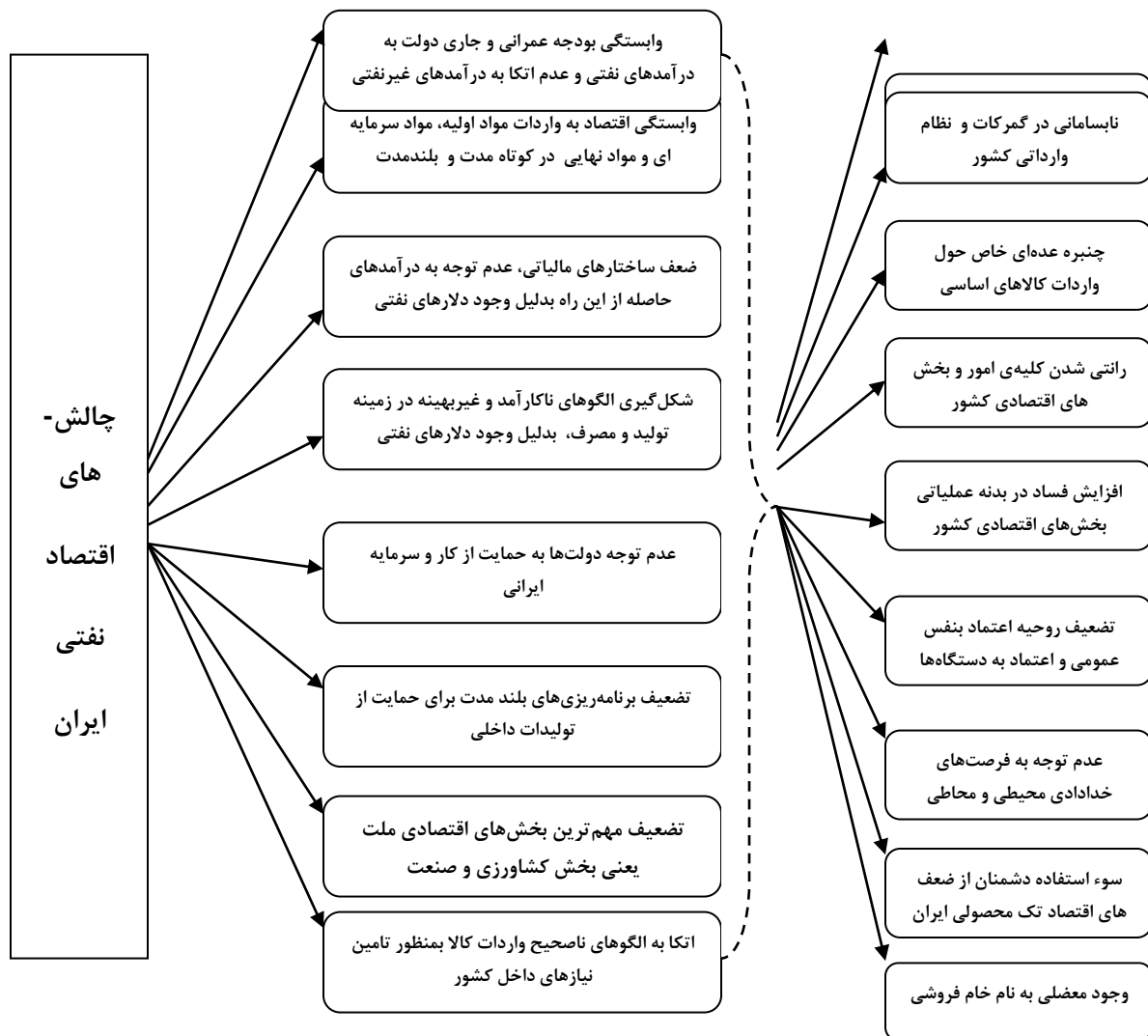
۲-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش بمنظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده نموده‌ایم. همچنین از رگرسیون چند متغیره جهت شناخت تاثیر متغیر "تحریم‌های نفتی غرب" روی دو متغیر وابسته اقتصاد نفتی و اقتصاد غیرنفتی استفاده شده است. از ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه‌ی متغیرهای وابسته "اقتصاد نفتی" و "اقتصاد غیرنفتی" استفاده شده است.

۳- چالش‌های اقتصاد نفتی ایران (اقتصاد تک محصولی "نفت")

بایررسی اسناد و مدارک اقتصادی موجود و نیز اوضاع و احوال اقتصادی دو دهه گذشته کشور ایران و بخصوص بررسی وضعیت اقتصادی ایران در دوران دولت نهم و دهم، از جمله مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد مبتنی بر نفت ایران، بصورت خلاصه عبارتند از: [۳]، [۴]، [۵]، [۶]، [۷]، [۸]

[۹]،



شکل شماره (۱): نمایش طرح‌وار چالش‌های اقتصاد نفتی ایران

۴- ریشه‌های ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی در کشور ایران

با بررسی اسناد و مدارک موجود و نیز مقالات منتشره درباره سیاست‌های اقتصادی در کشور ایران در دولت‌های پیشین و کنونی در بازه زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۱، از جمله مهم‌ترین ریشه‌های ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی در کشور ایران بدین گونه تعریف می‌شوند: [۱۰]، [۱۱]، [۱۲]، [۱۳]

[۱۴]

- ❖ سایه‌ی سنگین منفعت طلبی، خودخواهی، به دیگران نیندیشیدن
- ❖ غالب شدن فرهنگ فساد و سوداگری
- ❖ عدم خودباوری در تجارت، اقتصاد و ترویج الگوی "ما نمی‌توانیم"
- ❖ عدم وجود عدالت اجتماعی در سطوح عامه مردم
- ❖ شانه خالی کردن از وظایف
- ❖ نفتی بودن اقتصاد ایران
- ❖ عدم توجه به درآمدهای غیرنفتی
- ❖ عدم ارتباط سالم اقتصادی با کشورهای طرف معامله
- ❖ بکارگیری سیاست‌هایی غیرمنطبق با شرایط مردم و کشور ایران
- ❖ سیاست‌های نامناسب بومی شده، پولی و مالی
- ❖ عدم بکارگیری افراد توانمند و متخصص در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی
- ❖ وجود ساختارهای نامناسب اقتصادی و مالیاتی
- ❖ اجرای طرح‌های اقتصادی بدون پشتوانه علمی و مشاوره‌ای مناسب
- ❖ وجود پدیده شوم و نامطلوب قاچاق و واردات غیرقانونی
- ❖ وجود رانت و رانت‌خواری در میان مدیران اجرایی کشور
- ❖ عدم تناسب قوانین قضایی با سیاست‌های مالی - پولی و اقتصادی
- ❖ سیاست‌های نامناسب کنترل قیمت زمین و مسکن
- ❖ عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ایران به معنای واقعی مد نظر مقام معظم رهبری
- ❖ نبود وحدت و همکاری میان فعالین حوزه اقتصاد بصورت‌های گوناگون: شبکه‌سازی، خوشه‌سازی و....
- ❖ انحصاری شدن واردات در دست افراد محدود

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- ❖ انجام همه امور یا عموم فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت
- ❖ نداشتن شرکای تجاری مطمئن و عدم شبکه‌سازی ایمن با آن‌ها در شرایط بحرانی
- ❖ حرکت براساس آزمون و خطا بجای استفاده از نظرات کارشناسی
- ❖ دخالت‌های بیجای دولت در اقتصاد
- ❖ عدم نگاه واقعی دولت‌ها به مسائل اقتصادی
- ❖ متنوع بودن نرخ ارز و عدم تسلط بر نرخ ارز مرجع و بازار آزاد
- ❖ نبود کنترل لازم روی میزان نقدینگی در سطح جامعه و کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزش‌های مرجع
- ❖ عدم توجه دولت به بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی
- ❖ عدم تقویت تعاملات مناسب خارجی و دخالت‌های نابجا در تعاملات بخش خصوصی
- ❖ عدم اولویت‌بندی مسائل اقتصادی از سوی سیاست‌گذاران
- ❖ وجود سیاست‌های ناکارآمد در عرصه بین‌المللی
- ❖ دخالت ندادن مردم در فرآیندهای سیاست‌گذاری و اجرا

۵- راه‌حل‌های پیشنهادی

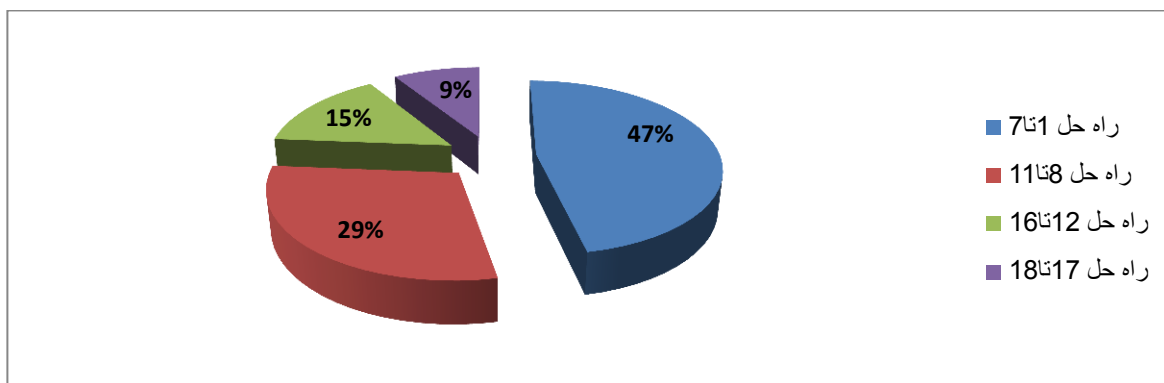
پس از شناخت ریشه‌های ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی در کشور ایران و پس از بازیابی راه‌حل‌های برون رفت از این وضع و با استفاده از ابزار پرسشنامه به رتبه‌بندی راه‌حل‌های پیشنهادی (۱۸ راه‌حل) براساس میزان مطلوبیت و اولویت اجرایی پرداختیم که نتایج حاصله در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

| رتبه | امتیاز | راه‌حل‌های پیشنهادی | رتبه | امتیاز | راه حل پیشنهادی |
|------|--------|---|------|--------|---|
| ۱۰ | ۱۷۳ | شبکه‌سازی مطمئن با شرکای تجاری خارجی | ۱ | ۱۹۳ | کاهش وابستگی به نفت در بودجه و توجه به کسب درآمدهای غیرنفتی |
| ۱۱ | ۱۷۰ | بهره‌گیری بیشتر از نخبگان دانشگاهی و برقراری ارتباط نزدیکتر دولت با دانشگاه | ۲ | ۱۸۹ | انجام خصوصی‌سازی و نه خودی-سازی |

| | | | | | |
|-----|----|---|-----|---|--|
| ۱۶۳ | ۱۲ | برقراری ارتباط معنایی میان قوانین قضایی و اقتصادی | ۱۸۹ | ۳ | توجه به FDI و جذب حداکثری آن |
| ۱۵۵ | ۱۳ | پرهیز از حرکات زیکزگی در اقتصاد و توجه به نظرات خبرگان و کارشناسان | ۱۸۷ | ۴ | مبارزه همه جانبه با فساد در بدنه اجرایی |
| ۱۴۱ | ۱۴ | برقراری عدالت اجتماعی در توزیع درآمدها | ۱۸۴ | ۵ | کنترل رشد نقدینگی + کاهش تورم و حفظ ارزش پول ملی |
| ۱۳۴ | ۱۵ | عضویت موثر در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای بمنظور برقراری تبادلات تجاری | ۱۸۲ | ۶ | انجام کارهای کارشناسی بمنظور استفاده از الگوهای بومی اقتصادی |
| ۱۲۵ | ۱۶ | مبارزه شدید با قاچاق کالا و واردات غیرقانونی | ۱۸۰ | ۷ | اتکاب تولید داخلی + انحصارزدایی از واردات |
| ۱۱۶ | ۱۷ | کنترل نرخ ارز - عدم بکارگیری ارز چند نرخ | ۱۷۹ | ۸ | کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی تا حد امکان |
| ۹۳ | ۱۸ | دخالت مستقیم مردم در امر سیاست‌گذاری و اجرایی نمودن قوانین | ۱۷۶ | ۹ | تصحیح ساختارهای پولی و مالیاتی |

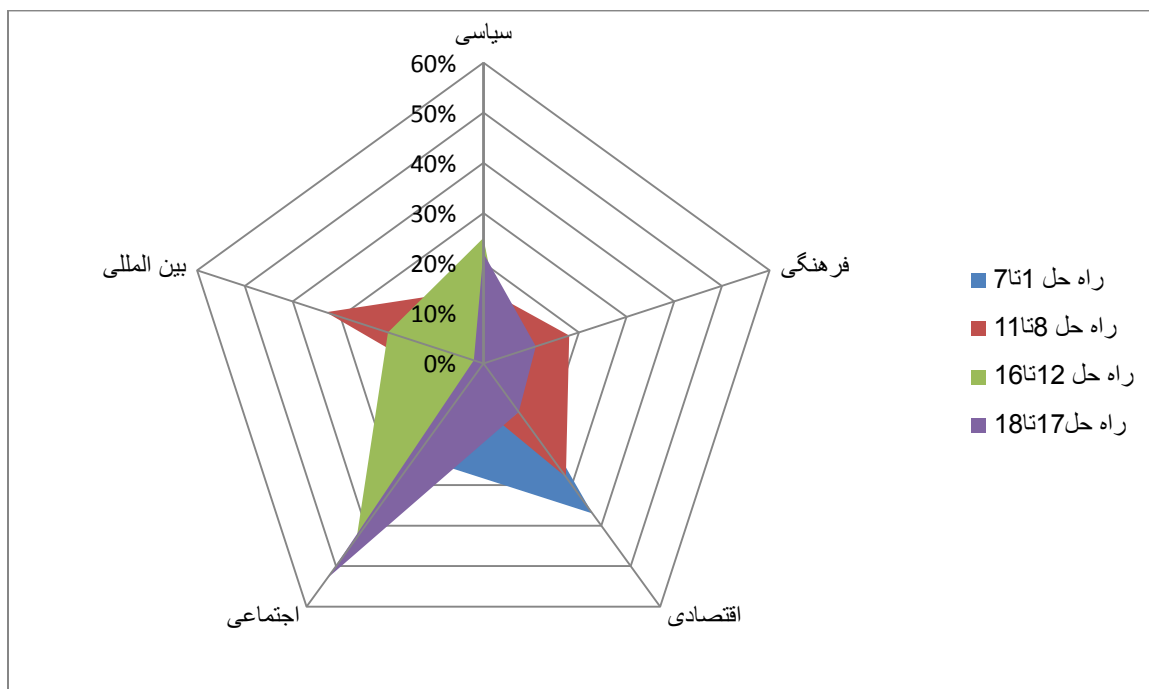
جدول شماره (۴): نمایش راه حل‌های پیشنهادی و رتبه‌بندی آن‌ها

تجزیه و تحلیل نتایج بدست آمده حاصل از جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که حدود ۴۷٪ از افراد شرکت‌کننده به راه حل‌های شماره ۱ تا ۷ از نمره ۵ تا ۵ (طیف لیکرت ۵ تایی) نمره کامل ۵ را اختصاص داده‌اند، همچنین حدود ۲۹٪ به راه حل‌های شماره ۸ تا ۱۱ نمره کامل ۵ را اختصاص داده‌اند که در شکل شماره ۲ بصورت عینی توضیح نمرات به راه حل‌های پیشنهادی نمایش داده شده است.



شکل شماره (۲): نمایش میزان اشتراک نظر صد درصدی روی راه حل‌های پیشنهادی در میان نخبگان جامعه آماری

باتوجه به نمودار دایره‌ای اشتراک نظر نخبگان می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که راه حل‌های پیشنهادی شماره ۱ تا ۷ باید از مطلوبیت و اولویت اجرایی بالاتری برخوردار باشند. این نتیجه‌گیری پس از انجام مصاحبه با ۵ تن از نخبگان این حوزه نیز مورد تایید قرار گرفت. همچنین راه حل‌های ۸ تا ۱۱ با ۲۹٪ اشتراک نظر صددرصدی و راه حل‌های ۱۲ تا ۱۶ با ۱۵٪ اشتراک نظر صددرصدی باید جهت عملیاتی شدن و بکارگیری در اولویت‌های بعدی قرار گیرند. نتایج مصاحبه‌ها نشان داد در صورتی که تنها به بکارگیری و اجرایی نمودن راه حل‌های ۱ تا ۷ پردازیم، حدود ۴۸,۳٪ از مشکلات اقتصادی گریبانگیر کشور ایران یا بصورت کامل و یا بصورت موضعی و موقتی حل خواهند شد. همچنین در صورت اتکا به راه حل‌های شماره ۸ تا ۱۱ تنها حدود ۲۹,۵٪ از مشکلات اقتصادی قابل حل خواهد شد. نتایج محاسبات انجام شده توسط نرم افزار SPSS در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.



شکل شماره (۳): نمودار عنکبوتی نمایش تاثیرگذاری هر بازه از راه حل‌ها روی ۵ حوزه مهم فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بین‌المللی و سیاسی

باتوجه به شکل شماره ۳ اینگونه استنباط می‌شود که در صورت عملیاتی شدن هر بازه از راه‌های پیشنهادی، هریک به نحوی قادرند مشکلی از مشکلات کشور در حوزه اقتصاد را مرتفع نمایند. در جدول شماره ۵، درصد میزان تاثیرگذاری هر بازه از راه‌های پیشنهادی روی هریک از ۵ حوزه مهم ذکر شده نشان داده شده است.

| بازه راه حل / حوزه | ۷-۱ | ۱۱-۸ | ۱۶-۱۲ | ۱۸-۱۷ |
|--------------------|-------|------|-------|-------|
| سیاسی | ٪۲۵ | ٪۱۵ | ٪۲۵ | ٪۲۲ |
| فرهنگی | ٪۴ | ٪۱۸ | ٪۵ | ٪۱۱ |
| اقتصادی | ٪۳۷ | ٪۲۷ | ٪۱۲ | ٪۱۲ |
| اجتماعی | ٪۲۳ | ٪۷ | ٪۴۳ | ٪۵۳ |
| بین المللی | ٪۱۱ | ٪۳۳ | ٪۲۰ | ٪۲ |
| تاثیرگذاری کل | ٪۴۸,۳ | ۲۹,۴ | ٪۱۲,۲ | ٪۱۰,۱ |

جدول شماره (۵): نمایش میزان تاثیرگذاری راه‌حل‌های پیشنهادی روی هریک از ۵ حوزه مهم کشور ایران براساس نظر خبرگان

باتوجه به جدول ۵ نتایج زیر حاصل شده است:

در بازه راه‌حل‌های ۱ تا ۷ که بیشتر پیشنهادات رنگ و بویی اقتصادی دارند، بیشترین تاثیر بر حوزه اقتصادی با عملیاتی شدن این پیشنهادات در این بازه اتفاق خواهد افتاد. همچنین کمترین میزان تاثیر راه‌حل‌های این بازه بر روی حوزه فرهنگی جامعه می‌باشد. نکته جالب توجه در این بازه از پیشنهادات میزان اثرگذاری بسیار دور از انتظار این پیشنهادات بر حوزه بین‌الملل و رفع مشکلات اقتصادی در این حوزه می‌باشد که نیاز به ریشه‌یابی دقیق‌تر دارد.

بیشترین تاثیرگذاری روی حوزه بین‌الملل در بازه راه‌حل‌های ۸ تا ۱۱ روی داده است. نکته قابل توجه در این مورد نزدیک شدن دانشگاه به صنعت، دولت به علم و تصمیم‌گیری‌های کارشناسی‌تر و عالمانه‌تر که موجب برقراری روابط عقلانی‌تر با دنیا و رفع مشکلات مربوط به این حوزه خواهد شد، می‌باشد. همچنین کمترین میزان تاثیرگذاری این بازه بر روی حوزه اجتماعی می‌باشد. (از دیدگاه خبرگان)

بیشترین میزان تاثیرگذاری روی حوزه اجتماعی در کشور ایران در بازه ۱۷ تا ۱۸ اتفاق افتاده است. نکته جالب توجه در این بازه وجود کمترین امتیازات در رتبه‌بندی انجام شده در جدول ۴ و کسب آخرین رتبه‌ها از لحاظ عملیاتی نمودن و در اولویت قرار گرفتن راه‌حل‌ها جهت بکارگیری می‌باشد. لازم به ذکر می‌باشد که راه‌حل‌های این بازه دارای کمترین تاثیر روی حوزه بین‌الملل در میان تمام بازه راه‌حل‌های پیشنهادی می‌باشد.

از جداول شماره ۴ و ۵ می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که عملیاتی نمودن هریک از راه‌حل‌های ۱۸ گانه، نه تنها سبب رفع موقتی یا کلی مشکلات حوزه اقتصاد خواهد شد بلکه سبب ایجاد تغییرات مثبت یا منفی در حوزه‌های حیاتی دیگر نیز خواهد شد که توجه به این امر بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

در میان بازه راه‌حل‌های پیشنهادی، بازه ۱ تا ۷ با اثرگذاری کلی ۴۸,۳٪ بیشترین تاثیر را بر رفع مسئله ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی در کشور ایران دارد، همچنین بازه ۱۷ تا ۱۸ نیز با مقدار ۱۰,۱٪ کمترین این میزان را داراست.

۶- تحلیل رگرسیون چند متغیره جهت شناخت تاثیر متغیرمستقل "تحریم‌های نفتی غرب" روی دو متغیر وابسته "اقتصاد نفتی" و "اقتصاد غیرنفتی" و اثرات آن‌ها بر ۵ حوزه مورد بررسی.

تحلیل رگرسیون، تکنیک آماری برای بررسی و مدل‌سازی ارتباط بین متغیرها می‌باشد. این تحلیل یک روش آماری برای گرفتن چند متغیر است که متغیرهای مستقل نام دارند و توسعه یک مدل ریاضی است که نشان می‌دهد چگونه آن‌ها فقط به مقدار یک متغیر مربوط می‌شوند که آن هم متغیر وابسته نامیده می‌شوند. از آنچه که ذکر شد نتیجه می‌گیریم که آنالیز رگرسیون برای یافتن روابط خطی و مدل‌سازی آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. جدول ۶ نشان دهنده ضرایب بدست آمده با تحلیل رگرسیون می‌باشد. [۱۵]

| X_3 | X_2 | X_1 | نام حوزه/ نام متغیر |
|----------------|-------------|--------------------|---------------------|
| اقتصاد غیرنفتی | اقتصاد نفتی | تحریم‌های نفتی غرب | حوزه سیاسی |
| ۰/۱۳۵ | ۰/۱۹۴ | ۰/۲۱۴ | حوزه فرهنگی |
| ۰/۱۰۲ | ۰/۲۰۵ | ۰/۲۴۵ | حوزه اقتصادی |
| ۰/۹۶۰ | ۰/۳۳۰ | ۰/۳۶۲ | حوزه اجتماعی |
| ۰/۱۰۲ | ۰/۲۳۴ | ۰/۲۸۶ | حوزه بین‌المللی |
| ۰/۸۶۰ | ۰/۲۹۸ | ۰/۳۱۲ | |

جدول شماره (۶): ضرایب بدست آمده با تحلیل رگرسیون

در این بخش از پژوهش سعی شده، بوسیله تحلیل آماری رگرسیون و تحلیل واریانس، رابطه‌ی بین متغیرهای ۳ گانه‌ی مطرح شده که عبارتند از: X_1 : تحریم‌های نفتی غرب، X_2 : اقتصاد نفتی، X_3 : اقتصاد غیرنفتی، و میزان تاثیر این ۳ متغیر (مستقل - وابسته) بر یکدیگر و بر ۵ حوزه ذکر شده و نیز داشتن یا نداشتن تفاوت معنادار را مشخص نماییم. نتایج جدول ۶ عبارتند از:

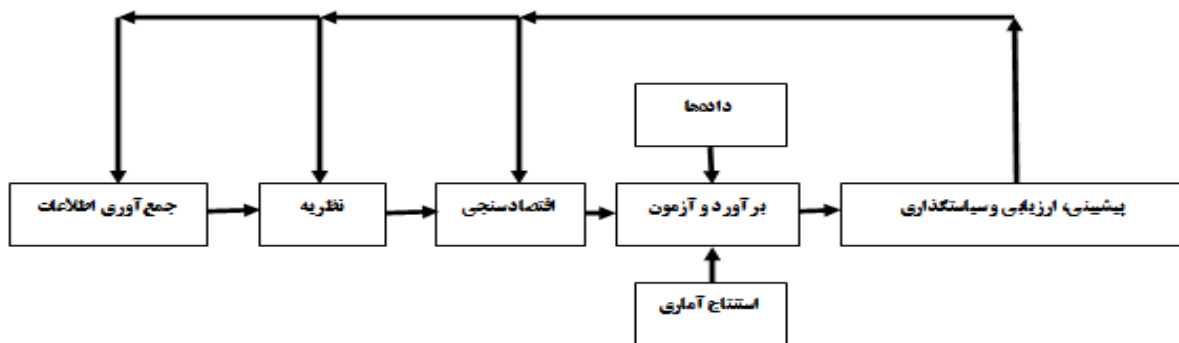
(۱) تاثیر تحریم‌های نفتی در صورتیکه اقتصاد کشور مبتنی بر اقتصاد تک محصولی یا نفتی نباشد، بسیار اندک و حتی ناچیز خواهد بود. درچنین حالتی تحریم نفت ایران خود سبب قدرت گرفتن کشور در عرصه بین‌المللی خواهد شد چرا که کشور می‌تواند اقداماتی پیش‌دستانه در جهت اعمال قدرت و نفوذ خود در عرصه بین‌الملل از خود نشان دهد که نفت، خود از بهترین ابزارهاست.

۲) همواره تحریم دارای باری روانی بوده و سبب ایجاد امواج منفی در سطح جامعه می‌گردد (در صورتیکه مردم جامعه از اعمال تحریم‌ها منافع خود را در خطر ببینند). حال در صورت غیرنفتی بودن اقتصاد بدلیل تاثیر بسیار ناچیز تحریم‌های نفتی روی اقتصاد، جامعه منافع خود را کمتر در خطر دیده و لذا آن بار روانی بسیار منفی که در اثر تحریم‌ها در میان جامعه القا می‌شود نیز دیگر وجود نخواهد داشت.

۳) نتایج بدست آمده از جدول ۶ نشان می‌دهد حوزه سیاسی در کشور ایران چه اقتصاد نفتی باشد چه غیرنفتی با وجود تحریم‌های نفتی دچار تاثیرپذیری بالایی می‌باشد که می‌توان آن را بصورت کاملاً اصولی و با آموزش سیاسیون برطرف نمود.

۷- ارائه الگویی جهت تبدیل تهدید تحریم‌ها به ایجاد فرصت‌ها

از ابتدای انجام پژوهش تمام تلاش بر این بود که با جمع‌آوری اطلاعات لازم در حوزه اقتصاد ایران و فاکتورهای تاثیرگذار بر آن به ارائه الگویی جهت تبدیل تهدید تحریم‌ها به ایجاد فرصت‌ها پردازیم. شکل شماره ۴ نشان دهنده فرآیند ایجاد مدل در پژوهش حاضر می‌باشد.



شکل شماره (۴): نمایش فرآیند ایجاد مدل در پژوهش

فرآیند نشان داده شده در شکل ۴ با بیان نظریه اقتصاد مقاومتی شروع به کار می‌نماید، در ادامه و پس از انجام فرآیندهای پیمایشی به ایجاد مدلی نظری می‌رسیم که مدل اقتصاد مقاومتی نامیده می‌شود. با مقایسه مدل نظری با مدل‌های اقتصادسنجی و برآورد و آزمون آن از طریق داده‌ها و مستندات آماری و استنتاج از آن‌ها به پیش‌بینی و ارزیابی سیاست‌های موجود و بنای سیاست‌های متناسب با مدل نظری ارائه شده می‌پردازیم.

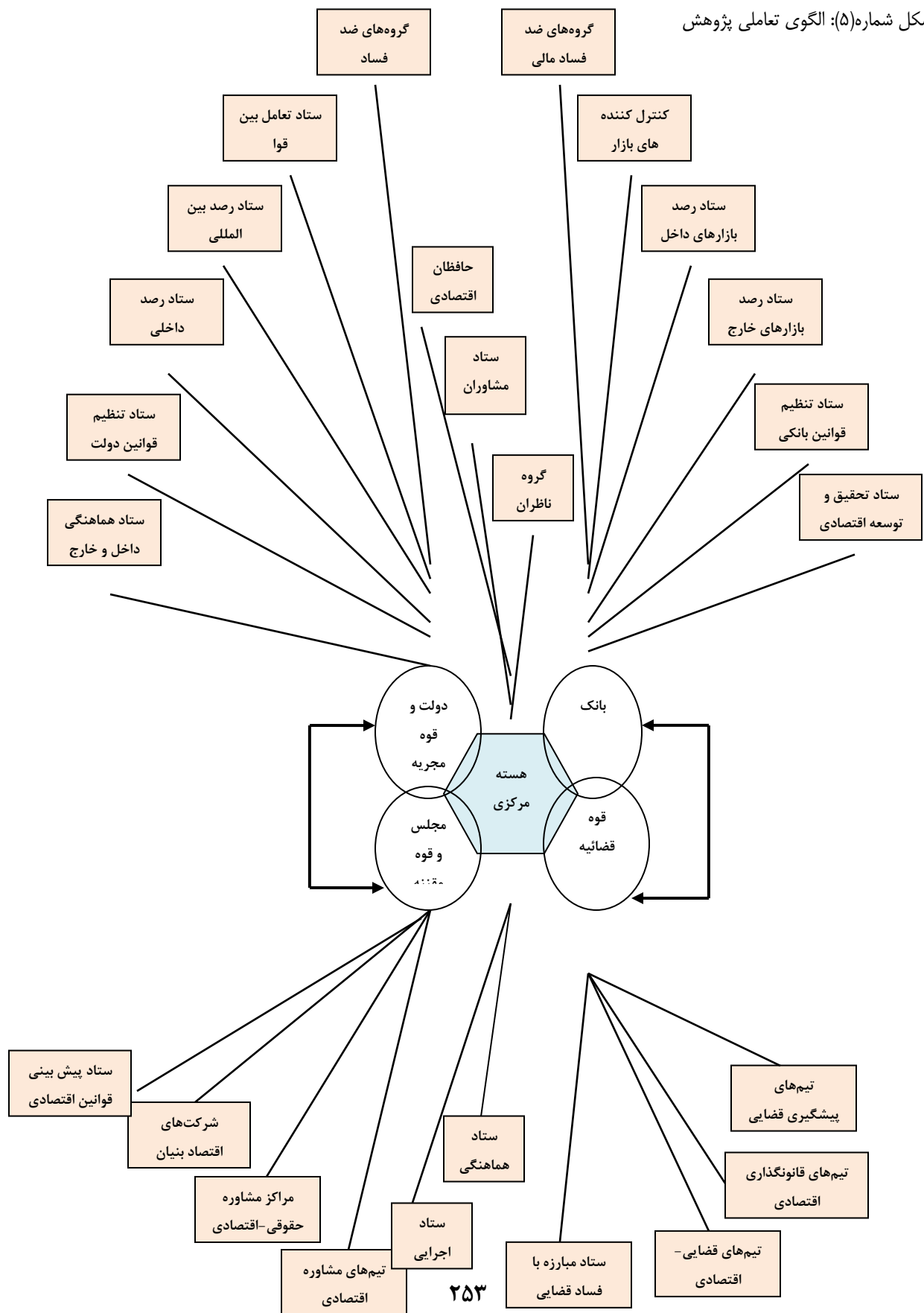
در شکل ۵ نمایشی از الگوی تعاملی ارائه شده در این پژوهش آورده شده است. همچنانکه مشاهده می‌شود، الگوی ارائه شده از یک هسته مرکزی و ۴ بخش اصلی تشکیل شده است که هر یک از این بخش‌ها و نیز هسته مرکزی خود دارای زیربخش‌هایی نیز می‌باشد که بتفصیل هریک را تشریح می‌نماییم.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

هسته مرکزی: از بررسی اسناد و مدارک تاریخی و شواهد موجود و قابل دسترسی به این نتیجه رسیده‌ایم که در کشور ایران هرکجا فرماندهی و هدایت کاری بزرگ را در یک نقطه متمرکز نمودیم و هدایت آن را به افراد کاردان و قابل اعتماد سپردیم، آن کار به سرانجام خوبی رسیده است و هرکجا که عکس عمل نمودیم، نتیجه کار نیز معکوس بوده است. مثال‌های تاریخی زیادی را برای موفقیت یا شکست پروژه‌ها یا کارهای مهم و اساسی می‌توان نام برد منجمله: مقابله با تحریم‌ها، هرکجا رهبر معظم انقلاب وارد شدند و مدیریت کار را برعهده گرفتند، در آن مقطع بسیار موفق عمل نمودیم و تهدیدها به فرصت نیز تبدیل شد یا جنگ تحمیلی که با مدیریت کاردان‌ترین و قابل اعتمادترین افراد، ۸ سال کشور را از باج‌دهی به ابرقدرت‌ها بصورت کامل حفظ نمود.

شکل شماره (۵): الگوی تعاملی پژوهش



یا در مقابله با فتنه‌های داخلی پیش آمده، هر کجا مقام معظم رهبری، خود کنترل اوضاع را بدست گرفتند حتی پریشانتترین اوضاع را هم توانستند به خوبی مدیریت نموده و کشور را در آن مقطع به سلامت از پیچ پیش آمده عبور دهند. نمونه‌های زیادی می‌توان از این دست نام برد. بنابراین پیشنهاد ما در این پژوهش قرارگیری بیت‌مقام معظم رهبری به عنوان هسته عملیاتی و مرکزی مدل ارائه شده است که خود این هسته شامل چندین زیربخش منجمله گروه حافظان اقتصادی که مسئول حفاظت و رسیدگی به کارهای انجام شده در ۴ بخش اصلی دیگر و زیرمجموعه-های آن‌ها می‌باشد. ستاد مشاوران که مسئول ارائه مشاوره‌های اقتصادی یا سیاسی به اعضای هسته مرکزی می‌باشند. گروه ناظران که کارشان نظارت بر کارهای انجام شده در درون هسته مرکزی و ۴ بخش اصلی متصل به آن است. ستاد اجرایی که اصلی‌ترین مسئولیت را در این هسته برعهده دارد، که وظیفه اجرایی و عملیاتی نمودن تصمیمات و فعالیت‌های تصویب شده را برعهده دارد. ستاد هماهنگی نیز مسئول هماهنگی فعالیت زیربخش‌های هسته مرکزی و خود هسته مرکزی می‌باشد.

چهار بخش اصلی عبارتند از: بانک مرکزی (کلیه بانک‌ها، موسسات مالی و پولی)، دولت (قوه مجریه)، قوه قضائیه و مجلس (قوه مقننه). هریک از این بخش‌ها خود دارای زیربخش‌های متعددی می‌باشند که وظایف خاصی را هم انجام می‌دهند. مهمترین نکته درالگوی ارائه شده، قرارگیری قوای اصلی نظام در کنار یکدیگر و تعامل آن‌ها بصورت مستقیم با اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری سیاست‌های پولی و مالی در کشور ایران می‌باشد که سبب تسریع هرچه بیشتر کارها و ازمیان رفتن بروکراسی حاصل از عدم تعامل مستقیم قوا با یکدیگر و بانک مرکزی، همچنین حذف فساد اداری ناشی از آن می‌شود.

بخش ۱: بانک مرکزی: براساس قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بعنوان تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور، موظف به تنظیم مقررات مربوط به صدور و ورود ارز و پول رایج ایران، معاملات ارزی، تعهد و یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار، مقررات مربوط به معاملات طلا با تصویب هیأت وزیران، تعیین کننده مقررات برای موسسات اعتباری غیربانکی و کلیه مقررات، مصوبات یا بخشنامه‌های ناظر بر نظام پولی و اعتباری کشور است. رسالت اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر آن است که با اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری شرایط مساعد برای پیشرفت اقتصادی کشور را فراهم سازد و در اجرای برنامه‌های مختلف اعم از برنامه‌های تثبیت و توسعه اقتصادی پشتیبان دولت باشد.

با توجه به آنچه بیان شد و در راستای ایجاد تحول بنیادین در اقتصاد و مقاوم‌سازی اقتصاد، بانک مرکزی به عنوان مهمترین نهاد پولی و مالی کشور که نقش سیاست‌گذاری‌ها را برعهده دارد، در تعامل مستقیم با قوای سه‌گانه در فرآیند مقاوم‌سازی اقتصاد یا همان اقتصاد مقاومتی گام خواهد برداشت. بدین منظور و طبق الگوی تعاملی ارائه شده، در بانک مرکزی باید واحدهای زیربنظور قرارگیری در فرآیند مقاومتی کردن اقتصاد و نیز تعامل مستمر با قوای سه‌گانه تشکیل گردند که عبارتند از:

ستادهای ضد فساد بانکی: در طول چند دهه گذشته، همواره برای نشان دادن عدم مطلوبیت یک سیاست یا ایده اقتصادی و بدبین نمودن مردم یک جامعه به کارانبودن یک نظام، سعی شده چهره‌ای تاریک و سیاه از نظام بانکی و اقتصادی آن کشور نشان داده شود و این میسر نخواهد شد مگر با دزدی، اختلاس‌های بزرگ بانکی، رشوه‌گیری‌های اقتصادی، ضد و بندهای معاملاتی اقتصادی و... در همین راستا و بمنظور جلوگیری از تمام آنچه که بیان شد بمنظور قرارگیری صحیح بانک مرکزی در مقاومتی نمودن اقتصاد، در ابتدا باید این ستاد از ستادهای ۶ گانه مورد نظر در بانک مرکزی تشکیل شود.

ستاد رصدبازارهای داخلی: در چند دهه گذشته همواره با نوعی آشفتگی در بازارهای پولی و مالی در کشورمان دست به گریبان بوده‌ایم که در نتیجه سیاست‌های پولی و مالی نادرست بانک مرکزی و عدم رصد و شناخت صحیح بازار بوده است. در علم سیاست‌گذاری، اولین نکته‌ای که مد نظر قرار می‌گیرد، درک درست از محیط و شناسایی عوامل محیطی تاثیرگذار بر سیاست‌ها می‌باشد که متأسفانه در دهه‌های گذشته بدلیل عدم وجود چنین جنبه‌ای در بانک مرکزی همواره با بازارهای متلاطم پولی و مالی مواجه بوده‌ایم.

ستاد رصد بازارهای خارجی: بمنظور قرارگیری در چرخه پیشرفت جهانی، لاجرم باید با دنیا ارتباطاتی مناسب و اصولی داشته باشیم که لازمه آن داشتن سیاست‌های مناسب پولی و مالی است که توسط ستاد رصد بازارهای خارجی در بانک مرکزی ایجاد می‌گردد. این ستاد با پایش بازارهای مالی و پولی جهانی به تدوین قوانینی خواهد پرداخت که به ایجاد ارتباطاتی موثرتر با اقتصادهای دانش بنیان جهانی خواهد انجامید.

ستاد تحقیق و توسعه قوانین اقتصادی: وظیفه این ستاد، تحلیل گزارشات حاصله از ستاد پایش بازارهای خارجی و داخلی، بررسی و تحقیق درمورد امکان‌پذیری استفاده از قوانین موجود و جرح و تعدیل آن‌ها بمنظور بکارگیری جهت شرایط حال و همچنین بررسی چگونگی انعقاد قراردادهای پولی و مالی با موسسات خارجی و... می‌باشد.

ستاد تنظیم قوانین بانکی: با ایجاد این ستاد دربانک مرکزی و بهره‌گیری از تجربیات چنددهه گذشته و براساس گزارش ستادهای رصد داخلی و خارجی بازارها و همچنین ستاد تحقیق و توسعه قوانین اقتصادی، این ستاد به تنظیم قوانین و مقررات پولی و مالی متناسب با شرایط اقتصاد مقاومتی و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور خواهد پرداخت. اصلی‌ترین نکته در ایجاد این ستاد، تدوین و تصویب قوانینی بروز و مرتبط با همان وضعیت اقتصادی کشور است و نه بهره‌گیری از قوانینی که مثلاً برای شرایط ۶۰ سال قبل کشور ایران تدوین شده‌اند.

✚ کنترل‌کننده‌های بازار: پس از قانون‌گذاری و پایش بازارها، اصلی‌ترین وظیفه جهت نظارت برچگونگی اجرایی نمودن قوانین و صیانت از آن‌ها، ستادهای کنترل بازارهای پولی و مالی می‌باشد. این ستادها با ارتباطاتی که با سایر زیرمجموعه‌های ۶ گانه بانک مرکزی دارد و با به‌روز نگه داشتن اطلاعات اقتصادی خود، به کنترل و هماهنگ‌سازی بازار و قوانین تصویب شده می‌پردازد.

بخش ۲: مجلس و قوه مقننه: مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه و والایی برخوردار بوده و محور بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، قانونگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها است و چراغ هدایت دولت و ملت را به دست دارد. مجلس پایگاه اساسی نظام و مردم و مایه حضور و مشارکت واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مظهر اراده ملی است. باتوجه به وظایف بیان شده درمورد مجلس یا قوه مقننه، بمنظور حرکت در جهت مقاومتی نمودن اقتصاد، این بخش باید زیرمجموعه‌های بیان شده در زیر را برای خود بوجود آورد که عبارتند از:

✚ ستاد پیش‌بینی قوانین اقتصادی: مجلس محل قانون‌گذاری و تصویب قوانین است، محلی است که نخبگان کشور بمنظور حمایت از حقوق ملت در خانه ملت جمع می‌شوند تا با اتخاذ تصمیماتی به اوضاع سروسامان دهند. بمنظور حضور فعالانه مجلس و قوه قانون‌گذار در مقاومتی نمودن اقتصاد باید ستادی بمنظور پیش‌بینی قوانین اقتصادی در کنار آن تشکیل شود تا با پایش لحظه به لحظه اقتصاد جهانی و شرایط حاکم بر دنیا و نیز شرایط حاکم بر بازارهای داخلی و جامعه ایران، به تدوین قوانینی بپردازد که در روند پویایی اقتصاد و نیز بازنمودن راه برای آنان که در حوزه اقتصاد گام می‌نهند، به نوعی تسهیل‌کننده باشد. این ستاد می‌تواند ترکیبی از نمایندگان اقتصاددانان مجلس به اضافه تعدادی حقوق‌دان و نیز تعدادی از صادرکنندگان بزرگ ایران باشند.

✚ مراکز مشاوره حقوقی- خصوصی: این مراکز بصورتی خصوصی در کنار ستاد پیش‌بینی قوانین ایجاد می‌شوند و به دادن مشاوره از طریق تعامل مستمر با بازرگانان، تجار و بازاریان می‌پردازد. این مراکز با تعاملاتی که با دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی دارند، مشکلات بازار، درحال و آنچه که ممکن است به سبب بروز برخی شرایط در آینده پیش بیاید و نیز مسائل حقوقی آن را به ستاد پیش‌بینی قوانین اقتصادی گزارش نموده و این ستاد به پیش‌بینی و تدوین قوانین راهگشا می‌پردازد.

✚ تیم‌های مشاوره اقتصادی: وظیفه اصلی این تیم‌ها مشاوره اقتصادی به تمام نمایندگان و فعالان حوزه اقتصادی می‌باشد. این تیم‌ها در کنار مجلس ایجاد شده و با دسترسی به قوانین بروز‌قادرند به مشاوره، هم‌نمایندگان و هم‌فعالان اقتصادی بصورتی متمرکز می‌پردازند.

بخش ۳: دولت و قوه مجریه: قوه مجریه جمهوری اسلامی ایران بخشی از ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است که بدنه اصلی اجرایی نظام به حساب می‌آید. دولت به عنوان نهادی بسیار قدرتمند در امور اجرایی، تمام اموری که به تصویب مجلس یا بانک مرکزی

می‌رسد و ارزش عملیاتی شدن دارند، توسط این نهاد اجرایی می‌شوند. براین اساس و بمنظور تکمیل چرخه مقاومتی نمودن اقتصاد این نهاد ارزشمند باید درکنار خود به ایجاد چند ستاد و مرکز جانبی بپردازد که عبارتند از:

✚ ستاد تعامل میان قوا: این ستاد وظیفه هماهنگی میان قوای مقننه، قوه قضائیه و نیز بانک مرکزی را دارد. با تعاملی که این ستاد با قوای دیگر و نیز بانک مرکزی برقرار می‌نماید از قوانین مصوب و تدوین شده مطلع شده و با پرهیز از دوباره کاری به روند پویایی انجام وظایف خود می‌پردازد. همچنین این ستاد وظیفه هماهنگی جلسات هفتگی یا ماهیانه روسای قوا و نیز رئیس کل بانک مرکزی بمنظور گزارش‌دهی فعالیت‌های انجام شده و نیز نزدیکی دیدگاه‌ها در رابطه با امور جاریه می‌پردازد.

✚ گروه‌های ضد فساد اداری: این گروه‌ها وظیفه پایش تمام ادارات و سازمان‌هایی را دارند که ممکن است در آن‌ها سوء استفاده‌های اقتصادی انجام شود که نتیجه آن بدبینی به نظام اقتصادی است. این گروه‌ها باید از باایمان‌ترین و متعهدترین افراد انتخاب شوند تا بدلیل حساسیت کارشان، خود دچار لغزش و اشتباه نشوند.

✚ ستاد رصد بین‌المللی: این ستاد وظیفه پایش سیستم‌های اجرایی احکام اقتصادی در سراسر دنیا و بخصوص در کشورهای پیشرفته و نزدیک به فرهنگ ایرانی را برعهده دارد. اعتقاد ما براین است که اگر سیستم‌های اجرایی نوین را رصد کنیم و سپس به بومی‌سازی آن دست بزنیم علاوه براینکه از میزان موفقیت آن سیستم‌ها در کشورهای درحال اجرایی کردن آن باخبره‌ستیم، بینشی درست از چشم‌انداز اجرایی نمودن آن در کشور ایران پیدا خواهیم نمود. لازم به ذکر است که کارکنان این ستاد باید از باتجربه‌ترین و متخصص‌ترین افراد تشکیل شده باشد.

✚ ستاد رصد داخلی: این ستاد وظیفه بازبینی و پایش نحوه اجرای قوانین اقتصادی در بازار و در سطح جامعه را برعهده دارد. این ستاد با برقراری ارتباط با ستاد رصد بین‌المللی، با بهره‌گیری از جدیدترین شیوه‌های اجرای قوانین خارجی بومی شده، به روند مقاومتی نمودن اقتصاد کشور کمک شایانی خواهد نمود.

✚ ستاد تنظیم قوانین اقتصادی دولت: این ستاد با بهره‌گیری از گزارشات ستادهای رصد داخلی و بین‌المللی به تدوین و تنظیم قوانینی دست می‌زند که سبب بهبود در روند اجرایی شدن و نیز مقاومتی نمودن اقتصاد کشور در شرایط خاص می‌گردد. لازم به ذکر است که این ستاد باید با مجلس تعاملی سازنده و مستمر بمنظور جلوگیری از موازی‌کاری داشته باشد.

✚ ستاد هماهنگی داخلی و خارجی: وظیفه این ستاد هماهنگ نمودن ستادها و گروه‌های داخلی قوه مجریه با کلیه ستادها و گروه‌های داخل قوای دیگر و بانک مرکزی می‌باشد. همچنین این ستاد وظیفه هماهنگی میان ستادهای داخلی شکل گرفته در داخل دولت را نیز برعهده دارد.

بخش ۴: قوه قضائیه: اصولاً اگر تمام قوای دیگر به اضافه‌ی بانک مرکزی به بهترین وجه ممکن وظایف خود را در روند مقاومتی نمودن اقتصاد انجام دهند اما قوه قضائیه در انجام وظایف خود کوتاهی به خرج دهد به جرات می‌توان گفت که فرآیندی ناقص و بدون نتیجه را دنبال کرده‌ایم بدون آنکه از انجام آن هدفی را متصور بوده باشیم. این خود اهمیت این قوه را نشان می‌دهد. بنابراین قوه قضائیه از مهمترین بخش‌های الگوی ارائه شده می‌باشد چراکه وظیفه رسیدگی به تخلفاتی را دارد که اگر بدرستی با آن‌ها برخورد نشود ممکن است سبب نابودی فرآیند مقاومتی نمودن اقتصاد گردد. زیربخش‌های مورد نظر برای قرارگیری این بخش در فرآیند مقاومتی نمودن اقتصاد عبارتند از:

✚ تیم‌های پیشگیری قضایی: اصولاً همواره گفته شده است که پیشگیری بهتر از درمان است. اگر بتوان قبل از انجام جرمی از آن پیشگیری کرد می‌توان از تحمیل بسیاری از هزینه‌ها بصورتی پیشگیرانه جلوگیری نمود. تیم‌های پیشگیری قضایی بدین منظور ایجاد می‌گردند که وقوع جرم را پیش از انجام آن پیش‌بینی کنند و از به وقوع پیوستن آن جلوگیری به عمل آورند. اگر این تیم‌ها بدرستی وظایف خود را انجام دهند از بسیاری از هزینه‌ها که ممکن است در دیگر ستادها یا بخش‌ها بدلیل وقوع جرم به ما تحمیل شود براحتی می‌توان جلوگیری نمود. اعضای این تیم‌ها باید از متخصصان و با تجربه‌ترین افراد قوه تشکیل شده باشند. همچنین می‌توان از تیم‌های کارشناسی متشکل از روانشناسان و تحلیلگران جامعه‌شناسی در انجام وظایف این بخش بخوبی بهره جست.

✚ تیم‌های قضایی-اقتصادی: این تیم‌ها به شناسایی موانع قضایی یا قوانین قضایی که سبب تسهیل در امور اقتصادی می‌شوند، در درون بنگاه‌های اقتصادی یا سازمان‌هایی که وظایفی اقتصادی برعهده دارند، می‌پردازند.

✚ تیم‌های قانون‌گذاری اقتصادی: این تیم‌ها با تماس‌های مستمری که با تیم‌های قضایی-اقتصادی دارند، به تدوین قوانین قضایی مورد نیاز جهت تسهیل و اطمینان در انجام امور اقتصادی در سطح جامعه می‌پردازند. از اصلی‌ترین موانع همکاری مستمر میان قوای سه‌گانه و بانک مرکزی در حال حاضر عدم وجود چنین تیم‌ها یا ستادهایی در کنار این قوا می‌باشد که با تشکیل این ستادها یا تیم‌ها به راحتی می‌توان درکی ملموس‌تر از انجام بهینه‌تر امور را مشاهده نمود.

✚ ستاد مبارزه با مفاسد قضایی: این ستاد در جهت مبارزه با مفاسدی که در روند مقاومتی نمودن اقتصاد ممکن است در درون خود قوه قضائیه پیش بیاید تشکیل می‌شود. اعضای این ستاد باید از معتمدترین و بی‌باکترین افراد درون قوه قضائیه باشند چراکه این ستاد قرار است وظیفه نظارت بر کل ستادهای مستقر را در اختیار داشته باشد.

۸- نتیجه‌گیری

«ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که می‌خواهد با فشار اقتصادی و با تحریم، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. ما باید یک اقتصادمقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم» (مقام معظم رهبری)

به سبب وجود نقاط ضعف در ساختار اقتصادی کشور، دشمن به استفاده از ابزار تحریم‌های اقتصادی جهت اعمال فشار بر نظام اسلامی رو آورده است. بنابراین برای اینکه سلاح تحریم از کار بیفتد لازم است نقاط ضعف اقتصاد کشور با اصلاح ساختارها برطرف شود و اقتصادی مقاومتی و ضد ضربه‌ی تحریم بنا شود. هدف نهایی دشمن در تمامی انواع تحریم‌های اقتصادی، یک چیز بیشتر نیست: ایجاد نارضایتی عمومی در مردم، سست نمودن پیوند مردم و نظام اسلامی و در نتیجه ایجاد فرصت برای موج سواری جریان‌های ضد انقلاب و فتنه‌گران است. همانطور که بیان شد اولین گام برای ایجاد «اقتصاد مقاومتی» شناسایی نقاط ضعف اقتصادی کشور در هر یک از انواع تحریم‌های اقتصادی است. در این پژوهش بصورتی عینی مشاهده نمودیم که نقاط ضعف اقتصادی بسترساز تحریم نفت ایران بوده است لذا با ترمیم یا حذف این نقاط ضعف می‌توان بر تابوی تحریم نفتی به سرعت پایان داد و از این مرحله از تاریخ انقلاب هم با سربلندی بمانند دوره‌های دیگر آن عبور کنیم.

از جمله مهمترین راهکارهای حذف نقاط ضعف اقتصادی کشور، تغییر ساختار اقتصاد برای تامین ارز از محل صادرات غیر نفتی به جای صادرات نفت است. تحریم نفت ایران فرصت مناسبی است تا بیماری اساسی اقتصاد کشور در وابستگی به درآمد نفتی درمان شود. جایگزین نمودن صادرات غیر نفتی و درآمدهای مالیاتی (بصورتی اصولی و کاملاً منطقی، نه بصورتی جو زده و عجولانه) بجای درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت راهبرد مناسبی است که باید در دستور کار مسئولان اقتصادی کشور قرار گیرد. این راهبرد علاوه بر اینکه آسیب‌پذیری کشور را کاهش می‌دهد، خود یک حرکت تهاجمی در جهت افزایش قیمت نفت و ضربه به منافع اقتصادی کشورهای غربی نیز ارزیابی می‌شود. این موضوع همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است:

«ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. من چند سال قبل از این گفتم - البته آن وقت مسئولین دولتی از این حرف هیچ استقبال نکردند - ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضانات سیاسی، یا اقتضانات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، بتوانیم. ... اگر یک روزی اقتصاد کشور از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیرگذاری‌اش در دنیا فوق‌العاده است. ما باید به اینجا برسیم. خب، این حمایت می‌خواهد؛ باید از صادرات حمایت بشود.»

برای افزایش صادرات غیرنفتی روش‌های متعددی نظیر استفاده از جوایز صادراتی یا افزایش نرخ ارز وجود دارد. البته به دلیل اینکه وابستگی به واردات هنوز در ایران درمان نشده، استفاده از افزایش نرخ ارز گرچه موجب رشد سریع صادرات غیر نفتی می‌شود (رشد ۳۰٪ صادرات غیر نفتی در سال ۹۰) اما به دلیل نارضایتی حاصل از تورم وارداتی، مورد توجه نیست. لازم به ذکر است برای حمایت از صادرات غیرنفتی، باید در بلندمدت قدرت رقابت‌پذیری و کیفیت تولیدات داخلی در مقایسه با محصولات خارجی افزایش یابد. این مهم خود نیازمند (۱) ارتباط موثر دانشگاه‌ها با بنگاه‌های تولیدی جهت به روز کردن فناوری و دانش تولید داخل (۲) بازاریابی و استفاده از فرصت‌های بین‌المللی جهت فروش محصولات داخلی (۳) ارتباط موثر دستگاه‌های بین‌المللی نظیر وزارت خارجه و اتاق بازرگانی با بنگاه‌های تولید داخل (۴) داشتن سند راهبردی توسعه صنعت مبتنی بر نقشه جغرافیایی و مزیت‌های اقتصادی (به طور مثال تمرکز بر خوشه‌های صنعتی) و (۵) استفاده از فناوری‌های با مصرف انرژی بهینه در تولید است.

یکی دیگر از راه‌حل‌های حذف نقاط ضعف اقتصادی کشور ایران، تولید صیانتی نفت و با اولویت در برداشت از میادین مشترک می‌باشد که در این رابطه توجه به این نکات ضروری بنظر می‌رسد: (۱) از لحاظ اقتصادی روش فعلی تولید نفت در کشور غیر صیانتی است و در بلندمدت به زیان کشور است. در حالی که میادین نفتی کشور عمدتاً در نیمه دوم عمر خود هستند و نیاز به تزریق گاز دارند، روش‌های برداشت غیرصیانتی باعث شده تا معادل هزاران میلیارد دلار نفت کشور در میادین برای همیشه دفن شوند. (۲) روند رو به اتمام انرژی‌های فسیلی در دنیا و مقایسه قیمت نفت در آینده با بهره‌ناپذیر بانک‌های خارجی به سپرده‌های ارزی (حاصل از فروش نفت)، حکم می‌کند که طلای سیاه در میادین داخلی یا مخازن راهبردی نگهداری شود و به جیب بانک‌های خارجی واریز نشود. (۳) عدم اولویت‌گذاری در برداشت از میادین مشترک باعث شده تا کشورهای رقیب نظیر عراق، قطر و عربستان به سرعت در حال مکیدن چاه‌های مشترک با ایران باشند. زیان کشور از این ناحیه هر ۲۲ روز معادل ۳۰۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است. گرچه کارشناسان و مسئولان نفتی به زیان‌های ناشی از استراتژی فعلی تولید نفت، اذعان دارند، اما مصالح دولت‌ها مبنی بر تامین ارز و درآمدهای سالانه مانع از نگاه راهبردی به مساله برداشت از میادین نفت شده است. مقام معظم رهبری در این رابطه به کرات تذکر داده‌اند:

«من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آن‌ها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می‌فروختند. این‌طور نبود که یک بشکه‌ی نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی‌وپنج دلار - و در واقع مفت - که ما الان داریم می‌فروشیم، بفروشند. ولی می‌بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه‌ی تجدیدنشدنی خودشان را تبدیل می‌کنند به یک پول ناقابل.»

لازم به ذکر می‌باشد، همین دلارهایی که از فروش نفت به قیمت مفت برای کشور بدست می‌آید، براحتی صرف کالاهای وارداتی و تامین نیازهای داخلی می‌شود که این خود یکی از بزرگترین ضعف‌های سیاستی در حوزه اقتصاد در کشور ما بشمار می‌رود. بخش مهمی از مصارف ارزی کشور صرف واردات کالاهای غیر ضرور و یا قاچاق می‌شود. این موضوع از جهات متعدد به زیان کشور است؛ اولاً به دلیل عدم پرداخت

تعرفه ارزانتر و موجب ضربه به تولید داخلی در محصولات مشابه است. دوماً درآمدهای بادآورده و نامشروع نصیب قاچاقچیان و دلالان می‌کند. سوماً تقاضای ارز در کشور را افزایش می‌دهد که موجب افزایش نرخ ارز و مصائب ناشی از آن است. برای مقابله با این ضعف اقدامات ذیل پیشنهاد می‌شود: (۱) کالاهای وارداتی متناسب با نیازهای کشور به سه گروه ضروری، غیر ضرور و مضر تقسیم‌بندی شود و جلوی کالاهای مضر و زائد گرفته شود. (۲) با اتصال سامانه گمرک، ثبت سفارش و بانک مرکزی، امکان نظارت بر مصارف ارزی فراهم شود، در غیراین صورت همواره این احتمال وجود دارد که دلالان اقدام به انحصار در عرضه ارز نموده و با دو نرخ کردن ارز، ضمن کسب سودهای سنگین و یک شبه، از کاهش نرخ ارز در بازار جلوگیری نمایند. (۳) با اجرای طرح ایران کد، شبنم و استاندارد اجباری، ضمن جلوگیری از واردات کالاهای بی کیفیت امکان نظارت عمومی و شناسائی آسان کالاهای قاچاق در بازار فراهم شود. (در صورتی که این طرح‌ها به صورتی اصولی و کاملاً نظارتی به اجرا درآیند)

تقدیر و تشکر

در پایان لازم می‌دانم از همکاری پژوهشکده صنعت نفت و مرکز پژوهش‌های مجلس، بدلیل همکاری موثر در روند انجام این پژوهش و اطلاعاتی که در اختیار ما گذاشتند تقدیر و تشکر نمایم. همچنین تقدیر و تشکر ویژه از پروفسور "جواد صالحی اصفهانی" استاد دانشگاه‌های "هاروارد" و "ویرجینیا تک" ایالات متحده آمریکا، بدلیل پاسخگویی سریع به سوالات و هدایت پژوهش به سمت کاربردی شدن آن در جامعه اقتصادی و علمی کشور ایران.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

مراجع

- [۱] صانعی زاده، محمد رضا، "تحریم اقتصادی ایران"، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۰
- [۲] تحریم‌های اعمال شده بر ایران، رویترز، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲
- [3] "Iran: Country Brief". Development Progress. World Bank. June 2009
- [4] Atieh Bahar: Planned Economic Reforms Retrieved May 24, 2009
- [5] Gheissari, Ali (April ۲, ۲۰۰۹). Contemporary Iran: Economy, Society, Politics. USA
- [6] Foreign and Commonwealth Office: Iran's entry. Retrieved June 21, 2011
- [7] Oxford University Press, Iranian Economy in Six Snapshots, pp. 7–8 (Paperback edition).
- [8] Andrew Caplin and Andrew Schotter, *The Foundations of Positive and Normative Economics*, Oxford University Press, 2008
- [۹] نیروی، کامران، قوانین نوین دنیای اقتصاد، انتشارات دهکده، تهران، ۱۳۹۱
- [۱۰] افکاری، جهانگیر، اصول اقتصاد سیاسی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان ۱۳۸۹
- [۱۱] اسناد پژوهشکده صنعت نفت ایران
- [۱۲] اسناد مرکز پژوهش‌های مجلس
- [۱۳] جهانیان، ناصر، امنیت اقتصادی، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی، تهران، ۱۳۸۸
- [۱۴] حکیمی، محمد، زمینه‌ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی، نشر مجمع تشخیص مصلح نظام، ۱۳۹۰
- [۱۵] دونالد جی واترز، تحلیل رگرسیون، انتشارات دانشگاه امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶



پوشش نااطمینانی و تعیین نرخ پس‌انداز بهینه راهکار دستیابی به اقتصاد مقاومتی در حوزه

مدیریت دریافتی‌های نفتی

دکتر روح‌اله شهنازی

استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز : ۰۹۱۳۳۷۱۴۶۹۱

rshahnazi2004@yahoo.com

چکیده

جهت مقاومتی شدن اقتصاد، باید بگونه‌ای سیاست‌گذاری کرد که اقتصاد در مقابل شوک‌ها و نوسانات دچار بی‌ثباتی نشود. جهت بی‌ثبات نشدن در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی باید مدیریت کارا و اثر بخشی اعمال شود. یکی از ویژگی‌های ذاتی قیمت نفت و به دنبال آن دریافتی‌های نفتی، نوسانات و نااطمینانی آن می‌باشد. از آنجا که اجتناب از انتقال بی‌ثباتی قیمت نفت در اقتصاد، خارج از کنترل سیاست‌گذاران است خاصیت‌های بی‌ثباتی و نااطمینانی دریافتی نفتی، مدیریت اقتصاد کلان و برنامه‌ریزی مالی را دشوار می‌کند. بنابراین سیاست‌گذاری کارای مالی در فضایی جهت دستیابی به اقتصاد مقاومتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو در این مقاله هدف محاسبه نرخ پس‌انداز بهینه برای پوشش نااطمینانی قیمت و دریافتی‌های نفتی در ایران جهت دستیابی به اقتصاد مقاومتی در حوزه مدیریت دریافتی‌های نفتی است.

جهت دستیابی به این هدف ابتدا ماهیت بی‌ثباتی قیمت‌های نفت و مدلی که قیمت‌های نفت از آن پیروی می‌کنند شناسایی می‌شود. سپس بر اساس آن با استفاده از بسط تیلور مدلی طراحی می‌شود که نرخ پس‌انداز احتیاطی بهینه برای پوشش نوسانات قیمت نفت را محاسبه کند. نتیجه نشان می‌دهد قیمت‌های نفت از یک فرایند گام تصادفی پیروی می‌کنند. همچنین نتیجه محاسبه نرخ‌های بهینه پس‌انداز احتیاطی جهت پوشش نااطمینانی مرتبط با قیمت نفت نشان داد در صورتی که دولت سالانه ۱۰ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل را پس‌انداز کند مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی کمی بیش از ۱ درصد می‌باشد و در صورتی که دولت سالانه ۲۰ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل را پس‌انداز کند مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی حدود ۰/۳ درصد است.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، قیمت نفت، نااطمینانی، گام تصادفی، بسط تیلور، پس‌انداز احتیاطی

JEL: D81, C22, C6, O16, E6

۱. مقدمه

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۶/۲). با توجه به این مطلب اگر قرار باشد که اقتصاد کشور مقاوم شود باید در مقابل شوک‌ها و نوسانات دچار بی‌ثباتی نشود. جهت بی‌ثبات نشدن باید یک‌سری زیرساخت‌های حاکمیتی، مدیریتی و حتی زیرساخت‌های ادراکی مردم به‌خوبی تنظیم شده باشد. در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی باید مدیریت کارا و اثر بخشی اعمال شود.

یکی از ویژگی‌های ذاتی قیمت‌های نفت نااطمینانی در آن است که منجر به ایجاد نوساناتی در دریافتی‌های نفتی دولت می‌شود. نوسانات دریافتی‌ها و مخارج بخش عمومی تاثیرات منفی‌ای بر اقتصاد دارد. که یکی از بهترین راهکاری مقابله با این نوسانات پوشش آنها با استفاده از پس‌انداز احتیاطی است. مطالعات متعددی تاثیر نوسانات دریافتی و مخارج بخش عمومی بر رشد اقتصادی را تحلیل می‌کنند (آفونسو^۱ و فورسری^۲ (۲۰۰۸)). در حالت عمومی کشورهای صادرکننده نفت نوسانات بیشتری در توازن خارجی و بخش عمومی دارند. آتی و میکسل (۱۹۹۷) درجه بیشتر نوسان را در کشورهای با سهم بالاتر در صادرات مواد اولیه شناسایی کردند. این نوسان می‌تواند منبعی برای نااطمینانی سرمایه‌گذاری باشد و ناسازگاری زمانی در سیاست‌های دولت باشد و از این طریق بر رشد اقتصادی تاثیر گذارد.

همچنین آتی (۲۰۰۱) بین نوسانات بزرگ دریافتی‌های منابع طبیعی و عدم توان دولت برای مدیریت صحیح مزادها و ارتباطات اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. برای مثال برقراری سیاست‌های همراه سیکلی^۳ و استفاده غیر بهره‌ور از صندوق پس‌انداز. هاسمن و ریوگون (۲۰۰۲) میان نوسانات ناشی از دریافتی‌ها و ریسک‌گریزی سرمایه‌گذار ارتباط برقرار کرده و از این طریق وجود بلای منابع را توضیح می‌دهند.

قابل ذکر است که وقتی درآمد شدیداً و به‌طور غیر منتظره کاهش می‌یابد، مخارج نیز غالباً به شدت افت می‌کند که معمولاً پرهزینه است. کاهش هزینه‌های جاری می‌تواند بسیار دشوار و ناخوشایند باشد و ممکن است در نظر مردم از نظر اجتماعی مخرب باشد، به ویژه اگر در چارچوب یک استراتژی جامع میان مدت تعدیل مخارج صورت نگیرد. کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای ممکن است سبب ناتمام گذاشتن پروژه‌های ارزشمندی شود که بازدهی هزینه اضافی کمی برای آنها بالا باشد. در نتیجه، بهره‌وری سرمایه‌گذاری عمومی آسیب ببیند. اما اگر علی‌رغم تکانه‌های منفی دائمی بزرگ هزینه‌ها کاهش داده نشوند، پایداری مالی را می‌توان مورد تردید قرار داد.

اثبات شده که بی‌ثباتی برای رشد، سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد، فقر و پیشرفت تحصیلی مضر است^۱، رانت‌های منابع طبیعی معمولاً بسیار بی‌ثبات‌اند زیرا عرضه منابع طبیعی دارای کشش قیمتی پایین هستند (حداقل در کوتاه مدت). برای مثال، اگر انحراف معیار تغییرات قیمت نفت

¹ . Afonso

² . Furceri

³ . Pro-Cyclical

در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد در سال باشد. برای کشوری که نفت حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد، تکانه‌ای به اندازه یک انحراف معیار به تکانه درآمدی معادل با ۶ درصد تولید ناخالص داخلی منجر می‌شود. این مقدار بی‌ثباتی نسبت به کل بی‌ثباتی‌های تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی (حدود ۲ درصد) یا حتی کشورهای در حال توسعه (بین ۳ تا ۴ درصد) بسیار زیاد است (هاسمن و ریگوبن، ۲۰۰۳).

بنابراین بی‌ثباتی دریافتی‌های نفتی زمانی که دولت این بی‌ثباتی را از طریق سیاست‌های مالی غلط قبلی (مانند ارائه یارانه به مصرف و...) به اقتصاد منتقل کند، سبب کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود و جهت پوشش بی‌ثباتی تدارک پس‌انداز احتیاطی ضرورت دارد.

در مجموع باید توجه کرد که یکی از مواردی که در اقتصاد ایران جایگاه اساسی دارد و توجه به آن در اقتصاد مقاومتی بسیار مهم است بخش نفت و مدیریت دریافتی‌های نفتی است. زیرا این بخش دارای نوسانات ذاتی بوده و استفاده کشورهای تحریم‌کننده ایران از این ویژگی ذاتی دریافتی‌های نفتی می‌تواند اثرات منفی زیادی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد. از این رو در این مقاله به راهکارهای بهینه مقابله با نوسانات دریافتی‌های نفتی جهت مدیریت صحیح این دریافتی‌ها در اقتصاد مقاومتی در چارچوب تعیین نرخ پس‌انداز بهینه برای پوشش نااطمینانی قیمت و دریافتی‌های نفتی در ایران پرداخته شده است. بنابراین در ادامه در بخش اول بطور مختصر به اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود، در ادامه ماهیت قیمت‌های نفت با توجه به مطالعات انجام شده قبلی و روند این قیمت طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۶۵ تحلیل می‌شود. سپس نرخ بهینه پس‌انداز احتیاطی برای پوشش نااطمینانی مشخص و محاسبه می‌شود.

۲. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در یک تعریف ساده بدین معنا است که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به گونه‌ای باشد که حتی در شرایط فشار هم تضمین‌کننده رشد و شکوفایی کشور بوده و آسیب‌پذیری‌اش در مقابل تحریم‌ها و تهدیدات بیرونی کاهش پیدا کند. بنابراین مبنای اصلی اقتصاد مقاومتی تشخیص بخش‌هایی از اقتصاد بوده که زیر فشار یا تحریم قرار گرفته است. در مرحله بعد تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن این تهدیدها بوده و در شرایط آرمانی تبدیل این تهدیدها به فرصت است. نتیجه و هدف نهایی در اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی بخش‌های حساس و پر اهمیت اقتصادی نسبت به منبع تهدیدکننده با بهره‌گیری و تقویت مزیت‌های داخلی است. لازم به ذکر است ویژگی متمایزکننده اقتصاد مقاومتی از مقاومت یا ریاضت اقتصادی^۳ برخورد فعال و پویا با تهدیدات و دوری از انفعال است. بنابراین در اقتصاد مقاومتی دوری از انفعال و دام خود محوری اقتصادی شرط اساسی و تعیین‌کننده است.

^۱ - Sec Inter — American Development Bank (1995); Ramey and Ramey (1995); Gavin and I lausmann (1996); Aizenman and Marion (1996); Caballero (2000).

^۲ . دوریا (Durtea, 1998) و فلاگ و دیگران (Flug and Others, 1998) اثر بی‌ثباتی بر پیشرفت تحصیلی را بررسی کرده‌اند.

^۳ . ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد.

قابل ذکر است که ناپایداری سیاست‌های دولتی یک از مهمترین عوامل به شکست کشاندن اقتصاد مقاومتی است. در این زمینه باید سیاست‌های دولت جهت تقویت اقتصاد داخلی با ثبات باشد و صرفاً مربوط به دوره شدت گرفتن فشارها نباشد بلکه در صورتی که فشارها پس از مدتی برداشته شد نیز سیاست‌های حمایتی از تولید داخلی ادامه پیدا کند. دستیابی به اقتصاد مقاومتی قابل تقسیم به چهار مرحله شامل موارد زیر است.

۱- شناسایی تهدیدات و مراکز حساس اثر پذیر از تهدید

۲- تئوری‌سازی اقتصادی جهت مقابله با تهدیدات یا شناسایی تئوری‌های موجود مرتبط: قابل ذکر است که مبانی تئوریک مدون مشخصی در ارتباط با اقتصاد مقاومتی وجود ندارد ولی از مبانی نزدیکی مانند مباحث مدیریت بحران می‌توان استفاده کرد. هر چند تئوری‌سازی علمی منطبق و با لحاظ وضعیت خاص مقاومتی توسط اقتصاددانان کشور ضروری است.

۳- مقاوم‌سازی نهادهای موجود یا طراحی و ساخت نهادهای جدید: برای مثال تحریم بنزین یکی از برنامه‌های تحریم بود که با سهمیه بندی و کاهش مصرف آن اثرات منفی تحریم بنزین برای کشور خنثی شد.

۴- تبدیل تهدیدات به فرصت

در این مقاله به دو مرحله اول اقتصاد مقاومتی در حوزه مدیریت دریافتی‌های نفتی پرداخته می‌شود.

۳. قیمت نفت

ادبیات زیادی وجود دارد که خواص آماری قیمت‌های نفت را بررسی می‌کنند، برخی مطالعات به شواهدی از برگشت میانگین رسیده‌اند. بر اساس یافته‌های این مطالعات عمدتاً در یک دوره بسیار بلندمدت، یعنی دوره‌ای بیش از ۱۰۰ سال، شواهدی از برگشت میانگین قیمت‌های حقیقی نفت وجود دارد. با این همه، مطالعاتی که فقط به دوره بعد از جنگ جهانی دوم اختصاص دارد، معمولاً به این نتیجه می‌رسند که قیمت‌های نفت دارای برگشت میانگین نیستند. پیندایک^۱ (۱۹۹۹) شواهدی قوی از برگشت میانگین قیمت‌های حقیقی نفت با نگاه به یک نمونه با دوره بسیار طولانی پیدا کرد، این نمونه داده‌های قیمت‌های حقیقی نفت طی ۱۲۷ سال (۱۹۹۶ - ۱۸۷۰) را شامل می‌شود. در مقابل بارنت^۲ و ویوانکو^۳ (۲۰۰۳) به این نتیجه می‌رسند که امکان ندارد قیمت‌های منابع تجدیدناپذیر، نظیر نفت، میانگینی داشته باشد که در گذر زمان، ثابت باشد، زیرا شوک‌های تحقق یافته در قیمت این منابع می‌توانند مستمر و شدید باشند و از طرفی تمایز دقیق میان عوامل گذرا و دائمی، ممکن نیست.

همچنین بر اساس مطالعه پیندایک (۱۹۹۹) در نمونه‌های طولانی (۱۹۹۶ - ۱۸۷۵) و (۱۹۹۶ - ۱۹۰۰)، فرضیه صفر یک ریشه واحد با استفاده از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته رد می‌شود. البته در نمونه‌های کوتاه‌تر مانند دوره ۱۹۹۶ - ۱۹۲۵ و کوتاه‌تر از آن، فرضیه ریشه واحد رد نمی‌شود.

1. Pindyck

2. Barnett

3. Vivanco

ویدگاری^۱ (۱۹۹۸) با مطالعه سیکل‌های موجود در قیمت نفت در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که در بیشتر اوقات - حدود ۸۰ درصد - قیمت‌های نفت دارای میانگین پایین، نوسان کم و وضعیت بادوام (برگشت آهسته‌تر میانگین) هستند و باقی اوقات دارای میانگین بالا، نوسان زیاد و وضعیت بی‌دوام می‌باشند. جابه‌جایی میان دو وضعیت، شکل دیگری از ناطمینانی را به وجود می‌آورد که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، انتظار می‌رود واریانس پیش‌بینی‌های بلندمدت قیمت (و بنابراین دریافتی نفت) افزایش یابد.

با تمرکز بر دوره بعد از جنگ جهانی دوم، کاشین^۲، لیانگ^۳ و مک‌درموت^۴ (۲۰۰۰) به شواهدی از دوام بالای تکانه‌های قیمت نفت دست یافتند. آنها از آمار ماهیانه قیمت‌های نفت بر حسب ارقام حقیقی از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۹۸ و یک برآوردگر ناریب میانی استفاده می‌کنند تا به کاهش مشکلات مرتبط با رگرسیون روی سری‌هایی که ممکن است دارای ریشه واحد باشند، کمک کند. آنها به شواهدی دست یافتند که تکانه‌های قیمت نفت بادوام بوده و تخمین زدند که نیمه عمر یک تکانه نامحدود است (یعنی هیچ‌گونه برگشت میانگینی وجود ندارد). فاصله اعتماد ۹۰ درصدی برای نیمه عمر یک تکانه از هفت سال تا بی‌نهایت گسترده است.

انگل^۵ و والدز^۶ (۲۰۰۰) از آمار فصلی قیمت حقیقی نفت از اولین فصل سال ۱۹۵۷ تا دومین فصل سال ۱۹۹۹ استفاده می‌کنند و به نتایج تا حدودی مختلف دست می‌یابند. آنها درمی‌یابند که فرضیه ریشه واحد را نمی‌توان برای کل نمونه رد کرد، اما می‌توان در نمونه‌های کوچک‌تر رد کرد. به ویژه در نمونه‌های QI-۱۹۹۹، QI-۱۹۸۶، فرضیه ریشه واحد رد می‌شود. آنها پی می‌برند که آزمون‌های نسبت واریانس بر وجود تکانه‌های حاوی دو جزء گذرا و دائم صحنه می‌گذارند، با این حال، نمونه‌های کوچک (به ویژه نمونه‌های QIV-۱۹۹۸-QI-۱۹۷۴) اخذ نتایج محکم و قطعی را از این آزمون دشوار می‌کند. آنها همچنین پانزده الگوی مختلف با فنون پیش‌بینی را به کار می‌برند و نتیجه می‌گیرند که هیچ یک در طول یک افق زمانی دو ساله، به نحو چشمگیری بهتر از گام تصادفی^۷ عمل نکردند.

آکارکا^۸ و آندریاناکوس^۹ (۱۹۹۵، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸) مطالعاتی دارند که بر لگاریتم طبیعی قیمت‌های ماهیانه حقیقی نفت از ژانویه ۱۹۷۴ تا اکتبر ۱۹۹۴ تمرکز دارند. آنها در مقاله سال ۱۹۹۵ خود، شواهدی دال بر وجود یک شکستگی ساختاری در قیمت‌های نفت پس از ژانویه ۱۹۸۶ و با استفاده از فنون رگرسیون به دست می‌آورند که با آزمون نسبت‌های واریانس در دوره‌های مختلف تأیید می‌شوند. بر مبنای این مطالعات، آکارکا و آندریاناکوس بدین نتیجه می‌رسند که قیمت‌های نفت در دوره پیش (ژانویه ۱۹۸۶ و پیشتر) نامانا بود است. اما در دوره بعد، مانا است. آنها این بحث را در مقاله سال ۱۹۹۸ خود اصلاح کرده و می‌گویند به استثنای دو تکانه، تکانه‌های قیمت نفت همگی گذرا می‌باشند. آنها در می‌یابند که

1 . Videgaray

2 . Cashin

3 . Liang

4 . Mcdermott

5 . Engle

6 . Valdes

7 . Rardom Walk

8 . Akarca

9 . Andriaracos

میانگین قیمت نفت در مارس ۱۹۷۹ یک انتقال رو به بالای دائمی داشته و در ژانویه ۱۹۸۶ با یک کاهش دائمی مواجه بوده است اما برای تمامی تکانه‌های دیگر گذرا بودن آن تأیید می‌شود.

کاشین، مک‌درموت و اسکات^۱ (۲۰۰۲) به مطالعه قیمت‌های نفت برای تعیین چرخه‌های تجاری در تغییرات قیمت نفت می‌پردازند. آنها چرخه‌های قیمت‌های نفت را از ژانویه ۱۹۵۷ تا اوت ۱۹۹۹ بررسی کرده، بدین نتیجه رسیدند که نوسان قابل توجهی در طول دوره‌های رونق و رکود وجود دارد، به طور متوسط یک رونق نفتی ۲۲ ماه طول می‌کشد و طی آن قیمت‌های نفت نزدیک ۵۰ درصد افزایش می‌یابد و یک رکود نفتی ۵۱ ماه به طول می‌انجامد و در طول آن قیمت‌ها نزدیک ۵۰ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین به طور تقریبی می‌توان گفت که از خصوصیت قیمت‌های نفت، افزایش نسبتاً شدید قیمت‌ها و متعاقب آن کاهش طولانی مدت‌تر قیمت‌هاست.

بارنت و ویوانکو (۲۰۰۳) با بررسی قیمت‌های نفت در بازار آتی این فرضیه را تأیید می‌کنند که یک جزء بزرگ گذرا در بیشتر تکانه‌های قیمتی نفت وجود دارد - یا به عبارت دقیق‌تر، بازارها انتظار دارند که وجود داشته باشد^۲. قیمت‌های آتی نفت نوسان بسیار کمتری را نسبت به قیمت‌های نقدی به نمایش می‌گذارند که بیانگر این است که جزء موقتی مهمی در تکانه‌های قیمتی نفت وجود دارد. آنها نشان دادند که نوسان قیمت‌های آتی بسیار کمتر از متغیر جانشین قیمت نقدی است، بنابراین قیمت‌های آتی دارای افت و خیزهای کوچک‌تری می‌باشد. در واقع، انحراف معیار متغیر جانشین قیمت نقدی ۴/۹۸ دلار آمریکاست در حالی که انحراف معیار قیمت‌های آتی دوازده و هجده ماه بعد به ترتیب ۲/۹۷ و ۲/۴۴ دلار هستند. به علاوه، نسبت انحراف معیار یک قیمت آتی معین به متغیر جانشین قیمت نقدی با زمان انقضای سررسید قرارداد به طور یکنواخت کاهش می‌یابد. این نسبت از ۹۶ درصد برای قیمت آتی دو ماه بعد (که سررسید آن یک ماه بعد از تقریب جانشین قیمت نقدی است) به ۶۰ درصد برای قیمت آتی دوازده ماه بعد و ۴۹ درصد برای قیمت آتی هجده ماه بعد کاهش می‌یابد.

همچنین آنها نشان دادند شواهد قوی از یک ریشه واحد در نمونه آماری کامل (۲۰۰۱-۱۹۵۷) هم برای سری‌های سالیانه و هم برای سری‌های ماهیانه وجود دارد. آزمون‌های ریشه واحد هم برای قیمت‌های حقیقی و هم برای قیمت‌های اسمی و با استفاده از تصریحات مختلف صورت گرفته است. به ویژه برای داده‌های سالیانه، دوازده آزمون برای هر سری قیمت با جابه‌جایی (الف) صفر، یک یا دو وقفه، (ب) جزء ثابت یا جزء ثابت و روند زمانی (ج) آزمون دیکی فولر تعمیم یافته یا آزمون فیلیپس پرون انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه یک ریشه واحد در هیچ یک از دوازده آزمون در مورد تمام سری‌ها نمی‌تواند رد شود. برای سری‌های ماهیانه، تعداد وقفه‌ها به دوازده افزایش یافت و ترکیب همانندی از آزمون‌ها به تعداد کلی ۵۲ عدد، انجام شد. این نتایج با نتایج به دست آمده از داده‌های سالیانه مشابه است چرا که فرضیه ریشه واحد کماکان در هیچ یک از آزمون‌ها رد نمی‌شود.

^۱. Scott

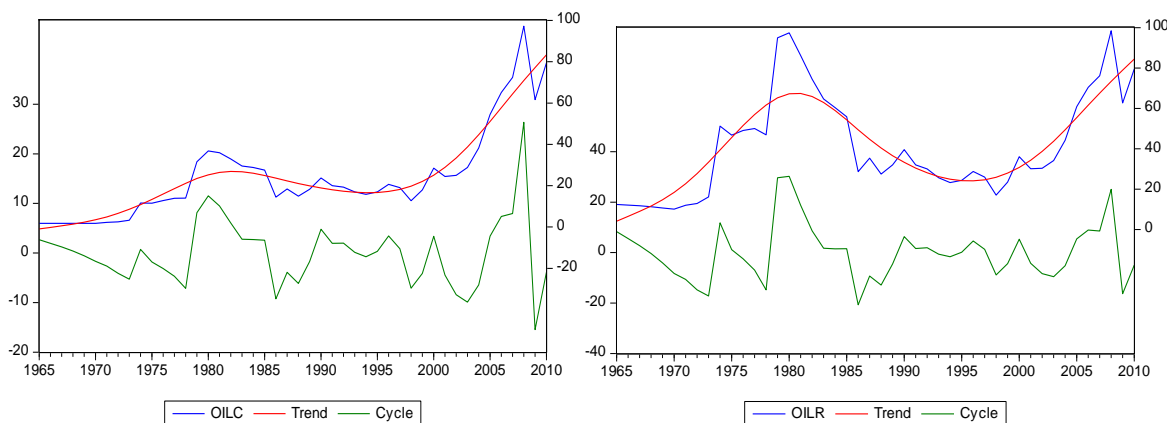
^۲. داده‌های مورد استفاده بارنت و ویوانکو (۲۰۰۳) متوسط ماهیانه قراردادهای آتی برای نفت شیرین معامله شده در بورس تجاری نیویورک بین مارس ۱۹۸۳ تا نوامبر ۲۰۰۱ است.

۳-۱. تحلیل روند قیمت‌های نفت

در قسمت قبل مطالعات انجام شده در مورد تحلیل روند قیمت‌های نفت بیان شد بخش زیادی از این مطالعات بر وجود ریشه واحد در قیمت‌های نفت در دوره‌های کوتاه مدت تاکید داشتند در این قسمت روند قیمت‌های نفت تحلیل شده و امکان وجود ریشه واحد و گام تصادفی در قیمت‌های نفت تحلیل شده است.

با تحلیل روند قیمت نفت می‌توان بدین نتیجه رسید که این قیمت قابل تقسیم به دو جزء ثابت و متغیر است. جزء ثابت قیمت‌های نفت همانطور که در شکل‌های (۱) و (۲) با استفاده از فیلتر هودریک پروسکات نشان داده شده در حالت قیمت‌های اسمی بصورت سینوسی افزایشی می‌باشد و در حالت قیمت‌های واقعی (در بازه مورد بررسی) بصورت سینوسی با میانگین ثابت است. بخش متغیر قیمت نیز در هر دو حالت قیمت‌های اسمی و واقعی نوسانات زیادی دارد که البته در حالت قیمت‌های واقعی نوسانات آن بیشتر است.

قیمت اسمی نفت طی دوره ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ اساساً ثابت است، سپس در آستانه تکنانه‌های سال ۱۹۷۴، افزایش نسبتاً کمی در قیمت‌ها قبل از جهش عظیم سال ۱۹۷۴ و سپس جهش دیگری در سال ۱۹۷۹ وجود دارد. هر چند جهش سال ۱۹۷۹ برحسب مقادیر مطلق بزرگ‌تر بود، اما به واقع برحسب درصد کوچک‌تر می‌باشد. قیمت‌ها در ۱۹۸۶ کاهش شدیدی پیدا کرده و تا اواخر دهه ۱۹۹۰ وارد یک دوره نسبتاً آرام می‌شود. بعد از یک افت قیمتی در ۱۹۹۸، افزایش محسوس را طی سال ۲۰۰۰ تجربه کرد و تنها در اواخر سال ۲۰۰۱ تخفیف می‌یابد. سپس از سال ۲۰۰۴ شروع به رشد کرده و در سال ۲۰۰۸ به اوج خود می‌رسد و در سال ۲۰۰۹ با افت محسوسی روبرو شده که از اواسط این سال دوباره روند افزایش قیمت شروع می‌شود.



شکل (۱): روند قیمت‌های اسمی نفت (دلار) شکل (۲): روند قیمت‌های واقعی نفت پایه ۲۰۱۰ (دلار)

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات: International Energy Agency (2010)

در جدول (۱) نتیجه آزمون پایایی قیمت نفت ارائه شده است. از آنجایی که قیمت‌های نفت با شوک‌های زیادی در طول دوره ۲۰۱۰-۱۹۶۵ مواجه شده است، از این رو احتمال تغییرات ساختاری و شکستگی در داده‌ها وجود داشته و بنا به استدلال پرون، در این حالت آماره دیکی فولر و آماره‌های مشابه مناسب نمی‌باشند، لذا از آزمون فیلیپس پرون برای سه حالت مختلف تغییر در عرض از مبدا، تغییر در روند و عرض از مبدا و بدون عرض از مبدا و روند استفاده شده است.

جدول (۱): آزمون فیلیپس پرون

| متغیر وضعیت | آماره پرون برای حالت سطح | مقادیر بحرانی پرون (%۵) | آماره پرون برای حالت تفاضل مرتبه اول |
|-----------------------------|--------------------------|-------------------------|--------------------------------------|
| تغییر در عرض از مبدا | -۰/۸۷ | -۲/۸۷ | -۱۱/۷۱ |
| تغییر در روند و عرض از مبدا | -۲/۴۱ | -۳/۴۲ | -۱۱/۵۴ |
| بدون عرض از مبدا و روند | ۰/۱۴ | -۱/۹۴ | -۱۱/۷۱ |
| نتیجه فرضیه H_0 | رد نمی‌شود | | رد می‌شود |

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد فرضیه H_0 آزمون مانایی پرون مبنی بر وجود ریشه واحد در حالت سطح قابل رد نیست ولی در حالت تفاضل مرتبه اول قابل رد است بنابراین قیمت‌های نفت ناپایا بوده و با تفاضل مرتبه اول پایا می‌شوند و یا به عبارت دیگر، قیمت نفت انباشته شده^۱ از مرتبه اول (I(1)) این نتیجه منطبق بر نتایج آکارکا و آندریاناکوس (۱۹۹۵)، انگل و والدز (۲۰۰۰) و بارنت و یوانکو (۲۰۰۳) می‌باشد.

۲-۳. آزمون وجود گام تصادفی

با توجه به I(1) بودن قیمت‌های نفت در بازه تحلیل شده امکان وجود گام تصادفی در قیمت‌های نفت وجود دارد. از این رو جهت چک وجود گام تصادفی در قیمت‌های نفت ابتدا معادله $P_t = \alpha_0 + \alpha_1 P_{t-1} + \varepsilon_t$ برای قیمت نفت برآورد می‌شود. نتیجه برآورد در جدول (۲) بیانگر معناداری مدل و نزدیک به یک بودن ضریب α_1 می‌باشد.

جدول (۲): نتایج حاصل از تخمین الگو

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آماره t | Prob. |
|-------|------|--------------|---------|-------|
|-------|------|--------------|---------|-------|

¹ -Integrate

| | | | | |
|-------|--------|--------|------|---------|
| ۰/۴۹۸ | ۰/۶۷۷ | ۰/۳۶۱ | ۰/۲۴ | C |
| ۰/۰۰۰ | ۱۱۶/۸۶ | ۰/۰۰۸۵ | ۰/۹۹ | OIL(-1) |

$$R^2 = ۰/۹۸$$

منبع: یافته های تحقیق

در مرحله بعد جهت چک وجود گام تصادفی و برابر یک بودن α_1 از آزمون والد استفاده شده که نتیجه ارائه شده در جدول (۳) نشان می‌دهد فرض H_0 آزمون والد در اینجا مبنی بر برابر یک بودن α_1 رد نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت قیمت‌های نفت در بازه مورد تحلیل دارای گام تصادفی می‌باشد.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون والد

| آماره t | ارزش | Prob. |
|-------------|--------|-------|
| t-statistic | -۰/۱۱۵ | ۰/۹۱ |
| F-statistic | ۰/۰۱۳ | ۰/۹۱ |
| Chi-square | ۰/۰۱۳ | ۰/۹۱ |

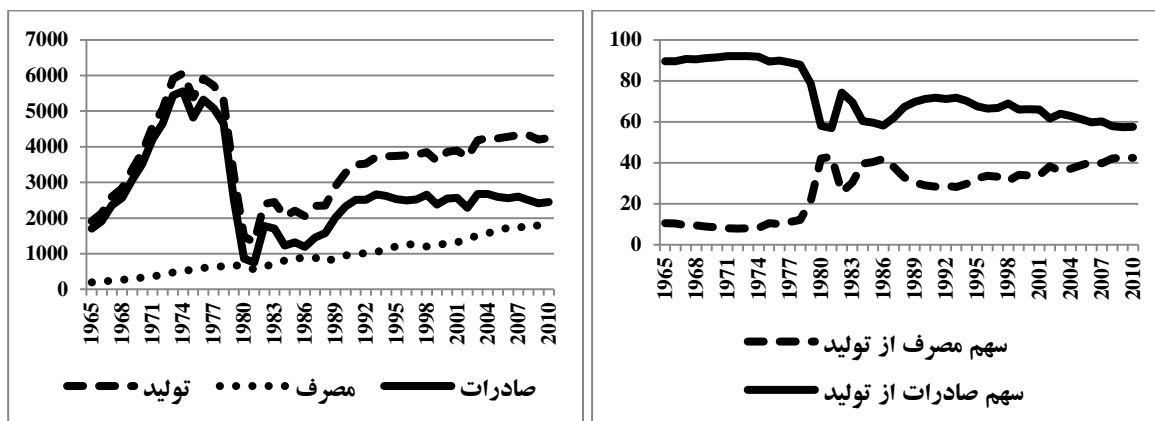
فرض H_0 آزمون والد در اینجا $\alpha_1 = 1$

منبع: یافته های تحقیق

این نتیجه منطبق با نتیجه انگل و والدز (۲۰۰۰) است.

۴. تحلیل روند دریافتی‌های نفتی در ایران

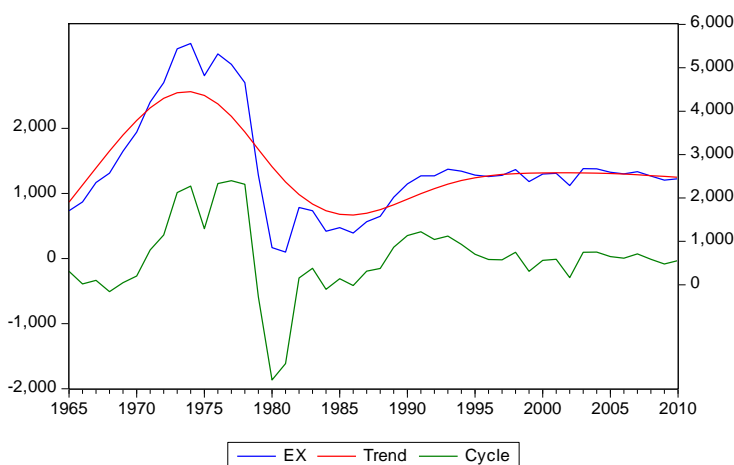
جهت تحلیل وضعیت دریافتی‌های نفتی در این قسمت میزان صادرات نفتی کشور بررسی می‌شود. شکل (۳) روند تولید، مصرف و صادرات نفت در کشور را نشان می‌دهد. میزان تولید نفت در کشور تا قبل از سال ۱۹۹۱ نوسانات زیادی داشته که مرتبط با شوک اول نفتی، دوره انقلاب و جنگ است. از سال ۱۹۹۱ به بعد تولید نفت در کشور نسبتاً با ثبات شده و روند صعودی دارد. میزان مصرف نفت در کشور در بازه مورد بررسی دارای یک روند صعودی است و از ۲۰۰ هزار بشکه در سال ۱۹۶۵ به حدود ۱۸۰۰ هزار بشکه در سال ۲۰۱۰ رسیده است. همانطور که در شکل (۴) مشخص شده سهم مصرف از کل تولید طی دوره مورد بررسی از ۱۰ درصد به حدود ۴۲ درصد افزایش یافته است.



شکل (۳): تولید، مصرف و صادرات نفت (هزار بشکه) شکل (۴): سهم مصرف و صادرات از تولید نفت (درصد)

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات: International Energy Agency (2010)

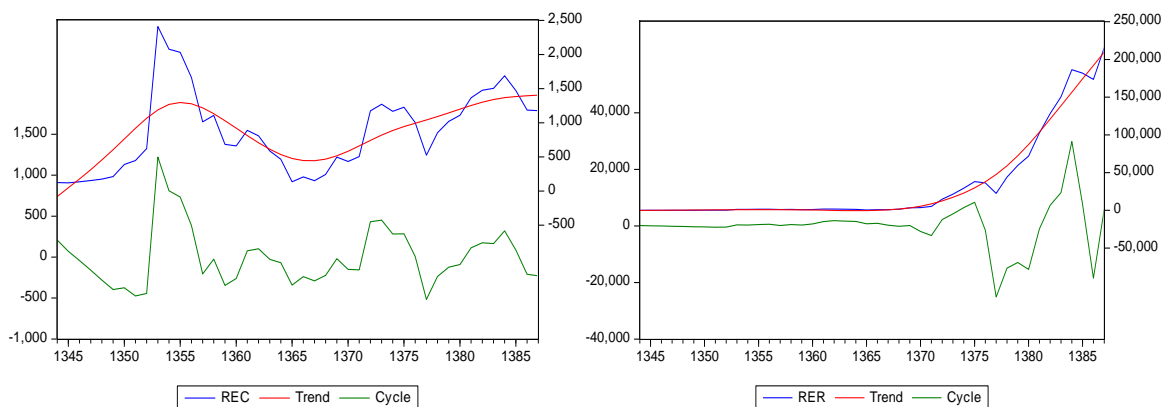
میزان صادرات نفت ایران در بازه مورد مطالعه تا قبل از سال ۱۹۹۱ نوسانات زیادی داشته که همانند تولید مرتبط با شوک اول نفتی، دوره انقلاب و جنگ است. از سال ۱۹۹۱ به بعد صادرات نفت در کشور نسبتاً با ثبات شده و روند ثابتی در سطح نزدیک به ۲۵۰۰ هزار بشکه در روز دارد. همانطور که در شکل (۵) نیز نشان داده شده بخش متغیر روند صادرات نفت نیز پس از سال ۱۹۹۱ دارای نوسانات کمی است و به ثبات نسبی رسیده است. این نکته نشان می‌دهد، نوسانات موجود در دریافتی‌های نفتی کشور در سال‌های اخیر مرتبط با حجم صادرات نبوده و صرفاً مرتبط با نوسانات موجود در قیمت نفت است.



شکل (۵): تفکیک بخش ثابت و متغیر در روند صادرات روزانه نفت (هزار بشکه)

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات: International Energy Agency (2010)

در شکل‌های (۶) و (۷) روند دریافتی نفتی کشور به تفکیک قیمت‌های ثابت و جاری نشان داده شده است. تفکیک اجزاء ثابت و متغیر این سری نشان می‌دهد، دریافتی‌های نفتی کشور دارای نوسانات زیادی می‌باشد.



شکل (۶): دریافتی نفتی به قیمت ثابت ۱۳۸۳ (میلیارد ریال) شکل (۷): دریافتی نفتی به قیمت جاری (میلیارد ریال)

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات بانک مرکزی

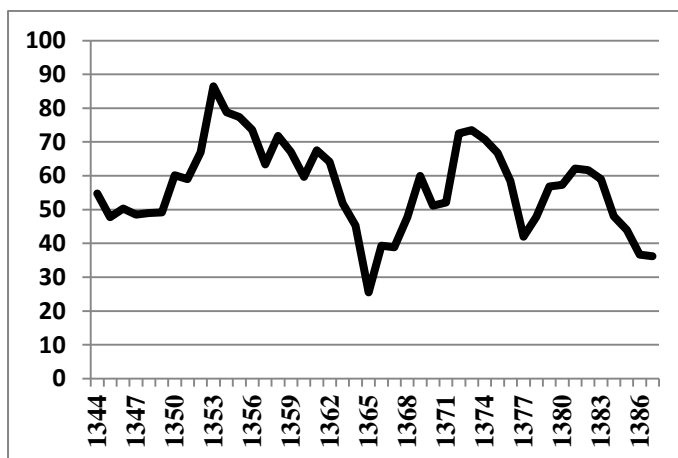
چگونگی تأثیر نوسانات قیمت‌های نفت بر برآورد دریافتی نفت دولت به عنوان عامل کلیدی تعیین کننده اندازه کسری بودجه دولت دارای اهمیت اساسی بوده و متغیر مهمی در تدوین سیاست مالی است. برای مثال، اگر تکانه‌های قیمت نفت اثر بزرگی بر برآورد دریافتی نفت دولت داشته باشند، آنگاه حداقل به لحاظ پایداری پایه‌ای برای تعدیل تراز غیر نفتی مطابق با تغییرات قیمت نفت خواهد بود. همچنین واریانس برآوردهای ثروت نفت نیز مهم است، زیرا هر چه نااطمینانی راجع به تخمین ثروت بیشتر باشد، انگیزه برای پس‌اندازهای احتیاطی نیز قوی‌تر می‌شود.

قابل توجه است که تأثیر تغییرات قیمت نفت به تغییرات در دریافتی نفتی پیچیده بوده و مستلزم انجام فرضیات متعددی است. اولین مجموعه این پیچیدگی‌ها به محاسبه ارزش حال تنزیل شده کل دریافتی نفت مربوط می‌شود. علاوه بر مسیر قیمت‌ها، چنین محاسبه‌ای به نرخ بهره (تنزیل)، مقدار ذخایر نفت، تعداد سال‌هایی که طول می‌کشد تا ذخایر به اتمام برسد و مقدار استخراج در دوره معین بستگی دارد. به علاوه، این عوامل ممکن است به قیمت‌های نفت بستگی داشته باشند. به عنوان مثال، نوسانات قیمت می‌تواند تصمیم در خصوص مقدار نفت استخراجی در هر دوره معین را تحت تأثیر قرار دهد یا ممکن است باعث انجام اکتشافات بیشتر شود که به یافت ذخایر جدید منجر شود.

دومین مجموعه از پیچیدگی‌ها به تاثیر جریان دریافتی ناخالص نفت به دریافتی خالص نفتی دولت مربوط می‌شود. این مطلب به سود در بخش نفت بستگی دارد که احتمالاً تابع غیر خطی از قیمت‌های نفت است. به ویژه، اگر هزینه‌های استخراج شامل یک جزء ثابت بزرگ باشد (که احتمالاً چنین است)، آنگاه درصدی از تغییر در قیمت‌ها به تغییر حتی بزرگ‌تری در سودآوری منجر می‌شود. برای مثال، اگر هزینه استخراج هر بشکه ۱۰ دلار باشد، یک افزایش ۲۰ درصدی در قیمت مثلاً از ۲۰ دلار به ۲۴ دلار، به ۴۰ درصد افزایش سودآوری، از ۱۰ دلار به ۱۴ دلار در هر بشکه منجر می‌شود. ملاحظه دیگر مرتبط با رابطه مالی بین دولت و بخش نفت است. برای مثال اینکه آیا بیشتر دریافتی نفت از مالکیت شرکت نفت یا از بهره مالکانه یا مالیات به دست می‌آید؟ به علاوه یک نظام مالی می‌تواند در سودآوری غیر خطی باشد. این ملاحظات بیانگر آن است که باید در مورد تاثیر نوسانات قیمت نفت به تغییر دریافتی دقیق بود.

۴-۱. تحلیل جایگاه نفت در بودجه دولت در ایران

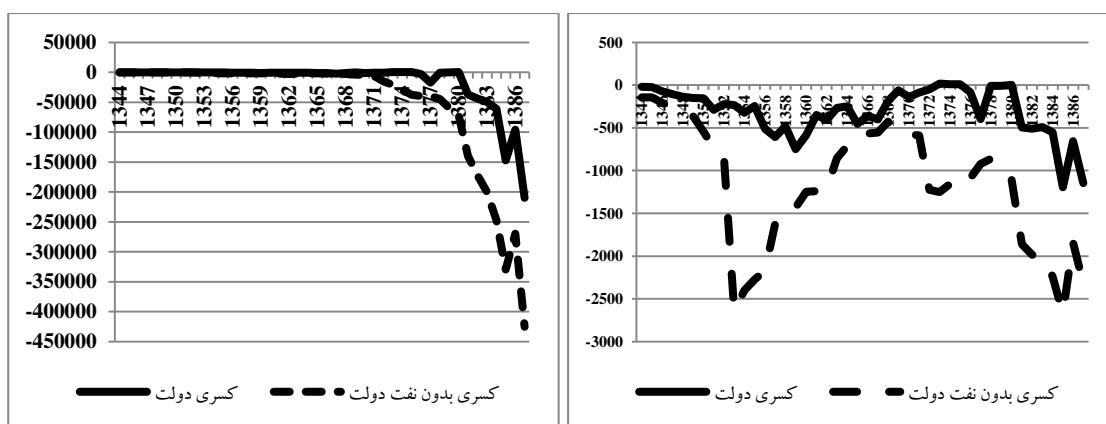
جهت تحلیل جایگاه دریافتی‌های نفتی در بودجه دولت می‌توان از دو شاخص استفاده کرد. شاخص اول سهم دریافتی‌های نفتی در درآمدهای دولت است، بر اساس این شاخص همانطور که در شکل (۸) نشان داده شده سهم دریافتی‌های نفتی از درآمدهای دولت طی سال‌های ۸۶-۱۳۴۴ بطور متوسط نزدیک به ۵۰ درصد می‌باشد. این سهم بیانگر اهمیت زیاد و وابستگی شدید درآمدهای دولت به دریافتی‌های نفتی است.



شکل (۸): سهم دریافتی‌های نفت از درآمدهای دولت

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس اطلاعات بانک مرکزی

شاخص دیگر تحلیل اهمیت دریافتی‌های نفتی در وضعیت مالی دولت، مقایسه کسری دولت با و بدون لحاظ دریافتی‌های نفتی است. همانطور که در شکل‌های (۹) و (۱۰) نشان داده شده در هر دو حالت قیمت‌های ثابت و جاری شکاف قابل توجهی میان کسری بودجه دولت با لحاظ نفت و بدون لحاظ آن وجود دارد.



شکل (۹): کسری بودجه دولت (قیمت‌های جاری) شکل (۱۰): کسری بودجه دولت (قیمت‌های ثابت، میلیارد ریال)

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات بانک مرکزی

وجود نوسانات زیاد و نااطمینانی موجود در دریافتی‌های نفتی با توجه به وابستگی زیاد دولت به این دریافتی‌ها، نااطمینانی زیادی به این بودجه دولت وارد می‌کند. همانطور که در قسمت تحلیل صادرات بیان شد، نوسان و نااطمینانی در دریافتی نفتی ناشی از نوسانات قیمت نفت است نه نوسان مقدار صادرات، بنابراین نوسانات قیمت نفت سبب افزایش نااطمینانی در بودجه دولت می‌شود.

۵. نرخ پس‌انداز بهینه جهت پوشش نااطمینانی قیمت نفت

با توجه به نتیجه بدست آمده در بخش «آزمون وجود گام تصادفی» که قیمت نفت تابعی از قیمت در دوره قبل بود:

$${}^{(1)}\ln P_t = \gamma_0 + \gamma_1 \ln P_{t-1} + \varepsilon_t$$

که فرض می‌شود، در این معادله ε_t حالت iid با میانگین صفر و واریانس δ_ε^2 دارد. نااطمینانی‌های مرتبط با قیمت نفت نااطمینانی قیمت در هر دوره است که مرتبط با ε_t می‌باشد. همچنین فرض می‌شود معادله مخارج دولت پیوسته و دوبار مشتق پذیر است که با C نشان داده می‌شود.

با توجه به این فرض مخارج دولت در شرایط نااطمینان $(C_0(\delta_\varepsilon^2))$ درصدی از مخارج دولت در شرایط اطمینان $(C_0(0))$ است. تفاوت مخارج دولت در شرایط اطمینان با نااطمینان (Δ) پس انداز احتیاطی مورد نیاز جهت پوشش نااطمینانی است. با این فرض که $C_0(\delta_\varepsilon^2)$ پیوسته و دوبار مشتق پذیر است نتیجه می شود:

$$C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx [1 - \Delta]$$

که در اینجا Δ تغییرات مخارج ناشی از نااطمینانی در قیمت در طول زمان نفت یا پس انداز احتیاطی جهت پوشش نااطمینانی در قیمت های نفت در طول زمان می باشد. قابل ذکر است با توجه به اینکه مخارج دولت از دریافتی های نفتی تابعی از متغیرهای مختلف از جمله نوسانات قیمت نفت است، به عبارتی $(\dots, C_0(\delta_\varepsilon^2))$ با این فرض که سایر موارد ثابت باشند در نتیجه نوسانات مخارج اولیه فقط تابعی از واریانس δ_ε^2 است بنابراین $C_0(\delta_\varepsilon^2)$.

اگر بسط تیلور $C_0(\delta_\varepsilon^2)$ حول $C_0(0)$ (که $C_0(0)$ مخارج اولیه بدون لحاظ نااطمینانی است) نوشته شود، با این فرض که مقدار δ_ε^2 کوچک است بنابراین درجات با توان بالایی آن به سمت صفر میل می کند و حالت یک دوره ای بسط تیلور بصورت زیر می شود.

$$C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0(0) + \frac{\partial C(0,0)}{\partial \delta_\varepsilon^2} \delta_\varepsilon^2$$

با تعریف: $C_1(0,0) = \frac{\partial C(0,0)}{\partial \delta_\varepsilon^2}$ نتیجه می شود:

$$C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0(0,0) + C_1(0,0)\delta_\varepsilon^2$$

یا

$$C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0(0,0) \left[1 + \frac{C_1(0,0)}{C_0(0,0)} \delta_\varepsilon^2 \right]$$

در نتیجه

$$C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0(0,0) [1 - \Delta] \quad (۲)$$

$$\Delta = - \frac{C_1(0,0)}{C_0(0,0)} \delta_\varepsilon^2 \quad \text{که}$$

با این فرض که افزایش در نااطمینانی بر ثروت اولیه موثر نباشد^۱ بنابراین $C_0^{CE}(\delta_\varepsilon^2) = C_0^{CE}(0)$ که C_0^{CE} بیانگر مخارج سرانه بهینه تحت معادل اطمینان است و با توجه به () نتیجه می شود:

$$C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0^{CE}(0,0) [1 - \Delta] \quad (۳)$$

فرایند تصادفی دریافتی نفتی R_t ($t=1,2,\dots$) بصورت () تعریف می شود:

$$E_t[P_{t+1}] = P_t \quad \text{یعنی } ^1$$

$$\omega = \int_{t=0}^{T-1} e^{-\rho t} R_{t+1}(\epsilon)$$

با توجه به قید بودجه خانوار در شرایط پرداخت مستقیم دریافتی نفتی بصورت یارانه نتیجه شد که

$$C(s, z) = ((1 - \tau_K)r + P)K(s, z) + (1 - \tau_H)wuH(s, z) - \dot{K} + S_D$$

$$C(s, z) = W(s, z) + S_D(\Delta)$$

برای هر دریافتی تصادفی نفتی در دوره صفر مخارج بصورت (۱۶۵) خواهد بود:

$$(\epsilon)C_0(0) = \frac{r-n}{N_0} \left\{ ((1 - \tau_K)r + P)K(s, z) + (1 - \tau_H)wuH(s, z) - \dot{K} + S_D \right\}$$

حال با توجه به وجود نااطمینانی در دریافتی نفتی و بالطبع یارانه مستقیم پرداختی و با این فرض که تمامی دریافتی نفتی بصورت یارانه مستقیم پرداخت شود، نتیجه می‌شود:

$$C_0(0) = \frac{r-n}{RN_0} \left\{ ((1 - \tau_K)r + P)K(s, z) + (1 - \tau_H)wuH(s, z) - \dot{K} + E_0(\omega) \right\} (\gamma)$$

بنابراین:

$$C_0^1(0) = \frac{(r-n)}{N_0} \frac{\partial E_0(\omega)}{\partial \delta_\epsilon^2} - \frac{(1-\theta)(r-n)^2}{2(1+n)N_0^2 c_0(0)} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\epsilon^2} (\lambda)$$

جهت اثبات این نتیجه باید توجه کرد با این فرض که تمامی نااطمینانی دریافتی نفتی از دوره ۱ حذف شود، بهینه مخارج در هر دوره از زمان باید برابر با مخارج معادل اطمینان باشد، بنابراین:

$$\bar{c}(\delta_\epsilon^2) \equiv c_1 = \frac{r-n}{RN_1} \{W_1 + Y_1 - \dot{K}_1 + E_1(\omega)\} (\alpha)$$

با جانشین کردن قید رشد دارایی فیزیکی در دوره یعنی $W_{t+1} = R[W_t + Y_t - C_t]$ نتیجه می‌شود:

$$\bar{c}(\delta_\epsilon^2) = \frac{r-n}{(1+n)} \left\{ \frac{W_0 + Y_0}{N_0} - c_0(\delta_\epsilon^2) + \frac{Y_1 - \dot{K}_1}{RN_0} + \frac{E_1(\omega)}{RN_0} \right\} (\beta)$$

با توجه به این معادله مقدار میانگین و واریانس آن به شکل زیر می‌شود:

$$\bar{\mu} \equiv E_0[\bar{c}(\delta_\epsilon^2)] = \frac{r-n}{(1+n)N_0} \left\{ W_0 + Y_0 - N_0 c_0(\delta_\epsilon^2) + \frac{Y_1 - \dot{K}_1}{R} + \frac{E_1(\omega)}{R} \right\} (\gamma)$$

$$\bar{\delta}^2 \equiv \text{Var}[\bar{c}(\delta_\epsilon^2)] = \frac{(r-n)^2}{(1+n)^2 N_0^2} \text{Var}(E_1(\omega)) (\delta)$$

معادله اولر معمولی برای این مساله عبارتست از:

$$u'(c_0(\delta_\epsilon^2)) = E_0[u'(\bar{c}(\delta_\epsilon^2))] (\epsilon)$$

بسط تیلور مرتبه دوم معادله (۱۳) عبارتست از:

$$u'(c_0(\delta_\varepsilon^2)) \approx u'(\bar{\mu}(\delta_\varepsilon^2)) + \frac{1}{2} u'''(\bar{\mu}(\delta_\varepsilon^2)) \bar{\delta}^2(\delta_\varepsilon^2) \quad (14)$$

با گرفتن مشتق از دو طرف معادله بالا نتیجه می‌شود:

$$u''(c_0(0)) c_0^1(0) \approx u''(c_0(0)) \bar{\mu}'(0) + \frac{1}{2} u''''(c_0(0)) \bar{\mu}'(0) \bar{\delta}^2(\delta_\varepsilon^2) + \frac{1}{2} u'''(c_0(0)) \frac{\partial \bar{\delta}^2}{\partial \delta_\varepsilon^2}(0)$$

با این فرض که $u''''(c_0(0)) = 0$ نتیجه می‌شود:

$$u''(c_0(0)) c_0^1(0) \approx u''(c_0(0)) \bar{\mu}'(0) + \frac{1}{2} u'''(c_0(0)) \frac{\partial \bar{\delta}^2}{\partial \delta_\varepsilon^2}(0) \quad (15)$$

با بازنویسی مجدد نتیجه می‌شود:

$$c_0^1(0) \approx \bar{\mu}'(0) + \frac{1}{2} \frac{u'''(c_0(0))}{u''(c_0(0))} \frac{\partial \bar{\delta}^2}{\partial \delta_\varepsilon^2}(0) \quad (16)$$

بنابراین:

$$\bar{\mu}'(0) = \frac{r-n}{(1+n)N_0} \left\{ \frac{1}{R} \frac{\partial E_1(\omega)}{\partial \delta_\varepsilon^2} - N_0 \frac{\partial c_0(\delta_\varepsilon^2)}{\partial \delta_\varepsilon^2} \right\} \quad (17)$$

$$\frac{\partial \bar{\delta}^2}{\partial \delta_\varepsilon^2} = \frac{(r-n)^2}{(1+n)^2 N_0^2 R^2} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2} \quad (18)$$

با جایگذاری (11) و (12) در (15) نتیجه می‌شود:

$$c_0^1(0) \approx \frac{r-n}{(1+n)N_0} \left\{ \frac{1}{R} \frac{\partial E_1(\omega)}{\partial \delta_\varepsilon^2} - N_0 \frac{\partial c_0(\delta_\varepsilon^2)}{\partial \delta_\varepsilon^2} \right\} + \frac{1}{2} \frac{u'''(c_0(0))}{u''(c_0(0))} \frac{(r-n)^2}{(1+n)^2 N_0^2 R^2} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2} \quad (19)$$

با توجه به تابع مطلوبیت مورد استفاده در این مقاله $\frac{u'''(c_0(0))}{u''(c_0(0))} = -\frac{1+\theta}{C_0}$ در نتیجه:

$$c_0^1(0) = \frac{r-n}{(1+n)N_0} \left\{ \frac{1}{R} \frac{\partial E_1(\omega)}{\partial \delta_\varepsilon^2} - N_0 \frac{\partial c_0(\delta_\varepsilon^2)}{\partial \delta_\varepsilon^2} \right\} + \frac{1+\theta}{2 C_0} \frac{(r-n)^2}{(1+n)^2 N_0^2 R^2} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2}$$

بنابراین:

$$c_0^1(0) \left[\frac{1+r}{(1+n)} \right] = \frac{r-n}{(1+n)N_0} \frac{1}{R} \frac{\partial E_1(\omega)}{\partial \delta_\varepsilon^2} - \frac{1+\theta}{2 C_0} \frac{(r-n)^2}{(1+n)^2 N_0^2 R^2} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2}$$

در نتیجه:

$$c_0^1(0) = \frac{r-n}{(1+n)N_0} \frac{1}{R^2} \frac{\partial E_1(\omega)}{\partial \delta_\varepsilon^2} - \frac{1}{2} \frac{(1+\theta)(r-n)^2}{(1+n)N_0^2 R^3 c_0(0)} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2} \quad (20)$$

با توجه به معادلات قبلی و تحت این فرض که مخارج معادل اطمینان وابسته به δ_ε^2 نیست (با این فرض که $\frac{\partial E_1(\omega)}{\partial \delta_\varepsilon^2} = 0$ نتیجه می‌شود

که:

$$\Delta = \frac{1}{2} \frac{(1+\theta)(r-n)^2}{(1+n)N_0^2 R^3 c_0(0)^2} \frac{\partial \text{Var}(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2} \delta_\varepsilon^2 \quad (21)$$

حال با فرض اینکه $\ln P_t$ فرایند خودهمبستگی درجه یک دارد:

$$\ln P_t - \mu = \gamma(\ln P_{t-1} - \mu) + \varepsilon_t \quad (22)$$

با $-1 < \gamma \leq 1$ و فرض اینکه ε_t حالت *iid* نرمال با میانگین صفر و واریانس δ_ε^2 دارد، بنابراین:

$$\ln P_{t+1} = \mu(1 - \gamma) + \gamma \ln P_t + \varepsilon_t$$

با محاسبه و جایگذاری $\ln P_t$ در معادله بالا نتیجه می‌شود:

$$\ln P_{t+1} = \mu(1 - \gamma^2) + \gamma^2 \ln P_{t-1} + \gamma \varepsilon_t + \varepsilon_{t-1}$$

با تکرار این فرایند تا رسیدن به P_1 و گرفتن *exp* نتیجه می‌شود:

$$P_{t+1} = \exp[\mu(1 - \gamma^t) + \gamma^t \ln P_1] \prod_{i=1}^t [\exp(\gamma^{t-i} \varepsilon_{i+1})] \quad (23)$$

با گرفتن انتظارات از دو طرف معادله بالا نتیجه می‌شود:

$$E_1[P_{t+1}] = \exp[\mu(1 - \gamma^t) + \gamma^t \ln P_1] \prod_{i=1}^t E[\exp(\gamma^{t-i} \varepsilon_{i+1})] \quad (24)$$

بنابراین به ازای مقادیر مختلف γ نتیجه می‌شود:

$$E_1[P_{t+1}] = \left\{ \begin{array}{ll} \gamma = 1 & \Rightarrow P_1 \exp(0.5\delta_\varepsilon^2 t) \\ \gamma < 1 & \Rightarrow P_1 \exp\left[(1 - \gamma^t)(\mu - \ln(P_1)) + 0.5\delta_\varepsilon^2 \frac{1 - \gamma^{2t}}{1 - \gamma^2}\right] \end{array} \right\} \quad (25)$$

و با توجه به اینکه $Y_t = P_t Q_t$ و $Q_t = Q_0(1 + g_0)^t$ بنابراین:

$$E_1[\omega] = \left\{ \begin{array}{ll} \gamma = 1 & \Rightarrow Y_1 \left[\frac{1 - \left[\frac{1}{R}(1 + g) \exp(0.5\delta_\varepsilon^2)\right]^T}{1 - \left[\frac{1}{R}(1 + g) \exp(0.5\delta_\varepsilon^2)\right]} \right] \\ \gamma < 1 & \Rightarrow Y_1 \sum_{t=0}^{T-1} \left[\frac{1}{R}(1 + g) \right]^t \exp\left[(1 - \gamma^t)(\mu - \ln(P_1)) + 0.5\delta_\varepsilon^2 \frac{1 - \gamma^{2t}}{1 - \gamma^2}\right] \end{array} \right\} \quad (26)$$

در نتیجه با فرض اینکه ε یک متغیر تصادفی نرمال با میانگین صفر و واریانس δ_ε^2 باشد و $v = \sum_{i=1}^n a_i \exp(b_i \varepsilon)$ که a_i و b_i مقادیر

ثابتی دارند، امید ریاضی v عبارتست از:

$$E(v) = \sum_i a_i \exp(0.5b_i^2 \delta^2) \quad (27)$$

$$E(v^2) = \sum_i a_i^2 \exp[2b_i^2 \delta^2] + 2 \sum_{i < j} a_i a_j \exp[0.5(b_i + b_j)^2 \delta^2]$$

بنابراین:

$$Var(v) = \sum_i a_i^2 [\exp(2b_i^2 \delta^2) - \exp(b_i^2 \delta^2)] + \sum_{i < j} a_i a_j [\exp(0.5(b_i + b_j)^2 \delta^2) - \exp(0.5(b_i^2 + b_j^2) \delta^2)] \quad (۳۸)$$

با دیفرانسیل گیری از این عبارت و محاسبه آن به ازای $\delta^2 = 0$ نتیجه می‌شود:

$$\frac{\partial Var(v)}{\partial \delta^2} = [\sum_{i=1}^n a_i b_i]^2 \quad (۳۹)$$

قابل ذکر است با همان فرضی که LnP_t فرایند خودهمبستگی درجه یک داشته باشد و ε یک متغیر تصادفی نرمال با میانگین μ_ν و واریانس δ_ε^2 باشد، مقدار فاکتور جبرانی نااطمینانی از حالت () به شکل () تبدیل می‌شود:

اگر $\gamma = 1$ در نتیجه:

$$\Delta = \frac{1}{2} \frac{(1+\theta)(1+g)^2}{(1+n)R} \left\{ \frac{1 - \left(\frac{1+g}{R}\right)^T}{\left[1 - \left(\frac{1+g}{R}\right)\right]^{\frac{W_0}{\mu_0}} + 1 - \left(\frac{1+g}{R}\right)^{T-1}} \right\}^2 \delta_\varepsilon^2 \quad (۳۰)$$

و اگر $\gamma < 1$ در نتیجه:

$$\Delta \approx \frac{1}{2} \frac{(1+\theta)R}{(1+n)\gamma^2} \left\{ \frac{\sum_{t=1}^T \left(\frac{1+g}{R}\right)^T e^{(1-\gamma^t)(\mu - Ln(\mu_{P_0}))}}{\frac{W_0}{\mu_0} + \sum_{t=0}^T \left(\frac{1+g}{R}\right)^T e^{(1-\gamma^t)(\mu - Ln(\mu_{P_0}))}} \right\}^2 \delta_\varepsilon^2 \quad (۳۱)$$

برای اثبات ابتدا لازم است که مقادیر $C_0(0)$ و $\frac{\partial Var(E_1[\omega])}{\partial \delta_\varepsilon^2}$ به ازای $\delta_\varepsilon^2 = 0$ محاسبه شود. برای اینکار با توجه به (به جای معادله در

نسخه نهایی شماره معادله از قبل بیاید)

$$C_0(0) = \frac{r-n}{N_0} \{ ((1 - \tau_K)r + P)K(s, z) + (1 - \tau_H)wuH(s, z) - \dot{K} + E_1[\omega] \}$$

و با توجه به $E_1[\omega]$ در معادله () و $lnP_1 - \mu = \gamma(lnP_0 - \mu) + \varepsilon_1$

$$E_1[\omega] = Y_1 \sum_{t=0}^{T-1} \left[\frac{1}{R} (1+g) \right]^t \exp \left[(1-\gamma^t)(\mu - Ln(P_1)) + 0.5\delta_\varepsilon^2 \frac{1-\gamma^{2t}}{1-\gamma^2} \right]$$

نتیجه می‌شود:

$$C_0(0) = \frac{r-n}{N_0} \left\{ W_0 + Y_0 - \dot{K}_0 + Y_1 \sum_{t=0}^{T-1} \left[\frac{1}{R} (1+g) \right]^t e^{(1-\gamma^t)(\mu - Ln(P_0))} \right\} \quad (۳۲)$$

همچنین نتیجه می‌شود:

$$Var(E_1[\omega]) = (1+g)^2 Y_0^2 Var \left\{ \sum_{t=0}^{T-1} \left[\frac{1}{R} (1+g) \right]^t e^{[(1-\gamma^{t+1})(\mu - Ln(P_0)) + 0.5\delta_\varepsilon^2 \frac{1-\gamma^{2t}}{1-\gamma^2} + \gamma^t \varepsilon_1]} \right\}$$

(۳۳)

بنابراین با توجه به $\frac{\partial Var(v)}{\partial \delta^2} = [\sum_{i=1}^n a_i b_i]^2$:

$$\frac{\partial Var(E_1[\omega])}{\partial \delta_\varepsilon^2} = (1+g)^2 Y_0^2 Var \left[\sum_{t=0}^{T-1} \left[\frac{1}{R} (1+g) \right]^t e^{[(1-\gamma^{t+1})(\mu - Ln(P_0))]} \right]^2 \quad (34)$$

با جایگزاری این دو معادله در معادله قضیه اثبات می‌شود.

$$\Delta = \frac{1}{2} \frac{(1+\theta)(r-n)^2}{(1+n)N_0^2 R^3 C_0(0)^2} \frac{\partial Var(E_1(\omega))}{\partial \delta_\varepsilon^2} \delta_\varepsilon^2 \quad (35)$$

به طور خلاصه در این قسمت بیان شد که در صورت عدم وجود نااطمینانی در قیمت‌های نفت میزان مخارج از دریافتی نفتی $C_0(0)$ بوده و در شرایط نااطمینانی باید مقداری به عنوان پس‌انداز احتیاطی نگهداری شود. جهت تعیین میزان پس‌انداز احتیاطی با استفاده از بسط تیلور مخارج با وجود نااطمینانی و واریانس δ_ε^2 در قیمت‌های نفت بصورت $C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0(0,0)[1 - \Delta]$ تبدیل شد. مقدار Δ به عنوان فاکتور تعدیل کننده مخارج ناشی از نااطمینانی در قیمت در طول زمان نفت یا پس‌انداز احتیاطی جهت پوشش نااطمینانی در قیمت‌های نفت در طول زمان می‌باشد. در نهایت در این قسمت مقدار $\Delta C_0(0,0)$ به عنوان پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز با سطح نوسانات و واریانس δ_ε^2 مشخص شد. که مقدار نهایی Δ برابر با زیر می‌شود.

$$\Delta = \frac{1}{2} \frac{(1+\theta)(1+g)^2}{(1+n)R} \left\{ \frac{1 - \left(\frac{1+g}{R}\right)^T}{\left[1 - \left(\frac{1+g}{R}\right)\right] \frac{W_0}{\mu_0} + 1 - \left(\frac{1+g}{R}\right)^{T-1}} \right\}^2 \delta_\varepsilon^2$$

در این قسمت بیان شد که در صورت عدم وجود نااطمینانی در قیمت‌های نفت میزان مخارج از دریافتی نفتی $C_0(0)$ بوده و در شرایط نااطمینانی باید مقداری به عنوان پس‌انداز احتیاطی نگهداری شود. جهت تعیین میزان پس‌انداز احتیاطی با استفاده از بسط تیلور مخارج با وجود نااطمینانی و واریانس δ_ε^2 در قیمت‌های نفت بصورت $C_0(\delta_\varepsilon^2) \approx C_0(0,0)[1 - \Delta]$ تبدیل شد. مقدار Δ به عنوان فاکتور تعدیل کننده مخارج ناشی از نااطمینانی در قیمت در طول زمان نفت یا پس‌انداز احتیاطی جهت پوشش نااطمینانی در قیمت‌های نفت در طول زمان می‌باشد. در نهایت در این قسمت مقدار $\Delta C_0(0,0)$ به عنوان پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز با سطح نوسانات و واریانس δ_ε^2 مشخص شد.

۶. محاسبه نرخ پس‌انداز احتیاطی

با توجه به مقادیر پارامترها و متغیرهای مورد نیاز آن با توجه به اطلاعات سال‌های ۸۶-۱۳۴۷ ایران نرخ‌های بدست آمده برای پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز جهت پوشش نااطمینانی قیمت نفت بصورت ارائه شده در جدول (۴) است. قابل ذکر است که سناریوهای ارائه شده بر اساس فرض ذخیره درصدی از دریافتی نفتی در سال قبل به عنوان دارایی مالی دولت می‌باشد. یعنی فرض شده در سناریوهای مختلف دولت ۲، ۵، ۱۰



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

و ۲۰ درصد از دریافتی نفتی سال قبل را به عنوان ذخیره مالی در اختیار داشته باشد. قابل ذکر است که دو عامل اصلی تعیین کننده پس انداز احتیاطی میزان رشد صادرات و نوسانات قیمت نفت است.

جدول (۴): پس انداز احتیاطی مورد نیاز در حالت‌های مختلف از پس انداز فروش نفت در دوره قبل

| سال | ۲ درصد پس انداز | ۵ درصد پس انداز | ۱۰ درصد پس انداز | ۲۰ درصد پس انداز |
|------|-----------------|-----------------|------------------|------------------|
| ۱۳۴۷ | ۱۶/۰۶ | ۳/۰۳ | ۰/۸۰ | ۰/۲۱ |
| ۱۳۴۸ | ۱۵/۸۹ | ۲/۹۸ | ۰/۷۹ | ۰/۲۰ |
| ۱۳۴۹ | ۱۰/۵۹ | ۱/۹۳ | ۰/۵۰ | ۰/۱۳ |
| ۱۳۵۰ | ۱۳/۶۷ | ۲/۵۳ | ۰/۶۷ | ۰/۱۷ |
| ۱۳۵۱ | ۷/۱۷ | ۱/۲۸ | ۰/۳۳ | ۰/۰۸ |
| ۱۳۵۲ | ۸/۷۰ | ۱/۵۶ | ۰/۴۱ | ۰/۱۰ |
| ۱۳۵۳ | ۲۶/۴۰ | ۵/۲۷ | ۱/۴۳ | ۰/۳۷ |
| ۱۳۵۴ | ۲/۰۶ | ۰/۳۵ | ۰/۰۹ | ۰/۰۲ |
| ۱۳۵۵ | ۵/۲۹ | ۰/۹۳ | ۰/۲۴ | ۰/۰۶ |
| ۱۳۵۶ | ۳/۲۵ | ۰/۵۶ | ۰/۱۴ | ۰/۰۴ |
| ۱۳۵۷ | ۲/۸۰ | ۰/۴۸ | ۰/۱۲ | ۰/۰۳ |
| ۱۳۵۸ | ۵/۹۴ | ۱/۰۹ | ۰/۲۹ | ۰/۰۷ |
| ۱۳۵۹ | ۳/۰۸ | ۰/۵۵ | ۰/۱۴ | ۰/۰۴ |
| ۱۳۶۰ | ۵۰/۷۰ | ۱۱/۳۸ | ۳/۲۳ | ۰/۸۶ |
| ۱۳۶۱ | ۱۰/۵۱ | ۳/۷۷ | ۱/۰۱ | ۰/۲۶ |



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

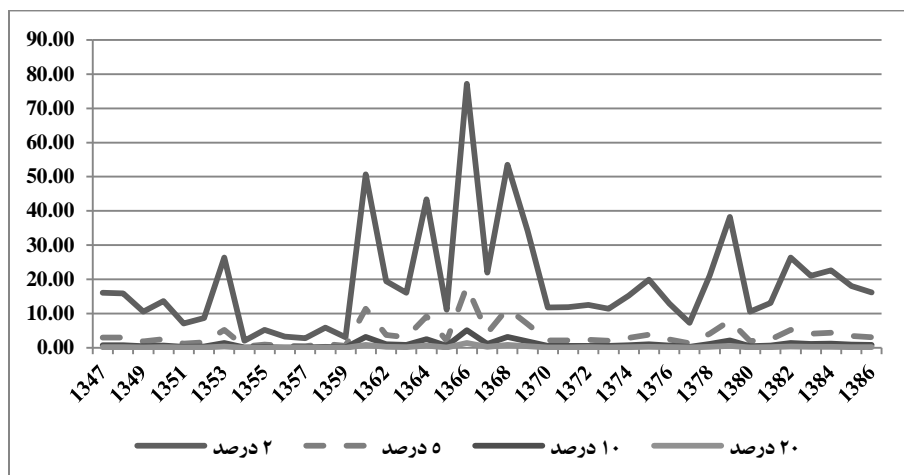
| سال | ۲ درصد پس انداز | ۵ درصد پس انداز | ۱۰ درصد پس انداز | ۲۰ درصد پس انداز |
|------|-----------------|-----------------|------------------|------------------|
| ۱۳۶۲ | ۱۶/۱۳ | ۳/۱۲ | ۰/۸۴ | ۰/۲۲ |
| ۱۳۶۳ | ۴۳/۴۳ | ۹/۲۰ | ۲/۵۵ | ۰/۶۷ |
| ۱۳۶۴ | ۱۱/۱۶ | ۲/۰۷ | ۰/۵۵ | ۰/۱۴ |
| ۱۳۶۵ | ۷۷/۱۸ | ۱۷/۹۳ | ۵/۱۶ | ۱/۳۹ |
| ۱۳۶۶ | ۲۱/۹۵ | ۴/۳۰ | ۱/۱۶ | ۰/۳۰ |
| ۱۳۶۷ | ۵۳/۴۶ | ۱۱/۴۷ | ۳/۲۰ | ۰/۸۵ |
| ۱۳۶۸ | ۳۴/۱۲ | ۶/۹۵ | ۱/۹۰ | ۰/۵۰ |
| ۱۳۶۹ | ۱۱/۸۰ | ۲/۱۸ | ۰/۵۷ | ۰/۱۵ |
| ۱۳۷۰ | ۱۱/۹۳ | ۲/۲۱ | ۰/۵۸ | ۰/۱۵ |
| ۱۳۷۱ | ۱۲/۵۱ | ۲/۳۲ | ۰/۶۱ | ۰/۱۶ |
| ۱۳۷۲ | ۱۱/۴۵ | ۲/۱۲ | ۰/۵۶ | ۰/۱۴ |
| ۱۳۷۳ | ۱۵/۲۷ | ۲/۸۹ | ۰/۷۷ | ۰/۲۰ |
| ۱۳۷۴ | ۱۹/۹۶ | ۳/۸۸ | ۱/۰۴ | ۰/۲۷ |
| ۱۳۷۵ | ۱۲/۹۵ | ۲/۴۲ | ۰/۶۴ | ۰/۱۶ |
| ۱۳۷۶ | ۷/۳۳ | ۱/۳۱ | ۰/۳۴ | ۰/۰۹ |
| ۱۳۷۷ | ۲۱/۱۳ | ۴/۱۶ | ۱/۱۲ | ۰/۲۹ |
| ۱۳۷۸ | ۳۸/۲۳ | ۷/۹۷ | ۲/۲۰ | ۰/۵۸ |
| ۱۳۷۹ | ۱۰/۶۲ | ۱/۹۶ | ۰/۵۱ | ۰/۱۳ |
| ۱۳۸۰ | ۱۳/۱۱ | ۲/۴۶ | ۰/۶۵ | ۰/۱۷ |

| سال | ۲ درصد پس انداز | ۵ درصد پس انداز | ۱۰ درصد پس انداز | ۲۰ درصد پس انداز |
|------|-----------------|-----------------|------------------|------------------|
| ۱۳۸۱ | ۲۶/۳۴ | ۵/۲۲ | ۱/۴۱ | ۰/۳۷ |
| ۱۳۸۲ | ۲۱/۰۸ | ۴/۱۲ | ۱/۱۱ | ۰/۲۹ |
| ۱۳۸۳ | ۲۲/۶۰ | ۴/۴۶ | ۱/۲۰ | ۰/۳۱ |
| ۱۳۸۴ | ۱۸/۰۳ | ۳/۴۷ | ۰/۹۳ | ۰/۲۴ |
| ۱۳۸۵ | ۱۶/۱۷ | ۳/۰۸ | ۰/۸۲ | ۰/۲۱ |

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج بدست آمده هر چه پس انداز انجام شده از دریافتی نفتی در سال قبل بیشتر باشد، پس انداز احتیاطی مورد نیاز کمتر می‌شود. مثلاً با توجه به نتایج بدست آمده اگر هر سال حدود ۱۰ درصد از دریافتی نفتی پس انداز شود، پس انداز احتیاطی مورد نیاز هر سال بطور متوسط کمتر از ۲ درصد است و اگر هر سال حدود ۲۰ درصد دریافتی نفتی پس انداز شده بود، پس انداز احتیاطی مورد نیاز هر سال بسیار کم و بطور متوسط کمتر از ۰/۵ درصد بود.

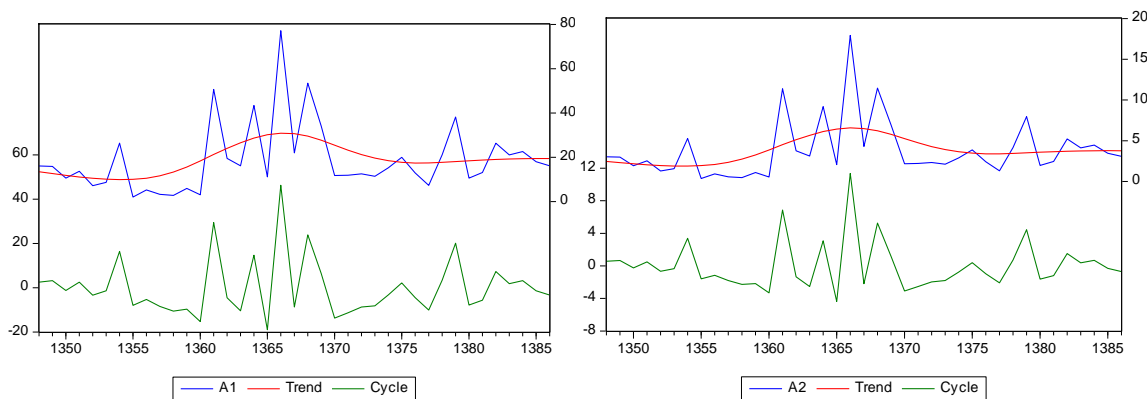
در شکل (۱۱) نرخ‌های پس انداز احتیاطی مورد نیاز جهت پوشش نااطمینانی قیمت نفت در سال‌های مختلف با توجه به سناریوهای متفاوت مشخص شده است. مشخص است که هرچه پس انداز انجام شده در هر سال کمتر باشد در سال بعد نیاز به پس انداز احتیاطی بیشتر می‌شود. همچنین مشخص است که بیشترین نیاز به پس انداز احتیاطی مربوط به سال‌هایی است که نوسان در دریافتی نفتی در آن سال‌ها بیشتر است. مثلاً بیشترین نیاز به پس انداز احتیاطی مربوط به سال ۱۳۶۶ و دولت کاهش دریافتی‌های نفتی در زمان جنگ است.



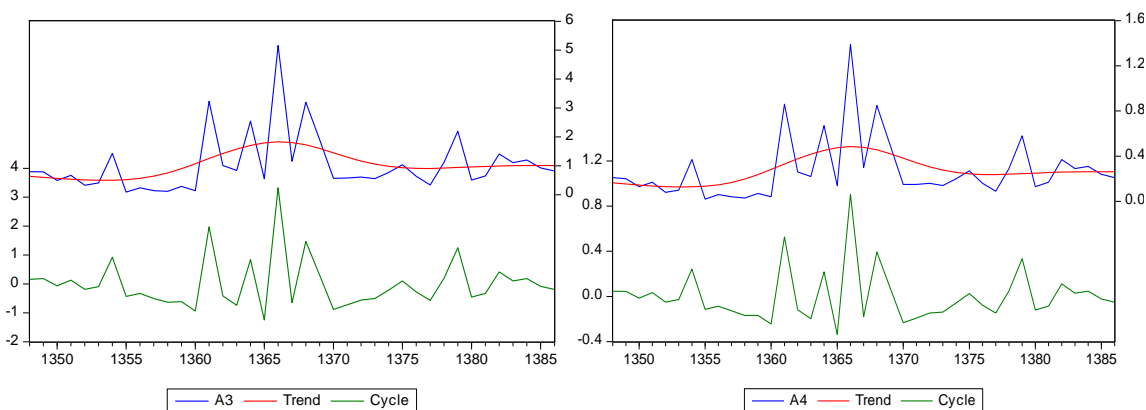
شکل (۱۱): نرخ‌های پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز جهت پوشش ناطمینانی قیمت نفت در سال‌های مختلف

منبع: یافته‌های تحقیق

در شکل (۱۲) پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز طی سال‌های ۸۶-۱۳۴۷ با فرض پس‌انداز سالانه ۲ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل مشخص شده است. شکل نشان می‌دهد بر اساس این سناریو مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی حدود ۲۰ درصد است. در شکل (۱۳) پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز طی سال‌های ۸۶-۱۳۴۷ با فرض پس‌انداز سالانه ۵ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل مشخص شده است. که نشان می‌دهد بر اساس این سناریو مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی حدود ۵ درصد است.



شکل (۱۲): پس‌انداز احتیاطی (با پس‌انداز سالانه ۲ درصد) شکل (۱۳): پس‌انداز احتیاطی (با پس‌انداز سالانه ۵ درصد)



شکل (۱۴): پس‌انداز احتیاطی (با پس‌انداز سالانه ۱۰ درصد) شکل (۱۵): پس‌انداز احتیاطی (با پس‌انداز سالانه ۲۰ درصد)

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین در شکل (۱۴) پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز طی سال‌های ۸۶-۱۳۴۷ با فرض پس‌انداز سالانه ۱۰ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل مشخص است که مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی کمی بیش از ۱ درصد است. در نهایت در شکل (۱۵) پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز طی سال‌های ۸۶-۱۳۴۷ با فرض پس‌انداز سالانه ۲۰ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل مشخص شده است. مشخص است که بر اساس این سناریو مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی حدود ۰/۳ درصد است.

۷. نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا بطور مختصر به اقتصاد مقاومتی پرداخته شده و بیان شد که جهت مقاومتی شدن اقتصاد، باید بگونه‌ای سیاست‌گذاری کرد که اقتصاد در مقابل شوک‌ها و نوسانات دچار بی‌ثباتی نشود و سیاست‌گذاری کارای مالی در فضایی جهت‌دستیابی به اقتصاد مقاومتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو محاسبه نرخ پس‌انداز بهینه برای پوشش نااطمینانی قیمت و دریافتی‌های نفتی در ایران جهت دستیابی به اقتصاد مقاومتی در حوزه مدیریت دریافتی‌های نفتی اهمیت اساسی دارد. در ادامه ماهیت قیمت و دریافتی‌های نفتی کشور تحلیل شده و بدین نتیجه می‌رسد که قیمت‌ها و دریافتی‌های نفت همراه با نااطمینانی است و در سال‌های اخیر نااطمینانی دریافتی‌های نفتی صرفاً مربوط به نااطمینانی در قیمت‌های نفت است. سپس اثرات عدم توجه به نااطمینانی نفت تحلیل شد. در بخش بعد با لحاظ نااطمینانی ناشی از قیمت‌های نفت نرخ بهینه پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز مشخص شده و مقدار پس‌انداز احتیاطی مورد نیاز برای پوشش نااطمینانی قیمت‌های نفت محاسبه شد.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

نتیجه نشان می‌دهد، نااطمینانی موجود در دریافتی‌های نفتی مربوط به نااطمینانی قیمت‌های نفت است و این قیمت‌ها از یک فرایند گام تصادفی پیروی می‌کنند. همچنین نتیجه محاسبه نرخ‌های بهینه پس‌انداز احتیاطی جهت پوشش نااطمینانی مرتبط با قیمت نفت نشان داد در صورتی که دولت سالانه ۱۰ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل را پس‌انداز کند مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی کمی بیش از ۱ درصد می‌باشد و در صورتی که دولت سالانه ۲۰ درصد از دریافتی‌های نفتی در دوره قبل را پس‌انداز کند مسیر بهینه پس‌انداز احتیاطی حدود ۰/۳ درصد است. پیشنهادی که می‌توان ارائه داد اینکه دولت سالانه حداقل ۱۰ درصد از دریافتی‌های نفتی را جهت پوشش نااطمینانی‌های قیمت نفت پس‌انداز کند.

۸. فهرست منابع

- رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۱). بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت. ۱۳۹۱/۶/۲.
<http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1932>
- اوزاسکی، رولاند و دیگران (۱۳۸۹). **تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت**. ترجمه گروه مترجمان به کوشش شاهین جوادی. دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، **نماگرهای اقتصادی**، اداره بررسی‌های اقتصادی، سال‌های مختلف.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، **بانک اطلاعات سری‌های زمانی**.
[/http://tsd.cbi.ir](http://tsd.cbi.ir)

درخشان، مسعود (۱۳۹۱). سخنرانی در اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی. دانشگاه علم و صنعت

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸). **مجموعه مقالات مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت**. ترجمه شاهین جوادی. دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Afonso, António; Furceri, Davide (2008). GOVERNMENT SIZE, COMPOSITION, VOLATILITY AND ECONOMIC GROWTH. European central bank. WORKING PAPER SERIES. NO 849 / JANUARY 2008.

<http://www.ecb.europa.eu> or from the Social Science Research Network

- Akarca, Ali T., and Dimitri Andrianacos, 1995, Is the Oil Still Persistent?, The Journal of Economics, Vol. 21, No. 2, PP. 17-21.
- Akarca, Ali T., and Dimitri Andrianacos, 1997, Detecting Break in Oil Price Series Using the Box-Tiao Method, International Advances in Economic Research, Vol. 3, No.2 (May), PP. 217-224.
- Akarca, Ali T., and Dimitri Andrianacos, 1998, Identifying Crucial Oil-Price Shocks, The Journal of Economics, Vol. 24, No. 1, PP. 115-124.
- Barnett, Steven and Ossowski, Rolando (2002). Operational Aspects of Fiscal Policy in Oil Producing Countries. IMF Working Paper.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- Barnett, Steven & Vivanco, Alvaro (2003). Statistical Properties of Oil Prices: Implications for Calculating Government Wealth. International Monetary Fund.
- BP p.l.c. (2010). BP Statistical Review of World Energy, London, United Kingdom, June 2010. Cedigaz, Paris, France
- Cashin, Paul, Hong Liang and C. John McDermott, 2000, How Persistent Are Shocks to World Commodity Prices?, "IMF Staff Papers, Vol. 47, No. 2, PP. 177-217.
- Cashin, Paul, C. John McDermott, and Alasdair Scott, 2002, Booms and Slumps in World Commodity Prices, "Journal of Development Economics, Vol. 69(October), PP. 277-96.
- Clemens, Christiane and Soretz, Susanne (2004). Optimal fiscal policy, uncertainty, and growth. Journal of Macroeconomics 26 , 679-697.
- Daniel, James A (2003). Hedging Government Oil Price Risk, International Monetary Fund.
- Engel, Eduardo. Valdes, Rodrigo (2000). Optimal fiscal strategy for oil exporting countries. IMF Working Paper 00/118. International Monetary Fund. www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2000/wp00118.pdf
- Hausmann, Ricardo & Rigobon, Roberto (2002). An Alternative Interpretation of the "Resource Curse": Theory and Policy Implications, International Monetary Fund.
- Hubbard, R. Glenn, Jonathan Skinner and Stephen Zeldes.(1995). Precautionary Savings and Social Insurance, Journal of Political Economy, Vol. 103(2), PP. 360-99.
- International Energy Agency, World Energy Outlook 2010, Paris, France, 2010
<http://www.bp.com/statisticalreview>
- Perron, Pierre, 1989, The Great Crash, the Oil Price Shock and the Unit Root Hypothesis, Econometrica, Vol. 57, No. 6 (November), PP.1361-401.
- Pindyck R. (1999). The Long-Run Evolution of Energy Prices, Energy Journal, Vol. 20, No. 2, PP. 1-27.
- Videgaray, Luis, 1998, The Fiscal Response to Oil Shocks, Ph.D. Dissertation (Cambridge, Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology).
- Ulph, A. (1984). The Price of oil. Economic Review, May.
- Wakeman-Linn, John., Mathieu, Paul & van Selm, Bert (2003). Oil Funds in Transition Economies: Azerbaijan and Kazakhstan, International Monetary Fund.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

بررسی نقش کیفیت بر اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر آرا مقام معظم رهبری

مرتضی باقرپور, محمد حسن کامفیروزی, زهرا کامفیروزی

استادیار گروه مهندسی صنایع - دانشگاه علم و صنعت ایران

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع - دانشگاه علم و صنعت ایران

نویسنده عهده دار مکاتبات: Emad.moghnie@yahoo.com

کارشناس معارف اسلامی - وزارت آموزش و پرورش

چکیده

اخیرا اهمیت طرح بحث اقتصاد مقاومتی و طراحی سیستم اقتصادی پویایی که بتواند ایران اسلامی را از این دوره حساس تاریخی عبور دهد به وضوح در بیانات رهبر معظم انقلاب خود را نمایان ساخته است. با توجه به لزوم نگاه سیستماتیک به مقوله اقتصاد در افکار رهبر انقلاب, این مقاله در پی آنست تا نسبتی منطقی و سیستماتیک بین مقوله کیفیت و نقش آن در بین شاخصه های اقتصاد مقاومتی و اقتصاد بدون نفت برقرار سازد.

در این مقاله ابتدا با مروری بر ادبیات پژوهش های انجام شده ی مرتبط با این حوزه, و معرفی مبحث اقتصاد مقاومتی به بدنه اصلی مقاله که متدولوژی پژوهش است پرداخته میشود. در این راستا ابتدا با استفاده از روش داده بنیاد به استخراج مقولات اقتصاد مقاومتی از دل بیانات رهبری که از اهمیت و ارتباط بیشتری با این موضوع برخوردار است مبادرت ورزیده شده و در ادامه با استفاده از روش دلفی و با استفاده از بحث بین خبرگان به بررسی چگونگی تاثیر و نقش هر شاخصه در فرایند تاثیر گذاری پرداخته شده و در نهایت مدلی مفهومی برای این منظور ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد بدون نفت, کیفیت, اقتصاد مقاومتی, روش داده بنیاد, روش دلفی

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر رهبر فرزانه انقلاب بارها در بیاناتشان بر اهمیت مساله "اقتصاد" و "جنگ اقتصادی" تاکید کرده اند. این موضوع حتی در نامگذاری سالها نیز خود را به خوبی نشان داده است. نامگذاری‌هایی همچون "حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف"، "همت مضاعف، کار مضاعف"، پس از آن سال "جهاد اقتصادی" و در نهایت سال جاری (۱۳۹۱) که به نام سال "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نامگذاری شده اند، اهمیت این مقوله را خوبی آشکار میکند. این حرکت که در جهت مقابله با حرکت دشمنان انجام میگیرد که برای جلوگیری از پیشرفت ایران اسلامی به هر حربه و تلاشی دست میزنند.

با توجه به تشدید فشارها از سوی کشور های متخاصم و تحریم‌های دشمنان، آنچه بیش از پیش در سخنان اخیر رهبری بر آن تاکید شده، بحث «اقتصاد مقاومتی» میباشد. در این میان باید دانست که نه تنها یکی از راه‌های پیش رو اقتصاد مقاومتی است، بلکه تنها راه ممکن نیز همین مقوله است. شاید برخی به اشتباه راه مذاکره را راهی بهتر بدانند؛ اما در جواب باید گفت: "راه جلو گیری از تحریم‌ها ایجاد روابط با آمریکا نیست. زیرا کشورهای زیادی وجود دارند که در عین اینکه با آمریکا رابطه دارند باز تحریم میشوند و دیگر اینکه منش آمریکا و دیگر زور گویان یک منش مستکبرانه است" (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶).

اما از سوی دیگر باید به بررسی نقش نفت که نقشی اساسی در چرخه اقتصادی ما دارد دقت شود. با توجه به تحریم‌های گوناگونی که صورت گرفته و در آخر دامن نفت را نیز فرا گرفته است باید بحث اقتصاد بدون نفت را بسیار جدی تلقی کرد. این مقوله که در افکار امام راحل نیز مد نظر بوده است مورد توجه مقام معظم رهبری نیز میباشد. ایشان میفرمایند: "کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی میراث شوم ۱۰۰ ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده ایم" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)

شاخصه دیگری که در گفتمان الگوی اقتصاد مقاومتی نقش ویژه‌ای را ایفا میکند بحث کیفیت است. در این پژوهش بر آنیم تا تاثیر شاخصه کیفیت را با در نظر گرفتن دیگر شاخصه‌ها، بر مقوله اقتصاد بدون نفت، مورد ارزیابی قرار دهیم.

مقاله پیش رو در نظر دارد تا با استفاده از روش داده بنیاد به استخراج شاخصه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی از لابلای بیانات مقام معظم رهبری اقدام ورزد. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که ایشان خود اولین تئوری پرداز این اصطلاح به شمار میروند. از طرف دیگر نظر به اهمیت و لزوم نگاه سیستماتیک و جامع به مقوله اقتصاد در اسلام از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم،

۱۳۶۸/۱۰/۱۹) (امام خامنه ای، پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸/۱۱/۴) در این پژوهش با استفاده از روش دلفی به بررسی سیستماتیک روابط بین مقولات و مدل سازی در این حوزه اقدام خواهیم کرد.

۲. ادبیات موضوع

۱،۲ پیشینه پژوهش

از آنجا که این موضوع به تازگی در جامعه انعکاس یافته است، یافتن مقالات علمی در این باب کار آسانی نیست. خوشبختانه برگزاری همایش ها با در نظر گرفتن این موضوع به آرامی پای این مقوله را به فضای علمی کشور باز نموده است. برگزاری اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی نمونه ای از این تلاش هاست.

برخی از پژوهشگران نیز مبادرت به قلم فرسائی در این حوزه داشته اند. معلمی در پژوهشی به بررسی اصول اقتصاد مقاومتی درآموزه های اسلامی پرداخته است (معلمی، ۱۳۹۰). وی در این مقاله شش اصل را برای این الگو ارائه میکند. در مطالعه ای دیگر بر ضمن تاکید بر لزوم سیاست گذاری در این حوزه این گونه نتیجه گیری شده که طراحی سیستمهای بومی یکی از نیازمندی های این حوزه است (ابو حمزه، نریمانی ۱۳۹۰). در مطالعه ای دیگر ضمن طراحی سه سناریو برای روند اقتصادی به بررسی اصول اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. این اصول شامل مهار سوداگری و فساد، عاملیت توده های مردم، خود اتکایی، اولویت گذاری و فرهنگ مقاومت میباشد (نریمانی، عسکری ۱۳۹۰). در مطالعه ای دیگر نیز ضمن بررسی تحریم های بانکی کشور بر لزوم حذف دلار و دیگر واحد های پولی در مناسبات تجاری تاکید شده است (کریمی، ۱۳۹۰).

در مطالعه ای دیگر نیز یکی از پژوهشگران با ارائه چهار راهبرد برای مقابله با تحریم نفتی لزوم ایجاد بورس نفت را در اقتصاد مقاومتی توصیه میکند (کریمی م. ص.، ۱۳۹۰). در مقاله ای دیگر نیز یکی از محققان با غیر معقول دانستن افزایش یا حفظ میزان ظرفیت فعلی برداشت نفت، اضافه میکند که سیاست های کشور در حوزه استخراج و صادرات نفت باید تغییر جدی پیدا کند (نجفی جزه، ۱۳۹۰).

اما در مطالعات انجام یافته در خارج از کشور نیز نقش نفت در فرایند های اقتصادی مورد توجه فراوان قرار گرفته است. جیمنز و سانچز در مطالعات خود اثر شوک های نفتی را بر روی رشد تولید ناخالص داخلی را در برخی کشورهای مورد بررسی قرار داده اند. آن ها با اجرای مدلی اقتصادی (Value at Risk) با استفاده از متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز، قیمت نفت، تورم و ... نتیجه گرفتند که در همه ی کشورهای مورد مطالعه تغییرات قیمت نفت به طور مستقیم بر تولید ناخالص داخلی موثر نیست (Jimenez & Sanchez, 2005). کولوگنی و مانرا ارتباط قیمت نفت، تورم و نرخ بهره را با استفاده از یک مدل اقتصادی برای کشورهای G7 بررسی کرده اند. این مطالعه نشان داد، شوک های نفتی آثار

شدیدتری بر روی تولید انگلستان و کانادا داشته اند. همچنین شوک‌های قیمت نفت آثار شدیدی بر روی تورم و نرخ ارز دارند (Cognigni & Manera, 2008).

تقوی و نعمتی زاده نیز در پژوهشی به بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی پرداختند (تقوی، نعمتی زاده ۱۳۸۱). در این پژوهش از شاخصه‌هایی همچون نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم استفاده کردند.

در مقالات فوق و دیگر مقالاتی که در این حوزه وجود دارد چند مشکل وجود دارد. اول اینکه برخی شرایط تحریم را با شرایط رکود یکسان دانسته‌اند و دوم اینکه بدون توجه و مطالعه کامل نظریات و بیانات نظریه پرداز اصلی این حوزه به بحث علمی و ارائه تعاریف اقدام نموده‌اند. در این راستا این مقاله در پی آنست تا مبتنی بر نگاه مقام معظم رهبری و با در نظر گرفتن شرایط خاصی که بر اقتصاد مقاومتی حاکم است به بحث در این باب بپردازد.

۲،۲ اقتصاد مقاومتی

در تعریف اقتصاد مقاومتی عبارات و تعاریف متعددی به چشم می‌خورد. رهبر معظم انقلاب در این باب میفرمایند:

"اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند." (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)

این نکته نیز حائز اهمیت است که اساساً اقتصاد مقاومتی با اقتصاد ریاضتی تفاوت فاحشی دارد که این ناشی از بعد مردمی و تکیه آن به مردم در سیستم است. "خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه‌ی به مردم است" (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)

در پژوهشی دیگر آمده است: "الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین میکند. به گونه‌ای که ازسویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سویی دیگر با اتکا به نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا کند" (معلمی، ۱۳۹۰)

اما در این مقاله با توجه به نظرات مقام عظمای ولایت تعریفی جامع ارائه میشود. در این تعریف باید محورهای زیر که همواره مد نظر رهبر معظم انقلاب بوده است لحاظ شود.

۱. افزایش ثروت ملی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۲/۳۰)
۲. رفاه عمومی و ریشه کن کردن فقر عمومی (امام خامنه ای، ۱۳۷۳/۵/۱۳) (امام خامنه ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۲/۳۰)
۳. ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی (امام خامنه ای، ۱۳۷۳/۵/۱۳) (امام خامنه ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۵/۲۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۲/۳۰)
۴. عدم دنباله روی از فرهنگ غربی در بحث اقتصاد (امام خامنه ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴)
۵. لزوم حرکت به سمت اقتصاد ناب اسلامی و عدم پیاده سازی نسخه های التقاطی (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۷/۹)
۶. ایجاد نگاه غیر مادی به اقتصاد (امام خامنه ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰)
۷. به کارگیری عقل و علم (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۲۹)
۸. ایجاد فرهنگ و روحیه جهادی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶)
۹. روی آوردن به ظرفیت های درونی کشور (اعم از ظرفیت های مادی و غیر مادی کشور) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶)
۱۰. لزوم توجه به بخش اصلی و اساسی ایجاد تمدن اسلامی در کنار بخش ابزاری (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)
۱۱. کاهش شکاف بین دهک های بالا و پایین جامعه (امام خامنه ای، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰، ۱۳۹۰/۱/۱)

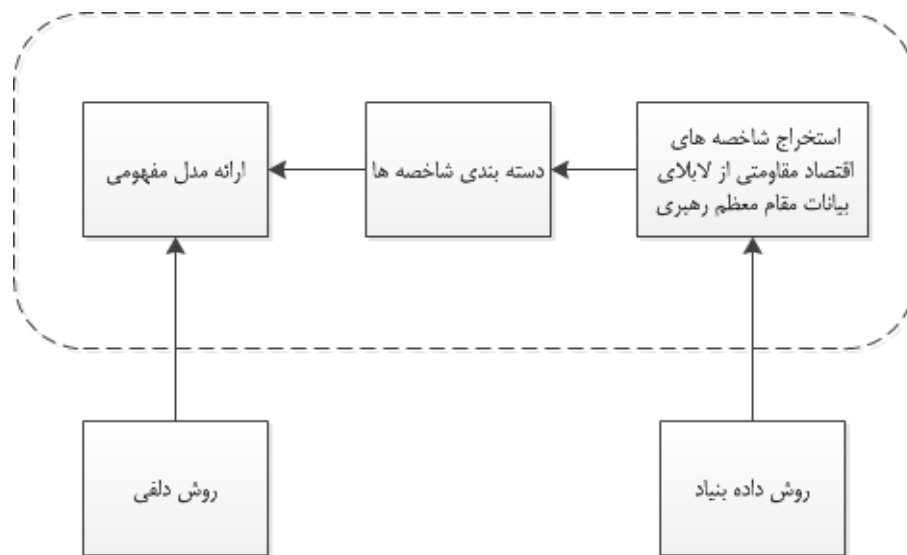
با توجه به شاخصه های فوق میتوان اقتصاد مقاومتی را اینگونه تعریف کرد:

اقتصاد مقاومتی یک افزونه (نه لزوما سیستم) اقتصادی بومی و موقتی است که مبتنی بر علم، عقلانیت، اراده عمومی و معارف ناب اسلامی بوده و برای گذار از دوره فعلی بکار میرود. این افزونه به منظور افزایش ثروت عمومی، ایجاد عدالت اقتصادی و رفع شکاف بین طبقات اجتماعی،

افزایش رفاه عمومی و ریشه کن کردن فقر و در جهت نیل به سیستم اقتصادی اسلامی که قابلیت پیاده سازی در تمدن بزرگ اسلامی را دارد بکار میرود.

۳. متدولوژی پژوهش

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش داده بنیاد به استخراج مفاهیم اساسی از صحبت ها و بیانات مقام معظم رهبری میپردازیم. پس از آن شاخصه ها را در گروه هایی دسته بندی میکنیم. در ادامه با استفاده از روش دلفی به ارائه مدل مفهومی در این حوزه میپردازیم. روش شناسی این مقاله را می توان در شکل ۱ مشاهده نمود.



شکل ۱. روش شناسی پژوهش

۱,۳ شاخصه های اقتصاد مقاومتی

در این پژوهش برای استخراج شاخصه ها به سخنرانی های مقام معظم رهبری مراجعه شد. در این مطالعه با استفاده از روش داده بنیاد ۸۴ شاخص بدست آمد. با توجه به مشابهت برخی شاخصه ها آنها را در مقوله واحدی گرد آوری نمودیم. همچنین با توجه به عدم آمادگی جامعه علمی کشور جهت مطرح نمودن برخی شاخصه ها و بررسی تاثیرات آنها همچون شاخصه های توکل، اخلاص و ... این شاخصه ها را حذف نمودیم. البته امید آن است روزی با تغییر نگاه ها بتوان مفاهیمی از این دست را در مطالعات علمی بیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار داد. شاخصه ها و گروه بندی ها را میتوان در جدول ۱ مشاهده نمود.

جدول ۱. شاخصه های اقتصاد مقاومتی و گروه بندی شاخصه ها

| | |
|------------------------------------|--|
| <p>فرهنگ سازی (بعد نرم)</p> | <p>ثبات قدم و ایستادگی (کلیه آحاد جامعه) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹) (امام خامنه ای، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام، ۱۳۶۹/۳/۱۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم ساری، ۱۳۷۳/۷/۲۲) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷) (امام خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران+ترجمه خطبه عربی، ۱۳۸۹/۸/۲۶) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع مردم پاوه، ۱۳۹۰/۷/۲۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲)</p> <p>جلوگیری از اسراف و شناخت زشتی اسراف در جامعه (سیاست گذاری و فرهنگ سازی)</p> <p>(امام خامنه ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۷/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز عید فطر، ۱۳۸۶) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸) (امام خامنه ای، بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵) (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵)</p> <p>شجاعت (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم ساری، ۱۳۷۳/۷/۲۲) (امام خامنه ای، بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت، ۱۳۷۵/۳/۳) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱)</p> <p>ایجاد بینش در جامعه مبنی بر کار به عنوان عبادت (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان کشور، ۱۳۷۵/۲/۱۳) (امام خامنه ای، بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۱/۸)</p> <p>ایجاد بینش در جامعه مبنی بر شناخت نقش عمل هر فرد در آبادانی کشور و شکستن</p> |
|------------------------------------|--|

| | |
|--|---|
| | <p>تحریمها (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان کشور، ۱۳۷۵/۲/۱۳) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۳/۷)</p> <p>ایجاد روحیه تلاش و مبارزه (امام خامنه ای، بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت، ۱۳۷۵/۳/۳) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۲۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۸۸/۹/۱۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها، ۱۳۸۹/۳/۲) (امام خامنه ای، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰، ۱۳۹۰/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا(ع)، ۱۳۷۷/۷/۲۶)</p> <p>هوشیاری و بیداری جامعه (امام خامنه ای، بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت، ۱۳۷۵/۳/۳) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۲۹) (امام خامنه ای، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴)</p> <p>کارآمدی ملت و مسئولین (امام خامنه ای، بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت، ۱۳۷۵/۳/۳)</p> <p>زنده بودن (فعال بودن، جنب و جوش داشتن) (امام خامنه ای، بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت، ۱۳۷۵/۳/۳)</p> <p>احساس استقلال و اتکای به نفس (امام خامنه ای، بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت، ۱۳۷۵/۳/۳) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۵/۱۵) (امام خامنه ای، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی دانش آموختگان ارتش، ۱۳۸۹/۸/۱۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹)</p> <p>نگاه به تحریم ها به عنوان یک فرصت نه یک تهدید (امام خامنه ای، پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران، ۱۳۷۵/۷/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۵/۱۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مهندسان، ۱۳۸۳/۱۲/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم شیراز، ۱۳۸۷/۳/۱۱) (امام خامنه ای، بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی،</p> |
|--|---|

| | |
|--|--|
| | <p style="text-align: right;">(۱۳۸۹/۱۱/۲۷)</p> <p>اتحاد و انسجام ملی و اسلامی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۲/۲۹) (امام خامنه ای، پیام به ملت های مسلمان و دولت های اسلامی به مناسبت روز جهانی قدس، ۱۳۷۹/۹/۲۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۲۵) (امام خامنه ای، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۷۵/۱/۲)</p> <p>ایجاد روحیه عزت خواهی در جامعه (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶)</p> <p>ایجاد روحیه امید (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۸/۱۱) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶) (امام خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران+ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)</p> <p>صبر و استقامت (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۸۸/۹/۱۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار طلاب خارجی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۳) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۳۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۰/۸/۱۱)</p> <p>بصیرت (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۸۸/۹/۱۵) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۳۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۰/۸/۱۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۴/۳۱)</p> <p>ایجاد فرهنگ و روحیه تعهد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶)</p> <p>ایجاد فرهنگ و روحیه احساس تکلیف (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶)</p> <p>جلو گیری از ابتدال فرهنگی و اخلاقی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹)</p> |
|--|--|

| | |
|---|---|
| | <p>دوری از خود شگفتی و غرور (امام خامنه ای، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴) (امام خامنه ای، بیانات در جمع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲)</p> <p>دوری از کوچک شمردن دشمن و غفلت (امام خامنه ای، بیانات در جمع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)</p> <p>دوری از لذت جویی و اشرافی گری (امام خامنه ای، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴)</p> <p>دوری مسئولین از مال اندوزی و به فکر دنیا افتادن (امام خامنه ای، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴)</p> <p>فرهنگ سازی با استفاده از نظام آموزشی و تبلیغی کشور (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی اشتغال، ۱۳۹۰/۴/۲۸)</p> |
| <p>سرمایه گذاری و گسترش تولید داخلی</p> | <p>افزایش سرمایه گذاری ها و حمایت از آن (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی دارو پخش، ۱۳۹۱/۳/۱۰)</p> <p>جلوگیری از رکود سرمایه (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱)</p> <p>گسترش تولید داخلی (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳/۸/۱۸) (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی نظام در امور «پدافند غیر عامل»، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹)</p> |
| <p>سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها (بعد سخت)</p> | <p>پیاده سازی سیاست های اصل ۴۴ و تقویت توان بخش خصوصی (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)</p> <p>برنامه ریزی درست و متین (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۲۵)</p> <p>تاکید بر افزایش پیشرفتهای اقتصادی در سیاست گذاری ها (امام خامنه ای، پیام نوروزی رهبر</p> |

| | |
|--|--|
| | <p>انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸، ۱۳۸۸/۱/۱)</p> <p>صرف بودجه در جهت تحقیقات و توسعه محصولات در صنایع (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۴/۱۵)</p> <p>مدیریت واردات (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷) (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳/۸/۱۸)</p> <p>حمایت از بخش های تولیدی داخلی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۷/۱۳) (امام خامنه ای، بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱، ۱۳۹۱/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)</p> <p>جلب اعتماد مردم توسط بخشهای اداری (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش و معلمان و جمعی از دانش آموزان استان تهران، ۱۳۶۸/۲/۲۶)</p> <p>حسن عمل و کار خالصانه در بخشهای اداری (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش و معلمان و جمعی از دانش آموزان استان تهران، ۱۳۶۸/۲/۲۶)</p> <p>ایجاد امنیت برای کارگر و سرمایه گذار (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی دارو پخش، ۱۳۹۱/۳/۱۰)</p> <p>برخورد فعال رسانه (امام خامنه ای، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰، ۱۳۹۰/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)</p> <p>برخورد فعال دولت (امام خامنه ای، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰، ۱۳۹۰/۱/۱)</p> <p>استفاده حداکثری از منابع و امکانات (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)</p> <p>حرکت بر اساس برنامه و دوری از تصمیم گیری های عجولانه و خلق الساعه (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)</p> <p>دور زدن تحریمها (امام خامنه ای، پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران، ۱۳۷۵/۷/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها، ۱۳۸۹/۳/۲) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فعالان بخش های</p> |
|--|--|

| | |
|----------------------------------|---|
| | <p style="text-align: right;">اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶)</p> <p>حرکت در جهت خود کفایی در جهت ساخت ادوات تحریمی (امام خامنه ای، پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران، ۱۳۷۵/۷/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها، ۱۳۸۹/۳/۲) (امام خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران+ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)</p> |
| <p>محصولات مصرف داخلی</p> | <p>ایجاد فرهنگ سازی و سیاست گذاری در جهت مصرف محصولات داخلی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷) (امام خامنه ای، پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸/۴/۲۲) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مدیران وزارت نفت، ۱۳۷۰/۹/۱۲) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۸۳/۶/۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۳/۹)</p> |
| <p>کیفیت</p> | <p>افزایش کیفیت محصولات داخلی (بدون باز گذاشتن راه برای محصولات خارجی) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷) (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش و معلمان و جمعی از دانش آموزان استان تهران، ۱۳۶۸/۲/۲۶) (امام خامنه ای، پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸/۴/۲۲) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۴/۱۵) (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳/۸/۱۸) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودرو سازی، ۱۳۸۹/۱/۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶)</p> |
| <p>اقتصاد بدون نفت</p> | <p>افزایش صادرات غیر نفتی (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳/۸/۱۸) (امام خامنه ای، بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۷۵/۱/۲) (امام خامنه ای، پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهادی دولت، ۱۳۷۸/۱/۱۹)</p> <p>حرکت در جهت اقتصاد بدون نفت (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت،</p> |

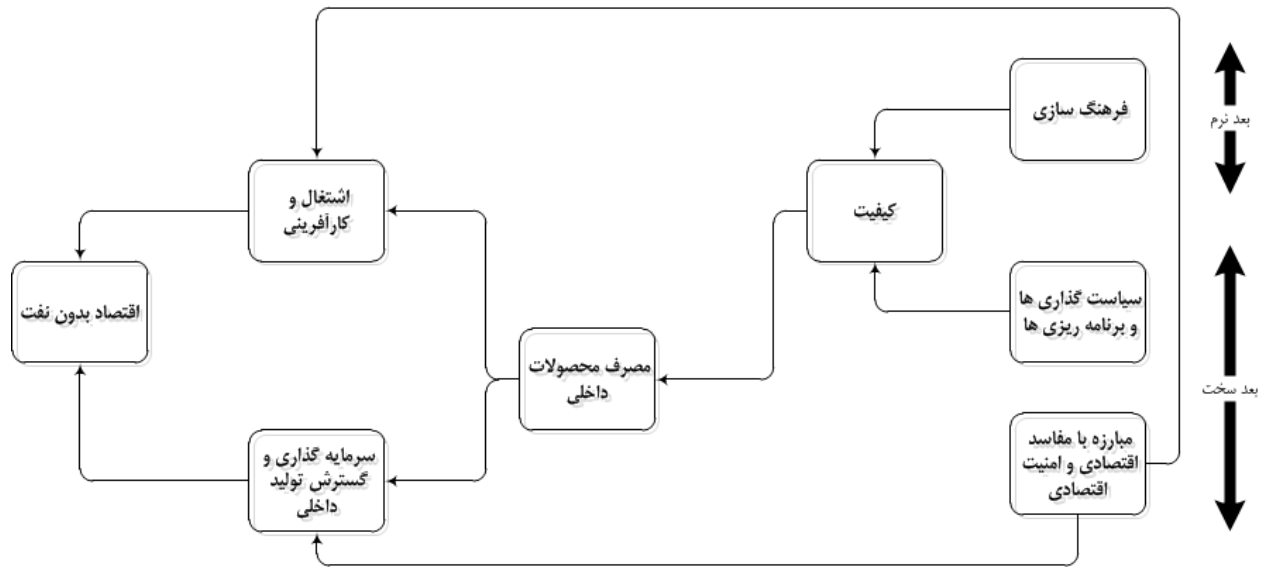
| | |
|---|---|
| | <p>(۱۳۷۴/۶/۸) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳) (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)</p> <p>استفاده از جایگزین به جای نفت (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲/۴/۱) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم پاکدشت، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه علمیه کشور، ۱۳۸۶/۹/۸)</p> |
| <p>اشتغال و کارآفرینی</p> | <p>کارآفرینی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹)</p> <p>تاکید بر گسترش شرکت های دانش بنیان و بنگاه های زود بازده (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)</p> |
| <p>مبارزه با مفاسد اقتصادی و امنیت اقتصادی</p> | <p>ایجاد امنیت اقتصادی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۶/۱۰) (امام خامنه ای، پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۹، ۱۳۷۹/۱/۱) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۹/۱/۶) (امام خامنه ای، نامه به سران قوای سه گانه و ابلاغ سیاست های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۳۰)</p> <p>بستن گریزگاه های قانونی برای سو استفاده فرصت طلبان (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۹/۱/۶)</p> <p>مبارزه با پدیده قاچاق و دنبال کردن جنس قاچاق تا محل فروش (امام خامنه ای، بیانات در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی، ۱۳۷۵/۶/۲۷) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خانه های صنایع و بازرگانی، ۱۳۸۰/۴/۱۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۳/۱۵) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹) (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی دارو پخش، ۱۳۹۱/۳/۱۰)</p> |

| | |
|--|--|
| | <p>مبارزه با ربا خواری (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۳/۱۵)</p> <p>ثبات، شفافیت و انسجام سیاست ها و مقررات اقتصادی (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)</p> <p>برخورد با فساد اقتصادی توسط قوا (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی دارو پخش، ۱۳۹۱/۳/۱۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۷/۴/۷) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۳/۲۵) (امام خامنه ای، فرمان هشت ماده ای به سران قوا درباره مبارزه با مفسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۳/۱۰) (امام خامنه ای، بیانات در دیدار شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۸۶/۴/۷)</p> <p>تقویت دستگاه اطلاعاتی جهت مقابله با هر نوع اخلال اقتصادی (امام خامنه ای، ابلاغ سیاست های برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)</p> <p>برخورد کسانی که به جای کارآفرینی قصد سوء استفاده اقتصادی دارند (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)</p> |
|--|--|

در این دسته بندی همانگونه که ملاحظه میشود دو بعد برای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته شده است. اول بعد نرم که ناظر بر جامعه و فرهنگ حاکم بر آن است و دوم بعد سخت که ناظر بر سیاست گذاری های عمومی دولت است. مقوله مبارزه با مفسد اقتصادی و امنیت اقتصادی نیز به نوعی جزئی از بعد سخت به حساب می آید اما نظر به اهمیت آن به صورت فاکتوری مستقل در نظر گرفته شده است.

۲,۳ مدل سازی و بحث

همانگونه که ذکر شد پس از استخراج شاخصه ها و گروه بندی آنها مدل سازی این پژوهش صورت گرفت. با استفاده از تشکیل گروه مشورتی بین صاحب نظران دسته بندی ها و تاثیر گذاری های بین این دسته ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در انتها مدل مفهومی این مقاله به صورت شکل ۲ شکل گرفت.



شکل ۲. مدل مفهومی

همانگونه که مشاهده میشود دو بعد نرم و سخت از اقتصاد مقاومتی تاثیر گذاری خود بر این سیستم را آغاز میکنند. با استفاده از فرایند فرهنگ سازی و همچنین سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها در سطح کلان صنایع و افراد را باید به این سمت پیش برد تا بر کیفیت محصولات خود بیفزایند. با افزایش کیفیت محصولات داخلی برند داخلی قدرت گرفته و محصول داخلی به مصرف میرسد. با افزایش مصرف محصولات داخلی دیگر شرکت ها نیز متمایل به سرمایه گذاری و گسترش تولیدات میشوند. همچنین اشتغال و کارآفرینی به صورت مستقیم افزایش یافته و این دو بر حرکت چرخه اقتصادی به سمت اقتصاد بدون نفت می افزایند. البته لازمه ایجاد اشتغال و سرمایه گذاری آنست که اولاً برای سرمایه گذار ایجاد امنیت شده و ثانياً با افرادی که در کشور اقدام به ایجاد فساد اقتصادی و اختلاس میکنند برخورد شود. این مسئله باعث میشود سرمایه های کشور به مسیر اصلی که مسیر تولید و پیشرفت است سرازیر شود.

۴. نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی نقش سیستماتیک کیفیت بر اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی پرداخته شود. بر این مبنا مبتنی بر آرا مقام معظم رهبری که اولین نظریه پرداز این مقوله به حساب می آیند سعی در مدل سازی شد. لذا با استفاده از روش داده بنیاد بیانات ایشان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و تعداد زیادی شاخصه برای مفهوم اقتصاد مقاومتی استخراج شد. در قدم بعد شاخصه ها، مبتنی بر نگاه به مسئله و موضوع مورد بررسی، دسته بندی شدند. شاخصه های ذکر شده ۸ دسته (شاخصه اصلی) به وجود آوردند که در ادامه بحث با استفاده از این شاخصه های اصلی به مدل سازی اقدام شد. در انتها با استفاده از روش دلفی به مدل سازی پرداخته شد که این مدل در شکل ۲ دیده میشود. در انتها به تحلیل چگونگی بر هم کنش بین شاخصه های اصلی در مدل و تبیین روابط بین آنها پرداخته شد.

در مطالعات آتی پژوهشگران میتوانند با مطالعات بیشتر بر تعداد شاخصه ها افزوده و یا دسته بندی ها را تغییر دهند. همچنین میتوانند با استفاده از روش های کمی همچون آنالیز مسیر، معادلات ساختاری و ... به مدل سازی و ارائه راهکار بپردازند.

منابع

ابوحمزہ، د.، نریمانی، م. (۱۳۹۰). الزامات سیاستگذاری مقاومتی در حوزه سیاست صنعتی - تجاری با تاکید بر حوزه تجارت. *اولین همایش اقتصاد*

مقاومتی (ص. ۲۱-۳۰). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

امام خامنه ای. (۱۳۷۷/۱/۱). *بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی*.

امام خامنه ای. (۱۳۷۹/۱/۱). *پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۹*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۴/۱/۱). *بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۶/۱/۱). *بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۷/۱/۱). *بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۸/۱/۱). *بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۸/۱/۱). *بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۸/۱/۱). *پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۹/۱/۱). *بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی*.

امام خامنه ای. (۱۳۹۰/۱/۱). *بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰*.

امام خامنه ای. (۱۳۹۰/۱/۱). *بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰*.

امام خامنه ای. (۱۳۹۱/۱/۱). *بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۱*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۲/۴/۱). *بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۳/۱۱/۱۰). *بیانات در دیدار مردم پاکدشت*.

امام خامنه ای. (۱۳۶۹/۳/۱۰). *پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۰/۳/۱۰). *فرمان هشت ماده ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی*.

امام خامنه ای. (۱۳۹۱/۳/۱۰). *بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی دارو پخش*.

امام خامنه ای. (۱۳۸۰/۴/۱۰). *بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خانه های صنایع و بازرگانی*.

امام خامنه ای. (۱۳۷۸/۶/۱۰). *بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان*.

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۹/۱۰). بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۷/۳/۱۱). بیانات در دیدار مردم شیراز .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۲/۸/۱۱). بیانات در دیدار با مسئولان نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۸/۱۱). بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۷/۱۲). بیانات در دیدار شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۰/۹/۱۲). بیانات در دیدار مدیران وزارت نفت .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۵/۲/۱۳). بیانات در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان کشور .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۳/۵/۱۳). بیانات در مراسم تفهیم حکم ریاست جمهوری .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۷/۱۳). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۶). بیانات در خطبه های نماز عید فطر .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). خطبه های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۷/۳/۱۴). بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۳/۱۴). بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۳/۳/۱۵). بیانات در دیدار مردم استان همدان .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۲/۴/۱۵). بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۳/۵/۱۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۱/۹/۱۵). بیانات در خطبه های نماز عید فطر .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۸/۹/۱۵). بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۶/۱۶). بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۳/۸/۱۸). ابلاغ سیاست های کلی برنامه دوم توسعه .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۵/۸/۱۸). بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۸/۱/۱۹). پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهادی دولت .
- امام خامنه ای . (۱۳۶۸/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۴/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی .

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۱۱/۱۹). بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۵/۱۹). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۵/۱۹). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۷/۶/۱۹). بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۸/۱۹). بیانات در مراسم فارغ التحصیلی دانش آموزان ارتش .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۵/۱۲/۱۲). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۵/۱۲/۱۲). بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۳/۲). بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۶/۲). بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۶/۲). بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۷/۱۰/۲۱). ابلاغ سیاست های برنامه پنجم توسعه .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۷/۱۰/۲۱). ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه .
- امام خامنه ای . (۱۳۶۸/۴/۲۲). پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره) .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۳/۷/۲۲). بیانات در دیدار مردم ساری .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۷/۲۲). بیانات در جمع مردم اسفراین .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۷/۲/۲۵). بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۶/۳/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۳/۵/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۷/۲۵). بیانات در اجتماع مردم پاوه .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۱/۹/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از زنان .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۶/۱۰/۲۶). بیانات در خطبه های نماز جمعه .
- امام خامنه ای . (۱۳۶۸/۲/۲۶). بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش و معلمان و جمعی از دانش آموزان استان تهران .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۵/۲۶). بیانات در دیدار فعالان بخش های اقتصادی کشور .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۷/۷/۲۶). بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا(ع) .

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۸/۲۶). بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۸/۲۶). خطبه های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۱۱/۲۷). بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۵/۲۷). بیانات در دیدار کارگزاران نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۵/۶/۲۷). بیانات در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۷/۲۷). بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۷/۱۲/۲۸). پیام به کنگره عظیم حج .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۴/۲۸). ابلاغ سیاست های کلی اشتغال .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۱۱/۲۹). ابلاغ سیاست های کلی نظام در امور «پدافند غیر عامل» .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۵/۲/۲۹). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۵/۳/۲۹). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۹/۹/۲۹). پیام به ملت های مسلمان و دولت های اسلامی به مناسبت روز جهانی قدس .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۵/۳/۳). بیانات در جمع نیروهای شرکت کننده در مانور بزرگ ولایت .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۵/۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۵/۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۸/۳). بیانات در دیدار طلاب خارجی حوزه علمیه قم .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۹/۱۲/۳۰). نامه به سران قوای سه گانه و ابلاغ سیاست های کلی نظام .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۵/۱۲/۳۰). بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۷/۳۰). بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۴/۳۱). بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۸/۱۱/۴). بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره) .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۷/۱۲/۴). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران و سردبیران نشریات دانشجویی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۳/۱۲/۵). بیانات در دیدار جمعی از مهندسان .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۸/۵/۵). بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۳/۶/۵). بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت .

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- امام خامنه ای . (۱۳۷۵/۷/۵). پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۵/۶/۶). بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۳/۷). بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۷/۴/۷). بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۶/۴/۷). بیانات در دیدار شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۰/۱/۱۸). بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه .
- امام خامنه ای . (۱۳۹۱/۵/۸). بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۴/۶/۸). بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۶/۹/۸). بیانات در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه علمیه کشور .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۹/۱/۹). بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودرو سازی .
- امام خامنه ای . (۱۳۸۸/۳/۹). بیانات در دیدار جمعی از معلمان پرستاران و کارگران .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۸/۷/۹). بیانات در خطبه های نماز جمعه .
- امام خامنه ای . (۱۳۷۹/۱/۶). بیاناتدر اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) .
- تقوی، م.، نعمتی زاده، س. (۱۳۸۱). اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۷۱-۹۵.
- کریمی، م. (۱۳۹۰). ضرورت حذف ارز واسط از مبادلات تجاری ج.ا.ایران و دفاع از جایگاه پول ملی در نظامات پولی آینده جهان. اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی (ص. ۳۱-۵۰). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- کریمی، م. ص. (۱۳۹۰). بورس نفت؛ لازمه اقتصاد مقاومتی. اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی (ص. ۶۰-۶۷). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- معلمی، س. م. (۱۳۹۰). مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه های اقتصاد اسلامی. اولین همایش اقتصاد مقاومتی (ص. ۱۰-۲۰). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- نجفی جزه، ح. (۱۳۹۰). منافع ملی و بازتعریف راهبرد بلند مدت کشور در مورد تولید مواد خام. اولین همایش اقتصاد مقاومتی. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- نریمانی، م.، عسکری، ح. (۱۳۹۰). چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی. اولین همایش اقتصاد مقاومتی (ص. ۱-۹). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- Cologni, A., & Manera, M. (2008). Oil prices, inflation and interest rates in a structural co-integrated VAR model for the G-7 countries. *Energy Economics*(30), 856-888.
- Jimenez, R., & Sanchez, M. (2005). Oil price shocks and real GDP growth: Empirical evidence for some OECD countries. *Applied economics*(37), 201-228.



بررسی تحریم‌ها در حوزه نفت و گاز

سید علی روحانی، امیرعباس سالارکیا، سید علی فاطمی، سید مهدی بنی طبا، میرهادی رهگشای

چکیده

دولت آمریکا در راستای مقابله با انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از گسترش آن، از ابتدای پیروزی انقلاب تحریم‌هایی را علیه ایران وضع نموده است. از حدود ۶ سال گذشته، همراهی شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه‌ی اروپا باعث شده این تحریم‌ها وارد مرحله‌ی جدیدی شده و بسیار شدیدتر شوند، تا جایی که حتی رئیس جمهور آمریکا تحریم‌ها علیه ایران را بی سابقه می‌خواند. نوک پیکان تحریم‌ها، درآمدهای کشور در حوزه‌ی نفت و گاز را هدف گرفته است.

در این مقاله، ضمن بررسی قوانین تحریم مصوب علیه ایران، یک دسته‌بندی مفهومی از حوزه‌های مختلف اقتصادی و تحریم‌های اعمال شده در هر حوزه ارائه می‌دهیم. سپس بر اساس این دسته‌بندی، برخی از تحریم‌هایی که در آینده ممکن است اعمال شود را پیش‌بینی می‌کنیم. در پایان به برخی از راه‌حلهای مقابله با تحریم‌ها خصوصا در حوزه‌ی نفت و گاز اشاره شده است.

کلمات کلیدی

تحریم، اقتصاد، نفت و گاز، دسته‌بندی مفهومی

ادبیات موضوع تحریم

تعریف تحریم‌های اقتصادی

لغت Sanction در زبان انگلیسی به معنی «مجازات» به کار می‌رود و حوزه‌ی وسیعتری از «تحریم اقتصادی» یا Embargo را شامل می‌شود.^{۲۸۸} این مجازاتها معمولاً به صورت مجازات بین‌المللی کاربرد دارد و ابزاری برای نفوذ در رفتار دولتها یا گروههایی است که رفتارشان مورد قبول بین‌المللی نیست. در طبقه‌بندی کنش میان دولتها، مجازاتها در منطقه‌ی خاکستری مابین دیپلماسی و جنگ قرار می‌گیرد و زمانی که همه‌ی گزینه‌های دیپلماتیک دیگر در تعدیل رفتار دولت یا گروه هدف بی‌نتیجه بماند، مجازاتها به عنوان آخرین گام قبل از اقدام نظامی مطرح می‌شوند.

مجازات‌های بین‌المللی به سه دسته‌ی بزرگ تحریم‌های اقتصادی، مجازات‌های دیپلماتیک و سیاسی و مجازات‌های نظامی تقسیم می‌شوند. «تحریم‌های اقتصادی» رایجترین نوع مجازات‌های بین‌المللی می‌باشند که معمولاً در قالب قطع روابط تجاری، ایجاد ممنوعیت بر عوامل و فعالین اقتصادی، ممنوع کردن سرمایه‌گذاری و روابط تجاری، جلوگیری از همکاری‌های مالی و پولی، جلوگیری از ادامه‌ی هرگونه کمک اقتصادی و مالی و جلوگیری از صدور فناوری یا تحصیل و اشتغال متخصصین و کارشناسان و مانند آن مطرح می‌شوند.

بررسی سابقه‌ی تحریم‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی ابزار سیاسی مهم و بعضاً تاثیرگذاری در دست کشورهای مستکبر دنیا بوده است. از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا همواره یکی از مجریان تحریم‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در سیاست خارجی خود به شمار می‌رود و برنامه‌های گسترده‌ی تحریم اقتصادی و تجاری را خصوصاً پس از سالهای جنگ دوم جهانی به اجرا گذاشته است.

طبقه‌بندی انواع تحریم‌ها

در خصوص تحریم‌های بین‌المللی، دو نوع نظریه‌ی جامع و هوشمند وجود دارد. در تحریم‌های جامع که معمولاً با قطع کامل روابط مالی و تجاری همراه است، درد و رنج ناشی از مجازاتها بر شهروندان دولت هدف، موجب می‌شود که آنها حکومت خود را برای تغییر رفتارشان تحت فشار قرار دهند. در این گونه تحریم‌ها که به شدت هم مورد انتقاد می‌باشد، شهروندان بی‌گناه قربانی می‌شوند و اعمال اینگونه تحریم‌ها در دهه‌ی ۹۰ میلادی، پیامدهای وخیم انسانی را، به ویژه در عراق و هائیتی به دنبال داشته است؛ در نتیجه اینگونه مجازاتها به شدت مورد اعتراض مجامع بشر دوستانه قرار دارد.

تحریم‌های جامع در عمل هم با مشکلاتی روبرو هستند. از جمله دولت‌های هدف، از این تحریم‌ها برای ایجاد احساس نفرت نسبت به بیگانگان و افزایش همبستگی ملی استفاده می‌کنند؛ در شرایط تحریم، معمولاً گروههای مخالف دولت هدف، بیش از دولت هدف و رهبران آن تضعیف

^{۲۸۸} هرچند Sanction در فارسی تحت عنوان کلی «تحریم» ترجمه شده و ما هم در این گزارش از همین ترجمه استفاده می‌نماییم

می‌شوند؛ همچنین فرصت‌های اقتصادی کشورهای اعمال‌کننده‌ی تحریم‌ها هم به خطر می‌افتد؛ مشکل دیگر این است که بی‌ثباتی ناشی از اعمال تحریم‌ها در کشور هدف، می‌تواند پیامدهای سیاسی و امنیتی قابل توجهی برای منطقه و جهان به همراه داشته باشد.

در نتیجه‌ی مشکلات اخلاقی و عملی نظریه‌ی تحریم‌های جامع، گرایشها به سمت الگوی جدیدی از مجازات‌ها به نام مجازات‌های هوشمند جلب شد. این نظریه در پی به حداقل رساندن پیامدهای انسانی تحریم‌های اقتصادی، افزایش فشار بر دولت یا گروه‌های هدف و حل و فصل اختلافات بین‌المللی به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز می‌باشد، هرچند این نوع مجازات‌ها هم نمی‌تواند بدون پیامدهای انسانی علیه غیرنظامیان باشد.

نرخ موفقیت تحریم‌ها

بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته توسط موسسه اقتصادی بین‌المللی^{۲۸۹}، که ۱۱۶ مورد تحریم را در فاصله‌ی سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار داده، میانگین نرخ موفقیت تحریم‌های اقتصادی تنها در حدود ۳۴ درصد بوده و موفقیت تحریم‌هایی که در فاصله‌ی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ به اجرا گذاشته شدند نزدیک به ۲۰ درصد می‌باشد. دلیل این نرخ کم موفقیت را می‌توان در سه پدیده جست و جو کرد: اولاً به دلیل رشد فزاینده‌ی تجارت بین‌المللی، هر کشور می‌تواند نیازهای اقتصادی خود را از کشورهای متعددی تامین کند و دیگر تنها به یک کشور وابسته نباشد. دوم اینکه به دلیل ظهور قدرت‌های جدید در صحنه‌ی بین‌المللی، کسب اجماع و توافق لازم برای اعمال تحریم‌های همه‌جانبه توسط سازمان ملل دشوار شده است. دلیل سوم هم رشد سریع و نسجیده‌ی کاربرد سیاست تحریم اقتصادی پس از دهه‌ی ۹۰ می‌باشد.

بررسی قوانین تحریم مصوب علیه ایران

بهبانهای اعمال تحریم‌ها

دولتمردان آمریکایی برای سرپوش گذاشتن بر سیاست‌های خصمانه‌ی خود علیه ایران توجیحات مختلفی را عنوان نموده‌اند. کلینتون، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، در فرمان اجرایی^{۲۹۰} شماره‌ی ۱۲۹۵۷، ایران را به عنوان «تهدید فوق‌العاده‌ای برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده» می‌داند و اعلام می‌کند که در روابط با ایران «وضعیت فوق‌العاده‌ی ملی» وجود دارد. وی همچنین در نامه‌ای به رؤسای مجلس آمریکا، دلایل سه‌گانه‌ای برای وضع تحریم‌ها ارائه داده است که عبارتند از:

۱. فعالیت‌های تروریستی ایران که برای صلح و امنیت تمام ملت‌ها تهدیدکننده می‌باشد؛
۲. استراتژی حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی، از جمله فعالیت‌هایی که صلح خاورمیانه را به مخاطره می‌اندازد؛
۳. تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی.

²⁸⁹ IEE
²⁹⁰ Executive Order

بر اساس همین ادعاهای واهی، کنگره‌ی آمریکا قوانینی برای جلوگیری از توسعه‌ی بخش نفت ایران را به تصویب رساند. در مقدمه‌ی «قانون تحریم‌های ایران»^{۲۹۱}، سیاست ایالات متحده در مقابل ایران اینطور بیان شده است:

«سیاست ایالات متحده، این است که توانایی ایران را محدود کند تا ایران نتواند از فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی حمایت کند، و توانایی مالی دستیابی و توسعه‌ی سلاحهای کشتار جمعی و انتقال آنها را نداشته باشد. بر همین اساس باید توان ایران در اکتشاف، استخراج، پالایش و انتقال نفت محدود شود.»

همچنین بهانه‌های واهی دیگری نیز در سالیان مختلف مطرح شده، از جمله می‌توان به «حمایت از تروریسم»، «تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای»، «تلاش برای دستیابی به قدرت تهاجمی در زمینه تسلیحات متعارف به منظور تهدید همسایگان خود» و «نقض حقوق بشر و دموکراسی» اشاره کرد.

اما دلایل واقعی تحریم‌ها را باید در پشت این حرفهای بی‌اساس جست‌وجو کرد. واقعیت آن است که آمریکا شدیداً مخالف گسترش اسلامگرایی به شیوه‌ی ایران در دنیا و به خصوص در خاورمیانه است. هرگونه حرکتی که بخواهد نظم نوین جهانی را که بر اساس منافع و اصول آمریکا شکل گرفته تهدید نماید، یا رهبری آمریکا در دنیا را به چالش بکشد به شدت سرکوب خواهد شد. ناگفته پیداست که منظور دولتمردان غربی از تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، حق مسلم کشور در دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای است، همانطور که حمایت از محور مقاومت و مردم مظلوم غزه و لبنان و اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی را به حمایت از تروریسم و مخالفت با صلح خاورمیانه تعبیر می‌کنند. عمدتاً محور این سیاست‌های خصمانه نیز لابی‌های صهیونیستی مثل آپیک^{۲۹۲} و چهره‌های هوادار اسرائیل در دولت و کنگره‌ی آمریکا بوده‌اند.

بر همین اساس است که دولت ایالات متحده، با کشورهای مستقل جهان به مقابله می‌پردازد و جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب تاریخی‌اش در سال ۵۷ در صدر این لیست قرار گرفته است.

دور اول: تحریم‌های یکجانبه و درون سرزمینی (۱۹۷۹-۱۹۹۳)

نخستین تحریم اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، در زمان ریاست جمهوری کارتر در سال ۱۹۸۰ و در واکنش به اشغال لانه‌ی جاسوسی آمریکا در تهران شکل گرفت. براساس این تحریم، قراردادهای فروش تجهیزات نظامی به ایران، که در دوره‌ی پهلوی با آمریکا به امضا رسیده بود، لغو و فروش تجهیزات نظامی به ایران ممنوع شد. همچنین دولت آمریکا ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های دولت ایران را مسدود و هرگونه مبادله‌ی تجاری شهروندان آمریکایی با ایران را ممنوع اعلام کرد. متعاقباً اتحادیه‌ی اروپا و ژاپن هم به آمریکا پیوستند و فروش

²⁹¹ Iran Sanctions Act

²⁹² AIPAC

تجهیزات نظامی و اعطای وام به ایران را ممنوع کردند و خرید نفت از ایران را متوقف ساختند. تحریم‌های تجاری حدود یک سال بعد، با آزادسازی گروگان‌های آمریکایی لغو شد؛ هرچند فشار اقتصادی آمریکا در طول جنگ تحمیلی، به شکل مسدود کردن دارایی‌های ایران ادامه یافت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دولت آمریکا با هدف جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای را علیه ایران ترتیب داد. در سال ۱۹۸۴، در دوره ریاست جمهوری ریگان، نام ایران در فهرست «دولت‌های حامی تروریست» در وزارت خارجهی آمریکا ثبت شد. بر اساس این اقدام دولت آمریکا موظف شد تا مانع از انتقال تجهیزات نظامی و فناوری‌های دامن‌نظره به ایران و همچنین اعطای وام از سوی موسسات بین‌المللی به ایران شود.

سه سال بعد، با افشای ماجرای مک فارلین و همچنین درگیری‌های مستقیم نظامی آمریکا با ایران در خلیج فارس، ریگان طی فرمان اجرایی ۱۲۶۱۳ واردات کلیه کالاهای و خدمات ایرانی، از جمله نفت خام ایران به ایالات متحده را ممنوع اعلام کرد؛ هرچند شرکت‌های آمریکایی مجاز بودند نفت ایران را از طریق شرکت‌های وابسته‌ی خود در خارج از آمریکا و برای بازارهای خارج آمریکا خریداری نمایند. در این دوره، محدودیت‌های جدی برای صدور کالاهای غیرنظامی به ایران وجود نداشت.

با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۹۸۸ و آغاز دوره‌ی بازسازی، مناسبات اقتصادی و سیاسی میان ایران و اتحادیه‌ی اروپا به میزان قابل توجهی بهبود یافت، لیکن تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران همچنان بر جای باقی ماندند.

با توجه به اینکه ۶۵ درصد ذخایر نفتی شناخته شده جهان و ۲۵ درصد تولید نفت جهان در این دوره در منطقه‌ی خلیج فارس بود، تهدید این منابع برای ایالات متحده قابل تحمل نبود. لذا پس از فروپاشی شوروی، در دوره‌ی جرج بوش پدر، سیاست آمریکا، حفظ دسترسی بلا منازع به نفت خلیج فارس و حفظ یا ایجاد ثبات منطقه‌ای به نفع خودش بود. با شکست نظامی عراق از آمریکا در نبرد خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، به منظور جلوگیری از برتری جمهوری اسلامی و بر هم خوردن توازن قوا در منطقه، دولت آمریکا با تصویب قانون «منع گسترش تجهیزات نظامی ایران و عراق»^{۲۹۳} مجدداً حلقه‌ی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را تنگ‌تر نمود. براساس این قانون صادرات کلیه‌ی ماشین‌آلات و تجهیزاتی که به طور غیرمستقیم دارای کاربرد نظامی باشند به ایران منع شد. این قانون آغاز سیاستی بود که متعاقباً توسط کلینتون تحت عنوان «مهار دوجانبه» دنبال شد.

دور دوم: تحریم‌های یکجانبه و فراسرزمینی (۱۹۹۳ - ۲۰۰۶)

اندکی پس از به قدرت رسیدن بیل کلینتون، برخی از مشاوران وی پیشنهاد کردند که هر دو کشور ایران و عراق باید به گونه‌ای تضعیف شوند که دیگر به عنوان خطری برای منافع آمریکا به حساب نیایند. بر همین اساس آمریکا در سال ۱۹۹۳، سیاست مهار دوجانبه را اتخاذ کرد که تا سال ۱۹۹۵ ادامه یافت و با این کار درصد بود تا در کنار انزوای سیاسی عراق، که پیش از این به دلیل حمله به کویت مورد تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته بود، روند رشد اقتصادی ایران را هم محدود کرده و باعث انزوای سیاسی آن شود. کلینتون در یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرده بود:

«ما عهد کرده‌ایم با حمایت‌های ایران از گروه‌های تروریست و تلاش‌های او برای به دست آوردن سلاح‌های شیمیایی و تبلیغات او علیه رژیم‌های میانه‌رو مقابله کنیم. ما از دوستان خود درخواست نموده‌ایم که نسبت به نیات واقعی ایران آگاه باشند و به ما کمک نمایند که به ایران بفهمانیم که رفتارش را تحمل نخواهیم کرد. سیاست ما بسیار واضح است: تضعیف و منزوی نمودن کسانی که آینده‌ی صلح‌آمیز برای مردم این منطقه را به مخاطره بیفکنند.»

سیاست مهار دوجانبه در عمل موفق نبود، چرا که در خلال سال‌های پس از جنگ، ایران روابط تجاری نسبتاً گسترده‌ای را با شرکتهای غربی برقرار کرده بود، به طوری که در عمل تا سال ۱۹۹۴، دولت آمریکا خود پنجمین صادرکننده کالا به ایران و شرکت‌های نفتی آمریکایی، مثل اکسان کالتکس، کازمو و موبیل هم به خریداران اصلی نفت ایران تبدیل شده بودند که نفت ایران را برای فروش در کشورهای ثالث خریداری می‌کردند. عدم موفقیت سیاست مهار دوجانبه موجب شد تا هیئت حاکمه کلینتون در بهار ۱۹۹۵ به طور رسمی دست از این سیاست برداشته و سیاست تحریم همه جانبه‌ی بازرگانی علیه ایران را آغاز نماید.

فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷

کلینتون در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۹۵ ضمن طرح ادعاهای بی اساس علیه ایران، در روابط با ایران وضعیت فوق‌العاده‌ی ملی اعلام کرد. سپس طی فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷ سرمایه‌گذاری شهروندان آمریکایی در پروژه‌های توسعه‌ی صنعت نفت ایران را مورد تحریم قرا داد. در این فرمان اجرایی، فعالیت‌های زیر مشمول تحریم شده است:

۱. انعقاد یا اجرای قرارداد توسط هر شخص آمریکایی برای

a. سرپرستی کلی یا قبول مسئولیت مدیریت توسعه‌ی منابع نفتی ایران

b. تأمین مالی توسعه‌ی منابع نفتی ایران

c. ضمانت هر شخص دیگری که تحت چنین قراردادهایی باشد



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

۲. هر نوع معامله با اشخاص آمریکایی یا اشخاص در قلمرو ایالات متحده که ممنوعیت فوق را نادیده گرفته و از آن اجتناب کرده‌اند و یا قصد چنین کاری را دارند.

فرمان اجرایی ۱۳۹۵۹

چندی بعد، در تاریخ ۶ می ۱۹۹۵، کلینتون فرمان اجرایی دیگری صادر کرد و در آن با استناد به اتهامات گذشته بر ضد ایران، تجارت هر نوع کالا، خدمات یا فناوری با ایران راه برای شهروندان آمریکایی ممنوع اعلام کرد. برخی از فعالیت‌هایی که بر اساس این فرمان اجرایی ممنوع اعلام شده عبارتند از:

۱. واردات یا تامین مالی واردات هر نوع کالا یا خدمات ایرانی الاصل به ایالات متحده
 ۲. صادرات یا تامین مالی صادرات هر نوع کالا، خدمات یا فناوری از ایالات متحده به دولت ایران و یا هر واحد تحت تملک و کنترل دولت ایران
 ۳. صادرات مجدد هر نوع کالا، خدمات و یا فناوری به دولت ایران یا واحدهای تحت تملک و کنترل آن
 ۴. هر نوع معامله‌ای شامل خرید، فروش، انتقال، تعویض، تأمین مالی و یا واسطه‌گری توسط هر شخص آمریکایی در رابطه با کالا یا خدمات ایرانی الاصل و یا تحت تملک و کنترل حکومت ایران
 ۵. هر نوع سرمایه‌گذاری جدید توسط اشخاص آمریکایی در ایران یا در دارایی‌های تحت مالکیت و کنترل حکومت ایران
- علیرغم وضع تحریم‌های فوق، به دلیل عدم همراهی بین‌المللی، سیاست تحریم آمریکا نتوانست به هدف اصلی خود یعنی ممانعت از توسعه‌ی صنعت نفت ایران دست یابد. با خروج شرکت نفتی کونوکو آمریکایی از ایران، سه شرکت دیگر، توتال، گازپروم و پتروناس برای همکاری در توسعه‌ی میدان گازی پارس جنوبی یک قرارداد دو میلیارد دلاری به امضا رساندند.
- صنعت نفت ایران، با توجه به طرح‌های جذابی که دولت ایران ارائه می‌داد، به سرعت در حال توسعه و بازسازی بود و این فرصت مناسب از دسترس شرکت‌های آمریکایی دور مانده بود و در عوض فرصت مناسبی برای شرکت‌های غیرآمریکایی فراهم شده بود.

قانون تحریم ایران و لیبی^{۲۹۴}

در نوامبر سال ۱۹۹۵، سناتور آفونس داماتو، از هواداران سرسخت اسرائیل در کنگره‌ی آمریکا، با اشاره به قرارداد دو میلیاردی سه شرکت نفتی با ایران، اظهار کرده بود:

²⁹⁴ Iran and Libya Sanctions Act

«هرگونه فعالیت درآمدزا برای ایران به ضرر منافع ملی ایالات متحده خواهد بود.»

بر همین اساس، وی پیشنهاد طرحی را در کنگره‌ی آمریکا مطرح کرد تا سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را دچار محدودیت نماید. بر اساس این طرح اشخاصی که در صنعت نفت ایران، بیش از ۴۰ میلیون دلار یک باره و یا ترکیبی از سرمایه‌گذاری‌های حداقل ۱۰ میلیون دلاری که مجموع آنها در طول ۱۲ ماه بیش از ۴۰ میلیون دلار شود، سرمایه‌گذاری نکنند، مورد مجازات آمریکا قرار می‌گیرند.^{۲۹۵}

در ادامه‌ی این طرح بنیامین گیلمن، طرحی برای تشدید این تحریم ارائه کرد که علاوه بر ممنوعیت سرمایه‌گذاری، صدور تمام انواع فناوری، کالا و خدمات مرتبط با صنعت نفت و گاز به ایران، توسط هر شرکت خارجی و برای هر یک از بخش‌های تولید، پالایش، تعمیرات و راه‌اندازی تأسیسات نیز ممنوع شده است.

تا پیش از این زمان، کلیه‌ی تحریم‌های آمریکا ناظر به شرکتها و شهروندان آمریکایی بود. ولی این دو طرح، آغازی بر تحریم‌های فراسرزمینی دولت آمریکا محسوب می‌شود. دولت آمریکا با وضع و اعمال قوانین فرامرزی خود تلاش می‌کرد تا تصمیمات ملی خود را به صورت یکجانبه و با وجود مغایرت با قوانین بین‌المللی و قوانین سازمان تجارت جهانی، در سطح جهان گسترش دهد.

از ترکیب دو طرح فوق و دستور اجرایی‌های کلیتتون، قانونی موسوم به «قانون تحریم ایران و لیبی» به تصویب رسید. براساس این قانون شرکت‌های متخلف مورد مجازات‌های دولت آمریکا قرار می‌گرفتند، از جمله‌ی این مجازات‌ها عبارتند از:

۱. محرومیت از اعتبار و وام بانک صادرات و واردات آمریکا
۲. منع صادرات کالاهای خاص به آن شرکت
۳. منع موسسات مالی آمریکا از اعطای وام به شخص خاطی
۴. منع خرید دولتی از شرکت خاطی

در ابتدای تصویب قانون تحریم ایران و لیبی در سال ۱۹۹۶، اتحادیه‌ی اروپا به دلیل سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در صنعت نفت ایران، با این قانون مخالف بود و حتی اعلام کرده بود به خاطر آن به سازمان تجارت جهانی شکایت می‌کند. اما در سال ۱۹۹۷ آمریکا با اتحادیه‌ی اروپا توافق کرد که این تحریم‌ها باعث لطمه به روابط آمریکا و اروپا نشود و در عوض اروپا هم شکایتی نکند.

با گسترش برنامه‌ی هسته‌ای ایران، روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا وارد مرحله‌ی جدیدی شد. بعد از چند دور مذاکرات بی‌نتیجه، سرانجام در سال ۲۰۰۶، سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان با ارسال پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل موافقت کردند.

^{۲۹۵} در «قانون تحریم ایران و لیبی»، عدد ۴۰ با عدد ۲۰ و عدد ۱۰ با عدد ۵ جایگزین شده است

تا پیش از این تاریخ تحریم‌ها به صورت یکجانبه از طرف آمریکا بوده و به دلیل عدم مشارکت سایر کشورها به ویژه اتحادیه‌ی اروپا و ژاپن از موفقیت چندانی برخوردار نبود.

دور سوم: تحریم‌های بین‌المللی (۲۰۰۶ تا کنون)

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل

با استناد به گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^{۲۹۶} و اعلام غیر شفاف بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران از نظر شورای امنیت سازمان ملل، اولین تحریم بین‌المللی ایران در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، بدون هیچ رای مخالف یا ممتنعی به تصویب رسید.

براساس مفاد قطعه‌نامه‌ی ۱۷۳۷، فروش یا انتقال هر گونه کالا، خدمات یا فناوری مرتبط با غنی‌سازی به ایران ممنوع می‌باشد. همچنین در این قطعه‌نامه خواسته شده از تحصیل اتباع ایرانی در رشته‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای جلوگیری کنند. در انتهای این قطعه‌نامه لیستی از افراد و نهادهای مرتبط با بخش هسته‌ای ایران ارائه شده و از کلیه‌ی اعضا می‌خواهد ورود و خروج این افراد به کشورشان را منع و دارایی‌های برخی از آنها را مسدود نمایند.

تنها با گذشت حدود سه ماه از این حکم، با وضع قطعه‌نامه‌ی ۱۷۴۷ تحریم‌های بیشتری علیه ایران اعمال شد. بر اساس این قطعه‌نامه، فروش دسته‌ای از سلاح‌های پیشرفته هم به ایران ممنوع شده و افراد و نهادهای بیشتری به لیست تحریم‌های سازمان ملل افزوده شدند.

حدود یک سال بعد، در ۳ مارس ۲۰۰۸، شورای امنیت سازمان ملل قطعه‌نامه‌ی تحریمی دیگری را علیه ایران به تصویب رساند. در ابتدای قطعه‌نامه‌ی ۱۸۰۳، با استناد به چند گزارش مدیر کل آژانس انرژی اتمی گفته شده:

«ایران به صورت کامل و پایدار فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفراوری و پروژه‌های مربوط به آب سنگین که در قطعه‌نامه‌های قبلی ذکر شده بود را تعلیق نکرده و اعتمادسازی خواسته شده در قطعه‌نامه‌ها و توسط شورای حکام را انجام نداده است. در نتیجه شورا برای جلوگیری از توسعه‌ی فناوری‌های حساس ایران در زمینه‌ی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی، تلاش خواهد کرد.»

در این قطعه‌نامه از اعضا خواسته می‌شود نسبت به فعالیت‌های مالی خود با شعبات بانک ملی و بانک صادرات ایران هوشیار باشند. همچنین محموله‌هایی را که توسط کشتی یا هواپیما به سمت ایران یا از ایران جابه‌جا می‌شوند مورد بازرسی قرار دهند.

در سپتامبر ۲۰۰۹، موضوع تاسیسات هسته‌ای ایران در فردو علنی شد. پیرو آن، در ژوئن ۲۰۱۰ شورای امنیت با استناد به این موضوع و ضمن ابراز نگرانی از اینکه ایران توانسته به غنی‌سازی اورانیوم تا حد ۲۰ درصد دست پیدا نماید، قطعنامه‌ی تحریمی شدیدتری علیه ایران به تصویب رساند؛ ترکیه و برزیل به این قطعنامه رای مخالف داده بودند.

بر اساس قطعنامه‌ی ۱۹۲۹، فروش انواعی از سلاحهای متعارف از قبیل ماشینهای زرهی و تانک به ایران ممنوع اعلام می‌شود. همچنین مراقبت‌های بیشتری بر بانکهای ایرانی اعمال شده است. به علاوه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و «شرکت ملی کشتیرانی» به همراه تعدادی از شرکت‌های وابسته به آنها به لیست تحریم‌های شورای امنیت اضافه شده‌اند.

دور اول تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا

همانطور که گفته شد در سال ۲۰۰۶، سه کشور اروپایی با ارسال پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل موافقت می‌کنند. پیرو تصویب قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ در شورای امنیت، اتحادیه‌ی اروپا هم دور اول تحریم‌های خود را در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ علیه ایران تصویب می‌کند. مهمترین مفاد دور اول تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا عبارتند از:

- فروش یا هرگونه مشارکت در تامین کالاها، خدمات و فناوری‌های مرتبط با صنعت هسته‌ای، یا اقلام نظامی پیشرفته برای ایران ممنوع اعلام می‌شود
- نظارت شدیدی بر تراکنشهای موسسات مالی ایرانی خصوصا بانک صادرات باید اعمال شود
- محموله‌هایی که توسط کشتی و هواپیما به سمت ایران یا از ایران جابه‌جا می‌شوند، باید مورد بازرسی قرار گیرند
- دارایی‌های عده‌ای از افراد و نهادهایی که در برنامه‌ی هسته‌ای ایران مشارکت داشته‌اند مسدود می‌شود

همچنین پس از تصویب قطعنامه‌ی ۱۸۰۳ در شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپا تحریم‌های جدیدی علیه ایران به تصویب می‌رساند و در آن با تاکید بر احکام قطعنامه‌ی فوق، تغییراتی را در تحریم‌های سابق اعمال می‌نماید، از جمله افراد و نهادهای جدیدی را به لیست تحریم‌ها اضافه می‌کند.

قانون جامع تحریم‌های ایران

در ۲۸ آوریل ۲۰۰۹، طرحی با عنوان «قانون تحریم فروش بنزین به ایران» که در رسانه‌ها از آن به عنوان «گلوله‌ی نقره‌ای» یاد می‌شد، در مجلس سنای آمریکا مطرح شد. حوادث پس از انتخابات ایران در ژوئن ۲۰۰۹، علنی شدن تاسیسات هسته‌ای فردو در سپتامبر ۲۰۰۹ و غنی‌سازی اورانیوم تا حد ۲۰ درصد بهانه‌های خوبی بودند تا این هوارد برمن، رئیس کمیته‌ی امور خارجه مجلس نمایندگان، این طرح را در

دستور کار کمیته قرار داده و به همراه تحریم‌های بیشتری تحت عنوان «قانون جامع تحریم‌های ایران، پاسخگویی و کاهش سرمایه‌گذاری»^{۲۹۷} تصویب نمایند. نهایتاً این طرح در ماه ژوئن ۲۰۱۰ در کنگره به تصویب رسید. در ادامه به مهمترین تحریم‌هایی که در این قانون ذکر شده است اشاره می‌شود:

- کلیه مفاد «قانون تحریم‌های ایران» که هرگونه کمک به توسعه‌ی بخش نفت و گاز ایران را تحریم می‌کرد، به همراه اصلاحات و اضافاتی در این قانون درج شده است؛ از جمله‌ی این اضافات، هرگونه فروش یا همکاری در فروش محصولات پالایشگاهی به ایران منع شده است. همچنین همکاری با ایران برای تولید بنزین تحریم شده است. همچنین جریمه‌ی افرادی که از تحریم‌ها تخلف می‌کنند نسبت به قانون تحریم‌های ایران افزایش یافته است
- در این قانون هم تحریم هرگونه صادرات و واردات اشخاص آمریکایی با ایران مجدداً قید شده است
- کلیه‌ی موسساتی که با سپاه پاسداران و زیرمجموعه‌هایش از طریق تامین مالی فعالیت‌هایشان همکاری می‌کنند تحریم می‌شوند
- همچنین با اشاره به وقایع پس از انتخابات سال ۸۸، نام تعدادی از افراد و سازمانها به عنوان ناقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است

البته این قانون که در زمان تصویب، مهمترین مصوبه‌اش تحریم بنزین ایران بود، هیچ‌گاه نتوانست ضربه‌ی جدی به اقتصاد ایران وارد کند، چرا که با تغییر کاربری تعدادی از پالایشگاه‌ها و تولید بنزین در داخل و همچنین اجرای سهمیه‌بندی سوخت و کنترل مصرف داخل، کشور در تولید این محصول به خودکفایی دست پیدا کرد.

در ادامه اوپاما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا با استناد به این قانون، چند دستور اجرایی برای گسترش تحریم‌ها علیه ایران صادر می‌نماید.

دستور اجرایی ۱۳۵۹۰

بر اساس این دستور اجرایی که در نوامبر ۲۰۱۱ ابلاغ شد فروش تجهیزاتی که ایران بتواند بخش نفت و گاز خود را نگهداری کند یا ارتقاء دهد از جمله دریل، پمپ و سکوی نفتی و همین‌طور فروش کالا یا خدماتی که ایران بتواند در تولیدات پتروشیمی خود از آن استفاده نماید مشمول تحریم‌ها می‌باشد.

دستور اجرایی ۱۳۵۹۹

در مهمترین بند این دستور اجرایی که در تاریخ ۵ فوریه‌ی ۲۰۱۲ صادر شد، آمده است:

²⁹⁷ Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act

«تمام اموال و منافع دولت ایران، از جمله بانک مرکزی ایران، که در ایالات متحده آمریکا و یا در اختیار هر شخص آمریکایی، از جمله شعبه‌های خارجی بانکها است و یا از این پس در اختیار آنها در می‌آید، مسدود اعلام می‌شود و امکان انتقال، پرداخت، صادرات و خارج شدن را ندارد.»

دستور اجرایی ۱۳۶۲۲

این دستور اجرایی به منظور منع خرید نفت از ایران، در جولای ۲۰۱۲ صادر شد و هدف آن وارد آوردن ضربه‌ی جدی به ایران از طریق محدود کردن درآمدهای نفتی می‌باشد. بر اساس این دستور اجرایی هر شخص یا نهادی که نفت خام یا فرآورده‌های آن یا محصولات پتروشیمی ایران را خریداری نماید، یا با شرکت ملی نفت ایران یا شرکت بین‌المللی نفتیان معامله‌ای را انجام دهد، توسط ایالات متحده‌ی آمریکا جریمه خواهد شد.

براساس این دستور اجرایی، رئیس جمهور حق دارد کشورهایی را که به طور قابل ملاحظه‌ای خرید نفتشان از ایران را کاهش دهند، برای یک بازه‌ی ۱۸۰ روزه از این جریمه‌ها معاف نماید. در پایان این دوره‌ی معافیت، مجدداً وضعیت خرید نفت این کشورها از ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همچنین دارایی‌های آمریکایی افرادی که به این دو شرکت یا بانک مرکزی ایران کمک مالی کنند یا به ایران برای خرید اوراق بانک‌های آمریکا یا فلزات گرانبها کمک کنند توقیف می‌شود.

همزمان با صدور این فرامین اجرایی از سوی رئیس جمهور، کنگره‌ی آمریکا مشغول بررسی طرحی برای فشار بیشتر بر ایران بود که بعداً تحت عنوان «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه» به تصویب رسید.

دور دوم تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا

دور دوم تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا از جولای سال ۲۰۱۰ و با تصویب قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در شورای امنیت سازمان ملل آغاز می‌شود. این تحریم‌ها، محدودیت‌های شدیدی را بر حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله صادرات و واردات، حمل و نقل و بخش مالی اعمال می‌کند، آخرین قانون تحریم اتحادیه‌ی اروپا در اکتبر ۲۰۱۲ به تصویب رسیده است. اهم موارد دور دوم تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا عبارتند از:

- فروش یا هرگونه مشارکت در فروش کلیه‌ی اقلامی که مرتبط با بخش نظامی یا هسته‌ای باشند یا کاربرد دوگانه داشته باشند منع می‌شود

- فروش هرگونه کالا، خدمات و فناوری کلیدی مرتبط با صنعت نفت و گاز در حوزه‌های پالایش، اکتشاف، گاز طبیعی مایع و تولید منع می‌شود
- واردات نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران به اروپا ممنوع اعلام می‌شود، از جمله بیمه، بیمه‌ی اتکایی و خدمات مالی مرتبط با این واردات هم مشمول تحریم است
- تجارت طلا، فلزات گرانبها و الماس با دولت و بانک مرکزی ایران و موسسات وابسته به آنها ممنوع است
- بانکهای ایرانی حق ایجاد شعبه‌ی جدیدی در محدوده‌ی اتحادیه‌ی اروپا را ندارند؛ همچنین هرگونه همکاری با بانکها و موسسات مالی ایرانی در هرکجای دنیا باید قطع شود
- هرگونه تجارت با نهادها یا افراد وابسته به سپاه پاسداران یا شرکت کشتیرانی ایران ممنوع می‌باشد
- کلیه‌ی کشتی‌ها و هواپیماهای ایرانی مورد بازرسی قرار می‌گیرند و دسترسی پروازهای حمل بار ایران به فرودگاه‌های تحت کنترل کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا محدود می‌شود
- دارایی‌های افراد و نهادهایی که از دولت ایران حمایت اقتصادی می‌کنند مسدود می‌شود
- واردات گاز طبیعی ایران، و همچنین فروش گرافیت و آهن آلات خام یا نیم‌ساخته به مقصد صنایع هسته‌ای یا صنایعی که تحت کنترل سپاه هستند، ممنوع اعلام می‌شود
- هرگونه قرارداد تامین مالی برای تجارت با ایران، مانند اعتبارات صادراتی، گارانتی و بیمه ممنوع است
- اعطای هرگونه خدمات پرچم، طبقه‌بندی و شماره‌ی شناسایی به نفتکش‌ها و کشتی‌های باری ایرانی ممنوع است. همچنین تامین هرگونه کشتی برای نقل و انتقال یا ذخیره‌ی نفت و محصولات پتروشیمی ایران ممنوع است

قانون «کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه ۲۰۱۸»

- همزمان با ناآرامیهای به وجود آمده در سوریه و حمایت ایران از این کشور، کنگره‌ی آمریکا در آگوست ۲۰۱۲ طرحی را به تصویب رساند که بر اساس آن همزمان بر دو کشور ایران و سوریه فشار بیشتری را وارد نماید. مواد مهمی از این قانون که مرتبط با ایران می‌باشد، عبارتند از:
- همکاری مشترک با ایران در توسعه‌ی منابع نفتی، همکاری در توسعه‌ی منابع نفتی یا محصولات پالایشگاهی ایران و همچنین همکاری در تولید محصولات پتروشیمی یا خرید محصولات پتروشیمی ایران ممنوع می‌باشد
 - هر شخصی که به نحوی سهامدار یا مالک کشتی‌ای است که نفت خام ایران را انتقال می‌دهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت. البته انتقال نفت ایران به کشورهایی که به دلیل کاهش چشمگیر خریدشان، از تحریم خرید نفت مستثنی شده‌اند، مشمول تحریم نمی‌باشد

²⁹⁸ Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act

- هر معامله‌ای که به ایران در توسعه‌ی سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای و متعارف پیشرفته کمک کند، تحریم می‌باشد، از جمله افرادی که در استخراج و تولید اورانیوم به ایران کمک می‌کنند مجازات خواهند شد
- کسانی که خدمات اعتبارسنجی، بیمه و بیمه اتکایی به شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی نفت کش ایران و شرکت‌های تابعه‌ی آنها ارائه نمایند مجازات می‌شوند
- مؤسسات مالی که خدماتی را به افراد تحریم شده ارائه می‌کنند، مورد مجازات قرار می‌گیرند
- تحریم و بلوکه شدن دارایی‌های حکومت ایران و مؤسسات مالی ایرانی و تحریم بانک مرکزی ایران تا زمانی که رئیس جمهور گزارشی مبنی بر اینکه آنها در فعالیت‌های ایران در زمینه‌های تسلیحاتی و هسته‌ای یا فعالیت‌های سپاه دخالت ندارند، ادامه می‌یابد
- همچنین در این قانون تحریم‌های بیشتری علیه سپاه و نهادها و افراد وابسته به آن وضع شده است، از جمله هر شرکتی که بخواهد با دولت آمریکا همکاری کند باید گواهی بدهد که در هیچ فعالیت اقتصادی مشترکی با سپاه وارد نشده است

دسته بندی مفهومی تحریم‌ها

در قسمت قبل روند تاریخی تحریم‌های تصویب شده علیه ایران بررسی شد. لازمه‌ی پیش‌بینی تحریم‌های آتی، مقابله‌ی فعال با تحریم‌ها و طراحی راهکار به منظور تبدیل تهدید تحریم به فرصت، اشراف مفهومی بر این تحریم‌هاست. لذا در این قسمت ضمن ارائه‌ی یک دسته‌بندی مفهومی از انواع تحریم‌های صورت گرفته، میزان پیشروی هریک از گروه‌های تحریم‌کننده در هر یک از دسته‌ها بررسی خواهد شد.

دسته‌بندی مفهومی تحریم‌ها در حوزه‌ی تجارت و سرمایه‌گذاری

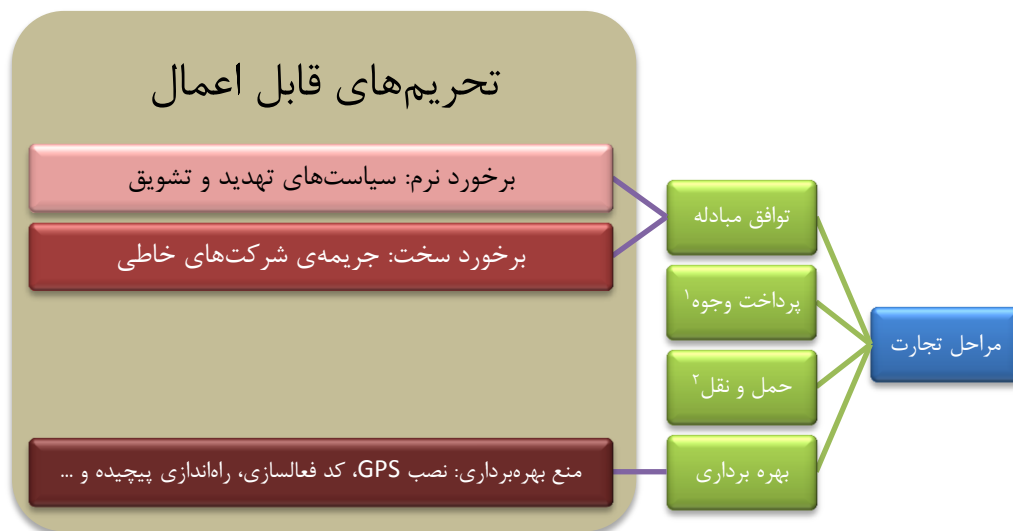
در یک دسته‌بندی کلی می‌توان تجارت را به چهار مرحله شامل توافق انجام مبادله بین خریدار و فروشنده، پرداخت وجوه توسط خریدار به فروشنده، نقل و انتقال کالا و نهایتاً بهره برداری از آن توسط خریدار تقسیم نمود که هر کدام به شیوه‌هایی قابل تحریم است. تحریم‌های مربوط به پرداخت وجوه (مالی) و تحریم‌های حمل و نقل به صورت مجزا بررسی خواهند شد و در این بخش فقط به بررسی دو مورد دیگر می‌پردازیم.

به صورت کلی، کشورهای متخاصم در مرحله‌ی توافق مبادله از دو رویکرد سخت و نرم برای مقابله استفاده می‌کنند. در رویکرد نرم، با اعمال سیاست‌های تهدیدآمیز، مانند بدنام کردن ایران در فضای بین‌المللی، تهدید شریک تجاری به تحریم و ... ریسک تجارت با ایران را افزایش می‌دهند. همچنین با سیاست‌های تشویقی مانند اعطای وام و واگذاری پروژه به شرکت‌هایی که تجارتشان با ایران را قطع نمایند، آنها را از انجام تجارت با ایران منصرف می‌کنند.

در رویکرد سخت، شرکت‌هایی که با ایران تجارتی داشته باشند مورد مجازات قرار می‌گیرند. برخی از این مجازات‌ها که در قوانین تحریم به آن اشاره شده عبارتند از:

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

- بستن حسابهای بانکی آن شرکت و مسدود نمودن دارایی‌هایش
- منع خرید دولتی از آن شرکت یا واگذاری پروژه‌های دولتی به آن شرکت
- تحریم ارائه‌ی خدمات مالی به آن شرکت از قبیل اعطای وام، بیمه، ضمانت و ...
- قرار دادن نام آن شرکت در لیست سیاه و در نتیجه ممنوعیت معامله‌ی سایر شرکت‌ها با آن شرکت
- تحریم مالکان و سهامداران اصلی شرکت



نمودار شماره‌ی ۱، دسته‌بندی مفهومی مراحل تجارت و روشهای تحریم

با توجه به دسته‌های کالایی که در قوانین تحریم ایران از آنها به صورت مجزا نام برده شده است، می‌توان جدول زیر را در خصوص تحریم‌های تجاری ایران ارائه نمود، در هر یک از خانه‌های جدول تاریخ اعمال آخرین تحریم هم درج شده است:

| تحریم‌های اولیه ^{۳۹۹} | تحریم‌های ثانویه | تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا | تحریم‌های شورای امنیت | |
|--------------------------------|------------------|---------------------------|-----------------------|-----------------------------------|
| آمریکا | آمریکا | اروپا | شورای امنیت | نظامی و موشکی |
| ۱۹۸۴ | ۱۹۸۴ | فوریه ۲۰۰۷ | مارس ۲۰۰۷ | |
| می ۱۹۹۵ | ژوئن ۲۰۱۰ | ژانویه ۲۰۱۲ | | دارای کاربرد دوگانه |
| می ۱۹۹۵ | ژوئن ۲۰۱۰ | فوریه ۲۰۰۷ | دسامبر ۲۰۰۶ | هسته‌ای و فناوری‌های حساس پیشرفته |
| می ۱۹۹۵ | اگوست ۱۹۹۶ | نوامبر ۲۰۱۱ | | صنعت نفت و گاز و پتروشیمی |
| می ۱۹۹۵ | جولای ۲۰۱۲ | ژانویه ۲۰۱۲ | | فلزات گرانبها و فلزات پرکاربرد |
| می ۱۹۹۵ | | اکتبر ۲۰۱۲ | | مواد اولیه و تجهیزات صنایع دریایی |
| می ۱۹۹۵ | | | | تجهیزات و قطعات صنایع هوایی |
| می ۱۹۹۵ | | | | سایر اقلام |

جدول شماره ۱، نقشه‌ی تحریم‌های تجاری علیه ایران

در تحریم‌های پیشرفته‌تر، در خصوص برخی کالاها خاص، مانند تجهیزات پیشرفته‌ی هسته‌ای یا نظامی، محدودیت‌هایی در بهره‌برداری نیز قابل اعمال است؛ در این حالت بر فرض دور زدن تحریم‌ها هم آن کالا قابل استفاده نخواهد بود. برای نمونه گزارشاتی وجود دارد که بعضی از دستگاه‌های پیشرفته، در قسمت کنترلی خود دارای GPS بوده‌اند که با شناسایی موقعیت جغرافیایی ایران از کار باز ایستاده است. به عنوان مثالی دیگر، برخی نرم‌افزارها با اتصال به اینترنت و شناسایی IP مربوط به ایران غیر فعال می‌شوند.

همین رویکرد مقابله‌ی نرم و سخت در مقابله با سرمایه‌گذاری در ایران هم دنبال شده است. البته تحریم سرمایه‌گذاری، عمدتاً ناظر به بخش انرژی بوده و به سایر بخشها تسری نیافته است. جدول تحریم‌های سرمایه‌گذاری در ایران به صورت زیر می‌باشد:

| تحریم‌های اولیه | تحریم‌های ثانویه | تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا | تحریم‌های شورای امنیت | |
|-----------------|------------------|---------------------------|-----------------------|-------------------------------|
| آمریکا | آمریکا | اتحادیه‌ی اروپا | شورای امنیت | سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز |
| مارس ۱۹۹۵ | می ۱۹۹۵ | جولای ۲۰۱۰ | | |
| مارس ۱۹۹۵ | | | | سرمایه‌گذاری در سایر حوزه‌ها |

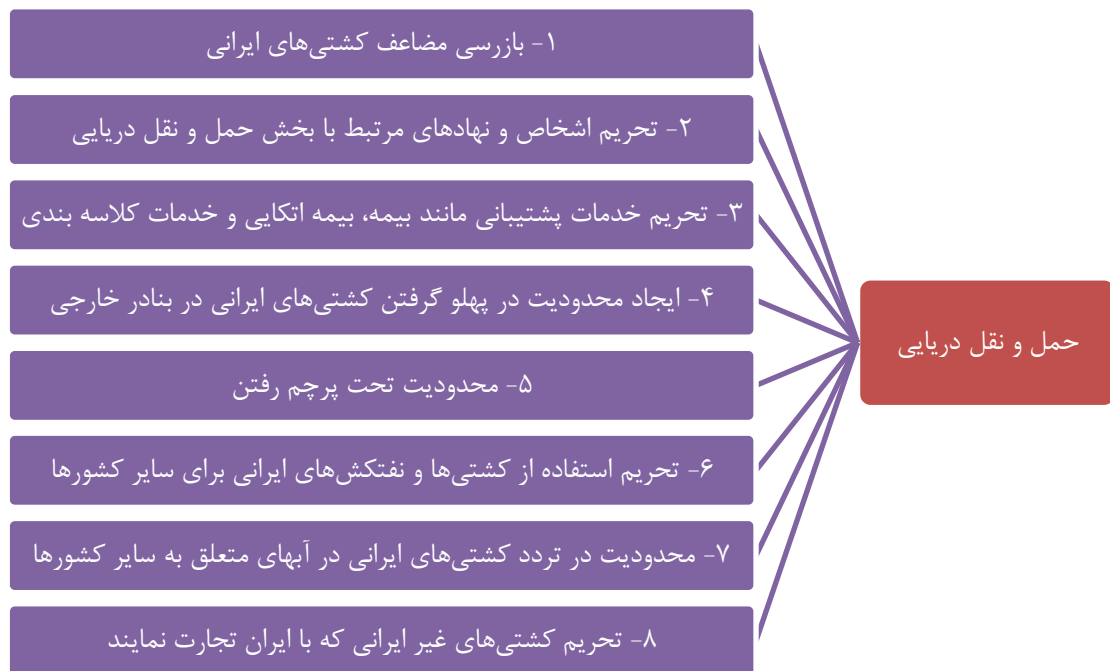
جدول شماره ۲، نقشه‌ی تحریم‌های سرمایه‌گذاری علیه ایران

^{۳۹۹} منظور از تحریم‌های اولیه، تحریم‌های درون سرزمینی و منظور از تحریم‌های ثانویه تحریم‌های فراسرزمینی می‌باشد

دسته‌بندی مفهومی تحریم‌ها در حوزه‌ی حمل و نقل

در بحث حمل و نقل، عمدتاً دو حوزه‌ی حمل و نقل دریایی و حمل و نقل هوایی هدف اعمال تحریم‌ها قرار گرفته و حمل و نقل ریلی و جاده‌ای مشمول تحریم‌های جدی نشده است. لذا در این قسمت به بررسی تحریم‌های حمل و نقل و دریایی پرداخته می‌شود.

بیش از ۹۰ درصد تجارت ایران از طریق دریا انجام می‌شود. ناوگان کشتی‌های تجاری و نفتکش ایران بزرگترین ناوگان در منطقه و چهارمین ناوگان بزرگ در دنیاست. برخورداری از این ناوگان مجهز امکان کسب درآمد برای ایران از طریق اجاره دادن کشتی و نفتکش را مهیا کرده است. همچنین بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران از طریق دریا صورت می‌گیرد. کشورهای متخاصم نیز که به خوبی این اهمیت را درک کرده‌اند، با توسل به تحریم تلاش می‌کنند محدودیت‌هایی را در فرآیندهای مختلف حمل و نقل دریایی برای ایران ایجاد کنند. در حوزه‌ی حمل و نقل دریایی، تحریم‌های قابل اعمال، به ترتیب شدت و اثربخشی عبارتند از:



نمودار شماره‌ی ۲، دسته‌بندی تحریم‌ها در حوزه‌ی حمل و نقل دریایی

حمل و نقل هوایی در ایران بیشتر برای جابه‌جایی مسافر مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال تحریم‌هایی که در این بخش از سال 1995 وضع شده نشان می‌دهد بر خلاف ادعای دروغین دولتمردان غربی، تحریم‌ها علاوه بر بخشهای نظامی و هسته‌ای، غیرنظامیان را نیز هدف گرفته است. در حوزه‌ی حمل و نقل هوایی تحریم‌های قابل اعمال به ترتیب شدت عبارتند از:



نمودار شماره‌ی ۳، دسته‌بندی تحریم‌ها در حوزه‌ی حمل و نقل هوایی

جدول زیر نشان می‌دهد که در هریک از بخشهای حمل و نقل دریایی و هوایی، تحریمها با چه شدتی علیه ایران به تصویب رسیده‌اند.

| تحریم‌های اولیه‌ی آمریکا | تحریم‌های ثانویه‌ی آمریکا | تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا | تحریم‌های شورای امنیت | |
|--------------------------|---------------------------|---------------------------|-----------------------|------------------|
| (۷) | (۶) | (۶) | (۲) | حمل و نقل دریایی |
| (۵) | (۲) | (۴) | (۱) | حمل و نقل هوایی |

جدول شماره‌ی ۲، نقشه‌ی تحریم‌های حمل و نقل علیه ایران

دسته‌بندی مفهومی تحریم‌ها در حوزه‌ی مالی

تحریم‌های مالی از سه جنبه‌ی مهم مبادلات کشور را دچار مشکل نموده است: ۱- بلوکه شدن دارایی‌های موسسات و شرکتهای دولتی، ۲-

تحریم انجام مبادلات مالی و استفاده از خدمات موسسات مالی، ۳- تحریم استفاده از زیرساختهای ارتباطی مالی مانند شبکه سوئیفت.

بر این اساس، می‌توان دسته‌بندی زیر را درباره‌ی روند اجرای تحریم‌های مالی ارائه کرد:



نمودار شماره ۴، دسته‌بندی تحریم‌ها در حوزه‌ی جریان مالی

با توجه به متن قوانین تحریم که در بخش قبلی مورد بررسی قرار گرفت، جدول تحریم‌ها در حوزه‌ی مالی به صورت زیر قابل ارائه می‌باشد:

| تحریم‌های اولیه‌ی تحریم‌های | تحریم‌های تحریم‌های | تحریم‌های تحریم‌های | تحریم‌های تحریم‌های |
|-----------------------------|---------------------|---------------------|---------------------|
| آمریکا | اتحادیه‌ی اروپا | ثانویه‌ی آمریکا | شورای امنیت |
| (۷) | (۶) | (۵) | (۵) |
| تحریم‌های مالی | | | |

جدول شماره ۳، نقشه‌ی تحریم‌ها در حوزه‌ی مالی

دسته‌بندی مفهومی تحریم‌ها در حوزه‌ی نفت و گاز

تا پیش از اجرای تحریم خرید نفت ایران، بخش نفت، شامل نفت و گاز و فرآورده‌های آنها، حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی^{۳۰۰} و حدود ۸۰ درصد صادرات و بین ۶۰ تا ۷۰ درصد درآمد دولت ایران را تشکیل می‌داده است. با توجه به این تاثیر بالای بخش نفت در اقتصاد کشور، دشمنان انقلاب و در راس آنها آمریکا، این حوزه‌ی حیاتی درآمد کشور را هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار داده‌اند.

در یک دسته‌بندی کلی، تعاملات ایران با سایر کشورها در حوزه‌ی انرژی به یکی از چهار صورت زیر انجام می‌گیرد:

۱. سرمایه‌گذاری خارجی و مشترک در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

³⁰⁰ GDP

دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

۲. واردات کالا، خدمات و تکنولوژی مرتبط با صنعت نفت، گاز و پتروشیمی

۳. واردات فرآورده‌های نفت و گاز و محصولات پالایشگاهی خصوصاً بنزین

۴. صادرات نفت خام، فرآورده‌های نفتی، محصولات پتروشیمی و گاز طبیعی

توانایی بالقوه‌ی تولید در بخش نفت و گاز ایران، بسیار بیشتر از تولید فعلی است و این بخش برای توسعه‌ی خود احتیاج به سرمایه‌گذاری‌های جدی دارد. به همین دلیل آمریکا، برای جلوگیری از توسعه‌ی بخش نفت ایران، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی ایران را مورد تحریم‌های جدی قرار داد.

بر اساس تحریم‌های آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا، فروش هرگونه کالا، خدمات و فناوری مرتبط با بخش صنعت نفت و گاز در تمام حوزه‌های پالایش، اکتشاف و تولید ممنوع شده است. به علاوه خرید نفت و گاز و فرآورده‌های آنها از ایران هم ممنوع اعلام شده است. همچنین در تحریم‌های ایالات متحده، فروش محصولات پالایشگاهی به ایران مشمول تحریم‌ها قرار گرفته است.

علیرغم این تحریم‌ها، به دلیل عدم همراهی بین‌المللی با سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل تحریمی بر این بخش وضع نکرده است.

| تحریم‌های اولیه‌ی آمریکا | تحریم‌های ثانویه‌ی آمریکا | تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا | تحریم‌های شورای امنیت |
|--------------------------|---------------------------|---------------------------|-----------------------|
| ✓ | ✓ | | |
| ✓ | ✓ | ✓ | |
| ✓ | ✓ | | |
| ✓ | ✓ | ✓ | |

جدول شماره‌ی ۴، نقشه‌ی تحریم‌های بخش نفت و گاز ایران

پیش‌بینی تحریم‌های آتی

در قسمت قبل میزان پیشروی تحریم‌ها در بخش‌های اساسی اقتصاد بررسی شد. با توجه به دسته‌بندی انجام شده، می‌توان تشدید تحریم‌ها در برخی حوزه‌ها را پیش‌بینی نمود. البته ممکن است بعضی از تحریم‌های آتی از حوزه‌ی اقتصادی فراتر روند، مثل تشدید تحریم‌های علمی، مستثنا کردن ایران از رخدادهای بین‌المللی ورزشی مثل جام جهانی فوتبال و یا کاهش مبادلات دیپلماتیک با ایران و ایجاد محدودیت در مسافرت مقامات ایرانی. در این بخش به بعضی از این تحریم‌های ممکن که مرتبط با بخش اقتصادی است می‌پردازیم:

تشدید تحریم‌های حمل و نقل دریایی

با توجه به اینکه علیرغم تحریم‌های موجود، همچنان بخش قابل توجهی از تجارت کشور از راه دریا صورت می‌گیرد، گام بعدی تحریم‌ها که می‌تواند مشکل جدی برای تجارت کشور ایجاد نماید، تحریم ذی‌نفعان کلبه‌ی کشتی‌های ایرانی و غیر ایرانی است که هر تجارتی با ایران انجام دهند. همچنین ممکن است کشورهایی که با کشتی‌های ایرانی تجارت کنند یا اجازه‌ی ورود آنها به بندرهای خود را بدهند مورد مجازات قرار بگیرند.

ممنوعیت سرمایه‌گذاری جهانی در بخش انرژی ایران

این قدم به نوعی بین‌المللی کردن قانون تحریم ایران است. هرچند ایجاد محدودیت‌های بین‌المللی با توجه به عدم اجماع جهانی دشوار به نظر می‌رسد، اما به دلیل اهمیت حوزه‌ی نفت و گاز برای کشور، آمریکا هرتلاشی را برای تصویب چنین تحریمی انجام خواهد داد.

تحریم‌های استاندارد

یکی از روشهای نرمی که غرب برای محدود کردن تجارت با ایران مورد استفاده قرار داده، ایجاد ممنوعیتهای استاندارد می‌باشد، یعنی اجازه‌ی واردات را مشروط به داشتن استانداردهای خاصی بکنند که تهیه‌ی آنها به دلیل وجود تحریم‌ها و همین‌طور هزینه‌ی بالا، برای تولیدکنندگان ایرانی دشوار است. در حال حاضر هم بسیار از شرکت‌های بین‌المللی استاندارد، ارائه‌ی خدمات به ایران را متوقف کرده‌اند و بعضا تولیدکنندگان ایرانی، محصولاتشان را با نام سایر کشورها صادر می‌کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانطور که در این مقاله بررسی شد، بر خلاف ادعای دروغین دولتمردان غربی که تحریم‌ها علیه ایران را تحریم‌هایی هوشمند عنوان می‌کنند، این تحریم‌ها جامع بوده و به طور وحشیانه‌ای شهروندان ایرانی را هدف قرار داده است.

بی‌شک تاکید ایران بر مواضع برحق خود در خصوص مسائل بین‌المللی و انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای با تحریم‌های بیشتر از سوی آمریکا و دیگر کشورهای غربی همراه خواهد بود. پیش‌بینی این تحریم‌ها، قدم موثری برای مقابله با آنها می‌باشد. از جمله باید برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز و روشهای تجارت کشور راهکارهای غیرقابل تحریمی طراحی شود.

البته علیرغم بدخواهی کشورهای متخاصم، این تحریم‌ها برای کشور برکاتی به همراه خواهد داشت، از جمله فرصتی برای پیشرفت در حوزه‌هایی که سابقا مغفول بوده و همین‌طور اجرای اصلاحات در سیاستها و ساختارهای مهم اقتصادی کشور فراهم شده است.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

منابع

محمد هادی دریایی، گزارش بررسی تحریم‌های اقتصادی و راههای مقابله با آن: مطالعه‌ی موردی ایران، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۸۶

Kenneth Katzman, Iran Sanctions, Congressional Research Service, 2012

www.treasury.gov/ofac سایت اداره‌ی کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا

فرمانهای اجرایی رئیس جمهور آمریکا و قوانین تحریمی کنگره علیه ایران

قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران

قوانین تحریمی مصوب اتحادیه‌ی اروپا علیه ایران



تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

حسین عسکری

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، hosein.askari@yahoo.com

چکیده

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک الگوی اقتصادی متناسب با جمهوری اسلامی ایران در تمام شرایط - و نه فقط در شرایط تحریم - مطرح می‌باشد. این الگو که کاستی آن سال‌هاست در کشور ما حس می‌شود، دارای فروض و اهداف مختلفی است. این فروض و اهداف، فصل ممیز این الگوی اقتصادی با سایر الگوها می‌باشد. در این مقاله ابتدا به مروری بر جنبه‌های مختلف نظری اقتصاد مقاومتی پرداخته‌ایم و روش کار خود را در تبیین این الگو معرفی کرده‌ایم. سپس با توجه به راهبردهای پیشنهادی در این الگو و پس از معرفی هر کدام از آنان، سیاست‌ها و دلالت‌های عملی در حوزه انرژی ذیل هر راهبرد توضیح داده شده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، راهبردهای اقتصاد مقاومتی، مقابله فعال با تحریم‌ها، تحریم نفتی

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، در حالی چهارمین دهه از عمر خود را می‌گذراند که شرایط حاکم بر روابط میان ایران و سایر کشورها دچار تغییرات عمده تاکتیکی شده است. به دلیل آرمان‌ها و اهداف خاص این نظام اسلامی، روابط میان جمهوری اسلامی ایران با کشورهایی که از آنان به نظام سلطه یاد می‌شود، هیچ‌گاه اصلاح نخواهد شد و در هر دوره‌ای به شکلی به منصفه ظهور خواهد رسید. روزی این چالش، به شکل جنگ نظامی دیده شد، روزی به شکل تهاجمات فرهنگی و سیاسی و امروز به شکل جنگ اقتصادی. جنگ اقتصادی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران موضوع جدیدی نیست، بلکه تغییر تاکتیک هوشمندانه آنان در عوض کردن زمین جنگ است. جنگ امروز در عرصه‌ای است که نقطه قوت دشمنان و نقطه ضعف ماست.

در طی ۳۰ سال پس از پیروزی انقلاب، گرچه در کشور توفیقات فراوانی در عرصه‌های مختلف اعم از نظامی، علم و فناوری و ... به دست آمده، اما در طراحی ساختارها و سازوکارهای متناسب با سایر شئون اجتماعی و فرهنگی توفیقات کشور چشم گیر نبوده است. اگرچه دغدغه طراحی مدل‌های اداره جامعه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و بومی همواره دغدغه اندیشمندان کشور بوده، اما در حوزه عمل به دلیل آسوده خاطر بودن مسئولین در اداره‌ی امور کشور - علی‌رغم مشکلات ساختاری - به دلیل وجود درآمدهای کلان نفتی تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه صورت نپذیرفته است. تحریم‌های اقتصادی کشور، فرصتی است که نگاهی دوباره به سازوکارهای اقتصادی کشور در زمینه‌های مختلف تجاری، صنعتی، پولی و بانکی و ... شود و با توجه به نیازهای بومی انقلاب اسلامی طراحی ویژه‌ای برای آن صورت پذیرد.

در طراحی الگوی اقتصادی متناسب با جمهوری اسلامی بایستی چند مسئله را مد نظر قرار داد. نخست آنکه این مدل بایستی ذیل مبانی اسلامی تعریف شود. چرا که در نگاه اسلامی، بر خلاف نگاه اومانستی غرب، اقتصاد، سیاست و... ذیل جهان بینی و فرهنگ اسلامی قرار می‌گیرد. پس بایستی چهارچوب و مبانی کلی اسلامی به عنوان جهت‌گیری کلی این مدل به کار رود. از طرف دیگر، این مدل بایستی مساله محور باشد و برای حل مسائل بومی نظام تلاش کند. لازم به ذکر است که این گفتار به معنای ترک کامل مدل‌های رایج اقتصاد غرب نیست. بلکه به دلیل تجربه این مدل در حل مسائل جاری کشورهای خود، می‌توان از آن تجارب بهره مند شد. مسئله‌ای که بایستی در این‌جا مورد توجه قرار داد این است که گرچه این مدل‌ها حاصل سال‌ها تلاش در عرصه وسیعی از کشورهای مختلف می‌باشد، اما در مواردی چون مبتنی بر فروض انسان-شناسی و روابط اقتصادی خاص هستند، با واقعیات انسان اسلامی و جامعه انقلابی ایران همخوانی ندارند. پس در استفاده از آنان بایستی دقت لازم را به کار برد و از تقلید کورکورانه آنها پرهیز نمود.

۱. مبانی الگوی مقاومتی:

با نگاهی به الگوهای مختلف اقتصادی، تفاوت‌های آشکاری بین آنها دیده می‌شود. این تفاوت‌ها در سطوح مختلف وجود دارند. برخی تفاوت‌ها سطحی هستند که خود را در ارائه برنامه‌ها و راهکارهای سیاستی پیشنهادی بروز می‌دهند. غالباً این گونه تفاوت‌ها درون یک مکتب اقتصادی شکل می‌گیرند. در حالی که برخی تفاوت‌ها بنیادی هستند و در فروض و اهداف وجود دارند. معمولاً هر الگوی اقتصادی (به طور کلی هر مدل علمی) دارای فروض مختلفی است. الگوهای مختلف ممکن است در برخی فروض با یکدیگر یکسان و در برخی دیگر متفاوت باشند. فرض ممیزه اقتصاد مقاومتی که آن را از سایر الگوهای اقتصادی جدا می‌کند، وجود دشمن هوشمندی است که قصد آسیب زدن به کشور را در عرصه‌های مختلف و از جمله اقتصاد دارد. از آنجا که ماهیت نظام جمهوری اسلامی، ایدئولوژیک و آرمانی است، لذا تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران بر آرمان‌ها و اهداف خود پافشاری کند، این تقابل و مبارزه وجود خواهد داشت. لذا نظام اسلامی بایستی در تمامی زمینه‌هایی که بالقوه امکان آسیب‌رسانی به کشور وجود دارد، توانمند شده و توان بازدارندگی قابل توجهی کسب کند.

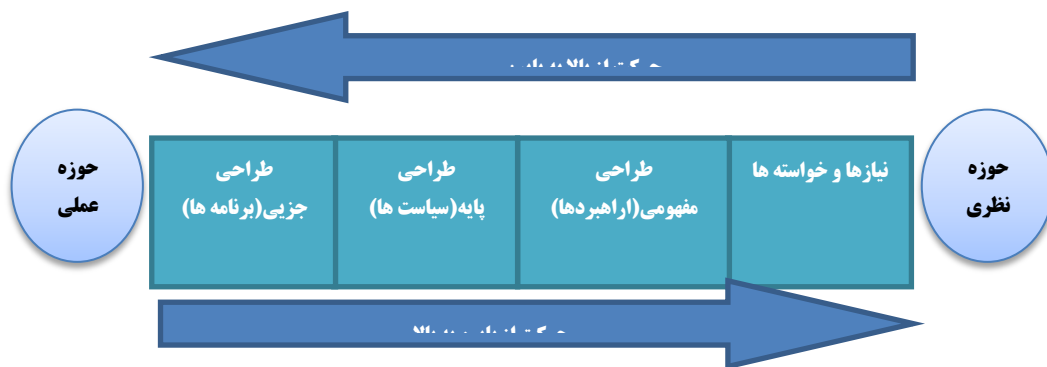
مسائل پیش آمده در سالیان پس از انقلاب در عرصه اقتصادی، این باور را برای بسیاری از کارشناسان پیش آورده که: "مشکل اصلی اقتصاد کشور، عدم ثبات داخلی به دلیل چالش همیشگی کشور با برخی کشورها بوده است" پس راه حل آنان مشخص است: دست کشیدن از آرمان‌ها و اهداف انقلاب به نفع توسعه کشور. اما می‌توان به این موضوع از دید دیگری نگریست و با فروض یاد شده این سؤال را مطرح کرد: "مسیر پیشرفت و توان مندی اقتصادی کشور، در شرایط مبارزه و جهاد و به تبع آن فشارها و تحریم‌های خارجی چگونه است؟" پس برای پاسخ به این سؤال بایستی اهداف خاصی را برای این الگوی فرضی مد نظر قرار داد. نخست آن که در بعد داخلی، این الگو افزایش رفاه عمومی را پیگیری می‌کند. نشان دادن اینکه جمع بین تعالیم اسلامی و حل مشکلات اقتصادی کشور، یکی از مطالبات همیشگی اقشار متدین و صاحب نظران کشور بوده است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه

می فرمایند: "ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه ی حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم. الگو را درست بگیریم تا ملت ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و تعالیم اسلام چگونه می تواند پیشرفت کند"^{۳۰۱}

در بعد خارجی نیز مبتنی بر فرض دشمن هوشمند، بایستی اهداف آفندی و پدافندی در عرصه اقتصاد را دنبال کرد. یعنی طراحی ساختارها و نهادهای اقتصادی بایستی به گونه‌ای باشد که هم‌زمان با این که خود را در مقابل تهدیدات و فشارهای کشورهای متخاصم تا حد ممکن آسیب‌ناپذیر کرده و در این میان کمترین ضربات اقتصادی را دریافت می‌کند، بتواند با سیاست‌هایی بیشترین لطامت و آسیب‌ها را به منافع این کشورها وارد سازد، به گونه‌ای که این سیاست‌ها، عامل بازدارندگی تحرکات دشمنان باشد.

۲. روش تحقیق:

به لحاظ تاریخی، صورت‌بندی الگوی اقتصاد مقاومتی از ابتدا برآمده از فروض و اهداف و... نبوده، بلکه ابتدا به شکل طراحی برنامه‌ها و سیاست‌هایی برای مواجهه فعال با تحریم‌ها بوده است. یعنی تلاش اولیه برای پاسخ به این سوال بوده است که در مواجهه با



شکل ۵۰: مسیر تحقیقی استخراج الگوی اقتصاد مقاومتی

تحریم‌ها (و تحریم‌های احتمالی آینده) چه راهکارهایی قابل پیشنهاد است که اولاً فعالانه باشد و ثانياً در شرایط غیر تحریمی نیز برای کشور مفید باشد؟ راهکارهایی که حتی اگر کشور تحریم نیز نمی‌شد، بایستی آنها را اجرا می‌کرد. سپس این برنامه‌ها و سیاست‌ها که در حوزه‌های مختلف تجاری، پولی و بانکی، صنعتی و... تهیه شده بودند، با در کنار هم قرار گرفتن و در مسیر پژوهشی معکوس، چارچوب اولیه الگوی اقتصاد مقاومتی را تدوین کردند. شکل ۱ این دو مسیر پژوهشی را نشان می‌دهد.

۱ بیانات در حرم مطهر رضوی- آغاز سال ۹۰

۳. راهبردهای اقتصاد مقاومتی

برای رسیدن به اهداف مورد نظر در چهارچوب اقتصاد مقاومتی بایستی راهبردهای کلی این الگو مشخص شوند. در ادامه هر یک از این راهبردها توضیح داده شده و با توجه به وضعیت حوزه انرژی راهکارهای پیشنهادی ذیل هر راهبرد ارائه می‌گردد.

۱-۴- کنترل سوداگری و فساد

برای مقاوم‌سازی و تحقق اقتصاد پایدار به منظور ارتقاء توان مقابله با تهدیدها و آسیب‌های بیرونی، گام اول مهار سوداگری و فساد است. منظور از سوداگری فعالیت‌های غیرمولدی است که از نوسانات بازار سوء استفاده کرده و بدون انجام فعالیت‌های مفید اقتصادی بهره‌مندی‌های گاه‌کالان را نصیب برخی افراد می‌کند. منشأ بروز این آسیب در ارتقاء عدم تقارن اطلاعاتی، رانت اطلاعاتی، انحصار و... می‌باشد. فعالیت‌های مبتنی بر دارای و سوداگری بخش مولد اقتصاد را تضعیف کرده و آسیب‌پذیری آن را بیشتر می‌کند. اقتصاد مبتنی بر دلالی و سوداگری در مواجهه با کمترین فشار خارجی به سرعت پایدار شده و به تدریج متلاشی می‌گردد. در این راستا، بایستی مسیرهای موازی تولید در حوزه‌های مختلف مانند ارز و سکه، پول و اعتبارات، زمین و مسکن و ... بسته شود و مسیرهای تولیدی سهل‌گردد یعنی جذاب کردن بخش مولد و غیرجذاب کردن بخش نامولد، بایستی در دستور کار قرار گیرد. لذا می‌توان برای این منظور بایستی رشته‌های این امر که رانت‌ها و عدم تقارن‌های اطلاعاتی است مورد توجه قرار گیرد و مدیریت شود. برقراری مالیات‌های تنظیمی، مقررات و آیین‌نامه‌های شفاف، ... می‌تواند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

فساد نیز به نظر می‌رسد مفهوم شفاف‌تری دارد. طیفی از اعمال خلاف قانون و حتی مجرمانه و گاه سوءاستفاده از خالهای قانونی در حوزه اقتصادی از ارتشاء و اختلاس تا قاچاق قابل فرض است.

اما نوع دیگری از فساد وجود دارد که معمولاً به آن توجهی نمی‌شود و آن فساد ساختاری است. یعنی سازوکارهای ساختار موجود به‌گونه‌ای چیده شده که کارآمدی سیستم را تنزل داده و موجبات فساد را فراهم می‌آورد. کنترل و کاهش فسادهای ساختاری منوط به طراحی و اجرای سازوکارهای فسادگریز می‌باشد.

۱-۴-۱- زمینه‌های فساد و سوداگری

در بخش انرژی و مخصوصاً نفت امکان سوداگری نسبت به سایر حوزه‌ها کمتر وجود دارد. اما می‌توانیم از نفت به منظور جذاب کردن بخش مولد استفاده کرده و سرمایه‌های سرگردان مردم را به این سمت سوق دهیم که در بخش‌های آینده به آن می‌پردازیم.

درخصوص فساد ساختاری در حوزه نفت زمینه‌هایی وجود دارد که امکان فساد بالقوه را در این حوزه فراهم می‌آورد. جمع شدن مجری و سیاستگذار در شرکت ملی نفت جمع شدن ناظر و سیاستگذار در وزارت نفت، انسان محور بودن فعالیت‌ها در زمینه بازاریابی و فروش (که شفافیت در عملکرد و نحوه تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد) و ... از جمله زمینه‌های موجود در حوزه انرژی است.

لذا می‌توان راهکارهایی را برای این مهم پیشنهاد داد. اصلاح نهادی رابطه بین شرکت ملی نفت و وزارت نفت به منظور ایجاد رابطه کارفرما - پیمانکار می‌تواند در کاهش فساد ساختاری موثر باشد. شرکت نفت در جایگاهی است که بهتر است شرکت عملیاتی باشد نه سیاستگذار و وزارت نفت نیز سیاستگذاری را وظیفه خود بداند و از ورود در اجرا پرهیز کند. (قاعده تفکیک مجری - سیاستگذار - ناظر) همچنین می‌توان با طراحی سازوکارهای مانند بورس نفت شفافیت عملکردی و تصمیم‌گیری را در این حوزه افزایش داد. ایجاد زمینه‌های جذب سرمایه‌های سرگردان به حوزه سرمایه‌گذاری در نفت که می‌تواند جذابیت بالایی داشته باشد، از ظهور سوداگری در سایر عرصه‌های اقتصادی می‌کاهد.

۲-۴- مشارکت فعال مردمی

مشارکت فعال مردمی یعنی توده‌های مردم بار اصلی اقتصاد را بر دوش کشند و نقش اصلی را در این عرصه ایفا نمایند. همانگونه که در عرصه سیاسی نقش اصلی را در این حوزه رابطه بین امام و امت تشکیل می‌دهد و احزاب سیاسی در جایگاه بعدی هستند، در نظام اسلامی نبایستی به مردم فقط به دید مصرف‌کننده نگریست. اقتصاد زمانی که محوریت آن توده‌های مردم می‌باشند دارای پایداری بسیار می‌گردد. در بخش تولیدی بایستی مسیر اصلی کسب بهره‌مندی‌ها، مبتنی بر توانمندسازی و عاملیت توده‌های مردم باشد. در این راستا مردم می‌توانند در سطوح مختلف مانند نظارت و اجرا در لایه‌های مختلف مشارکت فعال داشته باشند. تجربه جهادسازندگی در ابتدای انقلاب می‌تواند در این زمینه رهگشا باشد.

۱-۲-۴- زمینه‌های موجود و راهکارهای پیشنهادی

در حوزه انرژی با توجه به طیف وسیع فعالیت‌ها این حوزه مردم عادی، شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ می‌توانند دخیل باشند. مردم عادی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در صنعت نفت دخیل شوند. اما بایستی برای آن همان‌گونه که پیشتر ذکر شد. ساز و کارهای اجرایی را پیش‌بینی کرد. شرکت‌های کوچک می‌توانند در بحث توزیع انرژی، تولید انرژی‌های نو، نیروگاه‌های کوچک و پراکنده و ... که نیازمند سرمایه‌گذاری کمی هستند، مشارکت کنند.

شرکت‌های متوسط می‌توانند با سرمایه‌گذاری و مشارکت در ساخت و بهره‌برداری از پالایشگاه‌های کوچک (نیروگاه‌هایی که نیاز به سرمایه‌گذاری متوسط هستند مانند نیروگاه‌های گازی) و نیز صادرات و واردات انواع انرژی نفت، گاز، برق و فرآورده‌های نفتی در این حوزه فعال شوند. و بالاخره طرح‌هایی که نیاز به سرمایه‌گذاری وسیع دارند مانند پالایشگاه‌های بزرگ توسعه و بهره‌برداری میداین و ... نیاز به ورود شرکت‌های بزرگ و یا حتی کنسرسیومی از شرکت‌های بزرگ دارد.

برای گسترش مشارکت مردمی بایستی زمینه‌های گسترش آنان را فراهم کرد. بسیاری از شرکت‌های فعال در صنعت نفت و انرژی با مشکلات تأمین مالی روبرو هستند. روش‌های متعددی برای تأمین مالی می‌توان پیشنهاد کرد. در میان این روش‌ها، تأمین مالی ربالی و همراه با ساز و کار رد دیون در زنجیره تولید، می‌توان هم صنعت نفت را تأمین کرد و هم شرکت‌های داخلی را در تأمین

نیازهای این صنعت داخل کرد. توسعه زنجیره ارزش افزوده فیزیکی از راهکارهای مشارکت بیشتر بوده است. زیرا هر چه زنجیره ارزش افزوده عمیق تر باشد و در صنایع پایین دستی، با سرمایه‌گذاری کمتر، ارزش افزوده و اشتغال بیشتر حاصل گردد.

۳-۴- جایگزینی و تنوع بخشی

اقتصاد کشور ما دارای نقاط آسیب و گلوگاه‌هایی است که تحریم‌ها و فشارهای دشمنان به کشور از همین گلوگاه‌ها صورت می‌پذیرد. لذا برای کاهش تهدیدات این نقاط که معمولاً همراه با وابستگی خاصی برای کشور هستند، بایستی تنوع و تکثر را در موارد مهم و وابسته‌ساز و در موارد ضروری و حیاتی، جایگزینی کامل این موارد را دنبال کرد. تنوع و تکثر در موارد وابسته‌ساز، وابستگی را کم کرده و قدرتمندی را به دنبال دارد. کلیه مسیرهای تعاملی با خارج از کشور، منابع درآمدی کشور، شرکای تجاری و ... مشمول این قاعده هستند. اقتصاد کشور از ابزارهایی استفاده می‌کند - یا می‌کرده - که بر اداره آنها تسلط ندارد. بهتر است موارد جایگزینی کامل قرار گیرند، چرا که استفاده از آنها، مسیری برای دشمنان برای لطمه‌زدن به کشور است. تحریم‌های دلار، یورو و سوئیت در چند سال اخیر گواه این مدعا هستند.

۱-۳-۴- وابستگی‌های موجود و سیاست‌های پیشنهادی

هم‌اکنون کشور ما دارای وابستگی‌های متعددی، مرتبط با حوزه انرژی است که مهمترین آن وابستگی به نفت در بودجه است. این وابستگی علاوه بر آثار سوء فروش و تحریم‌های حامل از آن، در شرایط عادی و غیرتحریمی نیز به دلیل ورود ارز زیاد به کشور و زمینه‌سازی بیماری هلندی برای کشور بسیار زیان‌بار است. علاوه بر آن صادرات انرژی کشور به تعداد محدودی از کشورها، وضعیت بیمه‌های دریایی و کشتیرانی، تمرکز سکوه‌های صادراتی نفتی کشور در غرب تنگه هرمز و عمدتاً در خارک و سیبری، سیستم سنتی فروش نفت (که به کشورهای خاص و از طریق مذاکره است)، ملاک قیمت‌گذاری نفت کشور (که براساس بورس کشورهای متخاصم است)، وابستگی در تجهیزات و فناوری‌های صنایع مرتبط با بخش انرژی کشور، عدم تنوع در سبد انرژی کشور و حضور سرمایه‌گذاری‌های خارجی در توسعه میادین از مهمترین وابستگی‌های این حوزه به شمار می‌آیند. برای کم کردن اثر این وابستگی‌ها می‌توان راهکارهایی را پیشنهاد کرد. توسعه پالایشگاه‌های کوچک (به منظور تکثر در پالایشگاه‌ها و نیز توسعه زنجیره ارزش افزوده)، کاهش خام‌فروشی و تنوع در صادرات فرآورده‌ها (زیرا تحریم این کالاها سخت‌تر است. چرا که مشتریان بیشتری دارند)، تنوع در مبادی صادراتی (مخصوصاً در شرق تنگه هرمز)، تعدد مشتریان و مقاصد صادراتی از طریق ساز و کارهای شفاف مانند بورس نفت که امکان قیمت‌گذاری را در غیر از بورس‌های خاص و معروف دنیا فراهم می‌آورد)، تولید پراکنده انرژی در کشور (و براساس آمایش سرزمینی) و تنوع در سبد انرژی کشور (و به خصوص انرژی‌های نو مانند بادی و خورشیدی) از جمله مواردی است که می‌توان پیشنهاد کرد.

۴-۴- تعامل با کشورهای منطقه / همسو

نیاز به تجدیدنظر در اولویت‌گذاری برای انتخاب شرکای تجاری خویش در کشور وجود دارد. بایستی در این انتخاب به کشورهای منطقه و نیز کشورهایی که دارای همسویی ایدئولوژیک می‌باشند اولویت بیشتری داده شود. چرا که کشورهای با همبستگی اقتصادی بیشتر تمایل کمتری به ورود در توافقات امنیتی علیه یکدیگر دارند و از سوی دیگر کشورهای منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت‌های مشترک ایشان امنیتشان به هم گره خورده است. لذا منطقه جغرافیایی خاورمیانه از هر دو جهت حائز اهمیت است. زیرا بسیاری از کشورهایی که با ما همسویی ایدئولوژیک دارند، درون منطقه خاورمیانه قرار دارند.

۴-۴-۱- نقاط قوت و فرصت‌های پیش روی ایران و راهکارهای پیشنهادی

در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با توجه به موقعیت ژئوپلتیک خود و نیز نیازهای کشورهای همسایه و کشورهای مستقل در سطح جهانی (مانند کشورهای BRICS، جنبش عدم تعهد و ...) روابط اقتصادی خویش را جهت نیل به منافع اقتصادی و امنیتی برقرار نمایند. به عنوان مثال گسترش صادرات نفت به کشورهای BRICS و عضو جنبش عدم تعهد، فرآورده‌های نفتی به کشورهای همسایه مانند پاکستان، برق به عراق و ... می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. با توجه به موقعیت ژئوپلتیک ایران و امکان ترانزیت انرژی در خط لوله صلح، ترانزیت انرژی از کشورهای CIS و ... پایداری اقتصادی بیشتری را برای کشور به همراه خواهد داشت. بالا بردن سطح فناوری صادرات فیزیکی از راهکارهای اصلی به منظور نیل به گره خوردن امنیت کشورهای مقصد به امنیت کشور است. زیرا هر چه سطح فناوری صادرات بالاتر باشد، درجه وابستگی متقابل کشور وارد کننده به کشور صادر کننده بیشتر است.

۴-۵- سیاست‌های عمودی و گزینشی

درخصوص انتخاب نوع فعالیت‌های اقتصادی کشور به‌خصوص صنعتی و فناوری - بایستی اولویت‌بندی هوشمندانه‌ای داشته باشیم. این اولویت بایستی متناسب با نیازمندی‌های اساسی کشور باشد. به‌گونه‌ای که اولاً کسب ارزش افزوده بیشتر در فعالیت‌ها مد نظر قرار گیرد (ترجیحات اقتصادی) و ثانیاً کاهش آسیب‌پذیری کشور در آنها لحاظ شود. (ترجیحات نظری) در ترجیحات اقتصادی، رویکرد به سمت استفاده بهینه از منابع انسانی و مالی و هدایت این منابع به سمت عرصه‌های با ارزش افزوده، بیشتر است. در ترجیحات نظری، هدایت منابع به سمت رفع نیازهای ضروری و کالاهای استراتژیک و حیاتی کشور به‌منظور خودکفایی و در مرحله بالاتر صادرات این نوع کالاهاست. (اولویت‌گذاری هدفمند)

بایستی صنایع و رشته‌های اولویت دار به گونه‌ای تنظیم شوند که آنچه که به بقای کشور مربوط می‌شود و اهمیت حیاتی دارد، به مزیت کشور تبدیل شود. صنایع مربوط به غذا، دارو، انرژی و صنایع دفاعی از این جمله هستند. اگر کشور در این زمینه‌ها صاحب

فناوری و صنایع دانش‌بنیان شود، به طوری که به صادرکننده عمده این محصولات تبدیل شود، عملاً امکان تحریم و فشار به کشور کاهش می‌یابد.

در این خصوص بایستی اولویت‌گذاری محصولات پایین دستی، فناورانه و تجهیزات حیاتی صنایع مربوط به انرژی به منظور خودکفایی در درجه اول و پس از آن به قصد صادرات به کشورهای تولیدکننده انرژی مدنظر قرار گیرد. این امر علاوه بر آن که ارزش افزوده بالاتری را برای کشور به همراه دارد، متضمن خوداتکایی کشور در قسمت‌های حساس صنعت نفت و گاز در درجه اول و سپس وابستگی کشورهای نفت‌خیز به کشور ماست. هرچه فناوری این محصولات پیشرفته‌تر باشد، این وابستگی بیشتر خواهد بود و موجب عدم ورود کشورهای فوق در توافقات امنیتی، سیاسی و اقتصادی علیه کشور ما می‌گردد.

همچنین با توجه به ترجیحات اقتصادی، بایستی تولید صیانتی نفت و گاز در بلندمدت و بهره‌برداری از مخازن مشترک در کوتاه مدت در دستور کار قرار گیرد.

۴-۶- ارتباطات سیستمی اقتصاد مقاومتی

حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بایستی به صورت هماهنگ با اقتصاد مقاومتی و ذیل مبانی اسلامی به گونه‌ای طراحی گردند که انسجام الگوی مقاومتی برقرار گردد. ادبیات متناسب با جهاد و مقاومت در حوزه فرهنگی و اجتماعی به موازات حوزه اقتصاد بایستی با سازوکارهای اجتماعی و فرهنگسازی مناسب به منظور مدیریت مصرف و جلوگیری از اسراف و بهبود فضای فعالیت تولیدی و اقتصادی همراه باشد. برای این منظور بایستی در فرهنگسازی ترجیح مصرف کالای داخلی به کالای خارجی، ترجیح تولید داخل به واردات، پرهیز از مصرف‌گرایی و... مدنظر قرار گیرد.

در عرصه دیپلماسی خارجی، توسعه گفت‌وگوهای مستضعفین و تحریم متقابل کشورهای متخاصم، کاهش واردات کالا از کشورهای متخاصم، یافتن شرکای تجاری جدید و افزایش حجم مبادلات با کشورهای غیرمتخاصم و نیز باز تنظیم ارتباطات کشور مبتنی بر عزت و اقتدار ملی بایستی در دستور کار قرار گیرد.

فرهنگسازی در زمینه مصرف انرژی و جایگاه انرژی از جمله موارد پیشنهادی است. بایستی مردم را متوجه این موضوع کرد «که نفت ما سلاح ماست نه غذای ما» بالا بردن آگاهی عمومی برای تشخیص این امر از وظایف رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی است. همچنین در عرصه دیپلماسی می‌توان از نفت به عنوان یک ابزار برای دیپلماسی فعال استفاده کرد. البته برای این منظور بایستی وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت قطع شده باشد تا بتوان از نفت در این موضوع استفاده کرد.

۶-۷- افشاسازی

اقتصاد مقاومتی بایستی ساختار حاکمیتی نظام بین المللی را که مبتنی بر پیوند میان قدرت و ثروت و سوء استفاده از نهادهای مختلف بین المللی برای توسعه استعمار و بهره کشی از سایر ملل توسط نظام سلطه است، به چالش بکشد. سوء استفاده‌هایی که ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، جهان‌روا شدن ارزهای خود و ... می‌کنند و از آن طریق علاوه بر سوء استفاده‌های سیاسی، منافع هنگفتی را به رایگان در خدمت خود می‌گیرند، هنوز برای بسیاری از مردم و حتی اندیشمندان کشورهای مختلف و از جمله کشور ما پوشیده است. منافع سرشار حاصل از دلارهای نفتی^{۳۰۲} برای ایالات متحده، جنگ‌های که در چند دهه اخیر برای تصاحب منافع نفتی در کشورهای نفت خیز توسط کشورهای بلوک غرب به راه افتاده است، تسلط یکجانبه کشورهای مصرف کننده نفت در بورس‌های شاخص نفت دنیا (و قیمت‌گذاری گاه‌ها نظام‌مند آنان) مواردی است که می‌تواند توسط رسانه‌ها مطرح شوند.

۴. جمع بندی

در این مقاله ابتدا مروری بر جنبه‌های مختلف نظری اقتصاد مقاومتی داشتیم. پس از بیان چند روش تحقیق در الگوی اقتصاد مقاومتی روش تحقیق خود را در این مقاله معرفی کردیم. اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این روش تحقیق دارای راهبردهای مختلفی است که هر کدام از آنها در حوزه‌های مختلف اقتصادی راهکارهای متفاوتی دارد. تصویر هر کدام از این راهبردها در حوزه انرژی، راهکارهای متفاوتی دارد که در این مقاله برخی از این راهکارها پیشنهاد شده است. راهکارهای پیشنهادی علاوه بر این که در مقابله با تحریم‌های نفتی می‌تواند راهگشا باشد، به افزایش توانمندی کشور در این حوزه می‌انجامد.

مراجع:

۱. روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، حسن دانایی فرد، مهدی الوانی، عادل آذر، تهران: صفار: اشراقی ۱۳۸۳
۲. اقتصاد مقاومتی: مبانی و راهبردها، میثم نریمانی، حسین عسکری، تهران، انتشارات سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۹۱
3. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11804>
۴. چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی، میثم نریمانی، حسین عسکری، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، اردیبهشت ۱۳۹۱



استقلال اقتصادی زیر بنای استقلال سیاسی (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)

حسین تقی نژاد ، احمد مومنی

مدیر عامل شرکت گاز خراسان شمالی ، کارشناسی ارشد مدیریت پروژه

کارمند شرکت گاز خراسان شمالی ، کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران همواره در معرض دشمنی قرار داشته و دارد و در برابر آن مقاومت نموده است و دشمنان هر روز در قالبی جدید وارد صحنه می گردند تا بر پیکره نظام جمهوری اسلامی ایران ضربه وارد نمایند، یک روز در قالب جنگ نظامی، یک روز در قالب جنگ فرهنگی و نرم و روزی دیگر در قالب جنگ اقتصادی و تحریم ها وارد صحنه می گردد. کاملا واضح و روشن است که هدف تمام این تلاش ها دلسرد کردن مردم نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد . برای مقابله با اقدامات دشمن، نیازمند ساز و برگی قدرتمند می باشیم که جنگ اقتصادی نیز از این امر مستثنی نمی باشد و باید نظام اقتصادی متناسب وضعیت کنونی جامعه ایجاد گردد.

در این مقاله استدلال شده که نه تنها استقلال اقتصادی پیوندی عمیق با استقلال سیاسی دارد. بلکه شرط لازم برقراری آن، استقلال سیاسی است. متعاقب گذر از سطح خاصی از بلوغ استقلال سیاسی، زمینه نمو استقلال اقتصادی فراهم می گردد. متقابلا در سطوح مختلف توسعه اقتصادی، شدت رشد استقلال و توسعه سیاسی متفاوت است. هر اندازه سطح توسعه یافتگی کشورها پایین تر باشد، تجربه مردم آنها در کسب استقلال سیاسی کمتر است و هر چقدر در استقلال سیاسی کم تجربگی بیشتر مشهود باشد، آشنایی مردم با استقلال اقتصادی کم مایه تر خواهد بود. بنابراین رابطه ای که بین توسعه یافتگی و استقلال در وجود سیاسی و اقتصادی برقرار است، به شکل معادله ای خطی می باشد.



مشارکت مردمی و توسعه اقتصادی (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)

حسین تقی نژاد ، احمد مومنی

مدیر عامل شرکت گاز خراسان شمالی ، کارشناسی ارشد مدیریت پروژه

کارمند شرکت گاز خراسان شمالی ، کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی

چکیده:

مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که در بردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی و انداختن رأی به صندوق تا مساعدت مستقیم به ارضای نیازهای اجتماعی و همچنین دخالت مردم در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاریشان به آن بستگی دارد. علاوه بر این مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی، انجمن‌ها و جنبش‌هایی از همه نوع که حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فراگردی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند. در این مقاله برآنیم تا بتوانیم رابطه بین مشارکت مردمی و توسعه اقتصادی را تبیین نمائیم.



اقتصاد مقاوتی، حمایت از تولید ملی و کاهش وابستگی نفتی

سعید کشفی

مسئول پایش واثربخشی آموزش، مجتمع گاز پارس جنوبی (عسلویه)

چکیده:

اصطلاح «اقتصاد مقاوتی» اولین بار در تاریخ ۱۶/۶/۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات اقتصادی کشور شد. برگ برنده ایران در تمام عرصه‌های یاد شده، حضور گسترده و قاطعانه مردم بعنوان اصلیتین حامی نظام و گوش به فرمان رهبری بوده است، در این مرحله نیز هدف نهائی دشمن از این تحریم‌های گسترده این است که با تحت فشار قرار دادن مردم، آن‌ها را در مقابل نظام قرار دهد، اگرچه مسئولان آمریکائی در اظهارات خود، هدف از این تحریم‌ها را «دولت ایران» عنوان می‌کنند نه ملت ایران، اما مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: "می‌گویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ می‌گویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می‌گیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است". [۱].

آنچه مسلم بنظر می‌رسد، این است که: وابستگی شدید اقتصاد ما به نفت، این «سرمایه بین نسلی»، یک «نقطه ضعف آشکار» در اقتصاد ماست که دشمن در این جنگ تمام عیار اقتصادی، بصورت ویژه بر روی آن تمرکز کرده است تا این نقطه «ضعف» را به «تهدید» ی جدی علیه ما تبدیل کند، ما باید نوع نگاهمان به نفت را تغییر دهیم، باید بپذیریم که نفت یک «سرمایه» است و نه «درآمد»، باید بپذیریم که «خام فروشی» بدترین نوع استفاده از این سرمایه تمام شدنی است.

و بفهمیم بین سرمایه و درآمد فرق است، نفت سرمایه است نه درآمد. کسی با نفت‌فروشی بخواهد مملکت را اداره کند یعنی با سرمایه‌فروشی، نفت را باید تبدیل کرد به یک سرمایه دیگر از آن درآمدش باید استفاده کرد.

اقتصاد مقاوتی ما باید تمام تلاش و توان خود را برای حل هرچه سریع‌تر این معضل اساسی به کار ببندد و این شدنی نیست مگر با پایبندی به "الزامات اقتصاد مقاوتی".



ممیزی انرژی ساختمان اداری شرکت گاز ناحیه ۲ مشهد

سمیه کاراندیش، حسام الهی، نیما امین، مهدیه کنعانی

کارشناس مدیریت انرژی شرکت گاز خراسان رضوی، کارشناسی ارشد شیمی

شرکت توان گستر آلتون

چکیده:

در دنیای امروز مدیریت و بهینه سازی مصرف این حامل انرژی هم از نقطه نظر حفظ و سیادت از منابع انرژی و هم از نظر کاهش آلودگی های محیط زیست بسیار حائز اهمیت می باشد. با توجه به مصرف بالای انرژی در کشور، مطالعه ای در رابطه با مصرف انرژی در ساختمان اداری مجموعه گاز ناحیه ۲ شرکت گاز استان خراسان رضوی صورت گرفته است. پس از انجام ممیزی و استقرار نظام مدیریت انرژی، در نهایت راهکارهای مدیریتی کاهش مصرف انرژی در این ساختمان به شرح گزارش ارائه گردیده است. در این راستا پس از جمع آوری کلیه داده های مورد نیاز در رابطه با ساختمان های مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده روند کلی مصرف انرژی مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین راهکارهای بهینه سازی مصرف انرژی ارائه و از دیدگاه اقتصادی در سه سناریوی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دسته بندی شده است.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

بررسی و چالشهای اقتصاد مقاومتی؛ پیاده سازی آن از ایده تا اجرا در منطقه چهار عملیات انتقال گاز ایران

رسول داودی نژاد: کارشناس ارشد مهندسی صنایع مدیر منطقه چهار عملیات انتقال گاز

احسان نورالهی: کارشناس ارشد مهندسی مکانیک مهندس ارشد آزمایش خطوط لوله منطقه چهار عملیات انتقال گاز

سید محمدرضا سعیدی: کارشناس ارشد مهندسی مکانیک مهندس ارشد تعمیرات دستگاهها و تأسیسات منطقه چهار عملیات انتقال گاز

هادی میرمحرابی: کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی مسئول ثبت و کنترل مصرف موجودی امور کالای منطقه چهار عملیات انتقال گاز

چکیده:

چندی است که واژه اقتصاد مقاومتی به تواتر و از زبان افراد گوناگون شنیده می شود. اینکه این واژه چه مفاهیمی را در خود نهفته دارد و چه نوع راهبردهای اقتصادی دی را در پس خود همراه دارد، از موضوعاتی است که شاید کمتر به طور ملموس به آن پرداخته شده باشد و به خصوص شرکت‌های دولتی پایین دستی چندان خود را درگیر آن ندانسته و چنین مفاهیمی را تنها در سطوح بالای مدیریتی دارای کاربرد می‌انگارند. لذا در این فرصت تلاش گردیده ضمن بیان تاریخچه تحریم ها و فشارهای اقتصادی بر کشورمان، تعاریف دقیق تری از اقتصاد مقاومتی و حوزه های آن به طور اجمالی ارایه گردیده و در ادامه به آنچه در منطقه چهار عملیات انتقال گاز به عنوان یکی از مناطق پرداخته می شود، شرکت انتقال گاز ایران، جهت پیاده سازی حداکثری این موضوع به انجام رسیده اقدامات این منطقه در حوزه های گوناگون قابل بررسی می باشد که در اینجا به سه بخش کمیته خودکفایی، نظام مشارکت و مشاوران جوان مدیریت منطقه اکتفا می گردد.

ناتوانی اقتصاد بازار آزاد در مدیریت مصرف انرژی، لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی

سعید خدیوی رفوگر ، فرزانه صادقی

چکیده:

نظام بازار آزاد و مدل‌های اقتصادی مبتنی بر آن همواره ادعا می‌کنند که منابع را به بهترین وجه و بهینه‌ترین شرایط تخصیص می‌دهند. این در حالی است که در چندین سال اخیر با مطرح شدن مسئله شکست بازار ناتوانی این نظام در مدیریت اقتصاد و به تبع آن تخصیص بهینه منابع بیش از پیش مشهود گردیده است.

یکی از منابع مهم و حیاتی که نظام بازار آزاد توانایی تخصیص بهینه آن را ندارد انرژی است. از این رو توجه به موانع و مشکلات پیش روی نظام بازار در ایجاد مصرف انرژی، کارآمد ضروری به نظر می‌رسد. هدف از نگارش این مقاله بررسی ادبیات موضوع مربوط به این مسئله می‌باشد تا بدین طریق ضرورت و لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی به عنوان بدیل و یا حتی المقذور به عنوان مکملی برای نظام بازار آزاد در ایجاد مصرف انرژی کارآمد نشان داده شود. بدین جهت با توجه به گستردگی مطالعات مربوط به این موضوع در کشورهای صنعتی سعی شده است تا با بررسی سیر تاریخی این مطالعات و معرفی بهترین تقسیم بندی از این موانع که توسط آژانس بین المللی انرژی ارائه گشته و شامل: اولویت پایین مسئله انرژی، مشکل دسترسی به سرمایه، بازارهای ناقص و شکست بازار می‌باشد؛ موانع پیش روی نظام بازار در بهینه مصرف انرژی را توضیح دهیم و در پایان توانمندی اقتصاد مقاومتی از دو جنبه توجه به نظام اسلامی و فرهنگ مصرف در رفع و کاهش این موانع و مشکلات را نشان دهیم.

خلاقیت و نوآوری رمز دستیابی به استراتژی های رقابتی اتربخش در راستای اقتصاد مقاومتی

علی حتمی، موسی کریمی، محمد نوبخت

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، کارشناس ارشد امور ایثارگران شرکت ملی گاز ایران
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازاریابی، مدیر عملیات استانیهای خدمات انفورماتیک
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بین الملل، کارمند ارشد بانک ملی

چکیده:

استراتژی های رقابتی یا استراتژی کسب و کار سازمان چگونگی رقابت و برتری در برابر رقبا، چهارچوب ها و الگوی رقابت و جایگاه و چشم انداز لازم را برای سازمان تعیین تا بتواند با استفاده از توان خلاقیت و نوآوری سازمان خود به یکی از خواسته خود اقتصاد مقاومتی را پیاده ساز ی نماید. از مهم ترین استراتژی های رقابتی که در ادبیات موضوع عنوان شده اند می توان به استراتژی های سه گانه رقابتی پورتر اشاره کرد. در این مقاله با بکارگیری اهمیت خلاقیت و نوآوری در استراتژی های رقابتی؛ به ارائه مدل مفهومی تعدیل یافته استراتژی های رقابتی پورتر پرداخته شده و راهکارهایی جهت افزایش خلاقیت و نوآوری ارائه شده است. امروزه نیروی انسانی ماهر و توانمند به عنوان عامل مزیت رقابتی سازمانها محسوب می شود. نیروی انسانی که بتواند از استعدادها و قابلیت های خود استفاده کند، مسئولیت پذیری بیشتری داشته باشد و بتواند خلاقیت و نوآوری از خود نشان دهد. مطالعات نشان داده اند که ایجاد شرایط و بستر مناسب فرهنگی، زمینه ساز بروز خلاقیت و نوآوری در سازمان است که کارکنان با تاثیر گذاری بر افکار یکدیگر و تکمیل ایده ها بتوانند نتایج مفیدی را برای سازمان به ارمغان بیاورند که یکی از این نتایج اجرای فرهنگ اقتصاد مقاومتی می باشد

در این پژوهش با توجه به تلاشهای انجام شده زمینه های جدیدی جهت تحقیق و بررسی پژوهشگران آتی ایجاد می شود که مهم ترین آنها چگونگی اجرایی کردن این مدل به نحو مؤثرتر و پیدا کردن راهکارهایی جهت کاهش ریسک استراتژی نوآوری (بعد چهارم) می باشد با توجه به این نتایج، می توان گفت بین احساس توانمندی کارکنان در سازمان و بروز خلاقیت، بین فرهنگ سازمان و احساس توانمندی کارکنان و همچنین بین فرهنگ سازمانی و خلاقیت ارتباط مستقیم وجود دارد.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که ابعاد توانمندسازی روانشناختی کارکنان به ترتیب اهمیت در شرکتهای عبارتند از: شایستگی، مسئولیت پذیری، تسهیم در اطلاعات، مؤثر بودن، مهارت، خودتعیینی و معناداری. در این میان شایستگی بیشترین تاثیر را بر خلاقیت دارد.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

بررسی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران و مصادیق آن در شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی

بهرروز ابهری

کارشناس ارشد علوم اقتصادی- مدرس دانشگاه، رئیس پژوهش و توسعه بسیج منطقه آذربایجان شرقی

چکیده:

اعمال تحریم های یک جانبه و محدودیت های مالی و تجاری، همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران در طول سی و دو سال گذشته بوده و مرتباً بر حجم این تحریم ها افزوده است.

اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم های بین المللی مطرح شده است. هم اکنون اقتصاد ایران باید بر مبنای اصول درستی گام نهد تا از این رهگذر بتواند بر تحریم های بین المللی فائق آمده و تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کند.

تبدیل نفت به محصولات و خدمات مبتنی بر نفت یکی از راهبردهای اساسی است که هم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی را کاهش می دهد و هم باعث رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال از طریق توسعه زنجیره ارزش افزوده و صادرات می شود.

استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در فروش نفت یکی دیگر از راهبردهای مقابله با تحریم نفت می تواند مدنظر قرار گیرد. این موضوع برای متقاضیان اروپایی نیز خوشایند خواهد بود، چراکه آن ها نیز به دنبال راه های دور زدن تحریم ها هستند و در حال حاضر برخی از صاحبان پالایشگاه های اروپایی حاضرند برای نجات خود، با بخش خصوصی ایران برای واردات نفت، قرارداد امضا کنند.

مدیریت مصرف از مسائل اساسی مطروحه در اقتصاد مقاومتی است. اتخاذ الگوی صحیح مصرف- علی الخصوص در مصرف فرآورده های نفتی- و تعیین حد مطلوب مصرف، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. صرفه جویی شامل بخش دولتی، بخش خصوصی و مردم می شود و تمام افراد و ارگان ها و سازمان های جامعه می باید الگوی مصرف بهینه را در پیش گیرند.

نقش و تاثیر شرکت ملی پخش در اجرای سیاست های اقتصادی دولت یک نقش بسیار حساس می باشد. اجرای مرحله اول هدفمندی یارانه ها برای ساماندهی به مصرف بی رویه سوخت و تدوین راهکارهای متعدد برای جلوگیری از قاچاق سوخت، نقش این شرکت را در مرحله دوم طرح تحول اقتصادی دولت باتوجه به گستره فعالیت آن در کشور، بسیار حساس تر از قبل نموده است. تدوین و ارائه راهکارهای صحیح برای تغییر مصرف بنگاه های تولیدی و تشویق آنها به استفاده از فناوری هایی با مصرف بهینه انرژی و همچنین برنامه ریزی برای حمایت از طریق یارانه در بخش های حساس تولیدی مثل کشاورزی یا کالاهای استراتژیک باید بیش از پیش مورد توجه سیاست گذاران این شرکت قرار بگیرد.

اقتصاد مقاومتی و نفت

عبدالله افضلی، سعید عباسی، مهدی آوری

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر-دانشکده اقتصاد و مدیریت
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر-دانشکده اقتصاد و مدیریت
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر-دانشکده اقتصاد و مدیریت

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحت فشارهای خارجی از جانب کشورهای مختلف بوده و در این مدت با فراز و نشیب های زیادی مواجه شده است. کشور با اعمال سیاست های درست و به موقع توانسته این فشارها را کنترل و در بعضی از مواقع این فشارها سبب فشار بر مردم و مسئولان شده است، لذا در این موقعیت که فشارها از سوی کشور های مخالف نظام شدت و نظم بیشتر گرفته رهبر معظم انقلاب که از ابتدا تا کنون این اقدامات را رسد و توصیه های لازم را به مردم و مسئولان می کنند برای دفع توطئه های دشمنان موضوع اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند و از همه ی اهل علم و دانشگاهیان برای ارایه و تبیین علمی از مفهوم اقتصاد مقاومتی دعوت کرده اند. در این مقاله با کمک مطالعات انجام شده در حوزه های انرژی و با کمک روندهای درآمد، مصرف، تولید، صادرات و واردات نفت و فرآورده های نفتی سعی شده نقاط ضعف و قدرت در این حوزه ها که مهم تر و در شرایط تحریم می تواند فشار زیادی را به مردم و مسئولان وارد کند را مورد بررسی قرار داده ایم که نتایج نشان دهنده شرایط نسبتاً مطلوب در برخی از حوزه های فرآورده های نفتی و شرایط نامطلوب در برخی دیگر از حوزه ها می باشد، در حوزه درآمدهای نفتی در شرایط مناسب قرار داریم ولی در توزیع با مشکلات زیادی مواجه هستیم که نیاز به بازنگری اساسی در این زمینه می باشد حال آنکه توانسته ایم در زمینه تولید سازه ها و تاسیسات نفتی اقدامات خوبی انجام دهیم ولی برای شرایط کنونی کشور این اقدامات کافی نبوده و باید سریعتر اقدامات لازم در جهت تأمین این موارد در داخل کشور انجام شود.



اقتصاد مقاومتی و سیاستگذاری انرژی

زهرا هادی نیا، اکرم هادی نیا

دانشجو کارشناسی ارشد رشته اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه

دانشجو کارشناسی ارشد رشته اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

چکیده:

کشور ایران علیرغم اینکه در زمینه سوخت های فسیلی پتانسیل بالایی در جهان دارد، از نظر استفاده از انرژی های تجدیدپذیر نیز بنا به موقیت جغرافیایی و طبیعی خود از جایگاه مناسبی برخوردار می باشد.

در حال حاضر درصد بالایی از درآمدهای کشور، به درآمد نفتی وابسته بوده و کشورهای متخاصم غربی نیز با علم به آن، بهترین راه غلبه بر ایران را تحریم نفت می دانند. در چنین شرایطی میتوان با استفاده از اصول اقتصاد مقاومتی به مقابله با این تحریم ها پرداخت. کشور ایران با استفاده از سیاستگذاری های بهینه انرژی، و با استفاده از انرژی های نو (تجدید پذیر) از قبیل انرژی زیست توده و انرژی خورشیدی، میتواند با این تحریم ها به مقابله برخیزد.

این مقاله در پی ارائه راهکار های مناسب جهت استفاده از انرژی های نو در کشورمان در راستای مقابله با تحریمهای قدرتهای استکباری، کاهش هزینه های جاری دولت و حرکت در مسیر توسعه پایدار می باشد.



بررسی روش بازرسی خط لوله ۳۰"/۳۶" انتقال گاز اهواز-آبادان و نتایج آن با استفاده از

پیگرانی هوشمند

عنایت کرمی ارجلو، علی حسین پور، آقشام نوروزی لرکی

کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک، کارمند منطقه یک عملیات انتقال گاز-خطوط لوله اهواز

(رئیس بهره برداری خطوط لوله اهواز)- مهندس مکانیک

کارمند منطقه یک عملیات انتقال گاز - مهندس مکانیک

چکیده:

تست‌های غیر مخرب از جمله پیگرانی هوشمند خطوط لوله مدفون بهترین گزینه بازرسی فنی جهت تعیین عمر باقی مانده و شناسایی نقاط آسیب پذیر خطوط لوله می باشد. پیگرانی به روش های TFI و MFL بکارگیری یک متد تست غیر مخرب به منظور تعیین میزان کاهش فلز در خطوط لوله مدفون می باشد.

در پیگرانی ۱۲۵ کیلومتر خط لوله انتقال گاز فشار قوی با فشار طراحی (psi) ۱۰۵۰ و حداکثر فشار بهره برداری (psi) ۸۰۰ اهواز تا آبادان که در سال ۹۰ انجام شد، یافته های تجربی ارزشمندی به دست آمد که در این مقاله سعی شده به بخشی از آن اشاره شود.

برخی چالش‌های پیش روی بهره بردار خطوط انتقال گاز به منظور انجام پیگرانی در خط لوله گازدار وجود دارد و از جمله آن محدودیت در سرعت حرکت پیگ در خط لوله به منظور به دست آوردن یافته های دقیق و متعاقب آن کاهش اجتناب ناپذیر جریان گاز است.

در این مقاله علاوه بر موارد فوق این مطالب مورد اشاره قرار می گیرد: اصول کار پیگ هوشمند مغناطیسی و مکان یابی پیگ با استفاده از آهنربا یا مگنت های ثابت و سیار، اقدامات قبل از پیگرانی از جمله آماده سازی خط لوله، اطلاعات عملیاتی پیگ، نحوه ارزیابی عیب، نتایج آماری حاصل از پیگرانی هوشمند، مشکلات مشاهده شده در عملیات پیگرانی، نقاط ضعف و قوت پیگرانی الکترونیکی TFI و MFL در خط لوله، گراف ها و منحنی های به دست آمده از پیگرانی.



اقتصاد مقاومتی از ایده تا اجرا؛ در منطقه چهار عملیات انتقال گاز

احسان نورالهی^۱، سید محمدرضا سعیدی^۲، هادی میرمحرابی^۳

۱ و ۲- کارشناس ارشد مکانیک

۳- کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی

چکیده:

چندی است که واژه اقتصاد مقاومتی به تواتر و از زبان افراد گوناگون شنیده می شود. اینکه این واژه چه مفاهیمی را در خود نهفته دارد و چه نوع راهبردهای اقتصادی را در پس خود همراه دارد، از موضوعاتی است که شاید کمتر به طور ملموس به آن پرداخته شده باشد و به خصوص شرکتهای دولتی پایین دستی چندان خود را درگیر آن ندانسته و چنین مفاهیمی را تنها در سطوح بالای مدیریتی دارای کاربرد می انگارند. لذا در این فرصت تلاش گردیده ضمن بیان تاریخچه تحریم ها و فشارهای اقتصادی بر کشورمان، تعاریف دقیق تری از اقتصاد مقاومتی و حوزه های آن به طور اجمالی ارائه گردیده و در ادامه به آنچه در منطقه چهار عملیات انتقال گاز به عنوان یکی از مناطق شرکت انتقال گاز ایران، به انجام رسیده پرداخته می شود. اقدامات این منطقه در حوزه های گوناگون قابل بررسی می باشد که در اینجا به سه بخش کمیته خودکفایی، نظام مشارکت و مشاوران جوان مدیریت منطقه اکتفا می شود.



الگوی اقتصاد مقاومتی در صنایع بالادستی نفت

محمود مویدی، عمادالدین مسافری، علی بنیادی، میلادهمایونی زاده

چکیده:

با توجه به شرایط حساس کشور و فشارهای همه‌جانبه دول غربی و هدف قرار دادن شریان اصلی اقتصاد کشور (صنعت نفت) در شرایط فعلی، وجود برنامه‌ریزی منعطف و هدفمند با رویکرد گذر از تحریم امری حیاتی است. شاید مدیریت در شرایط حاضر را بتوان به نوعی مدیریت بحران نامید که مطمئناً کارکردن در آن تفاوت‌های فاحشی با روند معمول داشته و به تبع به مدیرانی منعطف و عمل‌گرا نیز نیازمند است.

به کارگیری نوعی خاص از مدیریت که رهبری انقلاب آن را در حوزه اقتصاد با عنوان "اقتصاد مقاومتی" نام نهادند، شاید نگرشی نو به برخوردی عمل‌گرایانه با مقوله تحریم باشد. در این بین صنعت نفت همان گونه که در بالا بیان شد، به عنوان سکندار اقتصاد مقاومتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این مقاله بر آن است تا با تعریف اقتصاد مقاومتی و توجه به اهمیت آن، الگویی مهم در این زمینه را در حوزه صنایع بالادستی نفت و گاز ارائه نماید.



تجلی اقتصاد مقاومتی در آرمان "اقتصاد بدون نفت"

مدیریت درآمدهای نفتی با نگاه به ادبیات "اقتصاد بدون نفت"

مجتبی کریمی؛ پژوهشگاه صنعت نفت-پردیس بالادستی

داود فراهانی؛ رییس امور اداری پژوهشگاه صنعت نفت (و مسئول پایگاه بسیج شهید چمران پژوهشگاه صنعت نفت)

چکیده:

باتوجه به تشدید تحریمها به خصوص در بخش انرژی، بزرگان و مدیران ارشد نظام، یگانه راه مقابله با اینگونه تنگ نظریهای بیگانگان را در رشد و تعالی اقتصاد داخلی که در ادبیات اقتصاد مقاومتی تجلی یافته است دیده اند. مفهوم اقتصاد مقاومتی درباره مدیریت درآمدهای نفتی را میتوان مدیریت اقتصاد بدون نفت تعریف کرد؛ چراکه یکی از آرمان های انقلاب اسلامی اقتصاد بدون اتکا به درآمدهای نفت است. با اینحال، این آرمان و آرزو هنوز تحقق پیدا نکرده است. اقتصاد برپایه درآمدهای نفتی مصائبی به دنبال دارد که نابودی تولید داخلی و افزایش بی رویه مصرف گرایی از جمله آن است.

این مقاله میکوشد تا ضمن برشمردن مصائب اقتصاد نفتی، به دلایل اجرایی نشدن این آرمان اصلی انقلاب پردازد و راهکارهای مدیریت درآمدهای نفتی برپایه اقتصاد غیر نفتی از نقطه نظر کارشناسان را ارائه نماید. حسن مطلع مقاله بیانات رهبری نظام درباره اقتصاد غیر نفتی است.



کاربرد مهندسی ارزش در مدیریت مصرف انرژی

مجتبی قلندر

کارشناس ارشد مدیریت دولتی/مالی

منطقه ۹ عملیات انتقال گاز

سید رسول حسینی برنتی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی/بازاریابی

چکیده:

موضوع مقاله حاضر کاربرد مهندسی ارزش در مدیریت مصرف انرژی می باشد. هدف این مقاله ارائه مفاهیم، برنامه کاری و اصول پیاده سازی مهندسی ارزش و همچنین بررسی اهداف مهندسی ارزش در مدیریت مصرف انرژی می باشد. روش جمع آوری داده ها، کتابخانه ای و با استفاده از منابع دسته اول می باشد، نتایج بدست آمده بیانگر آن است با توجه به رشد فزاینده مصرف برق در کشور، صرفه جویی های لازم در جهت مصرف انرژی با به کارگیری روش های اصلاح الگوی مصرف در جامعه ما امری ضروری به نظر می رسد و در این راستا به کارگیری روش های مهندسی ارزش به عنوان ابزاری قدرتمند در جهت بهبود بهره وری و بهینه سازی مصرف انرژی از جمله عوامل موثر می باشد.



ارائه مدل‌های رتبه بندی اعتباری مشتریان بانکها بر اساس روش های داده کاوی برای دستیابی به

اهداف اقتصاد مقاومتی در جهت تخصیص بهینه اعتبارات به پروژه های بخش انرژی کشور

رویال عمران، اکرم هادی نی، صالح هادی نیا

استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد تبریز (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد حسابداری و حسابرس دیوان محاسبات کشور

چکیده:

مقاله حاضر درصدد ارائه مدل‌هایی از ارزیابی ورتبه بندی اعتباری مشتریان بانکها در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است. بدین منظور ابتدا به بیان چابستی وچرایی کارکردهای نظام رتبه بندی اعتباری و ضرورت های وجود آن در نظام پولی-اعتباری کشور می پردازد. سپس تعریفی از اقتصاد مقاومتی ارائه شده تا مبنایی برای طراحی و ارائه مدل‌های رتبه بندی اعتباری مقاومتی قرارگیرد. در این بخش ضرورت و میزان دقت و کارایی این مدلها در اثربخش بودن اعتبارات حوزه انرژی کشور و اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان اصل اساسی بیان میگردد. طی این مقاله اهداف سیاستگذاران نظام بانکی کشور ذیل دو عنوان تخصیص درست و بهینه اعتبارات و به زعم آن کاهش بدهیهای دولت ازبابت اصل و سود و جرائم (معوق) اعتبارات پروژه های حوزه انرژی کشور در قالب اقدامات بانکهای عامل و برآوردهای نظام مند براساس مدل‌های ارائه شده بیان گردیده تا مبنایی جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی از طرق بیان شده باشد. از آنجائیکه بانک مرکزی مرجع تصویب و ابلاغ آیین نامه ها و بخشنامه ها و ناظر بر اجرا بوده پیشنهادات علمی ارائه شده در این مقاله معطوف به اقدامات بانک مرکزی می باشد.

بررسی تاثیر تقویت مهارت کارآفرینی بر کاهش وابستگی به اقتصاد نفتی و حمایت از اقتصاد

مقاومتی: مطالعه ای در بین دانشجویان فنی

ماریا حمیدیان ، سحر حمیدیان ، حجت الله نوری

کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران- رئیس امور اداری دانشکده علوم دریایی دانشگاه صنعت نفت و مدرس دانشگاه پیام نور آمل-

کارشناس ارشد مدیریت دولتی - کارشناس وزارت علوم تحقیقات و فناوری.

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی- دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز ی- کارشناس ارشد شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی

چکیده:

در نیای رقابتی امروز مهارت‌های نیروی انسانی خبره و اندیشه و تفکر این عامل، محرک اقتصادی و تولیدی هر جامعه ای به شمار می آید. پس از تشدید تحریمها علیه ایران در سالهای اخیر این شیوه توسط حکومت ایران بین حکومتها تبلیغ و ترویج می‌شود و در اقتصاد مقاومتی هدف استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریمها با ایجاد کمترین بحران است. اقتصاد مقاومتی چگونه در خدمت مقاومت ملی باشد؟ از چندی پیش، رهبر انقلاب اسلامی با طرح موضوع اقتصاد مقاومتی، توجه نخبگان و اقتصاددانان را به مشخصات یک نظام اقتصاد مطلوب از نگاه نظام جمهوری اسلامی ایران جلب نموده اند؛ اما اقتصاد مقاومتی به چه معناست؟ در عرصه ی سیاست گذاری، چه تصمیم هایی ما را به اقتصاد مقاومتی نزدیک و چه سیاست هایی از آن دور می کند؟ در این میان آنچه برای اقتصاد مبتنی بر نفت ما اهمیت دارد کاهش وابستگی به صادرات نفتی و افزایش ابعاد اقتصادی می باشد. افزایش مهارت‌های کارآفرینی با رویکرد ایجاد کسب و کار های کوچک و با سرمایه اندک می‌تواند مفری برای این موضوع در نظر گرفته شود. هدف این مقاله بررسی تاثیر تقویت مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان سال آخر بر کاهش وابستگی به اقتصاد تک بعدی و حمایت اقتصاد مقاومتی بوده است نتایج تحقیق حاکی از تاثیر کلی این مهارتها بالاخص مهارت‌های فنی- تخصصی و مدیریتی می باشد.

بررسی وضعیت انرژی در ایران و جهان و جایگاه بورس انرژی ایران در وضعیت کشور

حسین احمدی مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشکده مهندسی پیشرفت

چکیده:

با مروری بر وضعیت انرژی ایران و جهان مشخص می شود که کل جریان انرژی داخلی کشور ۱۶۸,۶ میلیون بشکه معادل نفت خام است که بخش خانگی تجاری عمومی بیشترین سهم را از این جریان انرژی دارد. بزرگترین میدان نفتی در عربستان واقع است و ایران با ۱۵۱,۲ میلیارد بشکه ذخایر نفتی دارای سهم ۹,۱٪ از ذخایر جهان می باشد. میدان گازی پارس جنوبی که میدان مشترک ایران و قطر است، بزرگترین میدان گازی دنیاست. ایران ۱۶٪ کل ذخایر گازی دنیا را دارا می باشد. ذخایر ذغالسنگ کل دنیا در سال ۲۰۱۱ حدود ۸۶۱ میلیارد تن برآورد شده که بیشترین آن در اروپا و اواسیا واقع است. ایران علاوه بر دارا بودن پتانسیل بالای ذغالسنگ، سهم ناچیزی در تولید ذغالسنگ دارد. این مقاله با هدف شناسایی بهتر پتانسیلها، ظرفیتها و وضع موجود حوزه انرژی در ایران و جهان صورت گرفته است تا سیاست گذاران با شناخت این حوزه بهتر عمل کنند. باروش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از شیوه اسنادی درصدد آنیم که نشان دهیم و جود بورس انرژی در کنار بورس کالا با توجه به وضعیت کشورها چه تاثیری بر اقتصاد کشور و منطقه دارد. وجود بورس در کشور باعث افزایش مبادلات نفت و گاز در منطقه می شود، افزایش مبادلات نفت و در کنار آن مبادلات کالایی در بورس ایران باعث افزایش وابستگی کشورهای جهان به این منطقه بخاطر وجود بورس انرژی برای تامین انرژی مورد نیاز و بورس کالا برای فروش کالاهای تولیدی به این منطقه، خواهند شد. درچنین شرایطی اعمال تحریمهای علیه کشورمان درحقیقت هزینه ی بسیار سنگینی برای کشورهای جهان و به ویژه برای کشورهای اعمال کننده تحریم به همراه خواهد داشت، ضمن اینکه وجود چنین بازاری در ایران باعث افزایش کارایی صنایع داخل، بهبود حمل و نقل، رونق صنایع مرتبط با پتروشیمی و افزایش اشتغال خواهد شد. بدیهی است که شکل گیری بورس کالایی در کنار بورس انرژی در صورتی صنایع تولیدی داخلی را تقویت کرده و باعث رشد و توسعه پایدار کشور در بلندمدت خواهد شد که از درآمدهای نفتی صرفا برای ایجاد زیرساختها بکار رود به عبارتی در بخش مولد اقتصاد سرمایه گذاری شود.



اقتصاد مقاومتی با تاکید بر ضرورت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

جواد حسین زاده

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

چکیده:

در هر جامعه ای، ساختارها و نهادهای قانونی و غیرقانونی، آشکار یا پنهان، روابط و عملکرد اقتصاد را به گونه ای که تضمین کننده ادامه حیات آن باشد شکل می دهند. این ساختارها و نهادها در طول دوره های تاریخی شکل می گیرند و در کشورهای مختلف، متفاوت هستند. تاریخ ایران با یک دوره طولانی از نظام های اقتدارگرا، رفتار اقتصادی ایرانیان را در قالب خاصی شکل داده و این نوع از رفتار با کشف نفت و شباهت دولت های نفتی به نظام های اقتدارگرا در تخصیص و توزیع منابع و درآمدها، تداوم یافته است. و اکنون شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور به گونه ای است که وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی، اهرم فشاری برای کشورهای بیگانه جهت رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی آنان شده است. این موضوع ضرورتی به عنوان اقتصاد مقاومتی را در ایران ایجاد کرده است. در این مقاله ضمن تبیین ساختار و ماهیت اقتصادی جامعه، اثر نوسانات نرخ ارز و تغییر در نرخ بهره را که در نتیجه تحریم ها روی می دهد، بر اقتصاد ایران تحلیل می کنیم. مطالعه به روش اسنادی و با دیدی انتقادی انجام گرفته است. نتیجه این نوشتار، اثرگذاری تحریم ها را نتیجه ساختار و رفتار اجتماعی و اقتصادی می داند؛ که ناشی از اقتصاد نفتی است. در پایان لزوم اصلاح برخی رفتارها و نهادهای قانونی در اقتصاد ایران برای تحقق اقتصاد مقاومتی پیشنهاد شده است.



خام فروشی و خام سوزی ممنوع

غلامرضا فرجی ، سیده زینب علوی، زهرا حسابی

رئیس امور مهندسی و اجرای طرح ها ، شرکت گاز استان قم

ناظر اجرای طرح ها ، شرکت گاز استان قم

مهندس کنترل شبکه های گازرسانی ، شرکت گاز استان قم

چکیده:

در این مقاله با توجه به فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری در خصوص مقابله با خام فروشی مواد معدنی و نفت و تدبیر طرح اقتصاد مقاومتی و نیز شرایط کنونی ایران در جهان، تبدیل مواد خام (نفت و گاز) به فرآورده هایی با ارزش افزوده بالا ، مقابله با خام سوزی در داخل کشور و تامین انرژی از طریق روش های تجدید پذیر به جای استفاده از سوخت های فسیلی ، مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهاداتی ارائه گردیده است .



اقتصاد مقاومتی و مدیریت مصرف نفت و گاز و فراورده ای نفتی

روح اله قابضی^۱، محمد باقر اشرفی^۲

۱- معاون برنامه ریزی و مالی پایگاه بسیج علمی و تخصصی شهید دکتر چمران پژوهشگاه صنعت نفت

۲- جانشین پایگاه بسیج علمی و تخصصی شهید دکتر چمران پژوهشگاه صنعت نفت

چکیده:

مقام معظم رهبری در چند سال اخیر با نامگذاری سالها با عناوین اقتصادی اهمیت مسایل اقتصادی و برنامه ریزی دشمن برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی از این طریق را یاد اوری کرده اند. طرح موضوع اقتصاد مقاومتی از سوی معظم له نشان دهنده عمق نگاه رهبری به موضوع است. صنعت نفت ایران با توجه به نقش و جایگاه استراتژیکی که در اقتصاد کشور دارد و به تبع آن مسئله مدیریت مصرف نفت و گاز و فراوردهای وابسته به عنوان ، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی مطرح است. در این نوشتار با نگاهی اجمالی به ذخایر نفت و گاز در دنیا و ترسیم جایگاه جمهوری اسلامی در عرصه نفت و گاز جهانی تولید و مصرف فراورده ای نفتی در کشور مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. با عنایت به شدت پنج برابری مصرفی انرژی در کشور موضوع مدیریت مصرف انرژی به ویژه مصرف نفت و گاز و فراورده های وابسته می تواند نقش مهم و تعیین کنندهای در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی مورد نظر رهبر معظم انقلاب داشته باشد. براین اساس راهبردهایی نظیر تولید سیانتی نفت، کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت، اصلاح نظام مالیاتی، اجرای صحیح قانون هدفمندی یارانه ها، توسعه فرهنگ استفاده از حمل و نقل عمومی، حداکثر استفاده از فرصت تحریمها و بهینه سازی الگوی مصرف به عنوان الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی مطرح شده است.

بررسی نقش اقتصاد مقاومتی بر رویکرد تولید ملی پایدار در مجتمع گاز پارس جنوبی

علی اکبر شعبانپور - مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی

غلامرضا بهمن نیا - مدیرپالایشگاه چهارم مجتمع گاز پارس جنوبی

چکیده:

مقام معظم رهبری با مزین نمودن سال ۹۱ به نام تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و همچنین تبیین اقتصاد مقاومتی بعنوان اقتصادی که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه ساز رشد و شکوفایی می گردد. عملاً راهبردمؤثر و جدیدی را به فراخور اوضاع سیاسی - اقتصادی کشورمان ابلاغ فرمودند که بوضوح با شدت یافتن تحریمهای یک جانبه ی غرب علیه کشورمان در جهت متوقف کردن برنامه های صلح آمیز هسته ای، کاربردی می باشد. همسویی رویکرد تولید ملی با راهبرد اقتصاد مقاومتی، از یک سو موجب توانمند سازی اقتصاد کشور در ابعاد گوناگون شده و از سویی دیگر، توسعه و پایداری تولید ملی را در سطح فعالیت های تولیدی بویژه صنایع زیر بنایی کشور را به همراه خواهد داشت.

مجتمع گاز پارس جنوبی، بعنوان بزرگترین قطب تولید گاز در کشور، علاوه بر اینکه خود مصداق بارز تولید ملی است، عملاً با تدوین سیاستهای جدید خود، الگوی مناسبی نیز در عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی محسوب می شود. در این مقاله ضمن بررسی استراتژی های محوری مجتمع جهت دستیابی به تولید ملی پایدار، به ابعاد پنج گانه رویکرد اقتصاد مقاومتی و برنامه های اجرایی آن در زمینه های: نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، کار و تلاش مضاعف، حمایت از تولید داخلی، حمایت از سرمایه های انسانی پرداخته شده است.

شاخص های کمی عملیاتی شدن رویکرد اقتصاد مقاومتی نشان از همسویی ابعاد مختلف آن با استراتژی های تولید در مجتمع گاز پارس جنوبی دارد. این سنجه ها و روند رو به رشد آن در این مقاله ارائه و تحلیل گردیده است.



بهینه سازی گاز طبیعی از الزامات اساسی اقتصاد مقاومتی

خلیل قدیمی دیزج - مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد تحلیل مصارف در شرکت ملی گاز ایران

چکیده:

به عنایت به مفهوم اقتصاد مقاومتی یعنی شکوفایی اقتصاد ملی در شرایط تحریم اقتصادی، مدیریت مصرف انرژی از جمله گاز طبیعی که بیشترین سهم را در سبد انرژی کشور دارد، از ضرورت‌های مهم و اجتناب ناپذیر محسوب می‌گردد. در مقاله حاضر ضمن تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی، به بررسی و تحلیل دلایل اصلی مصرف بی‌رویه گاز طبیعی طی دهه اخیر پرداخته شده است و همچنین تاثیر هدفمندی یارانه ها بر مصرف گاز طبیعی به عنوان یکی از سیاست‌های بهینه سازی انرژی مورد ارزیابی واقع شده است. و در نهایت راهکارهای پیشنهادی جهت مصرف بهینه گاز طبیعی در راستای تقویت اقتصاد مقاومتی، ارائه شده است.



تبلور اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران

سید پژمان سادات گوشه ، امیر بنی کریمی

چکیده:

کشورها برای رسیدن به سطوح بالاتر توسعه، به انرژی نیاز دارند، به طوری که توسعه بدون استفاده از انرژی ممکن نیست. صنعت نفت ایران با ظرفیت های بی شمار اقتصادی و صنعتی خود می تواند در برنامه ریزی، سازماندهی و اجرای طرحهای بزرگ اقتصادی کشور پیشرو بوده و راه گشای صنایع کشور در عرصه تولید ملی و نهادینه نمودن اقتصاد مقاومتی در کشور باشد. صنعت نفت به عنوان بزرگترین بنگاه صنعتی اقتصادی کشور و همچنین تامین کننده انرژی کشور، گام های بزرگی در جهت نهادینه نمودن اقتصاد مقاومتی برداشته است و نقش مهمی را در آینده نیز ایفا خواهد نمود.

با تلاش، همت و توان بالای کارکنان صدیق صنعت نفت و با استراتژی حمایت از پژوهش، تولید دانش بنیان و توان داخلی و برنامه ریزی های لازم برای افزایش کیفیت و بهره وری، می توان، ارکان اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت را پایه ریزی نمود.

طرح اقتصاد مقاومتی نه تنها راه گشای شرایط کنونی بلکه راهبردی برای نجات و تقویت اقتصاد ملی ما در آینده می باشد.



سیستم گرمایش مرکزی مدولار متشکل از چند دیگ

علی نوروزی منس

شرکت بهینه سازی مصرف سوخت کشور

پایگاه بسیج شهدای گمنام

چکیده:

بحث محدودیت منابع انرژی، کم و بیش برای کلیه کشورها اعم از صنعتی، توسعه یافته و یا در حال توسعه، مشترک می باشد. در کشورهای مختلف به طور متوسط حدود ۴۰ درصد از مصارف انرژی در بخش ساختمانهای مسکونی و تجاری می باشد. همچنین بیشترین سهم مصرفی از میان سوختهای فسیلی متعلق به گاز طبیعی می باشد، که عمده آن در یک ساختمان صرف گرمایش میگردد.

آنچه در این مقاله بررسی شده است، ارائه طرحی نوین برای گرمایش ساختمانها می باشد که به سیستم گرمایش مرکزی مدولار موسوم است. این سیستم از خصوصیات و ویژگیهایی برخوردار است که آنرا در میان سایر سیستمهای حرارت مرکزی برجسته می نماید. راندمان عملکرد بالا، قابلیت تامین تقاضاهای پیک، کاهش آلودگیهای زیست محیطی و آلودگی صوتی، تامین بار سیستم توسط سایر دیگها در صورت خرابی یا تعمیر یک دیگ، نیاز به فضای کم برای نصب و راه اندازی و... از مهمترین خصوصیات این سیستم می باشند.

در حال حاضر سیستم گرمایش مرکزی مدولار با استفاده از چند دیگ، در اروپا توسط کمپانیهای سازنده دیگها و پکیجهای دیواری مورد توصیه قرار می گیرد و به دلیل مزایایی که دارد، نظر متخصصین تاسیسات و مالکان ساختمانها را به خود جلب کرده است.



کاهش وابستگی به نفت

سید علی اصغر توسلیان

کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی

شرکت گاز استان قزوین

مریم باریک بین

وکیل پایه یک دادگستری

چکیده:

هم اکنون صنعت نفت و گاز به عنوان پیشران اقتصاد کشور دارای جایگاه ویژه ای است که مواردی چون تأمین انرژی اولیه مورد نیاز کشور، ایفای نقش اساسی در تحقق اهداف کلان اقتصاد ملی در افق چشم انداز 23 ساله، تأمین بخش عمده ای از درآمد ارزی کشور، موتور محرکه اقتصاد ملی، پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت ملی کشور از طریق توسعه همکاری ها و تعاملات منطقیه ای و بین المللی به آن وابسته است. این در حالیست که در حال حاضر نفت در دنیا علاوه بر تاثیرات اقتصادی، دارای نقش های علمی، تکنولوژیکی و سیاسی نیز می باشد. از نظر مقام معظم رهبری مهم ترین مسأله ای که در حوزه اقتصاد نفت وجود دارد اشاره به این مسأله است که ثروت نفت و گاز متعلق به ملت ایران است و درآمدهای مربوط به آن نباید صرف مخارج روزمره و خرید اقلام مصرفی در بودجه کشور شود؛ بلکه بایستی بودجه جاری کشور مستقل از درآمدهای نفتی باشد و نفت و گاز کشور پس از تبدیل به فرآورده های با ارزش افزوده بیشتر، به منبعی برای پیشرفت زیربنایی و اقتدار اقتصادی ایران تبدیل شود. دستاورد بزرگ تری که از کاهش وابستگی به درآمد نفتی حاصل می شود، ماندگاری ثروت عظیم ملی برای نسل های آینده کشور و ایجاد ارزش افزوده بیشتر با تبدیل نفت خام به فرآورده های با ارزش به جای خام فروشی است. به طور کلی نجات از وابستگی نفت خواسته مقام معظم رهبری و ملت شریف ایران است.



ممیزی روشنایی اداره گاز ناحیه ۲ مشهد با استفاده از نرم افزار Dialux

سمیه کاراندیش^۱، حسام الهی^۲، نیما امین^۳، مهدیه کنعانی^۴

a- کارشناس مدیریت انرژی شرکت گاز خراسان رضوی، کارشناسی ارشد شیمی

b- شرکت توان گستر آلتون

چکیده:

در دنیای امروز مدیریت و بهینه سازی مصرف این حامل انرژی هم از نقطه نظر حفظ و سیادت از منابع انرژی و هم از نظر کاهش آلودگی های محیط زیست بسیار حائز اهمیت می باشد. با توجه به مصرف بالای انرژی در کشور، مطالعه ای در رابطه با مصرف انرژی در ساختمان اداری مجموعه گاز ناحیه ۲ شرکت گاز استان خراسان رضوی صورت گرفته است. پس از انجام ممیزی و استقرار نظام مدیریت انرژی، در نهایت راهکارهای مدیریتی کاهش مصرف انرژی در این ساختمان به شرح گزارش ارائه گردیده است. در این راستا پس از جمع آوری کلیه داده های مورد نیاز در رابطه با ساختمان های مذکور و تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده روند کلی مصرف انرژی مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین راهکارهای بهینه سازی مصرف انرژی ارائه و از دیدگاه اقتصادی در سه سناریوی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دسته بندی شده است.



دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در حوزه انرژی

مدیریت مصرف

علی نصیرونند

چکیده:

امسال چهارمین سال از دهه چهارم انقلاب اسلامی می باشد و به دلیل آمادگی بسیار وسیع و عظیمی که در کشور وجود دارد « دهه پیشرفت و عدالت » نامیده شده است. از آنجا که اقدام اساسی در زمینه پیشرفت و عدالت، مسئله مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی ها و تزییع اموال جامعه می باشد؛ سال ۱۳۸۸ از سوی رهبر فرزانه انقلاب بنام سال « اصلاح الگوی مصرف » نام گذاری شده است. این مقاله به بررسی تطبیقی و توسعه ای راهکارهای کاربردی غیرقیمتی اصلاح الگوی مصرف در بخش انرژی کشور می پردازد. بطور کلی، اتخاذ سیاست ها و راهکارهای اصلاح الگوی مصرف در حوزه انرژی در ۲ بخش عرضه انرژی و تقاضای انرژی قابل بررسی و اجرا می باشد. یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد در کشور ایران بدلیل اینکه تقریباً تمام زنجیره تأمین و عرضه انرژی در اختیار دولت می باشد، دولت می تواند با انجام تحقیقات علمی و هدفمند کردن سرمایه گذاری ها در بخش انرژی و بکارگیری فناوری های نوین در مدت زمان نسبتاً کوتاهی به میزان قابل توجهی در کاهش مصرف انرژی موفق عمل نماید. بخش تأثیر گذار دیگر در کاهش مصرف انرژی، مدیریت تقاضای انرژی می باشد که در این بخش نیز راهبردهای متعددی از جمله قیمت گذاری، آموزش، فرهنگ، پاداش، هنجار، سبک زندگی، استفاده از انرژی های نو و تجدید پذیر، استفاده از تکنولوژی های جدید، استفاده بهینه از مواد و بازیابی آنها و ... وجود دارد.



فرصت های هم افزایی در صنعت انرژی

غلامحسین نیک بخت

چکیده:

با ابلاغ سیاست های کلی بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبر معظم انقلاب، مبنی بر توسعه بخش های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی، زمینه تحقق اهداف بسیار مهم از جمله سرعت یافتن روند رونق اقتصادی و توسعه کشور، اجرای عدالت اجتماعی، فقر زدایی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله فراهم می شود. در این میان بنگاه های متصدی تولید، انتقال و توزیع انرژی که انباشت سرمایه بسیار بالایی دارند از این اصل مستثنی نبوده و خصوصی سازی این بخش مهم و کلیدی اقتصاد کشور به هدف تحقق اهداف مورد نظر، زمینه ساز فرصت های هم افزایی در بین بخش های مختلف صنعت انرژی کشور خواهد بود. خصوصی سازی صنعت انرژی در بخش های نفت، گاز و برق، منجر به توسعه بازارهای نوظهور در حوزه هایی چون تولید، انتقال و توزیع خواهد شد که ضرورت یک همگرایی در بخش های متنوع این صنعت را می طلبد. همگرایی با ایجاد بستر مناسب برای تجارت انرژی و شناسایی مرز عرضه سودمند در نقاط مختلف کشور، شرایط رسیدن به هم افزایی را با در نظر گرفتن بازدهی، امنیت عرضه و محیط زیست، فراهم می آورد.



طراحی یک مدل مبتنی بر توسعه منابع انسانی برای اقتصاد مقاومتی

محمد علی شفیعا^۱؛ علیرضا معینی^۲؛ علیرضا باباخان^{۳*}

^۱ عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران

^{۳*} نویسنده مسئول – دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری دانشگاه علم و صنعت ایران؛ alibabakhan1990@gmail.com

چکیده

توسعه اقتصادی کشورها و ارائه مدل های توسعه ای مناسب و بومی، همواره یکی از زمینه های مورد بحث در عرصه مدیریت توسعه در سالیان اخیر بوده است. برخی از کشورها با اتخاذ رویکردهای بومی برای توسعه اقتصادی، توفیقات زیادی را عاید خود کرده اند. نظریه اقتصاد مقاومتی که از سوی مقام معظم رهبری برای اولین بار مطرح شد، تلاش دارد تا ضمن طراحی یک چارچوب اقتصادی بومی برای ایران، عزت و استقلال اقتصادی کشور را نیز ارتقا بخشد. در این مقاله، با استفاده از تحلیل نظرات مقام معظم رهبری به عنوان نظریه پرداز اقتصاد مقاومتی، و نیز با در نظر گرفتن تحقیقات سایر محققین، عوامل موثر بر رشد اقتصادی و صنعتی کشورها استخراج شده اند. سپس، یک مدل مفهومی برای پیاده سازی موفق فرهنگ اقتصاد مقاومتی با تکیه بر نقش توسعه نیروی انسانی معرفی شده است. برای محک زدن اعتبار مدل پیشنهادی، از نظر خبرگان شرکت کننده در پژوهش و به وسیله مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، جریان فکری، نیروی انسانی.



گزارش تصویری

